اطلاعات

چهارشنبه ۶ دی ۱۳۹۱ ـ ۱۲ صفر ۱٤۳٤ـ ۲۶ دسامبر ۲۰۱۲ـ شماره ۲۵۴۹۰ ـ ۲۰ صفحه به همراه ۸ صفحه ضمیمه – ۲۰۰ تومان

نامه دادستان کل کشور به رئیس جمهوری درباره بدهکاران بانکی

* قوه قضائیه خواستار اعلام اسامی ۳۰۰ بدهکار عمده بانکی است
* دکتر احمدی‌نژاد در مصاحبه اخیر اعلام کرده بود که ۳۰۰ بدهکار بانکی ۶۰ درصد دارایی کشور را بلوکه کرده‌اند و پس نمی‌دهند

صفحه ۱۳

بهره‌برداری از طرح‌های صنعتی و عمرانی خوزستان با حضور رئیس جمهوری

* بهره برداری از ۱۲ هزار و ۷۵۰ واحد مسکن‌مهر در استان خوزستان آغاز شد
* رئیس جمهوری: ملت ایران از فشارهای سیاسی عبور خواهد کرد

صفحه ۱۳

از روز جمعه آغاز می‌شود

نمایش اقتدار ایران در رزمایش دریایی «ولایت ۹۱»

* دریادار سیاری: رزمایش شش‌روزه نیروی دریایی ارتش از پس‌فردا آغاز می‌شود
* رزمایش ولایت ۹۱ در منطقه شرق تنگه هرمز دریای عمان و شمال اقیانوس هند، تا مدار ۱۸ درجه شمالی و در وسعت یک میلیون کیلومتر مربع برگزار می‌شود
* نمایش اقتدار ایران در دریا، نمایش توانمندی نیروهای مسلح در دفاع از منافع کشور و ارسال پیام صلح و دوستی به کشورهای منطقه مهمترین اهداف این رزمایش است
* آزمایش سلاح‌ها و مهمات جدید، انتقال تجربه به نیروهای جوان و آزمایش تاکتیک‌های نو دیگر اهداف رزمایش است
* توان ساخت زیر دریایی در کلاس‌های مختلف را دارا هستیم

سرویس سیاسی –اجتماعی: فرمانده نیروی دریایی ارتش از برگزاری رزمایش دریایی بزرگ و تخصصی «ولایت ۹۱» از هشتم تا چهاردهم دی خبر داد.

به گزارش خبرنگارماامیر دریادار حبیب‌الله سیاری در جمع خبرنگاران اظهار داشت: این رزمایش در منطقه شرق تنگه هرمز، دریای عمان و شمال اقیانوس هند، تا مدار ۱۸ درجه شمالی و در وسعت یک میلیون کیلومتر مربع برگزار می‌شود.

وی گفت: این رزمایش با حضوریگان‌های مختلف‌زیردریایی، ناوشکن‌ها و با انجام تمرینات مختلف رزم سطحی، زیرسطحی، موشکی، اژدر و رزم هوایی و استفاده از انواع پهپادهای بومی و با توجه ویژه به جنگال (جنگ الکترونیک) برگزار می‌شود.

بقیه در صفحه ۲

اجرای مرحله دوم هدفمندی یارانه‌ها منوط به ارائه لایحه است

* عبدالرضا مصری سخنگوی هیات رئیسه مجلس: مردم نگران بنزین ۵ هزار تومانی نباشند زیرا بر مبنای قانون، افزایش قیمت‌ها ممنوع است
* نامه دفتر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در پاسخ به اظهارات یکی از نمایندگان به هیات رئیسه مجلس ارائه شد

سرویس سیاسی ـ اجتماعی، سخنگوی هیات رئیسه مجلس از ممنوعیت افزایش قیمت های حامل‌های انرژی و اجرای مرحله دوم هدفمندی یارانه ها خبر داد.

به گزارش خبرنگار ما، عبدالرضا مصری، ضمن تشریح جزئیات جلسه غیرعلنی دیروز نمایندگان با جمعی از مسئولان در جمع خبرنگاران گفت: «مردم نگران بنزین ۵هزار تومانی نباشند، زیرا بر مبنای قانون، افزایش قیمت ها ممنوع است.»

وی افزود: «اجرای مرحله دوم هدفمندی هم ممنوع است و هیچ افزایشی در قیمت حامل های انرژی نخواهیم داشت.»

به گفته‌وی مرحله‌دوم هدفمندی یارانه ها نیاز به قانون دارد و برابر قانون فعلی امکان اجرای مرحله دوم نیست و اگر قرار است قانونی شود، لایحه‌ای باید به مجلس بیاید و مجلس در مورد آن بحث کند و زمان اجرا مشخص شود.

مصری در مورد علت برگزاری جلسه غیر علنی دیروز توضیح داد: «جلسه بنا به درخواست نمایندگان و تصویب هیات رئیسه مجلس برگزار شد تا بودجه ۹۲ بر اساس اقتصاد مقاومتی که مقام معظم رهبری بر آن تاکید کرده‌اند، تدوین شود؛ لذا بنا شد مجلس جلسه غیرعلنی داشته باشد و نمایندگان دولت، رئیس مرکز پژوهش‌ها و نایب رئیس مجلس سخنانی را در ارتباط با بودجه ۹۲ مطرح کردند.»

بقیه در صفحه ۲

ناظمی اردکانی:

ارائه کارت ملی هوشمند از سالروز میلاد نبی اکرم (ص) آغاز می شود

* زمان نام‌نویسی برای دریافت کارت ملی هوشمند بزودی اعلام خواهد شد
* کارت ملی هوشمند قابل جعل نیست
* تغییر نام و نام‌خانوادگی، تقاضای شناسنامه المثنی و استعلام‌های قضایی بدون مراجعه حضوری و به صورت الکترونیکی انجام خواهد شد

صفحه ١٤

دستگیری ۱۰۰ زورگیر و اوباش در تهران

* سردار ساجدی‌نیا: در صورت تایید مراجع قضایی برگزاری دادگاه برخی از این افراد به صورت علنی از تلویزیون پخش خواهد

صفحه ۱۳

محک — خوش بود گر محک تجربه آید به میان... ابوالقاسم ـ قاسم زاده
۲ سخن همزمان علیه ایران — صفحه ۲

یادداشت
چین و سیاست بین‌الملل — دکتر سیدمحمدکاظم سجادپور — صفحه ۱۲

زاویه
رهایی از چنگال غاصبان خواست مشروع مردم بحرین — صفحه ١٦

گزارش
قصه‌های دور و دراز قصر! — صفحه ۵

نظرها و اندیشه ها
گنجی در طلسم قلعهٔ جمشید — دکتر محمد ابراهیم باستانی پاریزی — صفحه ۶

اخبار شهرستانها
عبرت‌های آموزنده از پدیده طبیعی زلزله — صفحه ۷

اطلاعات ویژه آذربایجان شرقی
ضمیمه رایگان اطلاعات امروز از دکه های مطبوعاتی در استان مربوطه بخواهید

فرهنگی ۱۱۲
ویژه فرهنگی ضمیمه اطلاعات امروز

محک

خوش بود گر محک تجربه آید به میان...

ابوالقاسم ـ قاسم زاده

۲ سخن همزمان علیه ایران

دو روز قبل، خبرگزاری‌ها و رسانه‌های غربی بخش‌هایی از گفته‌های نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی علیه ایران را در صدر اخبار خود قرار دادند. نتانیاهو در سخنرانی انتخاباتی خود گفته است اگر بار دیگر به نخست‌وزیری اسرائیل انتخاب شود، ایران را هدف قرار خواهد داد و مواضع خود را علیه جمهوری اسلامی ایران تشدید می کند تا دستیابی به بایکوت ایران در مورد پرونده هسته‌ای این کشور، به نتیجه برسد. او جمهوری اسلامی ایران را خطر اول برای اسرائیل نامید. سخنرانی وی در حالیکه غربی‌ها در آستانه مراسم سال نو مسیحی هستند، چندان انعکاس سیاسی پیدا نکرد و در محافل سیاسی غرب گفته‌های نتانیاهو را در آستانه انتخابات جدید اسرائیل، تبلیغاتی ارزیابی کردند. در داخل اسرائیل نیز نتانیاهو با مشکلات عدیده‌ای مواجه است و مردم مدیریت او را موجب بحران اقتصادی، سیاسی و اجتماعی می‌دانند. بعد از شکست نتانیاهو در جنگ اخیر با حماس که تنها چهره رژیم صهیونیستی را در افکار عمومی مردم جهان منفورتر کرد، او طرح ادامه شهرک‌سازی و ساختن ۳۰۰۰ واحد مسکونی در دو طرف بیت‌المقدس (شرقی و غربی) را اعلام کرد که با مخالفت آمریکا، روسیه، چین و اتحادیه اروپا روبرو شده است؛ تا آنجا که مجمع عمومی سازمان ملل با رأی بسیار بالا قطعنامه‌ای را علیه سیاست جدید شهرک‌سازی نتانیاهو تصویب کرد. در همه محافل سیاسی غرب از اختلاف نظر آشکار اوباما و نتانیاهو گفت‌وگو می‌شود. واقعیت این است که نتانیاهو با اعلام موضع علیه جمهوری اسلامی ایران و تکرار خطر ایران برای اسرائیل، راه فرار به جلو را انتخاب کرده است. هیچ سیاستمدار صهیونیستی در داخل اسرائیل نمی تواند پیچیدگی‌های مشکلات کنونی را کتمان کند. در داخل اسرائیل احزاب مخالف نتانیاهو و بخش وسیعی از مردم به سخنان ضد ایرانی او واکنش نشان داده‌اند و جمله «بار دیگر نتانیاهو غلط زیادی کرده است» پاسخ آنها در رسانه‌های اسرائیل شده است.

دو روز بعد از سخنان نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، اظهارات وزیر خارجه سعودی علیه ایران خبرساز شد. همزمان با نتانیاهو، سعودالفیصل که گرفتار بیماری شدیدی است، در پایان یکصد و بیست و پنجمین نشست وزیران عضو شورای همکاری خلیج فارس که برای تدوین دستور جلسه نشست سران این شورا در شهر منامه بحرین جمع شده بودند، گفت: «ایران از شرایط کنونی کشورهای عربی برای دخالت کردن به منظور فتنه‌انگیزی، سوء استفاده می کند، وضع ناخوشایند و دخالت ایران نامفهوم است و بارها درباره آن سخن گفته‌ایم.» چند روزنامه عربی این گفته سعودالفیصل را در صفحات اول خود تیتر کردند و رسانه‌های غربی از آن به‌عنوان تهدید وزیر خارجه سعودی علیه ایران یاد کردند؛ اگر چه همه محافل سیاسی منطقه‌ای و بین‌المللی می‌دانند که سعودالفیصل سخت بیمار است و برخی از شخصیت‌های سیاسی عربی اظهار کرده‌اند که گفته‌های او را جدی نمی گیرند، زیرا نمی‌دانند این شاهزاده بیمار، آیا هنوز شعور و هشیاری یک فرد سالم را دارد؟ او بیشتر از چند قدم توان راه رفتن ندارد و اغلب در جلسات رسمی به حالت خلسه و خواب‌آلودگی بسر می‌برد!

یک روزنامه‌نگار لبنانی بعد از گفته‌های وزیر خارجه سعودی که از دخالت ایران در کشورهای عربی گلایه کرده بود، نوشته است، شاهزاده سعودیِ بیمار، گویا حافظه سالمی ندارد و از یاد برده که دولت سعودی رسماً اعلام کرده است که برای براندازی دولت بشار اسد در سوریه از شورشیان حمایت می کند و برای هر شخصیت دارای مسئولیت بالا در دولت بشار اسد که از سوریه خارج و پناهنده شود، جایزه ۲۵ میلیون دلاری تعیین کرده است. تأمین مالی از حساب دلارهای نفتی برای تهیه تسلیحات شورشیان مخالف دولت سوریه نیز سیاست رسمی دولت سعودی شده است. دولت سعودی با اعزام ارتش به کشور بحرین تا حد کشتار مردم این کشور که اعتراض مدنی دارند و خواهان برقراری دموکراسی در کشور خود هستند، پیش‌رفت و به طور رسمی در این کشور دست به دخالت نظامی زد. در لبنان دخالت سعودیها و حمایت از جریان ۱۴ مارس در این کشور، بارها مورد اعتراض دولت و مردم لبنان قرار گرفته است و در عراق، موج ترورها و انفجارها، ریشه در سیاست دولت سعودی برای امتداد دادن بحران و ناامنی در این کشور دارد. حال چگونه است که وزیر خارجه دولت سعودی از دخالت جمهوری اسلامی ایران در امور داخلی کشورهای عربی نام می‌برد و آن را «فتنه‌انگیزی» می‌خواند!؟

واقعیت این است که در صحنه بحران‌ها در خاورمیانه، همواره دولت سعودی برای کمک به رژیم صهیونیستی قدم پیش می گذارد. روش‌های این کار را آمریکا و اسرائیل به دولتمردان سعودی دیکته می کنند. سعودالفیصل در بحبوحه قیام مردم مصر علیه حسنی مبارک، با حمایت از دیکتاتور سابق مصر، مواضع تندی علیه اخوان‌المسلمین گرفت. حکومت سعودی در افکار عمومی مردم مصر، رژیم شاهزاده‌های دیکتاتور و وابسته به آمریکا و اسرائیل خوانده می‌شود. سیاست غلط آنها در سوریه، عراق، بحرین و مصر هزینه‌ای است که آمریکا و اسرائیل بر دوش حاکمیت سلطنتی سعودی گذاشته‌اند. مسلمان‌ها در سراسر منطقه و بخصوص در جوامع عربی دل‌خوشی از شاهزاده‌های عیاش سعودی ندارند. همزمان شدن این گفته سعودالفیصل در منامه با گفته‌های نتانیاهو در اسرائیل نشان می‌دهد که طرح «ایران‌هراسی» و خبرسازی درباره آن، سیاست مشترک آنها است. آنچه که سعودالفیصل را آشفته کرده است، بر آمده از نتیجه پیروزی حماس در فلسطین است، چرا که سران فلسطینی از حمایت جمهوری اسلامی ایران برای تحقق این پیروزی تشکر و قدردانی کرده‌اند. اگر چه سیاست جمهوری اسلامی ایران هنوز مدارا با دولت سعودی است و خواهان روابط دوجانبه مسالمت‌آمیز با عربستان است، اما هنوز خبری از اعتراض وزارت خارجه ما و احضار سفیر این کشور در تهران برای اعتراض به سخنان خصمانه وزیر خارجه سعودی در منامه داده نشده است. سخنانی که همزمان با عربده‌کشی نتانیاهو در اسرائیل علیه ایران، صحنه آرای فضای خبری علیه جمهوری اسلامی ایران شده است.

گفتگوی تلفنی احمدی‌نژاد با رئیس جمهوری مصر

محمود احمدی‌نژاد در گفتگوی تلفنی با محمد مرسی رئیس‌جمهوری مصر، برگزاری موفقیت‌آمیز همه‌پرسی قانون اساسی مصر را به دولت و ملت این کشور تبریک گفت.

به‌گزارش ایسنا، رئیس‌جمهوری روز گذشته در حاشیه سفر به استان خوزستان در تماس تلفنی با همتای مصری خود، اظهار داشت: مطمئن هستم ملت مصر در دوره جدید، به سرعت به سمت قله‌های عزت و پیشرفت حرکت خواهد کرد.

وی خاطرنشان کرد: دو ملت دوست و برادر ایران و مصر در مسیر عزت و پیشرفت همراه هم خواهند بود و ملت ایران از هر نوع همکاری و پشتیبانی و دعا برای موفقیت شما و ملت مصر دریغ نخواهند کرد.

محمد مرسی، رئیس‌جمهوری مصر نیز در این مکالمه تلفنی ضمن قدردانی از احمدی‌نژاد، گفت: دو کشور ایران و مصر با همکاری و تشریک مساعی یکدیگر می‌توانند هرچه سریعتر به پیشرفت دست یابند و در این مسیر، همکاری و ارتباطات نزدیک دو ملت بسیار موثر خواهد بود.

وی همچنین اظهار داشت: رهبران و ملت مصر در مسیر توسعه و پیشرفت خود، توجه وافری به جمهوری اسلامی ایران دارند.

نمایش اقتدار ایران در رزمایش دریایی «ولایت ۹۱»

بقیه از صفحه اول

فرمانده نیروی دریایی ارتش با بیان این‌که این رزمایش در قالب دو نیروی دشمن (کشور نارنجی) و نیروی مدافع (کشور مدافع) انجام می‌شود، تاکید کرد: پس از استقرار در منطقه رزمایش، با به کارگیری تاکتیک‌های نو، منحصربه‌فرد و بومی در سطح و زیر سطح، به انجام عملیات خواهیم پرداخت و عملکرد نیروهای خود را مورد ارزیابی قرار می دهیم.

سیاری گفت: زیردریایی طارق، دو زیردریایی کلاس غدیر و دو هوانا و که به تازگی وارد ناوگروه نیروی دریایی ارتش شده‌اند، در این رزمایش به طور عملیاتی مورد ارزیابی قرار خواهند گرفت. همچنین در زمینه سلاح‌ها، نوآوری‌هایی انجام گرفته است.

اهداف رزمایش

وی در بخش دیگری از سخنانش، از نمایش اقتدار نظام جمهوری اسلامی ایران در دریا، نمایش توانمندی نیروهای مسلح در دفاع از منافع کشور، نمایش توان دفاعی نیروی دریایی ارتش در دفاع از مرزهای دریایی و ارسال پیام صلح و دوستی به کشورهای منطقه به عنوان مهمترین اهداف این رزمایش یاد کرد.

سیاری همچنین گفت: آزمایش سلاح‌ها و مهمات جدید، انتقال تجربه به نیروهای جوان، ایجاد هماهنگی میان نیروهای مختلف و آزمایش تاکتیک‌های نو نیز از دیگر اهداف این رزمایش است.

وی در پاسخ به پرسشی درباره حضور ناوهای کشورهای فرامنطقه‌ای اظهار داشت: ناوهای کشورهای فرامنطقه‌ای مطابق قوانین بین‌المللی در آب‌های منطقه حضور دارند و مسیر خود را ادامه می‌دهند، اما مطمئنا اجازه نمی‌دهیم که به منطقه عملیات ما نزدیک شوند، کما این‌که در رزمایش قبلی (رزمایش دریایی ولایت ۹۰) این اتفاق رخ داد و ما تذکر دادیم و آنها از منطقه دور شدند.

فرمانده نیروی دریایی ارتش درباره حضور در دریاهای آزاد و نتایج حاصل از آن برای کشورمان، گفت: حضور ما در آب‌های آزاد منجر به افزایش توانایی‌های دریایی ما شده است و یکی از راه‌هایی که می‌توان به افزایش توانمندی علمی و صنعتی یک کشور پی برد، حضور آن کشور در آب‌های آزاد است. حضور ما در آب‌های آزاد و پهلوگیری ناوگروه نیروی دریایی ایران در سواحل سودان در دو هفته گذشته نشانگر توانایی بالای ما است.

سیاری همچنین درباره تفاوت‌های این رزمایش با رزمایش‌های گذشته، یادآور شد: در رزمایش ولایت ۹۰ از توانمندی بالایی استفاده کردیم و در آن رزمایش بیشتر جنبه عمومی کار مد نظر بود، اما در رزمایش امسال جنبه تخصصی کار مد نظر است و بیشتر به موارد تخصصی در بحث سطح و زیرسطح در آب های آزاد می پردازیم و اثر گذاری سلاح‌هایمان در سطح و زیرسطح را مورد توجه قرار خواهیم داد.

فرمانده نیروی دریای ارتش تصریح کرد: امروز از توانمندی بسیار خوبی در بحث ناوگان زیرسطحی برخورداریم و توانمندی کنونی ما با سال‌های گذشته قابل مقایسه نیست. سیاری همچنین گفت: ما و برادران سپاه در بحث اطلاعاتی و عملیاتی همکاری داریم و یکدیگر را پوشش می‌دهیم؛ چرا که نیروی دریایی سپاه پاسداران مکمل نیروی دریایی ارتش است.

وی در ادامه در پاسخ به این سئوال که از لحاظ عملیاتی تامین امنیت خلیج‌فارس چند درصد به عهده ارتش و چند درصد به عهده سپاه است گفت: از غرب تنگه هرمز و داخل خلیج‌فارس تحت کنترل عملیاتی سپاه و از شرق تنگه هرمز و دریای عمان و ناوگان شمال کشور تحت کنترل عملیاتی ارتش است و در این راستا خطوط مشخص شده است تا فعالیت‌ها بهتر و منسجم‌تر انجام شود، اما این موضوع به معنی جدایی بین نیروها نیست.

وی درباره جنگ الکترونیک در دریاها و تمرین آن در این رزمایش با تاکید بر این‌که رزم در دریا، رزم علم است، گفت: هر کشوری علمش پیشرفته‌تر باشد، می‌تواند از تجهیزات در دریا بیشتر استفاده کند. جنگ الکترونیک حائز اهمیت است و ما از فضای الکترومغناطیسی موجود در دریا استفاده می‌کنیم و اجازه استفاده دشمن را نمی‌دهیم.

سیاری تاکید کرد: در این رزمایش در عرصه دریا در بحث جنگ الکترونیک سناریوهای خاصی را در نظر گرفته‌ایم.

فرمانده نیروی دریایی ارتش در پایان درباره توانایی ایران در زمینه ساخت انواع زیردریایی‌ها، یادآور شد: به طور حتم ما در کشورمان توان ساخت زیردریایی در کلاس‌های مختلف را داریم.

آغاز رزمایش دریایی سپاه

رزمایش دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با نام «فجر ۹۱» در منطقه میدان مشترک گازی ایران و قطر آغاز شد.

رزمایش دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با نام «فجر ۹۱» و با رمز «یا رسول الله(ص)» در منطقه میدان مشترک گازی ایران و قطر آغاز شد و طی آن یگان های مختلف ساحلی، ساحل به دریا، تکاوری، شناوری، موشکی، جنگال با اجرای تاکتیک های عملیاتی و رزمی، قابلیت و توانمندی خود را برای اجرای تصمیم ها و برنامه های دفاعی و امنیتی به نمایش می گذارند.

رزمایش دریایی فجر ۹۱ سپاه پاسداران که به مدت چهار روز در شعاع آب های داخلی در منطقه عسلویه و پارس جنوبی ادامه خواهد داشت، از جمله برنامه‌هایی است که به صورت متناوب در مناطق مختلف نیروی دریایی سپاه به اجرا درمی آید.

به گزارش فارس، دریادار علیرضا ناصری فرمانده منطقه چهارم نیروی دریایی سپاه اجرای تاکتیک های عملیاتی در این رزمایش را به منظور ارتقای آمادگی یگان های مختلف دریایی سپاه مستقر در منطقه چهارم اعلام کرد و گفت: ما در طی این برنامه میزان و قابلیت دفاعی نفرات و تجهیزات جدید خود را در ابعاد مختلف مورد آزمایش و ارزیابی قرار خواهیم داد.

وی تاکید کرد: ما در شمال و جنوب کشور دارای بیشترین مرز دریایی هستیم و دفاع از این حریم، مقتضیاتی دارد که تمرین ها، حضور فعال در حوزه دریایی و کسب آمادگی های دفاعی در برابر تهدید های احتمالی، بخشی از این مقتضیات است.

دکتر واعظ‌زاده: بدون عدالت، نظام جامعه ناپایدار خواهد شد

رئیس شورای عالی و رئیس مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در جمع مدیران و کارشناسان کمیته امداد امام خمینی(ره)، این نهاد انقلابی را از مردمی‌ترین دستگاه‌های کشور دانست و افزود: اگر کمیته امداد نبود، بخش بزرگی از جامعه با دل‌نگرانی شدید سر به بالین می‌گذاشتند. محرومان و مستضعفان به خاطر رنج کمبود و محرومیت و اقشار برخوردار، بخاطر اینکه طرق مطمئن و گسترده‌ای را نمی‌شناختند تا کمکهای خیرخواهانه خود را به نیازمندان برسانند.

وی گفت: کمیته امداد امام در طول بیش از سه دهه از عمر پربرکت خود، ده‌ها هزار میلیارد ریال از منابع دولتی و مردمی را به شکل‌های مختلف بین مستضعفان توزیع کرده است.

واعظ‌زاده عدالت توزیعی را به عنوان بخشی از یک برنامه جامع، لازم دانست، زیرا به اعتقاد وی همیشه در هر جامعه‌ای گروهی وجود خواهند داشت که توانایی تامین حداقل معیشت خود را ندارند و باید مورد حمایت مستقیم قرار گیرند.

رئیس مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، عدالت توزیعی را به عنوان یگانه راه رفع استضعاف و محرومیت مردود شمرد و فراهم ساختن فرصت‌های پیشرفت برای همه اقشار جامعه به‌ویژه برای اقشار ضعیف را مهمتر از عدالت توزیعی عنوان کرد. وی با تقدیر از کمیته امداد برای توجه به این بعد از عدالت، بر گسترش و نوآوری آن تاکید کرد.

واعظ زاده فراهم ساختن فرصت‌ها به تنهایی موجب برقراری عدالت ندانست.

زیرا در جامعه افراد دارای قابلیت، از فرصت‌ها زودتر و بهتر استفاده می‌کنند در حالی که استعدادهای زیادی در جامعه هست که به علت نظام و مناسبات غیرعادلانه شکوفا نشده‌اند و قابلیت استفاده از فرصتهای برابر را به دست نمی‌آورند و نمی‌توانند از فرصت‌های ایجاد شده بهره‌گیری کنند.

وی پیشرفت و عدالت را دو فرآیند ندانست و افزود: عدالت معیار پیشرفت است و بدون تامین عدالت پیشرفتی نخواهد بود، زیرا نظام جامعه بدون عدالت پابرجا و پایدار نمی‌ماند، لذا حرکت جامعه رو به جلو نخواهد بود و در نتیجه سخن گفتن از پیشرفت در جامعه‌ای که نظام درستی ندارد، بی‌معنی است.

واعظ‌زاده عدالت مطلوب را بر اساس عدالت استحقاقی عنوان کرد و با اشاره به کلام مولا علی(ع) گفت: عدالت به معنی قراردادن هر چیز در جای خود و رساندن هر چیز به حق خود است. مهمترین مسأله در هر جامعه، انسان‌های آن جامعه هستند، بنابراین شایسته‌گزینی و شایسته‌سالاری مهمترین بعد عدالت است. افراد در یک جامعه باید به تناسب شایستگی خود از جایگاه و پایگاه مناسب یعنی از اشتغال و قدرت تاثیرگذاری و مدیریت و رهبری برخوردار شوند و بتوانند با شکوفا ساختن استعدادهایی که خداوند حتما در وجود آنها نهاده است قابلت استفاده از فرصتها و رسیدن به موفقیت‌های بالاتر را پیدا کنند.

وی بی‌توجهی به شایسته‌سالاری را موجب پژمردن و فراموش شدن استعدادها و یأس و انزوای نخبگان دانست و بر توجه برنامه‌ریزی و مدیران سطوح راهبردی به معرفی فرهنگ عدالت و شایسته‌سالاری و تهیه برنامه‌ها و قوانین لازم برای اجرای دقیق آن تاکید کرد.

واعظ زاده ادامه داد: در هر نوع از عدالت اجتماعی علاوه بر وضع عموم مردم، وضع محروم‌ترین اقشار باید به عنوان یک معیار مورد توجه خاص قرار گیرد و دائما بهتر شود و کمیته امداد امام خمینی مسئولیت این امر مهم را بر عهده دارد. از کمیته امداد انتظار می رود به همراه گزارشهای شفافی که از عملکرد خود ارائه داده و می‌دهد، وضع فقر در کشور را هم بررسی و پایش و رصد کند و به عنوان یک کارشناس بی‌طرف و سطح عالی، فراز و فرودهای فقرزدای را گزارش دهند.

وی جریان رفع محرومیت در کشور را از خدمات موفق جمهوری اسلامی ایران ذکر و افزود: فقر و محرومیت مقوله‌ای چند بعدی است و به وضع مادی و معنوی خانوادها بستگی دارد و برای رسیدن به حداقل شرایط مورد قبول کار زیادی باید انجام شود.

وزیر کشور: خانه های روستایی در مقابل زلزله مقاوم می شوند

وزیر کشور گفت: براساس برنامه‌ریزی انجام‌شده از سوی دولت سعی بر این است که تمامی خانه‌های روستایی در مقابل زلزله مقاوم شوند.

به گزارش خبرگزاری فارس، مصطفی محمد نجار با اشاره به روز ۵ دی "روز ملی ایمنی دربرابر زلزله" ضمن گرامیداشت یاد و خاطره همه درگذشتگان حادثه دلخراش زلزله سال ۸۲ در بم، اظهار داشت: با لرزش زمین در بم، هزاران نفر در چشم برهم زدنی از میان ما رفتند و علیرغم کمک‌ها، مهربانی‌ها و نوع دوستی‌های انجام شده، آلام و ابعاد این حادثه جانسوز هیچ گاه از یاد و خاطره ملت شریف ایران نخواهد رفت.

وزیرکشور با اشاره به این که وزارت کشور مجری سیاست‌های عمومی دولت در زمینه مسائل داخلی است، بیان داشت: با توجه به این که ایران یکی از حادثه خیزترین کشورهای جهان محسوب می‌شود، مدیریت بحران کشور به عنوان یک بحث اساسی و مهم در سیاست‌های دولت خدمتگزار دارای جایگاه ویژه‌ای است.

وی با تصریح بر اجرای برنامه کاهش خطر پذیری زلزله در کشور، گفت: باید سه عنصر شناخت ماهیت و حد و اندازه خطر پذیری، اتخاذ تمهیدات و برنامه‌ریزی‌های لازم برای کاهش خطرپذیری و سیاست گذاری و کمک به توسعه و اجرایی شدن برنامه‌های کاهش خطرپذیری را در مقابله با حوادث مد نظر قرار داد.

قائم مقام شورای عالی مدیریت بحران کشور، افزود: با اجرای برنامه‌های کاهش خطرپذیری زلزله می‌توان تلفات و خسارات را کاهش و مرحله بازتوانی و احیا را تسریع بخشید.

وی با بیان این که دولت نهم و دهم در امر مقاوم سازی واحدهای مسکونی اقدامات خوبی را انجام داده است که ثمرات آن را در زلزله ارسباران و خراسان جنوبی مشاهده کرده‌ایم، تأکید کرد: بر اساس برنامه‌ریزی انجام شده از سوی دولت سعی بر این است که تمامی خانه‌های روستایی در مقابل زلزله مقاوم شوند.

نجار با تأکید بر این که در ساخت مسکن باید روش‌های سنتی را کنار گذاشته و به سمت روش های نوین حرکت کنیم، چرا که اجرای برنامه هایی این چنین می تواند خسارات وارده به مردم در هنگام بلایای طبیعی را کاهش دهد، گفت: زلزله یک پدیده طبیعی است و ایمنی در برابر آن بدون مشارکت جمعی به دست نمی آید و باید همه اقشار در آن دخیل باشند.

وی داشتن نگاه علمی و دانش محور با هدف کنترل و مدیریت حوادث را مورد توجه قرار داد و یکی از راهبردهای اصلی کاهش خسارات و تلفات را استفاده از فناوری جدید دانست.

وزیر کشور، افزایش سطح آگاهی ها و اطلاعات عمومی مردم در جهت آمادگی مقابله با حوادث، بازسازی بافت‌های فرسوده در مناطق مسکونی شهرها، بهسازی و بازسازی مسکن روستایی، ایمن سازی مدارس، اجرای برنامه آموزشی جامعه محور، توجه جدی به بحث آموزش کودکان و نوجوانان و اجرای برنامه آموزشی خود امدادی و دیگر امدادی در روستاها را از جمله برنامه‌های دولت و وزارت کشور برای کاهش خسارات و تلفات در مقابل حوادث برشمرد.

وی روز ایمنی در برابر زلزله را فرصت مغتنمی برای قدردانی و سپاسگزاری از زحمات و تلاش‌های همه مسئولین و دست اندرکاران امر مدیریت بحران و مقابله با حوادث خصوصاً امدادگران، بسیجیان، نیروهای نظامی و انتظامی و همه کارگروه های تخصصی ملی و استانی دانست و از مردم بزرگوار ایران که همیشه حامی و تکیه گاه خدمتگزاران خود در نظام مقدس جمهوری اسلامی هستند، تقاضا نمود خدمتگزاران خود را در توسعه فرهنگ ایمنی و کاهش خطرپذیری سکونتگاه های شهری و روستایی مساعدت و همراهی نمایند.

قائم مقام شورای عالی مدیریت بحران کشور در پایان ابراز امیداوری کرد که با ترویج فرهنگ مقام سازی، دیگر شاهد خسارات عظیم انسانی و مالی در اینگونه حوادث ناگوار نباشیم.

وزیر بهداشت: ۱۲ قلم ماده اولیه دارویی آماده رونمایی است

وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی گفت: ۱۲ قلم از ۳۰۰ قلم مواد اولیه دارویی فراخوان داده شده آماده رونمایی است.

به گزارش فارس، دکتر مرضیه وحید دستجردی افزود: ۱۶۰۰ قلم دارو در کشور داریم که ۳۰ درصد آنها مربوط به بیماران سرطانی و صعب العلاج است و تا کنون ۱۴ قلم از آنها برای این بیماران به تولید انبوه رسیده است.

وی ادامه داد: مهم این است که مواد اولیه دارویی را تولید کنیم، لذا فراخوان تولید مواد اولیه ۳۰۰ قلم را داده ایم.

وزیر بهداشت افزود: شرکت های دارویی در معرض فشارند، زیراهم ریالی که باید بدهند ۱۳۵ درصد افزایش پیدا کرده است و هم مشکلات ارزی وجود دارد. جلسه‌ای با سندیکاهای دارویی داشتیم که مشکلاتشان را گفتند و باید با کمک بانک مرکزی و وزارت صنایع آنها را حل کنیم و حداقل مشکلات ریالی شان برطرف شود.

دکتر وحید دستجردی همچنین گفت: تعرفه های درمانی فقط سالی یک بار افزایش می یابد که تیرماه امسال این رشد اعمال شد، بنابر این تا پایان امسال این نرخ افزایش نمی یابد.

وی اضافه کرد که این وزارتخانه کار خود در باره تعیین تعرفه های درمانی سال ۹۲ را چند ماه مانده به پایان سال انجام می دهد.

دکتر لاریجانی: توجه به بخش خصوصی، ضرورت توسعه اقتصادی است

رئیس مجلس شورای اسلامی با اشاره به نقش بخش خصوصی در توسعه اقتصادی، اظهار داشت: با توجه به کمبود بودجه در سال آینده، استفاده از بخش خصوصی در ساخت پروژه‌های عمرانی و صنعتی می‌تواند به رشد اقتصادی کشور کمک قابل توجهی کند.

به گزارش ایسنا، دکتر علی لاریجانی دیروز در دیدار با اعضای مجمع نمایندگان استان قزوین، گفت: استان قزوین ظرفیت‌های مناسبی برای توسعه حمل و نقل مسافر و کالا دارد و یکی از این ظرفیت‌ها، محقق شدن پروژه راه‌آهن قزوین ـ قم است که با استفاده از فاینانس چین می‌تواند محقق شود.

وی افزود: کارخانه‌های زیادی در این استان قرار دارد و می‌توان با استفاده از بخش خصوصی به توسعه صنعت استان کمک شایان توجهی کرد و نمی‌توان با توجه به کمبود بودجه توقع زیادی از دولت داشت.

رئیس قوه مقننه خطاب به اعضای مجمع نمایندگان استان، تاکید کرد که جلسه‌ای با یک نماینده از وزارت صنعت و بانک مرکزی به منظور رفع حل موانع دریافت تسهیلات برای کارخانه‌های موجود داشته باشید.

لاریجانی در ادامه تصریح کرد: استان قزوین از نظر گردشگری ظرفیت بالایی دارد که می‌تواند با تقویت این بخش و بازسازی بناهای قدیمی مانند مدرسه صالحیه و کاروانسراهای دوره صفویه، به رونق گردشگری و درآمدزایی استان کمک کرد. دیروز همچنین دکتر لاریجانی با رئیس کمیته دفاع و امنیت ملی مجلس ویتنام دیدار داشت. وی در این دیدار گفت: «ظرفیت‌های مناسبی برای توسعه همکاری‌های میان ایران و ویتنام وجود دارد»

به گزارش فارس دکتر علی لاریجانی در دیدار با نگوین کیم خوآ رئیس کمیته دفاع و امنیت ملی مجلس ویتنام با اشاره به اهمیت تقویت و تحکیم مناسبات دوجانبه در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی اظهار داشت: ظرفیت‌های مناسبی برای توسعه و گسترش همکاری‌های میان جمهوری اسلامی ایران و ویتنام وجود دارد و مجلس شورای اسلامی بر توسعه روز افزون مراودات دوستانه دو طرف به‌ویژه روابط پارلمانی تأکید دارد.

رئیس کمیته دفاع و امنیت ملی مجلس ویتنام در پایان روابط سیاسی و پارلمانی میان ویتنام و ایران را دوستانه خواند و تصریح کرد: رفت و آمد مقامات سیاسی و پارلمانی دو کشور سبب بسط و توسعه مراودات دوستانه در عرصه‌های مختلف به ویژه روابط پارلمانی می‌شود.

اجرای مرحله دوم هدفمندی یارانه‌ها منوط به ارائه لایحه است

بقیه از صفحه اول

وی با اشاره به نگرانی مجلس در مورد این که برخی حرف ها موجب اختلاف نشود گفت: «وقتی قرار است کار بزرگی در کشور انجام شود، قطعا باید بین نخبگان جامعه و قوای سه گانه تعاملی ایجاد شود و به یک نقطه نظر برسند.»

وی ادامه داد: «ولی این که قوا به صورت فردی و بدون در نظر گرفتن ملاحظات کشور وارد قضیه شوند، این مورد پسند مجلس نیست».

مصری تامل و همکاری بیشتر را گزینه مورد نظر مردم بیان کرد و گفت: «باید مطالعات جدی صورت بگیرد و هر دو طرف واقعیت ها را اول بین خودمان بسنجند و بعد از آن جامعه را از آنها با خبر کنیم.» وی افزود: «مجلس آمادگی صد در صد تعاملی دارد، اگر چه معتقد است اجرای فاز دوم هدفمند کردن یارانه ها شوکی است که تبعات ان قابل پیش بینی نیست و آن مقداری هم که پیش بینی می شود، مصلحت کشور نیست.» به گفته مصری ما فعلا باید برنامه ریزی هایمان بر مبنای اقتصاد مقاومتی باشد و خود ما نباید متغیرهایی را ایجاد کنیم که خروجی آن لطمه به اقتصاد بزنند.

سخنگوی هیات رئیسه مجلس در پاسخ به سئوالی در مورد لایحه بودجه سال آینده توضیح داد: «برابر آیین نامه ۱۵ آذر باید لایحه بودجه به مجلس می رسید و بعد از آن روند رسیدگی از ابتدا تا انتها در جلسات علنی صورت می گرفت.» وی تاکید کرد: «در جلسه غیر علنی مباحث کارشناسی مطرح شد و تصمیم گیری و قانونگذاری بعد از ارائه لایحه بودجه صورت می گیرد.»

نماینده مردم کرمانشاه با ابراز بی اطلاعی از زمان ارائه لایحه بودجه تاکید کرد: «ممکن است شرایطی پیش بیاید که مجلس یک دوازدهم یا دو دوازدهم بودجه را تصویب کند؛ اما امیدواریم به زودی لایحه بودجه برسد و با تامل و همفکری آن را تصویب کنیم.» وی ابراز امیدواری کرد که لایحه بودجه به گونه ای باشد که تحقق آن در سال ۹۲ نزدیک به ۱۰۰ درصد باشد. مصری گفت: «انتظار و توقع ما این است که روند بودجه در زمان خودش انجام شود که بعدها به اماو اگر نرسد. باید واقعیت ها را در نظر بگیریم و زمان را از دست ندهیم. به قانون احترام بگذاریم و در زمان هایی که قانون پیش بینی کرده کار را انجام دهیم تا از خروجی های آن بتوانیم بفهمیم اشکال از قانون بوده یا از جای دیگر.»

مصری در مورد پاسخ به سئوالی در مورد پاسخ دفتر آیت الله هاشمی رفسنجانی توضیح داد: «مجلس به دفتر آقای هاشمی پاسخ داد که این حق برابر ماده ۷۸ برای آن محفوظ است، کما این که برای هر ایرانی این حق محفوظ است که اگر از تریبون مجلس اهانت، اتهام یا سخن ناروایی وارد شود، تا دو برابر زمانی که ناطق در این زمینه صحبت کرده است، می تواند پاسخ دهد.

جوابیه دفتر آیت الله هاشمی رفسنجانی به مجلس

یک عضو هیات رئیسه مجلس هم از دریافت نامه جوابیه دفتر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی خبر داد و گفت که در صورت رعایت مفاد آیین‌نامه داخلی مجلس، این نامه در جلسه علنی امروز قرائت خواهد شد.

جواد جهانگیرزاده در گفتگو با ایسنا، افزود: نامه دفتر رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام به تاریخ ۴ دی ماه مطابق با ماده ۷۸ آیین‌نامه داخلی روزسه‌شنبه توسط رئیس دفتر مجمع تشخیص مصلحت نظام به مجلس واصل شد.

وی از تشکیل جلسه کمیته حقوقی ماده ۷۸ برای بررسی این نامه خبر داد و گفت: جلسه کمیته حقوقی ماده ۷۸ متشکل از جمعی از اعضای هیات رئیسه را برگزار می کنیم و با رعایت مفاد مختلف ماده ۷۸ در صورت تایید کمیته و بر اساس آیین‌نامه، این جوابیه فردا -امروز- در صحن علنی قرائت خواهد شد.

به گفته این عضو هیات رئیسه مجلس، دو ضرورت قید شده در ماده ۷۸ که دفاعیه بیش از دو برابر اصل مطلب اظهار شده و متضمن توهین و افترا نباشد، در جلسه کمیته حقوقی مورد توجه قرار می گیرد.

جوابیه دفتر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی ظهر دیروز توسط حجت‌الاسلام علیخانی مشاور رئیس مجمع تقدیم رئیس مجلس شورای اسلامی شده است.

نیویورک تایمز: بسته پیشنهادی جدید به ایران باید شامل کاهش تحریم‌ها باشد

یک روزنامه آمریکایی در سرمقاله خود با تأکید بر از سرگیری مذاکرات ایران و ۱+۵ تصریح کرد که جنگ به طور قطع فاجعه‌بار است و همه طرفین باید برای رسیدن به یک راه‌حل دیپلماتیک تلاش کنند.

به گزارش فارس، روزنامه نیویورک تایمز نوشت: بعد از یک وقفه ۶ ماهه، آمریکا و دیگر قدرت‌های بزرگ جهان در تلاش هستند تا مذاکرات با ایران درباره برنامه هسته‌ای این کشور را آغاز کنند. ایران علیرغم قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد، به غنی‌سازی اورانیوم پرداخته است و «بنیامین نتانیاهو» نخست‌وزیر اسرائیل هشدار داد در صورتی که این فعالیت‌های غنی‌سازی تا بهار آینده یا اوایل تابستان متوقف نشود، به ایران حمله نظامی می‌کند. ضروری است که تمامی طرفین تمامی تلاش خود را برای رسیدن به یک راه‌حل دیپلماتیک صورت دهند. جنگ، به طور قطع، فاجعه‌بار خواهد بود که البته ایران با تسلیحات هسته‌ای نیز فاجعه‌بار است.

بر اساس این گزارش، آمریکا هنوز تردید دارد که ایران برای رسیدن به یک توافق تمایل داشته باشد، آمریکا و دیگر کشورهای ۱+۵ که شامل روسیه، انگلیس، چین، فرانسه و آلمان می‌شود خواستار از سرگیری مذاکرات با ایران در ماه جاری میلادی هستند اما ایران تا همین لحظه موافقت نکرده است و به همین دلیل تا ماه ژانویه سال ۲۰۱۳، احتمالاً نشستی برگزار نشود.

نیویورک تایمز ادامه داد که هنوز مشخص نیست که «باراک اوباما» رئیس‌جمهوری آمریکا و شرکای وی پیشنهاد جدی روی میز مذاکرات قرار دهند.

برخی کارشناسان اکنون غرب را ترغیب کرده‌اند تا توافقنامه گسترده‌تری را به ایران پیشنهاد دهد که طبق آن تحریم‌های بیشتری از آن لغو شود و این کشور را در قبال توقف کامل برنامه هسته‌ای یا حداقل پایان دادن به عناصر نظامی این برنامه، از انزوای دیپلماتیکی بیرون آورند.

مقامات آمریکایی می گویند زمانی که مذاکرات از سر گرفته شود، کشورهای ۱+۵ یک نسخه تقریباً اصلاح شده از پیشنهادهای اصلی خود را ارائه می‌دهند که شامل کاهش تحریم‌ها در صورتی که ایران گام‌های بیشتری برای محدود کردن برنامه هسته‌ای خود به کار گیرد، می‌شود.

نیویورک‌تایمز ادامه داد: کشورهای ۱+۵ می‌گویند در صورتی که ایران برای مذاکرات به صورت جدی ابراز تمایل واقعی از خود نشان دهد، آماده مذاکره درباره یک پیشنهاد گسترده‌تر هستند. این بسته پیشنهادی حتماً باید شامل کاهش چشمگیر تحریم‌ها باشد در غیراین صورت هیچ انگیزه و محرکی برای ایران به منظور برداشتن گام باقی نمی‌ماند.

این روزنامه آمریکایی در پایان نتیجه‌گیری کرد؛ در حالی که مذاکره با قدرت‌های اصلی دنیا اهمیت دارد، ایران و آمریکا باید مذاکرات مستقیم را آغاز کنند.

تاکید مسکو و دهلی‌نو بر حق هسته‌ای تهران

درهمین حال رئیس‌جمهوری روسیه و نخست‌وزیر هند در بیانیه مشترکی ضمن تاکید بر حق ایران در استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای، تحریم‌های یکجانبه را غیرسازنده خوانده و یگانه راه حل مسائل هسته‌ای ایران را ادامه گفتگوها دانستند.

در بیانیه مشترکی که در پایان سفر رسمی "ولادیمیر پوتین" رئیس‌جمهوری روسیه به هند به امضای طرفین رسید، تاکید شده است که روسیه و هند این حق را برای جمهوری اسلامی ایران به رسمیت می شناسند که بتواند از انرژی هسته‌ای در اهداف صلح‌آمیز استفاده کند.

در این بیانیه آمده است: روسیه و هند بسیار نگران روند اوضاع پیرامون ایران و برنامه هسته‌ای این کشور هستند و هر دو کشور بر حمایت قاطع خویش از حل و فصل همه جانبه و طولانی مدت این مسائل صرفا از راه‌های سیاسی-دیپلماتیک و از طریق ادامه مذاکرات برای رسیدن به توافق تاکید می‌کنند. ضمن این که روسیه و هند در این خصوص هم، هم عقیده اند که تحریم‌های یکجانبه اقدام سازنده‌ای نیست.

در بیانیه‌ای که در پایان مذاکرات ولادیمیر پوتین با "مان موهان سینگ" نخست وزیر هند امضا شد، یادآوری شده است: مقامات مسکو و دهلی این حق را برای ایران قائل هستند که به تحقیقات، تولید و استفاده از انرژی هسته‌ای در اهداف صلح‌آمیز با رعایت کلیه تعهدات بین‌المللی خود ادامه دهد. طرفین در عین حال از مقامات تهران می‌خواهند تا همه مفاد قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل را رعایت کرده و با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی همکاری بسیار نزدیک داشته باشند.

وحشت صهیونیست‌ها از احتمال فروش سامانه اس ۳۰۰

درچارچوبی دیگر مقامات رژیم صهیونیستی نگران آن شده‌اند که مبادا دولت بلاروس که از لحاظ دیدگاه به تهران بسیار نزدیک است، قصد داشته باشد موشک‌های «اس-۳۰۰» خود را به ایران بفروشد.

به گزارش فارس به نقل از پایگاه خبری-اینترنتی «راس بالت»، امکان فروش سامانه‌های موشک‌های ضدهوایی «اس-۳۰۰» از سوی بلاروس به ایران باعث نگرانی جدی مقامات اسرائیلی شده است. در اسرائیل چنین معامله‌ای را از هم اکنون گسترش «محور شرارت» نامیدند.

یک سایت خبری اسرائیلی در این خصوص نوشته است: ظاهرا "الکساندر لوکاشنکو" رئیس جمهوری بلاروس که از لحاظ دیدگاه نقاط مشترکی با مقامات تهران دارد، به طور علنی اعلام کرده که حاضر است این تجهیزات نظامی را در اختیار ایران قرار دهد و از امکان سرمایه گذاری در این خصوص را از دست نخواهد داد.

همزمان با آن امیر کویت با این ادعا که ایران باید نگرانی کشورهای حاشیه خلیج فارس در خصوص برنامه هسته‌ای را برطرف کند، خواستار همکاری بیشتر ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی شد.

اخبار کوتاه

«محمد رجبی» رئیس کتابخانه مجلس شد

علی لاریجانی رئیس مجلس شورای اسلامی درحکمی «محمد رجبی» را به عنوان رئیس کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس معرفی و از زحمات حجت‌الاسلام رسول جعفریان تقدیر و تشکر کرد.

رجبی در کارهای خود سمت‌های اجرایی متعددی را همچون معاون پژوهشی و برنامه‌ریزی وزارت آموزش و پرورش، معاون کتابخانه مجلس شورای اسلامی، رئیس کتابخانه ملی، رئیس پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، مدیرعامل بنیاد سینمایی فارابی و رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در آلمان، عهده‌دار بوده است.

ریاست موسسه فرهنگی اکو آخرین مسئولیت کاری وی علاوه بر کارهای علمی به شمار می‌رود.

ایراد شورای نگهبان به مصوبه ممنوعیت ادغام وزارتخانه و دستگاه‌ها توسط دولت

مصوبه هفته گذشته نمایندگان مجلس شورای اسلامی در مورد ممنوعیت ادغام وزارتخانه و دستگاه‌ها توسط دولت و منوط شدن آن به تصویب مجلس مورد ایراد شورای نگهبان قرار گرفته است.

اسماعیل جلیلی، در گفتگو با ایسنا بااعلام این مطلب افزود: در مصوبه مجلس علاوه بر وزارتخانه‌ها، سازمان‌هایی که به موجب قانون مصوب شده بودند نیز شامل ممنوعیت ادغام و تغییر توسط دولت می‌شدند که با ایراد شکلی شورای نگهبان به این موضوع مقرر شد تمام موسساتی که در قانون به آنها تصریح شده، مشمول این مصوبه مجلس شوند.

به گفته جلیلی، کمیسیون برنامه و بودجه مجلس با رفع این ایراد شورای نگهبان، طرح مذکور را امروز در جلسه علنی مجلس مطرح خواهد کرد.

دیدار دبیر کل جدید دی ۸ با وزیر خارجه

سید علی محمد موسوی، دبیر کل جدید سازمان همکاری اقتصادی ۸ کشور در حال توسعه (دی - هشت) در آستانه اعزام به دبیرخانه سازمان در استانبول با دکتر علی اکبر صالحی، وزیر امور خارجه دیدار و گفتگو کرد.

دکترصالحی در این دیدار بر اهمیت روزافزون نقش و کارآیی دی - هشت در مناسبات جدید بین المللی به ویژه در زمینه توسعه اقتصادی و اجتماعی تأکید و بر لزوم بارور کردن هر چه بیشتر دستاوردهای دی - هشت و ارتقای این سازمان به یک چارچوب اصلی همکاری و هماهنگی میان کشورهای عضو تصریح کرد.

طرح جدید ایران برای خنثی کردن تحریم ها در امور پالایشگاهی

ایران طرح جدیدی را برای خنثی کردن تحریم فعالیت های پالایشگاهی با موفقیت به اجرا گذاشت.

هاشم نامور مدیرعامل پالایشگاه نفت بندرعباس در گفتگو با مهر درباره جزئیات اجرای این طرح جدید پالایشی، گفت: از اردیبهشت امسال با اجرای فاز اول طرح افزایش ظرفیت پالایشگاه بندرعباس به عنوان یک طرح مبتکرانه، ظرفیت این پالایشگاه به ۳۳۵ هزار بشکه در روز افزایش یافته است.

وی با اعلام اینکه این طرح بدون صرف هزینه‌های سرمایه گذاری و صرفا با استفاده از ظرفیت خالی در بخش بالاسری برج تقطیر در جو و اعمال تغییرات فرایندی و بهینه‌سازی فرایند عملیات پالایش، عملیاتی شده است، تصریح کرد: از این رو امسال ظرفیت پالایشگاه در مجموع ۳۰ هزار بشکه در روز افزایش یافته است.

این مقام مسئول با تاکید بر اینکه با اجرای این پروژه ظرفیت تولید بنزین ۵۰۰ هزار لیتر و نفتای سنگین حدود ۱,۵ میلیون لیتر در روز افزایش یافته است، اظهار داشت: ظرفیت تولید روزانه گازوئیل کشور هم روزانه بیش از ۲,۶ میلیون لیتر افزایش یافته است.

تجهیز شناورهای صیادی به سیستم جی پی اس

شناورهای صیادی کشوربرای بهبود و افزایش فرآیند صید و کاهش مصرف سوخت به سیستم جی پی اس مجهز می شوند.

علی اصغر مجاهدی معاون صید و بنادر صیادی سازمان شیلات ایران در گفت و گو با ایرنا اظهار کرد: با نصب تجهیزات فنی همچون جی پی اس روی شناورهای دریایی، مسیر تردد، سرعت و زمان حضور صیادان در صیدگاه ها برای دوره های دریایی مختلف به طور مستمر ثبت و قابل مشاهده می شود.

وی با اشاره به این که مرحله نخست نصب تجهیزات فنی در استان هرمزگان در حال اجراست، تصریح کرد: اجرای این سیستم در دو مرحله آفلاین برای شناورهای کوچک و نصب سیستم آنلاین ماهواره ای برای شناورهای بزرگ نصب خواهد شد که کارهای طراحی آن انجام شده و مرحله اول در استان هرمزگان شروع شده است.

تشکیل ستاد تضمین کیفیت محصولات کشاورزی

ستاد تضمین کیفیت محصولات کشاورزی با مسئولیت وزیر جهاد کشاورزی تشکیل شده است.

آقارضا فتوحی رئیس سازمان حفظ نباتات کشور در حاشیه بازدید از پنجمین نمایشگاه محصولات ارگانیک و طبیعی در گفت‌گو با فارس، درباره تولید محصول سالم در کشور اظهار داشت: در قانون برنامه پنجم توسعه سلامت محصولات کشاورزی مورد تاکید قرار گرفته و تا پایان برنامه پنجم ۲۵ درصد سطح زیر کشت محصولات زراعی و باغی باید به روش مدیریت تلفیقی مبارزه با آفات (IPM) مدیریت شود.

رئیس سازمان حفظ نباتات کشور افزود: در این خصوص ۴ میلیون هکتار از زمین‌های زراعی و باغی باید تا پایان برنامه پنجم توسعه به روش مدیریت تلفیقی مدیریت شود.

فتوحی همچنین با اشاره به اینکه ۵۰۰۰ نفر مهندس کشاورزی در رشته گیاه‌پزشکی برای تولید محصول سالم با اعتبار ۲۰ میلیارد تومان به کارگرفته شده‌اند، از شناسه‌دار کردن محصولات تولیدی از مبدا تا رسیدن به دست مصرف‌کننده به طوری که دارای برچسب مخصوصی باشد، به عنوان برنامه‌های وزارت جهاد کشاورزی نام برد.

انجام ۲۶ هزار مورد بازرسی در شب یلدا از صنوف

در اجرای طرح نظارتی ویژه شب یلدا، مطابق آمار و اطلاعات دریافتی از ۳۱ استان کشور، بیش از ۲۶ هزار مورد بازرسی از صنوف مختلف کشور صورت گرفته است.

به گزارش روابط عمومی شورای اصناف کشور، در طول فعالیت یک هفته ای طرح یلدا تعداد ۲۶ هزار و ۳۸۰ فقره بازرسی توسط بازرسین اصناف بعمل آمده که از این تعداد بازرسی ها، تعداد ۲ هزار و ۵۱۰ فقره پرونده تخلفاتی به ارزش ۲ میلیارد و ۸۸۸ میلیون و ۶۵۶ هزار و ۹۶۱ ریال تشکیل شده است.

بر اساس این گزارش، همچنین تعداد یک هزار و ۲۱۴ فقره گزارش مردمی در این مدت دریافت شد که منجر به تشکیل ۵۴۵ فقره پرونده به ارزش یک میلیارد و ۳۹۷ میلیون و ۶۸۰ هزار و ۵۰۹ ریال و در مجموع به ارزش ۴ میلیارد و ۲۸۶ میلیون و ۳۳۷ هزار و ۴۷۰ ریال تشکیل و برای رسیدگی به محاکم تعزیراتی ارسال شده است.

انعقاد قرارداد عاملیت صندوق توسعه ملی و بانک پارسیان

نخستین قرارداد عاملیت میان صندوق توسعه ملی و بانک پارسیان با حضور مدیرعامل و عضو هیات مدیره و معاون مالی بانک پارسیان منعقد شد.

به گزارش روابط عمومی صندوق توسعه ملی، مقررشد جذب یک میلیارد دلار از منابع ارزی صندوق توسعه ملی با اولویت های مشخص توسط بانک پارسیان صورت گیرد.

مهندس محمد رضا نظری، عضو هیات عامل و معاون قراردادهای عاملیت و اعتبارات صندوق توسعه ملی در نشست انعقاد این قرارداد گفت: با انعقاد این قرارداد حجم قرار دادهای صندوق توسعه ملی با بانک ها به ۴۰ میلیارد و ۳۸۰ میلیون دلار رسید.

مدیرعامل بانک پارسیان هم گفت: بانک پارسیان بیش از دوسال است که در بخش نفت و انرژی فعالیت دارد و قرارداد عاملیتی که در این نشست به امضا رسید، بزودی عملیاتی خواهد شد و در حال حاضر چهار طرح آماده ارایه به صندوق توسعه ملی در دست داریم.

احتمال فسخ قرارداد فروش ساختمان وزارت جهاد کشاورزی

ساختمان ۲۰ طبقه‌شیشه‌ای وزارت جهاد کشاورزی در صورت فقدان بازپرداخت وجه به میزان ۲۵۰ میلیارد تومان توسط خریدار، تا پایان امسال پس گرفته خواهد شد.

به گزارش ایسنا، ساختمان ستادی وزارت جهاد کشاورزی اسفند سال ۸۹ و در پی اظهار نظر احمدی‌نژاد رییس جمهوری که گفت کارشناسان وزارت کشاورزی به جای نشستن در ساختمان شیشه‌ای باید به مزارع بروند، تخلیه شد تا مبلغ فروش آن به صندوق حمایت از کشاورزان واریز شده و به عنوان تسهیلات چهار درصدی در اختیار بهره‌برداران این بخش قرار بگیرد.

به این ترتیب ساختمان شیشه‌ای یک سال و نیم پیش فروخته شد. اما درحالی که قراردادش تا دو ماه دیگر فسخ می‌شود، هنوز بهایش به این وزارتخانه و نهایتا تولیدکنندگان پرداخت نشده است.

به گفته وزیر جهاد کشاورزی در صورتی که مبلغ خرید این ساختمان تا پایان سال ۹۱ پرداخت نشود، این ساختمان از خریدار کنونی پس گرفته و به مشتری دیگری فروخته می‌شود.



امام علی علیه‌السلام:

لَنْ یُثْمِرَ العِلمَ حَتّی یُقارِنَهُ العِلْم

علم، هیچگاه ثمر ندهد مگر آن که قرین بردباری باشد.

کوتاه فرهنگی

بزرگداشت زنده‌یاد استاد جوادی‌پور با حضور بزرگان عرصه نقاشی و طراحی

مراسم بزرگداشت زنده‌یاد استاد محمود جوادی‌پور با حضور شاگردان وی و نیز بزرگان هنر نقاشی و طراحی در خانه هنرمندان ایران برگزار می‌شود.

به گزارش شبکه خبری هنرمندان، در این برنامه، آیدین آغداشلو، پرویز کلانتری، قباد شیوا، صادق تبریزی، حبیب‌الله صادقی، عباس مشهدی‌زاده و دکتر بهمن نامور مطلق به سخنرانی درباره زنده‌یاد جوادی‌پور می‌پردازند.

مراسم یادبود زنده‌یاد محمود جوادی‌پور، ساعت ۱۸ امروز چهارشنبه ۶ دی در تالار استاد «جلیل شهناز» خانه هنرمندان ایران برگزار می‌شود.

صدور مجوز ۳۶ نشریه

در جلسه مورخ ۹۱/۱۰/۴ هیأت نظارت برمطبوعات، تقاضای صدور مجوز نشریات دانشگاهی و تخصصی مورد بررسی قرار گرفت که طی آن ۳۶ نشریه مجوز انتشار دریافت کردند.در این بین صدور مجوز ۹ ماهنامه، ۳ دوماهنامه، ۲۰ فصلنامه و ٤ دو فصلنامه مورد بررسی و موافقت قرار گرفت.

افتتاح نمایش «هملت» در تماشاخانه ایرانشهر

نمایش «هملت» به کارگردانی رضا گوران جمعه گذشته با حضور جمع کثیری از هنرمندان و اهالی مطبوعات با نواختن زنگ آئین افتتاح از سوی پرویز پورحسینی، اجراهای خود را به طور رسمی در مجموعه تماشاخانه ایرانشهر آغاز کرد.به گزارش روابط عمومی و امور بین‌الملل مجموعه تماشاخانه ایرانشهر، نمایش «هملت» هر روز به استثناء روزهای شنبه با بازی آتیلا پسیانی، صابر ابر، بهناز جعفری، ستاره پسیانی، شیرین فرشباف و داریوش موفق از ساعت ۱۹ در سالن استاد سمندریان مجموعه تماشاخانه ایرانشهر روی صحنه می رود.

«گرافیک موسیقی» امروز در خانه هنرمندان

برنامه گرافیک موسیقی خانه هنرمندان امروز چهارشنبه ٦ دی در لابی طبقه اول خانه هنرمندان ایران اجرا می‌شود.

به گزارش شبکه خبری هنرمندان، در این برنامه حمید نشوادیان سه‌تار و محی‌الدین مدنی ساز کوبه‌ای می‌نوازند. این دو در سال‌های گذشته اجراهای مشترک متعددی در تهران و شهرستان‌ها داشته‌اند.

این برنامه ۳۰ دقیقه‌ای، از ساعت ١٦ عصر امروز ٦ دی آغاز شده و ورود برای عموم علاقه‌مندان آزاد است.

نمایشگاه چاپ دستی های الهام پارسیان در گالری «آتبین»

نگارخانه «آتبین » از ۸ تا ۲۱ دی میزبان نمایشگاه آثار چاپ دستی الهام پارسیان خواهد بود.

علاقه مندان می توانند در روزهای تعیین شده از ساعت١٦ تا ۲۱ به نگارخانه آتبین واقع در خیابان ولی عصر ،جنوب چهارراه پارک وی،انتهای کوچه راه پارک وی ، انتهای کوچه تورج،کوچه خاکزاد ، شماره ٤۲ مراجعه کنند.

انتشار کتاب «مجموعه آثار پوستر و تصویرسازی ابوالفضل عالی»

«مجموعه آثار پوستر و تصویرسازی ابوالفضل عالی» عنوان کتابی است که اخیرا به همت مرکز هنرهای تجسمی حوزه هنری تولید و از سوی انتشارات «سوره مهر» منتشر شده است.

به گزارش پایگاه خبری حوزه هنری، کتاب «مجموعه آثار پوستر و تصویرسازی ابوالفضل عالی» شامل یک بخش معرفی فعالیت ها و جایگاه هنری هنرمند فقید ابوالفضل عالی، یک مقدمه درباره هنر گرافیک در دوران پس از انقلاب و جایگاه ابوالفضل عالی در آن به قلم عبدالمجید حسینی راد است.

همچنین کتاب «مجموعه آثار پوستر و تصویرسازی ابوالفضل عالی» که در ١٠٤ صفحه و به صورت مصور(رنگی) با کاغذ گلاسه به چاپ رسیده حاوی دو بخش «پوستر» و «تصویرسازی» است که مجموعا بیش از ٦٠ اثر از آثار هنری ابوالفضل عالی را در زمینه های طراحی پوستر و تصویرسازی به مخاطبان علاقه مند ارائه می دهد.

مطالب کتاب «مجموعه آثار پوستر و تصویرسازی ابوالفضل عالی» و شناسنامه آثار ارائه شده در آن به دو زبان فارسی و انگلیسی در معرض دید علاقه مندان به آثار تجسمی قرار گرفته است.

چاپ نخست این کتاب در شمارگان ۱۱۰۰ نسخه و قیمت ۱۹۰۰۰۰ ریال از سوی انتشارات سوره مهر(وابسته به حوزه هنری) روانه بازار کتاب شده است.

معرفی هیات داوران بخش نقاشی پنجمین جشنواره تجسمی فجر

داوران بخش نقاشی پنجمین جشنواره بین‌المللی تجسمی فجر با نزدیک شدن به روزهای پایانی مهلت ارسال آثار این دوره از جشنواره معرفی شدند.

به گزارش روابط عمومی پنجمین جشنواره بین‌المللی تجسمی فجر؛ مرتضی افشاری‌فرکی، مصطفی ندرلو و اصغر کفشچیان‌مقدم انتخاب و داوری بخش نقاشی این دوره از جشنواره تجسمی فجر را بر عهده دارند.

مرتضی اسدی؛ دبیر بخش نقاشی پنجمین جشنواره بین المللی هنرهای تجسمی فجر با اعلام این خبر گفت: این سه داور هم انتخاب آثار را بر عهده دارند و هم هیات داوران هستند.

تهران صاحب دو نگارخانه جدید شد

دو نگارخانه در پاییز امسال مجوز فعالیت گرفتند و مجوز هشت نگارخانه نیز در تهران تمدید شد.

به گزارش روابط عمومی مرکز هنرهای تجسمی، در فصل پاییز دو نگارخانه «ترنج» به مدیریت مهناز انصاف پور و «گلهای من»به مدیریت لیدا گلدوست با دریافت مجوز به جمع نگارخانه های تهران پیوستند.

همچنین در سه ماهه پاییز امسال مجوز هشت نگارخانه برای ادامه فعالیت از سوی امورنگارخانه های مرکز تجسمی تمدید شد.

منتخب آثار دومین دوسالانه تصویرگری «نیایش» در موزه ملک

نمایشگاهی با عنوان «منتخب آثار تصاویر دومین دوسالانه تصویرگری نیایش» از ۲۰ مهردر محل مؤسسه کتابخانه و موزه ملی ملک برگزار می شود.

به گزارش روابط عمومی مؤسسه کتابخانه و موزه ملی ملک، دومین دوسالانه تصویرگری نیایش در تیر ۸۹ توسط انجمن فرهنگی هنری تصویرگران و مؤسسه آفرینش های هنری آستان قدس رضوی با سه موضوع امام رضا(ع)، نیایش و داستانهای مذهبی برگزار شد.

در این مسابقه ٤٩٠ نفر با ١٥٨٤ اثر شرکت کردند که از میان آنها ۱۵ اثر برگزیده شد. همچنین ۱۸۰ اثر از میان آثار شرکت کننده انتخاب شد تا پس از نمایش در شهر های مشهد مقدس، قم و اصفهان ، در تهران و در محل مؤسسه کتابخانه و موزه ملی ملک به نمایش در آید.علاقه مندان می توانند از ۲۰ مهر تا ٤ آبان ۹۱ همه روزه غیر از تعطیلات رسمی از ساعت ۸ و ۳۰ دقیقه تا ١٦ از این نمایشگاه دیدن کنند.

« پابرهنه در پارک » در تماشاخانه پارین

هادی عامل در تازه‌ترین فعالیت هنری خود نمایشنامه «پابرهنه در پارک » نوشته «نیل سایمون» را در تماشاخانه پارین به روی صحنه می برد.

این نمایشنامه که از آثار برجسته نیل سایمون است داستان برهه‌ای از زندگی زوج جوانی بنام کوری و پل براتر را تعریف می‌کند که بعد از گذراندن شش روز رویایی از شروع زندگی مشترک خود، حالا عازم منزل جدیدشان در نیویورک می‌شوند تا زندگی تازه‌ای آغاز کنند اما با مشکلات بسیاری مواجه می شوند.

پابرهنه در پارک از دوشنبه ۲۷ آذر هر شب ساعت ۱۸ در تماشاخانه پارین واقع در خیابان ولیعصر، خیابان شهید فلاحی (زعفرانیه) ، نبش خیابان پرزین بغدادی، مجموعه تماشاگه موزه زمان اجرا خواهد شد.

رونمایی از دیوان خطی نفیس حافظ در موزه ملک



مؤسسه کتابخانه و موزه ملی ملک به مناسبت گرامیداشت روز حافظ یکی از نفیس ترین نسخه‌های خطی دیوان حافظ خود را در معرض دید علاقه مندان قرار می دهد.

به گزارش روابط عمومی مؤسسه کتابخانه و موزه ملی ملک، این دیوان به خط نستعلیق علی نقی شیرازی فرزند تذهیب کار نامدار دوران قاجارمیرزا یوسف مذهب‌باشی شیرازی است. این نسخه یکصد و شانزده ساله، با حمایت میرزا ابوالقاسم خان نصیرالملک ثانی در سال ۱۳۱۷ هجری قمری نگاشته شد.

میرزا ابوالقاسم خان نصیر الملک ثانی یکی از بزرگان فارس و حامی بسیاری از فعالیت‌های فرهنگی از جمله نگاشتن نسخه‌های نفیس خطی بود . احیاء بنای نامدار باغ ارم شیراز از اقدامات ماندگار اوست.

این نسخه نفیس که از لحاظ خوشنویسی، تذهیب و جلدسازی یکی از فاخرترین نسخه های دیوان حافظ کارها محسوب می شود و در کارگاه میرزا یوسف مذهب باشی تذهیب و توسط میرزا محمود نقاش‌باشی جلدسازی شده است.

علاقه مندان می توانند برای دیدن این نسخه از ۱۸ مهر تا پایان پائیز ۹۱ به کتابخانه و موزه ملی ملک مراجعه کنند.

توان دفاع سایبری کشور افزایش می یابد

سرویس سیاسی ـ اجتماعی: دبیر شورای عالی و رئیس مرکز ملی فضای مجازی کشور اعلام کرد که ارتقای توان دفاع سایبری کشور، یکی از اولویت‌های این مرکز به شمار می‌رود که همواره مورد بحث کمیسیون عالی امنیت است.

به گزارش خبرنگار ما، دکتر مهدی اخوان بهابادی بعد ازظهر دیروز در جمع خبرنگاران به اهداف و برنامه‌های شورای عالی فضای مجازی کشور اشاره کرد و گفت: پس از فرمان رهبر معظم انقلاب مبنی بر تشکیل این شورا، در حدود ۹ ماه و نیم گذشته بحث‌های ساختاری در کشور دنبال شد که تاثیر آن ایجاد مرکز ملی فضای مجازی، پژوهشگاه مجازی و امنیت فضای مجازی کشور بوده است.

وی لزوم برنامه‌ریزی و هماهنگی به منظور صیانت از آسیب‌های ناشی از فعالیت‌های فضای مجازی بین‌المللی و بهره‌گیری حداکثری از فرصت‌ها در جهت ارائه خدمات گسترده و مفید به مردم را از دلایل اصلی تشکیل شورای عالی فضای مجازی اعلام کرد و گفت: جلسات کمیسیون‌های شورا به طور مستمر تشکیل می‌شود که حاصل آن در عمل در حوزه تنظیم مقررات آماده‌سازی پروانه فعالیت خدمات چندرسانه‌ای وسیع بوده است که امیدواریم به طور رسمی اواخر دی یا اوایل بهمن شاهد صدور پروانه فعالیت آن‌ها باشیم. طبیعی است که بر اساس آن، اپراتور دریافت پروانه، موظف به ارائه خدمات در کشور خواهد بود.

اخوان درباره یکی از بحث‌های کمیسیون عالی امنیت، به موضوع ارتقای توان دفاع سایبری کشور اشاره کرد و گفت: این موضوع از اولویت‌های شورای عالی فضای مجازی کشور محسوب می‌شود که به صورت جاری در حال تحقق است، چون به اعتقاد ما باید به طور آنلاین آمادگی برخورد با حملات سایبری را داشته باشیم.

رئیس مرکز ملی فضای مجازی در حوزه محتوا به افتتاح جام دیجیتال کشور که چند هفته قبل شاهد آن بودیم اشاره کرد و گفت: اهمیت این جام به حدی است که از روز افتتاح، ظرف ٤٨ ساعت حدود ٤٠ هزار کاربر به‌این شبکه پیوستند و انشاءالله تا آخر امسال تعداد کاربران به بیش از این تعداد خواهد رسید.

وی افزود: قطعاً شرایط به نحوی پیش خواهد رفت که کاربران و علاقه‌مندان استقبال بیشتری از بازی‌های دیجیتالی نسبت‌به‌بازی‌های فیزیکی به عمل خواهند آورد.

دبیر شورای عالی فضای مجازی در ادامه، از فیس‌بوک به عنوان یک شبکه اجتماعی فعال نام برد و گفت: سیاست ما درباره شبکه‌های اجتماعی تغییر نکرده است، ضمن این که عضویت در شبکه‌های اجتماعی طبق قوانین موجود جرم نیست، ولی دور زدن سامانه فیلترینگ طبق قانون جرم محسوب می‌شود.

بنابراین، همه متخصصان، موافق اصل فعالیت و شبکه‌های اجتماعی به لحاظ امکان استفاده حداکثری از آن هستند، منتهی ممکن است تیم‌هایی آن را اداره کنند که ضررهایی هم به دنبال داشته باشد، لذا باید در این زمینه پیگیری و بررسی دقیقی شود.

اخوان با تاکید بر این که نمی توان ادعا کرد در حال حاضر نظام پالایشی و فیلترینگ کشور بدون نقص است، تصریح کرد: هر کشوری ملاحظات اجتماعی و فرهنگی خاص خود را دارد و ما هم نمی توانیم اجازه دهیم که هر حرکت ناسالمی در اختیار کودکان ما قرار گیرد. خوشبختانه یک کارگروه خاص برای یافتن راهکار عملیاتی در حال بررسی است تا ضمن جلوگیری از اهداف مضر، استفاده حداکثری از برنامه‌های درست و سالم به عمل آید.

رئیس مرکز ملی فضای مجازی در ادامه هرگونه دخالت و ارتباط در برکناری رضا تقی‌پور از وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات سابق را با فعالیت‌های شورای عالی فضای مجازی تکذیب کرد و با اشاره به این که تاکنون موضوع ادغام وزارت ارتباطات در وزارت راه هم از سوی این شورا مطرح نبوده است، گفت: آقای تقی‌پور از خدمتگزاران راستین نظام است و همواره در صحنه‌های مختلف نقش آفرین بودند چه در حوزه وزارت و چه در حوزه فضایی، لذا این جابه‌جایی بر اساس صلاحدید رئیس جمهوری انجام شد و امیدواریم در آینده بتوانیم از تجربیات آقای تقی‌پور در حوزه فضای مجازی استفاده کنیم.

وی در پایان با اشاره به این که موسسه تحقیقات به «پژوهشگاه فضای مجازی» تغییر نام داد گفت:این پژوهشگاه دارای چهار پژوهشکده امنیت، ارتباطات، فناوری اطلاعات و مطالعات فناوری اطلاعات و ارتباطات (فاوا) است که به تایید مقام معظم رهبری هم رسیده.

گام بلند محمد رضا عبدیان دانشمند ایرانی در احیای اعصاب قطع شده انسان

دانشمند ایرانی دانشگاه پنسیلوانیا در گامی بلند برای کمک به بیماران مبتلا به ترومای عصبی گسترده در بازیابی حرکت و حواس، توانست تونلی از مواد سخت و نرم را برای برقراری مجدد ارتباط در پایانه‌های عصبی قطع شده تولید کند.

به گزارش ایسنا،عبیدیان و همکارانش که پژوهش آنها در مجله Advanced Healthcare Materials منتشر شده، یک مجرای هیبریدی منحصربه فرد را از یک ماده نرم موسوم به هیدروژل به عنوان دیواره خارجی و یک دیواره داخلی از یک پلیمر رسانای الکتریسیته ساخته‌اند که به عنوان تونل برای هدایت رشد مجدد و برقراری ارتباط پایانه‌های عصبی قطع شده عمل می کند.

عبیدیان برای اطمینان از دستیابی مواد مغذی و اکسیژن به پایانه‌های عصب در حال بازیابی، یک طراحی خاص PEDOT مارپیچی را ساخت که از یکپارچگی ساختاری دیواره حفاظت کرده اما در عین حال به عبور مواد مغذی و هوا از میان عصب کمک می کند.

در این پژوهش داریوش دانشور، فارغ‌التحصیل مهندسی زیست پزشکی نیز مشارکت داشته است.

آغاز داوری ۳۳۷ اثر ارسالی به پنجمین جشنواره «داستان انقلاب»

دبیر اجرایی پنجمین جشنواره «داستان انقلاب» ضمن اشاره به اینکه ۳۳۷ اثر تاکنون به دبیرخانه این جشنواره رسیده، گفت: از شامگاه ٥دی داوری‌ها آغازشد.

علی قربانی دبیر اجرایی پنجمین جشنواره «داستان انقلاب» در گفت‌وگو با فارس درباره میزان آثار رسیده تا به امروز اظهار کرد: امسال جشنواره در دو بخش داستان کوتاه و رمان و در ژانر کودک و نوجوان و بزرگسال برگزار می‌شود؛ در این دوره شرکت‌کنندگان از نظر تعداد آثار ارسالی محدودیتی نداشتند.

این مقام مسئول در جشنواره پنجم داستان انقلاب، ضمن اشاره به آثار تفکیکی واصله در هر بخش گفت: در بخش داستان کوتاه بزرگسال ۲۰٦ اثر، در بخش داستان کوتاه نوجوان ۸۰ اثر، در بخش رمان بزرگسال ۳۳ اثر، در بخش رمان نوجوان ۱۸ اثر به دبیرخانه رسیده است.قربانی مجموع آثار را ۳۳۷ اثر عنوان کرد و توضیح داد: ۳۰ آذر آخرین مهلت ارسال آثار بود، اما نویسندگانی که آثار خود را از شهرستان‌ها ارسال و این آثار تا به ٥دی به دست ما برسد در داوری قرار می گیرند.

برپایی مراسم آئینی سالروز درگذشت زرتشت در تهران



مراسم آئینی سالروز درگذشت پیامبر زرتشت ، صبح دیروز در آرامگاه زرتشتیان تهران برگزار شد.

در این مراسم جمع زیادی از زرتشتیان تهران گرد هم آمدند و به انجام مناسک دینی و آیینی خود به مناسبت سالروز درگذشت پیامبر زرتشت پرداختند.

نگرانی از بازگشت بیسوادی

معاون نهضت سوادآموزی: ۱۰ میلیون بیسواد مطلق داریم

معاون آموزشی سازمان نهضت سوادآموزی گفت:براساس اعلام مرکز آمار و سرشماری در سال ۱۳۹۰، تعداد ۹ میلیون و ۷۱۹ هزار و ۷۱۲ نفر بیسواد مطلق در کشور داریم. از این تعداد بیسواد، سه میلیون و ٤٥٦ هزار و ۱۸۱ نفر در گروه سنی ۱۰ تا ٤۹ سال که گروه هدف ما برای سوادآموزی هستند، بی سواد مطلق اعلام شده اند.محمد مهدی زاده درگفتگو بامهر درپاسخ به این سوال که آمار دقیق تعداد بی سوادان کشور را بر اساس آخرین سرشماری سال ۹۰ چقدراست گفت؟براساس اعلام مرکز آمار و سرشماری در سال ۱۳۹۰، تعداد ۹ میلیون و ۷۱۹ هزار و ۷۱۲ نفر بیسواد مطلق در کشور داریم. از این تعداد بیسواد، سه میلیون و ٤٥٦ هزار و ۱۸۱ نفر در گروه سنی ۱۰ تا ٤۹ سال که گروه هدف ما برای سوادآموزی هستند، بی سواد مطلق اعلام شده اند. البته در این آمار اعلام شده است که ٦۰۰ هزار نفر میزان سوادشان را اظهار نکرده اند که ممکن است ۱۰ تا ۱۵ درصد از این ٦۰۰ هزار نفر هم بیسواد باشند.

وی درپاسخ به این سوال که آیا شما در مورد افراد بی سواد، اقدام به پالایش اسمی آنهاهم کرده اید؟گفت:بله، ما پالایش اسمی متولدین ٦٥ به بالا را به طور کامل و دقیق ثبت کرده ایم. اطلاعات این افراد را به تفکیک اسم، کد ملی آدرس منزل... در روستاها و آبادی ها داریم و هیچکس نمی تواند منکر سواد یا بی سوادی خود شود.

مهدی زاده درپاسخ به این پرسش که فکر می کنید تا چه اندازه برای ریشه کنی بیسوادی تا سه سال آینده موفق خواهید شد؟افزود:منظور ما از ریشه کنی بی سوادی اکثریت قریب به اتفاق افراد جامعه است و مردم بدانند که اکثریت جامعه از یک سواد نسبی برخوردار هستند. اما درباره این که تا پایان برنامه تا چه اندازه موفق خواهیم شد یا نه باید توضیح بدهم که اگر قرار باشد با همین روال کاری امروز پیش برویم، خیلی نمی توان نسبت به ریشه کنی بی سوادی خوشبین بود.وی اضافه کرد : این امر غیرممکن نیست. اما الزامات و شرایطی را می طلبد تا بتوان از یک سو انگیزه افراد بی سواد را افزایش داد و از سوی دیگر سیاست های تشویقی را برای آنها در نظر بگیریم. همچنین رسانه ها به ویژه صدا و سیما هم باید به ما کمک کند تا با نشان دادن معضلات بی سوادی، انگیزه افراد را بالا ببریم و آنها داوطلبانه خواستار سوادآموزی شوند. من فکر می کنم تا عزم ملی دراین زمینه به وجود نیاید، نمی توان با اطلاعیه و دعوت نامه کاری از پیش برد.

مهدی زاده درباره جایگاه ایران درزمینه مبارزه با بیسوادی گفت : با توجه به ای که سایر کشورها هم برای ریشه کنی بی سوادی تلا های زیادی انجام می دهند، می توان گفت که جایگاه ایران در دنیا خیلی رضایت بخش نیست و براساس آمار یونسکو ایران در بین ۱۳۰ کشور رتبه ۸۷ را دارد و در بین ۲٤ کشور منطقه، رتبه ۱۷. هم اکنون در کشورهایی همچون ترکمنستان، آذربایجان و تاجیکستان آمار بیسوادی صفر است.وی در پاسخ به این سوال که میزان بی سوادی در میان زنها بیشتر است یا در مردان گفت: زنان چه در روستا و چه در شهرها بیشتر تمایل به سوادآموزی د ارند اما مردان با توجه به اشتغال و کمبود وقت از باسواد شدن فراری هستند. امیدواریم بتوانیم که این مشکلات را تا پایان برنامه پنجم توسعه برطرف کنیم.البته فاصله باسواد کردن افراد نسبت به اوایل پیروزی انقلاب اسلامی آمار بسیار خوبی است. در اوایل انقلاب مردان ٢٣/٤ بیشتر از زنان سواد داشتند که با تلاش های آموزشیاران سوادآموزی این فاصله تا سال ۱۳۸٥ به ۸/۳ درصد رسیده است. همچنین در اوایل انقلاب اختلاف باسوادی بین مناطق شهری و روستایی ۳۵ درصد بوده است، اما اکنون این آمار به ۱۳/۷ درصد کاهش یافته است که این به نوع خود موفقیت بزرگی در باسواد کردن افراد روستایی به حساب می آید.وی درپایان گفت: دغدغه امروز من به عنوان کسی که بیشتر از ۳۰ سال است که در سازمان نهضت سوادآموزی کار و تلاش می کند، مربوط به آینده سوادآموزان است. امروز ترس از بازگشت بی سوادی برای افرادی که سواد اولیه را فرا گرفته اند ذهن من را مشغول کرده است و اگر فکر چاره ای برای محتوای کتا ب های موجود در بازار برای این افراد نکنیم ،قطعاً در آینده با چالش بزرگی به اسم بی سوادان کارنامه به دست مواجه خواهیم شد. هم اکنون هیچ انتشاراتی در جامعه وجود ندارد که برای این افراد با این میزان سواد کتاب منتشر کند تا آنها با تکرار خواندن مانع از فراموشی آموخته هایشان شوند. امروز در سواد آموزی مشکل پول و نیروی انسانی وجود ندارد. از یک سو ابتدا باید انگیزه افراد رو برای سوادآموزی بالا ببریم و از سوی دیگر راهکارهایی اندیشیده شود تا مانع از فراموشی سواد این افراد شویم.

برگزاری مراسم «گلگشت» به مناسبت هفتادمین سال تولد دکتر ضیا موحد در شهر کتاب

مرکز فرهنگی شهر کتاب به‌مناسبت هفتادمین سالروز تولد ضیا موحد مراسم جشنی را با عنوان «گلگشت» برگزار می‌کند.

به گزارش مهر، دکتر ضیا موحد شاعر، منطق‌دان، مترجم و منتقد در حوزه‌های مختلف ادبی و فلسفی است. تک‌نگاری او از سعدی یکی از منابع مناسب برای تحلیل و بررسی زندگی و آثار سعدی است. کتاب «درآمدی بر منطق جدید» نیز منبع مطلوبی در حوزه منطق است که سال‌هاست در دانشگاه‌ها از کتب مهم درسی است.

ترجمه‌های موحد از «نظریه‌های ادبیات» و «منتقدان فرهنگ»، نمونه ترجمه معیار در زبان فارسی است. از او چندین مجموعه شعر نیز منتشر شده که شعرهای این مجموعه‌ها به خوبی پیوند میان اندیشه و شعر را مشخص می‌کند.مرکز فرهنگی شهر کتاب قرار است به مناسبت هفتادمین سال‌روز تولد ضیا موحد مراسم جشنی را با عنوان «گلگشت» در روز یکشنبه ۱۰ دی برگزار می‌کند.در این مراسم محمدعلی موحد، منوچهر بدیعی، حسین معصومی‌همدانی، شهین اعوانی، یوسف اباذری، سیدمحمود یوسف‌ثانی، کوروش کمالی سروستانی و علی‌اصغر محمدخانی درباره کارنامه علمی و ویژگی‌های علمی و اخلاقی موحد سخنرانی خواهند داشت.

علاقه‌مندان می‌توانند برای شرکت در این مراسم از ساعت ۱٦ و ۳۰ دقیقه یکشنبه ۱۰ دی به مرکز فرهنگی شهر کتاب در خیابان شهید بهشتی، خیابان شهید احمد قصیر (بخارست)، نبش کوچه سوم مراجعه کنند.

آلبوم عاشورایی «خطبه خوان رستاخیز» رونمایی می شود

آلبوم «خطبه خوان رستاخیز» به تهیه کنندگی حوزه هنری کرمان و آهنگسازی پیروز ارجمند مدیر مرکز موسیقی حوزه هنری دوشنبه ۱۸ دی در شهر کرمان رونمایی می شود.

محمد حسین کاظم زاده شاعر آلبوم خطبه خوان روز رستاخیز در گفتگو با پایگاه خبری حوزه هنری با توصیف شعر این مجموعه گفت: این اشعار درباره خطبه امام سجاد در شهر شام و افشاگری های وی از حکومت فاسد یزید است که با تحقیق و پژوهشی که نسبت به این موضوع انجام دادم، این مجموعه را در محرم سال ۱۳۸۷ سرودم.وی افزود: منظومه خطبه خوان روز رستاخیز در قالب های غزل، مثنوی و چهار پاره سروده شد و در سال ۸۷ نیز از سوی اداره فرهنگ و ارشاد کرمان به عنوان کتاب سال در حوزه شعر معرفی شد.

کاظم زاده با ذکر عوامل آلبوم موسیقی خطبه خوان روز رستاخیز گفت: این آلبوم به خوانندگی امیر حسین مدرس،علیرضا وکیلی منش، محمدرضا ابراهیمی و رضا حیدری و آهنگسازی پیروز ارجمند مدیر مرکز موسیقی حوزه هنری تولید شده است. صدابرداری این اثر توسط بهنام صبوحی در استودیو بهنام ایران و استودیو روز در عراق و تهیه کنندگی حوزه هنری استان کرمان انجام گرفته است.

«نیچر» جایگاه نخست ایران را در تولیدات علمی خاورمیانه تایید کرد

معاون تحقیقات و فناوری وزارت بهداشت گفت: بر اساس مقاله منتشر شده در مجله معتبر نیچر با موضوع ترسیم جایگاه بین‌المللی ۳۹ کشور پیشرو جهان، ایران با ۲۰۰٦٥ مقاله و سهم ۰/٤٤ درصدی از مقالات یک درصد برتر جهان در رتبه نخست منطقه خاورمیانه را به خود اختصاص داد.

دکتر مصطفی قانعی با اعلام این خبر به مهر افزود: بر اساس مقاله منتشر شده در مجله معتبر نیچر با موضوع ترسیم جایگاه بین‌المللی ۳۹ کشور پیشرو جهان در عرصه تولید علم، جایگاه شاخص جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه و در مقایسه با بسیاری از کشورهای اروپایی و آسیایی مورد تایید قرار گرفت.

معاون تحقیقات و فناوری وزیربهداشت افزود: در بخشی از مقاله خبری مذکور که در ماه جاری در مجله نیچر (days: 2012 in review 366) به چاپ رسید به ترسیم جایگاه بین‌المللی ۳۹ کشور پیشرو جهان در عرصه تولید علم، جایگاه هر کشور در منطقه جغرافیایی مربوطه و سهم آن از مقالات یک درصد برتر جهان پرداخته شده است.

در نقشه علمی ارائه شده جایگاه بین‌المللی کشور ایران نه فقط در منطقه خاورمیانه بلکه در مقایسه با بسیاری از کشورهای اروپایی و آسیایی شاخص است.

دکتر قانعی اضافه کرد: براساس مقاله مذکور ، انگلستان با ۸٦٥٤٤ مقاله و سهم ۱/٤٤ درصدی از مقالات یک درصد برتر جهان در جایگاه نخست اروپا، چین با ۱٥۹۱۲۱ مقاله و سهم ۰/٥٦ درصدی از مقالات یک درصد برتر در جایگاه نخست آسیا و اقیانوسیه و آمریکا با ۳۱۱۹۷٥ مقاله و سهم ۱/۱۹ درصدی از مقالات یک درصد برتر در جایگاه نخست قاره آمریکا قرار دارند.

ماه صفر و خطابه حضرت زینب(س)

٦ ـــــ سیدرضا اکرمی

۳۲ ـ یکی از دستورات زیبای دین اسلام فرصت‌شناسی و استفاده از آنهاست، نه فرصت‌طلبی و فرصت‌سوزی. فرصت‌شناسی شامّه، درایت، کیاست، جرأت و شهامت، اعتماد به نفس، خودسازی و خداپرستی می‌خواهد و فرموده‌اند: «**انتهزوا الفرص**: فرصتها را رصد کنید» و در انتظار باشید. توصیه کرده‌اند فرصت را غنیمت بدانید که: «**الفرصه تمّر مرّ السحاب**: فرصت چون ابر درحال گذر است» و ابر اگر نبارد، در حرکت است و می‌رود و گفته‌اند: «**اشّد الغصص فوت الفرص**: شدیدترین غصّه‌ها، غم از دست دادن فرصتهاست.»

۳۳ ـ اسیران کربلا در سفر اسارت، مراقب شخصیّت خود بودند و از دشمنان کمترین درخواستی نکردند. امام حسین(ع) توصیه نموده بود: «**لاتقولوا بالسنتکم اینقص قدرکم**: مبادا سخنی بر زبان آورید که از منزلت و شخصیت شما بکاهد!» و در نقطه مقابل، دشمنان را تحقیر نمودند و کمترین حرمت و احترامی برایشان قائل نشدند. در مجلس ابن‌زیاد که نخستین مرحله مواجه شدن با فرماندهی کشتار کربلا بود، حضرت زینب(س) هنگام ورود، سلام نکرد و از همراهان خواست معرفی‌اش نکنند و کاری نکنند که ابن‌زیاد وی را بشناسد. بدین جهت ابن‌زیاد پرسید: «من هذه المتنکرّه: این زن ناشناس کیست؟» یا گفت: «من هذه المتکبّره: این زن مغرور و متکبر کیست؟» چرا که سلام نکرد و اجازه نشستن نگرفت. پس از تکرار سؤال، گفتند: «زینب دختر علی ابن ابیطالب است.» ابن‌زیاد گفت: «الحمدلله الذی قتَلَکم و اکذب حدیثکم: شکر خدا را که مردانتان را کشت و سخن شما را دروغ دانست!» حضرت زینب فرمود: «**الحمدلله الذی اکرمنا بمحمد و طهّرنا تطهیرا. انما یفتضح الفاسق و یکذب الفاجر**...: سپاس خدا را که ما را به محمد(ص) گرامی داشت. فاسقان دروغ می گویند و بدکاران رسوا می‌شوند و آنان ما نیستیم، دیگرانند!»

ابن‌زیاد گفت: «کار خدا را با خاندانت چگونه دیدی؟» فرمود: «از خدا جز خوبی ندیدیم. برادرم با یاران خود به راهی رفتند که خدا می خواست. آنان شهادت را گزیدند و با افتخار بدین نعمت رسیدند؛ اما تو ستمکار به پاسخ آنچه کردی، گرفتار خواهی بود!» ابن‌زیاد برآشفت و آهنگ کشتنش را کرد که عمرو بن حریث گفت: «خدا امیر را به سلامت دارد، وی زن است و زن را به سخنش بازخواست نمی کنند.» ابن‌زیاد گفت: «خدا دلم را با کشتن برادر سرکش و عاصیان نافرمان خاندانت خنک کرد!» زینب فرمود: «پسر زیاد! مهتر ما را کُشتی، از خویشانَم کسی نهشتی، نهال ما را شکستی، ریشهٔ ما را از هم گسستی. اگر درمان تو این است، آری چنین است!» ابن‌زیاد این پاسخگویی را برنتافت و گفت: «سخن به سجع می گوید؛ پدرش نیز سخنهای مسجّع می گفت!»

۳٤ ـ در صحنه دیگری که ابن‌زیاد با امام علی بن الحسین(ع) مواجه شد، گفت: «مگر خدا علی بن‌الحسین را نکشت؟» فرمود: «او برادرم بود که مردم وی را کشتند.» ابن‌زیاد کفت: «نه، بلکه خدا وی را کشت» و دستور داد حضرت را بکشند که حضرت زینب گفت: «ریختن خونهایی که تا حال از ما کشته‌ای، تو را بس است. اگر می خواهی وی را بکشی، مرا بکش!» و علی بن‌الحسین را رها کرد. امام فرمود: «ای عمّه، بگذار تا من با او سخن بگویم.» آنگاه به ابن‌زیاد فرمود: «مرا به کشتن تهدید می کنی؟ آیا نمی دانی که **انّ القتل لنا عاده و کرامتنا الشهاده**: کشته شدن عادت ما و شهادت کرامت ماست؟» (بحار، ج٤٥، ص۱۱۷)

۳٥ ـ امتیاز تاریخ در این است که بسیاری از حوادث را ضبط نموده و گفته‌اند که در جریان نهضت حسینی جمعی رویدادها را نوشته‌اند و به تدریج در دسترس مردم قرار داده‌اند. نوشته‌اند: ابن‌زیاد مردم را به مسجد اعظم کوفه فراخواند و گفت: «ستایش خدایی را که حق و اهلش را پیروز کرد و امیرالمؤمنین یزید و حزبش را یاری داد و دروغگو فرزند دروغگو حسین بن علی و پیروانش را کشت!» در این هنگام عبدالله بن عفیف به پا خاست و گفت: «ای پسر مرجانه، دروغگو پسر دروغگو، تو و پدرت هستید، و آن کسی که به تو حکومت داد. پسران پیامبر را می کشی و سخن صدیقان بر زبان می‌آوری؟!»

۳٦ـ شنیده‌ایم جهاد و مجاهدت انواعی دارد: جهاد اکبر، جهاد کبیر و جهاد اصغر. جهاد اکبر، جهاد نفس و خود سازی است که خداوند در سوره «شمس» با ۱۱ سوگند می‌فرماید: «**قد افلح من زکیّها و قد خاب من دسّیها**» پیروز، انسان خود ساخته است و بدبخت کسی است که خود را رها نموده و وابسته به دیگران می‌باشد. جهاد اکبر بسیار دشوار است و تمرین و ممارست و ریاضت و راهنما و دلیل و برنامه لازم دارد. جهاد کبیر، جهاد تبلیغاتی و فرهنگی است که باید با زبان و قلم و ابزار مناسب دیگر انجام گیرد: «**و جاهدهم به جهادا کبیرا**» (فرقان،٥۲) و امری مستمر و دائمی است و فرموده‌اند: «ز گهواره تا گور دانش‌بجوی» و جهاد اصغر، جهاد نظامی است که در تقابل انسانها رخ می‌دهد و انسان‌ها را به خاک و خون می کشد که در «غزّه» مشاهده شد و در «سوریه» وجود دارد.

حضرت زینب علیهاالسلام و اسیران در جریان اسارت به «جهادکبیر» پرداختند و از هر فرصتی بهره گرفتند، آگاه‌سازی مردم کوفه از جنایات خود و توجه دادن مردم شام به حادثه رخ داده در کربلا، بسیار سودمند بود و نظام اموی محکم و مستحکم را متزلزل ساخت و به سرعت از هم پاشاند.

کوتاه آموزشی

ضرورت توجه بیشتر به پژوهشگران و فناوران جوان

وزیر علوم، تحقیقات و فناوری با اشاره به برگزاری مناسب مراسم هفته پژوهش در سراسر کشور و مشارکت همه دانشگاه ها، پژوهشگاه ها و پارک های علم و فناوری در این برنامه از مسئولان برگزاری این مراسم تقدیر کرد.

به گزارش مهر، دکتر کامران دانشجو در جلسه شورای معاونین این وزارتخانه با اشاره به گسترش فعالیت های علمی دردانشگاه گفت: ظرفیت سازی برای ایفای نقش دانشگاه ها در توسعه اجتماعی ضرورت دارد و همه مسئولین وزارت علوم و دانشگاه ها وظیفه دارند زمینه فعالیت بیشتر دانشجویان و اساتید را در حوزه های مختلف اجتماعی، فرهنگی و سیاسی فراهم کنند.

دانشجو همچنین با تاکید بر ضرورت توجه بیشتر به پژوهشگران و فناوران جوان از اقدامات سازمان پژوهش های علمی و صنعتی ایران در برگزاری مناسب جشنواره جوان خوارزمی در محل این سازمان تقدیر کرد.

در این جلسه همچنین روند اقدامات انجام شده برای بهره‌برداری هر چه بهتر از ظرفیت قانونی و اجرای بند ب ماده ۲۰ قانون برنامه پنجساله پنجم و در راستای انجام بهتر وظایف دانشگاه ها و مراکز پژوهش و فناوری با استفاده آئین نامه های مصوب هیات های امنا و نیز چگونگی جذب اعضای هیات علمی و برگزاری آزمون های سازمان سنجش مورد بحث قرار گرفت.

جزییات حذف کنکور در دانشگاه‌های غیرانتفاعی

مدیرکل دفتر آموزش عالی غیر دولتی وزارت علوم گفت: از این پس آزمون سراسری دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی غیر دولتی و غیر انتفاعی در برخی از کدرشته‌های آنها حذف و این موسسات از طریق سوابق تحصیلی و اولویت‌های بومی دانشجو پذیرش می کنند.

به گزارش ایسنا، دکتر غلامعلی نادری گفت: در راستای قانون حذف کنکور مصوب سال ۱۳۸٦مجلس شورای اسلامی و تصویب وزارت علوم، آزمون سراسری در مقاطع کاردانی و کارشناسی موسسات آموزش عالی غیر دولتی و غیر انتفاعی حذف شد که کد رشته های بدون کنکور در نیمه دوم ماه جاری توسط سازمان سنجش آموزش کشور اعلام می‌شود.

وی افزود : شرایط ، ضوابط ، نام و کد رشته هایی که از طریق سوابق تحصیلی و اولویت های بومی دانشجو پذیرش می کنند در نیمه دوم دیماه برای ورودی های بهمن ماه سال جاری و در نیمه دوم مردادماه سال ۹۲برای ورودی های مهرماه اعلام خواهدشد.

دکتر نادری تاکید کرد : پذیرفته‌شدگان بدون کنکور اجازه تغییر رشته یا انتقال به رشته های تحصیلی دارای آزمون سراسری را نخواهند داشت.

حذف دفتر چه کاغذی از ثبت نام کنکور

رئیس سازمان سنجش آموزش کشور درباره حذف کاغذ از فرآیند ثبت نام در آزمون های سراسری گفت: سال گذشته برای دو آزمون کارشناسی ارشد و دکتری دفترچه ثبت نام چاپ نکردیم و برای کنکورهای سال ۹۳ هم هیچ دفترچه ثبت نامی چاپ نخواهیم کرد.

دکتر ابراهیم خدایی در گفتگو با مهر افزود: امسال آخرین سالی بود که دفترچه کنکور سراسری را چاپ کردیم و سیاست سازمان سنجش این است که در حوزه های ثبت نام آزمون ها به سمت الکترونیکی شدن پیش بروند.

وی خاطرنشان کرد: البته آموزش و پرورش هم باید کمک کند و بسترش را فراهم کند تا با استفاده از فناوری اطلاعات آزمون ها نیز به روز انجام شود.

کمبود اعتبار برای تأمین تجهیزات آزمایشگاهی

رئیس دانشگاه محقق اردبیلی گفت: بودجه‌ای برای تامین تجهیزات برای اساتید و تجهیزات آزمایشگاهی نداریم.

دکتر مسعود گنجی در گفتگو با مهر درباره آخرین وضعیت اختصاص بودجه این دانشگاه گفت: بودجه های عمرانی و تجهیزات زیر ۱۰ درصد و بودجه های هزینه ای زیر ٦۰ درصد تخصیص داده شده است.

وی افزود: اکنون دانشگاه برای تامین تجهیزات آزمایشگاه‌ها، تجهیزات برای اساتید دانشگاه با کمبود اعتبار مواجه است.

رئیس دانشگاه محقق اردبیلی با بیان اینکه متاسفانه اگر همین روند ادامه یابد با مشکل مواجه می شویم، افزود: اکنون با پیمانکار قرارداد بسته ایم اما پولی نداریم تا پرداخت کنیم.

وی ادامه داد: برای پرداخت حقوق اساتید هم چون بودجه کم آورده ایم مجبور شدیم از اعتبار سایر بخش ها مانند دانشجویی، پژوهشی و فرهنگی در این بخش هزینه کرده و حقوق ها را پرداخت کنیم.

برگزاری همایش صلح درروابط بین‌الملل با رویکرد ایرانی اسلامی

قائم مقام وزیر علوم در امور بین‌الملل و رییس مرکز همکاری‌های علمی بین‌المللی وزارت علوم با اشاره به بومی سازی رشته روابط بین‌الملل، گفت: تولید دانش بومی برای نیازهای بومی به معنای مخالفت با نظریه‌های غربی در روابط بین‌الملل نیست، چرا که در این زمینه مشترکاتی وجود دارد.

به گزارش ایسنا، دکتر ارسلان قربانی با اشاره به برگزاری همایش انجمن علمی ایرانی روابط بین‌الملل با عنوان «صلح و روابط بین‌الملل رویکرد ایرانی اسلامی» در ۱۱ دی ماه گفت: این انجمن حدود پنج سال عمر دارد و در پی آن است که با توجه به سیاست‌های وزارت علوم قدم‌هایی در حوزه آموزشی و پژوهشی در زمینه روابط بین‌الملل بردارد.

قربانی با اشاره به همایش «صلح در روابط بین‌الملل با رویکرد ایرانی اسلامی»، اظهار داشت: تصور این است که اسلام نظرش در مورد صلح، نظر رادیکالی است که این سوء تفاهم‌ها در گفتمان غربی هم وجود دارد که هدف این همایش این است که در زمینه این موضوعات بحث شود.

وی افزود: در این همایش می‌خواهیم با رویکرد ایرانی اسلامی، صلح در نظام بین‌المللی گفتمان مسلط باشد.

وی با اشاره به ارسال ۳۰۰ چکیده به دبیرخانه همایش، گفت: ۲۰۰ چکیده مقاله آن پذیرفته شده است و ۸۰ مقاله برای سخنرانی در ۱۱ نشست انتخاب شده است.

وزیر آموزش و پرورش: تجهیز مدارس مهم تر از مدرسه‌سازی است

وزیر آموزش و پرورش بر اهمیت تجهیز مدارس تأکید کرد و گفت: امروز تجهیز مدارس به فناوری، سیستم‌های گرمایشی استاندارد و آزمایشگاه مهم‌تر از مدرسه‌سازی است.

به گزارش فارس ، حمیدرضا حاجی‌بابایی وزیر آموزش و پرورش در سی‌وپنجمین گردهمایی اعضای شورای معاونان و مدیران‌کل آموزش و پرورش و مدیران‌کل نوسازی مدارس استان‌ها در اردوگاه شهید باهنر تهران برگزار شد، اظهار داشت: آموزش و پرورش بر اساس الگوی اسلامی حرکت می کند و بر این اساس باید با تجمیع امکانات به سمتی برویم که دانش‌آموزان برای زندگی بهتر در جامعه‌ای برتر آماده شوند.

وزیر آموزش و پرورش حفظ نظام را مسئولیت خطیر و تکلیف شرعی امروز جامعه برشمرد و تصریح کرد: باید استوار و ثابت قدم در کنار یکدیگر با تدبر حرکت کنیم تا دشمن را به زانو در آوریم.

وی بر اهمیت تجهیز مدارس تأکید کرد و گفت: امروز تجهیز مدارس به فناوری، سیستم‌های گرمایشی استاندارد و آزمایشگاه مهمتر از مدرسه‌سازی است.

جزئیات بیمه حوادث دانش آموزی

مدیرکل تعاون و پشتیبانی وزارت آموزش و پرورش گفت: تمامی دانش‌آموزان در طول مدت شبانه‌روز در داخل و خارج از محیط آموزشگاه تحت پوشش بیمه حوادث دانش‌آموزی هستند.

فرشید سیاری، مدیرکل تعاون و پشتیبانی وزارت آموزش و پرورش در گفت‌وگو با فارس درباره نرخ حق بیمه حوادث دانش‌آموزی اگفت: نرخ حق بیمه هر ساله بر اساس سقف تعهدات، ضریب خسارت در سال گذشته و تعرفه‌های خدمات پزشکی تعیین می‌شود و در سال جاری نیز حق بیمه هر یک از بیمه‌شدگان مبلغ ۱۵ هزار ریال در یک سال است؛ البته دانش‌آموزان تحت پوشش کمیته امداد، سازمان بهزیستی و فرزندان شاهد از پرداخت حق بیمه معاف هستند.

مدیرکل تعاون و پشتیبانی وزارت آموزش و پرورش به تعهدات بیمه‌گر در سال تحصیلی ۹۲ـ۱۳۹۱ اشاره کرد و بیان داشت: «جبران غرامت فوت ناشی از حادثه در شبانه‌روز و در طول مدت قرارداد مبلغ ۱۸ میلیون ریال»، «جبران غرامت نقص عضو (دائم، کلی، جزئی) ناشی از حادثه در شبانه روز و در طول مدت قرارداد تا سقف ۲۵ میلیون ریال»، «هزینه‌های درمان سرپایی و بیمارستان ناشی از هر حادثه و زلزله تا سقف ۳ میلیون ریال»، «جبران هزینه‌های اعمال جراحی ناشی از بیماری و به شرط بستری در بیمارستان تا سقف ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار ریال»، «هزینه خرید و پیوند کلیه مبلغ ۸ میلیون ریال»، «پوشش بیمه مسئولیت مدنی تمامی اردوهای دانش‌آموزی تا سقف دیه کامل» و «پوشش کامل اردوهای راهیان نور دانش‌آموزی» است.

مهلت واریز معادل ریالی ارزش واردات کالا افزایش یافت

مطابق با تصمیمات جدید ارزی بانک مرکزی، مدت لازم برای واریز معادل ریالی ارزش واردات کالا توسط واردکنندگان به بانک‌های عامل پس از اختصاص کد تخصیص ارز توسط بانک مرکزی، از ۱۵ روز کاری به ۳۰ روز تقویمی افزایش یافت.

صمد کریمی سخنگوی مرکز مبادلات ارزی کشور در گفت‌وگو با ایسنا با اعلام این خبر اظهار کرد: این امر سبب سهولت تامین منابع ریالی وجه ثبت سفارش‌ها توسط مشتریان از یک سو و کاهش چشم‌گیر تعداد گواهی‌های ثبت آمارهای ابطالی از سوی دیگر خواهد شد.

وی افزود: با توجه به عملکرد سه ماهه مرکز مبادلات در سه ماهه دوم، هدف مرکز بیشتر تقویت جانب عرضه و انجام اقدامات لازم برای همگرایی بیشتر نرخ شبکه صرافی های مجاز با نرخ مبادله‌ای خواهد بود.

نامبرده اضافه کرد: یکی از راه‌کارهای اساسی پوشش تقاضاهای باقی‌مانده به ویژه گروه هشت کالایی است که جزو برنامه‌های بانک مرکزی در خصوص تامین ارز آن قرار داشته و پس از نهایی شدن و تایید مقامات بانک مرکزی اطلاع‌رسانی خواهد شد. وی همچنین در گفت و گو با مهر وضع ارزی کشور در زمستان امسال را همراه با تقویت عرضه نسبت به تقاضا دانست و گفت: هم اکنون علی رغم وجود شبکه صرافی های مجاز، راهبری بازار ارز به دست بانک مرکزی است.

سخنگوی مرکز مبادلات ارزی در باره پیش‌بینی وضع نرخ ارز در زمستان سال جاری گفت: مرکز مبادلات ارزی کشور در خصوص مدیریت نرخ ارز در زمستان سال جاری، در یک دامنه مشخص و محدود، با سطح اعتماد بالا رفتار خواهد کرد. وی افزود: با توجه به اینکه برآورد تقاضای ارز در مرکز مبادلات ارزی کاملا مشخص است، بانک مرکزی براساس اصول حرفه‌ای، پیش‌بینی‌های لازم را برای گروههای کالایی سه تا هفت مشخص کرده است.

کریمی تصریح کرد: بر این اساس، با توجه به مشخص بودن بردار تقاضا، عرضه ارز از سوی بانک مرکزی شکل می گیرد و به همین دلیل پیش‌بینی می شود در زمستان سال جاری، اولویت بانک مرکزی تقویت جانب عرضه نسبت به عملکرد سه ماهه قبلی است.

الزامات فنی درگاه های مراکز اجرایی تدوین می‌شود

وزارت ارتباطات موظف به تدوین استانداردها و الزامات فنی درگاه های دستگاه های اجرایی شد

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی دولت، بر این اساس، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات موظف است ظرف یک ماه پس از ابلاغ این تصویب نامه، استانداردها و الزامات فنی درگاهها(پرتال ها، وب سایت ها، وبگاه ها و رسانه های بر خط) دستگاه های اجرایی را تدوین، ابلاغ و سالانه برای پایش و اعلام آن به معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهوری و سایر مراجع قانونی ذی ربط اقدام کند. همچنین با موافقت دولت و برای ساماندهی فعالیت درگاهها، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات مکلف به تدوین و ابلاغ استانداردها و الزامات فنی درگاههای دستگاه های اجرایی شد.

وزیران عضو کارگروه مدیریت فناوری اطلاعات و ارتباطات و امنیت آن(فاوا) به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی تصویب کرد؛ وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات موظف است ظرف یک ماه پس از ابلاغ این تصویب نامه، استانداردها و الزامات فنی درگاهها(پرتالها، وب سایتها، وبگاهها و رسانه های بر خط) دستگاه های اجرایی موضوع ماده(۵) قانون مدیریت خدمات کشوری را تدوین و ابلاغ کند. همچنین سالانه برای پایش و اعلام آن به معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهوری و سایر مراجع قانونی ذی ربط اقدام کند. بر این اساس، معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهوری هم موظف است استانداردها و الزامات موضوع بند(۱) را به عنوان بخشی از شاخص های ارزیابی عملکرد دستگاه های مربوط (موضوع مواد (۸۱) و (۸۲) قانون مدیریت خدمات کشوری) منظور کند.

از سوی دیگر، دستگاه های اجرایی موظفند؛ دامنه و خدمات میزبانی درگاههای خود را مستقیماً به نام خود اخذ و ظرف دو روز به وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهوری و دبیرخانه شورای اطلاع رسانی دولت اعلام کنند.

بر اساس این مصوبه، دستگاه های اجرایی از سر جمع بودجه هزینه ای و تملک دارایی خود باید اعتبار مناسبی را برای توسعه، نگهداری و به روز رسانی درگاه های مذکور منظور کنند. نام و نشان خود و نقش پرچم جمهوری اسلامی ایران را در سرآیند درگاه خود و تعلق آن به جمهوری اسلامی ایران و در پایین تمام صفحات عباراتی نظیر حقوق این سایت متعلق به(نام دستگاه مربوط) است را مشخص کنند. این مصوبه از سوی محمدرضا رحیمی؛ معاون اول رئیس جمهور برای اجرا ابلاغ شده است.

ارزیابی ۲ساله اجرای فاز اول قانون هدفمندی یارانه‌ها

دوسال از اجرای فاز اول قانون هدفمندسازی یارانه‌ها می گذرد. قانونی که پس از بحث و بررسی بسیار از بیست و هشتم آذر سال ۱۳۸۹ با اصلاح قیمت حامل‌های انرژی و پرداخت مبلغ ۴۵ هزار و ۵۰۰ تومان به عنوان یارانه نقدی به ۷۴٫۵ میلیون ایرانی آغاز شد.

در حالی که پیش‌بینی می شد فاز دوم اجرای این قانون از اوایل سال جاری اجرا شود، مخالفت مجلس باعث شد که اجرای قانون همچنان با تمدید گام اول ادامه یابد. اما در حالی که برخی کارشناسان و دست‌اندرکاران بخش خصوصی نسبت به اجرای این قانون و روش آن انتقاداتی دارند، مسوولان دولتی به دفاع از اجرای این قانون و روش آن پرداخته و معتقدند پرداخت نقدی یارانه بهترین روش اجرا بوده است.

در این زمینه فرزین دبیر ستاد هدفمندی یارانه ها گفت: با استفاده از آمار رسمی مرکز آمار ایران تاثیر هدفمندسازی یارانه‌ها قابل بررسی است و در این مورد باید به هدفمندی به عنوان اینکه در مقطعی، شوکی را وارد اقتصاد کرده و آثار خود را در اقتصاد گذاشته است، نگاه کنیم؛ البته در طول دوره بعد از آن هم شوک‌های جدیدی وارد اقتصاد شده و امروز در نقدهایی که به هدفمندی وارد می‌شود، بحث ارز را می‌بینیم. طبیعی است قیمت ارز در نیمه دوم شهریور شوک جدیدی را وارد اقتصاد کرد. نکته بسیار مهم که باید بررسی شود، این است که شوک ارز برون‌زا بوده یا درون‌زا، در واقع باید بررسی شود که آیا شوک ارز ناشی از هدفمندی ایجاد شد یا اگر هدفمندی هم نبود، شوک ارز اتفاق می‌افتاد؟ حداقل کسانی که معتقدند شوک ارز، شوک درون‌زا و ناشی از هدفمندی بوده یا باید اثبات کنند که هدفمندی منجر به افزایش نیازهای ارزی کشور شده و این باعث شده که تقاضای ارز و قیمت ارز افزایش پیدا کند یا منجر به افزایش سریع نقدینگی در جامعه شد که با استفاده از آمار می توانیم نشان دهیم که این چنین نیست. این دو مورد حداقل در آمار رسمی که توسط مرکز آمار ایران منتشر شده است، رد می شود؛ به عبارت دیگر آمار موجود، این نظریه را که عده‌ای معتقدند پول نقد، نقدینگی را افزایش داده است، رد می‌کند.

وی درباره رسیدن به اهداف هدفمندی گفت: دولت از ابتدای اجرای هدفمندی یارانه‌ها بر روی دو هدف تاکید داشت. یکی مدیریت مصرف انرژی بود که تمام مسوولان دولتی که در جلسات مختلف حضور پیدا می‌کردند، معتقد بودند مصرف انرژی باید اصلاح شود؛ در واقع یکی از بحث‌های اساسی، مدیریت مصرف انرژی بود. هدف دومی که بسیار بر آن تاکید می‌شد، عدالت بود. چرا که نحوه پرداخت یارانه به روش قبلی با عدالت مغایرت داشت، افراد پر مصرف بیشتر یارانه می‌گرفتند و افراد کم مصرف که فقرا بودند، کمتر از یارانه برخوردار می‌شدند. بنابراین دولت در پی آن بود که به گونه‌ای عدالت را در کشور محقق کند. البته برای اجرای قانون دو نگرانی هم وجود داشت؛ یکی تورم ناشی از اجرای قانون بود و دیگری این که نگران بودیم این شوک به تولید وارد شود و آن را متوقف کند. البته دولت و مسوولان این طرح اعتقاد داشتند این شوک اتفاق نخواهد افتاد.

نامبرده افزود: در مورد صرفه‌جویی انرژی، یک نرخ رشد مصرفی داشتیم. مثلا طی سالهای ۸۰ تا ۸۸ رشد مصرفی بنزین ۴٫۴، نفت گاز ۳٫۹، نفت سفید ۳٫۴ و نفت کوره ۳٫۸ بوده است، اما تمام نرخ‌های رشد مثبت بسیار بالایی که در سال‌های قبل ادامه داشت، با اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها منفی شده است. همچنین محاسبه برآوردی نشان می‌دهد صرفه‌جویی ارزی که در ۱۵ ماه اجرای هدفمندی یعنی تا پایان سال ۹۰ محقق شده است، با احتساب نرخ‌های رشدی که متوقف شده، معادل ۱۷٫۵ میلیارد دلار بوده است.

وی افزود: در همین سال صرفه‌جویی در مصرف برق حاصل شده است زیرا ۵۸ میلیارد کیلووات ساعت مصرف برق کاهش پیدا کرده که در واقع مصرف سوخت مایع را ۱۵٫۲ میلیارد لیتر کاهش داده است. در مورد تلفات هم بررسی‌ها، کاهش تلفات ۲٫۸ میلیارد لیتر را نشان می‌دهد و در واقع این عدد ۱۷٫۵ میلیارد دلار بدون سوخت ناشی از کاهش مصرف برق نیروگاه‌ها محاسبه شده است.

دبیر ستاد هدفمندی یارانه ها همچنین گفت: در مورد گاز طبیعی در سال ۸۸ تا پایان شهریور ۸۹ سهم خانگی و تجاری از مصرف گاز طبیعی ۴۴٫۴ بود و بعد از اجرای طرح، سهم خانگی و تجاری به ۴۲ درصد کاهش پیدا کرد. اما صنایع عمده از ۳۰ درصد به ۳۱٫۱ رسید. در بخش حمل و نقل هم مصرف گاز از ۵ درصد به ۵٫۴، و در صادرات از ۸٫۲ به ۸٫۷ رسید. یعنی ترکیب مصرف گاز در کشور عوض شد. اما عمده کاهش در بخش خانگی اتفاق افتاد و چون تولید مشکل نداشته، در بخش تولید، کاهش مصرف گاز نداشتیم. این موضوع در بخش برق هم قابل مشاهده است. در بخش برق خانگی، رشد سال ۹۰ یعنی بعد از یک سال از اجرای هدفمندی نسبت به سال ۸۹، حدود ۶٫۸ درصد منفی بوده. البته رشد شش ماهه سال ۹۱ نسبت به مدت مشابه، مثبت ۲٫۹ درصد بوده است. در بخش تجاری ۵ درصد منفی بوده، ولی در مورد بخش‌های صنعت و کشاورزی میزان مصرف مثبت بوده است.

وی اضافه کرد: در این رابطه مصرف برق صنعت پارسال ۴ درصد و بخش کشاورزی ۲۴ درصد رشد کرده است که این ناشی از قیمت‌های تضمینی است. البته در بخش کشاورزی، قیمت برق حدود ۹ تومان است و طبیعی است با این شیبی که انتخاب شده، آسیب کمتری به بخش کشاورزی وارد شود و کشاورزی ۲۴ درصد افزایش رشد مصرف برق داشته باشد.

فرزین تاکید کرد: اما در مورد هدف دوم که عدالت بود. باید ببینیم که مردم چگونه از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها متأثر شدند؟ آیا وضع زندگی مردم بدتر شد یا بهتر شد؟ قبل از اینکه طرح اجرا شود، مطالعات بسیار زیادی داشتیم و دقیقاً مشخص کردیم که در دهک‌های مختلف اگر تورم ناشی از هدفمندی اتفاق بیافتد، متوسط هزینه یک دهک چقدر افزایش پیدا می‌کند و عددی که استخراج شده بود و به افراد پرداخت شد، عددی مبتنی بر مطالعات بود. اما در مورد سال ۹۰ ماهیانه بدون لحاظ افزایش درآمد و فرض این که هزینه مردم افزایش پیدا کرده و فقط درآمدی که به آنها اضافه شده است، یارانه بوده، تمام خانوارهای روستایی از اجرای هدفمندی یارانه‌ها منتفع شده‌اند و اگر هم فرض کنیم که خانوارهای روستایی درآمدشان که همان حداقل میزان افزایش حقوق است، ۷ درصد افزایش پیدا کرده است، باز هم تمام خانواده‌های روستایی در سال ۱۳۹۰ از اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها در کشور منتفع شده‌اند.

وی سپس گفت: در بدو امر و پیش از اجرای قانون، تحلیل‌مان این بود که در خانوارهای شهری حداقل ۷ دهک منتفع خواهند شد. اما اکنون آن واقعیت نشان می‌دهد که اگر فرض کنیم که در سال ۹۰ فقط هزینه خانوار شهری افزایش پیدا کرده و درآمدش افزایش پیدا نکرده باشد، ۵ دهک بهبود درآمد داشته‌اند. اما اگر ۷ درصد رشد درآمد را در نظر بگیریم که فرضی واقعی و فرضی حداقل است، چرا که بسیاری از افزایش تورم منتفع می‌شوند و درآمدشان افزایش پیدا می‌کند، فقط یک دهک از اجرای قانون هدفمندی متضرر شده‌اند.

این مقام مسئول افزود: معمولا بهترین شاخصی که استفاده می‌کنیم، ضریب جینی یا نسبت درآمد ۱۰ درصد ثروتمند به ۱۰ درصد فقیر جامعه است. بنا به اعلام مرکز آمار ایران، ضریب جینی کشور در سال ۸۸ حدود ۰٫۴۱ درصد بوده است. این نرخ در سال ۸۹ هم تقریبا همین عدد بوده و تغییر محسوسی نداشته، اما در سال ۹۰ به ۰٫۳۷ درصد رسیده است.

همچنین ضریب جینی شهری از حدود ۰٫۳۹ درصد در سال ۸۸ به ۳۵٫۶ درصد رسید و در مورد خانوار روستایی از ۳۸٫۲ درصد در سال ۸۹ به ۳۸ درصد و در ۹۰ به ۳۳٫۹ درصد رسید. بنابراین آمار دقیقا بهبود درآمد در خانوار شهری و روستایی را نشان می‌دهد.

همچنین نسبت درآمد ۱۰ درصد ثروتمند به درآمد ۱۰ درصد فقیر جامعه در بین خانوارهای شهری در سال ۸۸ حدود ۱۳ برابر؛ سال ۸۹ معادل ۱۲٫۴۵ و سال ۹۰ معادل ۱۰٫۱۷ برابر بوده است. در بین خانوارهای روستایی هم این نسبت در سال ۸۸ بالغ بر ۱۳٫۱۹ برابر؛ در سال ۸۹ حدود ۱۲٫۶۳ و پارسال ۹٫۳۷ برابر بوده است. در واقع این آمار آثار مطلوب توزیع درآمد هدفمندسازی یارانه‌ها را در کشور نشان می‌دهد.

وی یادآور شد: نکته‌ای که امروز منتقدان بسیاری درباره آن صحبت می‌کنند، بحث تولید است. مرکز آمار ایران منتشر کرده که نرخ رشد تولید در سال ۸۸ برابر ۴٫۴، در سال ۸۹ برابر ۶٫۵ و در سال ۹۰ برابر ۴٫۷ بوده است، همچنین تولید ناخالص داخلی بدون نفت در سال‌های ۸۸ تا ۹۰ به ترتیب برابر ۵٫۴، ۷٫۳ و ۵٫۲ بوده و نرخ بیکاری هم در این سه سال به ترتیب ۱۱٫۹، ۱۳٫۵ و ۱۲٫۳ بوده است. یعنی بعد از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها، نرخ بیکاری کاهش پیدا کرده است بنابراین آمار نشان نمی‌دهد که شوک در تولید داشته‌ایم.

فرزین افزود: از سوی دیگر شاخص بورس هم معیار خوبی برای بررسی آثار هدفمندی است. زیرا بورس ما بزرگ است و بسیاری از حوزه‌ها در آن فعالیت می‌کنند. بنابراین اگر اجرای قانون باعث شده واحدهای تولیدی بسته شود یا سودشان کاهش پیدا کند، باید شاخص پائین بیاید. اما زمانی که هدفمندی یارانه‌ها را شروع کردیم، شاخص روی ۱۸ هزار و ۳۵۳ بوده است. در پایان سال ۹۰ که به اعتقاد من هدفمندی آثار قیمتی خود را گذاشته است، شاخص بورس به ۲۵ هزار و ۵۰۰ رسیده است. یعنی، شاخص حدود ۴۱ درصد رشد کرده است و این نرخ هم مشکل عمده‌ای ناشی از هدفمندی در تولید را نشان نمی‌دهد.

وی گفت: در مورد کمک به تولید به صورت نقدی و غیر نقدی ۱۷ هزار و ۸۰۰ میلیارد تومان اختصاص داده شده است. همچنین به کشتیرانی ۱۰۰ میلیارد تومان سوخت ارزان دادیم. به بخش سیمان ۱۵ میلیون لیتر نفت کوره ۲۰ تومانی و ۷۰ تومانی دادیم که تمامی این اقدامات در جهت حمایت از تولید بوده است.

دبیر ستاد هدفمندی یارانه‌ها درباره تجارت خارجی گفت: صادرات غیر نفتی در سال ۱۳۸۵ برابر ۱۷٫۸ میلیارد دلار بوده و در سال ۸۹ قبل از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها برابر ۳۳ میلیارد دلار و در سال ۹۰ معادل ۴۳٫۷ میلیارد دلار بوده است. واردات کشورمان هم در سال ۸۵ برابر ۴۱٫۷ میلیارد دلار بوده که در سال ۸۹ برابر ۶۴٫۳ میلیارد دلار و در سال ۹۰ به ۶۱٫۲ میلیارد دلار رسیده است. یعنی نسبت صادرات غیرنفتی به واردات بهبود پیدا کرده و حتی بعد از هدفمندی از ۵۲ درصد به ۷۱ درصد افزایش داشته است.

وی در پاسخ به اینکه آیا افزایش نرخ تورم مربوط به اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها نبوده است؟ گفت: در بدو اجرای قانون نرخ تورم، ۱۰٫۱ و تورم نقطه به نقطه ۱۲٫۸ بود و طبیعی بود که تورم نقطه به نقطه افزایش پیدا کند. زیرا به صورت هدفدار قیمت را افزایش دادیم. در واقع سبد انرژی را در کشور به طور عمدی گران کردیم و پیام اقتصادی دادیم که این نهاده انرژی کمتر مصرف شود. پس طبیعی است که این خود در افزایش تورم سهم دارد. اما میزان آن مهم است. حدود تیر در بالاترین حد خود به ۲۳٫۲۳ رسیده و بعد از آن نوسانات عادی دارد. تا اینکه در این سال دو شوک ارزی؛ یکی در آبان و دیگری حدود دی اتفاق می‌افتد.

فرزین افزود: از شوک ارزی دی به بعد دوباره این فاصله افزایش یافته است. یعنی هدفمندی نهایتاً آثار تورمی خود را تا پایان دی در اقتصاد کشور تخلیه می‌کند. حتی اگر آثار شوک ارزی شهریور را نادیده بگیریم، می‌توانیم بگوییم خود را تخلیه کرده و بیشترین افزایشی که داشته از ۱۲٫۸ به حدود ۲۳ درصد رسیده است؛ البته می‌دانیم که قیمت مواد غذایی در سال ۹۰ و سال جاری در بازار جهانی افزایش پیدا کرده است.

وی در مورد اینکه عده‌ای بر این باورند که هدفمندی یارانه‌ها باعث افزایش نقدینگی شد و در نتیجه افزایش تورم را در پی داشت، گفت: شاخص نقدینگی در سال ۸۴ تا ۹۰ به ترتیب برابر ۳۴٫۳، ۳۹٫۴، ۲۷٫۷، ۱۹٫۹، ۲۳٫۹، ۲۵٫۲ و ۱۹٫۴ بوده است، بنابراین یکی از پائین‌ترین نرخ‌های رشد نقدینگی در سال‌های اخیر را در سال ۱۳۹۰ داشتیم. اما ماده اساسی نرخ رشد، پایه پولی است. نرخ رشد پایه پولی در سال ۹۰ به ۱۱٫۴ درصد رسیده و پائین‌ترین نرخ رشد را در چند دهه اخیر داشته است. اما نقدینگی ۱۹٫۴ شده، چون ضریب فزاینده نقدی کمی افزایش پیدا کرده است. رشد پایه پولی در شش ماهه اول منفی بوده است که یکی از دلایلش نحوه تامین مناسب منابع هدفمندی بوده است. این نشان می‌دهد در هدفمندی یارانه‌ها روشی که اتخاذ شد، منجر به افزایش نقدینگی نشد. به عبارت دیگر زمانی نقدینگی افزایش پیدا می‌کند که روش‌های تامین مالی به گونه‌ای باشد که بر منابع فشار بیاورد. بنابراین وقتی هدفمندی بتواند منابع خود را تامین کند، قطعا منجر به افزایش پایه پولی نمی‌شود و نمی‌تواند بر روی نقدینگی تاثیر بگذارد.

این مقام در پاسخ به اینکه آیا برای پرداخت یارانه نقدی مشکلی وجود ندارد، با توجه به این که پارسال از بانک مرکزی مبلغی را به عنوان تنخواه گرفتید؟ گفت: بخشی از مبلغی که به عنوان تنخواه گرفته بودیم، باقی مانده، ولی اکنون مانده طلبی که سازمان هدفمندی از دستگاه‌ها دارد ۹ هزار میلیارد تومان است. یعنی بسیار بیشتر از عددی که بابت تنخواه است.

وی در باره درآمد حاصل از اجرای قانون هدفمندی در دوسال گذشته گفت: در ۲۱ ماه مجموع منابعی که از اصلاح قیمت حاصل شده ۲۵ هزار و ۴۰۰ میلیارد تومان بوده است. از ردیف‌های بودجه‌مان ۱۸ هزار و ۲۰۰ میلیارد تومان استفاده کردیم و ۷۱ هزار و ۲۰۰ میلیارد تومان هم به خانوارها پرداخت کردیم. به تولید هم به صورت نقدی و غیر نقدی ۱۷ هزار و ۸۰۰ میلیارد تومان اختصاص داده شده است، همچنین به کشتیرانی ۱۰۰ میلیارد تومان سوخت ارزان دادیم، به بخش سیمان ۱۵ میلیون لیتر نفت کوره ۲۰ تومانی و ۷۰ تومانی دادیم که تمامی این اقدامات در جهت حمایت از تولید بوده است.

نفت، طلا، سکه و ارز

بازار جهانی

هر بشکه نفت سبک آمریکا (وست تگزاس)	۸۸/۶۱ دلار
هر بشکه نفت دریای شمال (برنت)	۱۰۸/۸۰ دلار
هر اونس (۳۱/۱ گرم) طلا	۱۶۵۹/۶۰ دلار

بازار داخلی

سکه طلا طرح قدیم (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۱۲۷۵۰۰۰ تومان
سکه طلا طرح جدید (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۱۲۹۸۰۰۰ تومان
نیم سکه طلا (به وزن ۴/۰۶ گرم)	۶۵۰۰۰۰ تومان
ربع سکه طلا (به وزن ۲/۰۳ گرم)	۳۳۵۰۰۰ تومان
سکه یک گرمی	۲۰۷۰۰۰ تومان
هر گرم طلای ۱۸ عیار (بدون مزد ساخت)	۱۳۰۶۰۰ تومان
هر گرم نقره خام	۳۳۰۰ تومان
دلار آمریکا(نرخ مرجع بانک مرکزی)	۱۲۲۶ تومان
دلار آمریکا(نرخ مبادله ای)	۲۴۵۹/۴ تومان
دلار آمریکا(نرخ غیر رسمی)	۳۳۲۵ تومان
یورو (نرخ مرجع بانک مرکزی)	۱۶۱۶/۱ تومان
یورو(نرخ مبادله ای)	۳۲۴۲ تومان
یورو(نرخ غیر رسمی)	۴۴۲۰ تومان
پوند انگلستان(نرخ مرجع بانک مرکزی)	۱۹۷۸/۵ تومان
پوند انگلستان(نرخ مبادله ای)	۳۹۶۹/۲ تومان
پوند انگلستان(نرخ غیر رسمی)	۵۴۰۰ تومان
درهم امارات (نرخ مرجع بانک مرکزی)	۳۳۳/۸ تومان
درهم امارات(نرخ مبادله ای)	۶۶۹/۶ تومان
درهم امارات (نرخ غیر رسمی)	۹۱۰ تومان

اخبار کوتاه

مرکز فرماندهی آنلاین توزیع سوخت راه اندازی می شود

مرکز فرماندهی توزیع سوخت به منظور مدیریت و پایش لحظه به لحظه تمام اطلاعات مرتبط با سوخت در مناطق، جایگاه های سوخت و انبارهای نفت سراسر کشور راه اندازی خواهد شد.

مصطفی کشکولی مدیر عامل جدید شرکت پخش فرآورده های نفتی ایران در گفتگو با ایرنا ضمن بیان این مطلب افزود: تاکنون اطلاعات سوخت رسانی، توزیع و مصرف فرآورده در مناطق مختلف کشور به روش سنتی جمع آوری می شد که با راه اندازی این مرکز، تمامی اطلاعات مرتبط با تامین، انتقال، توزیع و مصرف سوخت به صورت متمرکز و آنلاین جمع آوری و رصد خواهد شد.

۹ شرکت وارد کننده خودرو ۱۰۰ میلیارد تومان جریمه شدند

۹ شرکت وارد کننده خودرو که با استفاده از ارز مرجع خودرو وارد کرده و آنها را با قیمت های بیشتری به بازار عرضه کرده بودند، به پرداخت یک هزار میلیارد ریال جریمه محکوم شدند.

معاون بازرسی و نظارت سازمان صنعت، معدن و تجارت استان تهران گفت: در بازرسی های صورت گرفته و بر اساس فهرست بانک مرکزی، ۹ شرکت خودرویی متخلف شناسایی شدند.

علیرضا موسوی مجد در گفت و گو با ایرنا اظهار کرد: بازرسی های انجام شده در مورد شرکت های وارد کننده خودرو بر اساس فهرست بانک مرکزی و شرکت هایی که ارز مرجع دریافت کرده اند، انجام شده است.

سود بازرگانی ۹ قلم کالا صفر درصد شد

هیات وزیران سود بازرگانی برخی کالاها را در جهت حمایت از تولیدکنندگان داخلی به حداقل ممکن کاهش داد.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی دولت، سود بازرگانی کالاها و تجهیزات ایمنی جاده ها، رزین پلی وینیل بوتیرال، تسمه های سنباده بی انتها برای واحدهای تولیدی نئوپان، فلورسنت روشنایی خطی دو کلاهک به قطر بیرونی تیوپ ۱۶ میلی متر و کمتر، پره های ثابت و متحرک داغ توربین گازی و کالاهای صفر درصد تعیین شد. همچنین سود بازرگانی فلورسنت روشنایی خطی دو کلاهک به قطر بیرونی تیوپ ۳۸ میلی متر و قطر بیرونی تیوپ ۳۲ میلی متر ۱۶ درصد تعیین شد.

بررسی نحوه کاهش موانع مقرراتی در واردات کالا

نحوه کاهش موانع مقرراتی در واردات کالا و ضرورت حذف فرآیند تاییدیه اسناد تجاری بررسی شد.

به گزارش روابط عمومی سازمان سرمایه گذاری و کمکهای اقتصادی وفنی ایران، سی و هشتمین نشست هیأت نظارت بر مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوزها و پروانه فعالیت‌های اقتصادی در محل سازمان سرمایه گذاری و با حضور اکثریت اعضاء برگزار شد.

بهروز علیشیری معاون وزیر امور اقتصادی و دارایی و رییس هیات مقررات زدایی در گفت و گویی در حاشیه این نشست اظهار داشت: دستور کار این نشست بررسی زمینه‌های کاهش موانع مقرراتی در فرآیند واردات کالا از طریق حذف تاییدیه اسناد تجاری توسط نمایندگی‌های سیاسی کشور در کشورهای مبداء (کشورهای صادرکننده) بود.

وی در ادامه با بیان اینکه در این نشست الزامات فنی، قانونی و مقرراتی و تاثیرات عملیاتی فرآیند تسجیل اسناد تجاری واردکنندگان ایرانی توسط نمایندگی های سیاسی ایران در خارج از کشور مورد بررسی قرار گرفت، افزود: از جمله مباحث اصلی و محورهای گفتگو در جلسه، بررسی حذف این مرحله یا اصلاح آن با هدف افزایش سرعت و کاهش هزینه های بخش خصوصی در فرآیند واردات کالا بود که مورد اتفاق نظر تمامی دستگاههای اجرایی دولتی و بخش خصوصی و وزارت امور خارجه بعنوان متولی و مدافع اصلی وجود فرآیند تسجیل اسناد تجاری قرار گرفت.

علیشیری خاطرنشان کرد: افزایش هزینه ها، نبود یا سختی دسترسی به نمایندگی های سیاسی ایران در برخی کشورها، تاخیرات زمانی که به نوعی منجر به افزایش هزینه های واردات می شود و عدم کاربرد و فایده امر تسجیل برای واردکننده در هنگام بروز مشکلات احتمالی از اهم مواردی بود که بعنوان دلایل و توجیهات لزوم حذف این فرآیند و عمدتا توسط بخش خصوصی مطرح شد.

دبیر هیات نظارت بر مقررات زدایی یادآور شد: در پایان نشست و با توجه به نظرات فنی، کارشناسی و حقوقی مطرح شده در جلسه، مقرر شد دبیرخانه هیات نظارت بر مقررات زدایی ضمن تشکیل کمیته کارشناسی با حضور معاونت حقوقی نهاد ریاست جمهوری، وزارت امور خارجه و مرکز توسعه تجارت الکترونیک وزارت صنعت، معدن و تجارت و با هدف حفظ فرآیند تسجیل بویژه برای بهره برداری از کارکردهای حقوقی آن، راهکارها و راه‌حلهای فنی و عملیاتی را بمنظور تسهیل و تسریع در این فرآیند از طریق تبادل الکترونیک داده ها و اطلاعات اسناد تجاری و اخذ تاییدیه از نمایندگی ها به صورت مجازی احصاء کرده و پس از تصویب هیات نظارت بر مقررات زدایی جهت اجرا به تمامی دستگاههای اجرایی ذیربط از جمله وزارت امور خارجه ابلاغ کند.

شایان ذکر است هیات نظارت بر مقررات زدایی به موجب تبصره چهار ماده هفت قانون اجرای سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی تشکیل شده و مسئولیت شناسایی رویه ها، مقررات و قوانین مخل کسب و کار و فعالیت فعالین اقتصادی و ارائه پیشنهاد اصلاحی به هیات وزیران حسب مورد را بعهده دارد.

تصفیه گازهای ترش در ۲ فاز پارس جنوبی، به زودی آغاز می‌شود

فاز ۱۵ و ۱۶ میدان گازی پارس جنوبی برای آغاز تصفیه گازهای ترش آماده می شوند.

موسی سوری مدیرعامل شرکت نفت و گاز پارس در گفتگو با مهر درباره آخرین وضع طرح توسعه پنج فاز جدید پارس جنوبی، گفت: در حال حاضر پیشرفت طرح توسعه فاز ۱۵ و ۱۶ پارس جنوبی در دو بخش پالایشگاه ساحلی و تاسیسات فراساحلی به بیش از ۹۰ درصد رسیده است.

وی از آغاز تزریق گاز شیرین به پالایشگاه فاز ۱۵ و ۱۶ پارس جنوبی خبر داد و افزود: همزمان با آغاز تزریق گاز شیرین، راه اندازی تاسیسات یوتیلیتی شامل تامین آب، برق، بخار و آب گیر این پروژه گازی هم آغاز شده است.

نامبرده با یادآوری اینکه آزمایش های فنی و مراحل راه اندازی تجهیزات و واحدهای فرآیندی فاز ۱۵ و ۱۶ پارس جنوبی هم آغاز شده است، اظهار داشت: با توجه به پیشرفت چشمگیر عملیات ساخت، نصب، پیش راه اندازی و راه اندازی تجهیزات پالایشگاهی، پیش بینی می‌شود تا پیش از پایان سال امکان تصفیه گاز ترش در فاز ۱۵ و ۱۶ پارس جنوبی فراهم شود.

وی همچنین با اشاره به پیشرفت ۸۰ درصدی طراحی، ساخت، نصب و راه اندازی سکوهای دریایی فاز ۱۵ و ۱۶ پارس جنوبی، بیان کرد: لوله گذاری زیر دریایی این پروژه مشترک گازی حدود ۹۷ درصد، حفاری دریایی ۸۸ درصد و ساخت پالایشگاه بیش از ۹۱ درصد پیشرفت اجرایی دارد.

طرح توسعه فاز ۱۵ و ۱۶ پارس جنوبی یکی از فازهای قدیمی این میدان مشترک گازی است که هدف از طرح توسعه این پروژه تولید روزانه ۵۰ میلیون مترمکعب گاز، ۸۰ هزار بشکه میعانات گازی، ۴۰۰ تن گوگرد، یک میلیون تن اتان و ۱٫۱ میلیون تن گاز مایع در سال است.

سوری همچنین در خصوص توسعه ناوگان دکل های حفاری ایران در میدان مشترک نفتی و گازی پارس جنوبی، گفت: هم اکنون ۱۵ دستگاه دکل و جک آپ دریایی در فازهای مختلف گازی پارس جنوبی و لایه نفتی مشغول به کار هستند.

وی، ادامه داد: بر این اساس در طرح توسعه فاز ۱۲ پارس جنوبی سه دستگاه، فازهای ۴، ۱۰، ۱۳، ۱۴، ۱۹ و ۲۲ تا ۲۴ پارس جنوبی هر کدام یک دستگاه حفاری دریایی فعالیت می کند.

این عضو هیات مدیره سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس با اشاره به فعالیت ۲ دستگاه حفاری دریایی در هر یک از دو فاز ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ پارس جنوبی، تاکید کرد: پیش بینی می شود با تمهیدات اندیشیده شده تعداد کل جک آپ و دکل های حفاری دریایی ایران در این میدان مشترک گازی تا پیش از پایان سال افزایش یابد.

به گفته وی، در مجموع با راه‌اندازی تکمیلی و نهایی پنج فاز جدید پارس جنوبی تا سال آینده ظرفیت تولید گاز ایران از این میدان مشترک ۱۸۰ میلیون مترمکعب در روز افزایش می یابد.

مسکن مهر صنعت ساختمان سازی را در کشور متحول کرد

طرح مسکن مهر تحولی در صنعت ساختمان کشور است که ساخت و ساز را در جهت صنعتی سازی متحول کرده است.

محمدرضا انصاری رییس انجمن صادرکنندگان خدمات فنی و مهندسی در گفت و گو با ایرنا با بیان اینکه تا قبل از اجرای طرح مسکن مهر، ۱٫۵ درصد ساختمان های کشور به روش صنعتی یا نیمه صنعتی ساخته می شد، افزود: این میزان صنعتی سازی برای کشور یک فاجعه بود. چرا که ساخت و ساز به روش صنعتی و نیمه صنعتی با ساخت و ساز غیر صنعتی به لحاظ دوام ساختمان و همچنین در منابع مصرف کشور تفاوت اساسی دارد.

وی ادامه داد: منابع کشور در روش غیرصنعتی تا ۳۰ درصد هدر می رود. اما در روش های صنعتی تا ۳۰ درصد در بهترین حالت صرفه جویی منابع انجام می شود.

نامبرده بر ضرورت بسترسازی به منظور ایجاد رقابت برای ساخت و ساز با کیفیت تاکید کرد و گفت: اکنون بیشتر ساخت و سازهای کشور به حس انسانیت و تعهد پیمانکاران متکی است و کمتر سیستمی وجود دارد تا برای رسیدن به کیفیت بهتر فعالیت کند تا یک تحولی در کیفیت کشور اتفاق بیافتد، این یک بستری لازم دارد که به این کیفیت بها بدهیم و هزینه کنیم.

وی سپس نظام مهندسی ساختمان کشور، شهرداری و وزارت راه و شهرسازی را از جمله مراکزی دانست که می توانند روند کیفیت ساخت و سازها را کنترل کنند و افزود: هر نهادی باید در جای خود فعالیت کند. به طور طبیعی شهرداری ها قادر نیستند این کار را بکنند و وضع همان خواهد شد که اکنون شاهد آن هستیم.

رییس انجمن صادرکنندگان خدمات فنی و مهندسی ادامه داد: نظام مهندسی ساختمان کشور می تواند روند کنترل کیفیت را نظارت کند، نه خود کنترل را، کنترل کیفیت را پیمانکار انجام می دهد و نظام مهندسی باید اجرای کنترل کیفیت پیمانکار را کنترل و نظارت کند.

وی سپس با اشاره به مشکلات موجود در ساختمان های شهر تهران، گفت: در بخش مسکن شهری بشدت نیازمند کنترل کیفی هستیم. اکنون ساخت برخی از برج های تهران واقعا نگران کننده است. با توجه به اینکه در سرتاسر تهران گسل زلزله داریم، ضروری است که بر روند طراحی و اجرای بناها نظارت شود.

انصاری در ادامه به ارتباط رعایت کیفیت ساختمان با قیمت ساخت و ساز اشاره کرد و اظهار داشت: به طور قطع این ارتباط وجود دارد. اینکه قیمت ساخت مسکن را ثابت فرض کنیم سبب خواهد شد مسیر بهبود ساخت و ساز بسته شود.

وی افزود: برای استفاده از تکنولوژی در ساخت و ساز باید هزینه کرد، حالا اگر گفته شود به صورتی که ساختمان ساخته شود، قیمت یکی است، ساخت و سازها به کیفیت پایین تر هدایت می شوند نه به کیفیت بالاتر، هر چقدر هم که مهندسین متعهد حرص و جوش بخورند. باید این قضیه بستر سازی شود تا کشور، هزینه کیفیت را بدهد و سودش را هم ببرد.

این مقام سپس در مورد کیفیت مسکن مهر گفت: به جرات می توان گفت کیفیت مسکن مهر از متوسط کیفیت ساختمان های کشور بالاتر است. اینکه طلسم ۱٫۵ درصدی صنعتی سازی ساخت و ساز کشور شکسته و به ۳۰ درصد رسیده، کار مهمی است.

وی افزود: چون جامعه مهندسی کشور هم با این قضیه متحول شده است. در حال حاضر در شهر جدید پرند بیش از ۱۰ مورد سیستم و تیپ ساختمانی در حال ساخت است. در سال های بعد به طور طبیعی ارجحیت یک روش به سیستم های دیگر مشخص می شود. مردم قاضی خوبی هستند و متوجه خواهند شد که کیفیت برتر متعلق به کیست، اگر از آنها نظر خواهی شود تا نمره بدهند، دقیق ترین نمره مال مردم است که نتایج جالبی به دست خواهد آمد.

به گفته انصاری، مسکن مهر به دلیل اینکه بخشی از آن صنعتی شده، تحولی بزرگی ایجاد کرده است و می توان گفت میانگین کیفیتش از میانگین کیفیت شهرهای کشور بالاتر است.

انصاری اضافه کرد: در صورت تکمیل شدن ۲ میلیون واحد مسکن مهر، یعنی ۸ میلیون ایرانی معادل حدود ۱۱ درصد هموطنان ما صاحب خانه می شوند که این یک کار عظیم در تاریخ صنعت ساختمانی سازی کشور به شمار می آید.

وی با بیان اینکه طرح مسکن مهر، ساخت و ساز به روش صنعتی سازی را در کشور بستر سازی کرد، گفت: انبوه ساز باید فرصت داشته باشد که انبوه سازی کند که مسکن مهر این فرصت را ایجاد کرد. اگر مسکن مهر را جمع کنند، دوباره ما تک ساز می شویم. ضمن اینکه از انبوه سازی است که شما این فرصت را پیدا می کنید تا صنعتی سازی کنید.

رییس انجمن صادرکنندگان خدمات فنی و مهندسی تصریح کرد: روش صنعتی سازی وقتی است که میزان ساخت و ساز زیاد باشد. این فرصت را مسکن مهر ایجاد کرد. به همین دلیل هم سهم صنعتی سازی در ساخت و سازها افزایش داشته است.

آغاز طراحی و نمونه سازی قطار های تندرو در ایران

سرویس اقتصادی: طراحی و نمونه سازی قطارهای تندرو برای نخستین مرتبه در کشور آغاز شد.

محمد رضا مختاری مدیر عامل صنایع واگن پارس در گفتگو با خبرنگار ما ضمن بیان این مطلب گفت: این نوع قطار که مراحل طراحی و نمونه سازی خود را برای نخستین مرتبه در داخل کشور طی می کند، قابلیت سیر با سرعت ۲۰۰ کیلومتر در ساعت را دارد و به منظور بکارگیری در خط آهن تندرو تهران – مشهد طراحی می شود.

به گفته وی دانش فنی ساخت قطارهای تندرو در اختیار تعداد محدودی از کشورهاست و دستیابی ایران به این فناوری حکایت از ارتقا توان مهندسی ایران در صنایع ریلی است.

مدیر عامل واگن پارس ادامه داد: قرارداد ساخت ۲۰۰ دستگاه واگن باری لبه بلند ۶ محوره، ۱۰۰ دستگاه واگن باری ۴ محوره، ۱۰۰ دستگاه واگن کفی دو محوره، ۵۰ دستگاه واگن مسافری و ۲۰۳ دستگاه بدنه واگن قطارهای شهری (مترو) در این واحد صنعتی در حال اجراست که تاکنون بین ۵ تا ۶۰ درصد از واگن‌های سفارش داده شده، تولید و تکمیل شده است.

مختاری گفت: ۵۰ دستگاه واگن مسافری که برای سرعت ۱۶۰ کیلومتر در ساعت طراحی شده است، به عنوان محصول جدید واگن پارس از دو سال آینده به تدریج وارد شبکه ریلی کشور خواهد شد.

به گفته وی «بوژی ملی» که سال قبل در این واحد صنعتی به تولید رسیده بود، اکنون مراحل آزمایش فنی خود را در راه آهن جمهوری اسلامی ایران طی می کند و تاییدیه ضمنی راه آهن را دریافت کرده است.

در همین حال واگن پارس موفق به صدور ۱۰۰۰ دستگاه انواع واگن باری به کشور سوریه، ۵۵۰ دستگاه واگن باری به کوبا، ۱۸۰ دستگاه واگن باری به سودان، ۶۷ دستگاه واگن مسافری به بنگلادش و ۱۶۶ دستگاه بوژی به چین شده است.

مختاری بازسازی کامل لکوموتیوهای خطوط اصلی راه آهن را مهمترین فعالیت جاری این واحد صنعتی در حال حاضر ذکر کرد و گفت: امیدواریم با مذاکره با شرکت های بهره برداری برای سال آینده محصولات جدیدی را به بازار عرضه کنیم.

مدیرعامل بزرگترین واحد صنعت ریلی کشور افزود: قیمت واگن و لکوموتیو بسیار بالاست و شرکت های بهره بردار برای ارجاع سفارش ساخت این نوع محصولات به واگن پارس نیازمند تامین منابع مالی از سوی سیستم بانکی هستند، با این حال در سالهای اخیر به دلیل پرداخت نشدن این تسهیلات به شرکت های بهره بردار ریلی، اغلب قراردادهای ساخت واگن در داخل کشور متوقف شده است.

وی اظهار امیدواری کرد با مذاکرات صورت گرفته از سال آینده بتوان از منابع مالی صندوق توسعه ملی برای ایجاد خطوط اعتباری ساخت واگن در داخل کشور و همچنین تامین سرمایه در گردش صنایع ریلی بهره برد.

مختاری تاکید کرد: در شرایطی که واگن پارس و دیگر صنایع مشابه توانایی کامل ساخت اغلب قطعات وارداتی ناوگان ریلی را دارند، از دولت درخواست می شود نسبت به برنامه واردات این قطعات از خارج بازنگری و در مورد نحوه واردات آنها به کشور نظارت بیشتری اعمال کند.

هیچ هواپیمایی برای تعمیر به خارج اعزام نمی شود

از یک دهه پیش تاکنون همه تعمیرات سنگین هواپیما در داخل انجام گرفته و در زمان حاضر حتی یک هواپیما برای تعمیر به خارج اعزام نمی شود.

فرهاد پرورش مدیرعامل هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران (هما) در گفت وگو با ایرنا افزود: اگرچه محدودیت های بین المللی شرایط تعمیرات هواپیما را سخت تر کرده، اما این روند همچنان در کشور ادامه دارد به گونه ای که حتی تعمیر هواپیمای بوئینگ ۷۴۷ را در داخل انجام می دهیم.

وی با بیان اینکه تمامی هواپیماهای هما به صورت دوره ای چک می شوند، اظهار داشت: این دوره‌های چک بعضا ممکن است طولانی شود و هواپیمای مورد نظر به سبب نبود قطعه از چرخه پرواز خارج شود، اما هیچ هواپیمای زمینگیری نداریم و به محض پایان گرفتن دوره چک، هواپیما مجددا به فعالیت پروازی خود ادامه خواهد داد.

نامبرده تعداد هواپیماهای فعال ایران ایر را ۴۷ فروند برشمرد و گفت: چند هفته پیش سه فروند هواپیمای بوئینگ ۷۲۷ طبق ابلاغ سازمان هواپیمایی کشوری زمینگیر شد، اما ۴۷ فروند هواپیما با حدود ۱۰ هزار و ۵۰۰ صندلی در ناوگان هوایی هما فعال است.

وی سپس در خصوص آزادسازی نرخ بلیت هواپیما در سال ۹۲ طبق قانون برنامه پنجم توسعه گفت: در این مورد هنوز اقدامی نکردیم چرا که معتقدیم به تازگی نرخ بلیت هواپیماها افزایش پیدا کرده و باید صبر کرد.

مدیرعامل هماافزود: تعیین نرخ بلیت و ورود به بازار کار پیچیده ای نیست و به طور قطع اگر قرار است اتفاقی در این خصوص رخ دهد، پس از تعطیلات نوروز و در اواخر سه ماهه نخست سال آینده و به صورت تدریجی خواهد بود.

وی با تاکید براینکه آزادسازی نرخ بلیت هواپیما براساس آنچه قانون برنامه پنجم تعیین کرده است، به صورت دفعی نخواهد بود، اظهار داشت: با تدابیری که سازمان هواپیمایی کشوری اندیشیده، کار آزادسازی صورت خواهد گرفت تا شوکی به بازار وارد نشود.

پرورش سپس در مورد برنامه پروازی هما به سوریه گفت: اکنون هیچ پروازی به سوریه نداریم ضمن اینکه برنامه پروازی هما به این کشور از مدت ها پیش قطع شده است.

وی همچنین در خصوص افزایش نرخ بلیت پروازهای داخلی و خارجی گفت: این افزایش قیمت بلیت هواپیما به آن میزانی نبود که افزایش قیمت سوخت و نوسانات ارزی را پوشش دهد.

این مقام با بیان اینکه میزان پوشش دهی افزایش قیمت بلیت هواپیما برای هر یک از شرکت های هواپیمایی متفاوت بوده است، افزود: افزایش اخیر نرخ بلیت هواپیما در برخی مسیرها باعث کاهش مسافر شده، اما در برخی مسیرها تاثیری نداشته است.

وی ادامه داد: در مجموع ضریب اشغال هما (میزان استفاده مسافر از صندلی) پایین آمده است هرچند اکنون در فصل سفر قرار نداریم و به طور طبیعی در این فصل تقاضا برای سفر کاهش پیدا می کند.

پرورش با اشاره به اینکه کاهش مسافر ممکن است سبب تغییر برنامه پروازی شرکت های هواپیمایی شود، اظهار داشت: این موضوع شاید برخی شرکت های هواپیمایی را مجبور کند تا بعضی از مسیرهای پروازی خود را تغییر دهند و به سمت مسیرهایی بروند که تقاضا برای سفر در آن زیاد باشد.

تحویل ۶۶۰۰ واحد مسکن مهر پردیس در امسال

۶۶۰۰ واحد مسکونی مسکن مهر پردیس تا پایان امسال به متقاضیان تحویل می شود.

مهدی هدایت مدیرعامل شهر جدید پردیس در گفت‌وگو با ایسنا، با بیان اینکه ساخت ۱۳ هزار واحد مسکن مهر در شهر جدید پردیس از سال ۸۹ آغاز شده است، اظهار کرد: از این تعداد ۶۴۰۰ واحد باقی مانده که تحویل این واحدها مشروط به تامین آب، برق و گاز توسط وزارت نیرو و شرکت گاز است که امید می‌رود تا پایان امسال انجام شود.

وی با اشاره به پروژه‌های جدید آغاز شده از خرداد امسال گفت: حدود ۱۱۵ هزار نفر در این سامانه ثبت‌نام کرده‌اند که از این تعداد شرایط ۷۰ هزار نفر تایید شده و ۳۲ هزار نفر هم مبلغ مورد نظر را واریز کرده‌اند.

هدایت درباره خرید و فروش‌های صورت گرفته واحدهای پردیس توسط مردم و مشاوران املاک منطقه پیش از تکمیل پرداخت اقساط اظهار کرد: به دلیل اینکه این واحدها با یارانه و تسهیلات دولتی ساخته شده، خرید و فروش‌شان پیش از ثبت سند و اتمام اقساط غیر قانونی است و در صورت مشاهده چنین فعالیتی، نام فرد از سامانه مسکن مهر حذف می‌شود.

به گفته مدیرعامل شهر جدید پردیس تا زمانی که خریدار به پرداخت قسط خود مبادرت می‌کند، حق خرید و فروش یا اجاره واحد را نداشته و در صورت وقوع از طریق مراجع قضایی پیگیری می‌شود.

روایتی از باغ موزه زندان قصر در تهران

بخش نخست

قصه‌های دور و دراز قصر!

آن قصر که جمشید در و جام گرفت
آهو بچه کرد و شیر آرام گرفت
بهرام که گور می‌گرفتی همه عمر
دیدی که چگونه گور بهرام گرفت؟
«خیام نیشابوری»

روزگاری دور پادشاهی قصری ساخت. روزگاری بعد پادشاهان دیگری آن قصر را زندان کردند و مردمانی در آن زندان، قصه‌ها از جنایت‌ها و مکافات‌ها ساختند و صد البته که چندان دیر نپائید که مردمانی دیگر آن قصر و زندان را برچیدند و از قصه‌ها و غصه‌های محبوس در آن، موزه‌ای ساختند از جنس سنگ و دل و شیشه و بهانه‌ای کردند برای روایت تاریخ و خاطره! باشدکه روزگاران بسیار، مردمان امروز و فردا بیایند و از ماجراهای دیروز رفته، دیدن کنند و از تکرار تاریخ و حافظه گمشده در پیچ‌های حوادث، به خود محک بزنند.

باری، حکایت قصری که زندان شد و زندانی که موزه شد و به تاریخ پیوست، از آنرو خواندنی است که رازهای مگو از پشت دیواری می‌گوید که تا چندی پیش، وقتی کسی از مقابل آن می‌گذشت و انبوه صف بستگان منتظر ملاقات را می‌دید، از این که در میان آنان نیست، نفس در سینه تازه می‌کرد و از تصور این که چه بر سر کسانی که آن سوی دیوارند می‌رود، چندان نفس در سینه حبس می‌نمودکه حتی بوی ناخوشایند فاضلاب اطراف را هم دیگر احساس نمی‌کرد.

حالا آن درها باز شده و پشت آن دیوارها باغی نمایان است سبز و ایرانی با انبوهی از نور و آب و گیاه و ساختمان‌هایی دارد که اگرچه روزگاری چاردیواری‌های زندان بوده‌اند، اما اکنون چاردیواری‌های تاریخند و با چاشنی هنر و معماری، تلخی‌هایشان کم طعم و چشیدنی شده است!

روایت «باغ موزه قصر» از این زاویه، روایت تاریخ ایران، به ویژه تاریخ سیاسی و اجتماعی تهران است از دوره قاجار تا انقلاب اسلامی و سال‌های معاصر.

باغ قجری

در مقابل دیوار پهن و درازی از آجر بهمنی‌های سرخ هستیم و دروازه‌ای بازکه تابلوی «موزه قصر» را بر پیشانی دارد و ما را به داخل دعوت می‌کند. هوا هنوز روشن است و آسمان میل به باریدن دارد و گریه نیم بندی نیز به حال زمین غبار گرفته تهران کرده است. در میان حیاط وسیع و زیبای باغ که قدمتی از عهد فتحعلی‌شاه قاجار دارد و بر صورت سنگفرش‌هایی که از چکمه‌ها و قدم‌های بسیاری از شازده‌ها و قزاق‌ها و مجرمان و مبارزان، سیلی خورده‌اند، ایستاده‌ایم. اینجا باغی به وسعت ۷۶هزار مترمربع است که قصر قاجار را در دل خود جای داده است.

قصری که به سال ۱۲۱۳ هجری قمری و در دومین سال سلطنت فتحعلی شاه در خارج از تهران آن زمان ساخته شد. پادشاه، خودش در اراضی خرم‌آباد آن موقع تهران، خشت اول «قصرفیروزه» را گذاشت و شاهزاده‌ها را هم مجبور کرد که در ساختن آن کمک کنند. ساختن این قصر آن موقع ۴۰۰هزار تومان هزینه دربر گرفت. بعد از وی در زمان محمدشاه، قصر از رونق افتاد و «کاخ گلستان» مقر اصلی شد و خاندان سلطنت، تنها هنگام نظافت قصر و ایام عید به قصر فیروزه می‌آمدند. یک سال قبل از مشروطه نیز، در سال ۱۲۸۴ هجری قمری، سیلی آمد که قسمت‌های عمده قصر را خراب کرد.

ناصرالدین شاه به سال ۱۲۸۶ هجری قمری، در بنای قصر تغییراتی به وجود آورد و ملحقاتی به آن اضافه کرد. این قصر از اواخر دوره ناصرالدین شاه از رونق افتاد.

زندان قصر

از در اصلی «باغ موزه قصر» که وارد باغ می‌شویم، «ساختمان مارکوف» روبه رویمان ایستاده و بازوانش را برای استقبال گشاده است. ناخودآگاه در تاریخ جلو می‌رویم، چرا که تبدیل این قصر به زندان و بنای مارکوف، مربوط به دوره پهلوی و سلطنت رضاشاه بوده است.

پس از روی کار آمدن رضاشاه، سرتیپ درگاهی، رئیس نظمیه آن ایام به دلیل وجود معارضان زیاد، تقاضای یک محل وسیع برای به بندکشیدن مخالفان می‌کند و «نیکلا مارکوف» روسی (معمار و دوست رضاخان) مأمور بررسی و انتخاب مکان مناسب برای احداث نخستین زندان به شیوه متمرکز می‌شود. وی قصر وسیع قاجار را برای ساخت زندان انتخاب می‌کند و با تأمین بودجه لازم، زندان قصر را در روز ۱۱آذر ۱۳۰۸ خورشیدی با ۱۹۲ اتاق برای محبوسان (۹۶اتاق جمعی و ۹۶اتاق انفرادی) تحویل می‌دهد. علاوه برآن در قسمت مریض خانه شش اتاق شش نفری و شش اتاق یک نفری برای زندانیان مریض می‌سازد.

این زندان با ظرفیت اولیه ۸۰۰نفر، در واقع اولین زندان مدنی در تاریخ ایران است!

آب خنک خوردن در زندان!

وارد ساختمان مارکوف می‌شویم. اینجا بیشتراز آنکه زندان باشد، عمارتی زیباست. به جای آن که ابهت و خوف بر فضا حاکم باشد، نوعی عظمت و تحسین در آدمی برمی‌انگیزاند. جور عجیبی است. در این احساسات تازه، غوطه ور نشده، مسؤول روابط عمومی باغ موزه قصر، مهدی رفیع زاده پیش می‌آید و ضمن خوشامدگویی، اعلام می‌کند که مهندس علی‌اصغرمونسان، مدیرعامل شرکت توسعه فضاهای فرهنگی شهرداری تهران، در برنامه ای، در همان ساختمان مارکوف حضور دارد و بهتر است در این فرصت از بندها و قسمت‌های مختلف ساختمان بازدید کنیم. فرصت مغتنمی است و یکی از خانم‌های راوی، قدم به قدم همراهی‌مان می‌کند و نگاهمان را که به سقف هشت ضلعی بالای سرمان چسبیده است، می‌گیرد و به سمت پله‌هایی در همان تالار ورودی هدایت می‌کند و می‌گوید: بهتر است برویم زیر هشت، هم خلوت است و هم خنک!

به «منفی هشت» می‌رویم. زیبا و قدیمی و سرد است، اما خوفناک نیست. به حمامی قدیمی یا رستوران و قهوه‌خانه‌ای مجلل و بدون وسیله می‌ماند. عاطفه احتشامی، راوی ساختمان مارکوف، می‌گوید: این مکان، دو واژه خاص، وارد زبان کرد. یکی «زیرهشت» و دیگری «آب خنک خوردن»! زیر هشت، محل تنبیه زندانیان و در واقع زیر

> *** زندان قصر، قصر قجری فتحعلی شاه در اراضی خرم‌آباد آن موقع تهران بود که پادشاه خود خشت اول بنای ساختمان را گذاشت و شاهزادگان را هم مجبور کرد در ساختن آن کمک کنند. برای ساختن این قصر در آن زمان، ۴۰۰ هزار تومان هزینه شد**

سقف هشت ضلعی و هشتی طبقه بالا بوده است و وقتی می‌گفتند زندانی را زیر هشت می‌برند، یعنی می‌رود جایی که تنبیهش کنند!

همچنین اینجا به زندانیان کتک خورده، از آب خنک دو قنات «مبارک‌آباد» و «مخلص‌آباد» که از «کن» می‌آمده است، می‌نوشانده‌اند تا حالشان جا بیاید! از این رو اصطلاح «آب خنک خوردن در زندان» یا برود زندان آب خنک بخورد تا آدم شود، از همین جا در زبان رایج شده است!

تاریخ در هزار توی زندان

هشتی‌ها یا هشت ضلعی‌های ساختمان مارکوف به ۴ کریدور مختلف یا بندهای مختلف زندان منتهی می‌شوند که در زمان رضاشاه بندسلول‌های زندانیان سیاسی و عمومی با هم و در زمان پهلوی اول فقط سلول‌ها و بندهای زندانیان عمومی بوده است! در حال حاضر نیز این بندها و کریدورها به عنوان تالارهای موزه تاریخ سیاسی ـ فرهنگی ۲۰۰ ساله تهران با محوریت قصر قاجار از زمان فتحعلی شاه تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بازسازی شده است.

راوی ضمن بیان این مطالب، ما را در این مازها (دالان‌های پر پیچ و خم) زندان می‌چرخاند.

معماری ساختمان جلب توجه می‌کند. پنجره‌های بزرگ سلول‌ها چشم‌نوازندو همگی بزرگ و نورگیر و مشرف به حیاط هستند و باعث می‌شوند سلول‌های هر دو طرف سالن، سهمی از آسمان داشته باشند.

سقف شیروانی بلند و متعلق به دوره رضاشاهی است که در زمان پهلوی دوم سقف داخل ساختمان صاف شده، اما در بازسازی معاصر بار دیگر به صورت شیروانی درآمده است.

زورخانه زندان که به سال ۱۳۴۵ ساخته شده و مخصوص زندانیان عمومی بوده است، در همان ابتدا، بزرگ و بازسازی شده خودنمایی می‌کند!

درهای سلول‌ها را برداشته‌اند و در هر فرورفتگی، نمادی از رویدادهای تاریخ تهران، به ویژه آنچه خشت‌های این قصر و زندان به خود دیده است، کاشته‌اند.

دیدن توپی که یادآور حضور توپ‌های جنگی در این قصرقجری و بردن آن‌ها از اینجا برای به توپ بستن مجلس است یا ماکت هواپیمایی که نماد اولین پرواز در ایران و از این قصر است، جالب است.

خانم احتشامی مقابل هواپیما می‌ایستد و می‌گوید: یکی از اولین takeoffها در ایران از این باغ و در زمان احمدشاه بوده است و عکس وی در کنار خلبان روسی و قبل از پرواز در آن روز نیز بر دیوار قابل مشاهده است!

اولین زندان مدنی ایران

به هشتی دوم (هشتی شرقی)، که به کریدورهای پهلوی اول، انفرادی و پهلوی دوم راه دارد، می‌رویم. مجسمه ۲ وکیل محافظ بند، مانند ۲ دربان قلدر راه عبور از مقابل سلول‌ها را نشانمان می‌دهند. دستبند و زنجیر زندانیان هم از دیوار آویزان است که خدا می‌داند دست و پای چه کسانی را در بند نگه داشته‌اند!

در مقابل سلول‌های انفرادی دوره پهلوی اول، راوی می‌گوید: اینجا اولین زندان تاریخ ایران است که زندانیان صاحب حقوق مدنی شده‌اند. تا قبل از آن زندانیان در سیاهچال‌ها زندگی می‌کردند و غذایشان را از راه صدقه و گدایی جلوی مسجدها به دست می‌آوردند! به دلیل نشان دادن حقوق زندانیان در آن دوره، این سلول‌ها عینا بازسازی شده اند؛ انفرادی‌هایی هستند با همان پنجره‌های بزرگ و چراغ پریموس و چراغ روشنایی و پتو و لباس در داخل سلول برای زندانی!

راوی می‌افزاید: اگرچه این سلول‌ها به نیت انفرادی ساخته شدند، ولی بسته به جمعیت زندان، گاه تا چندین نفر را هم در هر سلول می‌انداختند. چراغ پریموس هم می‌دادند تا زندانیان غذاهایشان را گرم کنند. چرا که آشپزخانه از سلول‌ها دور بود و غذای زندانیان تا رسیدن به سلول‌ها سرد می‌شد! حتی در بعضی از سلول‌ها، دستشویی هم بوده است. بقیه توالت‌ها و حمام‌ها بیرون ساختمان و در حیاط بوده است. زندانیان را به نوبت و هفته‌ای برای حمام کردن می‌بردند.

تعدادی از سلول‌های بند انفرادی پهلوی اول، مفهوم سازی شده‌است و نوشتن نام اشخاص معروفی که آنجا زندانی بوده‌اند بر سر در سلول‌ها، بی شمار پیام‌های پنهان را به بازدیدکنندگان مخابره می‌کند.

وقتی نزدیک‌ترین افراد حکومتی شخص اول مملکت و از جمله، نصرت الدوله فیروز، وزیر مالی رضاشاه و تیمورتاش، وزیر دربار رضاشاه با اندک شبهات مالی به زندان افتادند، سایه حکومت رضاشاهی بر تاریخ سنگینی می‌کند و دیدن نام مبارزان ایلیاتی مانند جعفرقلی خان سردار اسعد، وزیر جنگ رضاشاه و از فاتحان تهران در زمان مشروطه، علیمردان خان، رهبر مبارزان ایل بختیاری یا شاعرلب دوخته آزادی، فرخی یزدی، در میان زندانیان، سایه استبداد را برسر اعتراضات مردمی پررنگ می‌سازد.

راوی، ذهنمان را از این آشفتگی نجات می‌دهد و متوجه سلول‌ها می‌کند و می‌گوید: اولین زندانی این زندان، محمد درگاهی، رئیس نظمیه رضاشاه و سازنده همین زندان بوده است! وی در روز افتتاح زندان و در حضور شخص اول مملکت ـ رضاشاه ـ به تیمورتاش، وزیر دربار، می‌گوید: از زندانی که برایت ساخته ام خوشت می‌آید؟ همین عبارت طعنه‌آمیز و برخی شبهات مالی در پولی که برای ساخت اینجا دریافت کرده بود باعث می‌شود ۴۸ ساعت بعد از افتتاح زندان، خودش در همان زندان بیافتد!

نام «اصغر قاتل»، اولین قاتل زنجیره‌ای ایران که به دلیل قتل تعدادی کودک، به سال ۱۳۱۳ در میدان توپخانه به دار آویخته شد و عکس این اعدام بر دیوار سلولی دیگر است.

استودیوی ثبت خاطرات

ساعت ۵ بعدازظهر است و نگرانیم که با وسعت بسیار «باغ موزه قصر» و پرشمار مورد دیدنی و توضیح شنیدنی، به بازدید از همه قسمت‌ها نرسیم و گفت‌وگو با رئیس باغ موزه را هم از دست بدهیم که خانم احتشامی می‌گوید: ساعات بازدید از اینجا برای عموم از ۲بعدازظهر تا ۸شب است و با کمی مدیریت زمان به همه قسمت‌ها خواهیم رسید.

آخر همین راهرو به اتاقکی شیک و زیبا می‌رسیم با مبلمان چرمی سفید و میزهای چوبی قدیمی!

اینجا «استودیوی ثبت خاطرات» است و کسانی که در زندان قصر زندانی بوده‌اند، می‌توانند بیایند و خاطراتشان را ثبت کنند. کسانی نیز آمده‌اند و خاطراتشان را ثبت کرده اندکه ویدیوی آن‌ها در حال پخش است!

اینجا زندان است!

به کریدورهایی که بندهای پهلوی دوم است می‌رسیم. فضا شبیه زندان‌های امروز است و با زندان‌های دیروز فرق دارد. سلول‌های انفرادی اش شبیه کمددیواری است؛ به همان کوچکی و بدون چراغ و پنجره! سلول‌های عمومی نیز نرده کشی و آهنی تر شده است.

در سلولی به شکل نمادین یک صندلی گذاشته‌اند به یادبود گلریزانی که وقتی قرار بود یک زندانی آزاد شود، او را می‌نشاندند و برایش گلریزان می‌کردند.

در راهروهای این قسمت که قدم می‌زنیم، آوای محزون اما زیبای یک زندانی پخش می‌شود که غزلی از عراقی را می‌خواند. راهنما می‌گوید: این صدای واقعی ضبط شده از یک زندانی است که وقتی آواز می‌خوانده، رئیس بند از صدای او خوشش آمده و آن را ضبط کرده است.

بهار آزادی

سلول زندانیان اهل قلم و طویل المدت‌ها را که رد می‌کنیم، انتهای سالن می‌رسیم به بهار آزادی!

انتهای سالن در سلول «بهار آزادی»، کار تجسمی زیبایی به چشم می‌خورد از مجسمه یک زندانی درون سلول و بیرون سلول، پس از آزادی که تأثیر زندان را بر روح و جسم او نشان می‌دهد. آن که بیرون است شخصیتی تکه تکه و شکسته و لایه لایه دارد، ولی ایستاده و برپاست، برداشت‌ها آزاد است، ولی هرچه هست بهارآزادی برای این زندانی و پس از شکستن میله‌ها، نوبهار و سبز نیست!

سلول‌های نفس گیر

خانم احتشامی با حوصله و سرعت بیشتر ما را به انتهای همین سالن و میان اتاقی وسیع با پنجره‌های نورگیر بزرگ مخصوص معماری مارکوفی و مبله شده با صندلی‌های لهستانی و میزهای چوبی زیبا، می‌برد. قرار است اینجا کارگاه آسیب‌های اجتماعی شود که قبلا راهروی خروج بوده است. راهروهای خروج نیز به هواخوری مرکزی منتهی می‌شده‌اند که حیاطی بزرگ و دلباز و سبز برای تمامی راهروها و بندها و هشتی‌های مختلف بوده است.

صدای تاریخ شنیدن دارد

در کریدور عمومی دیگری که با عنوان «مرکز اسناد قصر» بازسازی شده است، سلولی به نام «صداخانه» وجود دارد که چندین گوشی شبیه گوشی‌های تلفن قدیمی از سقف آن آویزان است تا بر گوش بگذاریم و صداهایی را بشنویم. فکر می‌کنید چه صدایی را باید از این بلندگوهای قدیمی که خاطر آدمی را تا عصر گراهام بل و اختراع پرحرف و حدیثش عقب می‌برد، بشنویم؟ گوشی را به گوشمان می‌چسبانیم و صدای لهجه دار و دور مردی را می‌شنویم که به سختی می‌فهمیم برای مملکت و آقایان وزیر دعا می‌کند. خانم راوی می‌گوید: این صدای مظفرالدین شاه و اولین صدای ضبط شده در ایران است.

دوباره گوش می‌دهیم. صدای این شاه قجری زیر سقف این قصر قجری شنیدن دارد و ذهن آدمی را آن قدر عقب می‌برد که هرچه فیلم و کتاب از تاریخ این شازده باشی‌ها خوانده یا دیده باشی، جلوی چشمانت به سرعت هرچه تمام‌تر پخش می‌کند! این دالان‌ها به تونل زمان می‌مانند و به ناگاه از مظفرالدین شاه به عصر انقلاب و سال ۱۳۵۷ می‌رسانندت. در فیلم خانه هستیم و فیلم زندانیان سال ۱۳۳۷ و آشپزخانه زندان و صحنه‌های آزادی زندانیان سیاسی در سال ۱۳۵۷ و صحنه‌های بازسازی شده از روی خاطرات زندانیان را می‌بینیم. اینجا همه چیز بوی تاریخ می‌دهد!

بوی خوش آزادی

دیوارهای قصری که روزگاری برای ساکنان آن زندان شده بود، حالا با هنرهای تجسمی و خلاقیت‌های مدرن، دل انگیز و دیدنی شده است. ماکت‌ها و تابلوها را می‌بینیم و برای گفتگویی دیگر و بازدید از ساختمان زندان سیاسی، از ساختمان مارکوف بیرون می‌آییم. حس آزادی یک زندانی از زندان را تصور می‌کنیم. زمین باغ خیس و باران خورده است و هوا بوی خوش آزادی می‌دهد!

وجیهه تیموری

عکس: محسن وزیری

جدول شرح در متن

شماره ۳۱۹۰

طراح: غلامحسین باغبان

حل جدول شماره ۳۱۸۹

جدول

۲۱۸۸۲

طراح: غلامحسین باغبان

افقی:
۱ـ مناسبت مبارک و خجسته سه‌شنبه ۵ دی ماه در رابطه با پیام‌آور صلح و دوستی
۲ـ سلسله کریم خان ـ نیکو و مناسب ـ ثروت ـ ماه زمستانی
۳ـ دعای صبح جمعه ـ بی‌پایه، دروغ و باطل ـ دیگر، سایر
٤ـ حقه و کلک ـ آشکار ـ فال نیک
٥ـ متداول ـ پهلوان ـ از اعیاد بزرگ اسلامی
٦ـ نصف رعیت ـ تصویر گر ـ نوعی مسابقه دو استقامت
۷ـ رونمایی ـ راه زیرزمینی ـ اسم ـ سنگریزه
۸ـ همراه رفت ـ آمیزش و رفت و آمد ـ زودشکن
۹ـ بی سابقه ـ خداحافظی بیگانه ـ تفاوت و اختلاف ـ فاخته
۱۰ـ دانا و باخرد ـ انقلابی فرانسه که در حمام کشته شد ـ دریا
۱۱ـ جنگی بین نادر شاه و شاه گورکانی ـ حرف درد یا افسوس ـ واحد شمارش صابون
۱۲ـ از القاب امام زمان(عج) ـ کشیده شده ـ بی‌وفا
۱۳ـ پسوند صفت‌ساز ـ از شهرهای بندری فرانسه ـ زیارت کنندگان
١٤ـ تخم‌مرغ فرنگی ـ ظرف رختشویی ـ پاک و پاکیزه ـ ییلاق تهران
۱۵ـ شاخه‌ای از بهداشت

عمودی:
۱ـ سنگینی ـ از گیاهان دریایی ـ نادر
۲ـ میزبان المپیک ۲۰۱۲ ـ دانش
۳ـ بخت‌برگشتگی ـ دوستی ـ ابزار نجاری
٤ـ پایتخت کشور زیمبابوه ـ نرخ ـ زیرپا مانده
٥ـ همراه لرز ـ یار «رامین» ـ دربردارنده ـ ضربه با پا
٦ـ جنگ ـ نایب ـ نام دخترانه
۷ـ بی‌فایده و تباه ـ قرارگاه ـ نویسنده فرانسوی صاحب اثر نامه‌های آسیابم
۸ـ آزادی و نجات ـ جغد ـ مقابل امانت
۹ـ تندرست ـ لطیف ـ جهنم
۱۰ـ دریایی در جنوب شرقی ایران ـ شکافته شدن ـ دورویی
۱۱ـ نومیدی ـ سکون و آرامش ـ سبزه‌زار ـ نفس خسته
۱۲ـ بیماری ریوی ـ عقیده و مسلک ـ دروازه‌بان ملی‌پوش بارسلون
۱۳ـ دوری از وطن و یار ـ خیس ـ وفادار
١٤ـ اثری از گوته ـ هدایت شونده
۱۵ـ سرگشته ـ پشیمانی ـ گله گوسفندان

حل جدول ۲۱۸۸۱



پیام فرهنگی ایران به بشر امروز

پروفسور هانری کربن

ترجمه دکتر انشاءالله رحمتی — بخش چهارم و پایانی

پدیدار دوم چیزی است که از آن به «پدیدار آینه» تعبیر می‌کنم. این پدیدار یک نوع کلی از درک عالم است. این شیوه به جای آنکه آدمی را در محضر چیزی قرار دهد که از نظر ما واقعیت خام [و خشن] و متکاثف واقع تجربی است و برای بهره‌برداری از آن باید به ضرب و زور بر آن غلبه یافت. در عوض آدمی را در برابر صورت عیان شده در آینه قرار می‌دهد. با شکستن آینه نمی‌توان به تصویر نزدیک شد. اوج این فکرت در وجودشناخت عالم میانه یعنی همان عالم مثال است.

این فکرت نقطه مقابل و حتی پادزهر هر وسوسه «تجسد اندیشی»[2] است که به جان بسیاری از متفکران دینی روزگار ما افتاده است. از تجسداندیشی تا ماده‌گرایی تاریخی، فاصله چندانی وجود ندارد. در مقابل متفکران اسلام شیعی، همین که امام شناخت‌شان با همان مسائل مسیح‌شناخت مواجه می‌شود، از تفکر در این مسأله بر مبنای فکرت «تجسد» با دقت بسیار، پرهیز می‌کنند. واژه‌هایی که مشتاقانه در این مورد به کار می‌گیرند، واژه‌هایی چون مظهر، مظهریت و مانند آن است. بی تردید این همان «دوستیسم» است؛ ولی البته هماهنگ با «واقع‌انگاری روحانی» این متفکران بیشتر ناظر به تجلی[1] است تا به تجسد. اصطلاحی که در اینجا مناسب مقام است، همان اصطلاح جسم روحانی (یا جسم لطیف) است که در مسیحیت قدیم معروف و معمول بوده است.

چنین درکی ریشه‌های عمیقی دارد؛ چندان که برخی گونه‌های خاص هنر ایرانی را بدون آشنایی با فلسفه آن نمی‌توان درک کرد. نمونه‌هایی را یادآور می‌شوم. اخیراً هنر برشکاری در زمینه خالی یک شبح، شبح یک گلدان، شبح یک شخصیت [شکل]، توجهم را جلب کرد. در ژرفای این فضای خالی که مانع از تشتت نگاه می‌شد، یک سطح رنگین وجود داشت که صورت تهی شدهٔ ماده را نمایان می‌ساخت، البته بدون آنکه فضای خالی را پر کند. اگر دستمان را در این فضای تهی فرو کنیم، هرگز صورت را «لمس نخواهیم کرد.» و این درست معادل همان «ظهور مجردات» است که هنر بیزانسی در مقام بیانش، البته از طریق وسائل کاملاً متفاوتی، سرآمد اقران است. در واقع می‌بینیم که نوعی ظهور در بعد چهارم، تنها بعدی که حقائق غیبی در ساحت آن عیان می‌توانند شد، نشان داده شده است.

نمونهٔ این اشکالی را که در ماده حلول نیافته‌اند ـ زیرا مجرد از ماده‌اند ـ در تالار موسیقی کاخ عالی قاپو در اصفهان می‌توان یافت. توضیح فنی مطلب از این قرار است. این اشکال، نقش «طبل پژواک» را ایفا می‌کنند. این معنا در افسانه‌ها، بهتر بیان شده است: این اشکال، ارتعاشات صوتی را به خوبی حفظ می‌کنند، چندان که وقتی پادشاه به تنهایی در تالار به فکر فرو می‌رفت، باردیگر نواهای مجلس موسیقی را می‌شنید؛ زیرا شاید تنها نشانی که ظهور وجودهای غیبی برجای می‌نهد، نوعی ورد صوتی است که فقط به گوش جان شنیده می‌شود.

طرح حوض آب واقع در مرکز باغ سنتی ایرانی و یا طرح حوض آب مسجد (برای مثال حوض واقع در وسط محوطه بزرگ مسجد امام اصفهان)، ما را به تحقیق مشابهی وا می‌دارد. تصویر سطوح عظیم منقوش به کاشیهای فیروزه‌ای در اطراف حوض، بر سطوح آب زلال آن می‌افتد. و شب هنگام، این تصویر جایش را به تصویر اختران می‌سپارد. فرو رفتن در آب به قصد «لمس کردن» تصاویر، درست همانندشکستن آینه [به قصد دسترسی به تصویر موجود در آن]، سعی بیهوده است. سطح شفاف، جای ظهور (مظهر) است؛ ولی صورت آنجا نیست. می‌توان این را مقایسه کرد با مطالبی که در بالا در باب حکایت بیان شد، زیرا همهٔ این وجوه، همبستگی دارند.

نمونه دیگری ذکر می‌کنم: در شمایل‌نگاری شیعی، تصویر اهل بیت و عمدتاً تصویر پنج‌تن آل عبا در نقاشیهای دیواری و همچنین در تصاویر نقش شده در نسخه‌های خطی آمده است؛ ولی چهرهٔ آنها همیشه در زیر نقاب پنهان است. هر بیننده‌ای مختار است آن چهره را متناسب با میل خویش برای خود متجلی سازد و بنابراین می‌تواند خود را در مقام همان تجلی حق فرض کند که در «اعمال پترس» از آن سخن به میان آمده است: «چنانش دیدم که در توان داشتم» مشاهده هرگز در بند یک دادهٔ [مشخص] نیست. رنگها که از همه سوی مینیاتور ایرانی سر بر می‌کشند، نشان از میلشان به گریز از مرکز و روی آوردن به محیط، «به خارج از مکان» دارند. حتی اگر مینیاتور را به اندازهٔ یک تابلوی نقاشی بزرگ کنند، مینیاتور همچنان مینیاتور است.

پاسخ پرسشی که غالباً در گفتگوهای ایرانی مطرح می‌شود، از همین جا به دست می‌آید. پرسش این است که: «چرا در ادبیات کلاسیک فارسی، رمان به معنای امروزی کلمه، خلق نشده است؟» دلیلش این است که برای خلق این گونه رمانها، نباید جهان را در «آینه» ادراک کرد. حکایت که مورد اهتمام عارف ایرانی است، همان رمان سالکانه است؛ ولی دقیقاً همین اهتمام در گذر از حماسه پهلوانی به حماسه عرفانی، ظهور و بروز یافته است و این واقعه‌ای اساسی در فرهنگ معنوی ایرانی است. خواهیم دید چگونه این واقعه در آثار سهروردی رخ نموده است.

از مجموع هفت دفتر که در چهار مجلد این اثر آمده است، دفتر نخست به چشم‌اندازهای اصلی تشیع امامیه می‌پردازد. این وجوه را از سرچشمه‌هایشان، یعنی از روایات خود ائمه اطهار(ع) بر می‌گیرد؛ ولی در عین حال طنین و شرح و بسط این روایات را در نزد بزرگترین شارحان‌شان در دوران صفویه نشان می‌دهد. وجوه اشتراک میان تأویل روحانی معمول در تشیع و تأویل روحانی معمول در مسیحیت و همچنین وجود اشتراک میان مسائل امام شناخت و مسائل مسیح شناخت را مبین می‌دارد. دفتر دوم تماما به معرفی طرح «احیا» (حکمت) که مرهون همت سهروردی است، اختصاص دارد. منظورم از این احیا حکمت، همان فلسفه اشراقی یا حکمت نوری است که لازم است تحقیقات بسیاری برای مقایسه آن با فلسفه قرون وسطای غربیها در خصوص نور (فلسفه روبرت گروستست) انجام شود.

دفتر سوم تماما به روزبهان بقلی شیرازی اختصاص دارد و به مسائلی آشنا برای «خاصان محبت»[2] [در مغرب زمین] در زمان دانته [و پیرامون دانته] یا پیش از او، می‌پردازند. دفتر چهارم تنی چند از قله‌های مابعدالطبیعه شیعه و تصوف (سید حیدر آملی، علاءالدوله سمنانی) را معرفی می‌کند. دفتر پنجم بر مبنای اندیشه تنی چند از افراد شاخص، به معرفی «مکتب اصفهان» می‌پردازد. در دفتر ششم معنا و مقاصد مکتب شیخیه بیان شده است. در نهایت دفتر هفتم تماماً به امام دوازدهم به منزله قطب و قبله شور و شیدایی شیعی که اوج آن فکرت جوانمردی، فتوت، است، اختصاص دارد. در اینجا مقایسه‌هایی با سنت‌های جوانمردی (شهسواری) مغرب زمین و همین طور سنت یواخیمی[3] به صرافت در ذهن شکل می‌گیرد.

در واقع به عمد اشارات فراوانی در خصوص شباهت‌ها و مقایسه‌ها، دارم؛ زیرا قصد و غایت من در این کتاب تفهیم این اعتقاد است که فرهنگ معنوی ایران زمین نمی‌تواند «و نباید» بیش از این از «مدار فرهنگی» جهان غایب باشد.

آنچه را که «ممکن است بر اثر این غیبت» از دست بدهیم، از لابلای این صفحات به صرافت نمایان خواهد شد؛ ولی از محققان پوشیده نمی‌دارم که این کار بسی دشوار و جانکاه است؛ زیرا تسلط بر متون و احاطه بر اصطلاحاتی که قابلیت انتقال آن مضامین به زبانهای ما غربیان را داشته باشند، نیاز به یک عمر مجاهده دارد. البته حاصل کار حقیر فقط بخش ناچیزی از کار «بزرگی» است که باید در این راه انجام شود.

در پایان باید به خواننده‌ای که بخواهد تا پایان این هفت دفتر همراهی‌ام کند، بگویم چیزی که او را بدان دعوت می‌کند، همان زیارتهای ایرانی است و اینها به حقیقت زیارتها (و زیارتگاههای) جان آدمی است؛ ولی برای این مهم باید تن به مخاطره عظیم «روح» داد؛ مخاطره همه کسانی که چون خود مشتاق‌اند، به بنا کردن «خانه حکمت بر پایه هفت رکن آن»[4] دعوت شده‌اند.

هانری کربن، فوریه ۱۹۷۱

پی‌نوشتها:

۱ـ تلطیف جسم، تغییر سیما یا تبدّل صورت نیز می‌توان ترجمه کرد. نویسنده در اینجا به واقعه تغییر سیمای عیسی مسیح(ع) که در اناجیل آمده است نظر دارد. برای مثال در انجیل متی (۲ـ۱:۱۷) می‌خوانیم: «عیسی، پترس و یعقوب و برادر او یوحنا را برداشت و بر فراز تپه بلندی برد. در آنجا ظاهراً عیسی در مقابل ایشان دگرگون شد و چهره‌اش چون خورشید درخشان گردید و لباسش چنان سفید شد که چشم را خیره می‌کرد...»

۲ـ Fideles damour گروهی از شاعران عاشق‌پیشه ایتالیایی که عشق بشری را محمل عشق الهی می‌دانستند. متعلق به محفلی در فلورانس در دوران قرون وسطی بودند و دانته (۱۳۲۱ـ۱۲۶۵) از بزرگترین شخصیت‌ها در میان آنان محسوب می‌شود.

۳ـ tradition joachimite جنبش متأثر از دیدگاههای یواخیم فیوره‌ای (۱۲۰۲ ـ حوالی ۱۱۳۲) ر.ک: معبد و مکاشفه، ص ۳۷۵.

۴ـ تصور می‌کنم این تعبیر ناظر است به آیاتی در کتاب مقدس (امثال سلیمان ۶ ـ ۱:۹) «حکمت کاخی بنا کرده است که هفت ستون دارد، مهمانی بزرگی ترتیب داده و انواع شرابها و خوراکها را آماده کرده است و کنیزان خود را فرستاده تا بر بلندترین مکان شهر بایستند و ندا سر دهند. و ای آدمهای جاهل و نادان بیایید و از خوراک و شرابی که آماده کرده‌ام بخورید، راه جهالت را ترک گفته، زنده بمانید. راه دانا شدن را پیش بگیرید.» گویی کربن هفت دفتر این مجموعه را، هفت رکن خانه حکمت در نظر می‌گیرد.

گنجی در طلسم قلعهٔ جمشید

دکتر محمد ابراهیم باستانی پاریزی — بخش نخست

اشاره: چند ماه پیش استاد نامدار ایران، مرحوم دکتر محمد حسن گنجی درگذشت و بسیاری از دانشجویان این استاد کهنسال در مراسم خاکسپاری‌اش شرکت کردند. آقای دکتر باستانی پاریزی که از شاگردان قدیم مرحوم استاد بودند و آن روزها در کانادا به سر می‌بردند، برای ادای دین به ایشان مقاله‌ای در مجله ایران‌شناسی دانشگاه تورنتو به چاپ رسانیدند که پس از بازگشت به میهن، آن را در اختیار ما نهادند که از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد.

***

«...اگر تاریخ تحول شهرها را از نظر بگذرانیم، خواهیم دید که هر یک بر اثر یک دسته عوامل جغرافیایی مخصوص به وجود آمده و تا آن اصول موجود بوده‌اند، به حیات خود ادامه داده‌اند؛ ولی به محض اینکه آن عوامل از بین رفته، شهرها نیز رو به انحطاط گذارده و کم‌کم خراب و ویران شده‌اند... شهر بیرجند که مورد مطالعه ما در این مختصر قرار دارد، بهترین نمونه از یک مرکز تجمع انسانی است که بر اثر از بین رفتن عوامل انشای آن، امروز مراحل آخر زندگانی شهری خود را می‌پیماید و در حقیقت دقایق احتضار خود را می‌گذراند. با توجه مختصری به محیط جغرافیایی مسلم می‌شود که بیرجند دیگر قادر به ادامه حیات نیست و در محیط نامساعد امروزی محکوم به زوال یا انحطاطی است که تقریباً آن را در زمره دهات و قصبات در خواهد آورد.

در صدر اسلام، بیرجند یا بیرگند(؟) از دهات خیلی قدیمی بوده ...و فولکلور آن می‌رساند که در دوره‌های قبل از اسلام هم وجود داشته، ولی در ادوار سابق دارای جمعیتی کم، شاید حدود سه‌هزار نفر، و زندگی کشاورزی ساده بوده و بدین جهت توانسته است در محیط جغرافیایی نامساعدی که بیش از ۵۰ کیلومتر تا حاشیه کویر مرکزی ایران فاصله ندارد، به حیات خود ادامه دهد... جمعیت قصبه بیرجند کم‌کم تا آنجا زیاد شد که در سالهای جنگ بین‌المللی اول (۱۳۳۲ ـ ۱۳۳۶ ق/ ۱۹۱۴ ـ ۱۹۱۸) به ۱۸هزار نفر بالغ گردید. هر قدر جمعیت آن افزوده می‌شد، به همان نسبت فشار اقتصادی بیشتر و پایه زندگی اهالی نازل‌تر می‌شد، چنان که می‌توان به جرأت گفت که هیچ فرد متوسط بیرجندی در صد سال اخیر غذای کافی نداشته است... بر اثر اتصال راه شوسه مشهد به زاهدان... با از بین رفتن قافله‌های شتر، علاوه بر آنکه لطمه‌ها به محصولات پوست و پشم ناحیه قاینات رسیده، شمار زیادی از زارعین که کار آنها تهیه علوفه برای این کاروان‌ها بود، صدمه زیاد دیدند و مقدمات بحران اقتصادی شروع شد. بعد از خشکسالی ۱۳۲۴ ـ ۱۳۲۵ش/ ۱۹۴۵ ـ ۱۹۴۶ در این سال یک قطره باران در جنوب قاینات مشاهده نشده و سه سال خشکسالی است که معمرین ۹۰ ساله آنچنان خشکسالی را به خاطر ندارند و مردم ناچار به مهاجرت تن در دادند. در این سال حدود ۴۰ هزار تن از ۲۵۰ هزار تن مردم قاینات به مهاجرت رفته‌اند و جمعیت بیرجند از ده دوازده هزار نفر بیشتر نمانده... در ضمن، مطالعه وضع جغرافیایی مسلم می‌دارد که پایداری شهر مزبور در محیط نامساعد تقریباً محال به نظر می‌رسد...»

این یادداشتها جزئی از مقاله مفصلی است که آن مقاله در مجله معتبر یادگار (سال ۳، شماره ۲، مهرماه ۱۳۲۵ ش/ سپتامبر ۱۹۴۶) و اندکی بعد از پایان جنگ بین‌المللی دوم به چاپ رسیده است و این همان سالی است که مخلص پاریزی از دانشسرای مقدماتی کرمان حائز رتبه دوم میان دانش‌آموزان شده و طبق امتیازی که داشتم، برای ادامه تحصیل در دانشسرای عالی به تهران آمدم و سال بعد وارد دانشسرای عالی شدم، در حالی که این مقاله را قبلا تحت عنوان «انحطاط بیرجند» خوانده بودم و تأسف داشتم که دیگر یک شهر بیابانی مهم را در شمال کرمان و جنوب خراسان نخواهم دید.

وقتی وارد دانشسرای عالی شدم و دروس سال تحصیلی اعلام شد، متوجه شدم که نویسنده همان مقاله استاد جغرافیای انسانی و درس نقشه‌برداری و نقشه‌خوانی کلاس ماست؛ استادی در مراحل پایان جوانی و به قول پاریزی‌ها دوان مرد و اندکی سیه‌چرده و دودخوردهٔ بیابانی و سیاه‌سوختهٔ کویری و نامش **دکتر محمد حسن گنجی** است و برای مخلص پاریزی جالب‌تر از همه اینکه او کسی نیست جز نویسنده همان مقاله انحطاط بیرجند.

احکام تاریخ و جغرافیا و اصولا همه علوم انسانی جزء احکام قطعی و جزمی معارف بشری نیست، بلکه عموما احکامی است نسبی و حتی دقیق‌ترین آنها نیز همیشه خدشه‌بردار است

استادی که چند صباحی پیش از آن، از انگلستان و دانشگاه منچستر فارغ‌التحصیل شده و به ایران بازگشته، به علت کمالات اخلاقی و فضایل مکتسب که داشته، به دانشیاری عباس اقبال آشتیانی نایل آمده و با کمال علاقه و در کمال قدرت روحی و تسلط بر مطالب درسی کلاس خود را اداره می‌کرد.

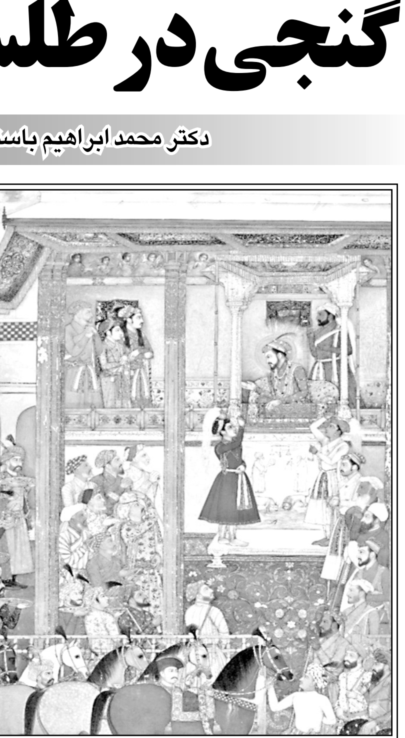
روزی که من وارد دانشکده ادبیات شدم، یک استاد سیاه سوخته کویری ما همین استاد محمد حسن گنجی بود که نقشه برداری درس می‌داد. آن روزها (۱۳۲۵ش/۱۹۴۶) گروه تاریخ و جغرافیا در درسها مشترک بودند. پیر تاریخ ما عبدالحسین شیبانی وحید الملک بود که تاریخ اروپا درس می‌گفت. بعد نصرالله فلسفی پیش از اسلام و صفویه و بعد رشید یاسمی دوران اسلامی و بعد خانبابا بیانی و مرحوم بهمنش و مرحوم عباس اقبال درس جغرافیای انسانی می‌گفتند. در جغرافیا، مرحوم دکتر احمد مستوفی ـ که سالها بعد عروس خانواده ما از بستگان او شد ـ درس جغرافیای اروپا را می‌داد و دکتر احمد سعادت بوشهری درس هواشناسی می‌داد و پیر دیر جغرافیا، جناب کیهان، درس جغرافیای اقتصادی و جغرافیای سیاسی ایران می‌گفت، و من در دوره دبیرستان با همه این اسمها آشنا بودم، چه از طریق مجلات و چه از طریق کتابهای درسی.

طبعا در روزهای نخستین درس و با استادانی مثل دکتر صدیق اعلم و دکتر بیژن و دکتر جلالی روان‌شناس و دکتر محمد خوانساری، نماینده دکتر سیاسی، و خود دکتر سیاسی و دکتر محمد معین و استاد استادان دکتر هوشیار که روش تدریس درس می‌داد و حبیب‌الله صحیحی برایم هیجان‌انگیز بود. اصلا مرحوم حبیب‌الله صحیحی را من دیده بودم. او در امتحان کلاس نهم سیرجان به بازرسی امتحانات آمده بود. معلم زبان فرانسه گروه تاریخ بود و مؤلف کتاب فرانسه دبیرستانها نیز بود.

خودتان می‌توانید میزان هیجان کسی را درک کنید که از پاریز راه افتاده، آمده به تهران در مدرسه شیخ‌عبدالحسین اتاق گرفته و حالا سروکارش با نسل اول تحصیل کردگان بعد از مشروطه و نخستین استادان دانشگاه ایران افتاده و در پوست نمی‌گنجد.

سالهای بسیاری لازم بود تا برایم روشن شود که احکام تاریخ و جغرافیا و اصولا همه علوم انسانی جزء احکام مطلق و بتی و قطعی و جزمی معارف بشری نیست، بلکه عموما احکامی است نسبی و آب‌بردار و حتی دقیق‌ترین آنها نیز همیشه خدشه بردار است. چنان که فی‌المثل می‌گوییم در سرشماری یک روز جمعه اسفند ۱۳۱۸ش/مارس ۱۹۳۹ جمعیت تهران اندکی بیش از ۵۱۸ هزار نفر بوده است. با اینکه می‌دانیم که دوره رضاشاهی بود که در یک روزی اعلامیهٔ «حکم می‌کنم» بعد از کودتا صادر کرده بود و با اینکه آن روز قرار شده بود همه در خانه‌ها بمانند و جواب مأموران را دقیقاً بدهند و دادند، به راستی اگر همه اینها، یعنی در خانه ماندن و جواب روشن دادن صددرصد عملی شود، آیا در آن روز و آن شب هیچ‌کس در تهران از دنیا نرفته است؟ و آیا هیچ فرزندی آن روز بر سرخشت نیفتاده، یعنی متولد نشده است؟ پس این جمعیت که از نقیر و قطمیر صحبت می‌کند، بازهم اگر نه یک درصد، بل یک در هزار یا یک در میلیون خدشه بردار باشد، همین امر مطلق بودن احکام علوم انسانی را زیر سؤال می‌برد.

به خاطر دارم که وقتی جغرافیای کیهان را در دانشگاه تهران می‌خواندیم، رسیدیم به شرحی در باب شهر بابک که در آن نوشته شده بود: «از محصولات شهر بابک یکی هم خرماست.» من وقتی در کلاس ماژور مسعودخان کیهان این سطور را خواندم، ترسان و لرزان خدمت استاد کیهان رفتم و آرام و آهسته عرض کردم: «جناب استاد، این شهر بابک که شما نوشته‌اید خرما داده، همسایه کوهستان ما پاریز است و جایی است که در قلب‌الاسد تابستان گاهی درختهای گردو را سرما می‌زند. خرما چگونه به عمل می‌آید که باید گرمای







چند مینیاتور هندی درباره گنجعلی خان و تسلیم پادگان قندهار، و ورود علیمردان خان به دربار شاه‌جهان

خرماپزان را تجربه کرده باشد؟» استاد کیهان که مردی ملایم و شریف و دوست‌داشتی بود، در جواب گفت: «فرزند، من هم می‌دانم که شهر بابک سردسیر است؛ اما این مطلب را از یک کتاب جغرافیایی (گمان کنم معجم البلدان، تردید از من است) نقل کرده‌ام.»

حالا بعد از مشت مال دکتر گنجی در باب بیرجند، نوبت سروکیسه کردن جناب کیهان است و باید اشاره‌ای هم بکنم به شرحی که در کتاب وزارتی جغرافیا در سیرجان خوانده بودم و یکی از مؤلفان نامدار آن کتاب، همین جناب مسعود کیهان بود. در شهریور ۲۰ که من در سیرجان دوره اول دبیرستان را می‌خواندم، در کتاب جغرافی وزارتی، یک صفحه تمام درباره دریای خزر نوشته شده بود:

«به زودی این دریاچه خشک خواهد شد و بر طبق حسابهای مهندسین، تا ۳۷ سال دیگر دریای خزر از بین خواهد رفت زیرا که عمده واردات این دریا رودخانه های شمالی است، به خصوص شط بزرگ ولگا که تا اندازه‌ای جبران تبخیر آب را می‌کند و اکنون در کاسپچین مشغول ساختن سدی روی ولگا می‌باشند که آب برای آبادی بیابانهای شمال دریاچه خزر به کار برده خواهد شد و بدین سبب سالی چهار متر و نیم از آب دریا کم، و تا ۳۷ سال، قسمت عمده این دریاچه خشک خواهد شد. ژرفای دریا خزر از شمال به جنوب متفاوت است؛ مثلاً سمت شمالی را می‌توان باتلاقی دانست که ژرفای آن ۱۰ و بیشینه آن ۱۶ متر است و هر سال مدتی تبخیر می‌شود، ولی قسمت جنوب غربی که در دامنه کوههای طالش و قفقاز واقع شده، ژرفای دریاچه از ۵۰۰ تا ۸۰۰ متر و در بعضی نقاط به ۱۰۰۰ متر می‌رسد. حجم آب آن ۴۶۳۳۴۴ کیلومتر مکعب و سطح آب ۲۶ متر از دریای سیاه و ۷۵ متر از دریاچه آرال کمتر است... کرانه‌های شمالی آن بیشتر شنزار و دارای جزایر شنی متعدد است، ولی از دربند به بعد کوهها تا کرانه دریا پیش آمده، دهانه‌های آتشفشان گاهی داخل دریای خزر جستن نموده، ستونهای گل و لای پرتاب می‌کند. سپس از آن خط کرانه در دهانه رودکر ناحیه قزل آغاج پست و در مرز ایران مجدداً کوهستانی می‌شود. کرانه‌های ایران، که دامنه‌های کوههای البرز است، همه شنزار و پست و دارای خلیج‌های کوچک و برکه‌های گوناگون است و رودخانه‌های متعدد و دو بریدگی مهم دارد که یکی مرداب گیلان و دیگری خلیج گرگان است.»[1]

وقتی در ۱۳۲۰ش/ ۱۹۴۱ در سیرجان امتحان درس جغرافی می‌دادم، مرحوم سید اسدالله محمدی، معلم نجیب کرمانی تاریخ و جغرافی من که بسیار هم به من محبت داشت و لابد او هم شاگرد جناب کیهان بوده است، ضمن صحبت از جغرافیا صحبت از سفیدرود پیش آورد که به کجا می‌ریزد و من گفتم به دریای خزر و سپس مثل مرغ بی محل[2] شروع کردم به توضیح دریای خزر و پیش‌بینی خشک شدن آن در ظرف ۳۶ سال و نقیر و قمطیر آن را بیان کردم و حتی بعضی از ارقام آب آن را هم گفتم که مورد تعجب مرحوم محمدی شد[3] و ضمن تعریف از قدرت حافظه من، برای اولین بار یک نمره ۱۸ در جغرافیا نصیب مخلص کرد و من با همین نمره که از خشک‌شدن دریای خزر گرفته بودم، بعداً وارد دانشسرای مقدماتی کرمان شدم و در آنجا هم شاگرد دوم شدم و طبق مقررات برای ادامه تحصیل به دانشسرای عالی آمدم و در سال ۱۳۲۶ ش/ ۱۹۴۷ که در مدرسه شیخ عبدالحسین اتاق گرفته بودم، در رشته تاریخ و جغرافیای دانشسرای عالی ثبت نام کردم و درس انتخاب کردم و وقتی برنامه را خواندم، متوجه شدم که یکی از استادان نامدار ما، و در واقع شیخ‌الاساتید، همین جناب مسعود کیهان است.

و به خاطر آوردم که مؤلف همان کتاب وزارتی دوره اول دبیرستان هم کسی نیست جز استاد مسعود کیهان که به همراهی مرحوم علی‌اصغر شمیم و مرحوم نصرالله فلسفی، استادان تاریخ، و آقای محیط طباطبایی آن کتاب گرانقدر را تالیف کرده‌اند و جالب آنکه این استاد محیط مؤلف جغرافیای وزارتی در کلاس ششم دبیرستان، وقتی که من در تهران و در مدرسه رشدیه درس می‌خواندم، یک سال پیش از آن، معلم تاریخ من بود و من در فضایل این استاد نامدار در یادواره‌ای که به افتخار دکتر سلیم نیساری، معلم دیگرم، توسط فرهنگستان ایران چاپ شده است، شرحی مستوفی نوشته‌ام.[4]

از این جناب کیهان غافل نباشید و دلم می‌خواهد دو سه کلمه در باب او در این مجله ایران نامه، که به همت آقای دکتر محمد توکلی طرقی کاشانی چاپ می‌شود، برای شما بنویسم. او فرزند عبدالمطلب مستشارالوزاره مستشار توپخانه و متولد ۱۲۷۳ش/۱۸۹۳ بود و در ۱۱ سالگی به اصرار پدرش به فرانسه رفت و تحصیل متوسطه کرد و دوره نظامی سن‌سیر را در فرانسه دید و یک سالی هم در ارتش فرانسه خدمت کرد و در بازگشت که از طریق دریا می‌آمد، در فارس، جزء فوج‌پیاده نظام شد و مخبرالسلطنه که حاکم ولایت بود، به او عنوان ماژوری داد و در نظمیه فارس شاغل شد (۱۳۳۳ق/۱۹۱۳).

در همین روزها که جنگ بین‌المللی اول شروع شده بود، حزب دموکرات ایران در ژاندارمری نفوذ کرد و جنگ میان دموکراتهای آلمانوفیل و خوانین طرفدار انگلیس در گرفت که باید جای دیگر آن را دید.[5] در کمیته حافظین استقلال فارس، ماژور مسعودخان و یاور محمد صادق کوپال و محمد تقی خان عرب بهارلو و سلطان حسن ملک‌زاده و سلطان احمد اخگر و علیقلی خان پسیان با پیشرفت نیروهای قوام‌الملک در تنگنا قرار گرفتند و با خودکشی کم‌نظیر علیقلی خان پسیان و پسر عمویش، اعضای کمیته به تهران فرا خوانده شدند.

تهران هم آرام نبود و طرفداران آلمان به مهاجرت دست زدند و کیهان نیز پس از انتقال به تهران در این جمع بود. با پیشرفت قوای روسی، ماژور مسعودخان نیز با سایرین به اسلامبول مهاجرت کرد. با پایان جنگ، در سال ۱۲۹۷ ش/ ۱۹۱۹، ماژور به ایران برگشت و در ژاندارمری به کار پرداخت و با کلنل اسمایس انگلیسی و با کمیته آهن که در تهران تشکیل شده بود ارتباط یافت. اعضای این کمیته عبارت بودند از سید ضیاءالدین طباطبایی و محمودخان مدیرالملک (بعدها معروف به جم که کرمانی بود و اهل قلعه عسکر بافت) دکتر منوچهر خان طبیب شوهر خواهر کلنل کاظم‌خان سیاح و میرزا موسی خان رئیس خالصجات و مسعود خان سرهنگ و یاران دیگری از تهران.

تلاش آیرون ساید و نورمن، وزیر مختار انگلیس، به نتیجه رسید (آبان ۱۲۹۹ ش/ نوامبر ۱۹۲۰) و مقدمات کودتا در کاروانسرای آق‌بابای قزوین فراهم آمد و این ماژور مسعودخان کیهان بود که با اتومبیل خود سید ضیاءالدین طباطبایی را از تهران به قزوین برد و با رضاخان قزاق (سردار سپه‌بعد) آشنا کرد و چنان که می‌دانیم، با دوهزار قزاق به راه افتادند و در سوم حوت (اسفند) ۱۲۹۹ش/ ۲۲ فوریه ۱۹۲۱ تهران را بدون مقاومت تسخیر کردند و احمدشاه فرمان ریاست وزرایی سیدضیاء را صادر کرد، در حالی که ماژور مسعودخان کیهان وزیر جنگ کابینه بود و محمود جم کرمانی وزیر خارجه، البته رضاخان قزاق فرمانده دیویزون قزاق.[6]

معلوم بود که این کار به سامان نخواهد رسید که به قول احمدآقاخان آن روز و سپهبد امیر احمدی بعد: «سردار سپه گفت: این ماژور مسعودخان که با سید ضیاءالدین آمده، وزیر جنگ است و من رئیس دیویزیون قزاق؛ در حالی که او ماژور ژاندارمری است و من سردار سپه و این رئیس و مرئوسی درست درنمی‌آید. باید من وزیر جنگ باشم.»[7]

بعد از سقوط کابینه کودتای سیدضیاء چنان که می‌دانیم، آن چند افسر عالیرتبه‌ای که هم قسم شده بودند که نسبت به یکدیگر خیانت نکنند، اغلب تا آخر عمر بدین عهد و پیمان وفادار ماندند. از آن جمله ماژور مسعودخان بود که از همان اواسط کابینه سید ضیاء در ۷ اردیبهشت ۱۳۰۰ ش/ ۲۶ آوریل ۱۹۲۱ از وزارت جنگ استعفا کرد و کناره گرفت و یک ماه بعد هم سیدضیاء از ایران خارج شد. استاد مسعودخان عازم اروپا شد و در بازگشت به ایران، از مشاغل نظامی به معارف منتقل شد (۱۳۰۳ ش/۱۹۲۴) و به تدریس زبان فرانسه در مدرسه دارالفنون و مدرسه علوم سیاسی و تجارت و حقوق و دارالمعلمین عالی پرداخت و در ۱۳۰۷ ش/۱۹۲۸ به همراه ۱۳۰ نفر محصلین ایرانی که برای ادامه تحصیل به اروپا می‌رفتند، او نیز به اروپا رفت و ضمن سرپرستی آنها، خود نیز در تاریخ و جغرافیا به تحصیل ادامه داد و در بازگشت، به سال ۱۳۱۴ش/ ۱۹۳۵ و یک سال بعد از تأسیس دانشگاه، به تدریس جغرافیا در دانشگاه تهران مشغول شد و همان بود که ما استثنائاً در دانشسرای عالی از او به عنوان «جناب کیهان» یاد می‌کردیم و این لقب به خاطر وزارت او در کابینه سید ضیاء بود که آن روزها فقط وزیران را جناب خطاب می‌کردند.

در تمام مدت طولانی معلمی خود، مرحوم کیهان نیز، که نام فامیلش را ظاهرا به خاطر تحصیلات جغرافیدانی خود انتخاب کرده بود، حتی یک مصاحبه و یک مقاله و حتی یک کلمه در باب مدت وزارت کودتای خود صحبت نمی‌کرد: صُمٌ بُکم و تنها به معلمی و عضویت فرهنگستان عصر پهلوی اکتفا کرد. او چهار سال معلم جغرافیای ما در رشته تاریخ و جغرافیای دانشکده ادبیات بود (۱۳۲۷ ـ ۱۳۳۰ ش/۱۹۴۸ ـ ۱۹۵۱).

یک شوخی عجیب را هم بگویم مربوط به کابینه علی منصور ـ پسر حسنعلی منصور ـ نخست وزیر اواخر رضاشاه که در زمان محمدرضا شاه مسئول کابینه شد. فکر می‌کنم مطلب خیلی جدی شده و باید پای شوخی را به میان کشید. مرحوم مسعودخان کیهان در ۱۳۲۰ش/۱۹۴۱ نیابت تولیت مسجد و مدرسه عالی سپهسالار را هم داشت و البته مدتی طولانی نبود، ولی در آن روزها در عصرهای چهارشنبه، طبق روشی که از پیش هم معمول بود، چند تن از معاریف مذهبی و ادبی در یک مجلس دوستانه شرکت می‌کردند و ظهر ناهار را در لُقانطه (ساختمان نظامیه جلو مسجد سپهسالار که دیگر این روزها وجود ندارد) مهمان نایب‌التولیه بودند و تا عصر به بحث و شعرخوانی می‌پرداختند و گمان کنم نام اعضای این مجلس را که طبعا طی سالهای طولانی تغییر کرده بود، استاد احمد مهدوی دامغانی در جایی تحت عنوان «اصحاب چهارشنبه» نوشته باشد و تا آنجا که به خاطر می‌آورم، مرحوم احمدراد که خودش یک وقت نایب‌التولیه بود و مرحوم دکتر شهیدی بروجردی و حبیب یغمائی از آن جمله بودند. احمد راد سالها رئیس اداره فرهنگ شهرستان‌ها در وزارت فرهنگ در عمارت ظل‌السلطان بود و ابلاغ مخلص پاریزی برای دبیری دبیرستانهای کرمان به امضای اوست و یک شوخی هم همکلاسها بین من و او نسبت می‌دهند که باید جای دیگر خواند.[8]

یغمائی در همان سالها که منصور نخست‌وزیر شد، یک روز صحبت از این جلسه چهارشنبه می‌کرد و می‌گفت کابینهٔ قبلی سقوط کرده بود و نام منصور به عنوان کاندیدا مطرح شد و فرمان گرفت و قرار بود روز شنبه کابینه‌اش تعیین شود. یغمائی می‌گفت: ظهر چهارشنبه ناهار چلوکباب خوردیم و

دکتر گنجی پس از بازگشت به ایران، به علت کمالات اخلاقی و فضایل مکتسب، به دانشیاری یکی از بزرگترین استادان دانشگاه، یعنی عباس اقبال نایل آمد و با کمال علاقه و تسلط، کلاس را اداره می‌کرد

ضمن چای، طبق معمول مشغول گفتگو شدیم و هر یکی حدسی می‌زند که چه کسانی ممکن است عضو کابینه شوند و بیش از همه طبعاً نسبت به وزیر فرهنگ حساسیت داشتند که در سرنوشت آنها هم مؤثر بود. هر یکی مطابق ذوق خود بحثی می‌کرد و می‌گفت احتمالا فلان کس وزیر فرهنگ خواهد شد و دیگری می‌گفت اگر فلان بیاید، چنین وچنان خواهد کرد و همین‌طور بحث ادامه یافت، تا حدی که خسته کننده شده بود. در این میان، مرحوم ماژور مسعود خان کیهان که طبق معمول ساکت‌تر از همه بود، حوصله‌اش سر رفته و گفته بود: «بهتر است بحث را عوض کنید. بالاخره یک خری خواهد آمد و وزیر خواهد شد. بی خود وقت خودتان را تلف نکنید.» مطلب با خندهٔ حضار تمام شد و همه به خانه رفتند. پنج‌شنبه و جمعه گذشت و صبح شنبه که رادیو تهران خبر تشکیل کابینه را می‌داد، ضمن اعلام اعضای کابینه منصور گفت: «وزیر فرهنگ، آقای مسعود کیهان...» بدین طریق آخرین پست وزارت، جناب کیهان تعیین شده بود که البته چندان طولی هم نکشید و منصور به دست بخارایی کشته شد و کابینه جای خود را به کابینه هویدا داد و این عبارت کیهان تا سالها زبانزد اهل ناهار اصحاب چهارشنبه مسجد سپهسالار بود.

ادامه دارد

پی‌نوشتها:

۱ ـ محمد ابراهیم باستانی پاریزی، از سیر تا پیاز (چاپ ۴، تهران: علم، ۱۳۸۷) ۴۴۹، نقل از کتاب جغرافی وزارتی تالیف شده در ۱۳۱۷ش/۱۹۳۸.

۲ ـ همان مرغ بی‌هنگام است. خروسی که بی‌موقع بخواند، و مرغی که صدای خروس بدهد. و صاحبخانه‌ها مرغ بی‌هنگام را سر می‌برند.

۳ ـ عدد ۴۶ و ۳۳ و ۴۴ را به خاطر دو تا ۳ و دوتا ۴ آن راحت به یاد سپرده بودم، یک راه برای حفظ کردن اعداد!

۴ ـ یادواره دکتر سلیم نیساری، چاپ فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

۵ ـ از جمله در مقاله مفصل نگارنده محمد ابراهیم باستانی پاریزی، «صد سال تنهایی» در روزنامه اطلاعات، آذرماه ۱۳۹۰ و تلاش آزادی (چاپ ۹؛ تهران: علم، ۱۳۸۳)، ۲۹۷.

۶ ـ باستانی پاریزی، تلاش آزادی، ۲۹۲.

۷ ـ خاطرات نخستین سپهبد ایران، به کوشش غلامحسین زرگری (تهران: موسسه مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۳)، ۱۷۸.

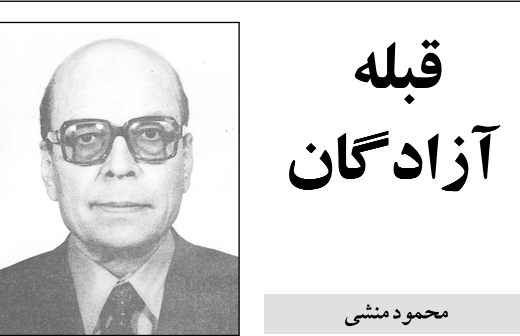
۸ ـ محمد ابراهیم باستانی پاریزی، بازیگران کاخ سبز (تهران: نشر علم، ۱۳۸۶).

جوانمرد

سیدبرهان‌الدین محقق ترمذی: آزادمرد آن باشد که از رنجانیدن کسی نرنجد. جوانمرد آن باشد که مستحق رنجانیدن را نرنجاند.

معارف

قبله آزادگان



محمود منشی

آذرآبادان، این قبلهٔ احرار جهان
جاودان باد به تأیید خدا، آبادان

خنُک این خاک دلاویز که فردوس برین
ما ندیدیم که ماند به دلاویزی آن

هر طرف، طُرفه بهشتی است، در این طرفه دیار
هر کجا، طرفه جهانی است در این طرفه مکان

چشمه‌سارش همه آزرمدهِ آب حیات
مرغزارش همه انگشت‌کشِ روی جَنان

خار هر مرزش، دلجوی‌تر از ناژو[1] و سرو
خاک هر کویش، خوشبوی‌تر از عنبر و بان

خوشنوا مرغان، بر هر سر شاخش گویی
به ترّنم همه خوانند که: ایران، ایران

سر فراگوش فلک برده و گویند مدام
قصهٔ حشمت این ملک، سهند و سبلان

شرف سیر زمان است هَلا، رود ارس
اِرم روی زمین است دلا، دشت مغان

حبّذا خطّه جان‌پرور تبریز عزیز
که گرانپایه به جاه است و گرانمایه چو جان

سرزمینی ز ازل، موطن مردان دلیر
شارسانی به مثَل، بیشهٔ شیران ژیان

یاد «سالار»ش، با نام وطن پیوسته
نام «سردار»ش، چون یاد وطن جاویدان

آذرآبادان! آن روز که می‌رفت به باد
از دم شعلهٔ بیداد فرومایه خسان،

تا که بأس[2] تو، در آن پهنه کند قمع فساد
تا که عزم تو بدان خطه دهد، خط امان،

صرصر قهرت از آن فرقه[3] برآورد دمار
آتش خشمت از آن دوده، برآورد دُخان[4]

بود با رای تو تبریز اگر کرد قیام
بود با مهر تو دیهیم اگر بست میان

نام تبریز کند تذکرهٔ حب وطن
که وطن‌خواهی از او نام فزوده‌ست و نشان

به تولای بر و بوم و تقاضای وطن
جان برافشاندن او، اینْت گوا، ها برهان

راستین مظهر آزادگی و فخر و شرف
به عیان و به نهان و به بیان و به بنان[5]

سرفرازندهٔ فرخ رخ فرخنده خصال
درّ دیهیم شرف، گوهر درج ایمان

همه آن باید، کان زایدش از کلک و ضمیر
همه آن شاید، کان آیدش از دست و زبان

تا وطن را به وطن‌خواه بوَد استظهار[6]
تا سخن را به سخنیار بوَد پایندان،[7]

باد پیوسته به امداد وطن پیشاهنگ
باد همواره به اجلال سخن، پشتیبان

نمایی از خوی

پی‌نوشتها:

۱ـ ناژو یا ناجو، درخت صنوبر

۲ـ سختی و قوت در حرب و دلیری و سخت شدن جنگ.

۳ـ مراد سرسپردگان کمونیسم است که در حدود یک سال به خودکامگی پرداختند.

۴ـ دود.

۵ـ سرانگشتان.

۶ـ طلب پشتگرمی و یاری خواستن.

۷ـ ضامن و کفیل و میانجی و رهن و گرو.

ایران گردی

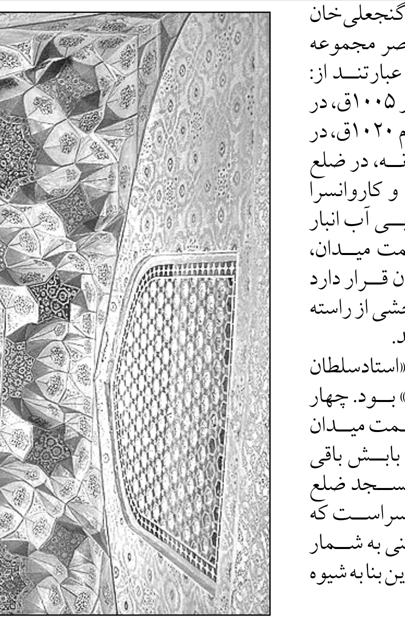
مجموعه گنجعلی خان

مجموعه گنجعلی خان در مرکز قدیمی شهر کرمان و در کنار بازار بزرگ قرار دارد. گنجعلی خان که از حکام مشهور زمان شاه‌عباس است، از سال ۱۰۰۵ تا ۱۰۳۴ق بر کرمان فرمان راند و آثار و بناهای زیادی بنا کرد و در آبادی این منطقه کوشید.

از جمله بناهای عمومی که از او به‌جامانده، مجموعه گنجعلی خان در داخل شهر کرمان و رباط زین‌الدین (کاروانسرای گنجعلی خان) در راه یزد ـ کرمان، حوض خان در راه کرمان ـ مشهد و تعدادی قنات در شهر کرمان است. این بناها در لشکرکشی‌های آغا محمدخان صدمات جبران ناپذیری دید.

مساحت مجموعه گنجعلی خان ۱۱۰۰۰ مترمربع و عناصر مجموعه و سال ساخت آنها عبارتند از: میدان ۱۰۰۵ق، بازار ۱۰۰۵ق، در ضلع جنوبی حمام ۱۰۲۰ق، در ضلع شمالی ضرابخانه، در ضلع شرقی مدرسه ۱۰۰۷ق و کاروانسرا ۱۰۲۱ق، در ضلع غربی آب انبار ۱۰۲۱ق. در سه سمت میدان، بازارهای گنجعلی خان قرار دارد که بازار مسگرها و بخشی از راسته اصلی را تشکیل می‌دهد.

معمار مجموعه «استادسلطان محمد معمار یزدی» بود. چهار مسجد در چهار سمت میدان قرار داشته که سه بابش باقی مانده و زیباترین آنها مسجد ضلع شرقی در کنار کاروانسراست که موزه‌ای از هنرهای تزئینی به شمار می‌آید. سبک معماری این بنا به شیوه اصفهانی است.



بازار

بازار بین چهارسوق و بازار اختیاری است و در بخش جنوبی میدان قرار گرفته و در سمت راست این بازار، حمام زیبای گنجعلی خان و هجده مغازه قرار دارند و در سمت چپش طاق‌نماهایی طراحی شده‌اند که منظره زیبایی را نشان می‌دهند.

در زیر این طاق‌نماها دستفروشان به کار مشغولند و جمعا ۱۶ طاق‌نما این بازار را به میدان مربوط می‌سازند. طول این بازار نزدیک به ۹۳ متر و عرضش ۵/۷۵ متر است و ۵۳۴/۷۵ متر مربع مساحت دارد. در انتهای این بازار، بازار زرگری قرار دارد که به قیصریه معروف است.

حمام

بر سردر حمام گنجعلی خان، که بخشی از نقاشیهای عهد صفوی آن به تازگی مرمت شده، کتیبه شعری به خط نستعلیق بر سنگ مرمر حک شده که مصرع آخرش سال ساخت بنا را با تبدیل به حروف ابجد نشان می‌دهد: «کسی نداده نشان در جهان چنین حمام» (سال ۱۰۲۰ق).

مدرسه

مدرسه گنجعلی خان یکی از حوزه‌های علمیه مشهور کرمان است. این بنا در ضلع شرقی میدان گنجعلی خان واقع شده و روزگاری مدرسه پر رونقی بوده که بعدها به کاروانسرا تبدیل گردید. بر کاشیهای کتیبه سردر آن تاریخ ۱۰۰۷ق مطابق با ۱۵۹۸م نقش بسته است. بر اساس منابع موجود آغامحمد خان این مدرسه را تخریب کرد.

ضرابخانه

یکی از بناهای مجموعه گنجعلی خان، ضرابخانه است که در ضلع شمالی میدان قرار دارد. تزئینات داخلی بنا گچبری به شکل آجر کاذب است. بند آجرها به رنگ اخرایی است و گنبدی بلند دارد که بخشی از نور داخل را تأمین می‌کند. پلان بنا مربعی است و ۴ ایوان و ۴ غرفه در اطراف دارد. در زیر نورگیر حوض مربع شکلی قرار دارد که انعکاس نور در آن بر زیبایی بنا می‌افزاید. سردر بنا کاملا ساده و آجرکاری گچی است. این بنا از سال ۱۳۷۰ به عنوان موزه سکه افتتاح شد. سکه‌های ادوار مختلف از جمله اشکانی، ساسانی، اموی، عباسی، ایلخانی، تیموری، آل مظفر، آل مکرم، آق‌قویونلو، قراقویونلو، صفوی، افشار، افغان، زندیه، قاجار و پهلوی در آن وجود دارد.

آب انبار

گنجعلی خان این آب‌انبار را به اسم پسرش علیمردان‌خان نامید و در نظر است از آن به عنوان موزه مس استفاده شود.

تقدیم به مرد مقاومت و دیانت، حضرت آیت‌الله جمی

جمی جمعه‌ها!

جمی جمعه‌ها
تقویم مقاومت هم بود
این بر تن تب‌دار جنوب نوشته بود
آنگاه که کوچه‌های ۵۹
به سرعت باد
در آوار و آواز خلاصه می‌شدند!
و دفتر بچه‌های آواره و یتیم
پر از مشق خون می‌شد
و تو می‌نوشتی: جمی جمعه‌ها!
آن مرد آمد
با گریه
با نوا و دم و دمام!
جمعه‌های جمی
یا جمی جمعه‌ها
فرقی نمی‌کند!
ایستاده که باشی
همه روزها
روز محراب می‌شود
مقاومت هم بر می‌خیزد!
و خیابان‌ها از جولان شعار
به تصرف شعور در می‌آیند!
جمی
جمعه
همه خاطره شده‌اند!
کودکان آبادان
آن نخل ایستاده را چگونه هجی خواهند کرد؟!
در این عصر غفلت و فراموشی؟!

تقویم مقاومت

پر از فصل‌های نامکشوف
در رهگذر باد
خاطره شد
و آینه در آینه
شکوه نامش
متجلی
یادم آمد
روزی که
بر نخل‌های ایستاده
قامت غربت بست
غریو دلتنگی‌اش
وقتی که رفت
تقویم مقاومت
دوباره بوی تشنگی گرفت
و کوچه‌های آبادان
کارون کارون خرو شیدند!
آن روز
من بر گلدسته یادش
اذان می‌گویم
و می‌دانم
کبوتران زخمی
تا صبح شکفتن
به امامت مقاومت او
صلوة عشق می‌خوانند!

*حمیدرضا عسگری مورودی

به مناسبت نهمین سالگرد زلزله بم که فراموش کردنش ناممکن است

عبرت‌های آموزنده از پدیده طبیعی زلزله

می گویند گذشت زمان، التیام بخش دردها و رنج‌ها است.

می گویند زخم‌ها به تدریج ترمیم می‌شوند و به آغوش سلامت باز می گردند.

در سالروز زلزله بم؛ زخم بزرگی که بر تن ایران عزیز وارد شد، چشم می‌دوزیم به غنای زمان و رهاوردش، به تدریج که اکنون این زخم را التیام بخشیده است ولی فراموش نکرده‌ایم که در نخستین روزهای زمستان ۱۳۸۲ چگونه خانه فروریخت و ستون کاشانه‌ها از هم پاشید.

چگونه فراموش کنیم حادثه‌ای را که ایران را در مرگ بیش از ۲۵ هزار نفر انسان سوگوار کرد؟

یاد تمام از دست رفتگان آن حادثه را باید گرامی داشت و برای تمام داغ‌دیدگان زلزله بم باید طلب صبر و اجر کرد، حتی اگر ۱۰۰ سال از آن گذشته باشد و نه ۹ سال و این سرآغازی است برای یادکردن از واقعه‌ای که فراموش کردنش ناممکن است.

فرقی نمی‌کند! زلزله ۳۱ خرداد ۱۳۶۹ منجیل در استان گیلان، زلزله ۵ دی ۱۳۸۲ بم در استان کرمان یا زلزله ۲۱ مرداد ۹۱ ورزقان در استان آذربایجان شرقی بازآموزی درس‌هایی را به ما گوشزد می‌کند.

هم‌اینک به نهمین سالگرد زلزله دلخراش بم رسیدیم، زلزله‌ای که ده‌ها هزار نفر از هموطنانمان را به کام مرگ کشاند و در همین حدود مجروح برجا گذاشت. چه خانواده‌ها که در آن رخداد تلخ از هم نگسست و چه جان‌ها که نسوخت. آیا امروز زمان تامل و تفکر دوباره برآنچه روی داد، نیست؟

زلزله یعنی بلا؟ یعنی فاجعه؟ یعنی مصیبت که شاید خود ما بارها شاهد آن بوده‌ایم؟ متلاشی شدن روند زندگی و از بین رفتن سرمایه‌های مادی و انسانی این جامعه آیا برایش علاجی نیست؟

البته بسیاری از دانشمندان به زلزله یک پدیده طبیعی می گویند نه بلا! اما آنچه واقعیت دارد این است که ما باید از آن درس بگیریم و در آن زمینه مطالعه کنیم.

اگر با رعایت مسائل ایمنی و با روش‌های علمی در جهت کاهش خطر زلزله بکوشیم، کشورمان را در مقابل خطرات حین و پس از این رویداد ایمن می کنیم.

در زلزله بم، ۹۰ درصد از سازه‌های شهر به کلی تخریب شد.

ارگ بم با ۲۵۰۰ سال قدمت که به عنوان بزرگترین سازه گلی جهان به شمار می‌رفت و از افتخارات ایران زمین بود، به کلی ویران شد.

در این حادثه تلخ ایرج بسطامی خواننده اصیل ایرانی را نیز از دست دادیم.

این زلزله‌ها همچنان در ایران تلفات می گیرند و کشورمان را دچار تلفات جانی و خسارات مالی می کنند اما تصورش را بکنید که اگر همین رویداد در کل شهرهایی چون تهران رخ دهد، باچه فاجعه ملی مواجه خواهیم شد و چگونه از پس تبعات آن بر خواهیم آمد.

سالروز زلزله بم رسید و باز هم زنگ خطر را برایمان به صدا درآورد تمرکز جمعیت و زیرساخت‌های حیاتی در شهرهایی چون تهران و کرج نشان می‌دهد که وضع ایمنی لرزه‌ای تهران اهمیت ویژه در سطح ملی دارد و باید با حمایت موسسات پژوهشی ذیربط و به صورت هدایت شده مسأله لرزه خیزی پهنه گسترده‌ای چون تهران دقیقاً بررسی شود.

*** با رعایت مسائل ایمنی و با روش‌های علمی در جهت کاهش آسیب‌های زلزله بکوشیم و کشورمان را در برابر خطرات این پدیده طبیعی ایمن کنیم**

از این حقیقت که ایران کشوری زلزله خیز است راه‌گریزی نیست اما کاهش اثرات تخریبی زلزله موضوع قابل طرح و ممکن است.

چرا که با زلزله نمی توان مقابله کرد بلکه باید آن را پذیرفت و با آن زندگی کرد.

به لحاظ علمی هرگز نمی‌توان وقوع یا عدم وقوع زلزله را پیش‌بینی کرد بنا براین باید احتیاط‌های لازم را در این زمینه انجام داد.

کارهای زیادی در ارتباط با کاهش خطرات ناشی از زلزله در کشور باید انجام شود اما مهمترین آنها هماهنگ بودن فعالیت‌ها با یکدیگر و داشتن یک برنامه جامع و هدفمند است که البته باید با پشتوانه قوی علمی صورت گیرد.

از سوی دیگر، مسئولان ارشد کشوری نیز باید نشان دهند که بستر چنین ایده‌ها و حرکت‌هایی فراهم است و این برنامه‌ها را حمایت می کنند چرا که در عمل و واقعیت برای مردم زلزله‌زده چیزی جز مصیبت و فاجعه باقی نمی‌ماند اما اگر ایمنی را بر اساس روش علمی رعایت کنیم زلزله صرفاً یک پدیده طبیعی است و نه بلا!

سخنان فرماندار بم

فرماندار بم در سالروز زلزله این شهر با اشاره به وقوع زلزله ۶/۸ ریشتری ساعت ۵ و ۲۸ دقیقه و ۵۹ ثانیه جمعه پنجم دی ۱۳۸۲، گفت: این زلزله چنان ویرانگر و جانسوز بود که در مدت فقط ۱۲ ثانیه علاوه بر ویرانی شهرهای بم و بروات باعث جان باختن ده‌ها هزار نفر از شهروندان شد.

حسین شایق به ایرنا افزود: در زلزله دلخراش بم، ۲۳ هزار خانه مسکونی شهری و ۱۸ هزار خانه روستایی در ۲۵۰ روستای این شهرستان تخریب یا دچار خسارت شدید شد.

وی اضافه کرد: زیر ساخت‌های شهری نظیر شبکه آب، برق و تلفن، حدود ۷۰ درصد مراکز آموزشی و فرهنگی از جمله ارگ تاریخی بم به عنوان بزرگترین مجموعه خشتی جهان نیز در این زلزله ویران شد.

وی با اشاره به اینکه یک سوم معلمان و ۱۰ هزار دانش‌آموز نیز در جریان زلزله بم جان باختند، گفت: طبق آمارهای ارائه شده از سوی بهزیستی، این زلزله ۵۰۰ معلول ضایع نخاعی برجا گذاشت و دست‌کم ۶۰۰۰ کودک نیز یکی از والدین خود را از دست دادند و ۱۸۰۰ کودک نیز یتیم شدند.

وی با اشاره به سفر رهبر معظم انقلاب اسلامی در دومین روز زلزله بم، گفت: بعد از آن نیز معظم‌له دو بار دیگر برای رسیدگی به روند بازسازی شهر بم به این شهرستان سفر کردند.

فرماندار بم، تاکیدکرد: پس از گذشت چندماه از وقوع زلزله و در پی فرمایشات رهبر معظم انقلاب اسلامی اسلامی که «بم را دوباره مستحکم‌تر و آبادتر از گذشته خواهیم ساخت»، عزم مسئولان برای ساخت بم جزم و برنامه ریزی‌ها برای بازسازی انجام شد.

وی افزود: پس از شکل گیری دولت نهم، سرعت بازسازی بم به اوج خود رسید که رئیس جمهوری هم نخستین سفر خود را پس از انتخاب، به بم اختصاص داد.

شایق، اضافه کرد: ده‌ها کشور و سازمان مردم نهاد به همراه آژانس‌های سازمان ملل متحد از سراسر جهان برای کمک به حادثه دیدگان بم به این شهر آمدند و مشغول خدمت‌رسانی شدند.

وی از ساخت مجموعه بزرگ ورزشی فجر، ده‌ها فضای آموزشی مدرن، ساخت کتابخانه‌ها و فرهنگسراهای مجهز به همراه سایت اداری بخشی از خدمات دولت نهم را در ساخت بم نام برد.

فرماندار بم، اعتبارات عمومی و دولتی بازسازی بم را ۸۰۰۰ میلیارد ریال اعلام کرد و گفت: دربخش کمک‌های خارجی بلاعوض نیز بانک توسعه اسلامی یک میلیون دلار به این شهرستان کمک کرد.

سالروز زلزله بم هم گذشت روزی که این شهر در غباری سهمگین فرورفت و خرابه و تلی از خاک شد.

شاید در آن روزها بوی زندگی دیگر مشام را نوازش نمی‌داد و کسی به گمانش هم نمی‌رسید که دیگر این مردم بتوانند زندگی عادی خود را ادامه دهند و سرزندگی به این شهر ویران بازگردد. اما آیا بهتر نیست به جای بازسازی خرابه‌های ناشی از بلایای طبیعی و صرف هزینه‌های بسیار پیش از وقوع آن چاره‌اندیشی کرد؟ یا با تلنگر یکباره زمین باید همه چیز را از دست داد و با نفس‌های گرم در غبار سهمگین به خواب رفت؟

صدیقه‌هاشمی

اخبار کوتاه شهرستان

حسینیه آستان مقدس چهارانبیاء(ع)قزوین ساخته می‌شود

قزوین – خبرنگار اطلاعات: عضو هیات امنای آستان مقدس چهار انبیاء (ع) قزوین از صرف ۳ میلیارد ریال هزینه برای ساخت حسینیه این آستان خبر داد.

علیرضا ذوالقدرباشاره به این که این مبلغ از محل نذور مردمی و اعتبارات اداره‌کل اوقاف و امور خیریه قزوین تامین شده است، افزود: حضور زائران و گردشگرانی از شهرها و کشورهای مسلمان، برگزاری برنامه‌های فرهنگی و نیز حضور بانوان قزوین در روز نخست هر ماه، ایجاب می‌کرد تا فضای این آستان متبرکه مسقف شود.

وی ادامه داد: به همین منظور کار ساخت این مجموعه در دو بخش زنانه و مردانه با مساحت ۱۰۰۰ متر مربع از سال گذشته آغاز شد و با پایان یافتن مراحل بتن ریزی و ساخت سقف، بیش از ۸۰ درصد از آن به انجام رسیده است.

وی برگزاری برنامه‌هایی با حضور استادان برجسته اخلاق، همایش شیرخوارگان حسینی، برنامه‌های شب‌های احیا، تحویل سال نو و نیز کلاس‌های آیین زندگی برای آقایان و بانوان را از جمله برنامه‌های فرهنگی این آستان برشمرد.

او احیای آرامگاه علمای مدفون در محوطه آستان، جمع آوری آثار، کتاب‌ها و اشعار مربوط به چهار انبیاء (ع) و نیز راه اندازی کتابخانه و نگارخانه این آستان رااز‌دیگر برنامه‌های آینده این مکان مذهبی اعلام کرد.

قدردانی از پژوهشگران برتر استان زنجان

زنجان ـ خبرنگار اطلاعات: ۹۶ پژوهشگر و ۴۰ فناور برتر استان زنجان در مراسمی با حضور استاندار و جمعی از مدیران کل به مناسبت هفته پژوهش مورد تقدیر قرار گرفتند.

محمد رئوفی‌نژاد، استاندار زنجان در این مراسم پژوهش را موتور محرکه توسعه در جوامع بشری دانست و گفت: توسعه همه‌جانبه کشور در گرو استفاده از پژوهش و دانایی‌محوری است.

وی افزود: سرعت پژوهش و تولید علم در ایران در دو دهه اخیر بیش از ۱۱ برابر افزایش یافته که این مهم نشان‌دهنده جهش علمی در کشور است.

رئوفی‌نژاد با اشاره به اینکه امروزه در پیشرفته‌ترین کشورهای دنیا به بهترین پژوهش‌های روز دسترسی دارند و از آن بهره می گیرند، گفت: در صورتی که در اجرای پروژه‌ها از نتایج تحقیقات و پژوهش‌ها استفاده شود، ریسک اجرای پروژه‌ها کاهش می‌یابد و هزینه‌ها نیز به حداقل می‌رسد و از موازی‌کاری جلوگیری خواهد شد.

استاندار زنجان به مقاله‌های ارائه شده در جهان اشاره کرد و گفت: در کشورهای پیشرفته ۵ درصد از تولیدات ناخالص ملی صرف امر پژوهش می‌شود در حالی که این رقم در ایران فقط نیم درصد است و پژوهش هنوز جایگاه واقعی خود را نیافته است.

او بر فرهنگ‌سازی استفاده از پژوهش در کشور و استان تأکید کرد و گفت: دریافت تسهیلات اولین نیاز تولید محصولات حاصل از پژوهش به صورت انبوه است و با ایجاد ظرفیت‌های مناسب باید نیازها و خواست‌های پژوهشگران را رفع کرد و از این توان بیش از پیش در استان استفاده کنیم.

راهیابی گروه شبیه‌خوانی بابلسر به سوگواره تعزیه منطقه‌ای آمل

بابلسر ـ خبرنگار اطلاعات: شبیه‌خوانی یکی از هنرهای نمایشی ایرانیان است که به جز نشان دادن فداکاری‌ها و مظلومیت‌های ائمه اطهار(ع) می‌پردازد لذا با توجه به توانمندی‌های شهرستان بابلسر در بخش هنر، گروه شبیه‌خوانی حضرت امام حسین(ع) این شهر به سرپرستی علی باقری به سوگواری تعزیه منطقه‌ای آمل راه یافت.

فرهاد باقری رئیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی بابلسر و فریدونکنار با اعلام این خبر، گفت: این گروه بیش از دو دهه فعالیت خود را با حمایت و همکاری این اداره آغاز کرد و تاکنون در مناسبت‌ها و سوگواری‌های گوناگون حضوری پررنگ داشته است.

باقری اضافه کرد: تجلی و انعکاس زندگی ائمه اطهار(ع) همراه با خصوصیات اخلاقی و معارف دینی در اشعار تعزیه همسو با پیوند ناگسستنی قرآن و عترت، استفاده از ظرفیت، هنر در انتقال آموزه‌های ناب، معرفی ظرفیت‌های پنهان هنر تعزیه‌خوانی در اشاعه فرهنگ اسلامی، ایجاد انگیزه در نسل جوان برای ورود به این حوزه و حفظ و انتقال این هنر بومی و اسلامی به نسل‌های آینده از اهداف این گروه است.

اخبار کوتاه شهرستان

نامگذاری فرودگاه بین‌المللی آبادان به‌نام آیت‌الله جمی

سرویس شهرستان‌ها: همزمان با چهارمین سالگرد ارتحال مرحوم آیت‌الله جمی، امام جمعه فقید آبادان، فرودگاه بین‌المللی آبادان به نام آیت‌الله جمی نامگذاری شد. محمدرضا رضایی مدیر فرودگاه بین‌المللی آبادان در گفتگو با فارس افزود: همزمان با چهارمین سالگرد ارتحال مرحوم جمی، مجاهد بسیجی و انقلابی، فرودگاه آبادان به‌نام آیت‌الله جمی تغییر نام داد. او گفت: تغییر نام فرودگاه آبادان توسط نمایندگان مردم آبادان در مجلس شورای اسلامی پیشنهاد و پیگیری شده است.

وی اضافه کرد: درخواست تغییر نام با مکاتبات مدیرعامل شرکت فرودگاه‌ها و موافقت هیات وزیران و وزیر راه و شهرسازی محقق شده که واقعاً برازنده و بحق است.

ایجاد بخش اسفراین شناسی در کتابخانه عمومی این شهر

بجنورد ـ خبرنگار اطلاعات: رئیس اداره کتابخانه‌های عمومی اسفراین از راه‌اندازی بخش اسفراین شناسی در کتابخانه عمومی امام خمینی(ره) این شهرستان خبر داد.

قاسم ابراهیمی زمانی گفت: در بخش اسفراین شناسی، کتاب‌های مربوط به مولفان اسفراین و مقالات و منابع چند رسانه‌ای برای استفاده پژوهشگران و علاقه‌مندان گردآوری شده است.

او افزود: نگاه این اداره بر این است که تمام منابعی را که مربوط به شهرستان اسفراین وجود دارد فراهم آورده و مجموعه‌ای گرانبها را در دسترس عموم و به ویژه پژوهشگران قرار دهد.

وی به تهیه بخشی از این منابع از طریق سامانه «کتاب من» اشاره کرد و گفت: تاکنون از طریق این سامانه ثبت و سفارش تعدادی از این کتاب‌ها گردآوری شده است که امیدواریم در آینده نزدیک این منابع تکمیل و به‌روز رسانی شود.

این بخش با ۳۰ منبع در حوزه اسفراین شناسی و مقالات منتشر شده در نمایه نشریات راه‌اندازی شده است.

ایجاد کلینیک درمان ناباروری در پایانه مرزی بیله سوار

اردبیل ـ خبرنگار اطلاعات: رئیس جهاد دانشگاهی واحد اردبیل از ایجاد کلینیک درمان ناباروری در پایانه مرزی بیله سوار برای درمان اتباع و مسافران خارجی در آینده‌ای نزدیک خبر داد. اکبر قاسمی افزود: ضروری است برای مهمترین دلایل مراجعه این اشخاص زمینه‌های درمانی فراهم شود. وی با تاکید به مراجعه درصد قابل توجهی از این بیماران به منظور درمان ناباروری اضافه کرد: در همین راستا واحد جهاد دانشگاهی به غیر از سایر کلینیک‌های فعال درمان ناباروری کلینیک جدیدی در بیله سوار دایر می‌کند.

قاسمی با بیان اینکه ناباروری در ۱۰ تا ۱۵ درصد زوج‌ها دیده می‌شود، افزود: علل ناباروری می‌تواند مربوط به زن، مرد یا هر دو باشد.

رئیس واحد جهاد دانشگاهی استان اردبیل ادامه داد: طبق مطالعات انجام شده ۴۰ درصد از مشکلات ناباروری مربوط به مردان، ۴۰ درصد مربوط به زنان، ۱۰ درصد مربوط به هر دو و ۱۰ درصد نیز ناشناخته است.

اختراع توربین بادی ویژه در کرمان

کرمان ـ خبرنگار اطلاعات: محمدرضا میرحسین خانی کارشناس دانشگاه آزاد کرمان موفق به اختراع یک نوع توربین بادی با ویژگی‌های منحصر به فرد شد. به گفته وی در این دستگاه سرعت نیروی باد پس از برخورد به تیغه‌های استاتور متمرکز شده و افزایش می‌یابد. میرحسین خانی افزود: با توجه به این که توان توربین با توان سوم سرعت باد رابطه مستقیم دارد به طور فوق‌العاده افزایش می‌یابد و این توربین می‌تواند با باد کم کار کند. وی با اشاره به استقامت استاتور در مقابل بادهای شدید، گفت: این دستگاه نیاز به توقف ندارد و به راحتی تنظیم شده و به کار خود ادامه می‌دهد.

میرحسین خانی هدف از ساخت این توربین را بهره‌گیری از انرژی باد به منظور ایجاد انرژی الکتریکی بدون آلودگی اعلام کرد و افزود: با توجه به افزایش سرعت باد در این سیستم به راحتی می‌توان در تمام نقاطی که باد حتی با کمترین سرعت می‌وزد از آن استفاده کرد. وی در ادامه انرژی باد را ارزانترین و مناسب‌ترین شکل انرژی‌های نو دانست و یادآور شد: نیاز روزافزون به انرژی الکتریکی، هزینه‌های بالای سوخت فسیلی و بحث آلودگی محیط‌زیست ضرورت بهره‌گیری از انرژی‌های نوع را بیش از پیش کرده است.

اختراع میرحسین خانی در نمایشگاه اختراعات و ایده‌های نوین در هتل پارس کرمان به نمایش درآمده است.

هرمزگان؛ ارزشمندترین منطقه استراتژیک خاورمیانه

بندرعباس ـ خبرنگار اطلاعات: استان هرمزگان در خلیج‌فارس و دریای عمان با برخورداری ۱۴ جزیره یکی از پربارترین منابع اکولوژیک و ارزشمندترین منطقه استراتژیک منطقه به شمار می‌رود.

استاندار هرمزگان با بیان مطلب بالا در جمع خبرنگاران به موقعیت بی‌نظیر هرمزگان در منطقه خاورمیانه و دنیا اشاره کرد و افزود: هرمزگان به عنوان یکی از استان‌های غنی، پراهمیت و پل ارتباطی ایران اسلامی با سایر مناطق محسوب می‌شود.

ابراهیم عزیزی در ادامه به تاریخ کهن این استان و خطه جنوب ایران اشاره و اضافه کرد: هرمزگان مهد فعالیت‌های عظیم اقتصادی در منطقه محسوب می‌شود.

وی اظهار کرد: جغرافیای طبیعی هرمزگان عرصه رفت و آمد اقوام و ملل مختلف و جولانگاه مبادلات تجاری و پهنه فراخ سیاست‌های استعماری در سالیان دور بوده است.

او با بیان اینکه هنوز هم آثار تجارت‌های دریایی و راه‌های کاروانی را می‌توان در نقاط مختلف این استان مشاهده کرد، افزود: همچنین نشانه‌های بیرون راندن استعمارگران توسط مردم شجاع و دلیر هرمزگانی پیغام استقلال و آزادی این سرزمین را به مخاطب ارسال می‌کند.

استاندار هرمزگان ظرفیت‌های طبیعی، زیرساخت‌ها، صنایع بزرگ و واحدهای تولیدی و صنعتی مستقر در این استان را جلوه‌ای از توانایی و اقتدار ایران اسلامی در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دانست و یادآور شد: این استان آمادگی کامل برای حضور و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و فعالان اقتصادی را دارد.

خسارت ۲۳۰ میلیارد ریالی حوادث غیرمترقبه به تأسیسات آبرسانی مازندران

ساری ـ خبرنگار اطلاعات: حوادث غیرمترقبه از جمله سیل، توفان و رانش زمین از ابتدای سال تاکنون ۲۳۰ میلیارد ریال به تأسیسات آبرسانی مازندران خسارت وارد کرد.

مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب روستایی مازندران با اعلام این خبر، افزود: حوادث غیرمترقبه امسال آب آشامیدنی ۱۶۳ روستای استان را قطع کرد که تاکنون با اجرای لوله‌گذاری موقت، بهسازی چشمه‌ها و دریافت انشعاب از آبفای شهری به طور موقت وصل شده است.

محمدحسین برزگر گفت: به علت بارندگی شدید و در پی آن رانش زمین در مسیر جاده عباس‌آباد به کلاردشت خط انتقال آب دو مجتمع آبرسانی سرلنگا و پرجور به طول ۵۰۰ متر با قطر ۱۱۰ و ۱۶۰ اینچ تخریب و آب آشامیدنی ۵ روستای منطقه با ۱۲۰۰ مشترک قطع شده است و برای رفع کامل این مشکل باید اقدام‌های لازم برای ایجاد و جابه‌جایی خطوط شبکه آبرسانی به طول ۱/۵ کیلومتر از مسیر بالادست صورت گیرد.

وی با اعلام اینکه عملیات اجرایی این طرح پس از انجام مطالعات و تأمین اعتبار لازم آغاز می‌شود، افزود: اعتبار موردنیاز برای جابه جایی خطوط شبکه آبرسانی در روستاهای سرلنگا و پرجور عباس‌آباد حدود ۲ میلیارد ریال است.

وی اجرای طرح‌های پایدار تأمین و انتقال خطوط آبرسانی روستایی را نیازمند تخصیص اعتبار لازم دانست و گفت: هر سال همسو با اجرای طرح‌های آبرسانی اعتبارات مشخصی با توجه به طرح‌های پیشنهادی تخصیص می‌یابد که با توجه به کمبود منابع مالی این امر بر روند اجرای طرح‌ها تأثیر منفی گذاشته و طرح‌های پایدار در تأمین و انتقال آب روستایی را با مشکل مواجه کرده است.

برگزاری مسابقه «فنی مهندسی» ویژه دانش آموزان دوره ابتدایی

بجنورد ـ خبرنگار اطلاعات: معاون آموزش ابتدایی اداره کل آموزش و پرورش خراسان شمالی، از برگزاری مسابقه فنی مهندسی برای دانش‌آموزان دوره ابتدایی برای نخستین‌بار در جشنواره کشوری جابربن حیان خبر داد.

عصمت بدخشان، گفت: طرح جشنواره جابربن حیان مانند سال‌های گذشته در مدارس ابتدایی استان قابل اجرا است و دستورالعمل آن به شهرستان‌ها و مناطق ابلاغ شده است.

وی افزود: با توجه به تغییر ساختار آموزشی و اضافه شدن پایه ششم به دوره ابتدایی، در خصوص اجرای طرح پروژه‌های علمی دانش‌آموزان، پروژه طراحی و ساخت به سایر پروژه‌های جمع‌آوری نمونه همراه با طبقه‌بندی، نمایش علمی (مدل، نمایش، تحقیق) و آزمایش اضافه شده است.

او اضافه کرد: در مرحله طراحی و ساخت، دانش‌آموز برای پاسخ به یک نیاز مشخص به ابداع یک وسیله یا فن یا برنامه کامپیوتری دست می‌زنند و پس از طراحی آن را می‌سازد و تست می‌کند.

وی گفت: در همین راستا یک مسابقه فنی و مهندسی به عنوان چاشنی نمایشگاه‌های علمی جشنواره جابربن حیان با نام «پرواز» و همزمان با برپایی این نمایشگاه‌ها در سطوح آموزشگاهی، منطقه‌ای، استانی و کشوری اجرا می‌شود.

او ادامه داد: در این مسابقه شرکت‌کنندگان با ساخت موشک‌های کاغذی آنها را در سه رکورد مختلف زمان پرواز، میزان جابه‌جایی در پرتاب افقی و فرود در یک نقطه معین شرکت می‌دهند.

سیاست ارزی، مشکلات صادرکنندگان را مضاعف کرده است

اردبیل ـ خبرنگار اطلاعات: سیاست ارزی و تصمیمات اخیر دولت در زمینه ارز حاصل از صادرات، مشکلات صادرکنندگان را مضاعف کرده و توان رقابت را در بازارهای هدف کاهش داده است.

فرهاد صفری عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی اردبیل با بیان مطلب بالا افزود: صادرکنندگان طبق قانون مالیات‌های مستقیم و برنامه پنج ساله از پرداخت هرگونه مالیات و عوارض معاف هستند، ولی متاسفانه سازمان مالیاتی کشور، مالیاتی با عنوان درآمد ارزی برای صادرکنندگان اعلام می‌کند این در حالی است که طبق مصوبه سال ۱۳۷۵ که در زمان دهه هفتاد سیستم پیمان سپاری برای صادرات حاکم بود عملاً محکوم به شکست شد.

وی با انتقاد از سیاست ارزی دولت افزود: دولت با تغییر شیوه ظاهری پیمان سپاری از اول آذر ماه امسال در گمرکات کشور از صادرکنندگان تعهدی می‌گیرد که ارز حاصل از صادرات را یا در مرکز مبادله به‌فروش برسانند یا اینکه در مقابل آن واردات انجام دهند در صورتی‌که این موضوع عملی نیست.

صفری گفت: صادرکنندگان اقدام به صادرات کالاهای تولید شده با تورم داخلی می‌کنند و از طرف دیگر با آزاد سازی حامل‌های انرژی و اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها عملاً بهای تمام شده محصولات ایرانی بالا رفته است و در آن سوی مرز و بازارهای هدف تغییراتی به‌وجود نیامده و قیمت‌ها ثابت است و رقبای کالای ایرانی با آن هزینه‌های قبلی تولید و تجارت می‌کنند.

وی افزود: در چنین وضعی که دولت در زمان آزاد سازی و افزایش تورم داخلی هیچگونه حمایتی از تولیدات داخلی و محصولات صادراتی نداشته است، چگونه می‌خواهد با تعیین قیمت ارز غیر واقعی از لحاظ بهای تمام شده کالا، برای صادرات برنامه داشته باشد؟

و دیگر اینکه با کاهش ارزش پول ملی و افزایش نرخ ارز عملاً ارزش گذاری قیمت‌های کالاهای صادراتی توسط کمیته قیمت گذاری سازمان توسعه تجارت که در سال‌های پیش بوده نیز واقعی نخواهد بود.

نخستین دانشجوی دکترای فیزیک از دانشگاه کاشان فارغ التحصیل شد

کاشان ـ خبرنگار اطلاعات: معاون آموزشی دانشکده فیزیک دانشگاه کاشان گفت: نخستین دانشجوی دکترای فیزیک در گرایش اتمی مولکولی در شاخه پلاسما از این دانشگاه دانش‌آموخته شد. دکتر بهرام جزی افزود: عباس عبدلی آرانی از پایان‌نامه خود با موضوع «بررسی معادلات میدان و جفت‌شدگی آنها برای انتشار امواج در موج برهای پلاسمایی بیضوی چند لایه طویل در حالت کلی» دفاع کرد و با درجه عالی از این رشته دانش‌آموخته شد. وی، با اشاره به اینکه این دانشجو توانست دوره دکترای خود را در مدت ۳/۵ سال به پایان برساند، افزود: عبدلی آرانی به عنوان دانشجوی نمونه پژوهشی در مقطع دکترای سال ۹۰ و دانشجوی نمونه استانی ۱۳۹۱ معرفی شده است. وی، تعداد مقالات چاپ شده از این دانشجوی موفق در ژورنال‌های معتبر خارجی را ۹مقاله برشمرد و یادآور شد: این تعداد مقاله در رشته فیزیک در ایران، رکورد قابل توجهی است. او افزود: سه مقاله نیز از این دانشجو به ژورنال‌های معتبر خارجی ارسال شده که تحت داوری است و در شکل گیری دو مقاله معتبر خارجی نیز نقش و همکاری داشته است. در مقطع دکترا استاد راهنمای او دکتر بهرام جزی و در دوره کارشناسی ارشد استاد شهید دکتر «علیمحمدی» بوده است.

اهدای تابلو «خورشید لقا» به موزه حضرت رضا(ع)

مشهد ـ خبرنگار اطلاعات: تابلو نقاشی ارزشمندی با سبک سقاخانه‌ای با عنوان «خورشید لقا» توسط یکی از هنرمندان این سبک به موزه حضرت رضا(ع) اهدا شد.

خالق و اهدا کننده این تابلو درخصوص وقف این اثر به بارگاه ملکوتی حضرت رضا(ع) گفت: من با عشق و ارادت به آستان ملکوتی حضرت رضا(ع) این اثر را اهدا کردم و در اهدای این اثر جنبه‌های اخروی را در نظر گرفتم.

استاد عبدالرضا پارسامنش اضافه کرد: این تابلو به عنوان هدیه در مقابل عظمت آستان ملکوتی حضرت رضا(ع) اصلا چیز مهمی نیست. وی با اشاره به اینکه موزه آستان قدس رضوی بسیار ارزنده است و آثار ارزشمندی در آن وجود دارد، افزود: در موزه حضرت رضا(ع) آثار فراوانی مانند قرآن‌ها و درهای گره چینی وجود دارد که باید با تعمق بیشتری به آنها نگاه کرد.

وی با اشاره به اینکه این تابلو سبک سقاخانه‌ای «خورشید لقا»، با مواد ترکیبی، رنگ و روغن مرکب سی رنگ، اکرولیک و طلا به مدت ۱/۵ سال خلق شده است، افزود: در این تابلو شمایل حضرت رسول مکرم اسلام(ص) با رنگ سبز و نور که دست‌ها به صورت لای عربی به معنی بازدارنده طراحی شده است و در اطراف شمایل حضرت رسول(ص) هلالی به صورت نور درآمده است. وی اضافه کرد: این تابلو با اِلمان‌های مختلف سبک سقاخانه‌ای و با خطوط عربی ترکیب شده و در سمت راست و چپ اثر شمایل امام حسن(ع) و امام حسین(ع) که در سینه امام حسن(ع) کلاهخود به نشانه حضرت قاسم در واقعه عاشورا و در سینه امام حسین(ع) یک جام آب است به نشانه تشنگی حضرت علی‌اکبر در ظهر عاشورا و در کل امام حسین(ع) در هاله‌ای از نور قرمز طراحی شده است.

۲۰ هزار بسیجی خوزستان در رزمایش «الی‌بیت‌المقدس» شرکت می کنند

اهواز ـ خبرنگار اطلاعات: رزمایش «الی بیت‌المقدس» با حضور بسیجیان سراسر خوزستان در اهواز برگزار می‌شود

فرمانده سپاه حضرت ولی‌عصر(عج) خوزستان با اعلام این مطلب افزود: این رزمایش با حضور ۲۰ هزار نفر از بسیجیان خوزستان در منطقه عمومی پادگان شهید رستم‌پور در جاده ماهشهر انجام می‌شود.

سردار حسن شاهوارپور گفت: حضور گردان‌های واکنش سریع بیت‌المقدس بسیج یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد این رزمایش است که به منظور پیشبرد اهداف جمهوری اسلامی در مقوله امنیت و دفاعی انجام می‌شود و نشان دهنده آمادگی بسیجیان در مقابل هر گونه تهاجم و تجاوز دشمن است. وی افزود: همچنین تمرین واحد ترابری برای جابه‌جایی در مسافت‌های دور و بررسی توان تجهیزات یگان‌ها، از اهداف مهم رزمایش است.

فرمانده سپاه حضرت ولی‌عصر(عج) خوزستان به بیان مراحل مختلف برگزاری رزمایش الی بیت‌المقدس پرداخت و گفت: تمرین رزم شبانه، اجرای عملیات کمین علیه نیروهای دشمن، اجرای صبحگاه مشترک و تمرین عملیات شهری امداد و نجات با کمک نیروهای هلال احمر از جمله مراحل برگزاری رزمایش است. وی در ادامه به حضور نیروهای دیگر بسیج در این رزمایش اشاره کرد و گفت: علاوه بر گردان‌های واکنش سریع بیت المقدس، گردان‌های الزهرا(س)، امام حسین(ع) و امام علی(ع) نیز در رزمایش شرکت می‌کنند. وی با اشاره به برگزاری این رزمایش در همه استان‌ها گفت: رزمایش «الی بیت‌المقدس» در روزهای ۷ و ۸ دی در منطقه‌ای به وسعت ۱۰۰ کیلومتر در شرق اهواز انجام می‌شود.

او درباره علت نامگذاری این رزمایش گفت: هدف و نگرش اصلی ما در برگزاری این رزمایش، مقابله با رژیم صهیونیستی است از این رو، با عنوان «الی بیت المقدس» نامگذاری شده است.

شاهوارپور برگزاری این رزمایش در روزهای منتهی به ۹ دی را نشان از ولایتمداری مردم خوزستان دانست و گفت: حضور پر شور و میلیونی مردم در استقبال از ضریح امام حسین(ع) موج عشق و ارادت به اهل بیت عصمت و طهارت(ع) و ولایت بود که در این حضور ولایتمداری خود را ثابت کردند.

ایجاد ۴ کارگاه پرورش قارچ در زرند

کرمان ـ خبرنگار اطلاعات: یک میلیارد و ۷۵۰ میلیون ریال اعتبار برای ایجاد چهار کارگاه پرورش قارچ دکمه در شهرستان زرند اختصاص یافت.

علی امیری مدیرجهاد کشاورزی زرند گفت: این کارگاه‌ها با تامین اعتبار تا یک ماه آینده در روستاهای ده ایرج، سربنان، احمدآباد و شهرک طالقانی راه‌اندازی می‌شود. وی زمینه اشتغال این کارگاه‌ها را ۱۰ نفر و محصول تولیدی را ۱۵۰۰ کیلوگرم اعلام کرد.

نیازمندیهای اطلاعات
نیازمندیها تلفنی آگهی می‌پذیرد ۰۲۱-۲۲۲۲۵۳۳۳
شماره فاکس نیازمندیها ۲۲۲۲۴۸۸۶-۲۲۲۲۴۹۶۳

اخبار حوادث

دستبند پلیس نیشابور بر دستان ۸ نفر از اراذل و اوباش

نیشابور ـ خبرنگار اطلاعات: فرمانده انتظامی نیشابور گفت: هشت نفر از اراذل و اوباش در راستای اجرای طرح ارتقای امنیت اجتماعی در این شهرستان دستگیر شدند.

سرهنگ محمدحسن امیری افزود: این اراذل و اوباش که با هنجارشکنی، موجبات نارضایتی شهروندان را در نیشابور فراهم کرده بودند، توسط ماموران پلیس اطلاعات و امنیت عمومی شناسایی و دستگیر شدند.

وی گفت: متهمان تحت تعقیب به اتهاماتی مانند ایراد ضرب و جرح عمدی با چاقو، زورگیری، نزاع دسته‌جمعی، سلب آسایش عمومی وغیره تحت تعقیب بودند که ضمن هماهنگی با مقامات قضایی شهرستان، ماموران پلیس اطلاعات نسبت به دستگیری آنها اقدام کردند.

او با تاکید بر استمرار اجرای طرح ارتقای امنیت اجتماعی و اخلاقی، ادامه داد: این طرح بنا به خواست شهروندان برای برقراری امنیت اجتماعی انجام می‌شود و متهمانی که دستگیر شده‌اند با تشکیل پرونده تحویل مراجع قضایی شدند.

ورود راسو به خانه‌ای در تبریز

تبریز ـ خبرنگار اطلاعات: یک راسو که با ورود به خانه‌ای در تبریز باعث ایجاد وحشت ساکنان آن شده بود، با تلاش آتش‌نشانان به دام افتاد.

امدادگران آتش‌نشانی این راسو را که در یکی از اتاق‌های خانه محبوس شده بود، با استفاده از تجارب و تجهیزات پیشرفته، به دام انداختند.

زوج سارق در فریدن دستگیر شدند

اصفهان ـ خبرنگار اطلاعات: سارقان طلافروشی یک واحد صنفی در فریدن اصفهان که چندی پیش به بهانه خرید طلا، مقادیری طلا را سرقت کرده بودند، دستگیر شدند.

فرمانده انتظامی شهرستان فریدن گفت: متهمان دستگیر شده زن و شوهر بودند که با حضور در طلافروشی‌ها و جلب اعتماد صاحب مغازه به بهانه خرید و انتخاب طلا از هر سینی مقادیری طلا سرقت می‌کردند. سرهنگ حسین دشتی افزود: متهمان دستگیر شده در بازجویی به جرم خود اعتراف کردند.

بازداشت دزدان کابل‌های برق و موتور پمپ‌های کشاورزی در انار

کرمان ـ خبرنگار اطلاعات: شبکه سرقت کابل‌های برق و موتورپمپ‌های کشاورزی در شهرستان انار متلاشی شد.

سرهنگ محمد مهدوی‌نیا ـ فرمانده انتظامی انار گفت: متهمان که از اتباع بیگانه بودند با همدستی چند ایرانی ادوات موتورپمپ‌های کشاورزی و ترانس برق را نیز به سرقت می‌بردند.

وی افزود: این متهمان اموال مسروقه را در شهرستان رفسنجان به فروش می‌رساندند و مالخران پس از ذوب این اقلام، شمش مس را به سایر استان‌های کشور ارسال می‌کردند.

سرهنگ مهدوی‌نیا اعلام کرد: با توجه به این که اقلام بسیاری از جعبه‌دنده‌ها و پمپ‌های کشاورزی کشف شده است، مالباختگان می‌توانند برای اطلاع بیشتر به پلیس آگاهی شهرستان انار مراجعه کنند.

مأمور قلابی برق در دیواندره به دام افتاد

سنندج ـ خبرنگار اطلاعات: مدیر شرکت توزیع برق دیواندره از دستگیری یک کلاهبردار که با عنوان مامور وصول مطالبات برق از مردم اخاذی می‌کرد، خبر داد.

عطاءالله نوروزی افزود: از ابتدای آذر مشاهداتی مبنی بر دستکاری کنتور برق عده‌ای از مشترکان شهر گزارش شد که با بررسی و پیگیری موضوع و اقرار مالکان این انشعابات، مشخص شد فردی با جعل عنوان مامور شرکت برق به آنان مراجعه کرده و ضمن درخواست پرداخت هزینه برق مصرفی پیشنهاد داده در صورت پرداخت مبلغی به وی، کنتور برق آنان را طوری دستکاری می‌کند که هزینه برق مصرفی آنها به حداقل برسد.

وی گفت: متهم از کارگران سابق یکی از شرکت‌های پیمانکاری طرف قرارداد شرکت برق بوده که به دلیل ارتکاب موارد خلاف مقررات از کار برکنار شده و با سوءاستفاده از کارت شناسایی ممهور به مهر شرکت برق و با اطلاعات قبلی که از مشترکان برق این شهرستان در اختیار داشته، اقدام به اخاذی با عنوان وصول مطالبات بهای مصرفی برق کرده است.

وی اضافه کرد: متهم که به یکی از مشترکان تجاری برای دریافت طلب مراجعه کرده بود با گزارش مشترک به این مدیریت توسط مأموران کلانتری ۱۱ دیواندره دستگیر و تحویل مقام‌های قضایی شد.

بهره‌برداری از پروژه بزرگراه زاهدان ـ زابل در دهه فجر




زاهدان ـ خبرنگار اطلاعات: ۵۰ کیلومتر از پروژه بزرگراه زاهدان ـ زابل همزمان با دهه مبارک فجر مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد.

معاون هماهنگی و امور عمرانی استاندار سیستان و بلوچستان این خبر را در جریان بازدید از پروژه بزرگراه زاهدان ـ زابل در جمع خبرنگاران اعلام کرد و گفت: ساخت بزرگراه ۲۱۰ کیلومتری زاهدان به زابل با توجه به یکطرفه و حادثه خیز بودن وترافیک سنگین و نیز ترانزیت کالا از چابهار به میلک، از سال ۸۶ آغاز شده است.

به گفته دکتر میری این پروژه به عنوان یکی از پروژه‌های مهر ماندگار در ۷ قطعه با اعتبار ۲۰۰ میلیارد تومان در دست اجرا است.

در این بازدید معاون اداره کل راه و شهرسازی سیستان و بلوچستان نیز گفت: گلوگاه کوله سنگی به عنوان یک منطقه کوهستانی و صعب‌العبور یکی از موانع پیش روی عملیات بزرگراه زاهدان ـ زابل بود که در سایه تلاش مهندسین و حمایت معاونت عمرانی استانداری بازگشایی شد.

مهندس ملاشاهی افزود: با هدف تسریع در روند اجرای پروژه، کار ساخت قطعات ۵ و ۶ حد فاصل کوله سنگی تا پل شیله آغاز شده است. وی رعایت استاندارد و حذف نقاط حادثه‌خیز و نیز کاهش تلفات ناشی از تصادفات رخ به رخ را از جمله دستاوردهای تغییر مسیر زاهدان به زابل اعلام کرد.

ملاشاهی یادآور شد: عملیات اجرایی بزرگراه زابل به لوتک به طول ۳۴ کیلومتر با ۹۰ درصد پیشرفت فیزیکی دردست اجرا است و تردد بر روی آن انجام می‌شود. به گفته او برای اجرای این بزرگراه تا کنون ۳۵ میلیارد تومان اعتبار هزینه شده است.

معاون اداره کل راه و شهرسازی سیستان و بلوچستان اعلام کرد: این پروژه با ۶۵ درصد پیشرفت فیزیکی دارای یک پل روگذر و زیرگذر، تقاطع غیرهمسطح، پل دوم بر روی رودخانه نهراب و نیز ۳ کمربندی باغک، محمدآباد و لوتک است. وی افزود: ۲۰۰ میلیارد تومان هزینه برای اجرای بزرگراه زاهدان به زابل به طول ۲۱۰ کیلومتر برآورد شده است که با توجه به شرایط اقتصادی این مبلغ به ۴۰۰ میلیارد تومان افزایش خواهد یافت.

اجرای ۱۴ طرح توسعه عمرانی در خراسان رضوی به تصویب رسید

مشهد ـ خبرنگار اطلاعات: با حضور استاندار خراسان رضوی اجرای ۱۴ طرح توسعه‌ای و عمرانی و همچنین طرح جامع و تفصیلی شهرهای کدکن و بار در جلسه شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان به تصویب رسید. محمدحسین فروزان‌مهر در این جلسه، از شورای برنامه‌ریزی و توسعه به عنوان قوی ترین مرجع و تخصصی ترین شورای استانی یاد کرد و گفت: کارکرد این شورا نباید صرفا توزیع بودجه باشد.

وی افزود: به تناسب فعالیت این شورا، کمیته‌های برنامه ریزی شهرستان‌ها نیز در این حوزه‌ها، عالی ترین مرجع برای تصمیم گیری‌های توسعه‌ای به شمار می‌روند.

استاندار خراسان رضوی گفت: استفاده از خردجمعی و تمرکززدایی در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری‌های اجرایی، از جمله کارکردهای شورای برنامه ریزی و توسعه در استان‌ها و کمیته‌های برنامه ریزی در شهرستان‌ها است.

وی با اشاره منویات مقام معظم رهبری و جهت‌گیری‌های برنامه پنجم توسعه در خصوص عدالت محوری و توزیع متوازن امکانات در تمام نقاط کشور و استان، تاکید کرد: دهه چهارم انقلاب به نام دهه پیشرفت و عدالت نامگذاری شده است که بر این اساس باید توزیع امکانات، تسهیلات و منابع بر اساس شاخص‌ها و مزیت‌های مناطق و سند آمایش سرزمینی صورت گیرد.

او در ادامه با اشاره به ظرفیت‌ها و توانمندی‌های استان در بخش‌های مختلف، اضافه کرد: به منظور از بین بردن شکاف توسعه و به حداقل رساندن آن، پرداختن به موضوعات توسعه‌ای و برنامه‌ای مبتنی بر توانمندی‌های هر منطقه حایز اهمیت است.

وی از برنامه محوری به عنوان یک راهبرد اساسی در شورای برنامه ریزی و توسعه یاد و تاکید کرد: به منظور تسریع در توسعه و پیشرفت استان، از تقاضا محوری اجتناب شود.

فروزان‌مهر با اشاره به نقش کلیدی دبیرخانه شورای برنامه ریزی و توسعه استان به عنوان تلفیق کننده برنامه‌ها و تاکید بر فعال سازی کارگروه‌های تخصصی ذیل شورا، اضافه کرد: از آنجا که دستور کار جلسات از درون مصوبات این کارگروه‌ها حاصل می‌شود، دبیرخانه باید در جهت دریافت گزارش عملکرد آنها جدیت بیشتری داشته باشد.

وی با تاکید بر ضرورت ارزشیابی روند تحقق مصوبات شورا از سوی دبیرخانه، اعلام کرد: مصوبات کارگروه‌های تخصصی، فقط پس از تصویب در شورای برنامه ریزی، ضمانت اجرایی پیدا خواهد کرد.

در ادامه این جلسه، با موافقت اعضای شورا، طرح جامع و تفصیلی شهرهای کدکن و بار، مشروط به دریافت تاییدیه پدافند غیرعامل به تصویب رسید.

همچنین اجرای ۱۴ طرح سرمایه گذاری، شامل اجرای طرح صنایع تبدیلی و تکمیلی، ساخت مجتمع‌های خدماتی و رفاهی، مجتمع توریستی، تفریحی، پست‌های برق و نیروگاه بادی، شهرک صنعتی و توسعه و ساخت و تولید قطعات بتنی و پیش ساخته در استان نیز از تصویب اعضای شورا گذشت.

از دیگر مصوبات این جلسه، می‌توان به تفویض اختیار شورای برنامه ریزی و توسعه استان در خصوص توزیع اعتبار پروژه‌ای، به مبلغ ۱۱ میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان از محل بودجه حوادث به شورای هماهنگی مدیریت بحران خراسان رضوی، اشاره کرد.

مجوز برگزاری ۲۱ دوره آموزشی از سوی معاونت هماهنگی امور عمرانی استانداری و تغییر دستگاه اجرایی در اجرای دو پروژه نیز از دیگر مصوبات این جلسه بود.

ارتباط زندانیان چناران با خانواده‌هایشان آسان می‌شود

چناران ـ خبرنگار اطلاعات: برای ایجاد ارتباط آسانتر زندانیان با خانواده‌هایشان، سایت ویدئو کنفرانس در اردوگاه حرفه آموزشی و کاردرمانی قزلحصار چناران بزودی راه‌اندازی می‌شود.

رئیس مخابرات چناران با اعلام این مطلب، گفت: این سایت با هدف کم کردن هزینه رفت و آمد خانواده زندانیان از شهر و دیار خودشان تا چناران راه‌اندازی شده است که در دهه فجر امسال به بهره‌برداری خواهد رسید.

مهندس حمید سلیم اسدی افزود: با توجه به موقعیت جغرافیایی چناران و نزدیک بودن این شهرستان به پایتخت معنوی ایران اسلامی و با توجه به شرایط گردشگری، دستگاه‌های خدمات رسان نظیر مخابرات موظفند به نوعی عمل کنند تا شرایط شهرستان از نگاه زائران آستان قدس رضوی و گردشگران داخلی و خارجی مطلوب باشد.

اسدی به وضع اینترنت شهرستان اشاره کرد و ادامه داد: خدمات ADSL در مراکز ولیعصر(عج)، گلبهار، گلمکان و سیدآباد ارائه می‌شود و در آینده‌ای نزدیک با توجه به وجود متقاضی و پیگیری‌های انجام شده در مراکز رادکان، سلوگرد، اخلمد، سرآسیاب، بقمچ و خیراباد نیز راه‌اندازی خواهد شد.

وی گفت: ارتقای شبکه مخابراتی در شهر جدید گلبهار هم با طرح توسعه شبکه کابلی برای تلفن‌های ثابت این شهر با اعتبار یک میلیارد تومان در دست انجام است.

خط ارتباطی مردم با اطلاعات

تلفن ۲۲۲۲۶۰۹۰

ایمیل خط ارتباطی: ertebat@ettelaat.com

بقیه از صفحه ۱۳

وکالتنامه رسمی مرا نپذیرفتند

صاحبخانه پیشین منزل پسرم ۲ میلیون تومان ودیعه رهنی خانه‌اش را پس نداده و به شهرستان رفته است. چون پسرم شاغل است فرصت دوندگی برای دریافت طلب‌اش را ندارد. به من وکالتنامه رسمی داد تا پیگیر شکایت او از صاحبخانه فراری‌اش باشم. ولی پس از مراجعه به دادسرای منطقه گیشا، کارمندان آنجا وکالتنامه را از من نپذیرفتند و گفتند باید خود شخص، یعنی پسرم در آنجا حضور پیدا کند. از مسئولان محترم قوه قضائیه می‌پرسم چرا وکالتنامه‌ای که از دفتر اسناد رسمی گرفته شده است و باید اعتبار داشته باشد، در این زمینه کاربرد ندارد؟

صالحی

بودجه امور مذهبی افزایش یابد

مسئولان ترویج و تبلیغ فرهنگ مقدس قرآن کریم همواره از کمبود بودجه گلایه می‌کنند. از مسئولان ذیربط انتظار می‌رود این امر را نسبت به دیگر امور در اولویت قرار دهند.

تلفن به خط ارتباطی

لزوم تخصیص ارز برای واردات دارو

لازم است مسئولان وزارت بهداشت و درمان و نمایندگان محترم مجلس به بانک مرکزی فشار بیاورند تا ارز موردنیاز واردات دارو و تجهیزات پزشکی را تأمین کنند و نظارت داشته باشند تا حتماً داروها وارد شود. در ضمن بیماری‌های سخت فقط سرطان و ام اس نیستند، بلکه مبتلایان به آسم و بیماری‌های قلبی و بسیاری از دیگر بیماری‌ها نیز در صورت نبود دارو، با مشکلات حاد روبرو می‌شوند. به عنوان نمونه اسپری که برای بیماری آسم استفاده می‌کنم، تا چند ماه بعد تاریخ مصرف دارد و اگر همین امروز برای وارد کردن آن اقدام نشود، افرادی مانند من دچار مشکلات زیادی خواهند شد.

بیمار مبتلا به آسم

جولان موش‌ها در کوچه‌های تهران‌پارس!

کوچه‌های شهید مظفر، شهید لنگرودی و شهید بهرام مقدس و اطراف فلکه دوم تهران‌پارس، پر از موش است. مسئولان شهرداری می‌توانند به محل مراجعه کنند، تا موش‌ها را نشانشان بدهیم!

از ساکنان تهران‌پارس

کاربرد کارت منزلت چیست؟

کارتی به نام کارت منزلت به بازنشستگان داده شده است که معلوم نیست چه کاربردی دارد؟ نه به هنگام سوار شدن به اتوبوس‌های شرکت واحد می‌توان از آن‌ها استفاده کرد و نه به هنگام بازدید از اماکن دیدنی. لطفاً توضیحی درباره کاربرد این کارت بدهند تا بدانیم به چه دردی می‌خورد.

شهرضا ـ عبدالعلی نظری

اشکال در نقل و انتقال پول

از وقتی که طرح شاپرک راه‌اندازی شده، بسیاری از کارهای مربوط به نقل و انتقال پول با مشکل مواجه شده است، انتقال کارت به کارت به درستی صورت نمی‌گیرد و مغازه‌داران برای استفاده از دستگاه‌های کارتخوان اکراه دارند، چون پول دیر به حساب‌هایشان واریز می‌شود. بانک مرکزی در این مورد چه پاسخی دارد؟

از کسبه تهران

چایکاران در انتظار وصول چک‌هایشان هستند

چایکاران زحمتکش گیلانی در انتظار دریافت چک‌های خرید محصول چای خود هستند. لازم است این چک‌ها هرچه زودتر وصول شود، تا کشاورزان بتوانند برای کشت سال آینده برنامه‌ریزی کنند.

رودسر ـ کشاورز چایکار

برای کارشناسی‌ارشد نیاز به گذراندن طرح نباشد

پیشنهاد می‌شود وزارت بهداشت و درمان به نحوی برنامه‌ریزی کند که فارغ‌التحصیلان پیراپزشکی برای شرکت و پذیرش در مقطع کارشناسی‌ارشد، به گذراندن طرح نیازی نداشته باشند.

داوطلب شرکت در آزمون کارشناسی‌ارشد پیراپزشکی

کارت‌های ایثارگری چه خاصیتی دارد؟

مسئولان ذی‌ربط لطفاً پاسخ دهند مزایا و خاصیت کارت‌های ایثارگری سربازان دوران دفاع چیست که حتی بنیاد امور شهید و ایثارگران آن‌ها را قبول ندارد و اهمیتی به این کارت‌ها نمی‌دهد؟

بابل ـ از سربازان دفاع‌مقدس

عدم پرداخت مطالبات چایکاران

در شرایطی که چایکاران شرق استان گیلان از تأمین مخارج زندگی روزمره‌شان هم عاجز مانده‌اند، چرا دولت پول خرید چای از آنان را نمی‌پردازد؟

کشاورز چایکار از گیلان

بدآموزی سریال‌های تلویزیونی

وقتی در اغلب سریال‌ها و فیلم‌های تلویزیون صحنه‌های خشن قتل و جرح و چاقو و قمه‌کشی وجود دارد، آیا نمی‌توان انتظار داشت برخی جوانان شرور تحت تأثیر قرار نگیرند و مرتکب جرایم خشن نشوند؟

ساوجبلاغ ـ تلفن به خط ارتباطی

تدریس در صدا و سیما!

از صدا و سیما انتظار می‌رود به جای نمایش فیلم‌ها و سریال‌های مبتذل و بی‌معنی دروس عربی، شیمی و ریاضی دبیرستان‌ها را آموزش دهد!

کرج ـ پدر دانش‌آموز

خط ارتباطی: شبکه آموزش صدا و سیما به تدریس دروس مقاطع مختلف تحصیلی اختصاص یافته است.

مسافربرهای شخصی بلاتکلیفند

مالکان خودروهای شخصی که باآن‌هامسافرکشی ومخارج خانواده‌هایشان را تأمین می‌کنند، از یک سو همواره با جرایم راهنمایی و رانندگی به دلیل دودزا بودن و دیگر معایب خودروهایشان مواجهند و از سوی دیگر ثبت‌نام از دارندگان خودروهای فرسوده برای جایگزین آن‌ها با خودروهای صفر کیلومتر متوقف شده است و نمی‌دانند با این وضع چه‌کار کنند؟

جعفری

شهرداری به مشکل ساکنان محله پایان دهد

ساکنان خانه‌های محله امامزاده یحیی تا کی باید در این بیغوله‌ها و منازل قدیمی و فرسوده زندگی کنند و نه اجازه نوسازی آن‌ها را داشته باشند و نه شهرداری منطقه ۱۲ تکلیف‌شان را معلوم کند؟ آن هم در شرایطی که کوچکترین زمین لرزه‌ای می‌تواند خانه‌ها را بر ساکنان آن‌ها ویران کند و تلفات و خسارات سنگینی بر جای بگذارد.

از ساکنان محل

پاسخ مسئولان

پاسخ سازمان تأمین اجتماعی در مورد تعیین مستمری

عطف به مطلب مندرج در آن روزنامه با عنوان «سنوات خدمتی‌ام در تعیین مستمری لحاظ شود در تاریخ ۹۱/۶/۱ به استحضار می‌رساند:

«طبق بررسی به عمل آمده سابقه پرداخت حق بیمه آقای ندیمی از اردیبهشت سال ۵۲ لغایت مرداد ۶۵ به مدت ۴۶۲۵ روز به طور متناوب به اعتبار اشتغال در شرکت زامیاد سهامی عام و از فروردین ۱۳۶۶ لغایت شهریور ۱۳۸۸ به اعتبار اشتغال در شرکت‌های مختلف و اداره‌کل فرهنگ و ارشاد اسلامی به مدت ۶۳۸۳ روز به طور متناوب که مجموع سابقه‌اش نزد شعبه یک زاهدان به مدت ۱۱۰۰۸ روز معادل (۳۰ سال و یک ماه و ۲۸ روز) به طور متناوب است که با توجه به تقاضای بازنشستگی وی از تاریخ ۱۳۸۸/۶/۳۱ به استناد تبصره یک ماده ۷۶ قانون تأمین اجتماعی (احراز ۵۰ سال سن و ۳۰ سال سابقه) با لحاظ سوابق فوق‌الذکر حکم بازنشستگی صادر و مستمری وی مطابق مقررات سازمان محاسبه و از تاریخ مذکور ماهانه مستمری به حساب وی واریز می‌شود.»

حسن ضابطی ـ مشاور مدیرعامل و مدیرکل روابط عمومی

کوتاه از چهار گوشه کشور

غبارروبی ضریح مطهر جعفر بن موسی الکاظم(ع) پیشوا

پیشوا ـ خبرنگار اطلاعات: آیین ویژه غبارروبی ضریح مطهر جعفر بن موسی الکاظم(ع) پیشوا برگزار شد.

این آیین پس از قرائت زیارت عاشورا و مرثیه‌خوانی توسط مداحان اهل بیت(ع) و باز کردن در ضریح مطهر با گلاب ناب شستشو داده شد و شمارش نذورات آغاز شد.

در ایــن غبارروبی ۳۱۵۱ میلیون ریال وجه نقد، مقداری طلا شامل النگو و گوشواره و ارز خارجی جمع‌آوری شد که مقرر شد تمام آن صرف فعالیت‌های عمرانی، فرهنگی و جاری آستان مقدس این امامزاده واجب‌التعظیم شود.

حضرت جعفر بن موسی الکاظم(ع) فرزند بلافصل موسی بن جعفر(ع) و برادر تنی حضرت امام رضا(ع) است که هر سال هزاران نفر از داخل و خارج کشور برای زیارت مرقد مطهر او به این مکان مقدس مشرف می‌شود.

ظرفیت‌های لازم برای سرمایه‌گذاری در سقز فراهم است

سقز ـ خبرنگار اطلاعات: شهردار سقز با دعوت از سرمایه‌گذاران برای سرمایه‌گذاری گفت: تمام ظرفیت‌های لازم برای استقبال از سرمایه‌گذاران در این شهرستان فراهم است.

رحیمی در همایش بزرگ پیاده‌روی سقز افزود: خوشبختانه در سایه لطف و توجه مسئولان کشوری و استانی و تلاش‌های نمایندگان در مجلس شورای اسلامی و شورای شهر، زمینه‌های لازم برای جذب و استقبال از سرمایه‌گذاران در این شهرستان فراهم شده است، وی همچنین تبدیل فرمانداری شهرستان به فرمانداری ویژه را نیز اقدامی ارزشمند در راستای ارتقای هرچه بیشتر شاخص‌های توسعه‌ای در این شهرستان مرزی دانست.

شهردار سقز با اشاره به اینکه طرح‌های عمرانی، خدماتی و فرهنگی بزرگی در چند سال اخیر در سطح این شهرستان اجرا شده است، افزود: پروژه‌های دیگری نیز با پیشرفت فیزیکی قابل توجه در سطح شهرستان به ویژه سقز در حال اجرا است که به زودی به بهره‌برداری می‌رسد.

شهردار سقز به عضویت هیات مدیره شهرداری‌های کشور درآمد

* به دنبال موفقیت‌های چند سال اخیر شهرداری سقز در عرصه‌های مختلف عمران شهری، از شهردار این شهر برای نامزدی در انتخابات شرکت سرمایه‌گذاری شهرداری‌های سراسر کشور دعوت شد.

شهردار سقز درباره این انتخابات گفت: این انتخابات با حضور شهرداران سراسر کشور در تهران برگزار شد.

عثمان رحیمی افزود: پس از رای‌گیری شهرداری اهواز با کسب ۲۲ رای، قزوین با ۲۱ رای و سقز هم با کسب ۲۰ رای به عضویت اصلی هیات مدیره شرکت سرمایه‌گذاری شهرداری‌های ایران انتخاب شدند.

برپایی دوشنبه‌بازار هنری در بهشهر

بهشهر ـ خبرنگار اطلاعات: برای حمایت هرچه بیشتر مادی و معنوی از صاحبان هنرهای تجسمی و فعالان عرصه محصولات فرهنگی، با همکاری اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی و نمایندگی دفتر میراث فرهنگی در بهشهر، بازار هفتگی عرضه این محصولات با عنوان (دوشنبه بازار هنری) در این شهر راه‌اندازی شد.

علی‌اصغر باباکوهی رئیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی بهشهر با تشریح علل برپایی این بازار گفت: به منظور تشویق و ترغیب عملی و کمک به اقتصاد صاحبان فرهنگ و هنر، بسط و گسترش فرهنگ بومی و اسلامی، بر آن شدیم با راه‌اندازی بازاری با عنوان دوشنبه بازار هنری با اختصاص فضا، این بستر را آماده کنیم تا علاقه‌مندان به هنرهای سنتی و دستی ضمن بازدید از این مرکز کالاهای هنری مورد نیاز خود را به صورت عرضه مستقیم تهیه کنند.

وی با اشاره به اینکه بهشهر هنرمندان بومی و صنایع قابل توجه متنوع و جذاب دارد، از صاحبان این حرف و تولیدکنندگان صنایع فرهنگی شرق مازندران خواست که محصولات خود را برای فروش و بازدید عموم هر هفته در این مراکز واقع در مجتمع فرهنگی و هنری بصیرت عرضه کنند.

ساخت خانه بهداشت در روستای دولت‌آباد نیشابور

نیشابور ـ خبرنگار اطلاعات: مدیرعامل مجمع خیران سلامت نیشابور گفت: ساخت آخرین خانه بهداشت مصوب دانشکده علوم پزشکی این شهر با همکاری خیربخش سلامت در روستای دولت‌آباد آغاز شد.

دکتر احمد درودی افزود: ساخت این خانه بهداشت با اهدای زمین از سوی حسن جمال، به یاد فرزند شهیدش آغاز شده است.

وی ابراز امیدواری کرد تا اوایل سال آینده ساخت این خانه بهداشت به پایان برسد.درودی اعلام کرد: این دانشکده برای ساخت پایگاه‌های بهداشتی، اورژانس ۱۱۵ و توسعه بخش‌های درمانی نیاز به همیاری نیکوکاران دارد.

پرداخت ۷۰میلیارد ریال تسهیلات در کارگروه توسعه کشاورزی دیواندره

دیواندره ـ خبرنگار اطلاعات: معاون فرماندار دیواندره گفت: در کارگروه توسعه بخش کشاورزی شهرستان دیواندره بیش از ۷۰ میلیارد ریال تسهیلات از طریق دو بانک عامل پرداخت شده است.

جعفر توان در جلسه کارگروه توسعه بخش کشاورزی دیواندره گفت: بر اساس رتبه‌بندی استانی در بحث پرداخت تسهیلات، این شهرستان موفق به کسب رتبه سوم در سطح استان کردستان شده است.

وی افزود: با توجه به اهمیت بخش کشاورزی دیواندره تاکنون ۳۶۴ طرح در کارگروه مصوب شده است که از این تعداد ۱۶۳ طرح از طریق بانک عامل کشاورزی موفق به دریافت تسهیلات شده‌اند.

وی میزان سود این تسهیلات را ۷درصد اعلام کرد و گفت برای حمایت از تولیدات بخش کشاورزی، دولت فرصت خوبی را در اختیار متقاضیان سرمایه‌گذاری در این بخش قرار داده است و کارگروه توسعه بخش کشاورزی شهرستان در حداقل زمان ممکن طرح‌های تولیدی کشاورزی ارائه شده به کارگروه را بررسی می‌کند.

تشکیل کمیته ایمنی زایمان و بیماران خاص روستائیان دیواندره

* فرماندار دیواندره گفت: کمیته ایمنی زایمان و بیماران خاص روستائیان در این شهرستان تشکیل شده است.

سعدی نقشبندی در نخستین جلسه این کمیته افزود: با توجه به سخت گذر بودن بسیاری راه‌های منطقه و مسدود شدن راه‌های ارتباطی در فصل سرما این کمیته وظیفه دارد نسبت به شناسایی بیماران خاص در سطح روستاها و نیازمندی‌های امدادی آنان اقدام کند.

وی افزود: بر اساس برنامه‌ریزی انجام شده فهرست زنان باردار روستایی و محدوده احتمالی زایمان آنان از سوی شبکه بهداشت و درمان تهیه و اقدامات لازم در زمینه سهولت در خدمت‌رسانی به آنان از سوی این اداره انجام می‌شود.

خلاقیت و نوآوری موجب افزایش تولید و اشتغالزایی است

* فرماندار دیواندره گفت: به کارگیری خلاقیت و نوآوری در عرصه تولیدات صنعتی نه فقط موجب رقابت‌پذیر کردن محصولات داخلی می‌شود، بلکه افزایش تولید و اشتغال را نیز به همراه خواهد داشت.

سعدی نقشبندی در بازدید از کارخانه تولید ادوات کشاورزی دیواندره گفت: تولیدکنندگان برای رقابت‌پذیر کردن محصولات تولیدی راهی جز اعتماد به نفس و بهره‌گیری از نیروی خلاق و نوآور در عرصه تولید، فروش و مدیریت هزینه‌ها را ندارند.

وی گفت: کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی، توجه به تولیدات داخلی، مدیریت بهینه، بهره‌گیری از منابع موجود و کاهش هزینه‌های تولید از عوامل اساسی توانمندسازی تولیدکنندگان به شمار می‌رود و این فرمانداری با توجه به ظرفیت‌های تولیدی و صنایع وابسته در بخش کشاورزی، آمادگی دارد برابر مقررات نسبت به تصویب تسهیلات بانکی اقدام کند.

خرید تضمینی ذرت در خوزستان

اهواز – خبرنگار اطلاعات: مدیر سازمان تعاون روستایی استان خوزستان، از آمادگی این سازمان برای خرید تضمینی ذرت از کشاورزان استان خبر داد.

هرمز خواجوی افزود: پیش‌بینی برداشت ذرت از استان ۳۸۰ هزار تن است و این محصول با قیمت ۲۷۶ تومان به صورت تضمینی خریداری می‌شود.

وی ادامه داد: ۵۸ هزار هکتار از اراضی کشاورزی استان امسال زیر کشت ذرت رفته که با وجود خشکسالی از نظر سطح زیرکشت و تولید مقام نخست را در کشور کسب کرده است.

خواجوی افزود: متولی خرید این محصول سازمان تعاون روستایی است که از امکانات بخش خصوصی نیز استفاده می‌شود. به گفته وی، این محصول توسط ایستگاه‌های ذرت خشک‌کنی وابسته به شرکت‌های تعاونی روستایی استان خریداری می‌شود که هر ایستگاه ظرفیت خشک‌کردن ۱۵۴ تن ذرت را در ساعت دارد.

او گفت: برای حمایت از کشاورزان درنیمه نخست امسال افزون بر ۳۴ هزار و ۵۰۰ تن انواع نهاده‌های کشاورزی شامل کود، سم و بذر نیز توزیع شده است.

وی ادامه داد: از ابتدای سال‌جاری تاکنون نیز ۵۲۰ هزار تن انواع محصولات کشاورزی از کشاورزان خوزستان به صورت تضمینی و توافقی خریداری شده است.

اختصاص اعتبار برای ساخت شهرک تخصصی فرش در بجنورد

بجنورد ـ خبرنگار اطلاعات: مدیرعامل شرکت شهرک‌های صنعتی خراسان شمالی از اختصاص ۲ میلیارد ریال اعتبار سفر مقام معظم رهبری برای ساخت شهرک تخصصی فرش ایران در بجنورد خبر داد.

محمدرضا باقری، گفت: با اختصاص این مبلغ مرحله نخست این طرح در سال آینده تکمیل خواهد شد و مرحله واگذاری زمین به متقاضیان در دستور کار قرار می‌گیرد.

وی اضافه کرد: با تکمیل زیرساخت‌های لازم در شهرک تخصص فرش ایران در بجنورد برای ۶۰۰۰ نفر در خراسان شمالی اشتغال ایجاد می‌شود.

باقری بااشاره به تامین تمام زیرساخت‌های مورد نیاز برای فرشبافان در این شهرک، یادآور شد: زنجیره ارزشی فرش دستباف استان نیز در این شهرک تأمین می‌شود.

وی ایجاد زنجیره ارزش افزوده برای صنعت فرش خراسان شمالی را از جمله مهمترین اهداف اجرای این طرح اعلام کرد.

او گفت: شرکت شهرک‌های صنعتی برای حمایت از صنعت فرش استان طرح خوشه صنعتی فرش را با موافقت سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران در برنامه کاری خود قرار داده که تاکنون نیز مبلغ ۲ میلیارد ریال برای اجرای این طرح اعتبار هزینه کرده است.

وی اضافه کرد: همچنین از محل سفر مقام معظم رهبری نیز مبلغ ۲/۵ میلیاردریال اعتبار برای خوشه صنعتی فرش استان اختصاص داده شده است که طی آن بازاریابی، شناسایی بازار داخلی و خارجی در دستور کار قرار گرفته است و تاکنون در راستای اجرای این طرح، ذینفعان این صنعت در دو نمایشگاه قزوین و قطر شرکت کرده‌اند.

وی گفت: برای شناساندن فرش خراسان شمالی به خارج از کشور نیز جشنواره طراحی فرش دستباف با شرکت طراحان مطرح کشوری در بجنورد برگزار می شود و در این جشنواره حداقل پنج طرح اختصاصی فرش استان انتخاب و به ثبت بین‌المللی خواهد رسید.

وی همچنین گفت: براساس تفاهمنامه بین مرکز ملی فرش ایران با شرکت شهرک‌های صنعتی استان، برای توانمندسازی نیروی انسانی فعال در فرش خراسان شمالی دوره‌های آموزشی برگزار می‌شود.

وی افزود: براساس این تفاهمنامه ۱۵۰۰ نفر از فرشبافان و استادان فرش دستباف استان، آموزش‌های لازم را در زمینه‌های مختلفی از قبیل بهبافی، رنگریزی، قالیشویی و کیفی‌سازی تولیدات فرا می‌گیرند.

او اضافه کرد: در مرحله نخست اجرای این طرح که تا پایان سال جاری است، استادان فرش دستباف استان آموزش‌های لازم را در زمینه آشنایی با تکنولوژی صنعت فرش و ارتقای سطح کیفی تولیدات، فرا می‌گیرند.

وی گفت: علاوه بر آن با برنامه‌ریزی‌های انجام شده جمعی از استادان فرش استان و فرشبافان اتحادیه صنعت فرش استان برای آشنایی با تکنولوژی فرش؛ رنگرزی و قالیشویی به مراکز اصلی صنعت فرش در استان‌های قم، اصفهان، یزد و دیگر استان‌های کشور سفر می‌کنند.

گنجینه اسناد مفاخر هرمزگان به بهره‌برداری می‌رسد

بندرعباس ـ خبرنگار اطلاعات: بر اساس تصویب شورای فرهنگ عمومی کشور از ۳ تا ۷ دی به نام هفته ثبت‌احوال نامگذاری شده است.

مهدی عسکری‌زاده مدیرکل ثبت احوال هرمزگان به همین مناسبت در نشست خبری با بیان این که رسالت ثبت‌احوال همانا صدور اسناد هویتی برای تمام ایرانیان داخل و خارج کشور، ثبت وقایع حیاتی و همچنین تولید و انتشار آمارهای جمعیتی است، افزود: به مناسبت هفته ثبت‌احوال گنجینه اسناد مفاخر استان هرمزگان به بهره‌برداری می‌رسد.

عسکری زاده ادامه داد: اسناد سجلی افراد و شخصیت‌های مشهور و نامی در معرض بازدید عموم قرار می‌گیرد.

وی گفت: هدف نهایی ثبت احوال ارائه خدمات به صورت مجازی است که از تیر ماه سال ۸۹ با مکانیزه شدن شناسنامه‌ها این امر در هرمزگان در حال اجرا است.

وی از قرار دادن کارت ملی هوشمند تا پایان برنامه پنج‌ساله به تمام شهروندان خبر داد و افزود: تاکنون در هرمزگان ۲۵هزار و ۵۰۰ جلد شناسنامه مکانیزه صادر شده است.

مدیرکل ثبت احوال هرمزگان در ادامه سخنان خود از ارسال یک میلیون برگ سند اسکن‌شده به آرشیو ثبت‌احوال خبر داد و افزود: ۲میلیون و ۴۰۰ سند دیگر نیز تا پایان سال اسکن و در آرشیو الکترونیکی این سازمان قرار می‌گیرد.

وی در بخش دیگری از سخنان خود از رتبه دوم آمار تولد این استان در کشور بعد از سیستان و بلوچستان خبر داد و افزود: از نظر آمار ولادتی با ۲۶/۴ رتبه دوم کشور را داریم این در حالی است که نرخ ولادت در کشور ۱۸/۵ در هزار است.

او از کاهش واقعه ازدواج در هرمزگان خبر داد و یادآور شد: در هشت ماهه امسال در مقایسه با سال گذشته با کاهش ۴/۲درصد واقع ازدواج روبرو بودیم.

وی اضافه کرد: در این مدت ۱۳هزار و ۵۴۱ ازدواج در هرمزگان به ثبت رسیده است که نرخ این واقعه ۱۳/۹ در هزار بوده است.

او با اشاره به این که بیشترین ازدواج‌ها مربوط به زوجین همسن با آمار ۱۷۴۷ مورد معادل ۱۲/۹درصد است، ادامه داد: بیشترین ازدواج‌ها مربوط به گروه سنی ۲۰ تا ۲۴ سال با ۴۵درصد بوده است.

وی همچنین از افزایش آمار طلاق در این استان خبر داد و افزود: در هشت ماهه امسال در استان ۱۴۸۵ واقعه طلاق شکل گرفته که در مقایسه با مدت مشابه پارسال ۱۶/۷ رشد داشته است.عسکری زاده در پایان سخنان خود نام‌های فاطمه و محمد را در صدر جدول نام‌ها در هرمزگان بیان کرد و افزود: بعد از آن مریم، زهرا، فاطمه و مینا برای دختران و امیرعلی، امیرمحمد و محمدطاها برای پسران به ثبت رسیده است.

کاهش آمار بیماران مبتلا به تالاسمی در کشور

کرمان ـ خبرنگار اطلاعات: شمار بیماران مبتلا به‌هایپوتیروئیدی در استان کرمان از متوسط کشوری بالاتر است.

مدیر مبارزه با بیماری‌های دانشگاه علوم پزشکی کرمان گفت: از هر ۱۰۰۰ نوزادی که در استان کرمان متولد می‌شود، سه نفر مبتلا به‌هایپوتیروئیدی هستند.

وی که در دوره آموزشی منطقه‌ای مشاوره ژنتیک در کرمان سخن می‌گفت، اعلام کرد: در کشور به ازای هر ۱۰۰۰ تولد، یک نوزاد مبتلا به‌هایپوتیروئیدی است.

دکتر روح‌الله زحمتکش یادآور شد: با توجه به این که تشخیص بهنگام و شروع درمان از عوارض این بیماری جلوگیری می‌کند، از چند ماه پیش همزمان با برخی از نقاط کشور غربالگری فنیل کتنوری یا پی کیو برای نوزادان از روز سوم تا پنجم تولد انجام می‌شود.

او اختلال در رشد و عقب‌ماندگی ذهنی را از عوارض بیماری‌هایپوتیروئیدی اعلام کرد و گفت: پارسال ۲۲ هزار و ۷۲۹ زوج در شهرستان‌های زیرپوشش دانشگاه علوم پزشکی کرمان به منظور جلوگیری از تولد نوزاد مبتلا به این بیماری مورد آزمایش قرار گرفتند.

مدیرگروه مبارزه با بیماری‌های دانشگاه علوم پزشکی کرمان همچنین از کاهش شمار بیماران مبتلا به تالاسمی در سطح کشور خبر داد و گفت: موارد بروز بیماری تالاسمی ۷۵ درصد کاهش یافته به نحوی که از ۱۲۰۰ مورد بروز سالانه، در حال حاضر ۲۵۰ نوزاد مبتلا به تالاسمی ماژور متولد می‌شود.

وی اعلام کرد: پارسال، ۶۷ مورد آزمایش پیش از تولد بر روی جنین انجام شد که ۲۱ مورد برای تشخیص تالاسمی ماژور بود و خوشبختانه موردی از تولد نوزاد با تالاسمی ماژور در سال ۹۰ گزارش نشده است.

دکتر زحمتکش با اشاره به حضور پزشکان مشاوره تالاسمی در تمام شهرستانها و ارائه آموزش‌های لازم به زوج‌های در آستانه ازدواج، گفت: برای برخی از زوج‌ها در آستانه ازدواج لازم است آزمایش‌های متعددی انجام شود و باید به مدت چند ماه تحت درمان قرار گیرند بنابراین ضروری است آنان در زمان مناسب و کافی برای انجام آزمایش و مشاوره ژنتیک به این مراکز مراجعه کنند.

دوره آموزشی منطقه‌ای مشاوره ژنتیک با حضور پزشکان مشاور از دانشگاه‌های علوم پزشکی خراسان جنوبی، زاهدان، زابل، هرمزگان، یزد، بم، جیرفت و تمام شهرستانهای زیرپوشش دانشگاه علوم پزشکی کرمان در این دانشگاه برگزار شد.

بررسی بیماری‌های ژنتیک و ترسیم شجره‌نامه و تخمین ریسک ابتلا در بیماری‌های ژنتیکی توسط استادان اداره ژنتیک وزارت بهداشت مهمترین بحث مطرح شده در این کارگاه آموزشی بود.

رونمایی از طرح تفصیلی جدید شهر تبریز

تبریز–خبرنگار اطلاعات: طرح تفصیلی جدید تبریز به عنوان سند توسعه متوازن این شهر با حضور معاون وزیر راه و شهرسازی رونمایی شد.

معاون شهرسازی و معماری شهرداری تبریز با تأکید بر اهمیت طرح تفصیلی جدید شهرداری اعلام کرد: طرح تفصیلی قبلی تبریز که سال ۵۷ مصوب شد با چشم‌انداز جمعیتی ۵۵۰ هزار نفری آن زمان و نیز وسعت و محدوده‌ای کوچکتر، تقریبا یک چهارم وسعت فعلی تبریز طراحی و تدوین شده بود که با توجه به توسعه شهری و نیز افزایش جمعیت و در کنار آن الزامات و ضرورت‌های امروزی، لزوم تهیه و تصویب طرح تفصیلی جدید بیش از گذشته احساس می‌شد که این اتفاق با همکاری و مشارکت تمام مسئولان شهری، استانی و کشوری محقق و نهایی شد.

شهردار تبریز نیز از طرح تفصیلی جدید به‌عنوان بستر توسعه جهشی و تحقق اهداف توسعه پایدار این شهر در آینده نزدیک یاد کرد و افزود: با این اقدام شهرداری گامی بلند در راستای تامین زیرساخت‌های توسعه آتی شهر مبتنی بر سند چشم‌انداز ایران ۱۴۰۵ برداشت.

مهندس نوین با اشاره به اهمیت اجرای طرح تفصیلی جدید گفت: توسعه مبتنی بر برنامه و اهداف از پیش تعیین شده، بسترسازی برای تحقق اهداف سند چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ و تبریز مدرن، آینده‌نگری در اداره شهر، پیش‌بینی نیازها و مطالبات نسل‌های آتی، پاسخگویی به نیازها و خلأهای موجود، شفاف‌سازی ضوابط و مقررات شهرسازی، معماری، توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی، برنامه‌ریزی برای احیای بافت‌های فرسوده شهری، افزایش رونق اقتصادی برای شهروندان، ارتقای سطح اقتصاد شهری، هویت‌یابی مجدد شهر در تمام بخش‌ها، تغییر سیما و کالبد شهری، توجه به اصول معماری ایرانی و اسلامی، توسعه و تقویت زیرساخت‌ها، توسعه متوازن و عدالت محور، دستیابی به اهداف شهر سبز، روان و ایمن و در نهایت حرکت به سمت جهانی شدن و تبدیل تبریز به جهان‌شهر از مهمترین نتایج و برکات اجرای این طرح خواهد بود.

وی گفت: تصویب برنامه سوم توسعه شهرداری و در کنار آن رونمایی و اجرای طرح تفصیلی جدید که به فاصله‌ای کوتاه از هم انجام گرفت، نوید دهنده تسریع در روند توسعه تبریز و نیز آغاز عصر تحول و دگرگونی عمرانی در تمام بخش‌های شهری تبریز است.

معاون وزیر راه و شهرسازی نیز گفت: خوشبختانه شاکله کلی تبریز در برگیرنده شهری با توسعه متوازن و همه جانبه در ابعاد مختلف زیربنایی است.

مهندس غراوی افزود: تبریز از نظر توسعه شبکه معابر، اجرای طرح‌های مسیرگشایی، وجود پل‌ها و زیرگذرهای شریانی، تقاطع‌های غیرهمسطح، توسعه زیرساخت‌ها و اجرای طرح‌های متعدد در حوزه مترو و توسعه فضای سبز، شهری با شاکله توسعه‌یافته به لحاظ تعاریف شهرسازی است و باید الگوی توسعه دیگر شهرها قرار گیرد.

معاون وزیر راه و شهرسازی همچنین توجه به ظرفیت‌ها و توانمندی‌های سرمایه‌ای، فنی و اجرایی بخش خصوصی را یکی از راهکارها و ابزارهای موثر در تسریع روند توسعه شهرها برشمرد و گفت: خوشبختانه شهر تبریز در این بخش نیز به موفقیت‌های قابل توجهی دست یافته است.

مهندس غراوی با ابراز خرسندی از تصویب و ابلاغ طرح تفصیلی جدید تبریز، این اتفاق را زمینه‌ساز دستیابی این شهر به برنامه‌ای مدون در حوزه توسعه شهری دانست و گفت: شهرها باید مبتنی بر تراکم و سرانه جمعیت توسعه یابند و تمام زیرساخت‌ها و نیازهای آتی آن در قالب طرح‌های تفصیلی، جامع و موضعی پیش‌بینی شود.

وی با اعلام این که طرح تفصیلی سند اجرایی توسعه شهر به شمار می‌آید، افزود: طرح تفصیلی در واقع نقشه راه توسعه شهرها است.

آغاز مرحله دوم سرشماری حیات وحش استان قزوین

قزوین – خبرنگار اطلاعات: مدیرکل حفاظت محیط زیست استان قزوین از آغاز مرحله دوم عملیات سرشماری وحوش این استان داد.

علی آقا فرهادی گفت: این سرشماری از ۲۲ آذر آغاز شده بود که به علت بارش برف و سرمای شدید در ارتفاعات چند روز متوقف شد و به دلیل مناسب شدن شرایط جوی ادامه عملیات از سر گرفته شد.

وی با اشاره به انجام مرحله نخست عملیات سرشماری حیات وحش در تابستان، هدف از انجام عملیات مرحله دوم را بررسی وضعیت جمعیت گونه‌های شاخص استان از جمله آهو، قوچ و میش، کل و بز و همچنین وضعیت زیستگاه‌های حیات وحش و عملکرد محیط زیست درحوزه تنوع زیستی و نیز شناسایی معضلات و عوامل تهدید در حوزه محیط زیست طبیعی و تنوع زیستی بیان کرد.

وی اضافه کرد: این سرشماری با مشارکت کارکنان اداره کل حفاظت محیط زیست، علاقه مندان به محیط زیست و همچنین نظارت سازمان مرکزی در حال انجام است.

وی در خصوص مناطق مورد بررسی گفت: این عملیات در مناطق تحت مدیریت اداره کل حفاظت محیط زیست استان قزوین از جمله مناطق تیراندازی و شکار ممنوع طارم سفلی، الموت شرقی و غربی، آبگرم، آوج و منطقه حفاظت شده باشگل انجام خواهد شد.

آقا فرهادی در پایان یاد آور شد: همزمان با عملیات سرشماری گونه‌های شاخص استان، وضع جمعیت پرندگان خشک زی نیز مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

انتقاد فرماندار دزفول از تغییر برنامه‌های وزارت آموزش و پرورش

دزفول ـ خبرنگار اطلاعات: فرماندار دزفول از انجام و ارائه برنامه‌های جدید و تغییرات در سیستم آموزشی وزارت آموزش و پرورش انتقاد کرد و گفت: وزیر آموزش و پرورش هر سال برنامه‌های آموزشی را تغییر می‌دهد. عبدالرحیم احسانی با اشاره به این که آموزشگاه‌ها و دستگاه‌های آموزشی مسئول برای اجرای طرح «۶ـ۳ـ۳» آموزش و پرورش دچار مشکلات زیادی هستند، گفت: هنوز در اجرای این طرح مشکلات عمده‌ای وجود دارد و نتیجه‌ای از اجرای آن گرفته نشده است که وزیر آموزش و پرورش خبر از اجرای طرح دیگری به نام «۳ـ۳ـ۳ـ۳» در سال آینده می‌دهد که جای تامل دارد و این در حالی است که ما هنوز به دنبال راه‌حل‌هایی برای برطرف کردن مشکلات طرح قبلی یعنی ۶ـ۳ـ۳ هستیم.

وی همچنین یادآور شد که اجرای این گونه طرح دارای بار مالی است و باید تامین اعتبار لازم شود. رئیس شورای آموزش و پرورش دزفول افزود: بهتر بود این طرح در یک منطقه یا یک شهر و استان به صورت تجربی به اجرا درآمد، مشکلات آن مشخص می‌شد و بعد در سراسر کشور به اجرا گذاشته می‌شد.

وی همچنین به نگرانی برخی از خانواده‌ها در مورد برگزاری اردوها به‌ویژه اردوی راهیان‌نور اشاره کرد و گفت: برخی از خانواده‌های تک فرزند از اجرای چنین طرح‌ها بسیار نگران هستند و باید برای رفع این نگرانی‌ها فکری کرد.

فرماندار دزفول گفت: در زمینه پژوهش و تحقیقات کارهای ارزشمندی در دزفول شده است. وی با اشاره به نقش پژوهش و تحقیقات در جامعه گفت: انتظار ما از جوانان دزفول بسیار زیاد است به‌ویژه که دزفول اولین شهری است که دانشگاه جندی‌شاپور در آن ایجاد شده است بنابراین باید افراد نمونه را در سطح شهر و روستا شناسایی و معرفی کنیم.

باغ‌های قصردشت شیراز در معرض نابودی است

شیراز ـ خبرنگار اطلاعات: بسیاری از فضاهای سبزدرون شهر شیراز همچون باغ‌های قصردشت در معرض تخریب و نابودی قرار گرفته است.

حسینعلی ابراهیمی کارنامی، مدیرکل حفاظت محیط‌زیست فارس با اعلام مطلب بالا با اشاره به اینکه حفظ فضاهای سبز و باغ‌های شیراز و به ویژه باغ‌های قصردشت ضروری است و تخریب و تجاوز به آن جای نگرانی دارد، افزود: در شرایطی که توسعه فضای سبز مستلزم صرف هزینه‌های بسیار سنگین و زمانی طولانی است، متاسفانه در چند سال اخیر به سبب بالا بودن ارزش زمین‌های محدوده قصردشت، عده‌ای افراد سودجو در موارد متعددی اقدام به آتش زدن عمدی باغ‌ها و سپس تغییر کاربری زمین‌های آن و انجام ساخت و ساز می‌کنند.

او با یادآوری این مطلب که باغ‌های قصردشت شیراز جزو سرمایه‌های ملی محسوب می‌شوند، گفت: این باغ‌ها جزو هویت و میراث طبیعی شهر شیراز به شمار می‌آیند اما شاهد روند تخریب آن‌ها هستیم و ضروری است برای حفظ این باغ‌های ارزشمند تدابیر خاصی در نظر گرفته شود.

مدیرکل حفاظت محیط‌زیست فارس با تأکید بر این مطلب که باغ‌های قصردشت باید حفظ شود، افزود: نباید به تاثیرات سوءنابودی این باغ‌ها بی‌توجه بود و متاسفانه با وجود پیگیری‌های مکرر دوستداران محیط‌زیست و اداره‌های ذی‌ربط به ویژه محیط‌زیست فارس، کماکان این تخریب صورت می‌گیرد.

او اضافه کرد: باید با برنامه‌ریزی‌های مناسب، تمام نهادها و سازمان‌های مربوط به حفظ این باغ‌ها همت گمارند و به نگرانی‌های موجود در زمینه تخریب آن‌ها پایان دهند.

ابراهیمی کارنامی از استاندار فارس درخواست کرد تا به عنوان بالاترین مقام اجرایی استان دستور قانونی در مورد برخورد با خاطیان نابودی فضای سبز و باغ‌های قصردشت و حفظ این ذخایر ارزشمند ملی و استانی را صادر کند.

علیرضا پاک‌فطرت شهردار شیراز هم با اشاره به این مطلب که آینده شهرها در گرو مسائل محیط‌زیست است و باید به این مقوله اهمیت بیشتری داده شود، گفت: با توجه به این که باغ‌های قصردشت از مرغوبیت ویژه‌ای برخوردار است، بنابراین عده‌ای در قالب سرمایه‌گذار در صدد ایجاد فشار به شهرداری برای سرمایه‌گذاری خود در محدوده باغ‌های قصردشت هستند که شهرداری شیراز نیز در مقابل این افراد به اصطلاح سرمایه‌گذار مقاومت کرده و به آنان اجازه تخریب باغ‌ها در جهت اجرای پروژه‌های خود را نداده است.

او با یادآوری این مطلب که شهرداری شیراز به این گونه از سرمایه‌گذاران فضاهای متفاوتی را در دل شهر برای اجرای پروژه‌ها معرفی کرده است، گفت: این اماکن که در مناطق مختلف شیراز وجود دارد، از امکانات زیربنایی خوبی برخوردار است و سرمایه‌گذاران به خوبی می‌توانند پروژه‌های تعریف شده خود را در آن مناطق اجرا کنند.

پاک‌فطرت با تأکید بر این مطلب که شهرداری شیراز بر حفظ باغ‌های شیراز به عنوان هویت این شهر اصرار دارد و آن را جزو فرهنگ این شهر می‌داند، افزود: باید یادآور شد در حال حاضر روند تخریب باغ‌ها کند شده است اما متاسفانه هنوز افرادی هستند که با استفاده از قانون و رأی دیوان عدالت به شهرداری برای صدور مجوز ساخت و ساز در باغ‌های شیراز فشار می‌آورند.

شهردار شیراز در بخش دیگری از سخنان خود با یادآوری این مطلب که شهرداری شیراز در راستای وظایف خود به منظور حفظ باغ‌های شیراز، اقدام به خرید ۲۰۰ هکتار از این باغ‌ها در طول ۱۰ سال گذشته کرده است، گفت: نیاز است مسئولان ارشد استان فارس در کمیسیون ماده ۵ از صدور مجوز برای تغییر کاربری باغ‌های قصردشت جلوگیری کنند.

پاک‌فطرت همچنین از مسئولان قضایی استان خواست با مسببین تخریب باغ‌های شیراز که توسط شهرداری در مراجع قضایی از آنان شکایت می‌شود برخورد جدی‌تری داشته باشند.

او در پایان تأکید کرد: البته این نکته باید یادآوری شود که نگهداری این باغ‌ها برای صاحبان آنان مقرون به صرفه نیست که در این راستا نیز شهرداری شیراز با ارائه کود، حفر چاه آب و اجرای خطوط آبرسانی به صورت رایگان سعی در حمایت مالکان باغ‌ها در جهت حفظ آن کرده است.

ساخت ۳۰هزار متر مربع فضای آموزشی توسط خیرین در دانشگاه کاشان

کاشان – خبرنگار اطلاعات: رئیس دانشگاه کاشان گفت: حدود ۳۰ هزار مترمربع فضای آموزشی و کمک آموزشی توسط خیرین در این دانشگاه درحال ساخت است.

دکتر عباس کتابی افزود: تکمیل و بهره‌برداری از این پروژه‌ها ۳۰ میلیارد ریال نیاز به سرمایه‌گذاری دارد.

وی، یکی از ویژگی‌های دانشگاه کاشان را ارتباط مستمر با خیرین ذکر کرد و افزود: با راه اندازی ستاد توسعه دانشگاه کاشان حضور خیرین را در حوزه‌های مختلف کالبدی، رفاهی این دانشگاه شاهد هستیم.

او، از افتتاح دو طرح آموزشی خیرساز در بهمن امسال در این دانشگاه خبر داد و یاد آور شد: مجموعه ورزشی لاجوردی و ساختمان مرحوم پروفسور ارشدی از جمله این طرح‌ها است که به بهره‌برداری می‌رسد.

رئیس دانشگاه کاشان افزود: مجموعه ورزشی لاجوردی در مساحت ۱۳۰۰ متر مربع در واحد خواهران این دانشگاه ساخته شده است.

به گفته وی، برای ساخت این مجموعه ورزشی حدود ۷ میلیارد ریال اعتبار به صورت مشارکتی از محل اعتبارات دولتی دانشگاه و خیرین هزینه شده است.

وی، مجموعه پژوهشی مرحوم پروفسور ارشدی را نیز از دیگر طرح‌ها برشمرد و گفت: این طرح نیز با زیربنای ۲۷۰۰ مترمربع با صرف هزینه‌ای حدود ۱۵ میلیارد ریال به بهره‌برداری می‌رسد.

دکتر کتابی اضافه کرد: این مجموعه پژوهشی به عنوان فضای کاربردی استادان و دانشجویان تحصیلات تکمیلی قابل استفاده خواهد بود.

وی، سنت وقف را به عنوان یک سنت ماندگار در پیشرفت‌های علمی، فرهنگی، اجتماعی و حتی سیاسی حایز اهمیت دانست و افزود: بیش از ۱۰۰ دانشگاه در دنیا منبع مالی آنها از طریق وقف تامین می‌شود.

رئیس دانشگاه کاشان از برگزاری همایش وقف با تاکید بر آموزش عالی در این دانشگاه خبر داد و یادآور شد: این همایش ۳ اسفند امسال در این دانشگاه برگزار می‌شود.

همایش لطافت قرآن در هندیجان

هندیجان– خبرنگار اطلاعات: همایش لطافت قرآن با هدف درک بهتر و معنای درست از تلاوت آیات قرآن در هندیجان برگزار شد.

در این همایش که جمعی از بسیجیان و نماینده ولی فقیه در سپاه هندیجان حضور داشتند، در مورد قیامت و قرآن و وهابیت در کشورهای عربی سخنرانی شد.

برتری بنیاد شهید استان کرمان در رفع مشکلات ایثارگران

کرمان ـ خبرنگار اطلاعات: استان کرمان ۹۱ نخبه ایثارگر دارد.

مدیرکل بنیاد شهید و امور ایثارگران استان کرمان در دیدار با اعضای کانون دفاع مقدس و پایداری استان گفت: ۱۰ درصد دانشجویان نخبه کشور ایثارگران و فرزندان آنها هستند و این در حالی است که جمعیت آنها ۳ درصد جمعیت دانشجویان کل کشور است.

محمدرضا حسنی سعدی، افزود: استان کرمان ۶۵۴۴ شهید تقدیم انقلاب اسلامی کرده است و ۱۸ هزار و ۳۰۰ جانباز و ۱۲۸۴ آزاده دارد.

وی با اشاره به فعالیت‌های فرهنگی بنیاد شهید و امور ایثارگران در نیمه نخست امسال، گفت: در این مدت زمینه شرکت ۱۹ هزار و ۵۲۷ نفر در برنامه‌های قرآنی فراهم شده و ۳۶۶۵ نفر به سفرهای زیارتی و سیاحتی اعزام شدند.

وی شرکت ۱۰۶۷ نفر در برنامه‌های کانون فرهنگی شاهد، ساخت مستندهای متعدد، فعالیت ۹۳ نفر در بخش‌های هنری، اعزام ۱۰۹۹ نفر به حج تمتع و عمره، شرکت ۵۴۲ نفر در مسابقات ورزشی کشوری و ۱۱۱۴ نفر در مسابقات ورزشی استانی را از دیگر فعالیت‌های فرهنگی بنیاد شهید در نیمه نخست امسال اعلام کرد و گفت: ۳۰ نفر از دانش‌آموزان زیر پوشش بنیاد شهید نیز امسال در همایش ملی استعدادهای درخشان حضور یافتند.

به گفته مدیرکل بنیاد شهید و امور ایثارگران استان کرمان شمار دانشجویان شاهد و ایثارگر استان ۵۵۳۸ نفر است که ۵۰ موسسه آموزشی و دانشگاه مشغول به تحصیل هستند.

وی افزود: بنیاد شهید استان کرمان در ساماندهی و مناسب‌سازی گلزارهای شهدا و رفع مشکلات ایثارگران رتبه برتر کشوری را دارد.

ارسال سالانه ۳۴ هزار واحد پلاسمای خون از استان کرمان به آلمان

*استان کرمان سالانه ۳۴ تا ۳۵ هزار واحد پلاسما برای فرآوری به کشور آلمان ارسال می‌کند.

مدیرکل انتقال خون استان کرمان با اعلام این خبر گفت: با توجه به نبود صنعت فرآوری پلاسما، فاکتور۸و۹ این فرآورده در خارج از کشور فرآوری می‌شود.

محمدرضا مهدی‌زاده وظیفه اصلی سازمان انتقال خون را تأمین خون سالم برای بیماران دانست و افزود: استان کرمان در این بخش به جایگاه برتر کشور رسیده است.وی با اشاره به رشد ۶۵ درصدی خون دهی در استان کرمان، اعلام کرد. سال ۸۳، میزان خون دهی در کرمان ۴۴ هزار واحد بود که پارسال به ۷۴ هزار واحد رسید.

وی افزود: اهدای مستمر خون نیز در سال ۸۳ معادل۳۳ درصد بود که پارسال به ۷۴ هزار واحد رسید.

وی افزود: اهدای مستمر خون نیز در سال ۸۳ معادل۳۳درصد بود که پارسال به ۵۲/۵ درصد رسید.

مهدی زاده همچنین از افزایش ۱۰ درصدی خون‌دهی در استان کرمان در ۹ ماه گذشته نسبت به مدت مشابه پارسال خبر داد و گفت: مصرف فرآورده‌های خونی نیز در استان افزایش یافته است.

مدیرکل انتقال خون استان کرمان شمار بالای بیماران تالاسمی و نیز جراحی‌های باز را از دلایل عمده افزایش مصرف خون اعلام کرد و گفت: استان دارای ۱۲۰۰ بیمار تالاسمی است که هر بیمار ماهانه به یک تا دو واحد خون نیاز دارد. وی افزود: در جراحی‌های باز و به ویژه پیوند کبد نیز که اخیراً در استان زیاد انجام می‌شود، ۵۰ تا ۶۰ و در برخی موارد ۱۰۰ واحد خون مورد نیاز است.

مهدی‌زاده با تاکید بر این که استان کرمان پاسخگوی ۹۵درصد از نیازهای فرآورده‌های خونی است، یادآور شد: سالانه ۳۵۰۰ واحد خون از استان کرمان به استان‌های سیستان و بلوچستان و هرمزگان ارسال می‌شود.

یکپارچه‌سازی داده‌های الکترونیک شهرداری قزوین

قزوین ـ خبرنگاراطلاعات: مدیرعامل سازمان آمار و فناوری اطلاعات شهرداری قزوین گفت : درراستای یکپارچه‌سازی داده‌های الکترونیکی راه‌اندازی مرکز داده در سال جاری از اقدامات مهم این شهرداری بوده است.

محسن اسفندیاری درهمایش تخصصی دیتا سنتر و مجازی سازی که با حضورمدیران ارشد استان قزوین برگزارشد، با اشاره به اینکه اجرای این پروژه از اوایل امسال آغاز شد و مهر به بهره‌برداری رسید، افزود: مجموعه شهرداری قزوین با راه‌اندازی مرکز داده ، تمام نرم افزارها و سرورها (رایانه‌های مرکزی) را تجمیع و ذخیره سازی کرده است تا در صورت نیاز گزارش گیری ازاطلاعات و مدیریت آنها به آسانی انجام شود.

وی با اشاره به مزایای این مرکزافزود: با تجمیع سرورها در این سازمان می‌توان در صورتی که یکی از آنها با مشکل مواجه شد بدون اینکه خللی در روند کارها ایجاد شود، دیگری را جایگزین آن کرد.

اسفندیاری اضافه کرد: این مرکز دارای فضای ذخیره سازی اطلاعات سیستم‌های امنیتی اعلام آتش سو زی و خاموش کردن آن نیزاست.

مدیرعامل سازمان آمار و فناوری اطلاعات شهرداری قزوین برگزاری این نوع همایش‌ها راباعث ارتقای سطح علمی دستگاه‌های اجرایی دانست که استفاده از تکنولوژی روز باید درآن تداوم پیدا کند.

شبکه ملی عدالت درقوه قضائیه ایجاد می‌شود

* رئیس کل دادگستری استان قزوین ایجاد شبکه ملی عدالت را به عنوان یکی از دغدغه‌های قوه قضائیه اعلام کرد.

جمال انصاری باشاره به دیدگاه قوه قضائیه درراستای تبدیل شدن دادگستری‌ها و سازمان‌های تابعه از لحاظ الکترونیکی به یک سازمان هوشمند، افزود: برای رسیدن به یک سازمان هوشمندباید اطلاعات افراد و پرونده‌ها ضمن حفظ اصول محرمانه آن به صورت مکانیزه وارد سیستم شود و دراستفاده از سیستم‌های سنتی جلوگیری به عمل آید.

وی از چرخه اداری در قوه قضائیه در خصوص خدمات الکترونیکی به عنوان خدماتی یادکرد که سبب سرعت در انجام امور می شود. او با اشاره به شبکه مکانیزه قوه قضائیه اضافه کرد: این شبکه در حال حاضر ۹۰۰ نقطه را زیر پوشش قرار داده است و برای توسعه پوشش این شبکه موانعی وجود دارد که بایددرصدد رفع آنها برآییم.

انصاری باتاکید بر لزوم شفاف سازی خدمات جاری افزود : افراد برای دریافت خدمات از سازمان‌های قضایی دچار مشکلاتی هستند که باشفاف سازی خدمات مکانیزه و کاسته شدن از مشکلات مردم میزان رضایتمندی افراد ارتقا پیدا خواهد کرد.

استفاده از بخاری نفتی در ۴۴ درصد مدارس آذربایجان شرقی

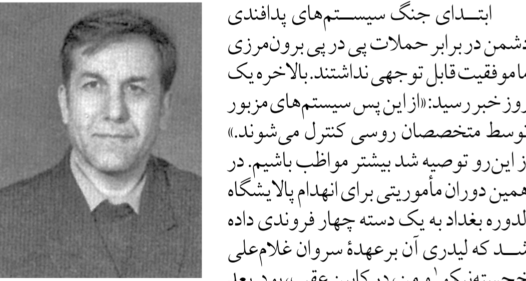
تبریز ـ خبرنگار اطلاعات: ۴۴ درصد مدارس آذربایجان شرقی برای گرمایش از بخاری نفتی استفاده می‌کنند.

به گفته مدیرکل نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس آذربایجان شرقی بیشتر این مدارس در مناطق روستایی فعال هستند. وی با اشاره به این که برای تجهیز تمام فضاهای آموزشی شهری و روستایی استان به سیستم حرارت مرکزی ۲۲۰میلیارد ریال اعتبار نیاز است، افزود: امسال یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون ریال اعتبار از محل اعتبارات ملی به این منظور اختصاص یافت که این اعتبار هم صرف خرید بخاری‌های نفتی شد.علی آذرنژاد یادآور شد: اعتبار پیش‌بینی شده برای بازسازی، مقاوم‌سازی، تجهیز و هوشمندسازی مدارس استان امسال ۲۲۰ میلیارد ریال از محل اعتبارات استانی و ۴۴۰ میلیارد ریال از محل اعتبارات ملی است که با وجود گذشت ۹ماه از سال فقط ۲۵ درصد این اعتبارات اختصاص یافته است.

وی، با اشاره به این که ۱۸۲ مدرسه بر اثر زلزله ارسباران آسیب جزیی دید، گفت: این واحدهای آموزشی مقاوم‌سازی شده‌اند و هم اینک قابل استفاده هستند.

مدیرکل نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس آذربایجان شرقی افزود: ۳۲ مدرسه در مناطق زلزله‌زده با کمک نیکوکاران و با استفاده از اعتبارات مشارکتی در دست بازسازی است.

اشتباه شیرین



* سرهنگ بازنشسته «محمدرضا خالقی»

ابتـدای جنگ سیسـتم‌های پدافندی دشمن در برابر حملات پی در پی برون‌مرزی ماموفقیت قابل توجهی نداشتند. بالاخره یک روز خبر رسید: «از این پس سیستم‌های مزبور توسط متخصصان روسی کنترل می‌شوند.» از این‌رو توصیه شد بیشتر مواظب باشیم. در همین دوران مأموریتی برای انهدام پالایشگاه الدوره بغداد به یک دسته چهار فروندی داده شـد که لیدری آن برعهدهٔ سروان غلامعلی خجسته‌نیکو[1] و من، در کابین عقب، بود. بعد از بلند شـدن، متوجه نقص در دسـتگاه ناوبری «INS»[2] شـدیم. بـا توجه تجربـه قبلی و طی کردن این مسـیر در مأموریت‌های گذشته، تصمیم گرفتیم با استفاده از تکنیک نقشه‌خوانی و تطبیق آن با زمین لیدری این مأموریت را ادامه دهیم.

برابر برنامهٔ زمان‌بندی شـده، روی تأسیسـاتی رسیدیم که خیلی شبیه به تأسیسـات نفتی بود. طبق طرح از دسـته پروازی جدا شدیم و بمب‌ها را روی هدف ریختیم. لحظاتی بعد متوجه شدیم کمی دورتر تأسیسات نفتی با مخازن بزرگ در مقابلمان قرار دارد. فوراً به سـه فروند دیگر اطلاع دادیم که از هدف قرار دادن تأسیسات بمباران شده، انصراف و در ادامهٔ مسیر به هدف اصلی حمله کنند. خوشبختانه سه فروند دیگر پالایشگاه الدوره را به خوبی هدف قرار دادند و خسارت سنگینی به آن وارد کردند. گرچه آتش پدافند منطقه خیلی شدید بود، اما با عنایات الهی سالم به پایگاه برگشتیم و فرود آمدیم.

از ایـن که اشـتباه کـرده و هدف اصلی را نزده بودیـم، با خودمان کلنجار می‌رفتیم و خیلی ناراحت بودیم. طبق معمول آن زمان، شب نشستیم پای خبر رادیو بی‌بی‌سی ببینیم از اوضاع و احوال جنگ چه می‌گوید که شنیدیم: «امروز دو مجموعهٔ تأسیسـاتی شامل مجتمع پتروشیمی در حال ساخت و تأسیسات پالایشگاه الدوره بغداد مورد حمله هوایی جنگنده‌های نیروی هوایی ایران قرار گرفتند و خسارات سنگینی به آن‌ها وارد آمد.»

از این که فهمیدیم به اشتباه تأسیسات مهم پتروشیمی را هم زده‌ایم، خیلی خوشحال شدیم و آن شب خواب راحتی کردیم.

ماموریت بمب های شلیک نشده

و امـا خاطـره بعد: آبان ۱۳٦٥ مأموریتی برای انهدام تأسیسـات و مخازن سـوخت دشـمن در منطقهٔ جلولا، حدود ۳۰ مایلی شرق بغداد از ستاد نهاجا، ابلاغ شد. همچنین خواستند همهٔ مراحل اجرای عملیات را با دوربین‌های نصب شده زیر بدنه و جلوی هواپیما ضبط کنیم، تا برای نخستین بار یک کار مستند از حملهٔ هوایی از تلویزیون برای ملت پخش شود. من و ستوان‌یکم ابوالفضل باقرپناهی، کابین عقب، برای مأموریت انتخاب شـدیم. بعد از مقدمات کار، به پرواز درآمدیم و برای جلوگیری از کشف توسط رادارهای دشمن، با ارتفاع ۱٥۰ پا وارد خاک عراق شـدیم. دقایقی بعد روی هدف بودیم. بمب‌ها را دو تا دو تا روی تأسیسات ریختیم و آتشی دیدنی برپا کردیم. متأسفانه به‌رغم چندبار فشردن دکمه مربوطه، دو تیر بمب آخر رها نشد و روی مقر ماند. طبق دستورالعمل، چون هر آن احتمال رها شدن بمب‌ها وجود داشت، نباید از روی مناطق مسکونی و حساس رد می‌شدیم. بدتر از این، خطر افتادن بمب‌ها موقع نشستن بود که افکار ما را آزار می‌داد. هنوز چند مایل از هدف دور نشـده بودیم که عبور یک سـتون پیاده ـ زرهی دشـمن با طول ۱۰۰ متر توجه‌ام را جلب کرد. از پشـت سـتون به سـمت آن حمله‌ور شـدم، ابتدا با مسلسل شش‌لول فانتوم به سوی آن‌ها شلیک کردم. همچنین تصمیم گرفتم در موقعیت مناسب، یک بار دیگر زدن دو بمب را امتحان کنم. خوشبختانه موفق شدم با پرتاب بمب‌ها تلفات و خسارات سنگینی به ستون وارد و خود را از آن دغدغه خاطر رها کنم.

بعد از نشستن و بازبینی متوجه شدیم دو بمب باقیمانده دقیقاً وسط ستون نظامی فرود آمده و نفرات و تجهیزات را تار و مار کرده بود. ظاهراً این دو، سهم آن‌ها بود و ما از آن بی‌خبر بودیم! این فیلم دو هفتهٔ متوالی از برنامه ارتش شبکه یک سیما در آن زمان پخش شد و مرهمی بود بر دل سوختهٔ آنان که از حملات وحشیانه ایادی صدام آزرده‌خاطر شده بودند.

پی‌نویس ها:

۱. غلامعلی خجسته‌نیکو یکم آبان ۱۳٥۹ در شمال غرب رادار سوباشی همدان دچار سانحه شدو همراه کابین عقب خود، ستوان ابراهیم حسنی، جان به جان‌آفرین تسلیم کردند و به خیل شهدای دفاع مقدس پیوستند. روحشان شاد.

۲. سـامانه (Inertial Navigation System (INS قابلیت نمایش سـمت، فاصله و موقعیت نقاطی را که به آن داده می‌شود با دقت قابل قبولی دارد. از مزایای این دستگاه ناوبری، عدم وجود هرگونه تشعشع است. بنابراین دشمن نمی‌تواند از آن در کشف هواپیماها استفاده کند. البته این دستگاه امکانات و قابلیت‌های گسترده دیگری نیز دارد.

* برگرفته از کتاب «ستاره های نبردهوایی»

عملیات «کربلای ۴» مقدمه‌ای برای انهدام ماشین جنگی دشمن



بخشی از منطقه عملیاتی کربلای ۴

سوم دی، یادآور آغاز «عملیات کربلای ٤» در دی ۱۳٦٥ است.

براساس راهبرد نظامی ارائه شده از سوی سـپاه پاسداران به مسئولان کشـور بـرای نیـل به پیـروزی در جنگ، باید در جبهه جنوب، جاده‌های شمالی و جنوبی بصره و نیز در جبهه شمالی، جاده‌های مواصلاتی کرکوک به بغداد قطع یا تهدید شـوند و در نتیجه، صـدور نفت عـراق به خارج کامـلا قطع و سـپس حرکت اصلی به سـمت بغداد آغاز شود. بر همین اساس، محاصره و سپس تصرف شهر بصره به عنوان هدف عملیات اصلی سپاه پاسـداران در سال ۱۳٦٥ مورد توجـه قرار گرفت که برای تحقق آن بـه کارگیری حدود ٥۰۰ گردان و آن هم از سه محور ضرورت یافت، اما به دلیل مشکلاتی چون ضعف امکانات نظامی، فقط یک محور به عنوان یگانه راه باقیمانـده جنگ در جبهه جنوب انتخاب شـد. به عبارت دیگر، پس از حـذف دو محور احاطـه‌ای (هور و فاو) منطقه شـلمچه و ابوالخصیب به منظـور انجام عملیاتـی بزرگ و سرنوشت‌ساز برگزیده شد.

اهداف عملیات: تصرف شهر بصره و تهدید جاده صفران –بصره

منطقه عملیات: منطقه عملیاتی ابوالخصیب و شلمچه دارای ارزش‌ها و ویژگی‌های مهم سیاسـی و نظامی است و می‌توان آن را مهمترین منطقه عملیاتی در جبهه جنوب دانسـت. مرکـز ایـن منطقه، نخلسـتان‌های اطراف اروندرود –حد فاصل جزیره بلجانیه تا بصره اسـت که عرض آن چهار تا پنج کیلومتر و طول آن حدود ۱٥ کیلومتر است.

زمین منطقه عملیاتی از دو جهت دارای خصوصیات مهمی است:

۱–وجـود نهرهـا و کانال‌های کشـاورزی که عمق مناسبی دارد و از آنها می‌توان برای پدافند اسـتفاده کرد.

۲– جناحین منطقه عملیاتی که از شمال به آبگرفتگی شلمچه و کانال ماهیگیری و از جنوب به «خور زبیر» و زمین‌های باتلاقی اطراف آن منتهی می‌شود و دشمن در آن قدرت پاتک ندارد.

استعداد دشمن

شمال منطقه عملیاتی در حوزه استحفاظی سپاه سوم و جنوب آن در حوزه استحفاظی سـپاه هفتم عراق قرار داشـت. «لشکر ۱۱ پیاده از سپاه سوم» و «لشکر ۱٥ پیاده از سپاه هفتم» در منطقه حضور داشتند.

در ذیل اسـامی همه یگان‌هایی که قبل و هنـگام عملیات در منطقه حضور یافتند، آورده شده است:

الف – یگان‌های پیاده: تیپ‌های ۱۹، ۲۲، ۱۰٤، ۱۱۱، ۸۰۲ ، ۸۰٥، ۱۰۷، ۱۰۲، ۷۰۲، ٤۲۰، ٤۲۱، ٤۲۹، ٤٥، ۱۱۲، ٤۷، ۲۳، ۲۳۸، ٤۳٦، ۸۰۲، ٥۰۱، ٤۰۲، ۱۱۷ و ۲۸

ب– یگان‌های زرهی: تیپ‌های ۱٦، ۳۰ و یک گردان مستقل

ج –یگان‌های مکانیزه: تیپ‌های ۲٥ و ۸

د– گارد ریاسـت جمهوری: تیپ‌های ۲ و ٤ از «لشکر ۱ کماندویـی» و تیپ‌هـای ۷ و ۸ از «لشکر ۲ پیاده».

ه –نیروی مخصوص: تیپ‌های ٦٦ و ٦۸

و – کماندو: «تیپ ٤ کماندویی» سـتادکل و «گـردان کماندویـی لشکر۲٦»

ز– جیش الشـعبی: «قاطع ٥۸ المثنی»

قوای خودی: هدایت فرماندهی عملیات بر عهده «قـرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیاء(ص)» سپاه پاسداران بود و چهـار قرارگاه عملیاتی نیز اجرای آن را بر عهده داشتند.

«قـرارگاه نجـف» هدایـت نیروهای زیر را به عهده داشت:

لشـکر ۱۹ فجـر، لشـکر ٥ نصر، لشـکر ۱۷ علی‌ابن‌ابیطالـب(ع)، لشـکر ۱٥٥ ویـژه شـهدا، تیپ ۲۱ امـام رضا(ع)، تیـپ ٥۷ حضرت اباالفضل(ع)، تیپ ۱۲ حضرت قائم(ع)، ٤ گردان توپخانه.

«قـرارگاه قـدس» هدایـت نیروهـای زیـر را به عهده داشـت: لشـکر ۲٥ کربلا، لشکر ٤۱ ثارالله(ع)، لشکر ۱۰ سیدالشهدا(ع)، چهار گردان توپخانه قرارگاه کربلا.

لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله(ص)، لشـکر ۱٤ امـام حسین(ع)، لشـکر ۸ نجف اشـرف و لشـکر ۳۱ عاشورا، تیپ ٤٤ قمربنی هاشـم(ع)، لشکر ۳۲ انصـار الحسـین(ع) و چهـار گردان توپخانه.

قرارگاه نـوح هدایت نیروهای زیر را به عهده داشت:

لشـکر ۷ ولی‌عصر(عج)، تیپ ۳۳ المهدی(عج)، تیپ ۱۸ الغدیر، ناوتیپ امیرالمومنیـن(ع)، ٤ گـردان و یـک آتشبار توپخانه.

همچنین دو تیپ توپخانه تحت امر قـرارگاه مرکزی بودند: تیپ ٦۳ خاتم الانبیاء(ص) با چهار گردان و دو آتشـبار و تیپ ۱٥ خرداد با ٤ گردان و دو آتشبار.

ضمنـا از مجمـوع ۳٥۲ گردان مورد نیاز، حـدود ۲٥۰ گردان آماده شد که یگان‌های عمل کننده هر یک بین هفت ۷ تا ۲٤ گردان را سازماندهی کردند و در خود جای دادند.

طرح عملیات

چهـار منطقـه شـلمچه، ابوالخصیـب، مقابـل ام‌الرصاص و جزیره مینو –به این دلیل که به لحاظ مانور، آتش، عقبه و پشـتیبانی به هم وابسته‌اند –برای انجام این عملیات بزرگ انتخاب شد. بر همین اساس، هر یک از چهار منطقه فوق به عنوان خط حد یک قرارگاه عملیاتی تعیین شد:

– قرارگاه نجف: از شـمال پنج ضلعـی شـلمچه تا جزایـر بوارین و ام‌الطویلـه پیشـروی در محـور شلمچه.

– قرارگاه قدس: انجام حرکت اصلـی عملیـات بـا عبـور از تنگه ام‌الرصاص –بوارین و پیشـروی در محور پتروشیمی و ابوالخصیب.

– قرارگاه کربلا: مقابله با پاتک دشـمن از مقابل جزیره ام الرصاص، تامین کل منطقه و پیشـروی تا جاده دوم و سوم.

–قرارگاه نوح: تامین جناح چپ و پیشروی در مقابل جزیره مینو.

همچنیـن، یگان‌های تحت امر این قرارگاه‌ها می‌بایسـت در شـش مرحله بـه اهداف نهایـی خود –از شـمال به تنومه و از جنوب به پشت کانال بصره –برسند.

شرح عملیات

عملیات می‌بایسـت در ساعت ۲۲ و ۳۰ دقیقه سوم دی ۱۳٦٥ آغاز می‌شـد. به همین خاطر غواص‌های خودی سـاعاتی قبل بـه درون آب رفتند و به سمت خط دشمن حرکت کردند.

در این میان، نیروهای دشـمن کـه کاملا آمـاده و هوشـیار بودند، ضمن پرتاب منور، با تیربار و خمپاره به طـرف نیروهای خودی شـلیک می‌کردند.

در مجمـوع، عملیـات خارج از کنتـرل و هدایـت فرماندهی قرار گرفتـه بـود و قبل از هر دسـتوری یگان‌هـا بـا توجـه به نـوع وضع و هوشـیاری و واکنـش دشـمن بـه محض رسـیدن به ساحل، درگیری را آغـاز می‌کردند. در این حال، رمز عملیات (یا محمد) حدود سـاعت ۲۲ و ٤٥ دقیقه اعلام شد و نیروهای عمل کننده فقط توانسـتند در جزایر سهیل، قطعه، ام‌الرصاص، ام‌البابی و بلجانیه نفوذ کنند و در بعضی مناطق نیز به صورت موضعی رخنه کنند.

در مقابـل، نیروهـای دشـمن بـا پرتاب پی در پی منـور و اجرای چنـد مورد بمباران کنار نهر عرایض (عقبـه برخی از یگان‌ها) و همچنین اجـرای آتش مؤثـر روی رودخانه اروند، عملا سـازمان غواص‌ها و نیز نیروهای موج دوم و سـوم را به هم زد. به طوری که نیروهای یگان‌های مجاور بعضا پراکنده شـدند و اغلب نمی‌توانستند روی هدف عمل کنند.

یکـی از مناطـق حسـاس عملیات، جزیـره ام‌الرصاص و نوک «بواریـن» بـود کـه به رغـم تلاش بسـیاری که برای تصـرف آن انجام شد، به خاطر هوشیاری دشمن امکان ادامه درگیری از میان رفت.

دشمن با شلیک پرحجم تیربار روی آب، از عبـور نیروهـا از تنگه ام‌الرصاص –بوارین جلوگیری کرد. مضافا به این که به خاطر حساسـیتی که دشـمن نسـبت بـه ام الرصاص داشـت، در پدافنـد آن از ۹ رده مانع طبیعـی و مصنوعی بهـره می‌برد، به طـوری که هـرگاه از هر خط عقب رانده می‌شد، در خط بعدی که نسبت به خط قبلی اشراف و تسلط داشت، مقاومت می‌کرد.

در این حال، با توجه به هوشیاری دشـمن، امکان ادامه عملیات میسر نبود، لذا به منظور حفظ قوا و طراحی مجدد عملیـات آتـی، از ادامه نبرد اجتناب شد.

در ایـن عملیـات، ۹۸٥ تن از نیروهای خودی شـهید و ۸۰۷۱ تن مجروح شدند.

میزان تلفات و ضایعات وارده بر دشمن به شرح ذیل بوده است:

حدود ۸۰۰۰ کشته و زخمی.

حدود ٦۰ اسیر.

انهدام حدود ۷۰ دستگاه زرهی، مکانیزه و خودرو.

انهدام تعداد زیادی سلاح سبک و نیمه سنگین.

گنجینه حماسه

یـک روز که رفته بود نانوایـی، بچه‌های بهداری آمده بودند دنبالش، فهمیدم که اسـتعفا داده. مسـئولان بهداری می‌گفتند که خانم، فقط این گره به دسـت شما باز می‌شود. ما به ایشان نیاز شدیدی داریم. کاری کنید تا برگردند. من هم پایم را در یک کفش کردم که یا طلاق یا سپاه. شعبانعلی هم راضی شد و برگشت...

***

بیسـت و شش سال از رفتن مردی می‌گذرد که به گفته همسـرش هنوز مردی را نظیـر او در زندگی‌اش ندیده است و باور دارد که این یک شعار نیست.

در سالروز شهادت «شـعبانعلی نژادفلاح» معاون بهداری «لشـکر ۱۰ سیدالشـهدا(ع)» ایسنا با «خورشید اسـماعیلی» همسر این شـهید به گفتگو نشسته است. مشروح این گفتگو را می خوانیم:

ماجرای استعفا

گفتم اگر برنگردی، طلاق می‌گیرم. من همسر یک مرد سـپاهی شـدم، نباید استعفا بدهی. آنقدر تهدیدش کردم و با هم جر و بحث کردیم تا بالاخره راضی شـد برگردد.

ماجرای استعفادادنش هم به همان روزی برمی‌گردد که مقام معظم رهبری که آن زمان رئیس جمهوری بودند، به خانه پدر ایشان سر زدند. اینها شش برادر بودند که سه نفر از آنها شربت شهادت نوشیدند. مقام معظم رهبری در این ملاقات گفتند که دیگر کسی از این برادرها نباید به جبهه برود، این خانواده سه شهید داده است. بعد از این اتفاق، شعبانعلی از سپاه استعفا داد و به خانه برگشت. من تعجب کرده بودم که چرا آن موقع از روز به خانه آمده. هر چه می‌پرسیدم جواب درست و حسابی نمی‌داد.

می‌گفـت اومدم مرخصی. من هم باورم نمی‌شـد چـون امکان نداشـت حتی مرخصی سـاعتی بگیرد. بالاخره یک روز که رفته بود نانوایی و بچه‌های بهداری آمده بودند دنبالش؛ ماجرا را پیگیری کردم و فهمیدم که استعفا داده است.

مسـئولان بهداری می گفتند خانم فقط این گره به دسـت شما باز می‌شود. ما به ایشان نیاز شدیدی داریم، کاری کنید تا برگردد. من هم پایم را دریک کفش کردم که یا طلاق یا سپاه؛ شعبانعلی هم راضی شد و برگشت.

برخورد اجتماعی قوی‌ای داشت. گاه شک می‌کردم که او روسـتازاده‌ای ساده باشد. همه چیز حساب شده بود. به حجاب در مقابل نامحرم اهمیت زیادی می‌داد اما از آن طرف هم می‌گفت: «زن باید بهترین آرایش و زیور را در خانه داشته باشد و به خودش برسد.» آرام و صبور بود.

یـادم نمی‌آیـد فرزندانمـان را با ایـن که خیلی پسربچه‌های بازیگوشـی بودنـد، دعوا کرده باشـد. می‌گفت: «مـرد باید در خانه متواضع و نرم‌خو باشـد». می‌گفتـم: «تو اصلا جذبه و قاطعیت نداری»، می‌گفت: «جذبه مرا بیا در بهداری ببین! خانه که جای این حرف‌ها نیست.

وقتی مرد می‌خواهد به خانه بیاید باید خستگی‌ها و تندی‌ها و سـخت‌گیری‌هایش را بیرون بتکاند بعد به خانه بیاید.»

جمعه‌های اختصاصی

از وقتـش نهایت اسـتفاده را می‌بـرد.. دوره‌های پزشـکی را دیده بود اگرچـه مدرکش را نگرفت. دوره خلبانی، آموزش زبان انگلیسـی، تحصیل در دانشـگاه تهران در رشته مدیریت.

اینها بخشی از فعالیت‌هایش در کنار جنگ با دشمن بود با آن همه مسئولیتی که داشت.

جمعه‌هایـش را هم اختصاص مـی‌داد به خانواده و تفریـح و گـردش، البته اگـر در جبهه نبود. گاهی هم مسافرت دو روزه می‌رفتیم. دوست نداشت برای خانواده کم بگذارد برای همین جمعه‌هایش اختصاصی بود.

کارگری یا مسئول!

وقتی ازدواج کردیم، جزو اطلاعات سـپاه بود اما به خاطر مخالفت پدرش از این مسـئولیت کناره گرفت و شـد مسـئول بهداری کرج. خودش هم بیشتر به این کار علاقه داشت. می‌گفت: «توی بهداری بهتر می‌توانم خدمت کنم.» هر کاری از دستش برمی‌آمد با جان و دل انجام می‌داد. یک شب دیر کرده بود. نگران شدم و رفتم بهداری. دیدم خاک‌های ساختمان نیمه‌سازی را که قرار بود آزمایشگاه شود، توی گونی می‌ریخت و کول می‌کرد و به پشت بام می‌برد.

گفتم: «این وظیفه توست یا کارگرها؟» گفت: «مگه چه فرقی داره، کار کاره دیگه!» از دسـتور دادن خوشش نمی‌آمد حتی به کارگرها!

اگر شهید شدم، به همسرم نگوئید

خانـه که بود با هم نمـاز جماعت می‌خواندیم. به معنویات اهمیت می‌داد. طوری نماز شب می‌خواند که من حسـرت می‌خوردم. انـگار جزو نمازهای واجبش شده بود. ندیدم که ترکش کند. به حدی نمونه بود که به جرأت می‌توانم بگویم مردی را مثل او ندیدم. وابستگی عجیبی به شـعبانعلی داشتم. با محبت بود. گفته بود اگر شهید شدم به همسرم خبر ندهید. بگذارید خودش آرام آرام می‌فهمد چون طاقت ندارد. برای همین وقتی شهید شد، سـه روز پیکرش در سـردخانه کرج بود و کسـی جرأت نداشت خبرش را به من بدهد تا این که بالاخره یکی از همسایه‌ها پیشقدم شد.

آخرین عکس

یک ماه قبل از شهادتش مشهد رفته بودیم. عکسی از خودش گرفت و گفت این را وقتی شهید شدم روی اعلامیـه و مـزارم بزنید. ناراحت شـدم و با دعوا گفتم: «دیگـه از ایـن حرفا نزنـی من طاقت نـدارم.» گفت: «شهادت من نزدیکه، همه می‌گن نورانی شدی!». همان عکس شد عکس شهادتش و آخرین نامه‌ای که ۱۰ دقیقه قبل از شهادت برایم نوشته بود، همراه پیکرش برگشت و من هنوز رفتنش را باور نکرده‌ام...

زندگینامه شهید

شـعبانعلی نژادفلاح در سال ۱۳۳۷ در ساوجبلاغ متولد شد. سال ٥۷ به خدمت سپاه درآمد و در کنار تحصیل در دانشـگاه، در سمت‌هایی چون مسئول بهداری سپاه کرج، معاون بهداشت و درمان سپاه کرج، هماهنگ کننده همه گردان‌ها در لشـکر ۲۷ محمدرسول‌الله(ص)، معاون سـتاد پشـتیبانی جنگ، عضویت در شورای فرماندهی سپاه کرج و معاون بهداری لشکر ۱۰ سیدالشهدا(ع) را به دوش کشـید. وی در حالی که جانباز شیمیایی نیز شده بود، چهارم دی ۱۳٦٥ در «عملیات کربلای ٤» و هنگام وضو گرفتن، از ناحیه قلب مورد اصابت ترکش خمپاره دشمن قرار گرفت و به سه برادر شهیدش ملحق شد.

جاسوسان در برابر نبرد بزرگ

SPIES AGAINST ARMAGEDDON

■ نوشته: دان راویو ـ یوسی ملمن ■ ترجمه: مرتضی میرمطهری | ۱۱۲

«بوتون» می‌نویسد: با این حال مدارک هویتی یاد شده توسط اسرائیل‌ها در اختیار «کوهن» قرار گرفت: اشتباهی که بنا به ادعای «بوتون» سبب شد که مقامات سوری نسبت به «رالی کوهن» مشکوک شوند.

رئیس موساد «آمیت» این ادعای «بوتون» را که بی‌توجهی موساد به هشدار او به سقوط «کوهن» کمک کرده است به شدت رد کرد. اما همسر و خانواده «کوهن» اظهار داشتند که آنها با آنچه «بوتون» گفته بود هم عقیده اند. با در نظر گرفتن اینکه اسرائیلی‌ها سرمایه امنیتی با ارزشی مانند «کوهن» داشتند که در موقعیت خوبی نیز قرار داده شده بود، جای شگفتی است که در همان زمان فرد دیگری را نیز برای جاسوسی در مصر کاشته بودند: «ولفگانگ لوتز». «لوتز» در سال ۱۹۲۱ در مانهایم، آلمان متولد شده بود مادرش یک هنرپیشه یهودی و پدرش یک مسیحی بود که تئاتری را در برلین اداره می‌کرد. بعد از آنکه پدر و مادرش از هم جدا شدند و «آدولف هیتلر» به قدرت رسید، مادرش در جستجوی یک زندگی امن به عنوان یهودی، «لوتز» جوان را با خود به فلسطین برد.

«ولفگانگ» نامش را به «زیوگور ـ آریه»[41] که به زبان عبری به معنی «گرگ» است تغییر داد. «لوتز/گورآریه» در سال ۱۹۳۷ به سازمان زیر زمینی «هاگانا» ملحق شد و برای انگلیسی‌ها در جنگ دوم جهانی جنگید و به خطوط آلمانها در جبهه شمال آفریقا رخنه کرد. او به زبان‌های عربی، انگلیسی، آلمانی و عبری تسلط کامل داشت.

او به عنوان افسر در ارتش اسرائیل خدمت کرده بود و در اواخر دهه ۱۹۵۰ توسط واحد ۱۳۱ «امان» استخدام شده بود تا به عنوان مامور مخفی برای کار جاسوسی در مصر کاشته شود.

بر اساس «روایاتی» که در مورد او نقل شده است، «لوتز» یک افسر آلمانی بوده و تحت فرماندهی «رومل»[42] در صحاری شمال آفریقا جنگیده بود. بعد از پایان جنگ ظاهراً او به استرالیا مهاجرت کرده و با پرورش اسب ثروتمند می‌شود. او آرزو داشت که بتواند در مصر نیز مزرعه بزرگی برای پروش اسب درست کند. «لوتز» یکی از مامورین مخفی معدودی بود که از نام واقعی‌اش در کارش استفاده کرد و مدارک هویت‌اش نیز به همین نام و مدارکی حقیقی و اصیل بودند. با انتقال واحد ۱۳۱ از «امان» به موساد این مامور عملیاتی متولد آلمان را از سر مهربانی و محبت «ولفی» صدا می‌کردند. نام رمزی رسمی‌اش «شیمشون»[43] (سامسون) بود.

او یک سلسله آزمون‌های مشکل که در تشکیلات جاسوسی و امنیتی به «پایگاه‌ها» موسوم بود گذراند: روانشناسی، روان‌پزشکی، تحلیل دست نوشته‌ها و فنون مربوط به عملیات میدانی.

یکی از ممتحنین می‌نویسد: «لوتز/ گورآریه»، «خودپرست» بود. «نسبت به درد و تهدید آسیب‌پذیر بود.» احتمال نمی‌رفت که «قادر به تحمل مشقات باشد» و نمی‌توانست به علاقه‌اش نسبت به زنان و شراب غلبه کند؛ هر چند سایر نمراتی که به او داده شده بود، بسیار مثبت بود. از «گور/آریه» را برای انجام ماموریت در مصر پذیرفتند.

مامور مسئول او در اسرائیل «یاکوف ناهمیاس» درباره‌اش گفته بود که او «اعصاب فولادین» دارد و می‌تواند به چشمان فرشته مرگ خیره شود و از او برای نوشیدن مشروب دعوت کند و جامش را به سلامتی فرشته مرگ بلند کند.

هر چند «گور ـ آریه /لوتز» کمی از رفتن به مصر بیمناک بود. تا اندازه‌ای به این سبب که ممکن بود کسی او را به‌خاطر خدمت کردن در نیروهای انگلیسی در مصر بشناسد.

ادامه دارد

41-ZEEV GUR ARIS
42- ROMEL
43-SHIMSHON(SAMSON)

ترکیه و پیامد تنوع نقش ها در صحنه سیاست

بخش اول

سرویس خارجی: اعلام حمایت از رجب طیب اردوغان در انتخابات ریاست جمهوری ترکیه در سال ۲۰۱۴ در حالی آغاز می شود که مقامات دولتی ترکیه موضوع گذر به سیستم ریاستی یا نیمه ریاستی در این کشور را در دستور کار دارند.

انتخابات ریاست جمهوری ترکیه قرار است برای نخستین بار در سال ۲۰۱۴ توسط آرای عمومی ودر پی اصلاح قانون اساسی این کشور (در سال ۲۰۰۷) برگزار شود.

با اینکه زمان بسیاری به برگزاری این انتخابات باقی مانده است ولی برای نخستین بار «ملیح چوکچک» شهردار آنکارا در سخنانی، پشتیبانی خود را از ریاست جمهوری رجب طیب اردوغان، نخست وزیر این کشور در انتخابات سال ۲۰۱۴ اعلام و ابراز امیدواری کرد که اردوغان با ۶۰ درصد آرا به عنوان رییس جمهوری ترکیه برگزیده شود.

این در حالی است که مسئولان دولتی اعلام کردند ترکیه باید موضوع گذر به سیستم ریاستی یا نیمه ریاستی را در دستور کار خود قرار دهد.

در راستای تلاش برای ایجاد بستر مناسب برای نامزدی رجب طیب اردوغان در انتخابات ریاست جمهوری ترکیه و افزایش قدرت رییس جمهوری، طرح تغییر ساختار حکومتی ترکیه و گذر به سیستم ریاستی در حالی از سوی حزب حاکم «عدالت و توسعه» به مجلس ارائه شد که عبدالله گل، رییس جمهوری این کشور در مجلس گفته بود: من بر این باورم که تغییر ساختار سیاسی و حرکت به سوی سیستم ریاستی، کشور ما را با مشکلات بزرگی رو به رو خواهد کرد.

ناظران آگاه عقیده دارند که هدف اردوغان دستیابی به مقام ریاست جمهوری است و خود را برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری در سال ۲۰۱۴ آماده می کند و از هم اکنون درصدد است با تغییر ساختار نظام حکومتی به سیستم ریاستی، در دوران ریاست جمهوری خود از قدرت بیشتری برخوردار باشد. با گذشت زمان شکاف در دیدگاه های مقام های ارشد ترکیه و تناقض در دیدگاه های رییس جمهوری و نخست وزیر این کشور عمیق تر و آشکارتر شده است.

ترکیه هم اکنون بر اساس نظام پارلمانی مدیریت می شود و مجلس ملی این کشور در حال تدوین قانون اساسی جدیدی است. از سوی دیگر حزب حاکم در حال مقدمه چینی و برنامه ریزی برای دوره جدید است.

احزاب مخالف دیدگاه مثبتی به پیشنهاد حزب حاکم عدالت و توسعه نداشته و بر اصلاح نظام پارلمانی تاکید دارند. آنان این نظام را (نظام پارلمانی) برای ساختار سیاسی ترکیه مناسب تر می دانند.

بحث گذر به نظام ریاستی در ترکیه در حالی در این کشور مطرح می شود که کمیسیون وفاق قانون اساسی مجلس هنوز هیچ پیشرفتی در تدوین قانون اساسی جدید نداشته است.

نخست وزیر ترکیه پیش از این با اشاره به اینکه ترکیه اکنون در مرحله تهیه پیش نویس قانون اساسی جدید است، گفت: «موضوع گذر به نظام ریاستی نیز در این فرایند قابل بحث است. این

***طرح تغییر ساختار حکومتی ترکیه و گذر به سیستم ریاستی به منظور ایجاد بستر مناسب برای انتخاب اردوغان به عنوان رئیس جمهوری آتی، در حالی از سوی حزب حاکم به مجلس ترکیه ارائه شد که عبدالله گل اعلام کرد تغییر ساختار سیاسی کشور را با مشکلات بزرگی روبرو می‌کند**

بحث ها لازمه گریزناپذیر یک نظام مردم سالار است و در نتیجه این بحث هاست که روشن خواهد شد ترکیه نظام ریاستی یا نظام نیمه ریاستی را برخواهد گزید یا همچنان به نظام پارلمانی فعلی ادامه خواهد داد.» افزون بر آن « بکر بوزداغ» معاون نخست وزیر ترکیه در امور پارلمانی نیز در سمپوزیومی با عنوان «کنترل در نظام پارلمانی» که در مجلس ترکیه برگزار شد، به تفصیل در خصوص ایرادات و اشکالات نظام پارلمانی ترکیه و لزوم تجدید نظر جدی این کشور در نظام سیاسی سخن گفت.

وی گفت: «قانون اساسی فعلی ترکیه در باره استقلال قوای سه گانه مجریه، مقننه و قضائیه بحث نمی کند،بلکه از همکاری و همبستگی این قوا بحث می کند.

متاسفانه نظام کنونی اجازه کنترل موثر قوا بر یکدیگر را نمی دهد. در بین نظام های سیاسی معمول در جهان، فقط نظام ریاستی است که به معنی کامل کلمه ،امکان کنترل متقابل قوای سه گانه را فراهم می کند.»

او با ادعای اینکه حزب حاکم عدالت و توسعه معتقد به فواید تفکیک و استقلال قوای سه گانه و باز بودن راه کنترل سالم و موثر دولت است، گفت: دولت آنکارا نه تنها در پارلمان، بلکه در خارج از پارلمان نیز راه های کنترل عملکرد دولت و لزوم قانونی پاسخگویی دولت در قبال عملکرد خود را فراهم کرده است که یکی از آن اقدامات، تصویب و اجرایی کردن قانون حق کسب اطلاع شهروندان است که هر شهروند مجاز است ، راسا از دولت سئوال کند و دولت نیز خودرا موظف کرده است پاسخگو باشد.

افزون بر این ، مسیر مراجعه انفرادی به دادگاه قانون اساسی برای شهروندان نیز هموار شده است.

«بوزداغ» با اشاره به تصویب قانون تاسیس موسسه بازرسی مردمی از عملکرد دولت، گفت: این قانون دوباره برای اصلاح به مجلس ارجاع خواهد شد تا به صورت ابزار کنترلی موثری در خصوص عملکرد دولت در قبال شهروندان در آید.دولت آنکارا این قانون و قوانین مشابه را در راستای فرایند همگرایی با اتحادیه اروپا و هماهنگ سازی قوانین و هنجارهای خود با این اتحادیه تدوین و اجرایی می کند.موسسه بازرسی مردمی در واقع موسسه ای است که از حقوق شهروندان در قبال تبعات عملکرد دولت دفاع می کند، ولی هنوز از کارکرد موثر این موسسه نمی توان سخن گفت.

از طرفی بوزداغ از عملکرد دولت ترکیه برای کارکرد موثر نظام کنترل دولت سخن گفت و به کاستی ها و مشکلات کنترل موثر در نظام سیاسی ترکیه اشاره کرد و گفت که معتقد است نظام پارلمانی فعلی در ترکیه را نمی توان به مفهوم واقعی نظام پارلمانی دانست، چراکه ویژگی های نظام پارلمانی معمول در جهان را ندارد. قانون اساسی فعلی ترکیه از تفکیک قوا بحث نمی کند.

معاون پارلمانی نخست وزیر ترکیه گفت: در نظام فعلی، مردم رای می دهند، نمایندگان مجلس انتخاب می شوند و دولت نیز از بین اکثریت آرای نمایندگان مجلس انتخابی شکل می گیرد.

دولت در واقع به طور مستقیم با آرای مردم انتخاب نمی شود و از پارلمان رای اعتماد می گیرد.

رای اعتماد را نیز همان نمایندگانی می دهند که دولت را انتخاب کرده اند. حاکمیت در کمیسیون های مجلس نیز در کنترل اکثریت است.

در واقع همه مکانیزم کنترل در اختیار اکثریت است.بوزداغ گفت که در ترکیه نمی توان از تفکیک قوا بحث کرد و لذا در نظام فعلی، از کنترل موثری در عملکرد دولت توسط قوه مقننه نمی توان سخن گفت.

وی اظهارداشت: به نظر وی در بین نظام های سیاسی معمول جهان، نظام ریاستی بیش از هر نظام دیگر امکان کنترل موثر و متقابل قوای سه گانه را داراست ، چراکه در این نظام، قوای مجریه، مقننه و قضائیه به کلی از یکدیگر جدا هستند. این قوا از مکانیزم های کنترل موثر بریکدیگر برخوردار می شوند.

او تاکید کرد در فرایند تدوین پیش نویس قانون اساسی جدید باید ایرادات و اشکالات نظام پارلمانی موجود در ترکیه لحاظ شده و ترکیه نظام جدیدی را برگزینند تا راه مردم سالاری واقعی و رشد و توسعه این کشور هموار شود.

«جمیل چیچک» رییس مجلس ترکیه نیزدر این ارتباط گفت: در فرایند تدوین قانون اساسی مانعی برای به بحث گذاشتن نظام سیاسی فعلی ترکیه و گذر به نظام ریاستی وجود ندارد و اصولا وجودمجلس به همین خاطر و محل بحث نظرات نمایندگان مردم است. اظهارات مقامات ترکیه در باره تغییر نظام سیاسی این کشور با واکنش های احزاب سیاسی مخالف ترکیه روبه رو شده است.

مسئولان احزاب «جمهوریخواه خلق» و «حرکت ملی» با تکرار مخالفت های خود با تغییر نظام سیاسی ترکیه، نظام ریاستی را نظامی مناسب با ساختار سیاسی ترکیه ارزیابی نکردند. در نظام فعلی ترکیه گرچه رییس جمهوری دارای اختیارات وسیعی است، ولی عملا قدرت اجرایی در دست نخست وزیر است.

ادامه دارد

سیاست خارجی در دنیای پرتلاطم

دکتر سید محمد کاظم سجادپور

چین و سیاست بین الملل (۴)

در شماره‌های پیشین با اشاره به برگزاری کنگره هجدهم حزب کمونیست و بحث‌های داخلی و بین‌المللی، این پرسش مطرح شد که چگونه می‌توان چین در نظام جهانی را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. در پاسخ، ضمن بررسی پدیده برآمدن آرام چین در سیاست بین‌المللی به حساسیت روابط چین و آمریکا مخصوصاً در پرتو سیاست جدید ایالات متحده با عنوان تمرکز بر آسیا پرداخته شد و عناصر گوناگون این سیاست مدنظر قرار گرفت و روشن شد که آمریکا تصمیم به حضور فعال‌تری در منطقه اقیانوس آرام و حوزه‌های پیرامونی چین دارد. اگر رابطه آمریکا و چین را مهم‌ترین موضوع سیاست خارجی و رفتار بین‌المللی چین بدانیم، این پرسش مطرح می‌شود که چین به آمریکا چگونه می‌نگرد و چه سیاستی را در قبال آمریکا دنبال می‌کند؟

پاسخ به این پرسش به نحو جالب و نسبتاً مفصلی توسط دو پژوهشگر آمریکایی امور چین به نام‌های «آندرونیتان» Andrew nathan و «آندرواسکوبل» Andrew Scobell در شماره سپتامبر ـ اکتبر ۲۰۱۲ (شهریور، مهر ۱۳۹۲) مجله امور خارجی Foreign Affairs داده شده است، آنچه که از این مقاله در قالب گفتمان‌های جاری سیاست خارجی در واشنگتن می‌توان استنباط کرد، آن است که نگاه چین به آمریکا، نگاهی ترکیبی از نگرانی و عدم اطمینان از یک سو و همکاری از سوی دیگر است، امّا فراتر آنکه پکن، علیرغم برخی کلام‌های تند مقامات آمریکایی در مورد چین و اقدامات نظامی و استراتژیک آمریکا، به هیچ رو قصد درگیری و تنش با آمریکا را ندارد. در پی، عناصر تفکر استراتژیک معاصر چین در خصوص آمریکا، تشریح می‌شود.

استراتژیست‌های چینی نسبت به آمریکا، در عمق ذهنی و تحلیلی خود مشکوک و بدبین هستند. ریشه این بدبینی و حساسیت امنیتی در مجموعه و منظومه‌ای از نگرش‌ها نسبت به خود و نسبت به آمریکا قابل جستجوست. چینی‌ها خود را دفاعی، محدودیت‌گرا و اخلاقی و غرب و آمریکا را تهاجمی، توسعه‌طلب و زیاده‌خواه می‌بینند. بعلاوه رفتارهای آمریکا را مخصوصاً از نظر نظامی، علیه چین قلمداد می‌کنند. فرماندهی نظامی اقیانوس آرام آمریکا موسوم به «PACOM» در بین شش فرماندهی نظامی آمریکا در جهان بزرگترین است. مسئولیت اصلی «PACOM» حوزه چین و مناطق پیرامونی آن را در بر می‌گیرد. در «PACOM» حدود ۳۲۵ هزار پرسنل نظامی و غیرنظامی مشغول کارند. «PACOM»، ۱۸۰ ناو و ۱۹۰۰ هواپیما را در خود جای داده است.

علاوه بر حساسیت نسبت به نیروی نظامی آمریکا، چینی‌ها به مباحث مربوط به دمکراسی و حقوق بشر که توسط آمریکایی‌ها مطرح می‌شود، با دیده شک نگریسته و آنها را ابزاری برای برهم زدن ثبات داخلی چین توسط واشنگتن قلمداد می‌کنند. اظهارات مقامات کنگره آمریکا علیه چین، حساسیت پکن نسبت به نیت‌های امنیتی آمریکا را افزایش می‌دهد و در این میان، تایوان البته موضوعی حساس است، امّا همه نگرش چینی‌ها به آمریکا منحصر به حساسیت‌های امنیتی نیست. برای چینی‌ها، آمریکا بزرگترین بازار کالاهای چین و از اصلی‌ترین منابع درآمدهای شگفت‌انگیز آنهاست. دسترسی به اقتصاد آمریکا برای چینی‌ها صرفاً منحصر به واردات آمریکا از چین نبوده و آمریکا برای چین، یکی از منابع اصلی سرمایه‌گذاری، دسترسی به تکنولوژی و ظرفیت علمی است. لذا حفظ و توسعه رابطه با آمریکا، علیرغم همه فشارهای روانی و تبلیغاتی در مورد حقوق بشر، برای پکن بسیار با اهمیت و در اولویت بوده و شاید اغراق نباشد که گفته شود مهم‌ترین هدف استراتژیک چین در مناسبات خارجی، حفظ مبادلات و دسترسی‌های اقتصادی و تجاری به بازار کالا، خدمات، سرمایه و تکنولوژی آمریکاست. برآیند آنچه که ذکر شد، این است که چین به هیچ رو در پی افزایش تنش با آمریکا نیست. تردیدی نیست که چین نسبت به اهداف امنیتی آمریکا حساس و بدبین باقی خواهد ماند و این خود زمینه‌ای برای افزایش و تقویت بنیادهای نظامی و امنیتی چین خواهد شد. امّا چین به هیچ رو در پی باز کردن صفحه جنگ سرد جدیدی با آمریکا نخواهد بود. معنای این گزاره استراتژیک آن است که چین ضمن حساسیت به اظهارات و عملیات ضدچینی دولت یا بخش‌هایی از دولت آمریکا، سعی در گسترش مناسبات خود با واشنگتن خواهد داشت. مناسبات پکن ـ واشنگتن مناسبات بدون دردسری نخواهد بود، امّا از ثبات برخوردار خواهد بود. ثبات آتی این رابطه ممکن است نزدیکی بیشتر آمریکا و چین در امور بین‌المللی را به دنبال داشته باشد. و این به نوبه خود، شکل دهنده بسیاری از مناسبات در سیاست بین المللی خواهد بود. از پیوند چین و آمریکا، عده‌ای با عنوان «سران ۲»، شبیه آنچه در مورد «سران ۸ کشور صنعتی» ذکر می‌شود، نام می‌برند. سران ۸ کشور را با (G-8) مشخص می‌کنند و بر این منوال، روابط آمریکا و چین را (G-2) می‌نامند. هرچند که نزدیکی سران «G-8» به یکدیگر با نزدیکی سران «G-2» به هیچ وجه قابل مقایسه نیست، امّا می‌توان گفت که نه فقط سمت و سوی چین در سیاست بین‌الملل، بلکه شکل و ماهیت سیاست بین‌المللی در آینده، با چگونگی پیوند «G-2» یعنی رابطه آمریکا و چین، پیوند خورده است.

آمریکا، فوق سری

TOP SECRET AMERICA
THE RISE OF THE NEW AMERICAN SECURITY STATE

■ نوشته: دانا پریست ـ ویلیام.ام.آرکین ■ ترجمه: هرمز همایون‌پور | ۸۹

این که بسیاری از این تجهیزات پیشرفته را که اساساً برای استفاده در جنگ‌های خارجی بود برخی از شرکت‌ها اختراع کرده بودند، برای این شرکت‌ها امتیازی مضاعف محسوب می‌شد. البته در غالب اوقات، بخشی از مراحل تکامل این تکنولوژی‌ها با کمک یارانه‌های دولتی صورت می‌گرفت. واحدهای گزیده عملیات ویژه[۳۸۲] که وظیفه‌شان کشتن و تسخیر سرزمین‌هاست، با تحلیل‌های سریع خود به پیشرفت این تکنولوژی‌ها یاری می‌رساندند تا به سربازان اجازه اندازه‌گیری‌های زمینی دهند، سوابق کامپیوتری ثبت کنند، به شماره تلفن‌های همراه دست یابند، قادر به تشخیص سلسله مراتب در داخل القاعده و شبکه‌های شورشی شوند و به این ترتیب بتوانند هزاران ارتباط در لحظه برقرار کنند و به کماندوها امکان هجوم غافلگیرانه را ظرف مدتی کوتاه دهند. اینجا وزارت امنیت داخلی هرچه بیشتر مفتون این فکر می‌شد که با کاربرد فناوری‌های همانند، به جمع‌آوری عکس، تصویرهای ویدیویی و سایر اطلاعات شخصی درباره ساکنان آمریکا اقدام کند، با این امید که تروریست‌ها را از کار بیندازد.

خانم ناپولیتانو که در سال ۲۰۰۳ فرماندار آریزونا بود، یکی از قدرتمندترین سازمان‌های محلی اطلاعات را در خارج از نیویورک ایجاد کرد. او که اکنون به عنوان رئیس امنیت ملی، مظهر تلاش‌های تهاجمی دولت برای دستگیری تروریست‌ها و هماهنگی اطلاعات داخلی در سراسر کشور بود، می‌خواست یکایک سازمان‌های مجری قانون را در سطوح ایالتی و محلی اطلاعات را به اف‌بی‌آی و دی‌اچ‌اس[۳۸۳] تزریق کنند. او در مراسم نهمین سالگرد ۱۱ سپتامبر به حضار شهر نیویورک چنین گفت: «این جریان به مفهوم تحولی تازه در کشور ماست. به معنایی، نوعی بازگشت به زمانی است که ما به سنت دفاع مدنی و آماده باشی تأکید داشتیم که قدیمی‌تر از دغدغه‌های امروزی ما بود.»

بیانات او حیرت انگیز و موحش بود، زیرا به روشنی به دوران جنگ سرد اشاره داشت و ضمناً یادآور روزهای سیاه مک‌کارتیسم[۳۸۴] بود، یعنی زمانی که شهروندان تشویق می‌شدند هر کسی را که می‌پنداشتند طرفدار کمونیست‌هاست به مقامات لو دهند. در آن زمان، اف‌بی‌آی وسواسی و بدخیال، یک فهرست سیاه[۳۸۵] تهیه کرده بود که نه فقط شامل نام بسیاری از آمریکاییان می‌شد که ارتباط آنها با کمونیسم، حالتی فرعی و حاشیه‌ای داشت بلکه نام افراد بی‌شماری را نیز در بر می‌گرفت که یا اساساً تمایلی به آن دکترین و اجرای آن نداشتند یا گرایش آنها بسیار جزئی و بی اهمیت محسوب می‌شد. اف‌بی‌آی بدون آن‌که شواهد کافی برای تحت تعقیب قرار دادن بسیاری از این افراد به اتهام جاسوسی در اختیار داشته باشد، کار و شهرت آنان را به نابودی کشید. ج. ادگار هوور[۳۸۶] رئیس اف‌بی‌آی، بنا به «برنامه ضد اطلاعات»[۳۸۷] خود، ماموران مخفی آن سازمان را می‌فرستاد تا چهره‌های سیاسی و گروه‌هایی را که خرابکار می‌پنداشتند بی اعتبار کنند و از کار و فعالیت باز دارند. این «خرابکاران» شامل رهبران حقوق مدنی مثل مارتین لوتر کینگ پسر،[۳۸۸] سازمان هایی مثل «انجمن ملی حمایت از مردمان رنگین پوست»[۳۸۹] و معترضان به جنگ در دوران جنگ ویتنام بودند. تا جایی که به هوور مربوط می‌شد، اثبات بی گناهی بر عهده متهم بود نه متهم کننده، یعنی نقض صریح قانون اساسی.

ادامه دارد

382. Elite Special Operations units
383. Department of Homeland Security (DHS)
۳۸۴. mc carthyism مکتبی سیاسی که توسط جوزف مک کارتی (۱۹۰۹ـ۱۹۵۷) سناتور دست راستی آمریکا، به وجود آمد و هدف آن برچسب زدن به دگراندشان آمریکایی به خصوص روشنفکران و هنرمندان سرشناس بود تا آنان را به بهانه متمایل بودن به شوروی و کمونیسم، بدنام و از کار بی‌کار کند یا به زندان اندازد یا (مثل چارلی چاپلین) از کشور اخراج کند. با سکته ناگهانی و مرگ او، آن موج خطرناک و مسموم کننده دولت و جامعه فروکش کرد. اما ارث مک‌کارتی ظاهراً نصیب دست راستی‌های کنونی آمریکا شده است.
385.BLAK LIST
386. J.Edgar hoover
387. counter intelligence program (COINTELPRO)
388.Martin Luther king Jr
389. National association for the advancement of colored people

آگهی دعوت مجمع عمومی فوق العاده شرکت توزیع سراسری رسان فرابر (سهامی خاص)

بدینوسیله از کلیه صاحبان سهام شرکت دعوت می‌شود جهت شرکت در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت که در ساعت ۱۰ صبح روز چهارشنبه مورخ ۹۱/۱۰/۲۰ در محل اداره مرکزی شرکت واقع در تهران - کیلومتر ۱۰ جاده مخصوص کرج - ساختمان مینو - شرکت توزیع سراسری رسان فرابر تشکیل می گردد حضور به هم رسانند.

دستور جلسه: ۱- تغییر نام شرکت

هیئت مدیره شرکت توزیع سراسری رسان فرابر (سهامی خاص)

آگهی فروش سهام

«۵ درصد سهام شرکت داروپوش (سهامی خاص) به فروش می‌رسد.»

* متقاضیان ظرف مدت ده روز به آدرس: خیابان جمهوری، خیابان سی‌تیر، پلاک ۳۳- طبقه دوم مراجعه نمایند.

* به مراجعات پس از مدت مقرر پاسخ و ترتیب اثر داده نخواهد شد.

«شرکت داروپوش»

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده صاحبان سهام شرکت بیمارستان مهر (سهامی خاص) ثبت شده به شماره ۱۲۲۴۸

بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت سهامی خاص بیمارستان مهر دعوت می‌شود تا با رعایت مفاد اساسنامه در جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده شرکت که روز پنجشنبه ۹۱/۱۰/۲۱ رأس ساعت ۱۴/۰۰ در محل سالن اجتماعات شرکت واقع در خیابان زرتشت غربی تشکیل می‌شود حضور به هم رسانند. فقط سهامدارانی حق ورود به جلسه را دارند که ورقه ورود به جلسه را قبلاً دریافت کرده باشند. ورقه ورود به جلسه به کسانی داده خواهدشد که مالکیت آنها بر سهام شرکت بر اساس آخرین سوابق موجود در شرکت محرز باشد.

حضور وکلا و یا قائم مقام قانونی از جانب صاحبان سهام مشروط به ارائه مدرک وکالت یا نمایندگی و ورقه ورود به جلسه است.

دستور جلسه عبارت است از:

۱- انتخاب اعضاء اصلی و علی‌البدل هیئت مدیره

هیئت مدیره شرکت سهامی خاص (بیمارستان مهر)

آگهی موضوع ماده ۴۷ قانون تجارت در تبدیل سهام شرکت مجتمع کشت و صنعت فدک (سهامی خاص) به شماره ثبت ۱۰۱۹۳ شماره شناسه ملی ۱۰۱۰۰۴۱۵۳۶۰

در اجرای ماده ۴۷ قانون تجارت و براساس اختیار تفویض شده از سوی مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان سهام مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۴ به هیئت‌مدیره به صاحبان سهام با نام از تاریخ نشر آگهی به مدت دو ماه مهلت داده می‌شود تا با مراجعه به شرکت نسبت به تبدیل سهام با نام خود به سهام بی‌نام تا سقف مصوبه مجمع اقدام نمایند.

رئیس هیئت‌مدیره: سعید شجاعیان زنجانی — عضو و مدیرعامل: یعقوب شجاعی — نایب رئیس هیئت‌مدیره: محمد عبازاده

اطلاعیه شماره ۲۰ هیات اجرایی انتخابات نظام پزشکی تهران

به اطلاع همکاران محترم عضو سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران می‌رساند در اجرای قانون تشکیل سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران:

ماده ۲۳ قانون سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران شرایط انتخاب شوندگان هیأت‌های مدیره سازمان نظام‌پزشکی و شورای عالی نظام پزشکی به شرح زیر می‌باشد:

الف) تابعیت دولت جمهوری اسلامی ایران

ب) نداشتن فساد اخلاقی و مالی

ج) داشتن حسن شهرت اجتماعی و شغلی در عمل به اجرای اصول پزشکی و رعایت اخلاق و شئون پزشکی

د) داشتن حسن شهرت در تعهد عملی به احکام دین مبین اسلام و وفاداری به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

تبصره: اقلیت‌های دینی مصرح در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تابع احکام دین اعتقادی خود می‌باشند و آئین‌نامه انتخابات موضوع این قانون، هیات اجرایی جهت برگزاری انتخابات تشکیل گردید و ستاد اجرایی آن در محل موزه ملی تاریخ علوم پزشکی ایران واقع در خیابان کارگرشمالی، خیابان شهید فرشی مقدم(خیابان شانزدهم)، کوی پردیس شماره دو دانشگاه تهران ایجاد شد.

لذا از داوطلبین عضویت در هیات مدیره این سازمان در تهران بزرگ دعوت به عمل می‌آید تا از صبح روز سه‌شنبه ۱۳۹۱/۱۰/۵ لغایت پایان وقت اداری روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۱۱ از ساعت ۸ تا ۱۷ با در دست داشتن ۶ قطعه عکس (۴×۶) دو نسخه تصویر شناسنامه خود و همسر از تمام صفحات و تصویر کارت عضویت در نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران به محل ستاد هیات اجرایی انتخابات نظام پزشکی تهران واقع در موزه ملی تاریخ علوم پزشکی ایران به آدرس خیابان کارگر شمالی، خیابان‌شانزدهم (فرشی مقدم) پارک علم و فناوری دانشگاه تهران، مراجعه نموده و درخواست اعلام داوطلبی را تکمیل و همراه مدارک موردنیاز به مسئول ثبت نام تحویل و رسید دریافت نمایند.

هیات اجرایی انتخابات نظام پزشکی تهران

آگهی تغییرات شرکت ویستا کاوش صنعت سهامی خاص به شماره ثبت ۳۹۵۳۳۱ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۴۵۳۴۶۰

به‌استنادصورتجلسه‌مجمع‌عمومی‌عادی‌سالیانه‌مورخ ۱۳۹۱/۰۴/۲۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱ـ مؤسسه حسابرسی امین تحلیل‌پارس به‌عنوان بازرس اصلی، آقای محمدرضا بهاری مهربانی به شماره‌ملی ۰۴۹۱۴۴۵۷۵۱ به عنوان بازرس علی‌البدل برای یک سال‌مالی انتخاب گردیدند. ۲ـ روزنامه کثیرالانتشار «اطلاعات» جهت نشر آگهی‌های شرکت انتخاب شد. ۳ـ ترازنامه و حساب‌های سود و زیان سال مالی منتهی به ۱۳۹۰/۱۲/۲۹ به تصویب رسید. در تاریخ ۱۳۹۱/۰۶/۰۴ ذیل دفتر ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری ثبت و مورد تأیید و امضا قرار گرفت.

اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری واحد ثبتی تهران

کد: ۱۷۲۸۱۸۲

آگهی تغییرات شرکت نیاکو گستر شمال سهامی خاص به شماره ثبت ۴۰۹۷۹۸ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۶۱۰۷۷۸

به‌استنادصورتجلسه‌مجمع‌عمومی‌عادی‌سالیانه‌مورخ ۱۳۹۱/۰۴/۲۴ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:

۱ـ مؤسسه حسابرسی بهینه‌ساز برنا به عنوان بازرس اصلی، آقای اکبر صیام به شماره ملی ۲۵۵۹۰۲۵۰۳۵ به عنوان بازرس علی‌البدل برای یک سال مالی انتخاب گردیدند.

۲ـ ترازنامه و حساب‌های سود و زیان سال مالی منتهی به ۱۳۹۰/۱۲/۲۹ به تصویب رسید.

در تاریخ ۱۳۹۱/۰۶/۰۱ ذیل دفتر ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری ثبت و مورد تأیید و امضا قرار گرفت.

اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری واحد ثبتی تهران

کد: ۱۷۲۱۴۰۹

مزایده فروش پسته خشک — شرکت کشت و صنعت و مجتمع شیر و گوشت محیاء

درنظردارد مقدار تقریبی حدود چهل (۴۰) تن محصول پسته خشک تولیدی سال جاری را از طریق مزایده به فروش رساند.

لذا از متقاضیان دعوت می گردد از تاریخ نشر آگهی جهت بازدید و اخذ اوراق شرکت در مزایده به دفتر مرکزی شرکت به آدرس: کیلومتر ۷۵ اتوبان تهران - ساوه: شهرستان زرندیه(مأمونیه)، خیابان امام خمینی، خیابان ورزش، پشت اداره ثبت اسناد تلفن‌های دفتر مرکزی: ۵۲۲۲۰۱۵ و ۵۲۲۲۸۶۶ - ۰۲۵۶ تماس حاصل نمایند. ضمناً جلسه مزایده رأس ساعت ۱۰ صبح روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۲۵ در محل دفتر مرکزی برگزار خواهدشد.

شرکت کشت و صنعت و مجتمع شیر و گوشت محیاء

آگهی تجدید مناقصه عمومی شماره ۲۵-۹۱

شرکت صنایع شیر ایران — IRAN DAIRY INDUSTRIES CO.

شرکت شیر پاستوریزه پگاه گلپایگان (سهامی خاص) درنظر دارد امور تخلیه و بارگیری محصولات و مواد اولیه شرکت را از طریق مناقصه عمومی (نوبت دوم) به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید لذا متقاضیان شرکت در مناقصه می‌توانند همه روزه به استثنای روزهای تعطیل به‌آدرس گلپایگان میدان کارگر، شرکت‌شیر پاستوریزه پگاه گلپایگان مراجعه و یا از طریق وب سایت زیر برگ شرایط را دریافت و پیشنهادهای خود را در پاکتهای لاک و مهر شده حداکثر تا پایان وقت اداری مورخ ۹۱/۱۰/۱۷ به دبیرخانه شرکت تحویل و رسید دریافت نمایند.

تلفن تماس: ۷-۳۲۷۳۰۰۵-۰۳۷۲

شرکت شیر پاستوریزه پگاه گلپایگان (سهامی خاص)

www.Golpayegan.Irandairy.Ir

آگهی مناقصه عمومی (نوبت دوم)

سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران
شرکت تهیه و تولید مواد معدنی ایران
شرکت سهامی خاص سنگ آهن مرکزی ایران

۱- نام دستگاه مناقصه‌گزار: شرکت سنگ آهن مرکزی ایران - بافق

۲- موضوع مناقصه: عملیات استخراج ۲۰/۵ میلیون تن سنگ آهن و باطله معدن چغارت

۳- هزینه خرید اسناد مناقصه: واریز مبلغ چهارصد هزار ریال به حساب شماره ۲۱۷۵۷۱۵۸۰۴۰۰۳ بانک ملی شعبه آهنشهر بافق در وجه شرکت سنگ آهن مرکزی

۴- مبلغ و نوع تضمین شرکت در مناقصه: ضمانت‌نامه بانکی یا واریز مبلغ تضمین به حساب شماره ۲۱۷۵۷۱۵۸۰۴۰۰۳ بانک ملی شعبه آهنشهر بافق به مبلغ یازده میلیارد ریال

۵- زمان فروش اسناد: از تاریخ نشر آگهی نوبت اول به‌مدت ده روز (از تاریخ ۹۱/۱۰/۰۴ لغایت پایان وقت اداری روز چهارشنبه مورخ ۹۱/۱۰/۱۳)

۶- محل دریافت اسناد مناقصه: یزد - بافق - شرکت سنگ آهن مرکزی ایران - واحد امور پیمان‌ها و قراردادها، جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن‌های ۰۳۵۲۴۲۵۴۴۳۸ و ۴۲۵۴۴۳۷-۰۳۵۲ تماس حاصل نمایند.

۷- شرایط شرکت در مناقصه: داشتن رتبه ۱ رشته کاوش‌های زمینی از معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری با شرایط و مشخصاتی که در اسناد مناقصه قید گردیده است.

۸- زمان تحویل اسناد مناقصه: تا پایان وقت اداری (ساعت ۱۴) روز یکشنبه مورخ ۹۱/۱۰/۲۴

محل تحویل اسناد مناقصه: یزد - میدان امام حسین (ع) - ابتدای بلوار شهید بهشتی - شرکت سهامی خاص معادن سنگ آهن مرکزی ایران - دبیرخانه کمیسیون معاملات - تلفن تماس (۰۳۵۱-۶۲۸۵۶۳۰)

شرکت طلوع دریای آبی (سهامی خاص) ثبت شده به شماره ۴۱۷۴۸۶ — آگهی دعوت به جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده

از کلیه سهامداران، یانمایندگان قانونی آنان دعوت می گردد تا در جلسه مجمع‌عمومی‌عادی به طور فوق‌العاده این شرکت که راس ساعت ۱۵ روز دوشنبه ۱۳۹۱/۱۰/۱۸ در محل قانونی شرکت با دستور جلسه ذیل برگزار می‌گردد، حضور به هم رسانند.

دستور جلسه:

۱. انتخاب حسابرس مستقل برای سال مالی منتهی به ۳۰ اسفند ۱۳۹۱

۲. بررسی و تصویب استراتژی میان مدت و بلندمدت شرکت

هیئت‌مدیره

اطلاعیه افزایش سرمایه «شرکت مونکو ایران (سهامی خاص)»

قابل توجه سهامداران محترم شرکت مونکو ایران پیرو آگهی منتشره حق تقدم افزایش سرمایه این شرکت در روزنامه‌اطلاعات به شماره ۲۵۴۲۳ مورخ شنبه ۱۳۹۱/۷/۱۵ و آگهی تمدید مهلت استفاده از حق تقدم افزایش سرمایه در روزنامه اطلاعات به شماره ۲۵۴۷۲ مورخ ۱۳۹۱/۹/۱۵ و حسب درخواست سهامداران این شرکت مبنی بر تقاضای تمدید و به موجب مصوبه هیأت‌مدیره مورخ ۱۳۹۱/۹/۳۰ مراتب تمدید مهلت استفاده از حق تقدم در خرید سهام جدید شرکت مونکو ایران (سهامی‌خاص) تا پایان وقت اداری شنبه ۱۳۹۱/۱۰/۳۰ جهت اطلاع سهامداران گرامی اعلام می‌گردد.

هیئت مدیره شرکت

آگهی نخست ارزیابی کیفی پیمانکاران — مناقصه شماره ۱۲۰ قطار شهری مشهد

شهرداری مشهد — شرکت قطار شهری — MASHHAD URBAN RAILWAY CORPORATION

موضوع: عملیات اجرایی سازه بخش اصلی و دسترسی ایستگاه فرودگاه توسعه خط یک قطار شهری مشهد.

رتبه پیمانکار: پایه ۲ یا ۳ ساختمان.

محل اجراء: استان خراسان رضوی - مشهد مقدس مقابل سالن ترمینال پروازهای داخلی شهید هاشمی‌نژاد

محل خرید اسناد: مشهد- انتهای بلوار ۲۲بهمن بزرگراه بسیج - شرکت قطار شهری مشهد

تهران: بزرگراه کردستان - بلوار آزادگان - خیابان ۲۱ غربی روبروی دبیرستان فرزانگان - پلاک ۵۷

پیمانکاران واجد شرایط می‌توانند از تاریخ انتشار آگهی ضمن واریز مبلغ دویست هزار ریال به حساب‌جاری شماره ۴۰۰۰۴۳۰۰۰ شرکت قطار شهری مشهد نزدبانک‌تجارت شعبه مرکزی مشهد، حداکثر به‌مدت دو هفته از تاریخ انتشار آگهی نسبت به خرید و تکمیل اسناد ارزیابی اقدام نموده و مدارک تکمیلی را حداکثر تا تاریخ ۹۱/۱۰/۲۱ به نشانی: مشهد - انتهای بلوار ۲۲بهمن بزرگراه بسیج - شرکت قطار شهری مشهد به امور مناقصه‌ها تحویل دهند.

تلفن تماس، مشهد: ۳۴۲۲۲۳۳ تهران: ۸۸۰۱۱۵۹۰-۸۸۶۳۳۶۱۶

شرکت قطار شهری مشهد

شرکت طلوع دریای آبی (سهامی خاص) ثبت شده به شماره ۴۱۷۴۸۶ — آگهی دعوت به جلسه مجمع عمومی فوق العاده

بدینوسیله از کلیه سهامداران، وکیل یا قائم‌مقام قانونی صاحب سهم و همچنین نماینده یا نمایندگان سهامداران حقوقی دعوت می گردد تا در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده این شرکت که راس ساعت ۱۴ روزدوشنبه مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۱۸ در محل قانونی شرکت با دستور جلسه ذیل برگزار می‌گردد، حضور به هم رسانند.

دستور جلسه:

۱. افزایش سرمایه شرکت از محل مطالبات و آورده نقدی

۲. اصلاح موضوع فعالیت

۳. اصلاح مفاد اساسنامه

هیئت مدیره شرکت طلوع دریای آبی (سهامی خاص)

شرکت مجتمع صنعتی اسفراین (سهامی خاص) — آگهی دعوت به مناقصه عمومی شماره ۹۱/۱۱ (نوبت اول)

تولیدکننده انواع مقاطع و قطعات سنگین آهنگری — سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران

شرکت مجتمع صنعتی اسفراین در نظر دارد سرویس ایاب‌وذهاب سواری و وانت مجتمع واقع در شهرستان اسفراین را از طریق مناقصه‌عمومی به اشخاص حقوقی مجرب و متعهد مطابق مشخصات و شرایط تنظیم شده در اسناد مناقصه واگذار نماید.

از کلیه واجدین شرایط که مایل به شرکت در این مناقصه می‌باشند تقاضا می‌شود با در دست داشتن معرفی‌نامه از تاریخ درج اولین آگهی به‌مدت ده روز جهت دریافت اسناد مناقصه در ساعات اداری به یکی از دو آدرس زیر مراجعه نمایند:

استان خراسان شمالی، اسفراین، کیلومتر ۱۲ جاده اسفراین ـ بجنورد، مجتمع صنعتی اسفراین، واحد دبیرخانه کمیسیون معاملات

تلفن: ۵-۷۲۱۷۲۷۰ (۰۵۸۵) داخلی ۲۲۳۵

یا دفتر تهران: خیابان قائم‌مقام فراهانی، کوچه الوند پلاک ۲۰، واحددبیرخانه تلفن ۷-۸۸۸۴۱۱۸۲ (۰۲۱) داخلی ۱۱۹

* هزینه چاپ آگهی مناقصه به عهده برنده مناقصه می‌باشد.

روابط عمومی مجتمع صنعتی اسفراین

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی سالیانه

سیمان هرمزگان (شرکت سهامی عام)

مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت سیمان هرمزگان (سهامی‌عام) در ساعت ۹:۳۰ صبح روز شنبه تاریخ ۱۳۹۱/۱۰/۳۰ در محل باشگاه بانک سپه واقع در تهران - خیابان شهید مطهری(ره) بعدازچهارراه‌سهروردی - روبروی خیابان ترکمنستان تشکیل خواهد شد. بدینوسیله‌ازکلیه‌سهامداران‌محترم‌ویانمایندگان‌قانونی‌آنان‌دعوت‌می‌شود با در دست داشتن معرفی‌نامه رسمی در جلسه فوق حضور بهم رسانند.

دستور جلسه:

۱- استماع گزارش هیئت مدیره و بازرس قانونی در مورد عملکرد سال‌مالی منتهی به ۱۳۹۱/۸/۳۰

۲- بررسی و تصویب ترازنامه و صورتحساب سود و زیان برای سال مالی منتهی به ۱۳۹۱/۸/۳۰

۳- انتخاب حسابرس مستقل و بازرس قانونی اصلی و علی‌البدل برای سال مالی منتهی به ۱۳۹۲/۰۸/۳۰

۴- انتخاب اعضای هیئت مدیره.

۵- تعیین روزنامه کثیرالانتشار، جهت درج آگهی های شرکت

۶- سایر مواردی که اتخاذ تصمیم نسبت به آن در حدود اختیارات مجمع عمومی عادی باشد.

هیئت مدیره شرکت سیمان هرمزگان (سهامی عام)

دستگیری ۱۰۰ زورگیر و اوباش در تهران

سرویس خبر: رئیس پلیس تهران از دستگیری ۱۰۰ نفر از اراذل و اوباش در مرحله هفتم مبارزه با اراذل و اوباش در سطح پایتخت خبر داد.

سردار حسین ساجدی نیااظهار داشت: در راستای اجرای طرح امنیت محله محور، هفتمین مرحله مبارزه با اراذل و اوباش بامداد دیروز در سطح شهر تهران به اجرا در آمد و ۱۰۰ زورگیر و اراذل و اوباش دستگیر شدند که پس از تشکیل پرونده به مراجع قضایی سپرده می‌شوند.

وی افزود: بیشتر این افراد سابقه دار هستند و پلیس به اندازه کافی فیلم و مدرک از این افراد هنگام ارتکاب شرارت دارد که در صورت اجازه مقام قضایی آن را از تلویزیون پخش می کند.

رئیس پلیس پایتخت با اشاره به سخنان رئیس دستگاه قضا برای برخورد با اراذل و اوباش و زورگیران، تاکید کرد: شرارت اراذل و اوباش دستگیر شده مصادیق رئیس قوه قضاییه در باره محاربه است که امیدواریم برخورد خوبی بـا ایـن اراذل در قوه قضائیه صورت گیرد. در صورت تایید مراجع قضایی و صدا و سیما، برگزاری دادگاه برخی از این اراذل و اوباش به صورت علنی از تلویزیون پخش می‌شود.

ساجدی نیا با اعلام این که طرح‌های پلیس در این زمینه با جدیت ادامه دارد و برخورد با اراذل و اوباش تعطیل نمی‌شود، تاکید کرد: امسال بیش از ۵۰ پرونده گروهی شرارت و زورگویی در تهران تشکیل شده است که بسیاری از آنها مصادیق محاربه هستند. البته پلیس تا پایان امسال بار دیگر با قدرت به پرونده شرارت‌ها رسیدگی می کند.

رئیس پلیس پایتخت با تاکید بر این که زورگیران و سارقان خشن بدانند که اگر آزاد شوند و مجددا بخواهند به اقدامات خود ادامه دهند با آنان برخورد می‌شود، گفت: نشان دادن اراذل و اوباش در انظار عمومی بنا بر دستور مرجع قضایی بوده است وسبب می‌شود ابهت پوشالی این اراذل بشکند و مردم نیز بدانند که فرزندانشان در پلیس و قوه قضاییه با جدیت با اراذل و اوباش برخورد می‌کنند. وی از شناسایی و دستگیری ۱۱ زورگیر خشن خبر داد و گفت: این افراد با سلاح سرد اقدام به زورگیری و آزار و اذیت می‌کردند که دراین طرح دستگیر شدندو تا کنون چندین شبکه زورگیری خشن منهدم شده و برای آنها پرونده تشکیل شده است.

ساجدی نیا با اعلام این‌که برخورد با اراذل و اوباش بدون اغماض ادامه دارد اضافه کرد: شماره تلفن ۱۱۰ پل ارتباطی مردم با پلیس است و ماموران بدون اغماض گزارش‌ها را بررسی و با اراذل برخورد می‌کنند. بسیاری طرح‌های پلیس بر اساس گزارش‌های مردمی برنامه‌ریزی می‌شود

رئیس پلیس پایتخت با اعلام کاهش ۵۰ درصدی زورگیری در پایتخت پس از دستگیری چهار زورگیر خشن، اظهار داشت: خوشبختانه جرائم خشن در پایتخت رو به کاهش است.

دراین طرح اراذل و اوباش سابقه‌داری همچون برادران نیم تن از اراذل و اوباش محله شریعتی، حسین دله، ناصر خطر، علی گراز، ممد چرکولک، رضا شله، ممد لودر، غلام فیوج، علی کوچولو و امید برک که با قمه اقدام به قدرت نمایی و شرارت می‌کردند دستگیر شدند.

تداوم برخورد با اراذل و اشرار

شناسنامه اطلاعاتی کاملی از مجرمان در اختیارنیروی انتظامی است و برخوردهای پلیس تازمانی که نگرانی مردم حل شود، ادامه خواهد داشت.

سردار رادان جانشین فرماندهی ناجا در شیراز بااعلام این مطلب و بااشاره به کاهش ۴۷ درصدی زورگیری، گفت: این بدان معنا است که هرجا بزهکار و کسانی که تمایل به جرم دارند احساس کنند هزینه جرمشان بالا می‌رود وقوع جرم نیز کمتر می‌شود.

وی افزود : طبق وعده داده شده دور جدید برخورد با اراذل و اوباش و سارقان زورگیر در کشور شروع شده است.

رادان تاکید کرد: مردم باید منتظر خبرهای بهتری نیز هم از جانب پلیس و هم از سوی قوه قضائیه باشند.

اخبار کوتاه

نامه دادستان کل کشور به رئیس جمهوری درباره بدهکاران بانکی

سرویس خبر: دادستان کل کشور در نامه‌ای خطاب به رئیس جمهوری کشورمان از وی خواست که اسامی ۳۰۰ بدهکار بانکی کشور را به دستگاه قضایی اعلام کند.

حجت الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای در این نامه خطاب به دکتر محمود احمدی نژاد رئیس جمهوری در رابطه با «وجود ۳۰۰تن که ۶۰درصد دارایی‌های کشور را بلوکه کرده و پس نمی‌دهند» آمده است: همان‌طور که بارها پیگیری کرده‌ام، انتظار می رود، که اسامی این افراد و میزان مطالبات آنها برای پیگیری‌های قانونی به قوه قضائیه ارائه شود.

همچنین در ادامه این نامه آمده است، با پیگیری‌های مستمر در تاریخ ۲۲ آبان و ۲۸ آذر اسامی بدهکاران بانکی دارای مانده مطالبات غیر جاری بالای ۱۰ میلیارد ریال از بانک مرکزی استعلام شده که تاکنون پاسخی دریافت نشده است.

اظهارنظر رسمی درباره مرگ «نیما نهاوندیان» تا ۱۰ روز دیگر

سرویس خبر:معاون دادستان تهران و سرپرست دادسرای امور جنایی پایتخت گفت: پزشکی قانونی اعلام کرده است که ظرف ۱۰ روز آینده درباره علت مرگ «نیما نهاوندیان» مجری صداوسیمااظهارنظر می کند.

قاضی فریدون امیرآبادی فراهانی افزود: پزشکی قانونی بعد از این که نتیجه آزمایش آسیب شناسی و سم شناسی را از آزمایشگاه گرفت به ما اطلاع خواهد داد.

امیرآبادی پیش از این گفته بود که این پرونده در شعبه پنجم دادسرای امور جنایی در دست بررسی است و تحقیقات در این شعبه با دستور بازپرس آغاز شده است.

نیما نهاوندیان بامداد یکشنبه هفته جاری فوت کرد و تاکنون دلیل رسمی برای مرگ وی اعلام نشده است. وی از مجریان برنامه‌های ورزشی بود که اجرای برنامه‌هایی همچون «ورزش از شبکه دو»، «توپ طلایی» و «دورخیز» را بر عهده داشت و مجموعا ۱۰ سال سابقه اجرا در سیما را داشت.

برگزاری رزمایش بزرگ (الی بیت‌المقدس) در خرمشهر

خرمشهر ـ خبرنگار اطلاعات: فرمانده سپاه پاسداران خرمشهر، از برگزاری رزمایش بزرگ «الی بیت‌المقدس» در روز ۷ و ۸ دی با هدف آمادگی و انسجام نیروهای بسیجی، حفظ و انسجام گردان‌های عاشورا و «الزهرا»(س) خبر داد.

سرهنگ عادل فرحانیان افزود: در این رزمایش که با هدایت قرارگاه حضرت امام هادی(ع) عملیاتی می‌شود، آمادگی رزمی، فرهنگی و معنوی نیروهای بسیجی، آزمایش و بکارگیری سلاح‌های قدیمی و جدید، تمرین و نحوه استفاده عملیاتی از این سلاح‌ها مورد نظر است. این رزمایش بزرگ فردا و پس‌فردا همگام با سایر مناطق با حضور نیروهای توانمند گردان‌های عاشورا و الزهرا(س) و دسته‌های واکنش سریع آموزش دیده با شرایط ویژه و تخصصی در منطقه عمومی خرمشهر برگزار می‌شود.

مادر فداکار دیه فرزندش را به ساخت مدرسه اختصاص داد

بوشهر: مادری دیه دخترش را به ساخت مدرسه‌ای در روستای گرگور شهرستان تنگستان اختصاص داد.

خانم فقیه ساکن این روستا دختر شانزده ساله‌اش «خاتون فرهادی» را شش سال پیش در سانحه تصادف از دست داد و حالا که دیه ۶۰۰ میلیون ریالی به او داده شده این مبلغ را برای ساخت یک مدرسه راهنمایی ۶ کلاسه در روستایشان اختصاص داده است.

معاون اداره کل نوسازی توسعه و تجهیز مدارس استان بوشهر در مراسم آغاز ساخت این مدرسه گفت: با توجه به این که این مبلغ برای ساخت مدرسه کافی نیست، قرار شده است چهار میلیارد ریال هم از محل اعتبارات نوسازی مدارس به این کار اختصاص پیدا کند.

تکمیل بزرگترین نمایشگاه و بازار دائمی گل و گیاه در قلب پایتخت

مدیرعامل شرکت نوسازی عباس‌آباد از تکمیل و بهره‌برداری آزمایشی بزرگترین نمایشگاه، بازار خدمات گل و گیاه و مرکز فضای سبز در قلب پایتخت خبر داد.

حجت‌الله ملاصالحی در گفت‌وگو با «تهران‌سما» بازار گل اراضی عباس‌آباد را دارای ویژگی‌های کم‌نظیر توصیف کرد و افزود: این بازار پیش از ۱۰ هزار متر مربع وسعت داشته و علاوه بر فضاهای عمومی و خدماتی دارای ۴۵ غرفه ارائه محصولات مختلف در حوزه گل و گیاه، گیاهان زینتی و آپارتمانی و همچنین خدمات فضای سبز است.

بهره‌برداری از طرح‌های صنعتی و عمرانی خوزستان با حضور رئیس جمهوری

اهواز ـ خبرنگار اطلاعات: رئیس‌جمهوری در سفر دیروز خود به استان خوزستان علاوه بر افتتاح پروژه‌های مسکن مهر در مراسم بهره‌برداری از ۲۱ طرح عمرانی و صنعتی حضور یافت.

معاون اجرایی رئیس‌جمهوری، وزرای راه و شهرسازی، جهاد کشاورزی و صنعت و معدن دکتر محمود احمدی‌نژاد را در این سفر یک روزه همراهی می کردند.

بزرگ‌ترین تقاطع غیرهم سطح خاورمیانه در اهواز از جمله طرح‌هایی بود که با حضور رئیس‌جمهوری افتتاح شد.

این تقاطع در زمینی به وسعت ۳۶۰ هکتار به طول ۱۵کیلومتر با اعتبار ۴۰۰ میلیارد ریال ساخته شده است و شش بزرگراه و بنادر مهم کشور را به هم متصل می کند. در اجرای این پروژه، کالاهای ترخیص شده در بنادر جنوب غرب کشور مانند بنادر آبادان، خرمشهر و ماهشهر از طریق آزادراه بندر امام خمینی(ره) ـ اهواز به این تقاطع منتقل و از آنجا به مرکز و سایر نقاط کشور توزیع می‌شوند.

*** بهره‌برداری از ۱۲ هزار و ۷۵۰ واحد مسکن مهر**

دکتر احمدی‌نژاد دیروز به طور همزمان ۱۲ هزار و ۷۵۰ واحد مسکن مهر را در مناطق مختلف خوزستان افتتاح کرد.

رئیس‌جمهوری که دیروز از طریق فرودگاه امیدیه وارد خوزستان شده بود، ۱۸۲۶ واحد مسکن مهر این شهرستان را به صورت نمادین افتتاح کرد.

برای ساخت ۱۲ هزار و ۷۵۰ واحد مسکن ۵۰۰۰میلیارد ریال هزینه شده است.

*** افتتاح کارخانه ۱۰۰ هزار تنی شکر**

کارخانه ۱۰۰ هزارتنی شکر و ۱۷۵ هزار تنی تصفیه شکر شرکت کشت و صنعت نیشکر دهخدا نیز دیروز با حضور رئیس‌جمهوری افتتاح شد.

برای ایجاد این کارخانه ۵۵۵۵ میلیارد ریال هزینه شده است و عملیات تکمیل و ساخت این کارخانه در ۱۸ ماه انجام شد.

با راه‌اندازی این کارخانه ۲۲۰۰ نفر به طور مستقیم و ۳۰۰۰نفر به صورت غیرمستقیم مشغول به کار شدند.

همچنین رئیس‌جمهوری در این مراسم از طریق ویدئو کنفرانس، بزرگترین کارخانه تولید MDF از باگاس نیشکر در جهان را در کشت و صنعت نیشکر شعیبیه شوشتر افتتاح کرد. با ساخت این کارخانه که ۱۳۰۰ میلیارد ریال هزینه در برداشت، ۶۷۰ فرصت شغلی ایجاد شده است. این کارخانه سالانه ظرفیت تولید ۳۲هزار مترمکعب MDF را دارد.

کشت و صنعت نیشکر دهخدا هفتمین شرکت از مجموع کشت و صنعت‌های تابع شرکت‌های توسعه نیشکر و صنایع جانبی است که در راستای تحقق اهداف کلان اقتصادی و اجتماعی کشور به منظور تامین بخشی از شکر مورد نیاز کشور و سایر محصولات مورد استفاده در صنایع پایین دستی نیشکر و ایجاد اشتغال پایدار با مشارکت بانک‌های عامل و وزارت جهاد کشاورزی ساخته شده است.

*** بهره‌برداری از کارخانه تولید خمیرمایه**

بزرگترین کارخانه تولید خمیرمایه ایران با حضور رئیس‌جمهوری در استان خوزستان به بهره‌برداری رسید.

کارخانه تولید خمیر مایه توسعه نیشکر که بزرگترین کارخانه تولید خمیر مایه در کشور محسوب می‌شود، دارای ظرفیت تولید سالانه ۱۰ هزار تن خمیر مایه خشک است.

این کارخانه متعلق به کشت و صنعت نیشکر خوزستان بوده و از بالاترین کیفیت استاندارد برخوردار است. کارخانه مذکور در ۲۵ کیلومتری جاده اهواز ـ آبادان قرار دارد، که بزرگترین تولیدکننده الکل صنعتی ایران است.

***افتتاح طرح‌های کشاورزی**

همزمان با سفر رئیس جمهوری به استان خوزستان ۲۴۳۰ طرح در بخش‌های مختلف جهاد کشاورزی در این استان به بهره‌برداری رسید.

وزیر جهاد کشاورزی در مراسم افتتاح این طرح‌ها در محل شرکت کشت و صنعت نیشکر دهخدادر اهواز گفت: با بهره‌برداری از این طرح‌ها ۸۳ هزار تن به ظرفیت تولیدات کشاورزی استان خوزستان افزوده شد.

صادق خلیلیان از ایجاد ۳۷۷۷ فرصت شغلی جدید با بهره‌برداری از این طرح‌ها خبر داد و گفت: افتتاح این طرح‌ها نقش مهمی در رونق اقتصادی استان خوزستان دارد.

***افتتاح پروژه آبیاری و زهکشی سلمان فارسی**

پروژه آبیاری و زهکشی اراضی شرکت کشت و صنعت سلمان فارسی توسط رئیس‌جمهوری مورد بهره‌برداری قرار گرفت.

پروژه آبیاری و زهکشی اراضی کشت و صنعت سلمان فارسی در مساحت ۲۰۰۰ و ۶۰۰ هکتار از طریق ویدئو کنفرانس افتتاح شد.

این پروژه با سرمایه‌گذاری ۳۶۰ میلیارد ریالی احداث و ۶۰۰ فرصت شغلی ایجاد کرده است.

ایستگاه اصلی آبرسانی شبکه آبیاری زهکشی سلمان فارسی با ظرفیت ۳۶ مترمکعب در ثانیه یکی از بزرگترین ایستگاه‌های آبرسانی کشور است.

***سخنان رئیس جمهوری**

رئیس جمهوری با تأکید بر اینکه ملت ایران از فشارهای سیاسی عبور خواهد کرد، گفت: ملت ما تسلیم تهدیدها و توهین‌ها نمی‌شود و این شیوه در خصوص ملت بزرگ ایران، جواب نخواهد داد.

محمود احمدی‌نژاد که در مراسم افتتاح چندین طرح عمرانی، کشاورزی و صنعتی خوزستان سخن می گفت، با تأکید بر اینکه پرونده هسته ای موضوعی برای تحت فشار قرار دادن ملت ایران از سوی دشمنان است، ادامه داد: آنها خودشان هم می دانند که این موضوع بهانه است چرا که یک دفعه چشم باز کردند و دیدند ملت ایران یکپارچه و با سرعت نور در حال حرکت به جلو است.

رئیس قوه مجریه با تشریح جهش علمی کشور و موفقیت‌های ایران در سیاست‌های بین المللی و اختراعات گفت: اگر پنج سال دیگر با همین سرعت حرکت کنیم، دست آنها از دامن ملت ایران برای همیشه کوتاه خواهد شد.

احمدی‌نژاد با اشاره به سابقه تاریخی چند هزار ساله ملت ایران گفت: اکثر دشمنان ملت ایران به لحاظ تصمیمات سیاسی یا با اشغالگری درست شده‌اند که با یک باد ریشه آنها هم از بین خواهد رفت و این در حالی است که ملت ایران هزاران توفان را از سر گذرانده و قطعاً از این فشارهای سیاسی نیز عبور خواهد کرد.

رئیس جمهوری ادامه داد: مرتباً فشار می‌آورند که مذاکره کنیم و از سویی تهدید و توهین می کنند در حالی که ملت ایران در برابر این شیوه تسلیم نخواهد شد.

احمدی نژاد با خطاب قرار دادن دشمنان کشورمان تصریح کرد: اگر پشت سرتان را دیدید، تسلیم شدن ملت ایران را هم خواهید دید البته ما آماده شنیدن حرف‌های منطقی هستیم ولی تاریخ ملت ایران نشان داده در برابر تهدید و توهین سر تسلیم فرود نمی‌آورد.

رئیس‌جمهوری با بیان این که استان خوزستان باید در همه حوزه‌ها و بخش‌ها بدرخشد؛ گفت: دولت با تمام وجود پشتیبان توسعه این استان است و از آن حمایت می‌کند.

احمدی‌نژاد با تاکید بر این که دولت آمادگی پشتیبانی و حمایت مالی از توسعه استان خوزستان را دارد خطاب به مسئولان این استان؛ گفت: با هر سرعتی که شما برای توسعه استان حرکت کنید دولت پشتیبان شما خواهد بود.

رئیس‌جمهوری با اشاره به درخواست‌های استاندار و مدیران استان از دولت برای حمایت از توسعه طرح صنعت نیشکر؛ ادامه داد: دولت با اختصاص ارز برای ایجاد دو کارخانه تولید «ام‌دی‌اف» و کاغذ موافق است.

رئیس جمهوری عصر دیروز در حاشیه سفر به استان خوزستان، از روند احداث مترو این استان بازدید کرد.

محمود احمدی‌نژاد در بازدید از مترو خوزستان، از نزدیک با روند احداث این مترو آشنا شد و دستورات لازم را برای تسریع در ساخت آن صادر کرد.

فرمانده ناجا خبر داد:

وقوع حدود ۱۱۰۰ قتل در کشور با سلاح سرد

سرویس خبر: فرمانده ناجا، از وقوع سالیانه حدود ۱۱۰۰ مورد قتل در کشور با سلاح سرد و ثبت روزانه ۱۸۰۰ مورد سرقت در کشور خبر داد و گفت: پلیس با افزایش توانمندی خود و رسیدگی به این موارد می تواند کارآمدی خود را ثابت کند.

به گزارش ایسنا، سردار اسماعیل احمدی‌مقدم دیروز در مراسم تودیع و معارفه معاونان قدیم و جدید اجتماعی نیروی انتظامی با بیان اینکه ۳۰ درصد از پرونده‌های کلانتری‌ها در مرحله مشاوره و مددکاری حل می‌شود، افزود: باید سعی کنیم منازعات امنیتی را به شیوه اجتماعی حل و فصل کنیم.

وی با اشاره به اینکه حضور و فعالیت معاونت اجتماعی در آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی به صورت مستقیم و غیرمستقیم یکی از ماموریت‌های اصلی این معاونت است، به نقش هنر در تصویرسازی مناسب از پلیس اشاره کرد و گفت: سعی کرده‌ایم انتظارات مردم از پلیس را در قالب تصویرسازی‌های مناسب نشان دهیم.

احمدی‌مقدم با بیان اینکه چهره مطلوب و مورد انتظار پلیس در فیلم‌ها باعث می‌شود که رفته رفته این رفتار به یک هنجار بدل شود، گفت: باید سعی کنیم امنیت را اجتماعی کنیم نه اینکه اجتماع را امنیتی کنیم.

احمدی مقدم همچنین در مورد ضرورت تشکیل پلیس اقتصادی، گفت: در حوزه اقتصادی پلیس وظایفی در مورد مبارزه با قاچاق کالا و ارزو کلاهبرداری دارد که می‌توانیم تشکیلاتمان را در این زمینه با همکاری سایر موسسات اقتصادی همچون بانک‌ها قوی‌تر کنیم.

در ادامه مراسم فرمانده ناجا، سردارکارگر معاون اجتماعی سابق پلیس کشور را به عنوان رئیس بنیادحفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس و دکتر سعید منتظرالمهدی را به عنوان معاون اجتماعی جدید پلیس معرفی کرد.

منتظرالمهدی پیشتر مسئولیت اداره سینمایی و مؤسسه ناجی هنر معاونت اجتماعی ناجا را برعهده داشت.

اخبار کوتاه حوادث

مرگ خاموش ۴ نفر در رباط کریم

رباط کریم: بر اثر گاز گرفتگی چهارنفر در رباط کریم جان خود را از دست دادند.این حادثه در شهرک صنعتی کاظم آباد رباط کریم در یک کارگاه ساخت تیرچه فوم به وقوع پیوست که بر اثر آن سرایدار این کارگاه به همراه ۳ میهمانش در یک فضای ۵۰متری دچار حادثه شدند.

سرمای روسیه جان ۱۲۳ نفر را گرفت

روسیه: منابع پزشکی روسیه ازجان باختن ۱۲۳ نفر بر اثر سرمای شدید در این کشور خبردادند.

حدود ۸۸۰تن از ۱۷۰۰ نفری که در پی سرمای شدید به بیمارستان انتقال یافته اند، هنوز در بیمارستان به سر می‌برند.

مرگ ناگوار ۶ نفر در حادثه رانندگی دشتستان

بوشهر ـ رئیس اورژانس و فوریت‌های پزشکی دشتستان گفت: در حادثه رانندگی که در محور برازجان ـ بوشهر رخ داد، شش نفر کشته شدند.

محمدعلی دهقان اضافه کرد: در این حادثه یک دستگاه خودرو سمند پس از برخورد با عابر پیاده‌ای با پایه برق برخورد کرد و آتش گرفت.وی افزود: پنج نفر سرنشین این خودرو در آتش سوختند و عابر پیاده نیز جان داد.هویت راننده این خودرو به‌نام علی‌اکبر علی‌نژاد سی و پنج ساله اهل بروجن و ساکن گچساران مشخص شده است. دیگر سرنشینان خودرو مرد ۵۰ ساله؛ زن ۴۵ ساله و دو دختر ۲۲ و ۱۸ ساله بودند که همگی جان سپرده‌اند. عابرپیاده‌ای که به دلیل تصادف با خودرو یادشده جان سپرد، عصمت پولادین (۳۷ساله) اهل چغادک است. معاون عملیات پلیس راه ناجا گفت: کارخانه تولیدکننده خودرو در دو حادثه مرگبار رانندگی به میزان ۵۰ درصد مقصر شناخته شد. رضا اسفندیاری علت این حادثه را در مرحله اول بی‌احتیاطی از طرف راننده و بی توجهی به جلو و سپس رعایت نشدن نظامات دولتی از سوی کارخانه تولیدکننده خودرو به دلیل نقص فنی در سیستم سوخت‌رسانی اعلام کرد.

سقوط یک فروند هواپیمای باری در قزاقستان

سرویس حوادث: سقوط یک فروند هواپیمای باری ارتش قزاقستان دیروز در جنوب این کشور ۲۲ کشته برجای گذاشت. به گزارش خبرگزاری رویتر از آلمان این حادثه ساعت چهار و نیم بعدازظهر به وقت تهران رخ داد.

خط ارتباطی مردم با اطلاعات
تلفن ۲۲۲۲۶۰۹۰
ایمیل خط ارتباطی: ertebat@ettelaat.com

چند نکته در خور توجه خوانندگان گرامی

توجه خوانندگان محترم را در ارتباط با پیام‌های تلفنی به نکات زیر جلب می‌کنیم:
- موضوع پیام ها جنبه های خصوصی، حقوقی و یا قضایی نداشته باشد.
- پیام ها مختصر و دقیق باشد و از تکرار آن ها خودداری شود.
- خوانندگان محترم شهرستانی در پیام هایشان، نام شهرستان مربوطه را بیان فرمایند.
- چاپ پیام ها بر اساس نوبت است.

با تشکر ـ سرویس ارتباطات مردمی

حقوق‌ها را به موقع بپردازند

حقوق بازنشستگان کشوری قبلاً ۲۶ هر ماه پرداخت می شد، اما مدتی است که در آخرین روز ماه و یا اوایل ماه بعدی پرداخت می‌شود که ضرورت دارد به روال گذشته پرداخت گردد.

خانم بازنشسته کشوری

سود شرکت‌های سرمایه‌گذاری ناچیز است

اغلب شرکت‌های سرمایه‌گذاری یا سودی به سهامدارانشان نمی‌پردازند و یا سود پرداختی آن‌ها بیشتر از ۵ درصد در سال نیست و این در شرایطی است که سود سپرده‌های بلندمدت بانکی ۲۰ درصد است.

با این وضع چگونه از رونق چشمگیر بازار بورس سخن می گویند و مردم را هم به خرید سهام تشویق می کنند؟

از سهامداران شرکت‌های سرمایه‌گذاری

پاسخی به پاسخ شهرداری منطقه ۲۲!

شهرداری منطقه ۲۲ به پیام یکی از خوانندگان روزنامه اطلاعات پاسخ داده بود که در فاصله ۳۰۰ متری محل موردنظر در دهکده المپیک، تقاطع هم سطح وجود دارد و رهگذران می توانند از آنجا استفاده کنند، حال آن‌که این گذر به وسیله شهرداری با گاردریل مسدود شده است و امکان رفت و آمد از آن وجود ندارد.

از ساکنان دهکده المپیک

برای قبری که خریده‌ایم دوباره باید پول بدهیم!

۱۱ سال پیش در بهشت‌زهرا قبری را خریدیم و حال که می‌خواهیم یکی از بستگان متوفای خود را در همان قبر دفن کنیم، از ما ۳ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان هزینه درخواست می کنند که باید پرسید اولاً بابت قبری که سال‌ها قبل خریده‌ایم و پولش را پرداخته‌ایم، چرا دوباره باید مبلغی بپردازیم و ثانیاً مگر گودبرداری قبر با ۲ ساعت فعالیت کارگران بهشت زهرا چه قدر هزینه دارد که بابت آن می خواهند از ما ۳ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان بگیرند و اگر هزینه اداره بهشت‌زهرا مطرح است، حداکثر ۱۰ درصد مبلغ یاد شده می تواند کافی باشد.

شهروند تهرانی

اقدام پسندیده یک دوستدار ورزش

یکی از همشهریان جوانمان به نام شاهروز رستمی از طایفه رستم‌خوان ایوانغرب استان ایلام تمامی هزینه‌های برگزاری یک فصل مسابقات تیم‌های امید و جوانان این شهرستان را تقبل کرد و پرداخت که این اقدام موجب قهرمانی تیم‌های ایوانغرب در استان ایلام شد.

به عنوان یک فوتبالیست و مربی تیم در منطقه محروم ایوانغرب از اقدام آقای رستمی تشکر می‌کنم و امیدوارم با تلاش و همت امثال او، ورزش در منطقه ایوانغرب و استان ایلام روز به روز شکوفاتر شود.

ایوانغرب ـ اکبر ذوالفقاری

افزایش قیمت روغن زیتون

یک نوع روغن زیتون بطری ۶ هزار تومان قیمت داشت که یکباره به ۱۳ هزار و ۷۰۰ تومان افزایش یافته است و معلوم نیست چه ارگانی اجازه چنین افزایش قیمت‌ها را صادر می‌کند؟

مصرف‌کننده روغن زیتون

از وام ازدواج دانشجویی خبری نیست

قرار بود به دانشجویان ۵ میلیون تومان وام ازدواج بپردازند، اما به هر بانکی مراجعه می‌کنیم، می‌گویند بودجه‌ای برای پرداخت وام ازدواج ندارند.

اصفهان ـ مادر دانشجو

رفتارشان با من مناسب نبود

برای دریافت وام ضروری از کمیته امداد امام(ره) منطقه ۱۷ تهران اقدام کردم که با پرداخت ۴۰۰ هزار تومان وام موافقت کردند. اما وقتی در سفته ۵۰۰ هزار تومانی مبلغ وام را نوشتم، آن را نپذیرفتند و گفتند که باید همان ۵۰۰ هزار تومان باشد، که باید پرسید این چه رفتاری است که با من مددجوی ۷۵ ساله و مستأجر دارند؟

داریوش آگهی

همه ملت طرفدار نظام هستند

مدیرعامل شرکت مترو در مصاحبه‌ای گفته است که جنوب‌شهری‌ها طرفدار نظام هستند که باید گفت نه تنها آنان، بلکه شمال‌شهری‌های تهران و اصولاً تمامی ملت ایران، طرفدار نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران هستند.

از طرفداران نظام

توقف بیش از حد اتوبوس‌ها در ایستگاه‌های مبدأ و مقصد

توقف بیش از اندازه اتوبوس‌های شرکت واحد در ایستگاه‌های مبدأ و مقصد موجب کاهش رفت و آمد آن‌ها در مسیرهای موردنظر و افزایش معطلی و اتلاف وقت مسافران می‌شود و از این رو ضرورت دارد رؤسای خطوط اجازه ندهند رانندگان به صورت غیرمعمول در ایستگاه‌های اول و آخر توقف و مسافران را سرگردان کنند.

مسافر شرکت واحد

این انتظار از مقامات عراقی بی مورد است

مسئولان سازمان حج و زیارت اعلام کرده‌اند مقامات عراقی باید پاسخگوی انفجار کاروان‌های زائران ایرانی باشند که سخن عجیبی است. زیرا وقتی ناامنی در عراق متأسفانه به قدری است که هر روز در نقاط مختلف آن کشور انفجارهایی روی می‌دهد و موجب کشته و زخمی شدن افراد بیگناه می‌شود، چگونه می‌توان انتظار داشت مسئولان عراق بتوانند از جان زائران ایرانی حفاظت کنند؟

دزفول ـ حکیم‌زاده

ثبت طرح‌های شهری و کشوری

خوب است مرکز دولتی و معتبری تأسیس شود تا افرادی که برای امور مختلف شهری و کشوری طرح‌هایی دارند، آن‌ها را به ثبت برسانند تا در صورت سوءاستفاده از این طرح‌ها از نظر قانونی بتوانند پیگیر موضوع باشند.

بندرانزلی ـ یک شهروند

پاسخ مسئولان

پاسخ شهرداری منطقه ۳ در خصوص اجرای بدون اجازه یک طرح

احتراماً، در جواب پیام شهروند محترم مندرج در روزنامه اطلاعات مورخ ۲۷ آذرماه ۹۱ مبنی بر «طرح مرا بدون اجازه اجرا کرده‌اند» به استحضار می‌رساند: تاکنون ۴ نفر مدعی چنین موضوعی شده‌اند، لذا در صورتی که مستنداتی در این خصوص وجود دارد، مراتب را ارائه تا بررسی لازم صورت پذیرد.

مهدی آقابیگی ـ مدیر روابط عمومی

پاسخ شهرداری منطقه یک درباره مشکل مخزن زباله

با سلام و احترام، عطف به پیام مندرج در آن روزنامه مردمی مورخ ۹۱/۹/۸ در ستون پیام مردمی با موضوع «مشکل مخزن زباله در بن‌بست سرو» بدینوسیله ضمن تشکر از این شهروند گرامی، توضیحات ذیل جهت استحضار و درج در روزنامه ارسال می‌گردد.

طبق گزارش شهردار ناحیه ۵ این منطقه، یک عدد زیرمخزنی در مکان مورد نظر نصب شده است تا از هرگونه جابه‌جایی بدون علت مخزن جلوگیری گردد.

ضمناً آدرس موردنظر به طور کامل نظافت گردید و به پیمانکار خدمات شهری ناحیه در خصوص نظافت مستمر و عدم تکرار این مورد تذکرات لازم داده شد. لازم به توضیح است که محل فعلی مخزن زباله کاملاً کارشناسی بوده و جهت جلوگیری از ایجاد دپو زباله در آدرس مذکور قرار داده شده است و امکان جابجایی سطل وجود ندارد.

کاظم داودی ـ مدیر روابط عمومی

بقیه در صفحه ۹

اخبار کوتاه ورزشی

فینال لیگ برتر کشتی آزاد؛ ۱۲ دی در تالار ۱۲ هزار نفری

مرحله نیمه نهایی و نهایی لیگ برتر کشتی آزاد، در تالار ۱۲ هزار نفری مجموعه ورزشی آزادی تهران برگزار می شود.

پس از جلسه هماهنگی برای تعیین میزبان مرحله نیمه نهایی و نهایی لیگ برتر کشتی آزاد با حضور نمایندگان تیم های حاضر در این مرحله و مسئولان فدراسیون کشتی ، مقرر شد تا این مسابقات ۱۲ دی در تالار ۱۲ هزار نفری آزادی تهران برگزار شود.

بازگشت محمد بنا

سومین مرحله اردوی آمادگی تیم ملی کشتی فرنگی برای شرکت در جام جهانی –۲۰۱۳ ایران ، از فردا در خانه کشتی تهران آغاز می‌شود و ظاهرا محمد بنا ، مشکلی برای هدایت ملی پوشان ندارد.

حسام الدین جعفری ، سرپرست تیم ملی کشتی فرنگی با اعلام این خبر، گفت: اردوی فرنگی کاران از پنجشنبه برای حضور در جام جهانی ۲۰۱۳ تهران آغاز خواهد شد که این مرحله از تمرینات تا ۲۷ دی ادامه خواهد داشت. برگزاری این اردو علاوه بر خروج فرنگی کاران از بحران و بلاتکلیفی، نشانگر رضایت محمد بنا برای بازگشت به تیم ملی است.

تیم ملی دراگون بوت در راه هند و اندونزی

تیم ملی دراگون بوت ایران در مسابقات قهرمانی آسیا در هند و بازیهای کشورهای اسلامی در اندونزی شرکت می کند.

به گزارش روابط عمومی فدراسیون انجمن های ورزشی ، نشستی با حضور اعضای کمیته مربیان این رشته برگزار شد تا راههای انتخاب ملی پوشان برای حضور در مسابقات قهرمانی آسیا و بازیهای همبستگی کشورهای اسلامی اعلام شود. در این جلسه مقرر شد که با وجود برگزاری آخرین آزمون انتخابی تیم ملی در بهار امسال ، برای محک دوباره سطح آمادگی نفرات، همه ورزشکاران دراگون بوت در اواخر ماه جاری و اوایل بهمن در آزمون انتخابی تیم ملی شرکت کنند.

مسابقات دراگون بوت قهرمانی آسیا از ۲ تا ۶ اسفند در شهر بمبئی کشور هند برگزار می شود و رقابتهای این رشته در چهارمین دوره بازیهای کشورهای اسلامی از ۱۶ تا ۲۷ خرداد سال آینده در اندونزی برگزار خواهد شد.

پایان نیم فصل نخست لیگ برتر والیبال نشسته ؛ امروز و فردا

هفته هفتم لیگ برتر والیبال نشسته «جام ایثار» ، امروز و فردا با برگزاری سه دیدارپیگیری می شود تا نیم فصل نخست این رقابت ها پایان یابد.

مرحله رفت لیگ برتر با برگزاری سه دیدار در شهرهای گچساران، قزوین و سبزوار، پایان یافته و نیم فصل دوم آغاز می شود. تیم نفت و گاز گچساران ، امروز میزبان ذوب آهن اصفهان خواهد بود و فیروز قزوین در خانه به مصاف شهرداری تبریز می رود. سومین دیدار این هفته ، فردا در سبزوار بین تیم های ثامن الحجج سبزوار و گسترش فولاد تبریز برگزار می شود. هفته نخست از مرحله برگشت لیگ برتر، ۲۸ و ۲۹ دی در سبزوار و تبریز انجام خواهد شد.

نیما نهاوندیان در خانه ابدی آرام گرفت

پیکر مجری جوان صدا و سیما، ظهر دیروز پس از تشییع از محل شبکه دو تلویزیون در قطعه هنرمندان بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

در آیین تشییع این مجری جوان، اهالی ورزش، رسانه و هنر حضور داشتند. بهرام افشارزاده، مهدی تاج، حمید استیلی، فرشاد پیوس، تیمور غیاثی، عبدالحمید احمدی، فرزاد حسنی، نیما کرمی، حمید حامی، پیمان یوسفی، بهزاد کاویانی، حسین یاریارو ... در این آیین حضور داشتند.

اجرای چند دوره برنامه «ورزش از نگاه دو»، «طعم ورزش»، «توپ طلایی»، «دورخیز»، «هفت سنگ» و «عید کبریا» از جمله برنامه‌های نهاوندیان در شبکه دو سیما بود. این مجری برنامه‌های تلویزیونی علاوه بر شبکه دو در رادیو و شبکه جهانی جام جم، برنامه داشت. جسد وی، بامداد یکشنبه سوم دی در منزل شخصی اش کشف شد و خانواده او، ضایعه مغزی را دلیل مرگ نیما نهاوندیان اعلام کرده‌اند.

سرویس ورزشی روزنامه اطلاعات، درگذشت نیما نهاوندیان را به خانواده او، همکاران و دوستانش تسلیت گفته و برای آن مرحوم از درگاه خداوند متعال ، آمرزش و مغفرت الهی را مسئلت دارد.

شکست صدرنشین در آغاز دور برگشت لیگ برتر فوتبال



قهرمان نیم فصل نخست لیگ برتر فوتبال باشگاه های کشور ، دور برگشت لیگ برتر را با شکست آغاز کرد.

نیم فصل دوم لیگ برتر فوتبال ، دیروز با برگزاری شش مسابقه همزمان آغاز شد. در کرمان ، مس مقابل سپاهان، قهرمان دور رفت قرار گرفت و با تک گل دقیقه ۱۸ غلامرضا عنایتی ، مهمان اصفهانی خود را با شکست بدرقه کرد.

نفت تهران مقابل میزبان خود راه‌آهن با تک گل دقیقه ۶۵ یعقوب کریمی پیروز از زمین بیرون رفت. حدود ۴۰۰ تماشاگر در ورزشگاه اکباتان این مسابقه را از نزدیک تماشا کردند.

ذوب آهن در اصفهان فجر سپاسی را با گل دقیقه ۸۱ فوفانا از پیش رو برداشت. صبای قم مقابل پیکان ، برد پرگلی را تجربه کرد و میزبانش را ۴ بر یک شکست داد.

فولاد خوزستان و داماش گیلان با تساوی ۲ بر ۲ امتیازهای بازی را تقسیم کردند. علیرضا نظیف‌کار در دقیقه ۲۸ برای مهمان گیلانی گلزنی کرد. ۳۰ دقیقه بعد، اسماعیل شریفات بازی را به تساوی کشاند. ایوب وادی با گل دقیقه ۶۱ فولاد را پیش انداخت، ولی امین متوسل‌زاده ۳ دقیقه بعد دروازه فولاد را باز کرد و بازی را به تساوی کشاند.

ملوان و گهر دورود با تساوی یک بر یک به کار خود پایان دادند. گل نخست بازی را مازیار زارع در دقیقه ۷۰ به ثمر رساند و تقی نایینی ۳ دقیقه مانده به پایان وقت قانونی ، دروازه ملوان را باز کرد تا این مسابقه در انزلی برنده نداشته باشد. آخرین دیدار دیروز را پرسپولیس تهران و نفت آبادان در ورزشگاه آزادی برگزار کردند.

توقف خانگی پرسپولیس

تیم فوتبال پرسپولیس نیم فصل دوم را با تساوی خانگی مقابل تیم هفدهم جدول آغاز کرد.

تیم فوتبال پرسپولیس ، دیروز در ورزشگاه آزادی به مصاف تیم صنعت نفت آبادان رفت و به تساوی ۲ بر ۲ رسید. علی کریمی در دقیقه ۵ و محمد نوری در دقیقه ۱۰ برای پرسپولیس گلزنی کردند. رضا خالقی‌فرد در دقیقه ۵۴ و روح‌الله عرب در دقیقه ۸۴ گل‌های صنعت نفت را به ثمر رساندند.

پرسپولیس ، این بازی را تهاجمی شروع کرد و در ۱۰ دقیقه ابتدایی مسابقه، دو گل زد ، ولی به مرور تیم نفت بر توپ و میدان مسلط شد. پرسپولیس نتوانست نیم فصل دوم را با پیروزی آغاز کند تا ناکامی‌های سرخ پوشان در لیگ همچنان ادامه یابد.

پرسپولیس با این تساوی خانگی ۲۲ امتیازی شد و به رده سیزدهم سقوط کرد . نفت هم با ۱۲ امتیاز در رده هفدهم باقی ماند.

میهمانی مدعیان

تیم فوتبال استقلال ، امروز در حالی نیم فصل دوم لیگ برتر فوتبال را آغاز می کند که باید در هرمزگان به مصاف تیم تدافعی و سرسخت آلومینیوم برود؛ دیداری که تحت تاثیر حضور میلاد میداوودی و بازی او برای آلومینیوم خواهد بود.

هفته هجدهم لیگ برتر فوتبال باشگاه های کشور، امروز با دیدار تیم‌های استقلال –آلومینیوم هرمزگان و تراکتورسازی –سایپا به پایان می‌رسد. دیدارهایی که به واسطه امتیازات نزدیک تیم‌ها در جدول رده بندی لیگ برتر، چینش و رده آنها را دستخوش تغییر خواهد کرد.

آلومینیوم –استقلال

استقلال در حالی نیم فصل دوم لیگ برتر را شروع می کند که از یک سو بازیکنان این تیم به واسطه دو برد پیاپی در جام حذفی در شرایط مناسبی به سر می‌برند و از سوی دیگر، بعد از بازگشت فرهاد مجیدی دچار حواشی عجیب و غریبی شده است. گفته می‌شود که حضور دوباره مجیدی در استقلال ، باعث دلخوری نکونام و رحمتی شده است ؛ البته فتح الله زاده با رد این موضوع ، گفت: دو پادشاه که هیچ، استقلال پنج پادشاه را در یک اقلیم قرار می‌دهد و نتیجه هم می گیرد.

تداوم این حواشی باعث شد تا امیر قلعه‌نویی هم نسبت به آن واکنش نشان داده و پیش از سفر تیمش به هرمزگان با یک مصاحبه تند به بعضی از بازیکنان آبی پوش ، تلنگر بزند. پیش از این گفته می‌شد که استقلال ممکن است بدون نکونام به مصاف آلومینیوم برود ، ولی کاپیتان تیم ملی همراه سایر بازیکنان استقلال به هرمزگان رفت و خیال قلعه نویی را برای حضور در این مسابقه راحت کرد.

استقلال که در فصل نقل و انتقالات عملکرد خوبی داشت و با جذب چند بازیکن تاثیر گذار، زهردارتر از نیم فصل اول نشان می دهد، امروز مقابل آلومینیومی بازی می کند که همانند صنعت نفت، صاحب بیشترین تساوی در نیم فصل اول بوده است.

شاگردان میثاقیان که به بازی تدافعی مشهور هستند، اینبار در خانه از استقلال پذیرایی می کنند و امیدوارند با کسب سه امتیاز از تیم قلعه‌نویی ، وضع خود را در جدول رده‌بندی بهبود ببخشند.

بدون شک یکی از بازیکنانی که توجهات را در این مسابقه به خود جلب می کند، میلاد میداوودی مهاجم جدید آلومینیوم است که در نقل و انتقالات نیم فصل ، راهی هرمزگان شد. او که با حرف و حدیث فراوان از جمع آبی‌پوشان جدا شد، انگیزه زیادی دارد تا خود را مقابل تیم سابقش ثابت کند.

دیدار تیم‌های استقلال – آلومینیوم هرمزگان، ساعت ۱۷ و ۳۰ دقیقه در ورزشگاه خلیج فارس بندر عباس برگزار می شود .

سایپا – تراکتورسازی

تیم فوتبال تراکتورسازی که در آخرین بازی نیم فصل نخست مقابل پرسپولیس به پیروزی رسید، خود را در بین تیم‌های بالای جدول حفظ کرد. آنها در مرحله یک هشتم نهایی جام حذفی مقابل داماش شکست خوردند و از این مسابقات کنار رفتند تا همه تمرکزشان را روی لیگ بگذارند و به پیروزی دراین مسابقات فکر کنند.

البته در کنار جدایی احسان حاج‌صفی و فرزاد حاتمی از تراکتورسازی، جواد کاظمیان، جاناتان و گردانی به این تیم پیوستند تا تراکتوری‌ها هم مختصر و مفید در نقل و انتقالات عمل کرده باشند. استعفای ناگهانی جعفری، مدیرعامل تراکتورسازی ، شوکی بود که بعد از بازی با داماش به تراکتوری‌ها داده شد؛ هرچند که او خیلی زود به سمتش در این باشگاه بازگشت.

بازیکنان تراکتورسازی،امیدوارند با پیروزی مقابل سایپا در کرج و توقف سایر مدعیان خود را به صدر نزدیکتر کنند. البته سایپا با هدایت محمد تقوی در نیم فصل اول ، فراز و نشیب زیادی را تجربه کرد. سایپا در جدول رده‌بندی، یک رده پایین‌تر از تراکتورسازی قرار دارد و در پی آن است که با برتری مقابل مردان تونی پرتغالی، خود را تا رده چهارم جدول بالا بکشد. بازی سایپای البرز – تراکتورسازی تبریز ، ساعت ۱۵ در ورزشگاه انقلاب کرج برگزار می شود.

برنامه اردوها و بازی های تدارکاتی تیم بسکتبال با ویلچر جوانان

محمدرضا دستیار، سرمربی تیم بسکتبال با ویلچر جوانان، برنامه اردوها و بازی های تدارکاتی داخلی و خارجی این تیم را اعلام کرد.

به گزارش روابط عمومی فدراسیون جانبازان و معلولان، سرمربی تیم بسکتبال با ویلچر جوانان ، گفت: در خلال برگزاری جشنواره استعداد یابی ثامن الحجج (ع)، ۳۴ نفر از ورزشکاران برتر کشور برای فعالیت در رشته بسکتبال با ویلچر، اعلام آمادگی کردند که ۲۴ نفر از آنان با توجه به کلاس بندی و مهارتهای فنی، انتخاب و به نخستین مرحله اردو آمادگی دعوت شدند.

وی افزود: در نخستین مرحله اردو، تمرکز روی سنجش فیزیکی بازیکنان، مهارتهای فردی و کلاس بندی بود و با انتخاب ۱۸ نفر، تمرینات وارد دومین مرحله شد. در مرحله دوم، پایه های تمرینی افزایش یافت و سیستم های دفاعی ، مرور و مورد آموزش قرار گرفتند.

سرمربی تیم بسکتبال با ویلچر جوانان، اعلام کرد: تا پایان سال جاری، سه مرحله اردو آمادگی در نظر گرفته شده است که دو مرحله آن در بهمن و آخرین آن در اسفند برگزار می شود. در سال جدید ، هفت مرحله اردو پیش بینی شده که تا زمان اعزام به رقابت های جوانان جهان در مالزی ادامه خواهد داشت .

او در خصوص اعزام های برون مرزی تیم جوانان ، گفت : خرداد سال ۹۲، مسابقات انتخابی جهان در تایلند برگزار می شود. در صورتیکه مقام اول تا سوم این مسابقات را کسب کنیم، مجوز حضور در رقابت های جهانی ترکیه را بدست می آوریم. پس از آن و در آبان ۹۲ برای شرکت در رقابت های جوانان جهان، عازم مالزی می شویم.

وی از در نظر گرفتن یک مرحله اردو تدارکاتی برون مرزی برای ملی پوشان جوان خبر داد و تصریح کرد: به غیر از اردوهای داخلی، در نظر داریم یک مرحله اردو برون مرزی در ترکیه برگزار کنیم که در صورت فراهم شدن شرایط، این اردو پیش از رقابت های جهانی برگزار خواهد شد.

وی افزود: حضور در چنین تمریناتی و انجام مسابقات در فضایی غیر آشنا، باعث می شود تا ملی پوشان جوان که تجربه مسابقات برون مرزی را ندارند با فضای سالن و حضور تماشاگران، نحوه قضاوت ها و مسائل دیگر آشنا شده و کسب تجربه کنند.

او تاکید کرد: برنامه برگزاری اردوها به شیوه ای تنظیم شده است که تداخلی با لیگ نداشته باشد، چرا که تعدادی از اردو نشینان از بازیکنان لیگ برتر، دسته یک و دسته دو بوده و در فواصلی که لیگ ها برگزار می شوند در تیم‌های خود حضور دارند.

وی با قدردانی از همراهی مصطفی حبیب قربانلو (مربی تیم) ، محمد پورمقدم (مربی بدن ساز) از همه مربیان شهرستانی تشکر کرد و افزود: ملی پوشان جوان، فقط در زمان برگزاری اردوها زیر نظر کادر فنی تیم ملی هستند و در مواقع دیگر، این مربیان زحمت کش کشور هستند که آمادگی ورزشکاران را حفظ می کنند.

کومیته کاهای برتر رقابت های انتخابی در اردوی تیم ملی کاراته

نفرات راه‌یافته به اردوهای تیم ملی کاراته، پس از برگزاری مسابقه‌های انتخابی تیم ملی برای اعزام به بازی‌های کشورهای اسلامی مشخص شدند.

پس از برگزاری مرحله اول مسابقات انتخابی تیم ملی کاراته در بخش کومیته انفرادی در سالن شهید کبکانیان ، نفرات زیر به اردوهای تیم ملی دعوت شدند:

وزن منهای ۵۵ کیلوگرم: محمد شایگان (قم) ، محمد قاسمی (گیلان) و مهدی حاتمیان (همدان)

وزن منهای ۶۰ کیلوگرم: حامد اکبری (زنجان) و علیرضا اجدادی (گیلان)

وزن منهای ۶۷ کیلوگرم: محمدرضا بخشی‌لو (مرکزی) و محمد غروبی (گیلان)

وزن منهای ۷۵ کیلوگرم: هادی داودآبادی (قم) ، محمد کیشانی (مرکزی) و حامد زیگساری (گیلان)

وزن منهای ۸۴ کیلوگرم: مهدی سلطانی (مرکزی) ، منصور حسن‌بیگی (تهران) و احسان حیدری (کرمانشاه)

وزن به اضافه ۸۴ کیلوگرم: پیمان سلطانیان (کرمانشاه) و ایمان سنچولی (گلستان)

همچنین امیر مهدی‌زاده، سعید احمدی، بهمن عسگری، سعید فرخی، ابراهیم حسن‌بیگی، علی فداکار، ذبیح‌اله پورشیب، سامان حیدری، سجاد گنج‌زاده و مازیار الهامی نفراتی بودند که به دلیل حضور در مسابقات جهانی فرانسه از شرکت در اولین مرحله انتخابی تیم ملی معاف شدند. با توجه به مصدومیت مجتبی شکوهی (منهای ۶۰ کیلوگرم)، سعید حسنی‌پور (منهای ۸۴ کیلوگرم) و مجید خسروی (منهای ۶۷ کیلوگرم) و ارائه گواهی پزشکی از سوی کادر فنی، همگی به اردو دعوت شدند که حضورشان در اردوی آمادگی منوط به موفقیت در پیکارهای انتخابی درون اردویی خواهد بود.

اردونشینان کاتا

مرحله نخست پیکارهای انتخابی تیم ملی کاراته ، برای شناخت نفرات برتر کاتای تیمی و انفرادی اعزامی به بازی‌های کشورهای اسلامی برگزار شد.

در کاتای انفرادی، داود شاهچراغی با ۵٫۴۱ امتیاز و سیروس خالقی با ۲٫۴۱ امتیاز، جواز حضور در اردوی تیم ملی را دریافت کردند. فرید حقیقی، عضو تیم ملی کاراته اعزامی به مسابقات جهانی پاریس ، از سوی فدراسیون از حضور در مسابقات مرحله اول معاف شد. در کاتای تیمی ، تیم تهران متشکل از رضا خداشناس، امیر یاری و جمشید حسینی با ۳٫۴۱، کرمان الف با ترکیب مصطفی پور جلالی، عماد میرزایی و حمید عرب پور با امتیاز ۱٫۴۱ و تیم اصفهان با ترکیب محمد علی باتوانی، محمدرضا باتوانی و محمد باتوانی با امتیاز ۴۱ به اردوی تیم ملی راه یافتند.

تیم کاتای تبریز با ترکیب احد شاهین، آرمین روشنی و فرزاد محمد خانلو از انجام مسابقات مرحله اول معاف بودند. مسابقات کومیته نیز برگزار شد و نفرات برتر مشخص شدند، ولی با نظر فدراسیون ، اردونشینان پس از جلسه کادر فنی و مسئولان فدراسیون معرفی خواهند شد.

مصاف صدرنشینان در لیگ برتر والیبال ؛ امروز

لیگ برتر والیبال باشگاه‌های کشور ، امروز با نبرد تیم‌های اول و دوم جدول، توپ پر کاله، رقابت متفاوت خودروسازان و دیدار خانگی جواهری گنبد برای کسب نخستین برد وارد هفته چهاردهم می‌شود.

چهاردهمین هفته لیگ برتر والیبال باشگاه های کشور در شرایطی برگزار می‌شود که تیم کاله با رای کمیته انضباطی، بازنده دیدار هفته گذشته مقابل شهرداری ارومیه شد. این در حالی است که کسب حداقل امتیاز از این بازی ، کمک می کرد تا آملی ها موقعیت بهتری در رقابت با تیم‌های بالانشین جدول داشته باشند و در رده سوم بمانند. با این اوصاف ، آملی ها که از رای صادره راضی نیستند، توپ پری در این هفته از مسابقات خواهند داشت. آنها قطعا از دیدار خانگی مقابل باریج اسانس چیزی جز سه امتیاز کامل را نمی خواهند تا رقابت با رقیبان را حفظ کنند.

سایپا که از نظر تعداد برد و باخت و حتی مجموع امتیاز شرایطی مشابه کاله دارد، در این هفته از مسابقات میزبان تیم تهرانی نوین کشاورز است. رقابت این دو تیم در دور رفت تا گیم پنجم ادامه داشت و با پیروزی شاگردان فرهاد نفرزاده به پایان رسید. البته آنها در دور برگشت ، رقابت به مراتب آسانتری مقابل حریف تهرانی خواهند داشت. سایپا ، اینبار میزبان نوین کشاورز است و قطعا در حضور تماشاگرانش کار راحت‌تری برای تحمیل دوازدهمین باخت به این تیم دارد.

شرایط پیکان در هفته چهاردهم به مراتب سخت‌تر از سایپاست. این تیم که منتظر کوچکترین فرصت برای تصاحب صدر جدول است، امروز میزبان صدرنشین است و این یعنی بهترین فرصت برای شاگردان پیمان اکبری تا با یک تیر، دو نشان را هدف گذاری کنند؛ هم شکست دور رفت مقابل پیشگامان را جبران کنند و هم صدرنشین شوند، البته اگر هر سه امتیاز را از آن خود کنند.

در سایر دیدارهای هفته چهاردهم لیگ برتر والیبال باشگاه‌های کشور، تیم ته جدولی جواهری گنبد در دیدار خانگی مقابل تیم میزان خراسان، شانس خود را برای تصاحب نخستین برد در فصل جاری، امتحان می کند و متین ورامین که در کمترین فاصله با چهار تیم بالای جدول قرار دارد، میزبان شهرداری تبریز خواهد بود.

همچنین دو تیمی که پرونده آنها در نشست اخیر کمیته انضباطی بررسی شد، در این هفته مقابل هم صف آرایی می کنند. بر این اساس ، آلومینیوم المهدی بندرعباس بدون یاشار شاهینی که محروم شده است، به مصاف شهرداری ارومیه خواهد رفت. به طور حتم به دلیل حاشیه‌هایی که این دو تیم در دیدارهای اخیر داشتند، رقابت‌شان در این هفته بیش از گذشته، زیر ذره بین خواهد بود.

ناظمی اردکانی: ارائه کارت ملی هوشمند از سالروز میلاد نبی اکرم (ص) آغاز می شود

رئیس سازمان ثبت احوال کشور گفت: ارائه کارت ملی هوشمند در سالروز ولادت نبی اکرم (ص) به صورت رسمی آغاز می شود.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی دولت، محمد ناظمی اردکانی افزود: زیرساخت های نرم افزاری و سخت افزاری صدور این کارت انجام شده است.

وی گفت: مندرجات و عکس کارت ملی هوشمند لیزری و از هفت لایه تشکیل شده است که جعل آن امکان پذیر نیست. ناظمی اردکانی با بیان این که استفاده از کارت‌های ملی کنونی فقط از طریق حضور فیزیکی امکان پذیر است گفت: با کارت ملی هوشمند افراد در منزل نیز خدمات دریافت می کنند.

رئیس سازمان ثبت احوال کشور افزود: کارت ملی هوشمند دارای رمز برای هر فرد است که به وسیله آن وارد فضای مجازی می شود.

ناظمی اردکانی گفت: این کارت ۱۰ سال اعتبار دارد و برای تغییر کد پستی و فایل های اطلاعاتی نیاز به تعویض کارت نیست. وی با بیان این که برای همه کارت ملی هوشمند صادر خواهد شد افزود: کارت افراد زیر ۱۵ سال حافظه کمتری در مقایسه با کارت افراد بالای ۱۵ سال دارد.

رئیس سازمان ثبت احوال کشور گفت: با توجه به این که تاریخ انقضای کارت‌های ملی کنونی تا پایان سال ۹۲ است همه تلاش خود را برای ارائه کارت ملی هوشمند تا پایان سال ۹۲ انجام می دهیم اما اگر این کار انجام نشد اعتبار کارت‌های ملی تمدید خواهد شد.

وی افزود: هموطنان برای دریافت کارت ملی هوشمند پس از اعلام زمان نام نویسی باید در پرتال سازمان ثبت احوال فرم مربوط را کامل کنند و با دریافت کد رهگیری و مراجعه به مراکز مربوطه از آنها عکس گرفته می شود و پس از چند روز می توانند کارت خود را دریافت کنند.

صدور کارت هوشمند ملی تا سال ۹۵

قائم مقام مجری طرح کارت هوشمند ملی نیز در این باره گفت: کارت هوشمند ملی برای همه ایرانیان تا سال ۹۵ صادر می‌شود.

به گزارش ایسنا، محمد ابراهیم طریقت افزود: در حال حاضر استقرار دولت الکترونیک از اهم اهداف نظام است و کارت هوشمند ملی یکی از مهمترین مباحث زیرساختی برای استقرار دولت الکترونیک محسوب می‌شود که طبق قانون برنامه پنجم توسعه تا پایان سال ۹۵ برای ایرانیان بالای ۱۵ سال صادر می‌شود.

وی با بیان این مساله افزود: کارت هوشمند ملی یکی از مهمترین پیش نیازهای مدیریت هویت دیجیتال است که همزمان با برنامه دولت الکترونیک باید به صورت وسیع و فراگیر دنبال شود. وی افزود: در این طرح به هر شهروند ایرانی یک کارت هوشمند ملی ارائه می‌شود که به عنوان مرجع تشخیص و تصدیق هویت افراد در فضای دیجیتال و خدمات مربوط قرار می گیرد.

طریقت خاطر نشان کرد: کاربرد این کارت‌ها به دو دسته تقسیم می‌شود، دسته اول کاربردهای هویتی که می‌توان به شناسایی، تصدیق هویت، امضای دیجیتال و انتخابات الکترونیکی اشاره کرد و دسته دوم کاربردهای شهروند الکترونیکی که شامل سلامت الکترونیک با محوریت وزارت بهداشت، یارانه الکترونیکی با محوریت وزارت رفاه و کاربرد بانکی با محوریت بانک مرکزی خواهد بود. وی اشاره کرد: تراشه نصب شده روی این کارت دارای ۷۵ کیلو بایت حافظه خواهد بود .

قائم مقام مجری طرح کارت هوشمند ملی افزایش امنیت فیزیکی، بیومتریک، تراشه و زیرساخت و حداقل رساندن امکان جعل هویت را از جمله اهداف این طرح مهم ذکر کرد.

ارائه الکترونیک برخی خدمات ثبت احوال

مدیرکل اسناد هویتی سازمان ثبت احوال کشورهم گفت: از ماه آینده، تعویض و صدور المثنی شناسنامه، تغییر نام خانوادگی و استعلامات هویتی، الکترونیکی انجام خواهد شد. به گزارش پایگاه اطلاع رسانی دولت ،محسن اسماعیلی با اشاره به آرشیو صد و دو میلیون سند سجلی و بارگذاری ۸۵ میلیون اطلاعات سجلی افراد در پایگاه اطلاعاتی ثبت احوال کشور از سال ۸۹ تاکنون افزود: بر اساس مصوبه شورای عالی ثبت احوال، با بهره‌مندی از آرشیو الکترونیکی بخشی از خدمات نظیر تعویض و صدور المثنی، تغییر نام و نام خانوادگی، پاسخگویی به استعلامات هویتی مراجع قضایی و دستگاهها ، در کمترین زمان و هزینه و همچنین به سهولت انجام خواهد شد. وی گفت: با اجرای طرح الکترونیکی شدن خدمات سجلی، درخواست کنندگان می توانند بدون مراجعه به محل تولد و یا محل صدور شناسنامه، از خدمات مختلف سجلی بهره مند شوند.

مدیرکل اسناد هویتی سازمان ثبت احوال کشور، همچنین با اشاره به برنامه‌های راهبری این سازمان در ثبت ولادت و وفات به هنگام گفت: با همکاری ۴۰ هزار ثبت یار، استقرار ماموران در بیمارستان ها و آرامگاه ها و همکاری شبکه اعلام وقایع حیاتی، میزان ثبت به هنگام ولادت در مدت ۹ ماه امسال در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته از ۹۲ درصد به ۹۶ درصد و میزان وفات از ۸۹/۵ درصد به ۹۳ درصد رشد داشته است.

اسماعیلی افزود: تا پایان برنامه پنجم توسعه، میزان ثبت به هنگام ولادت و وفات بر اساس استانداردهای بین‌المللی به ۹۸ درصد خواهد رسید .

اعلام ویژه برنامه‌های ستاد بزرگداشت حماسه ۹ دی

سرویس سیاسی –اجتماعی: رئیس ستاد بزرگداشت حماسه نهم دی برنامه های این ستاد در روزهای آتی را تشریح کرد .

علی محمد نائینی با بیان این که مدیریت مقام معظم رهبری مهم‌ترین عامل آفرینش حماسه ۹ دی بود، افزود: ۹ دی؛ روز حماسه و پیروزی ملت بصیر و حرکت مردم مبتنی بر نگرش عاشورایی بود. مردم ایران در سخت‌ترین شرایط از کربلا، عاشورا و امام حسین(ع) قدرت گرفته اند و درونمایه همه حرکت‌های مردم ، عاشورای حسینی بوده است.

وی تاکید کرد: قیام مردمی نهم دی به تعبیر مقام معظم رهبری «یکی از قله‌های فراموش نشدنی»، «شناختن موقعیت و حضور در لحظه‌های مورد نیاز»، «حرکتی در فضای غبارآلود»، «حرکتی متکی بر ایمان و اراده الهی» در تاریخ انقلاب اسلامی بود.

نائینی یادآور شد: ۹ دی یک قله است و خاطره بسیار خوبی را در ملت ایران به جا گذاشته است. بزرگداشت قیام مردمی ۹ دی را نباید در اقدامات تبلیغی کم تاثیر و شعاری و انتشار تیترهای نامناسب نشریات تنزل یابد. هیچ اقدامی نباید کار بزرگ مردم را تحت الشعاع قرار دهد.

رئیس ستاد بزرگداشت حماسه نهم دی افزود: متاسفانه برخی این حماسه بزرگ را نادیده می گیرند و برخی دیگر با اهدافی به مصادره آن می‌پردازند و به خودشان در خلق این حماسه جایزه می دهند.

وی تاکید کرد: فلسفه ستاد بزرگداشت حماسه ۹ دی در شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، بزرگداشت یک خاطره ملی است. همچنانکه مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای ستاد در سال قبل فرمودند؛ «۹ دی حادثه کوچکی نبود، بلکه یک حرکت عظیم و ماندگار، شبیه حرکت های بزرگ ملت ایران در روزهای اول انقلاب بود.»

رئیس ستاد بزرگداشت حماسه نهم دی تصریح کرد: مقام معظم رهبری بر ممکن بودن خلق حماسه نهم دی با اراده‌های انسانی صحه گذاشتند و فرمودند: «دست خدای متعال، روح ولایت و روح حسین‌بن‌علی (علیه‌السلام) در لحظه لحظه آن حماسه ماندگار دیده می‌شد.» لذا نهم دی سال ۱۳۸۸ به عنوان روز «بصیرت و میثاق امت با ولایت» در تاریخ انقلاب اسلامی ماندگار شد چراکه مردم در این روز، حجت را بر همه تمام کردند.

نائینی با بیان این که در حماسه نهم دی؛ وحدت و یکپارچگی ملت ایران آشکار و دشمنان انقلاب اسلامی به عظمت آن اعتراف کردند، افزود: در ۹ دی قدرت بسیج گری نظام جمهوری اسلامی یک بار دیگر برای نظام سلطه آشکار شد. در هیچکدام از نظام های موجود جهان و در هیچ دوره تاریخی در ایران این قدرت بسیج گری دیده نشده است و ۹ دی نشان داد نظام جمهوری اسلامی از اعتماد مردمی فوق العاده برخوردار است.

وی تاکید کرد: تبیین جایگاه و نقش رهبری انقلاب در هدایت جامعه، حفظ انسجام ملی و حراست از اصول و خطوط کلی حرکت انقلاب ، توجه به ۹ دی به عنوان رویدادی ملی و دربرگیرنده همه اقشار، جریانات و گروه‌های معتقد به انقلاب اسلامی با مشارکت همه رأی‌دهندگان در انتخابات دهم ریاست جمهوری اسلامی از محورهای دیگر است.

رئیس ستاد بزرگداشت حماسه نهم دی افزود: خوشبختانه امسال شاهد برنامه های متنوع‌تر هستیم و آثار تولید شده و جدید افزایش یافته و رویکرد تبیینی تقویت شده است.

وی از برگزاری ۶۰۰ نشست تحلیلی-علمی و بصیرتی در سراسر کشور؛ چهار جشنواره ادبی-هنری، تولید ۱۰ مورد برنامه ومستند ویژه پخش تلویزیونی، ۹۰۰ اثر نمایشی (فیلم کوتاه، انیمیشن)، تهیه اشعار و تولید سرودهای مناسب، انتشار ۱۶ ویژه نامه و صفحه ویژه در مطبوعات سراسری، و چهار مورد صفحه ویژه خبرگزاری ها، تولید و تکثیر چهار نرم‌افزار جدید، فعال‌سازی و ساماندهی ۶۰۰ وبلاگ نویس فعال ۹ دی، تولید و انتشار ۹ قطعه پوستر تولید چند بسته محتوایی برای سخنوران و بهره برداری در تولیدات فرهنگی و رسانه‌ای، شناسایی و معرفی حدود ۶۰ نفر از کارشناسان برجسته برای معرفی به نهادها، رسانه ها و سازمان‌ها در سراسر کشور به عنوان اهم اقدامات در سومین سال بزرگداشت حماسه نهم دی یاد کرد.

رئیس ستاد بزرگداشت حماسه نهم دی درباره نشست‌ها و همایش‌های تحلیلی با موضوع‌های روشنگری ۹ دی گفت:

دومین همایش «نهم دی، رمز ماندگاری انقلاب اسلامی» توسط سازمان بسیج اساتید کشور با مشارکت نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها و تعدادی از دانشگاه‌های تهران، فردا در سالن همایش‌های صدا و سیما برگزار می‌شود . همچنین نشست دانشجویی «بصیرت» در دانشگاه اصفهان توسط دفتر نمایندگی ولی‌فقیه در دانشگاه‌ها، نشست‌های دانشجویی و اساتید، کرسی‌های آزاداندیشی و نشست‌های پرسش و پاسخ در بسیاری از دانشگاه‌های کشور با مشارکت بسیج دانشجویی، بسیج اساتید و نهاد رهبری در دانشگاه‌ها و وزارت علوم، سلسله نشست‌های تبیینی در مرکز تحقیقات وزارت کشور، نشست‌های «نهم دی، حماسه ماندگار» در تمامی رده‌های بسیج، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروهای سه‌گانه ارتش جمهوری اسلامی ایران و ناجا، حدود ۶۰۰ نشست و همایش توجیهی و تبیینی در سراسر کشور، همایش دانشجویی ملی بصیرت ، همایش «مجمع عالی پیشکسوتان» توسط سازمان بسیج پیشکسوتان، همایش «راهی برای فردا» توسط سازمان بسیج جامعه زنان، تجمع باشکوه بسیجیان در نماز جمعه در سراسر کشور، تجمع هیأت‌های مذهبی با محوریت اربعین و بصیرت در میدان امام حسین علیه‌السلام و همایش «حماسه نهم دی» در سالن همایش سازمان اسناد و کتابخانه ملی طی روزهای آینده برگزار می شود.

نائینی اقدام های صورت گرفته در فضای مجازی برای ۹ دی را هم به شرح زیر اعلام کرد:

۱– تولید و تکثیر نسخه سوم نرم‌افزار «روز بصیرت» به‌عنوان نخستین و جامع‌ترین نرم‌افزار ویژه نهم‌دی توسط شهرداری تهران.

۲– تولید و تکثیر نرم‌افزار «بصیرت عاشورایی»

۳– تولید و انتشار نمایشگاه ۴۰ قطعه‌ای ستیز با عاشورا در سراسر کشور توسط سازمان بسیج مستضعفین.

۴– برپایی دومین دوره جشنواره «حماسه تا حماسه» ویژه دانشجویان سراسر کشور در فضای مجازی از ۹ دی تا ۲۲ بهمن توسط وزارت علوم.

۵–برگزاری همایش ۱۵۰۰ نفری فعالان فضای مجازی با موضوع ۹ دی توسط سپاه تهران بزرگ

۶– اختتامیه جشنواره سایبری لبیک یا رسول الله (ص) با ارزیابی ۳۰۰ اثر و معرفی آثار برگزیده (کاریکاتور، وبلاگ، پوستر، نماهنگ و...) توسط سپاه تهران بزرگ

۷–فعال سازی و ساماندهی ۶۰۰ وبلاگ نویس فعال ۹دی،

رئیس ستاد بزرگداشت حماسه نهم دی از رونمایی از کتاب ۹ دی در همایش ملی، توزیع اقلام تبلیغاتی و روشنگری میان نمازگزاران استان‌های تهران، البرز و انتشار ۹ قطعه پوستر توسط ستاد نهم‌دی و ارسال به همه استان‌های کشور در سالروز این حماسه خبر داد.

پیشنهاد اختصاص بودجه کمکی به مقاوم سازی بیمارستان ها در سال ۹۲

رئیس کمیته محیط زیست شورای شهر تهران خواستار ارائه طرحی پیشنهادی به دولت برای اختصاص بودجه مقاوم سازی و نوسازی به بیمارستانها و مدارس در لایحه بودجه ۹۲ شد.

به گزارش مهر، معصومه ابتکار در جلسه علنی دیروز شورای شهر تهران همچنین خواستار ارائه گزارشی از وزارتخانه‌های بهداشت و آموزش و پرورش درباره نوسازی و مقاوم سازی بیمارستان‌ها و مدارس پایتخت شد و گفت: حفظ جان مردم هدف مشترک همه دستگاه‌هاست و فقط شهرداری در این باره مسئول نیست.

وی با اشاره به این که از میان ۳۷۰۰ مدرسه نیازمند بازسازی و مقاوم سازی فقط ۷۶۰ مورد مقاوم سازی شده است گفت: باید گزارشی ارائه شود که بر اساس آن بتوان انطباق فعالیت‌های انجام شده با بودجه چهار میلیارد دلاری و برنامه زمانی پیش بینی را سنجید.

بر اساس این گزارش ،مهندس مهدی چمران رئیس شورای شهر هم در این جلسه درباره ضرورت تهیه شناسنامه فنی ساختمان، اظهارداشت: در شورای شهر تهیه یک شناسنامه مختصر دو صفحه‌ای را دنبال کردیم که در آن اطلاعاتی درباره اسکلت بنا و مشخصات فنی دیگر ذکر شود، اما این مصوبه همچنان بر زمین مانده است.

وی افزود: اکنون شناسنامه فنی برای املاک ۳ هزار متر به بالا اجرا می‌شود، اما تاکید شورای شهر این است که در تمام ساخت و سازهای جدید اعم از کوچک و بزرگ این شناسنامه تهیه شود.

چمران همچنین خواستار پیش بینی نرم افزاری در شهرداری تهران برای ارزیابی محاسبات فنی مهندسان در هنگام ساخت و ساز شد و گفت: با وجود یک نرم افزار واحد می توان صحت تمام محاسبات را به سادگی کنترل کرد.

تشکیل کمیته مشترک مقاوم سازی بیمارستانها

حمزه شکیب رئیس کمیسیون عمران شورای شهر تهران هم در پیشنهادی اظهار داشت: اهمیت بیمارستان‌ها کمتر از مدارس نیست ،بنابراین پیشنهاد می کنم که برای مقاوم سازی بیمارستان‌ها شورای شهر تهران حرکتی را آغاز کند که طی آن کمیسیون بهداشت مجلس، مسئولان وزارت بهداشت و اعضای شورای شهر در یک کمیته مشترک برای این کار برنامه ریزی کنند و موضوع تا تخصیص اعتبارات لازم دنبال شود.

علیرضا دبیر عضو هیات رئیسه شورای شهر تهران با تاکید بر این که شهرداری تهران باید سه آیتم نما، سازه و ارتفاع را جدی بگیرد و بر آن نظارت کند، گفت: این که کیفیت ساخت و ساز بر عهده شهرداری است یا دستگاه‌های دیگر، جای بحث دارد. حتی باید به موضوعاتی نظیر تخلفات در زمینه فروش مصالح هم رسیدگی شود.

اعضای شورای شهر تهران همچنین به بهانه سالگرد زلزله بم، به بررسی مشکلات احتمالی پایتخت در زمان زلزله پرداختند.

در ادامه جلسه احمد مسجد جامعی عضو کمیسیون فرهنگی اجتماعی شهر تهران با اشاره به درخواست جلسه قبل خود مبنی بر ارائه گزارشی در خصوص کشته شدگان حادثه گودبرداری منطقه ۱۳ گفت: آن گزارش احترام به جان انسان‌ها بود و به دنبال مقصر در این حادثه نبودیم.

وی در ادامه از آتش نشانی که این هفته در دفاع از جان و مال مردم جان خود را از دست داد قدردانی کرد و گفت: وی برای حفظ جان دیگران جانش را از دست داد.

زلزله بم استثنایی بود

حمزه شکیب رئیس کمیسیون عمران شورا هم در سالگرد زلزله بم که روز ملی ایمنی در برابر زلزله است با تقسیم بندی کشور به ۴ منطقه خطر گفت: بم در منطقه خطر متوسط قرار داشت، اما تهران بر اساس نقشه ها در منطقه خطر زیاد است و گسل های فراوان فعالی دارد.

مقاوم سازی مدارس به عنوان یک الگوی موفق

شکیب در ادامه با اشاره به بودجه ۴ میلیارد دلاری برای مقاوم سازی مدارس گفت: می توان از بازسازی و مقاوم سازی مدارس به عنوان یک الگوی موفق در این زمینه نام برد. به طور مثال در زلزله اهر ۸ مدرسه ای که مقاوم سازی شده بودند حتی یک ترک نیز برنداشتند و به عنوان ستاد بحران استفاده شدند.

رئیس کمیسیون عمران شورا با اشاره به روند نوسازی مدارس پایتخت گفت: ۶ هزار مدرسه در تهران است که ۲ هزار مدرسه امکان مقاوم سازی دارند و ۱۷۰۰ مدرسه نیاز به تخریب و نوسازی دارند وفقط دو هزار و ۳۰۰ مدرسه در تهران هستند که مشکلی ندارند. از این تعداد ۳۷۰ مدرسه مقاوم سازی شده و ۳۹۰ مدرسه نیز تخریب و نوسازی شده است.

رئیس کمیسیون عمران شورا با اشاره به وضع بیمارستان ها گفت: متاسفانه بیمارستان ها در وضع نامناسبی قرار دارند و حتی یکی از بیمارستان های ورزقان قبل از افتتاح کاملا تخریب شده است. بسیاری از بیمارستان های کشور پس از بحران قابلیت بهره برداری ندارند.

شکیب با بیان این که ۵۰ درصد بیمارستان‌های کشور قدمتی بیش از ۳۰ سال دارند، گفت: بسیاری از این بیمارستان ها قبل از سال ۷۵ ساخته شده اند که هنوز آئین نامه ساخت دو هزار و ۸۰۰ به تصویب نرسیده بود .همچنین اکثر بیمارستان ها ضوابط فنی در آنها رعایت نشده بود.

وی در ادامه این جلسه با اشاره به این که در سال های میان ۸۰ تا ۸۲ سازمان مدیریت برنامه ریزی مطالعاتی برای مقاوم سازی بیمارستان های کشور انجام داد، گفت: اما پس از این سال هیچ کاری در این حوزه انجام نشد.

رئیس کمیسیون عمران شورا با بیان اینکه ایران جزء ۵ کشور اول دنیا در زمینه علم زلزله است، گفت: متاسفانه از این ظرفیت های علمی استفاده نمی کنیم و در ساخت و ساز جزء ۳۰ کشور دنیا هستیم.

وی تاکید کرد: دانشی که ما از پول ملت برای کسب آن خرج می کنیم صرف حل مشکلات کشورهای دیگر می شود. متاسفانه ما به دنبال بهانه برای از زیر کار در رفتن هستیم اما باید به جای از زیر کار در رفتن به دنبال گرفتن زیر یک خم کار باشیم.

اعتراض به کمیسیون ماده ۱۰۰

نایب رئیس شورای شهر تهران هم با انتقاد از اجرا نشدن احکام کمیسیون ماده ۱۰۰ شهرداری تهران گفت: این کمیسیون به مرجع قانونی کردن تخلفات مالک یا شهرداری تبدیل شده است.

به گزارش مهر، حسن بیادی با اشاره به ساخت و سازهای غیر مجاز در سطح شهر تهران و حوادث ناشی از گودبرداری گفت: این اتفاقات در گذشته هم رخ داده و در آینده هم ادامه خواهد داشت چرا که مدیریت شهری و سایر مسئولان به صورت عملیاتی برای حل این موضوع ورود نکرده‌اند. این در حالی است که در ماده ۱۰۰ قانون شهرداری‌ها، بندهای انضباطی و تنبیهی در حوزه ساخت و ساز وجود دارد که متاسفانه اجرا نمی‌شود.

این عضو شورای شهر تهران با بیان این که اغلب تخلفات ساخت و ساز با پرداخت جریمه از سوی مالک فیصله می یابد به اجرانشدن بسیاری از آرای کمیسیون ماده ۱۰۰ اشاره کرد و گفت: در شورای سوم گزارشی از ۱۰۰ رای خاص کمیسیون ماده ۱۰۰ که مربوط به تخلفات بیش از ۲۰۰ میلیون تومان یا بالای ۱۰۰ متر بود، ارائه کردم که ۹۸ مورد آن اجرا نشده بود. اما شورای شهر در برابر این موضوع چه کرد؟ ما فقط مردم را تنبیه می‌کنیم و حاضر نیستیم خودمان را هم تنبیه کنیم. این تخلفات یک طرفه نیست و همه کوتاهی می کنیم.

بیادی همچنین یکی از دلایل نبود عزم جدی برای مقاوم سازی و نوسازی بیمارستان‌ها را سن بالای سهامداران بیمارستان‌ها دانست.

در این جلسه دکترعباس شیبانی مسن ترین عضو شورای شهر تهران گفت : تا به این سن به یاد ندارم بیمارستانی در اثر زلزله در تهران فروریخته باشد و بیمارستانهای پایتخت ایمن هستند.

۳ استان کشور میزبان شب شعر انقلاب می‌شوند

سه استان کشور از هفته جاری و در قالب سه برنامه میزبان سلسله نشست‌های شب‌های شعر انقلاب اسلامی خواهند شد.

به گزارش مهر، نشست خبری مراسم شب‌های شعر انقلاب، دیروز با حضور علی محمد مودب مدیرعامل موسسه فرهنگی شهرستان ادب، علی داوودی، دبیرعلمی این برنامه و محسن عرب خالقی دبیر اجرایی شب‌های شعر انقلاب در محل موسسه فرهنگی شهرستان ادب برگزار شد.

در این مراسم و پس از سخنرانی علی‌محمد مودب، علی داوودی دبیرعلمی این برنامه در سخنانی با اشاره به اینکه شعر انقلاب در عنوان و موضوع خود مخاطب را با مسائل فردی و اجتماعی متنوعی مواجه می سازد، گفت: شعر انقلاب یک جریان ادبی سالم و متعهد است که در دل تلاطم‌های ادبی روزگار ما خود را حفظ کرده و پرچمدار بار امانت خود است.

داوودی افزود: شعر بخش عظیمی از بنای فرهنگ ایرانی اسلامی ما را ساخته است و بخش وسیعی از تعالیم ساخته شدن آن نسل به نسل به ما منتقل شده و امروز هم شعر انقلاب اسلامی معرف جهان‌بینی امروز ایرانیان به شمار می‌رود.

وی ادامه داد: شعر انقلاب اسلامی به جهت فرم و تکنیک هم در سال‌های گذشته تجربه‌های گوناگونی را از سر گذرانده که او را زنده نگاه داشته و از آن جریانی همواره جوان و در تکاپو برای کشف خود خلق کرده است که گستره آن از یک پیامک تا پیام‌های بزرگ در رسانه‌های مختلف را شامل می‌شود. جدا از همه این شعر همپای مردم به عنوان مخاطبانش جلو آمده و این مساله است که به آن اهمیت ویژه‌ای می‌دهد.

در ادامه این نشست خبری، محسن عرب‌خالقی، دبیر اجرایی این نشست در سخنانی اظهار کرد: شب‌های شعر انقلاب یک مانور فرهنگی در جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی است که پیش از این نیز مقام معظم رهبری بارها و بارها درباره کمرنگ شدن وجهه آن در جامعه صحبت کرده‌اند.

وی افزود: برنامه شب‌های شعر انقلاب برنامه‌ای است که قرار است از این پس در تمام مناسبت‌های مربوط با انقلاب اسلامی برگزار شود که برای گام نخست، شهر اصفهان پنجشنبه هفتم دی با حضور ۲۰ شاعر برجسته اصفهان و شش شاعر برجسته از شهرهای دیگر کشور در تالار ادب این شهر میزبان آن خواهد بود. همچنین در ۹ دی تالار اندیشه حوزه هنری با حضور ۳۵ شاعر برجسته میزبان دومین نشست آن خواهد بود.

به گفته عرب‌خالقی، شهر شیراز نیز در ۱۶ دی، ۲۰ شاعر مطرح از استان فارس و ۱۷ شاعر از سایر استان‌های کشور را میزبانی خواهد کرد.

داوودی در ادامه این نشست خبری در سخنان کوتاهی تاکید کرد: این برنامه سعی دارد تعاملی میان شاعران نسل جدید و قدیم کشور ایجاد کند و در این راستا از شاعرانی که قبل از انقلاب صاحب دفتر شعر هستند تا جوانان، در این مراسم حضور خواهند داشت.

به گفته داوودی همه این سه مراسم پس از نماز مغرب آغاز خواهند شد و از میان شاعران حاضر در مراسم شب‌شعر تهران می‌توان به‌افرادی چون سیدعلی موسوی گرمارودی، علی معلم دامغانی، یوسفعلی میرشکاک، علی انسانی، علیرضا قزوه، محمدعلی بهمنی، مصطفی محدثی خراسانی، عباس براتی‌پور، و غیره اشاره کرد.

آغاز فعالیت مرکز اطلاع رسانی بیمه طلایی بازنشستگان

ستاد اجرایی بیمه طلایی درمان بازنشستگان کشوری اعلام کرد : برای تسهیل در ارایه خدمات پزشکی و اطلاع‌رسانی به بازنشستگان تحت پوشش صندوق بازنشستگی کشوری فعالیت مرکز اطلاع رسانی بیمه طلایی درمان از روز شنبه نهم دیماه آغاز می شود .

به گزارش اداره کل روابط عمومی و امور بین الملل صندوق بازنشستگی کشوری اپراتورهای این مرکز هر روز از ساعت ۸ صبح تا ۲۰ آماده پاسخگویی هستند . این گزارش حاکی است تمامی بازنشستگان کشوری در سراسر کشور می توانند برای دریافت اطلاعات بیشتر بیمه طلایی درمان با تلفن‌های ۸۸۹۵۹۳۷۱– ۸۸۹۵۹۳۷۲– ۸۸۹۵۹۳۷۶– ۸۸۹۶۷۰۹۶– ۸۸۹۶۷۰۹۵ تماس بگیرند و یا به آدرس اینترنتی www.CSPF.ir مراجعه نمایند.

ترحیم

«آنکه نمردست و نمیرد خداست»

شادروان **فضل‌الله کاسمی** دادیار بازنشسته دیوانعالی کشور به رحمت ایزدی پیوست.
سروران گرامی، زنده‌یاد **فضل الله کاسمی** همسر و پدر بزرگوارمان همواره مخالف سرسخت برگزاری مراسم فوت و اتلاف وقت دیگران بود.
او وصیت کرد پس از فوت برایش هیچ مراسمی برگزار نگردد تا وقت گرانبهای دوستان و عزیزان تلف نشود.
ما نیز طبق وصیت ایشان، درگذشت این عزیز از دست رفته را به اطلاع کلیه دوستان و آشنایان محترم می‌رسانیم و هزینه برگزاری مراسم صرف انجام امور خیریه می‌نمائیم.
همسر: سیما قازانچائی (کاسمی)
فرزندان: دکتر فتح‌الله کاسمی ـ دکتر سیاوش اسدالله کاسمی

بازگشت همه به سوی خداست

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت انسانی فاضل و نیکوکار و خدمتگزار مردم جناب آقای **فضل‌الله کاسمی** (بزرگ خاندان کاسمی) را به اطلاع کلیه اقوام و آشنایان محترم می‌رساند.
ضمن عرض تسلیت به خانواده محترم کاسمی به ویژه همسر گرامی و مهربانش سرکار خانم سیما قازانچائی (کاسمی) و فرزندان برومندش جنابان آقایان دکتر اسدالله و دکتر فتح‌الله کاسمی صبر و سلامتی بازماندگان و علو درجات و مغفرت برای آن عزیز از دست رفته را مسئلت می‌نماید.
محمود کاسمی

بازگشت همه به سوی خداست

با اندوه فراوان درگذشت دوست و انسانی فاضل و نیکوکار مرحوم مغفور آقای **فضل‌الله کاسمی** را به اطلاع می‌رسانیم.
ضمن عرض تسلیت به خانواده محترم کاسمی به ویژه همسر گرامیشان سرکار خانم سیما قازانچائی (کاسمی) و فرزندان برومندشان دکتر اسدالله و دکتر فتح‌الله کاسمی صبر و سلامتی بازماندگان را از درگاه ایزد منان خواهانیم.
دکتر حبیب هدایت ـ جمشید خزیمه ـ دکتر خزیمه ـ کشاورزیان ـ مهندس معتمدی ـ دکتر میرفخرایی ـ قوامی ـ دکتر کلالی ـ رضا سجادی ـ دکتر هروی ـ احمد سمیعی ـ شریفها ـ زهتاب فرد ـ دکتر یحیی شمس ـ دکتر پیشوائی ـ میرافضلی ـ امینی ـ پایدار ـ صوفی ـ دکتر تجدد ـ نیک‌نژاد

آنکه نمردست و نمیرد خداست

درگذشت شادروان **فضل‌الله کاسمی** بزرگ‌مردی شریف وانساندوست را به همسر محترمه و فرزندان برومندشان تسلیت عرض می‌نماید.
روزنامه اطلاعات ـ شهریار راد

بازگشت همه بسوی اوست

با اندوه فراوان درگذشت مرحومه مغفوره بانوی نیکوکار و عمه فداکارمان خانم **حکیمه خانم حاجی اسماعیل‌زاده قره‌باغی** را به اطلاع کلیه بستگان، دوستان و آشنایان می‌رساند.
مجلس یادبود آن مرحومه در روز جمعه ۹۱/۱۰/۸ از ساعت ۱۴/۳۰ لغایت ۱۶ در مسجد حجت ابن الحسن عسگری (عج) واقع در خیابان رودکی بالاتر از چهارراه مرتضوی برگزار می‌شود.
حضور سروران گرامی موجب شادی روح آن مرحومه خواهد بود.
از طرف: برادرزاده‌ها و خانواده‌های: قره‌باغی ـ صفری و سایر بستگان، دوستان و آشنایان

تنها اوست که باقیست

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت شادروان **دکتر احمد فاتحی**، بزرگ خاندان فاتحی را به اطلاع دوستان و آشنایان محترم می‌رساند. مجلس ترحیم آن مرحوم روز چهارشنبه ۹۱/۱۰/۰۶ از ساعت ۱۵:۱۵ الی ۱۶:۴۵ در مسجدالرضا(ع) واقع در میدان نیلوفر منعقد می‌گردد.
خانواده‌های: فاتحی، شریعتمداری، مرآتیان، امیرخیزی، سادات دربندی، فروغی و سایر اقوام وابسته

تنها اوست که باقیست

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت شادروان **دکتر احمد فاتحی**، بزرگ خاندان فاتحی (پدر جناب آقای دکتر خسرو فاتحی) را به اطلاع دوستان و آشنایان محترم می‌رساند. مجلس ترحیم آن مرحوم روز چهارشنبه ۹۱/۱۰/۰۶ از ساعت ۱۵/۱۵ الی ۱۶/۴۵ در مسجدالرضا(ع) واقع در میدان نیلوفر منعقد می‌گردد.
شرکت ماورای فنون عصر

تنها اوست که باقیست

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت شادروان **دکتر احمد فاتحی**، بزرگ خاندان فاتحی (پدر جناب آقای دکتر خسرو فاتحی) را به اطلاع دوستان و آشنایان محترم می‌رساند. مجلس ترحیم آن مرحوم روز چهارشنبه ۹۱/۱۰/۰۶ از ساعت ۱۵/۱۵ الی ۱۶/۴۵ در مسجدالرضا (ع) واقع در میدان نیلوفر منعقد می‌گردد.
شرکت فرین نگار آسیا

انالله و انا الیه راجعون

با اندوه فراوان درگذشت بانوی فداکار و نیکوکار مرحومه مغفوره **سیده صدیقه سجادی** را به اطلاع بستگان و همشهریان محترم زنوزی می‌رساند.
مجلس ختم آن مرحومه روز جمعه ۹۱/۱۰/۸ از ساعت ۱۵/۳۰ الی ۱۷ در مسجد حضرت ابوالفضل(ع) واقع در خیابان ستارخان، نبش کوچه کوکب برگزار می‌گردد.
حضور سروران و همشهریان محترم زنوزی موجب امتنان بازماندگان خواهد بود.
خانواده‌های: سجادی ـ سید سجادی ـ احمدی قشلاقی ـ خوشرویی ـ نصیری ـ عبدالرحیمی ـ ساعی ـ سالمی ـ افسری ـ مردانی ـ فروتن ـ سامان ـ رضوی ـ رضایی ـ حسینیان ـ زنوزی

بازگشت همه به سوی اوست

ضمن سپاس فراوان از عزیزانی که در سوگ مادر عزیزمان با ما همدردی نمودند به استحضار می‌رساند مراسم ختم مرحومه مغفوره **حاجیه خانم کبری صالحی مادر شهید احمد صالحی** در روز جمعه مورخ ۸ دی ماه از ساعت ۱۴/۳۰ الی ۱۶ در مسجد حضرت ابوالفضل(ع) منعقد می‌باشد. امید است با تشریف‌فرمایی خود موجب تسلی بازماندگان گردید. خداوند ایشان را با صالحان محشور فرماید.
نشانی: تهران، شهرک غرب، بلوار فرحزادی، بلوار پارک، انتهای بلوار دریا، مسجد حضرت ابوالفضل(ع).
از طرف خانواده‌های عزادار صالحی، حشمتی، اسلامی‌زاده، شاهسوارانی، مدنی، حائری و دیگر وابستگان.

بازگشت همه بسوی اوست

حجة الاسلام و المسلمین آقای حاج محمدرضا حشمتی
خانواده‌های شهیدپرور و محترم صالحی و وابستگان
جناب آقای مهندس علی‌اکبر صالحی
مدیر محترم عامل شرکت ماد کیمیا فرایند
جناب آقای مهندس مجتبی اسلامی‌زاده

با اندوه فراوان درگذشت مادر گرامی **حاجیه خانم کبری صالحی** همسر مرحوم حاج حسین آقا صالحی ابراهیم آبادی را صمیمانه خدمت آن بزرگواران تسلیت عرض نموده و برای بازماندگان از درگاه خداوند متعال صبر و سلامتی تقاضامندیم. به همین مناسبت مجلس ختم آن مرحومه در روز جمعه مورخ ۸ دی‌ماه از ساعت ۱۴/۳۰ الی ۱۶ در مسجد حضرت ابوالفضل(ع) به نشانی تهران، شهرک غرب، بلوار فرحزادی، بلوار پارک، انتهای بلوار دریا منعقد می‌باشد. حضور سروران گرامی موجب شادی روح آن مرحومه و امتنان خاطر بازماندگان خواهد بود.
مدیریت و کارکنان شرکت مهندسین مشاور ماد کیمیا فرایند

جناب آقای مهندس علی‌اکبر صالحی

با کمال تأسف و تأثر فوت مادر گرامیتان را تسلیت گفته و برای آنمرحومه طلب آمرزش و برای شما و سایر بازماندگان صبر و شکیبایی آرزومندیم.
ضمناً به اطلاع دوستان می‌رساند که مجلس ترحیم از ساعت ۱۴/۳۰ الی ۱۶ روز جمعه ۸ دیماه در مسجد حضرت ابوالفضل(ع) واقع در شهرک غرب انتهای بلوار دریا منعقد می‌باشد.
فارغ‌التحصیلان سال ۱۳۴۵ امیرکبیر
دانشگاه امیرکبیر (پلی تکنیک تهران)

همکار ارجمند
جناب آقای دکتر سید هادی ولائی

بانهایت تأسف و تأثر درگذشت ناگهانی فرزند برومندتان را به حضر تعالی و خانواده محترم تسلیت عرض می‌نمائیم.
ضمناً به همین مناسبت به اطلاع همکاران و دوستان عزیز می‌رساند مجلس بزرگداشت آن مرحوم روز پنجشنبه مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۷ در مسجد حجت ابن الحسن عسگری (عج) واقع در خیابان سهروردی شمالی منعقد می‌باشد.
حضور شما عزیزان و همکاران ارجمند در این مراسم موجب شادی روح آن مرحوم و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.
هیئت مدیره انجمن علمی
متخصصین علوم آزمایشگاهی بالینی ایران

انالله و انا الیه راجعون

با نهایت تأسف و تأثر به اطلاع می‌رساند آقای **حاج سیدعلی طباطبائی** فرزند حاج سیدمحمود طباطبائی فرهنگی متدین و متعهد دبیر دبیرستان‌های قم دعوت حق را لبیک گفته و به دیار باقی شتافت.
خداوند رحمان در پناه رحمت خود قرارش دهد.
بدین مناسبت مجلس تذکر و ختم آن فقید سعید در روز جمعه مورخ ۹۱/۱۰/۸ ساعت ۱۵ الی ۱۶/۳۰ در مسجدالغدیر واقع در خیابان میرداماد برقرار است.
خانواده‌های: طباطبائی و تراب

بازگشت همه به سوی اوست

با نهایت تأثر و تأسف درگذشت شادروان **حاج خیرالله صدیقی هشجین** بزرگ خاندان را به اطلاع دوستان و آشنایان و همشهریان محترم می‌رساند.
مجلس ختم آن سعید فقید در روز جمعه مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۸ از ساعت ۱/۳۰ الی ۳ بعدازظهر در مسجد نور واقع در میدان دکتر فاطمی برگزار خواهد شد.
حضور شما سروران گرامی موجب شادی روح آن مرحوم و تسلی خاطر بازماندگان می‌باشد.
از طرف خانواده‌های:
صدیقی هشجین، رضوانی و سایر بستگان و آشنایان

گران آمد این سوگ بر ایل ما
این شاهدان زنده از تاریخ پر راز
پیش تواند منگشت ای کوه سرافراز

بزرگ بود و از اهالی امروز و با تمامی افقهای باز نسبت داشت. مجلس یادبود پزشک فرهیخته و جراح حاذق **دکتر عبدالرضا درگاهی بختیاری** آینه‌ی رفتار نجیب بختیاری، شعله‌ی سرکش و پر مهر ایل
زمان: پنج‌شنبه ۷ دیماه ساعت ۱۴ تا ۱۵/۳۰
مکان: مسجد ولی عصر(عج) خوزستانیها – خیابان وزرا
بختیاریهای مقیم تهران

بانهایت تأسف درگذشت آقای **احمد زریسفی** بزرگ خاندان و کارمند بازنشسته وزارت نفت را به اطلاع می‌رساند.
مراسم بزرگداشت این عزیز از دست رفته صبح جمعه ۸ دی ماه از ساعت ۱۰/۱۵ الی ۱۱/۴۵ در مسجدالرضا(ع) واقع در خیابان عشق‌یار، میدان نیلوفر منعقد می‌گردد.
حضور شما عزیزان در این مراسم موجب تسلی خاطر بازماندگان و شادی روح آن مرحوم می‌باشد.
همسر: پوراندخت، فرزندان: علی و رضا
عروس: خانم ناتالی
خانواده‌های: زریسفی، صفوی، علی اکبرزاده، کمالیان، هنرخواه، ترکستانی، اجلالی، باقرزاده، عشقی، ادیب، زندی، معین‌الدینی، ابراهیمی، توکلی‌نژاد، بیگ‌زاده، عمادقرائی، شاهرخی، بلداجی، رئیس‌زاده، دهقانی، ابرائیم، وشم‌گیر، تکشی، عالم‌زاده، واعظی، حقیقت‌دوست، آنتیک‌چی و دیگر خانواده‌های وابسته.

بازگشت همه به سوی اوست

در گذشت نابهنگام مرحوم مغفور شادروان **حاج پرویز(مهدی) صالح‌خو** را به اطلاع بستگان و آشنایان می‌رساند.
مراسم ترحیم مرحوم روز جمعه مورخ ۹۱/۱۰/۸ از ساعت ۸/۳۰ الی ۱۰ صبح در مسجدالرضا(ع) واقع در خیابان آپادانا خیابان عشقیار میدان نیلوفر برگزار می‌گردد.
ضمناً مراسم هفتم آن مرحوم روز دوشنبه ۹۱/۱۰/۱۱ از ساعت ۱۸ الی ۱۹:۳۰ در همان مسجد منعقد خواهد بود.
خانواده‌های عزادار: صالح‌خو، شریفیان و سایر بستگان

با کمال تأسف فوت سیده **خانم ایران محسنی** همسر مرحوم حاج آقا رضا اردهالی را باطلاع می‌رسانیم،
مجلس ترحیم آن مرحومه جمعه ۹۱/۱۰/۸ از ساعت ۴ تا ۵/۵ عصر در مسجد ولی عصر (خیابان خالد اسلامبولی) برگزار می‌شود.
شرکت فامیل و دوستان باعث شادی روح آن مرحومه و امتنان بازماندگان می‌شود.
فرزندان شهلا و دکتر حسام‌الدین اردهالی
داماد: دکتر تشکری
عروس‌ها: دکتر متینی – ابراهیم نژاد
و خانواده‌های محسنی – محسنی اردهالی و وابستگان

یادبود

نُه سال از رحلت جانگداز و باورنکردنی عزیزان شادروانان **حاج محمد کاظم سالاربهزادی و نجمه‌السادات عمادزاده و علیرضا سالاربهزادی** گذشت.
ما که لحظه‌ای بدون آنان را باور نداشته و نداریم.
اما زلزله ویرانگر ۸۲/۱۰/۵ بم داغ فراق ابدی آنان را بر دلهایمان نهاد و ما را تا پایان عمر در حسرت شنیدن صداهایشان، دیدن وجود باصفایشان و احساس محبت‌های بی‌دریغشان باقی گذاشت.
یادشان به خیر و روحشان شاد باد.
مادر جگرسوخته: عامر، برادر داغدار: محمد
خواهران دلسوخته: تاجی ـ معصومه ـ پری ـ سیما ـ فرشته

تنها اوست که می‌ماند

از دوری ابدی و جانکاه مادر عزیزمان بانو **مهرنگار ستوده** سالی به درازای ابد گذشت. سالی که مادر برآمده از خاک را به خاک سپردیم تا ناباورانه و با اندوهی بی‌پایان نبودن او را تجربه کنیم. در سالگشت فقدان مادر عزیزمان در آرامگاهش و در کنار آشیانه ابدی فرزند برومندش **مهندس اکبر ستوده** از متخصصان برجسته آبادانی میهن گرد آمده یاد آن عزیزان را گرامی میداریم.
زمان: جمعه ۱۰ صبح ۸ دی ماه ۱۳۹۱
خاندان ستوده

تسلیت

باکمال تأسف و تأثر درگذشت مرحومه مغفوره شادروان **رشیده معصومی نائینی** بانوی بزرگوار و فداکار و مادر گرامی جناب آقای پروفسور علی معصومخانی و همشیره استاد عالیقدر جناب آقای پروفسور رشید معصومی را از صمیم قلب به خانواده محترم معصومی و معصومخانی و فرزندان برومندایشان و جناب آقای دکتر اکبر مرشدزاده نائینی و سایر بستگان تسلیت می‌گوئیم و از خداوند متعال صبر و شکیبایی برای بازماندگان آرزومندیم.
دکتر ایرج ناظری و بانو – دکتر علیرضا ناظری

جناب آقای دکتر بهرام معظمی
مدیرعامل محترم بیمارستان پارس

با اندوه فراوان مصیبت وارده را به حضر تعالی و خانواده محترمتان تسلیت عرض می‌نماییم
دکتر ایرج ناظری – سید محمد ویژگان

سرکار خانم شهلا اردهالی

درگذشت مادر عزیزتان را به شما و خانواده محترم اردهالی تسلیت عرض نموده و برای آن مرحومه غفران الهی و برای بازماندگان صبر و اجر مسئلت داریم.
پرسنل داروخانه پرواز
دکتر تشکری ـ دکتر فدایی ـ حاج آقا کریمی

خانواده محترم سیدی جهرمی

با نهایت تأسف و تألم درگذشت مرحوم **سیدعلی سیدی جهرمی** را تسلیت عرض نموده و رحمت واسعه الهی برای آن شادروان و صبر و شکیبائی برای کلیه بازماندگان از درگاه ایزد منان خواستاریم.
از طرف خانواده‌های: سیدی ـ تفویضی ـ نغزگو ـ جنگجو ـ همتی

جناب آقای نادر ذوالفقاری وکیل محترم دادگستری

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت مادر گرامیتان را به جنابعالی و خانواده محترمتان تسلیت عرض نموده و از درگاه پروردگار برای آن مرحومه مغفرت و برای بازماندگان شکیبایی مسئلت داریم.
گرگان ـ عرب، مِلایی، سلطانی، مرادزاده، کیایی، بایی، دوست‌پرست، گردی

هوالباقی
خانواده محترم مرحوم مغفور
مهندس حبیب‌الله رستگار خالد

با کمال تأسف و تأثر مصیبت وارده را به آن خانواده محترم تسلیت عرض می‌نماید.
کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران
و هیئت رئیسه گروه ۶ ـ راه و ساختمان

جناب آقای دکتر سیدهادی ولائی

اندوه ما در غم از دست دادن آن عزیز بزرگوار در واژه‌ها نمی‌گنجد تنها می‌توانیم از خداوند برایتان صبری عظیم و برای آن مرحوم روحی شاد و آرام طلب کنیم.
پزشکان و کارکنان آزمایشگاه پاتوبیولوژی آزادی

جناب آقای دکتر بهروز برومند

مصیبت جانگداز وارده را به جنابعالی و خصوصاً به همسر محترمتان تسلیت عرض می‌نماییم و در غمتان شریکیم.
شرکت BNM
خانواده مرادی

دوست بسیار ارجمند جناب آقای مهندس علی اکبر صالحی
مدیرعامل محترم شرکت ماد کیمیا فرآیند

بانهایت تأسف و تأثر درگذشت مادر گرامیتان را به شما و خانواده محترم تسلیت گفته برای آن مرحومه علو درجات و برای جنابعالی و بازماندگان صبر و شکیبایی آرزومندیم.
اسماعیل عبدی و بانو

دوست و همکار گرانمایه جناب آقای دکتر کاظمی

آرزومندم که غم پرواز بی‌بازگشت روان شاد دکتر وکیلی بر شما و خانواده هموار باد.
پروفسور محمود لطفی

دوست و همکار گرانمایه
جناب آقای دکتر مرشدزاده و بانو

اندوه بی‌بازگشت روانشاد **خانم معصومی** بر شما هموار باد.
پروفسور محمود لطفی

خاندان محترم نظری ـ هاشمی رفسنجانی ـ کارگر ـ محمدحسنی ـ گرامی ـ دهقانی و دیگر خانواده‌های معزی

رحلت رادمرد با فضیلت مرحوم **حاج محمد نظری** بزرگ خاندان را صمیمانه به همه بازماندگان به ویژه فرزندان، اخوی گرامی، دامادهای ارجمند تسلیت عرض نموده و بقاء عمر، عزت پایدار برای همگی مسئلت دارد.
اسداله عسگراولادی ـ محمدحسن شمس‌فرد ـ امیرعلی عسگراولادی ـ امیررضا عسگراولادی ـ محمدرضا مناقبی ـ جواد معتمدنیا

همکار گرامی سرکار خانم ندا جهازیان

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت عموی گرامیتان را صمیمانه تسلیت عرض می‌نماییم، برای آن مرحوم از درگاه الهی طلب علوّ درجات و برای بازماندگان و مصیبت‌دیدگان آرزوی صبر و اجر داریم.
همکاران شما در حروفچینی کامپیوتر

همکار گرامی جناب آقای علیرضا سربازوطن

با نهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را صمیمانه تسلیت عرض می‌نماییم، برای آن مرحومه از درگاه الهی طلب علوّ درجات و برای بازماندگان و مصیبت‌دیدگان آرزوی صبر و اجر داریم.
همکاران شما در گرافیک تحریریه

همکار گرامی سرکار خانم ندا جهازیان

با نهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را صمیمانه تسلیت عرض می‌نماییم، برای آن مرحوم از درگاه الهی طلب علوّ درجات و برای بازماندگان و مصیبت‌دیدگان آرزوی صبر و اجر داریم.
همکاران شما در گرافیک تحریریه

بسمه تعالی
کل من علیها فان
جناب آقای دکتر منصور حاجی‌عظیم

درگذشت مادر گرامیتان را به حضور جنابعالی و سایر بازماندگان محترم تسلیت عرض می‌نمائیم.
رئیس و اعضاء هیئت مدیره و همکاران شما در شرکت توسعه انرژی شمال و جنوب

همکار ارجمند
جناب آقای دکتر سید هادی ولائی

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت فرزند ارشدتان را به حضور حضر تعالی و خانواده محترمتان صمیمانه تسلیت عرض نموده و از درگاه خداوند متعال برای آن مرحوم آمرزش الهی و علو درجات و برای شما و بازماندگان صبر و شکیبائی مسئلت داریم.
«دکتر سید حسین فاطمی و بانو»

سخنرانی

السلام علیک یا اباعبدالله الحسین
محرم و صفر است که اسلام را زنده نگه داشته است
امام خمینی «ره»

با عرض ادب و ارادت به ساحت مقدس پیامبر عظیم‌الشأن اسلام صلی‌الله علیه و آله که همچنان کینه‌توزانه از سوی پلیدان عالم مورد اسائه ادب قرار می‌گیرند و بمنظور تجلیل از آن حضرت و خاندان مطهرش، مجلس سوگواری و ذکر مناقب و مصائب سید و سالار شهیدان **حضرت اباعبدالله الحسین** (ع) و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم آلاف التحیة و الثناء، هر روز بعد از نماز جماعت ظهر و عصر با سخنرانی وعاظ محترم به شرح زیر در مسجد حضرت امام خمینی (ره) بازار منعقد می‌باشد.
دهه دوم صفر: جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای سیدمحمدعلی غروی
دهه سوم صفر: جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای رستگاری
شایسته است عموم مومنین و مومنات علاقمند بساحت مقدس پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت گرامی آن حضرت بویژه حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام شرکت نموده و ضمن بهره‌مندی از تعالیم رهائی‌بخش مکتب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام، بویژه در مقطع حساس مقابله و مقاومت در برابر فشارهای استکبار جهانی، تعظیم شعائر دینی نمایند.
دفتر مسجد حضرت امام خمینی (ره) بازار تهران

سپاسگزاری

جناب آقای حاج محمد دلبری، مدیران محترم و مسئولین بزرگوار مؤسسه مالی و اعتباری صالحین (بانک آینده)

از الطاف بی‌شائبه شما که از فتوت و جوانمردی سرچشمه می‌گیرد جای بسی تشکر و تقدیر است. شرکت شما در مراسم عزاداری عزیزمان باعث تسلی خاطر گردید.
از طرف خانواده مرحوم امین‌اله مقدم
مصیب مکارم

جناب آقای حاج محمد دلبری شهردار محترم قم

بذل توجه بزرگوارانه و ابراز همدردی محبت‌آمیز جنابعالی باعث تسلی خاطر و امتنان مصیبت‌زدگان گردید.
از طرف خانواده مرحوم امین‌اله مقدم
مصیب مکارم

اطلاعات

سال هشتاد و هفتم

صاحب امتیاز: شرکت ایرانچاپ مؤسسه اطلاعات
مدیر مسئول: سیدمحمود دعائی
سردبیر: علیرضا خانی
نشانی: تهران - بلوار میرداماد - خیابان نفت جنوبی - ساختمان اطلاعات - کد پستی ۱۵۴۹۹۵۳۱۱۱ (تهران)
پست تصویری تحریریه ۲۲۲۵۸۰۲۲
تلفن: ۲۹۹۹۹
نمابر آگهی ها ۲۱ و ۲۲۲۵۸۰۱۹
تلفن پذیرش آگهی ها ۱۸-۲۲۲۵۸۰۱۴
نشانی اینترنت: http://www.ettelaat.com
پست الکترونیکی: ettelaat@ettelaat.com

تقویم اطلاعات

چهارشنبه ۶ دی ۱۳۹۱
۱۲ صفر ۱۴۳۴ ـ ۲۶ دسامبر ۲۰۱۲

ظهر شرعی	۱۲ و ۰۵ دقیقه
غروب آفتاب	۱۶ و ۵۸ دقیقه
اذان مغرب	۱۷ و ۱۸ دقیقه
نیمه شب شرعی (پایان وقت ادای نماز عشا)	۲۳ و ۲۰ دقیقه
اذان صبح (فردا)	۵ و ۴۳ دقیقه
طلوع آفتاب (فردا)	۷ و ۱۳ دقیقه

کوتاه از سراسر جهان

راهبرد جدید قزاقستان تا سال ۲۰۵۰

فارس: «نورسلطان نظربایف» رئیس جمهوری قزاقستان راهبرد جدید سیاسی بلند مدت این کشور را ابلاغ شد. جمهوری قزاقستان از سال ۱۹۹۷ میلادی اجرای اصلاحات و دگرگونی‌های گسترده اقتصادی و سیاسی را به‌منظور تحقق راهبرد موسوم به «قزاقستان ۲۰۳۰» آغاز کرد و در نتیجه ظرف ۱۵ سال گذشته قزاقستان به یک کشور پیشرفته و مستقل برای سرمایه‌گذاران بین‌المللی تبدیل و نقش «آستانه» در عرصه بین‌المللی نیز ارتقاء یافت.

لاوروف و اصلاح ساختار شورای امنیت

فارس: وزیر امور خارجه روسیه ضمن حمایت از عضویت دائم هند و برزیل در شورای امنیت سازمان ملل تاکید کرد که اصلاح این ساختار باید در جهت گسترش بازتاب نظرات همه اعضای جامعه جهانی در تصمیم گیری‌های بین‌المللی باشد. "سرگئی لاوروف" یادآور شد که طرح اصلاح شورای امنیت، اقدامی بسیار حساس و دقیق است و برای تحقق این طرح لازم است تا همه طرفین در این خصوص به توافق برسند.

تصرف شهری در دارفور توسط شورشیان

فارس: شورشیان منطقه دارفور سودان اعلام کردند که پس از درگیری‌های شدید یک شهر را از کنترل دولت خارج کرده و آن را تصرف کردند. گروه شورشی «عبدالواحد نور» وابسته به ارتش آزادی بخش سودان در این درگیری که به کشته و زخمی شدن نیروهایی از دو طرف منجر شد، مسلسل، خمپاره، وسایل نقلیه و سایر تجهیزات نظامی را از نیروهای دولتی به غنیمت گرفتند و چند تن را نیز اسیر کردند.

گام اساسی لیبرال دموکرات‌ها برای تشکیل دولت ژاپن

فارس: حزب حاکم ژاپن و حزب کومیتو درباره تشکیل دولت ائتلافی به توافق رسیدند. این توافقنامه بین «شینزو آبه» رهبر لیبرال دموکراتها و «ناتسویاماگوچی» رهبر حزب کومیتو بعد از مذاکرات در زمینه بودجه سال ۲۰۱۳ میلادی و کسری آن و همچنین تورم موجود در اقتصاد ژاپن به امضا درطرف رسید.

مونتی برنامه اصلاحات خود را اعلام کرد

فارس: «ماریو مونتی» نخست‌وزیر مستعفی ایتالیا برنامه اصلاحات خود برای این کشور را اعلام کرد. انتشار این برنامه در پی سخنرانی مونتی صورت گرفت که وی در آن با ارائه طرح‌هایش اعلام کرد که تحت شرایطی حاضر است بار دیگر رهبری ایتالیا را در دست گیرد. مونتی در این برنامه بر مبارزه با فساد تأکید کرده و طرح‌هایی را برای اشتغال بیشتر زنان و جوانان ارائه کرده است.

امیدواری رئیس جمهوری کلمبیا برای توافق با فارک

فارس: رئیس جمهوری کلمبیا ابراز امیدواری کرد دولت این کشور و گروه فارک بتوانند در سال جاری میلادی، توافق پایان درگیری‌ها را اعلام کنند. «خوان مانوئل سانتوس» با اشاره به اینکه به روند مذاکرات خوشبین است، افزود: به سمت جلو حرکت می‌کنیم؛ امیدوارم این روند سریع‌تر باشد و فکر می‌کنم این بهترین فرصت برای عملی شدن صلح باشد.

نیروهای آمریکایی در ۳۵ کشور آفریقایی مستقر می‌شوند

فارس: ارتش آمریکا مدعی شد برای مقابله با آنچه که تهدیدهای فزاینده توصیف کرده، در ۳۵ کشور آفریقایی نیروهای خود را مستقر خواهد کرد. آمریکا دلیل استقرار نیروهای این کشور در آفریقا را افزایش تهدید گروه‌های افراطی نظیر القاعده در کشورهای آفریقایی دانسته است.

احتمال برگزاری مراسم تحلیف چاوز در کوبا

فارس: «نیکولاس مادورو» معاون رئیس جمهوری ونزوئلا در حالی که احتمال می‌رود رئیس جمهور ونزوئلا نتواند برای حضور در مراسم ادای سوگند خود به کشورش بازگردد، از احتمال برگزاری این مراسم در خارج از این کشور خبر داد. کارشناسان احتمال می‌دهند مراسم ادای سوگند هوگو چاوز در سفارت ونزوئلا در کوبا و با حضور نمایندگانی از دادگاه عالی این کشور برگزار شود.

انتقاد صدراعظم پیشین آلمان از ساختار اقتصادی فرانسه

فارس: «گرهارد شرودر» صدراعظم پیشین آلمان با انتقاد از ساختار اقتصادی فرانسه، خواستار اعمال اصلاحات در این کشور شد.
شرودر گفت: فرانسه مشکلات ساختاری دارد و برخی از تصمیماتی که دولت سوسیالیست حاکم درباره مالیات و بازار کار گرفته نادرست است و از نظر من در فرانسه سیاستی برای مقابله با بحران‌های بلند مدت سیاسی وجود ندارد.

پاپ خواستار برقراری صلح در خاورمیانه شد

ایسنا: پاپ بندیکت شانزدهم در واتیکان مراسم سنتی عشای ربانی را در کلیسای سن پیتر برگزار کرد و خواهان برقراری صلح در خاورمیانه شد و به همراه مردم برای تحقق این خواسته دعا کرد. رهبر کاتولیک‌های جهان شامگاه دوشنبه در واتیکان برای هشتمین بار مراسم عشای ربانی را به مناسبت عید میلاد مسیح برگزار کرد. این مراسم که بطور سنتی نیمه‌شب صورت می‌گیرد، مانند سال گذشته دو ساعت زودتر برگزار شد.

«چلسی کلینتون» پا جای پای والدینش می گذارد

همزمان با کناره گیری هیلاری کلینتون، "چلسی ویکتوریا کلینتون"، دختر وی قرار است چهره جدیدی از خاندان سیاسی کلینتون باشد. اگرچه والدین چلسی تلاش می‌کردند تا وی را از توجه رسانه‌ها دور نگه دارند اما چلسی به عنوان دختر جوانی که در کاخ سفید بزرگ شده بود، مرکز توجه مردم قرار گرفت. به نظر می آمد که چلسی کلینتون هیچ علاقه‌ای به حرفه سیاسی ندارد. وی چند سال پیش به بنیاد کلینتون ملحق شد و در ماه ژوئیه سال جاری میلادی به همراه پدرش به آفریقا سفر کرد تا در یک ماموریت شرکت کند.

تظاهرات اعتراضی کارکنان بانک‌های اسپانیا

ایرنا: کارکنان بانک‌های اسپانیا در اعتراض به روند اخراج کارکنان و کاهش دستمزد و حقوق آنها اقدام به برگزاری تظاهرات، به دعوت دو اتحادیه بزرگ کارگران و کارمندان کردند. کارکنان بخش بانکی طی این تظاهرات شعار می‌دادند: «کارکنان نباید بهای ضعف مدیریت را بپردازند.» مدیر اتحادیه سراسری کارکنان «بانکیا» در اظهاراتی در همین باره اعلام کرد: «ما امیدواریم مسئولان بانکی طرح خود را یا دستکم سخت‌ترین بخش آن مانند اخراج کارکنان را تغییر دهند.

شرط دولت افغانستان برای تشکیل نشست‌های بین‌الافغانی

ایسنا: وزارت خارجه افغانستان اعلام کرد که نشست‌های بین‌الافغانی در ارتباط با پروسه صلح باید با موافقت دولت و در داخل این کشور برگزار شود.
وزارت خارجه افغانستان گزارش‌ها در خصوص بی اطلاعی دولت افغانستان از نشست‌های صلح این کشور را بی‌اساس خواند. در این بیانیه، مذاکرات دولت افغانستان با طالبان در خارج از افغانستان استثناء شده است.

بوش پدر در بیمارستان

ایرنا: جورج بوش پدر، رئیس جمهور اسبق آمریکا در آستانه سال نو میلادی به بیمارستان منتقل شد. بوش پدر که ۸۸ سال سن دارد، به دلیل مشکل سینه و برونشیت در بیمارستانی در هادسون تگزاس بستری شده و پزشکان می گویند هنوز نمی توانند زمان دقیق برای اتمام درمان و مرخصی او پیش بینی کنند. جورج بوش چهل و یکمین رئیس جمهوری آمریکا و پدر بوش پسر چهل و سومین رئیس جمهوری این کشور است.

مرگ یک افسر پلیس در ناآرامی های دهلی نو

فارس: یک افسر پلیس هندی که در جریان تظاهرات مردم این کشور از سوی معترضان در دهلی نو مورد ضرب و شتم قرار گرفته بود جان سپرد.
اعتراضات مردم هند زمانی شروع شد که یک گروه تبهکار به یک دختر دانشجوی ۲۳ ساله تجاوز کردند. معترضان خواستار اقدامات محکم دولت علیه باندهای تبهکار هستند. «سوباش تومار» افسر پلیس ۴۷ ساله، یکی از مامورین کنترل «ایندیا گیت»، مسیر منتهی به کاخ نخست وزیری این کشور بود.

۱۷ کشته در درگیری ارتش یمن با نیروهای قبایلی

سرویس خارجی: منابع قبیله ای در یمن اعلام کردند که در حمله ارتش یمن به قبیله نشینانی که مظنون به خرابکاری های مکرر در یک خط لوله نفت در شرق این کشور بوده اند، ۱۷ تن از دو طرف کشته شدند. به گزارش خبرگزاری فرانسه از صنعا، در این درگیری ۱۰ قبیله نشین و هفت سرباز ارتش کشته شدند. این حمله در منطقه ای در استان «مأرب» تحت پوشش حملات هوایی انجام شد. ارتش یمن چندین هدف را در منطقه ای در استان مأرب جایی که برخی از شبه نظامیان القاعده به گروه های قبیله نشین برای مقابله با نیروهای ارتش یمن پیوسته اند، گلوله باران کرد. در این درگیری ها همچنین ۱۸ قبیله نشین نیز زخمی شدند. از سوی، منابع محلی یمن اعلام کردند ٦ مظنون به عضویت در شبکه تروریستی القاعده از جمله یک تبعه اردنی، در دو حمله هواپیماهای بدون سرنشین آمریکایی به یمن، کشته شدند.

عکس از خبرگزاری فرانسه

***بحرین**

سی و سومین نشست سران کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس با توافق بر سر تاسیس یک مرکز فرماندهی نظامی مشترک و یک توافقنامه امنیتی میان کشورهای عضو به کار خود پایان داد. نشست سران کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در بحرین برگزار شد و با صدور بیانیه‌ای به دو روز فعالیت خود پایان داد. در پایان این نشست بیانیه‌ای توسط عبداللطیف الزیانی، دبیرکل شورای همکاری خلیج فارس قرائت شد که در آن از تاسیس یک مرکز فرماندهی نظامی مشترک میان کشورهای عضو خبر داده شد که این مرکز ماموریت هماهنگی و نظارت بر عملیات نظامی کشورهای عضو را بر عهده خواهد داشت. در بیانیه پایانی این نشست همچنین اعلام شد که توافقنامه امنیتی میان کشورهای عضو امضا شده و براساس آن همکاری‌های امنیتی میان کشورهای عضو ارتقا خواهد یافت. اعضای شورای همکاری خلیج فارس در بیانیه پایانی نشست خود در منامه بار دیگر ادعاهایی علیه ایران مطرح کردند. کشورهای عضو بر ادعاهای تکراری امارات درباره جزایر سه گانه ایرانی در خلیج فارس تأکید کردند و از ایران خواستند به خواسته‌های امارات برای حل این مسأله پاسخ مثبت دهد. کشورهای عضو شورا همچنین ایران را به دخالت در امور داخلی کشورهای منطقه متهم کردند و خواستار همکاری جمهوری اسلامی ایران با جامعه جهانی درباره برنامه هسته‌ای این کشور شدند. در این حال، سفیر آمریکا در بحرین با تاکید بر ادامه مناسبات آمریکا با رژیم سرکوبگر بحرین احتمال انتقال ناوگان پنجم دریایی این کشور به کشوری دیگر در منطقه را بعید دانست. «توماس کراژسکی»، سفیر آمریکا در بحرین در اظهاراتی در گفت‌وگو با روزنامه الایام بحرین از گروه های سیاسی بحرین خواست تا وارد گفتگوهای ملی فراگیر شوند. وی ابراز داشت که کشورش به شدت از گفتگوها در منامه حمایت می‌کند. وی اقدام آمریکا برای انتقال مقر ناوگان پنجم دریای این کشور از بحرین به محلی دیگر را بعید دانست و گفت که مناسبات واشنگتن با بحرین از قدیمی ترین مناسبات با منطقه است. از دیگر سو، یک افسر آل خلیفه پدر جوان بحرینی را مقابل چشمان کودکش مورد ضرب و شتم قرار داد.

***عربستان**

شاهزاده ترکی بن‌سلطان بن‌عبدالعزیز آل‌سعود، وزیر فرهنگ و اطلاع رسانی عربستان در سن ۵۳ سالگی درگذشت. منابع پزشکی عربستان گفتند: معاون وزیر فرهنگ و اطلاع رسانی عربستان که ناظر کل شبکه تلویزیونی الریاضه این کشور نیز بود، در بیمارستان نظامی شهر ریاض براثر ابتلا به سکته مغزی جان خود را از دست داد.

از سویی یک نویسنده و فعال عربستانی منتقد درباره نقش دین و مقامات دینی در کشورش، به اتهام ارتداد محاکمه می‌شود. سازمان دیدبان حقوق بشر درباره احتمال صدور حکم اعدام برای «رائف بدوی» نویسنده و فعال سعودی به اتهام ارتداد هشدار داد. بر اساس این گزارش، این احتمال در حالی مطرح شده که یک قاضی سعودی، وی را مرتد دانسته و اعلام نظر در این باره را به دادگاه بالاتری محول کرده است.

***کویت**

مجلس امت کویت رسما فعالیت خود را آغاز کرد و در این جلسه از دولت خواسته شد برنامه خود را در اسرع وقت به پارلمان ارائه دهد. در این جلسه فرمان «تک رأیی» و «کمیسیون‌های موقت» در دستور کار مجلس قرار گرفته دارد. «صالح عاشور» نماینده مجلس امت، نیز در این جلسه از دولت خواست بر اساس ماده ۹۸ قانون اساسی کویت، هرچه سریع تر برنامه خود را به پارلمان ارائه کند.

۲۵ سازمان حقوقی مصر سلامت همه پرسی قانون اساسی را تایید کردند

سرویس خارجی: ائتلاف ناظران برای حمایت از انقلاب مصر که متشکل از ۲۵ سازمان حقوقی است، اعلام کرد که هیچ تقلبی در همه پرسی قانون اساسی صورت نگرفته و این همه پرسی به صورت سالم برگزار شده است. این ائتلاف اعلام کرد که تخلفات صورت گرفته در مرحله دوم همه پرسی جزئی بودند. این ائتلاف در بیانیه‌ای خواستار آن شد که به محض اعلام نتیجه همه پرسی قانون اساسی، کمیساریای عالی انتخابات به‌عنوان یک هیئت مستقل که تنها در چارچوب قانون عمل می کند، تشکیل شود و تحقیقات درباره شکایت‌های این ائتلاف که به کمیته عالی انتخابات ارائه شده است، آغاز شود. این ائتلاف در رابطه با تخلفات برخی سازمان‌ها، احزاب، گروه‌های سیاسی و برخی رسانه‌های خبری به دلیل نشر اکاذیب در خصوص برگزاری همه‌پرسی و گمراه کردن افکار عمومی، شکوائیه‌ای به کمیته عالی انتخابات ارائه کرده است. در این حال، معاون دبیرکل کمیته عالی انتخابات مصر اعلام کرد: هنوز شکایات مربوط به همه پرسی در دست بررسی بوده و تا به حال به همه موارد رسیدگی نشده است. «احمد عبدالرحمان» گفت: کمیته عالی انتخابات هنوز در حال بررسی شکایات است و آمار و ارقام ارائه شده به روسای حوزه‌های رای‌گیری در سراسر کشور مورد بازنگری قرار می گیرد. این در حالی است که، کمیته عالی انتخابات مصر با برگزاری کنفرانسی مطبوعاتی نتایج رسمی و نهایی رفراندم و نتایج آرای مصری‌های مقیم خارج کشور را اعلام می کند. از سوی دیگر، جبهه مخالف نجات ملی که نسبت به نتیجه رفراندم قانون اساسی اعتراض دارد، اعلام کرد که بعد از پایان همه پرسی به اقدامات اعتراض آمیز خود ادامه می دهد. جبهه نجات ملی در بیانیه‌ای از تقلب و اقدامات غیرقانونی صورت گرفته در این رفراندم سخن گفته و از کمیته عالی انتخابات خواست تا پیش از اعلام رسمی نتایج در این خصوص تحقیق کند. جبهه نجات ملی تاکید کرد که تعدادی از احزاب آن برای ادامه فعالیت‌های خود در داخل مصر، در صدد پیوستن به یک حزب بزرگ هستند. جبهه نجات ملی اعلام کرد: ما اجازه نمی دهیم هویت مصر تغییر کند یا دوره استبدادگری احیا شود، ما هیچ گاه اجازه نخواهیم داد که سوء استفاده‌ها ادامه یابد. در همین رابطه، رئیس حزب الدستور مصر که درخواست‌های وی از مردم این کشور برای مخالفت با قانون اساسی راه به جایی نبرد، اعلام کرد که در صورت کسب اکثریت در پارلمان، قانون اساسی را لغو خواهیم کرد. محمد البرادعی در اظهاراتی به رادیو بی بی سی گفت که لغو قانون اساسی جدید یا تعدیل آن در رأس اولویت حزب وی در صورت دستیابی به اکثریت کرسی ها در مجلس الشعب (پارلمان) آینده است. در چنین شرایطی، یکی از رهبران برجسته حزب سازندگی و توسعه وابسته به جماعت اسلامی مصر از دعوت «حمدین صباحی» نامزد سابق ریاست جمهوری برای گفت‌وگوی ملی خبر داد. «صفوت عبدالغنی» در یک کنفرانس خبری با اعلام پیشنهاد صباحی برای گفت‌وگوی ملی گفت: جماعت اسلامی با پیشنهاد برگزاری نشست گفت‌وگوی ملی موافقت کرده و قبول این پیشنهاد را به صباحی اطلاع داده است. از طرفی، حمدین صباحی، نامزد سابق انتخابات ریاست جمهوری مصر و یکی از رهبران جبهه نجات ملی اظهار داشت: میزان مشارکتی که اعلام شد، نشان دهنده آن است که با این قانون اساسی موافقت نشده است، این قانون اساسی در جبهه ملی مصری‌ها شکاف ایجاد می کند و ما نمی توانیم آینده خود را بر پایه آن بنا کنیم. از دیگر سو، «طلعت عبدالله» دادستان کل مصر اعتصاب دادستان‌ها و تعلیق فعالیت دادستانی ها و برخی قضات را بزرگ‌ترین چالش فراروی خود خواند.

از سویی، یکی از اعضای حزب آزادی و عدالت مصر اعلام کرد که کابینه فعلی این کشور تا زمان انتخابات پارلمانی آتی به کار خود ادامه خواهد داد. عصام العریان از اعضای حزب آزادی و عدالت شاخه سیاسی اخوان المسلمین در یک گفتگوی تلویزیونی اظهار داشت: کابینه هشام قندیل تا پایان انتخابات پارلمانی آتی مصر به کار خود ادامه خواهد داد.

وی افزود: وزیر دارایی کابینه تغییر خواهد کرد و این مسئله به خاطر شرایط جسمانی "ممتاز السعید" وزیر دارایی فعلی است. از دیگر سو، رئیس حزب سلفی النور با هدف ائتلاف با یکی از مبلغان سلفی و تشکیل حزب جدید از سمت خود استعفا کرد. به گزارش «المصری الیوم»، «عماد عبدالغفور» رئیس حزب سلفی «النور» و «کاظم صالح ابواسماعیل» توافق کردند که یک ائتلاف سیاسی جدید تشکیل دهند. خبر دیگر اینکه، عضو دفتر سیاسی جنبش حماس تاکید کرد، حماس هرگز در امور مصر دخالت نکرده و مطلقاً امنیت این کشور را به بازیچه نمی گیرد. «محمود الزهار» طی اظهاراتی در برنامه «حوادث مصر» در شبکه العربیه در واکنش به اتهامات وارده به حماس و بازداشت یک فرد وابسته به این جنبش در مصر گفت: اگر این اتهامات در دوره قبل زده می شد، جای توجیه داشت اما اکنون چنین اتهاماتی غیر قابل تصور و بازداشت این فرد نیز در حد اتهام است و دلیلی برای اتهامات دیگر به حماس نمی تواند باشد.

***تونس**

مجلس موسسان تونس بودجه نخست وزیری و مجلس را تصویب اما بودجه ریاست جمهوری را رد کرد. مجلس ملی موسسان تونس بودجه ۷۹ میلیون دیناری (حدود ۳۸ میلیون یورو) ریاست جمهوری این کشور را در سال ۲۰۱۳ رد کرد. در این حال، وزیر کشور تونس از تقویت همکاری کشورش با الجزایر برای تامین امنیت مرزهای مشترک خبر داد.

منطقه کردستان عراق صادرات نفت را متوقف کرد

سرویس خارجی: رسانه ها گزارش دادند منطقه کردستان عراق صادرات نفت را به دلیل مشکلات مالی با بغداد متوقف کرد. یک مقام کردستان عراق از متوقف شدن صادرات نفت این منطقه به دلیل پرداخت نشدن پول آن از سوی دولت مرکزی عراق، خبر داد. از سال ۲۰۰۳ تا کنون منطقه کردستان بیش از ۵۰ قرارداد نفتی با طرف های خارجی به امضا رسانده که دولت مرکزی عراق اعلام کرده کردها حق انجام چنین کاری را نداشته اند. در سال ۲۰۱۱ میلادی، منطقه کردستان عراق و دولت مرکزی در بغداد به توافقی رسیدند که بر اساس آن کردستان عراق، نفت را به بغداد بدهد و دولت مرکزی پس از فروش نفت ۵۰ درصد از پول آن را به کردها بدهد.

تعیین جانشین

شورای مرکزی اتحادیه میهنی کردستان، تا بازگشت جلال طالبانی، جانشینی برای وی به عنوان مسئول عالی این اتحادیه تعیین کرد. به گزارش خبرگزاری فارس به نقل از «کردپرس»، بر اساس بیانیه شورای مرکزی اتحادیه میهنی کردستان عراق، در نشست این شورا در دفتر سیاسی اتحادیه میهنی که در شهر سلیمانیه برگزار شد، تمامی اعضای دفتر سیاسی و شورای رهبری اتحادیه میهنی پایبندی خود را به سیاست‌های تعیین شده و اساسنامه این حزب اعلام داشتند. در این نشست اعلام شد: تا بازگشت جلال طالبانی و به منظور انجام وظایف و مسئولیت‌های سومین کنگره اتحادیه میهنی کردستان عراق، «کوسرت رسول»، معاون اول دبیرکل به عنوان مسئول عالی اتحادیه انتخاب و تمامی اعضای شورای رهبری از وی حمایت و پشتیبانی می کنند. در این حال، پزشک معالج رئیس جمهوری عراق در آلمان، اخبار منتشر شده درباره مرگ بالینی او را تکذیب کرد. دکتر «نجم الدین کریم» پزشک معالج جلال طالبانی که به همراه او به آلمان رفته است، اخبار منتشر شده درباره مرگ بالینی او را تکذیب کرد و گفت: اخبار منتشر شده در رسانه‌ها دارای اطلاعاتی نادرست و گمراه‌کننده بود.

اظهارات مقتدا صدر

رهبر جریان صدر عراق با اعلام حمایت از موضع تظاهرکنندگان الانبار علیه دولت این کشور، اعلام کرد: عراق از آن همه است نه ملک شخصی یک نفر. به نوشته روزنامه الوطن کویت، مقتدا صدر، رهبر جریان صدر عراق با صدور بیانیه‌ای در واکنش به تظاهرات اخیر در استان الانبار و بازداشت محافظان شخصی وزیر امور دارایی این کشور گفت: من خدمتگزار شهر و مردم الانبار هستم، من همواره تلاش کرده‌ام که در خدمت همه مردم باشم گر چه خود شیعه هستم، اما صدای کمک و یاری خواهی شما در جنگ در برابر دولت سنی ستیز عراق را شنیدم و اعلام می کنم که ما چنین جنگ و قیحانه‌ای را علیه هر طایفه یا قومی که باشد محکوم می‌کنیم. وی افزود: وقتی حزن و اندوه خانواده‌های زندانیان و فرزندانشان را مشاهده کردم غم و غصه‌ام بیشتر شد اما مشاهده برخی از تظاهرکنندگان که شعارهای طایفه‌ای سر می‌دادند مرا غمگین تر کرد چرا که ما همه ملت عراق هستیم و باید نه با احساسات قومی بلکه با عقل و تدبر برای حفظ وحدت تلاش کنیم. در چنین شرایطی، رئیس منطقه کردستان عراق در یک کنفرانس خبری با اعلام اینکه وضع جسمانی رئیس جمهوری عراق رو به بهبود است، اعلام کرد که به حل اختلافات بغداد - اربیل خوشبین نیست. مسعود بارزانی رئیس منطقه کردستان عراق درباره مشکلات و اختلافات بغداد و اربیل گفت: من به حل مشکلات بغداد و اربیل خوشبین نیستم و پس از بیماری جلال طالبانی گفتگوهای طرفین در راستای حل اختلافات موجود متوقف شده است.

افزایش نیرو

ارتش ترکیه در راستای اقدامات مداخله جویانه دولت این کشور، نیروها و تجهیزات نظامی خود را در مرزهای عراق افزایش داده است. این تجهیزات شامل خودروهای زرهی و سلاح های توپخانه ای است. این در حالی است که رسانه های ترکیه اعلام کردند که این اقدام ارتش ترکیه احتمالاً در راستای آمادگی گسترده امنیتی برای مقابله با عناصر "پ.ک.ک" انجام شده است. در این حال، خبرگزاری براثا گزارش داد: در پی اظهارات مداخله جویانه اخیر رجب طیب اردوغان نخست وزیر ترکیه درباره عراق، ائتلاف دولت قانون اخراج سفیر آنکارا در بغداد را خواستار شده است. از سویی، یک روزنامه چاپ ترکیه مدعی شد، آنکارا در حال مذاکره با ایران و آمریکا برای جلوگیری از بروز جنگ داخلی در عراق است.

به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از حریت، ترکیه مذاکراتی را با مقامات ایران، آمریکایی و عراقی در مورد اوضاع عراق انجام داده است. این مذاکرات به دلیل نگرانی سیاستمداران سنی عراق از اقدام جدید دولت در بازداشت محافظان یکی از وزیران کابینه انجام شده است. خبر دیگر اینکه، سومریه نیوز گزارش داد: نوری مالکی در جریان سفر هشت ساعته خود به امان و دیدار با مقامات اردنی یک توافقنامه جامع اقتصادی در زمینه نفت، حمل و نقل و کشاورزی امضا کرد. در تحولی دیگر، دفتر وزارت حقوق بشر عراق در استان بصره از کشف یک گور دسته جمعی در شمال این استان خبر داد.

جنگ سوریه به نزدیک پایتخت رسید

عکس از خبرگزاری فرانسه

سرویس خارجی: جنگ به دمشق پایتخت سوریه نزدیک شده و چند شهرک در منطقه «غوطه شرقی» در اطراف دمشق به مرکز اصلی درگیریهای این کشور تبدیل شده است.

در همین رابطه خبرگزاری فرانسه اعلام کرد هواپیماهای ارتش سوریه به مناطق تحت کنترل شورشیان در غوطه شرقی حمله کردند. منطقه بمباران شده، محل استقرار برخی از نیرومندترین و سازماندهی شده ترین گروههای وابسته به ارتش آزاد سوریه است. دراین حال توپخانه ارتش سوریه اقدام به گلوله باران مواضع شورشیان در استان های حمص و درعا کرد. همچنین مناطقی از شهر دیرالزور واقع در شرق سوریه به صحنه درگیری شدید بین نیروهای ارتش و تروریست‌های مسلح تبدیل شده است. مقادیری مواد منفجره نیز در مدرسه ای در محله "الحویقة" منفجر شد اما تلفات نداشت. از سویی تعداد زیادی از گروه‌های مسلح وارد شهر حارم در حومه ادلب شدند و توانستند به طور کامل بر این منطقه سیطره پیدا کنند.

افراد مسلح به کمیته های مردمی موجود در منطقه که مسئول حفظ امنیت منطقه بودند حمله کردند و تعداد زیادی از کمیته های مردمی را کشتند و ده ها تن دیگر را نیز دستگیر کردند. در عملیات ارتش سوریه در «دوما» واقع در ریف دمشق نیز یک فرمانده مهم گروهک تروریستی ارتش آزاد به نام «علی محمد الصمادی» معروف به «ابو کاسم» در نزدیکی مرکز فرهنگی شهر کشته شد. از سوی دیگر افراد مسلح به سمت اعضای یک خانواده که با اتومبیل خود در مسیر حما - حلب حرکت می کردند، تیراندازی کرده و یک زن و شوهر و دو فرزند آن‌ها را به قتل رساندند. خبر دیگر اینکه «جبهه خلق برای آزادی فلسطین، فرماندهی کل» اعلام کرد «نضال علیان» فرمانده عملیات این گروه به دست تروریست‌های مسلح در سوریه کشته شد. در تحولی دیگر «موشه یعالون» معاون نخست‌وزیر اسرائیل به رادیو ارتش در ارتباط با گزارش مخالفان سوری مبنی بر استفاده نظام سوریه از سلاح‌های شیمیایی گفت: ما هیچ گونه شواهد و سندی که نشان دهد سلاح‌های شیمیایی در سوریه مورد استفاده قرار گرفته است در دست نداریم.

مخالفت با طرح آمریکا و روسیه

ائتلاف ملی مخالفان سوریه در واکنش به انتشار اخباری مبنی بر طرح مشترک آمریکا - روسیه مبنی بر باقی ماندن بشار اسد در قدرت تا سال ۲۰۱٤ اعلام کرد با این پیشنهاد کاملا مخالف است. معاذ الخطیب، رئیس ائتلاف مخالفان سوریه اعلام کرد مخالفان حتی نمی خواهند اسد یک روز دیگر در قدرت باقی بماند. وی اعلام کرد: هر گونه راهکار سیاسی که شامل باقی ماندن اسد در قدرت باشد از نظر ما کاملا مردود است. به گفته وی، اخضر ابراهیمی، فرستاده مشترک سازمان ملل و اتحادیه عرب در سفرش به دمشق هیچ طرح سیاسی به ائتلاف مخالفان سوریه ارائه نکرد. از سوی دیگر، وزارت خارجه روسیه اعلام کرد اخضر ابراهیمی پس از سفرش به دمشق، به مسکو خواهد آمد. همچنین گفته می شود اخضر ابراهیمی در سفر به سوریه با «ائتلاف ملی نیروهای انقلابی» و معارضان سوری دیدار کرد.

ابراهیمی با هیاتی به ریاست «حسن عبدالعظیم» رئیس هیات هماهنگی مخالفان داخلی دیدار کرد. این هیات شش نفره شامل احزاب قومی، عربی، کردی، کمونیستی و مارکسیستی است و گفته می شود رابطه خوبی با روسیه دارد و مخالف هر گونه دخالت خارجی در سوریه است. از سویی سرگئی لاوروف وزیر امور خارجه روسیه از کشورهای غربی خواست به تلاش های مسکو برای توقف خشونت ها در سوریه و حل و فصل مسالمت آمیز بحران این کشور کمک کنند. وی گفت: هدف ما در سوریه شکار کسی نیست، بلکه توقف خشونت ها و خونریزی ها در این کشور را به عنوان هدف راهبردی دنبال می کنیم. دراین حال یک مقام روس اعلام کرد: مسکو به همکاری های دفاعی خود با سوریه ادامه می دهد. آناتولی آنتونوف معاون وزیر دفاع روسیه اعلام کرد مسکو ارسال سلاح به سوریه را متوقف نکرده است و هیچ قطعنامه ای که صدور سلاح روسیه به سوریه را ممنوع کند وجود ندارد.

ادعای گاردین

روزنامه انگلیسی گاردین در گزارشی ادعا کرد مقام‌های اطلاعاتی آمریکا به سخنگوی سابق وزارت امور خارجه سوریه کمک کرده‌اند تا از این کشور فرار کند اما هنوز جزئیات سفر وی مشخص نیست.

گاردین نوشت: جهادالمقدسی، همکاری نزدیکی با مقام‌های اطلاعاتی آمریکا دارد و آنها به وی کمک کردند تا ماه گذشته از سوریه وارد واشنگتن شود. مقام‌های دولت سوریه فرار المقدسی را تکذیب می کنند و می گویند وی به مرخصی سه ماهه رفته است. با این حال در زمان خروج المقدسی از سوریه تلویزیون حزب‌الله در بیروت اعلام کرد دیدگاه‌های المقدسی از موضع دولت سوریه فاصله گرفته و این امر موجب اخراج وی شده است.

خبر دیگر اینکه شیخ صباح احمد الصباح، امیر کویت اعلام کرد کشورش پایان ژانویه آتی میزبان کنفرانس کشورهای کمک کننده به ملت سوریه خواهد بود. وی گفت این کنفرانس به درخواست سازمان ملل و با هدف کمک به ملت سوریه برگزار خواهد شد.

توضیح ترکیه درباره پاتریوت

سخنگوی وزارت خارجه ترکیه تاکید کرد: موشک‌های پاتریوت ناتو در مرز ترکیه و سوریه به غیر از تهدیدات احتمالی سوریه، علیه هیچ کشوری نیست. در پی اظهارات سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه مبنی بر این که ممکن است هدف موشک‌های پاتریوت در مرز ترکیه، ایران باشد، سلچوک اونال سخنگوی وزارت خارجه ترکیه اعلام کرد موشک‌های پاتریوت علیه هیچ کشوری نیست و هدف از استقرار موشک‌های پاتریوت تنها برای خنثی کردن هر گونه تهدیدی از سوی سوریه علیه ترکیه است. در تحولی دیگر «محمد شکر» نماینده حزب مخالف جمهوریخواه خلق در مجلس ترکیه اعلام کرد هتل حرران شهر شانلی عرفا در نزدیکی مرزهای ترکیه با سوریه هفته گذشته به مدت دو روز میزبان تروریست های سوری و جاسوسان سازمان سیا بود.

وی گفت در این گردهمایی تروریستهای مسلح و معارضان سوری با جاسوسان آمریکایی طرحهای جدیدی را برای خونریزی بیشتر در سوریه تهیه کردند. از سویی «ارطغرل گونای» وزیر گردشگری ترکیه با اشاره به کاهش ۲/۱ میلیارد دلاری درآمد گردشگری این کشور گفت: دخالت آنکارا در بحران سوریه موجب لغو سفر بیش از دو میلیون گردشگر به ترکیه شده است. وی از کاهش سفر گردشگران ایرانی، سوری و عراقی به کشورش در سال ۲۰۱۲ خبر داد.

رزمایش در جولان

ارتش رژیم صهیونیستی از آغاز رزمایش نیروهای این رژیم در بلندی های جولان سوریه خبر داد. ارتش رژیم صهیونیستی اعلام کرد این رزمایش با هدف تقویت توان نظامی نیروهایش است. ارتش رژیم صهیونیستی تاکید کرد احتمالا این رزمایش با صدای انفجارهایی در منطقه مذکور همراه خواهد بود.

وزیر خارجه اردن در بیت‌المقدس: توهین اسرائیل به مقدسات را نمی‌پذیریم

سرویس خارجی: وزیر خارجه اردن در سفرش به بیت‌المقدس ضمن بازدید از مسجدالاقصی اعلام کرد: هر گونه توهین به مقدسات اسلامی و مسیحی نقض آشکار قوانین بین‌المللی است. ناصر جوده، در این سفر از قبة الصخره در قدس شرقی بازدید کرد. جوده در این سفر اعلام کرد عبدالله دوم، پادشاه اردن وی را عازم این سفر کرده تا از اوضاع مسجد الاقصی و طرح‌هایی که درباره این مسجد تحت نظارت اردن اجرا می‌شود، اطلاع یابد. وزیر امور خارجه اردن با اشاره به تجاوزهای اخیر شهرک‌نشینان صهیونیست و رژیم صهیونیستی به مقدسات فلسطینی به ویژه در بیت المقدس گفت: هر گونه اقدامات یکجانبه از سوی رژیم اشغالگر اسرائیل نقض آشکار قوانین بین‌المللی است و ما هرگز آن را نمی‌پذیریم.

جوده با تاکید بر اینکه موضع کشورش نسبت به مقدسات اسلامی و مسیحی ثابت است، مخالفت دولت اردن را با هر گونه اقدامی که باعث تغییر هویت عربی بیت‌المقدس و مقدسات اسلامی و مسیحی شود، اعلام کرد. وی تاکید کرد: قدس همواره تحت نظارت دولت اردن خواهد بود و امان برای حمایت از بیت‌المقدس و حفظ ماهیت عربی و مقدسات آن تلاش خواهد کرد.

دراین حال محمود عباس رییس تشکیلات خودگردان فلسطین اظهار داشت: فلسطینی ها از قدس چشم پوشی نخواهند کرد و پیروان ادیان آسمانی می توانند آزادانه در این شهر به انجام آیین عبادی خود بپردازند. وی افزود: قدس شرقی پایتخت فلسطین است و ما هرگز از آن چشم پوشی نخواهیم کرد. خبر دیگر اینکه نماینده اتحادیه اروپا در فلسطین از کمک ۷/٤ میلیون یورویی این اتحادیه به تشکیلات خودگردان برای پرداخت حقوق معوقه کارکنان بخش دولتی خبر داد. «جان گات روتر» گفت: باید به خطرات ناشی از به مخاطره افتادن دستاوردهای تشکیلات خودگردان در پروسه ایجاد دولت توجه ویژه‌ای داشته باشیم. در تحولی دیگر نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی اعلام کرد قصد دارد دور جدیدی از مبارزه با حضور مهاجران آفریقایی در اسرائیل را به اجرا بگذارد و آن‌ها را به کشورهایشان بازگرداند.

زمزمه های کناره گیری زرداری از ریاست حزب حاکم پاکستان

۴پلیس پاکستانی در حمله شبه نظامیان طالبان کشته شدند-عکس از خبرگزاری فرانسه

سریس خارجی: «آصف علی زرداری» قصد دارد با کناره‌گیری از پست سرپرستی حزب حاکم مردم پاکستان، «سید یوسف رضا گیلانی» نخست‌وزیر سابق این کشور را جایگزین خود کند.

دیوانعالی پاکستان چندی پیش درباره دو شغله بودن زرداری به وی هشدار داد و اعلام کرد که وی یا باید به عنوان رئیس‌جمهوری فعالیت کند و یا به عنوان سرپرست حزب مردم پاکستان. «نواز شریف» رهبر حزب مسلم لیگ شاخه نواز نیز از رئیس جمهوری درخواست کرده بود که فعالیت حزبی خود را کنار بگذارد تا تصور نشود زرداری با اعمال قدرت به‌دنبال پیروزی حزب مردم و به چالش کشیدن انتخابات شفاف در کشور است. اگرچه هم‌اکنون «بلاول بوتو» فرزند آصف علی زرداری، رهبر حزب مردم است اما زرداری به‌طور مشترک ریاست این حزب را در کنار فرزندش بر عهده دارد و در عمل، رهبر اجرایی این حزب به شمار می‌رود. قرار است گیلانی به جای زرداری سرپرستی حزب مردم را بپذیرد و بار دیگر فعالیت سیاسی خود را برای به‌عهده گرفتن یک پست دولتی آغاز کند.

حملات شبه‌نظامیان

درجدیدترین حملات شبه‌نظامیان به مواضع ارتش پاکستان، چهار تن از نیروهای امنیتی پاکستان در ایالت «بلوچستان» کشته شدند.

در دو حمله جداگانه برای بار دیگر مواضع ارتش پاکستان در ایالت بلوچستان هدف حمله تروریستی قرار گرفت. در نخستین حمله که در منطقه «ماشکی» صورت گرفت دو تن از نیروهای امنیتی پاکستان هنگام خروج از مقر خود هدف شلیک یک شبه‌نظامی قرار گرفته و در دم جان باختند.

اخبار همچنین حاکی از آن است که دو نیروی گشت‌زنی در شهر کویته هنگامی که در کمین بودند هدف حمله قرار گرفته و کشته شدند.

همچنین در منطقه «حوب» بر اثر انفجار تروریستی چهار نیروی امنیتی ارتش پاکستان به شدت زخمی شده و برای ادامه درمان به بیمارستان منتقل شدند.

زاویه

رهایی از چنگال غاصبان خواست مشروع مردم بحرین

روایت ظلم و ستم تاریخی و بی امانی که طی سالیان متمادی از سوی حکام بحرین علیه مردم ظلم ستیز، مقاوم و سربلند این کشور روا داشته شده، دل هر انسان آزاد و عدالت‌خواهی را به درد می آورد. عجیب اینکه در دنیایی که کوس دموکراسی، آزادیخواهی و حمایت از حقوق بشر گوش هر انسانی را کر کرده است، منافع و مطامع استعماری قدرتهای بزرگ در این سال‌ها همواره با اغماض، همراهی و حتی حمایت از ظلم آشکار و جنایت‌های متعدد حکام غاصب علیه مردم ستمدیده بحرین همراه بوده است.

برای روشن تر شدن شرایط اسفبار فعلی بحرین نکات زیر قابل توجه است:

۱ـ براساس کتب و منابع متقن تاریخی سابقه تشیع در بحرین به دوران زمامداری امیرالمومنین(ع) باز می گردد. هر چند سهم «ابان بن سعید» را که از طرف پیامبر(ص) حکمران بحرین بود و به دوستی و ولایت امیرالمومنین(ع) شناخته شده بود، نباید نادیده گرفت.

۲ـ ارتباط و علاقه ساکنان این جزیره با مذهب تشیع به حدی محکم و وثیق است که در نزد اهالی شبه جزیره و ساحل نشینان خلیج فارس، کلمه «بحرانی» مترادف با کلمه شیعی به کار می‌رود و اقلیت اهل سنت در این جزیره به نام «اهل البحرین» خوانده می‌شوند.

۳ـ اصل و نسب خاندان آل خلیفه به العتوب از منطقه الافلاج در جنوب نجد باز می گردد براساس مستندات تاریخی، این خانواده پس از مهاجرت از نجد ابتدا در قطر سکنی گزید سپس به کویت رفت و به دو خانواده آل خلیفه و آل صباح تقسیم شد و پس از اختلاف نظر میان این دو در سال‌های ۱۷٦۵ ـ ۱۷٦٦ آل خلیفه به منطقه زیاره در غرب قطر نقل مکان کرد و پس از مدتی با حمایت‌های خارجی به تدریج بر این منطقه حاکم شد. براساس اسناد و مدارک تاریخی، برای اولین‌بار در تاریخ، آل خلیفه در سال ۱۷۸۲ از زیاره وارد بحرین شد.

٤ـ آل خلیفه از بدو ورود به بحرین و با توجه به حضور جمعیت بومی شیعی و احساس خطر نسبت به آینده حاکمیتش و با هدف تغییر ترکیب جمعیتی و ایجاد توازن در داخل، برخی خانواده‌های اهل سنت را از اقصی نقاط شبه جزیره و دیگر مناطق اطراف به بحرین منتقل کرد. این سیاست که در طول بیش از دو قرن اخیر اعمال شده، امروزه نیز تحت عنوان «تجنیس» استمرار دارد. در سال‌های اخیر و به ویژه پس از موج اعتراضات مردمی در اواسط دهه ۹۰ میلادی رژیم بحرین ده‌ها هزار نفر از قبایل مختلف را از سرزمین‌های عربستان، سودان، یمن، عراق، پاکستان، اتیوپی، سوریه و اردن وارد بحرین کرده و به آنها تابعیت بحرینی داده است.

٥ـ آل خلیفه با نادیده گرفتن حق و حقوق صاحبان اصلی بحرین یعنی شیعیان و از طریق ایجاد وابستگی و تحت‌الحمایگی قدرت‌های بزرگ، در هر مقطع تاریخی، حاکمیت خود را به بحرین استمرار بخشیده به نحوی که اکنون پس از بیش از دو قرن به مرحله‌ای رسیده که نه تنها خود را حاکم بحرین بلکه با جعل تاریخ، خود را مالک این سرزمین جلوه داده و بی‌شرمی را به جایی رسانده که از فرط وحشت انقلاب مردم بحرین که همزمان با موج بیداری اسلامی اوج گرفته است، با وقاحت تمام از شیعیان کشور سلب تابعیت می کند.

٦ـ در مقام مقایسه وضعیت فعلی بحرین با فلسطین، چهار محور زیر جالب توجه است:

اول: رژیم غاصب در هر دو سرزمین جعلی است، از خارج تحمیل شده و به مرور زمان خود را مالک آن قلمداد کرده‌اند.

دوم: صاحبان اصلی سرزمین، به شدت تحت ظلم و ستم رژیم غاصب هستند، لکن این مردم مقاوم و ظلم ستیز پس از سال‌ها تجربه و مبارزه به این قناعت رسیده‌اند که تنها راه احقاق حقوق مشروع و تاریخی آنها حضور مستقیم در صحنه و استمرار مقاومت است.

سوم: مدعیان دروغین دموکراسی و حقوق بشر همان گونه که در یک تناقض آشکار در برابر اقدامات و جنایات رژیم غاصب صهیونیستی سکوت اختیار کرده‌اند، همین رفتار متناقض را نیز در برابر اقدامات و سیاست‌های غاصبانه رژیم بحرین عیناً تکرار می کنند. این وجه تشابه به واقع بیانگر مظلومیت مشترک و منحصر به فرد مردمان بحرین و فلسطین است. و نکته اخیر، در حالی که حکام بحرین به قدرت رسیدن و استمرار حاکمیت خود در طول دو قرن گذشته را مدیون وابستگی و حمایت‌های قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای هستند، در هر مقطع که مردم مقاوم و ظلم‌ستیز بحرین برای احقاق حقوق تاریخی و مشروع خود به پاخواسته‌اند، با اتهام ساختگی و نخ نما شده وابستگی صاحبان اصلی سرزمین بحرین به خارج، قیام آنها را سرکوب کرده‌اند. اما به نظر می رسد بیداری و نهضت مردم انقلابی بحرین، این بار متمایز از گذشته، تا حصول نتیجه نهایی متوقف نخواهد شد. این واقعیت موجبات وحشت بیش از پیش حکام بحرین و حامیان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای آنها را فراهم آورده است.

*سرویس خارجی

حمایت سازمان ملل از حقوق مسلمانان «روهینگیا»

سرویس خارجی: مجمع عمومی سازمان ملل با صدور قطعنامه‌ای درباره میانمار از دولت این کشور خواست از حقوق مسلمانان روهینگیا به ویژه حق شهروندی آنها حمایت کند. مجمع عمومی سازمان ملل به اتفاق آرا قطعنامه‌ای درباره اوضاع میانمار تصویب و از تغییرات سیاسی به وجود آمده در این کشور استقبال کرد، اما نگرانی خود را از خشونت بوداییان علیه مسلمانان این کشور در ایالت «راخین» را نیز اعلام کرد. در این قطعنامه که ۱۹۳ رای به آن داده شده است، جامعه جهانی از دولت میانمار می‌خواهد شرایط مسلمانان روهینگیا را بهبود بخشد و از حقوق بشر به ویژه حق ملیت این افراد حمایت کند. میانمار مسلمانان روهینگیا را شهروند این کشور نمی داند و معتقد است این افراد مهاجرانی هستند که باید به کشور خود باز گردند. خشونت علیه مسلمانان میانمار از ماه ژوئن آغاز شد که بر اثر آن صدها مسلمان کشته شدند و حداقل ۱۵۰ هزار نفر آواره و بی خانمان شدند. این قطعنامه همچنین از دولت میانمار می خواهد در زمینه روند دموکراسی سازی و اصلاحات سیاسی اقدامات جدی تری انجام دهد.

موافقت «۱٤ مارس» با پیشنهاد نبیه بری برای بررسی قانون انتخابات لبنان

سرویس خارجی: جریان ۱٤ مارس لبنان با پیشنهاد نبیه بری رئیس پارلمان برای بررسی قانون جدید انتخابات در کمیسیون ویژه موافقت کرد. روسا و مسئولان هماهنگ کننده کمیته‌های پارلمانی و اعضای دفتر ۱٤ مارس اعلام کردند با پیشنهاد بری موافق هستند به شرطی که این گفتگوها بعد از تعطیلات عید کریسمس برگزار شود. آنها در بیانیه‌ای که بعد از نشست در منزل «پطرس حرب» از نمایندگان این جریان تهیه شد، تاکید کردند: بعد از رایزنی ها با تمامی سران ۱٤ مارس در راستای تسهیل در تصویب قانون انتخابات، ما آمادگی نمایندگان خود را برای اقامت موقت در هتل واقع در چارچوب شورای امنیتی مجلس نمایندگان اعلام می کنیم، البته به شرطی که زمان درخواست شده برای این کمیسیون بیش از یک هفته نباشد و ارتش و نیروهای امنیتی نیز حمایت از این ساختمان را بر عهده گیرند. این گروه در بیانیه خود بر برگزاری انتخابات در موعد مقرر و رد هر گونه تعویق آن تاکید و بر لزوم تصویب قانون جدید برای اصلاح نمایندگی مردم در پارلمان تاکید کرد. خبر دیگر اینکه دو بمب جاسازی شده نزدیک منزل نجیب میقاتی نخست وزیر لبنان در منطقه المعرض طرابلس کشف و خنثی شد. از سویی پس از هفت ماه بلاتکلیفی، خانواده های شهروندان لبنانی ربوده شده در سوریه در اعتراض به آزاد نشدن بستگان خود، مقابل جاده منتهی به کاخ ریاست جمهوری لبنان تحصن کرده و مسیر کاخ بعبدا را مسدود کردند. تجمع کنندگان در این تحصن قصد داشتند نمادی از درخت میلاد که عکس هایی از گروگان ها روی آن نصب شده بود را به میشل سلیمان رییس جمهوری لبنان منتقل کنند ولی با مخالفت نیروهای امنیتی منطقه روبرو شده و مجبور شدند در خیابان های منتهی به کاخ ریاست جمهوری تجمع کنند. در تحولی دیگر حزب الله لبنان برای معرفی چهره واقعی خود میان محافل اسرائیلی، یک شبکه تلویزیونی عبری زبان تاسیس می کند.

همگام با سازمان تجارت جهانی




* برخی عضویت در سازمان تجارت جهانی را به پارادوکسی تشبیه کرده‌اند که آثار منفی آن خصوصاً در کشورهای در حال توسعه بر آثار مثبت پیشی گرفته و باعث حذف برخی صنایع و بحران بیکاری شده است. اما در عین حال عده‌ای هم بر این اعتقادند که در بلندمدت به سالم‌سازی تولیدات صنعتی و بهینه‌سازی مصرف مواد خام منجر خواهد شد

* اصلی‌ترین هدف تعریف شده سازمان تجارت جهانی، برقراری اصول تجارت آزاد در عرصه تجارت بین‌الملل و ادغام بیشتر اقتصادهای ملی در اقتصاد جهان است

*سازمان تجارت جهانی یگانه سازمان بین‌المللی است که به بررسی و تنظیم قوانین تجارت بین کشورها در سراسر جهان می‌پردازد و اصول کار آن مبتنی بر موافقتنامه‌هایی است. که همه آنها در بین تعداد زیادی از کشورها به بحث و تبادل‌نظر گذاشته شده و به امضا و تأیید پارلمان‌های کشورهای مذکور رسیده است

نظریه تجارت آزاد مبتنی بر مکتب اقتصاد کلاسیک که اولین بار در کتاب ثروت ملل جان اسمیت در سال ۱۷۷۶ میلادی تعریف شد، هنوز هم پایه و مبنای استدلال طرفداران آزادسازی تجارت جهانی است.

به اعتقاد اسمیت با افزایش امکان تقسیم کار و تخصیص مهارت‌ها، تجارت آزاد می‌تواند موجبات رشد واقعی ثروت را به دلیل تخصیص بهینه منابع اقتصادی فراهم آورد. نظریه کلاسیک اسمیت بعدها با تئوری برتری نسبی ریکاردو تکمیل شد. براساس این نظریه، کافی نیست که کشورها صرفا به تولید کالاهایی که دارای مزیت تولید مطلق هستند بپردازند، بلکه باید در تولید کالاهایی که حایز برتری نسبی هم هستند، مشارکت داشته باشند. بدین ترتیب براساس تئوری‌های بازار رقابتی، مازاد درآمد و ثروت حاصله از توسعه تجارت آزاد باعث رشد بیشتر سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی و در نتیجه افزایش مستمر سطح کار و اشتغال می‌شود. اکنون هم در چارچوب یک اقتصاد مبتنی بر بازار، چنین تئوری‌هایی همچنان در شرایط مدرن تجارت امروز از توجیه برخوردار بوده و رقابت هدفمند بر سیاست‌های حمایتی اولویت خواهد داشت.

در این خصوص از نظر بسیاری از کارشناسان، سازمان تجارت جهانی مقتدرترین سازمان قانون‌گذاری و حتی قضایی دنیا محسوب می‌شود که با هدف برقراری تجارت آزاد و توزیع ثروت بین کشورها تشکیل شده است.

هر چند کارنامه WTO چندان با آرمان‌های بلند بین‌المللی و توقعات کشورهای مختلف سازگار نیست و بارها در مغایرت با دموکراسی، محیط زیست و حقوق بشر قرار گرفته است، اما بسیاری از صاحبنظران بین‌المللی بر این باورند که خلأ ناشی از نبود چنین سازمانی مشکلات بیشتری را پیش روی جامعه جهانی به تصویر خواهد کشید.

عضویت در سازمان تجارت جهانی از ابعاد گوناگون و در کشورهای مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. برخی آن را به پارادوکسی تشبیه کرده‌اند که آثار منفی آن خصوصاً در کشورهای در حال توسعه بر آثار مثبت پیشی گرفته و باعث حذف برخی از صنایع در این کشورها و بحران بیکاری شده است. اما در عین حال عده‌ای هم بر این اعتقادند که حتی اگر در کوتاه‌مدت عواقب منفی عضویت در سازمان قابل توجه باشد، اما در بلندمدت به سالم‌سازی تولیدات صنعتی و بهینه‌سازی مصرف مواد خام منجر خواهد شد.

در عین حال روند تجارت جهانی نشان می‌دهد که بعد از مدتی کشورهایی که به عضویت این سازمان درنیامده‌اند یا دوران گذار طولانی را سپری می‌کنند، قادر به صادرات کالاهای خود نبوده و عملاً از صحنه رقابت بین‌المللی حذف می‌شوند.

سازمان تجارت جهانی (World Trade Organization) که به اختصار به WTO مشهور است، تنها سازمان جهانی و بین‌المللی است که به بررسی و تنظیم قوانین تجارت بین کشورها در سراسر جهان می‌پردازد. اصول کار سازمان تجارت جهانی مبتنی بر موافقتنامه‌های این سازمان است. موافقتنامه‌هایی که همه آنها در بین تعداد زیادی از کشورها به بحث و تبادل‌نظر گذاشته شده و به امضای و تأیید پارلمان‌های کشورهای مذکور رسیده است.

تاریخچه شکل‌گیری

در سال ۱۹۲۷ نمایندگان پنجاه کشور جهان برای کاهش مشکلات ناشی از جنگ جهانی اول در شهر ژنو (سوییس) زیرنظر سازمان ملل گردهم آمدند تا زمینه لازم برای رونق اقتصادی از طریق همکاریهای متقابل و کاهش سیاست‌های حمایتی را فراهم کرده و در ضمن تضادهایی را که موجب بروز جنگ جهانی شده بود برطرف سازند.

در اعلامیه نهایی کنفرانس، آزادی تجارت و همکاری‌های متقابل موردتأکید قرار گرفت. ولی عملاً کشورهای مذکور سیاست حمایت‌گرایی از تولیدات خود را اعمال کردند و منافع ملی کوتاه‌مدت را بر منافع همگانی و همکاری متقابل ترجیح دادند. با شروع جنگ جهانی دوم دستاوردهای چنین نشستی عملاً منتفی شده و کاهش قدرت تولید و ضعف تجارت بین‌الملل مجددا پدیدار شد.

پیش از پایان جنگ، کشورهای صنعتی درگیر جنگ برای بهبود وضع تولید و تجارت خود در اوت ۱۹۴۱ در منشور آتلانتیک و موافقت‌نامه‌های متعاقب آن، بر مبادله آزاد و رفع تبعیض در بازرگانی جهانی تأکید کردند. در سال ۱۹۴۴ کنفرانس برتن وودز با شرکت ٤٤ کشور از جمله ایران برای ساماندهی وضع پولی و مالی جهان و ترمیم خرابی‌های ناشی از جنگ تشکیل شد که طی آن با تأسیس صندوق بین‌المللی پول و بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه موافقت به عمل آمد. اما در مورد رفع موانع تجاری، کاری صورت نگرفت هر چند ضرورت آن احساس می‌شد.

در سال ۱۹۴۵ برای رفع موانع تجاری و کاهش تعرفه‌ها، آمریکا پیشنهاد برگزاری کنفرانسی را برای تأسیس سازمان بین‌المللی بازرگانی ارائه کرد. این کنفرانس در ماههای اکتبر و نوامبر ۱۹۴۶ در لندن برگزار شد. در آن زمان بعضی کشورهای شرکت‌کننده، آزادی تجارت را مانع توسعه اقتصادی و رشد تولید داخلی خود می‌دانستند که در نهایت این کنفرانس به نتیجه‌ای نرسیده و بلافاصله در همان سال شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد تصمیم به برگزاری کنفرانسی بین‌المللی درباره تجارت و اشتغال گرفت.

کنفرانس مذکور در مارس ۱۹۴۸ در هاوانا برگزار شد و منشور هاوانا را برای تأسیس سازمان بازرگانی بین‌المللی به تصویب رسانید. در منشور هاوانا دولت‌های عضو ملزم به برداشتن تعرفه‌های گمرکی و سایر موانع بازرگانی خارجی بدون کسب موافقت پارلمان‌های خود بودند.

اما تا سال ۱۹۵۰ در هیچ یک از کشورها، منشور هاوانا موردتصویب قرار نگرفت. بدین ترتیب ایجاد سازمان بین‌المللی بازرگانی منتفی شد. اما کمیته تدارکاتی که وظیفه تهیه و تدارکات مطالب کنفرانس هاوانا را برعهده داشت و اولین گردهمایی خود را با شرکت ۲۳ کشور درباره تعرفه‌های بازرگانی در ژنو تشکیل داده بود، موفق شد در معاهده چندجانبه‌ای که در نهایت موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) نامیده شد، امتیازات تعرفه‌ای حاصل از مذاکرات کنفرانس را بگنجاند.

بقیه در صفحه ۱۸

بحران بدهی اروپا و اقتصاد ایران

دلایل متعددی اعم از داخلی و بین‌المللی را می‌توان برای بحران در کشورهای بحران زده فوق نام برد، اما پذیرش یورو، فصل مشترک میان همه این کشورهاست. پذیرش یورو امکان سیاستگذاری پولی را از دولت‌های حوزه یورو گرفته است. همچنین سیاست پولی که توسط بانک مرکزی اروپا اعمال می‌شود نمی‌تواند منافع همه کشورها را تامین کند. پذیرش یورو دسترسی آسان و ارزان به منابع بین‌المللی را برای کشورهای بحران زده به وجود آورد. این شرایط باعث شدند کشورهای حوزه یورو رشدهای بالایی را تجربه کنند، البته این پیشرفت با تغییرات ساختاری در این کشورها همراه بود: کاهش قدرت رقابت‌پذیری، رشد بخش‌های غیرقابل تجارت، افزایش بدهی‌های خارجی و ... . ولی رکورد اقتصادی ۲۰۰۹ از دو مسیر، روندهای گذشته را در این کشورها تغییر داد: اول، دسترسی به منابع بین‌المللی سخت‌تر شد و دوم، رکود اقتصادی کشورهای جهان را فرا گرفت. اقتصادهایی که به شدت به منابع خارجی وابستگی پیدا کرده بودند، بیشترین زیان را تجربه کردند. رکود اقتصادی امکان جمع‌آوری منابع را برای پرداخت بدهی‌ها نمی‌داد و فروش بدهی‌های جدید هم مانند قبل ارزان نبود. بنابراین، این کشورها با وضعیت مالی بی‌ثباتی مواجه شدند.

به گزارش روابط عمومی مرکز پژوهش‌های مجلس، وضع این کشورها باعث شد رتبه اعتباری آنها در بازارهای مالی کاهش یابد. حتی برخی بانک‌ها که پیش‌تر خریدار بدهی این کشورها بودند هم با کاهش رتبه اعتباری خود مواجه شدند. بنابراین آشفتگی در بازارهای مالی به وجود آمد. ترس از گسترش بحران به دیگر کشورهای اروپایی باعث شد نهادهای بین‌المللی مانند صندوق بین‌المللی پول و اتحادیه اروپا ـ و حتی کشورهای آمریکا و چین ـ برای کمک به کشورهای بحران زده و جلوگیری از سرایت این بحران به دیگر کشورها وارد عمل شوند. ابتدا برخی وام‌ها با نرخ بهره پایین در اختیار آنها قرار گرفت و بسته به شرایط بحران بدهی از این کشورها خواسته شد تا سیاست‌های مالی مانند برنامه‌های ریاضت اقتصادی و اصلاحات ساختاری را در پیش بگیرند. این سیاست‌ها بیشتر بر انعطاف‌پذیری بازار کار، کاهش کسری بودجه دولت و کاهش بدهی‌ها تاکید داشت. همچنین اتحادیه اروپا و صندوق بین‌المللی پول، صندوقی را تاسیس کردند که در مواقع بحرانی دسترسی آسان به منابع را برای کشورهای بحران زده فراهم می‌سازد. اگرچه اجماع سیاسی در میان کشورهای اروپایی برای مقابله با گسترش بحران شکل گرفته است؛ اما تلاش‌های صورت گرفته هنوز نتوانسته به طور قطعی بحران بدهی را کنترل کند.

در ادامه بحران بدهی در اروپا، اختلاف دولت و کنگره بر سر افزایش سقف بدهی در ایالات متحده به یک بحران سیاسی تبدیل شد، زیرا مانند گذشته کنگره به راحتی با افزایش سقف بدهی موافقت نکرد. اگرچه نسبت بدهی در ایالات متحده مانند کشورهای بحران زده اروپایی بالاست، اما رشد اقتصادی و داشتن کنترل بر دلار، ایالات متحده را از دیگر کشورهای بحران زده متفاوت می‌سازد. در صورتی که ایالات متحده همچون قبل به خلق بدهی بپردازد، ممکن است در صورت بروز رکود عمیقی شبیه به رکود سال۲۰۰۹ با بحران بدهی روبرو شود.

در ادامه این گزارش آمده است: آنچه مسلم است کشورهای اروپایی و ایالات متحده دیگر نمی‌توانند همانند قبل با استقراض، منابع لازم را برای تحرک اقتصادهایشان به دست آورند. بنابراین آنها نیازمند انجام اصلاحاتی در بودجه‌شان خواهند بود. اصلاحاتی که منجر به حذف کسری بودجه، ساختاری شود. بنابراین، اگر ابزار استقراض از این نظام‌ها گرفته شود، در کوتاه مدت امکان تحرک اقتصادی وجود ندارد و اگر کشورها دچار رکود نشوند، دوره رونق و شکوفایی را هم تجربه نخواهند کرد، البته با انجام این اصلاحات در بلندمدت انتظار رونق در این اقتصادها امری محتمل است.

بقیه در صفحه ۱۸



همگام با سازمان تجارت جهانی

بقیه از صفحه ۱۷

بدین ترتیب گات در سال ۱۹۴۷ شکل گرفت و تا اوایل سال ۱۹۹۵ که سازمان جهانی تجارت بوجود آمد، تنها سازمان بین‌المللی برای تعیین مقررات و رفتار در تجارت خارجی از طریق رفع موانع غیرتعرفه‌ای و کاهش تعرفه‌ها و بالاخره آزادسازی تجارت جهانی به شمار می‌رفت.

سازمان گات در طول حیات خود مسئولیت مذاکرات چندجانبه تجاری که به دورهای مذاکرات معروف شد، را به عهده داشته است. اولین دور مذاکرات از ابتدای تأسیس در سال ۱۹۴۷ شروع شد. این مذاکرات مربوط به کاهش تعرفه‌ها بود که چهار دور طول کشید و تا سال ۱۹۶۱ ادامه یافت. گات علاوه بر برگزاری جلسات سالانه برای رفع موانع موجود بر سر راه تجارت از طریق کاهش تعرفه‌ها، تقلیل سایر موانع غیرتعرفه‌ای و آزادسازی تجارت جهانی، هشت دور مذاکره بعمل آورد.

جنجالی‌ترین و طولانی‌ترین دور مذاکرات چند جانبه تجاری که در این سازمان انجام شد دور اروگوئه بود که در سپتامبر ۱۹۸۶ نمایندگان ۱۰۴ کشور موافقت خود را با اعلامیه وزیران بازرگانی خود در پونتال ایسته اروگوئه اعلام داشتند.

این اعلامیه در برگیرنده اهداف کلی مذاکرات بود که مهمترین آنها عبارت بودند از:

آزادسازی تجارت جهانی در مقیاس وسیع‌تر، برقراری چارچوبی برای آزادسازی تجارت خدمات، تقویت نقش گات در تجارت جهانی، چگونگی ایجاد سیستمی مطلوب برای حل و فصل اختلافات ناشی از تجارت بین اعضای گات، انطباق گات با نیازهای تجاری و متغیر جهان پیشرفته و بالاخره ایجاد سازمانی جهت رسیدگی و حل و فصل مشکلات تجارت جهانی.

در نهایت با توجه به ضرورت ایجاد نهادی مانند سازمان تجارت جهانی، گات در سال ۱۹۹۵ منحل و WTO به‌جای آن تاسیس شد. با انحلال گات و متعاقب آن تشکیل سازمان تجارت جهانی، دیگر مذاکرات تجاری تنها شامل اعطای امتیازات در جهت رفع موانع گمرکی، تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای، که آن هم اغلب در زمینه‌های صنعتی صورت می‌گرفت، نبود، بلکه مذاکرات تجاری توسط سازمان تجارت جهانی به حوزه‌های دیگر هم گسترش پیدا کرد. با ایجاد سازمان تجارت جهانی مجمعی برای مذاکرات تجاری، نظارت فنی بر اجرای موافقت نامه‌ها و محلی برای پیش‌بینی ساز و کارهایی در خصوص تضمین اجرای آنها پدید آمد.

اهداف سازمان تجارت جهانی، ارتقای استانداردهای زندگی، تضمین اشتغال کامل، افزایش دائم درآمدهای واقعی، گسترش تولید، تجارت کالا و خدمات، فراهم کردن امکانات و استفاده بهینه از منابع جهان، حفظ و حراست از محیط‌زیست و تقویت وسایل انجام کار به گونه‌ای که سازگار با نیازها و علایق در سطوح مختلف توسعه اقتصادی باشد و تلاش برای تضمین رشد کشورهای در حال توسعه و کشورهای دارای کمترین میزان توسعه یافتگی در تجارت بین‌المللی متناسب با نیازهای توسعه اقتصادی است.

اصلی‌ترین هدف تعریف شده سازمان تجارت جهانی، برقراری اصول تجارت آزاد در عرصه تجارت بین‌الملل و ادغام بیشتر اقتصادهای ملی در اقتصاد جهان است. به بیان دیگر، هدف اولیه مشارکت در آزادی مبادلات با پرهیز از اثرات نامطلوب جانبی است. یعنی رفع موانع، آگاه‌سازی افراد، شرکت‌ها و دولت‌ها از مقررات جاری جهانی و ایجاد تضمین‌های قانونی برای معاملات تجاری بین‌المللی.

شباهت‌های فراوانی بین سازمان تجارت جهانی و گات وجود دارد که مهم‌ترین این شباهت‌ها در اهداف و ارکان دو سازمان است. اما در فرایند تبدیل گات به WTO تغییراتی هم ایجاد شده که در ادامه به آنها اشاره می‌شود:

۱. به‌عنوان اولین تفاوت می‌توان به این مطلب اشاره کرد که گات یک سازمان با هویت حقوقی و بین‌المللی نبود، بلکه یک موافقت‌نامه عمومی به‌شمار می‌رفت. از این‌رو، قدرت اجرایی لازم و اختیارات قانونی برای اجرای تصمیمات خود را نداشت. در حالی که سازمان تجارت جهانی یک سازمان رسمی و بین‌المللی است که ابزارهای مناسب برای تحقق اهدافش را در اختیار دارد.

۲. مورد دوم اینکه حوزه فعالیت گات محدود بود. به‌همین دلیل، مقررات آن شامل محصولات کشاورزی، خدمات، سرمایه‌گذاری، منسوجات، پوشاک، خریدهای دولتی، محیط‌زیست و مالکیت معنوی مانند حقوق مربوط به مولفان، ناشرین، شبکه‌های تلویزیونی، ویدیوئی و ماهواره‌ای نمی‌شد، ولی حوزه فعالیت سازمان تجارت جهانی همه این موارد را در برمی‌گیرد. به بیان دیگر، گات تنها شامل آزادسازی تجارت خارجی در محدوده صنعت بود. یعنی کشورهای عضو، فقط در بخش صنعت می‌توانستند براساس مقررات گات عمل کنند، ولی WTO در برگیرنده آزادسازی تجارت خارجی در بخش صنعت، کشاورزی و خدمات است.

از این‌رو، کشورهای عضو باید تمامی محدودیت‌های واردات و صادرات در هر سه بخش را لغو کنند.

۳. گات یک موافقت‌نامه موقت بود که برای وصول به یک توافق همگانی در امور تجاری، طراحی شد. این توافق همگانی در پایان مذاکرات معروف به دور اروگوئه به‌دست آمد. از این‌رو، نیازی به ادامه حیات گات وجود نداشت.

۴. تفاوت دیگر بین دو نهاد، نظام حل اختلاف است. در سازمان تجارت جهانی، ساز و کار پیش‌بینی شده، خودکار و سریع است و نمی‌توان مانع اجرای تصمیمات سازمان شد.

۵. تعداد زیادی از موافقت نامه‌های پذیرفته شده تحت پوشش گات، توافق‌های چند جانبه داوطلبانه و بنابراین گزینشی بودند، در مقابل تمامی موافقت نامه‌های WTO چند جانبه و شامل همه کشورهای عضو است.

اهداف و اصول

سازمان تجارت جهانی، چند هدف عمده را دنبال می‌کند، که عبارتند از:

ارتقای سطح زندگی، تأمین اشتغال کامل در کشورهای عضو و توسعه تولید و تجارت و بهره‌وری بهینه از منابع جهانی، دستیابی به توسعهٔ پایدار با توجه به بهره‌برداری بهینه از منابع جهانی، حفظ محیط‌زیست به طوری که با سطوح مختلف توسعهٔ اقتصادی سازگاری داشته باشد و افزایش سهم کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته از رشد تجارت بین‌المللی، از اهداف مختص سازمان تجارت جهانی به‌شمار می‌روند.

متناسب با همین اهداف، سازمان تجارت جهانی به مدیریت و تسهیل عملیات اجرایی و توسعهٔ اهداف موافقتنامهٔ سازمان تجارت جهانی و تهیهٔ چار چوب لازم برای اجرای مدیریت موافقتنامه‌های تجاری چند جانبه می‌پردازد. همچنین نقش فراهم کردن امکانات گردهمایی اعضا برای مذاکره و مشورت در زمینهٔ روابط چند جانبهٔ تجاری، اجرا و تدوین مقررات مربوط به روشهای حل اختلاف میان اعضا را هم برعهده دارد. سازمان تجارت جهانی همچنین موظف است نظام بررسی و تجدیدنظر در سیاست‌های تجاری را برقرار کرده و با سازمان‌ها و تشکیلات اقتصادی بین‌المللی همچون صندوق بین‌المللی پول و «بانک جهانی» همکاری داشته باشد.

اصول سازمان تجارت جهانی بر هشت اصل مهم مبتنی است:

۱ـ اصل عدم تبعیض در رابطه با مسایلی ملی: بر طبق این اصل هرگونه امتیاز بازرگانی یا تعرفه‌ای که از سوی یک کشور نسبت به هر کشور عضو اعمال می‌شود، به تمام شرکای تجاری عضو، قابل تعمیم است. تنها استثنای این اصل در مورد همگرایی اقتصادی همانند اتحادیه‌های گمرکی بین چند کشور است.

۲ـ استفاده از محدودیت‌های کمی در تجارت همچون سهمیه‌بندی و صدور پروانه واردات ممنوع بوده و حمایت از صنایع داخلی فقط از طریق تعرفه‌های گمرکی شفاف امکان‌پذیر است.

۳ـ کاهش و تثبیت تعرفه‌های گمرکی و حذف موانع تجاری غیرتعرفه‌ای، مگر در مورد محصولات کشاورزی که با مشکلات در پرداخت‌ها مواجه هستند.

۴ـ برقراری سیستم تعرفه‌های ترجیحی با هدف اعضای امتیازات تجاری به بعضی از فرآورده‌های کشورهای در حال توسعه، به منظور ساده‌سازی رقابت محصولات این کشورها با محصولات تولیدی کشورهای صنعتی.

۵ـ هرگونه عمل کشورهای عضو که جنبهٔ دامپینگ (فروش زیر قیمت تمام شده) داشته باشد، ممنوع است.

۶ـ وضع هرگونه مالیات بر کالای وارداتی بیشتر از میزان مالیات بر کالاهای ساخت داخل، توسط کشورهای عضو ممنوع است.

۷ـ انجام مشورت در مورد سیاست‌های بازرگانی با دیگر اعضا و حل و فصل اختلافات ناشی از روابط تجاری از طریق مذاکره.

ساختار

سازمان تجارت جهانی دارای تشکیلات زیر است:

* **کنفرانس وزیران:** که از نمایندگان تمامی دولت‌های عضو تشکیل می‌شود و عالی‌ترین رکن سازمان به شمار می‌آید. اجلاس‌های این کنفرانس حداقل هر دو سال یکبار برگزار شده و کنفرانس مزبور، وظایف سازمان تجارت جهانی را دنبال می‌کند که در خصوص انجام وظایف خود مبادرت به تأسیس کمیته‌های تخصصی کرده است. تعیین مدیرکل سازمان، اختیارات و وظایف او هم برعهدهٔ کنفرانس است.

* **شورای عمومی:** از نمایندگان تمامی دولت‌های عضو تشکیل شده است و در فواصل بین‌المللی اجلاس‌های کنفرانس وزیران، وظایف آن را برعهده دارد. وظیفهٔ دیگر این شورا، هدایت کلی و نظارت بر نحوهٔ فعالیت‌های شوراهای تجارت کالا، تجارت خدمات و جنبه‌های مرتبط با تجارت حقوق مالکیت معنوی است.

ادامه دارد

گذری بر بازار فناوری های اطلاعات و ارتباطات

آنچه در پی آمده است، توضیحات دبیر شورای عالی فضای مجازی در مورد روند گسترش فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات و موضوعات مبتلابه آن در سطح جامعه است که بخش اول آن را دیروز ملاحظه کردید و هم اینک بخش دوم و پایانی این گزارش را می‌خوانید

* * *

پس شورا به اینترنت ملی اعتقاد ندارد؟

خیر و قرار هم نیست چنین شبکه‌ای ایجاد کنیم . من حداقل از جایگاه دبیر شورای عالی می‌گویم که هیچ‌گونه تصمیمی برای ایجاد اینترنت ملی نداریم. آنچه ایجاد می‌شود، همان اینترنت است .اما تاکنون اینترنت در داخل کشور توسعه پیدا نکرده و کار زیرساختی قوی روی آن صورت نگرفته که ما می‌خواهیم این کار زیرساختی را انجام دهیم.

شما زمانی که یک خودرو را هم می‌خواهید به داخل کشور بیاورید، برای تعمیرگاه‌های آن نیاز به آموزش دارید. اینترنت هم همین‌طور است. تاکنون اینترنت مانند یک لوله آب وارد کشور شده و کل هنری که به خرج دادیم،این است که گفته‌ایم همین لوله آبی که می‌آید تبدیل به لوله‌های کوچک‌تر کنیم. در این میان هیچ کس نگفته با بخشی از این آب ببریم یک استخر یا حوضچه ایجاد کنیم تا آب ذخیره شود یا بگوید مثلا اگر زمانی این آب قطع شد، چه اتفاقی خواهد افتاد؟

گاهی وقتی با شرکت‌های خارجی دیگر مذاکره می‌کردیم، می‌گفتند این سرویس و خدماتی که شما برروی آن کار می‌کنید، چیزی است که شرکت‌های ما چندین سال است آنها را ارائه می‌کنند. لذا من معتقد به خدمات ملی نیستم و بر این باورم که خدمات باید بومی باشد، حتی به واژه بومی هم به این معنا که حتما نفر ایرانی از صفر تا ۱۰۰ آن برنامه را نوشته باشد، اعتقاد ندارم چرا که در دنیا زمان چنین طرح‌هایی گذشته و قرار نیست ما چرخ را از اول اختراع کنیم.

علم دنیا تا کنون تا جایی پیشرفت کرده و ما باید از آنجا به بعدش را ارتقاء دهیم، اشکال ندارد اگر مثلا در زمینه جست‌وجوگر شرکت خارجی بیاید و داخل کشور بگوید با ضوابط شما می‌توانیم بیاییم و سرویس ارائه کنیم. اما روند کار نباید مانند حال باشد که یک شرکت فعال باشد و نه حاکمیت و نه مردم حتی یک ریال از درآمدهای آن نفع نبرند.

طبق یکی از گزارش‌هایی که به من ارائه شد، یکی از این شرکت‌ها سال ۹۰ در داخل کشور ۴۰۰ میلیارد تومان درآمد کسب کرده و هیچ مالیاتی هم پرداخت نکرده است. آن وقت یک بقال یا یک کارمند که ۵۰۰ یا یک میلیون تومان درآمد دارند، می‌گوییم باید مالیات و عوارض بدهند. این موارد باید ساماندهی شود. کشورهای دیگر هم این کار را کرده‌اند و به راحتی هم در دنیا مقبول افتاده و مردم در دنیا چنین چیزی را می‌پذیرند. بالاخره وقتی یک شرکت می‌خواهد فعالیت کند، باید به قوانین آن کشور و حاکمیت آن احترام بگذارد.

اما تاکیداتی که طی این سال‌ها به طور دائم صورت گرفته و کاربران را به استفاده از خدماتی مانند ای‌میل‌های ایرانی دعوت کرده، نگرانی‌هایی به وجود آورد که ممکن است افراد تحت کنترل قرار گیرند یا دسترسی آن‌ها به خدمات خارجی محدود شود؟

امیدواریم این روند اصلاح شود. شاید این موضوع به دلیل کج‌سلیقگی‌هایی باشد که اتفاق افتاده، اما شما فکر می‌کنید اعضای شورای عالی فضای مجازی که هستند؟ آنها هم بخشی از همین مردم هستند.

ما در این شورا چند استاد دانشگاه داریم و با این فضا به‌طور روزمره کار می‌کنیم. بنابراین این‌گونه نیست که از مشکلات بی‌خبر باشیم. در این میان دغدغه مردم هم دغدغه ماست.

زمانی که بدون اطلاع قبلی جی‌میل در داخل کشور قطع می‌شود. به همان اندازه که مردم عصبانی می‌شوند، ما هم عصبانی می‌شویم و وقتی پیگیری می‌کنیم با همان جمله همیشگی مواجه می‌شویم و همین مسولان می‌گویند از بالا گفته‌اند. میرویم با بالا صحبت می‌کنیم. می‌گویند ما کی گفتیم؟ ما گفتیم فیلمی که توهین به حضرت رسول (ص) کرده ،صحیح نیست بگذارید داخل کشور پخش شود. این چه ربطی به ای‌میل دارد؟ بعد می‌پرسیم چرای‌میل را قطع کردید. توجیهاتی می‌آورند و مثلا می‌گویند ما از نظر فنی توانایی نداشتیم تفکیک کنیم .همه را قطع کردیم و درنهایت به رده‌های پایین که می‌رسیم می‌بینیم یک کارشناس است که می‌نشیند و درباره موضوعات شخصا تصمیم‌گیری می‌کند و بعد هم که از او می‌پرسیم، می‌گوید بالا.

در این میان بالا هم خوشبختانه معلوم نیست و هیچ وقت کسی بازخواست نمی‌شود که بگوید آن بالایی که به او گفته چه کسی بوده و کجا بوده است؟ اما حالا خوشبختانه با راه‌اندازی شورای عالی فضای مجازی دیگر به بالا هم دسترسی خواهیم داشت.در حال حاضر سایت پیوندها سومین سایت پربازدید کشور است که گویای مراجعه فراوان به این سایت و بالا بودن آمار سایت‌های فیلتر شده است.

چهارمین رتبه را دارد اما این روند اصلاح خواهد شد و حجم سایت های پالایش شده کاهش خواهد یافت.

آیا می‌توان به‌طور حدسی گفت چند درصد از حجم فیلترینگ کاهش پیدا خواهد کرد؟

نه، رقم که نمی‌توان گفت اما اکنون محتواهای ناسالمی وجود دارد که متاسفانه بعضا به آن‌ها دسترسی وجود دارد، محتواهایی که از نظر عموم مردم سالم نیستند، از سوی دیگر محتواهای سالم متعددی هم وجود دارد که دسترسی به آنها امکان ندارد.

ما حتما به فیلترینگ در داخل کشور نیاز داریم وبه هیچ عنوان اینگونه نیست که بخواهیم ادعا کنیم کلا فیلتر را بر خواهیم داشت، در تمامی دنیا هم بحث فیلترینگ اعمال می‌شود، اما باید اصول آن به نحوی ترسیم شده باشد که فقط محتواهایی که به جامعه ضرر می‌زنند، محدود شوند. اما اکنون شما با بسیاری سایت‌ها مواجهید که دهها یا صدها صفحه مختلف دارند و مثلا در یکی از این صفحات یک محتوای نامناسب قرار گرفته و به دنبال آن همه صفحات و کل سایت فیلتر شده است.

– VPN ها چطورآیا بومی خواهند شد؟

بله، VPNدر حال حاضر در دستور کار است. VPNدو کاربرد مختلف دارد که یکی از این کاربردها وجود کانال امن ارتباطاتی است که بسیاری از فعالیت‌های روزانه ما از جمله فعالیت‌های بانکی، هواپیمایی و ... در بستر آن انجام می‌شود. اما اتفاقی که اکنون داخل کشور می‌افتد، این جنبه ماجرا نیست و VPNبه عنوان فیلترشکن استفاده می‌شود که متاسفانه به طور عمومی این اتفاق صورت می‌گیرد و دلیل این اتفاق هم این است که در حوزه پالایش یا فیلترینگ دقت لازم را نکرده‌ایم و به دست خودمان مردم را به سمت استفاده از VPNو انواع فیلترشکن سوق داده‌ایم، در حالی که در دنیا این‌گونه نیست لذا معتقدیم باید نوعی بازنگری در سیاست‌های فیلترینگ صورت بگیرد و به دنبال کاهش سایت‌های فیلتر شده با کاهش میزان استفاده از فیلترشکن‌ها باشیم. علاوه بر این باید به صورت عمومی هم نوعی بازنگری و ساماندهی در کاربردهای عمومی VPNصورت بگیرد.

بحران بدهی اروپا و اقتصاد ایران

بقیه از صفحه ۱۷

ایران هم به دلیل وابستگی به تجارت خارجی از بحران در اروپا متاثر می‌شود.

مهمترین اثر بحران در اروپا تاثیر آن بر قیمت نفت است. هر بحرانی که چشم‌انداز تولید در جهان را تیره کند، بر قیمت نفت اثر منفی خواهد داشت و درآمدهای ایران از فروش نفت را کاهش می‌دهد.

از آن جا که اقتصاد ایران وابستگی عمیقی به درآمدهای نفت دارد، یک رکود جهانی می‌تواند بر اقتصاد ایران اثر منفی بگذارد.

صادرات دیگر محصولات غیرنفتی هم وابسته به وضعیت اقتصادی در کشورهای واردکننده است و اگر این کشورها با مشکلات اقتصادی مواجه شوند، صادرات غیرنفتی ایران کاهش می‌یابد. بنابراین سیاستمداران ایران باید کشور را برای مواجهه با این شرایط آماده سازند و از این طریق آثار منفی این بحران را بر اقتصاد داخلی و رفاه عمومی شهروندان کاهش دهند.

البته این بحران، درس‌هایی را برای سیاستگذاری اقتصاد به همراه داشته است. شاید مهمترین درسی که هر کشوری می‌تواند از بحران اخیر بیاموزد این باشد که امکان تاخیر انداختن چالش‌های سیاست عمومی در بلندمدت وجود ندارد. به عبارت دیگر، در کوتاه مدت امکان تامین مالی کسری بودجه دولت از طریق استقراض وجود دارد، اما در بلندمدت این سیاست با ثبات نخواهد بود.

انتشار سند چشم‌انداز صنعت بیمه در افق ۱۴۰۴

سند چشم‌انداز صنعت بیمه جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ با زیر بخش «به انضمام راهبردها، سیاست‌ها و پروژه‌ها» به همت معاونت طرح و توسعه و دفتر برنامه‌ریزی و توسعه بیمه مرکزی منتشر شد.

به گزارش بیمه‌آنلاین، سند چشم‌انداز صنعت بیمه جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴در دو فصل و سه پیوست در شمارگان ۲۰۰۰ نسخه و با قیمت ۴۸۵۰ تومان انتشار یافت. در فصل اول، چشم‌انداز صنعت بیمه جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، اصول تدوین سند چشم‌انداز صنعت ببمه در افق ۱۴۰۴، ارزش‌های صنعت بیمه، ماموریت صنعت بیمه، چشم‌انداز صنعت بیمه، اهداف کلان چشم‌انداز صنعت بیمه در افق ۱۴۰۴ و راهبردهای چشم‌انداز صنعت بیمه تبیین شده است. در فصل دوم، اهداف کیفی برنامه تحول صنعت بیمه طی دوره زمانی ۹۴-۱۳۹۱ و اهداف کمی برنامه تحول صنعت بیمه طی دوره زمانی ۹۴-۱۳۹۱ طراحی و تدوین شده‌اند. در ادامه این فصل ۹ راهبرد اساسی برای تحقق این اهداف به تفصیل تشریح شده است.

روند تکوین طرح تحول در صنعت بیمه، بررسی وضع موجود صنعت بیمه کشور و برخی پروژه‌های در دست اجرای صنعت بیمه مباحثی هستند که در پیوست‌ها طرح شده‌اند.

سیدمحمد کریمی، رییس کل بیمه مرکزی ، در پیش گفتار این سند، با اشاره به ضرورت اجرای طرح تحول در صنعت بیمه مبنی بر حکم رییس جمهوری در شهریور ۱۳۸۶، مراحل تدوین این طرح را شرح داده است. به بیان کریمی، این طرح به همت کارگروه اصلی به ریاست وزیر امور اقتصادی و دارایی و چند کارگروه فرعی در حوزه‌های مختلف، طی بیش از سه سال کاری، تدوین شده است. وی همچنین به تغییرات اعمال‌شده در سیستم مدیریتی بیمه کشور در فروردین ۱۳۸۷ اشاره کرده است. کریمی تاکید می‌کند که در پی این تغییرات، طرح تهیه‌شده با رویکرد استراتژیک مجددا تدوین و در قالب کتابی با عنوان «برنامه تحول در صنعت بیمه کشور» در اواخر تابستان ۱۳۸۷ ارائه شده است.

رییس‌کل بیمه مرکزی ضمن توضیح روند تدوین برنامه تحول در صنعت بیمه کشور، بر ضرورت بازنگری در آن با دو رویکرد اصلی در زمان تصدی خود بر سمت ریاست بیمه مرکزی تاکید کرده است. وی رویکرد نخست را این‌گونه تبیین کرده است: از آنجا که برنامه تحول در صنعت بیمه کشور در افق ۱۴۰۴ تعریف شده است، تفکیک اصول اولیه تدوین برنامه‌های بلندمدت و میان‌مدت رعایت نشده و عبارات برنامه و چشم‌انداز به‌صورت جایگزین استفاده شده است. در این بازنگری ضمن تدوین سند چشم‌انداز صنعت بیمه در افق ۱۴۰۴، برنامه چهارساله ۱۳۹۴-۱۳۹۱ شامل اهداف کمی و کیفی، راهبرد، سیاست و پروژه‌های جدید تعریف شده است.

کریمی درباره رویکرد دوم معتقد است: ضمن بازنگری و اصلاح راهبردها، سیاست‌ها و پروژه‌های سند چشم‌انداز و برنامه چهارساله توسعه صنعت بیمه، سعی شده است راهبردها، سیاست‌ها و پروژه‌های اجرایی برنامه تحول به نحوی اصلاح شود که ضمن تقویت نقاط قوت برنامه و رفع نقاط ضعف آن، تطابق لازم را با اهداف کلان سند چشم‌انداز بیمه در افق ۱۴۰۴ داشته باشد.

وی در انتهای پیشگفتار، راهبردها، سیاست‌ها و پروژه‌های بیمه مرکزی را تا سال ۱۳۹۴ تشریح کرده است.

ابلاغ مصوبه افزایش سرمایه به شرکت‌های بیمه

مصوبه دولت مبنی بر افزایش سرمایه شرکت‌های بیمه، از سوی بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران برای اجرا به مدیران عامل شرکت‌های بیمه ابلاغ شد.

بر اساس این مصوبه، حداقل سرمایه پایه برای تأسیس مؤسسه بیمه مستقیم مبلغ یک‌هزار میلیارد ریال معین شده که برای تاسیس شرکت بیمه‌های مختلط (همه رشته‌ها) ۱۵۰۰ میلیارد ریال به این مبلغ اضافه می‌شود و حداقل سرمایه پایه برای تأسیس مؤسسه بیمه اتکایی مبلغ ٤هزار میلیارد ریال تعیین شده است.همچنین در بخشی از این مصوبه آمده است: مؤسسات بیمه‌ای که قبلاً تأسیس شده‌اند، موظف هستند در مدت چهار سال حداقل سرمایه خود را با این تصویب‌نامه منطبق کنند مشروط بر اینکه میزان این افزایش سرمایه در هر سال حداقل ۱۵ درصد و بر اساس برنامه زمان‌بندی مورد تأیید شورای عالی بیمه باشد.

آرامش عمومی با اجرای بیمه عمر

رییس کل بیمه مرکزی با اشاره به امتیازات بیمه عمر و مطلع نبودن مردم از آن گفت: اگر بیمه در کشور ما جا بیافتد اطمینان و آرامش برای آحاد مردم به همراه خواهد داشت.

سید محمد کریمی، در گفت‌وگو با ایسنا با بیان اینکه علاقمندیم تا مردم کشور از مزایای بیمه عمر و زندگی مطلع باشند،گفت: ما بیمه عمر در زمان حیات، بیمه عمر بعداز فوت و بیمه عمر مختلط، ، داریم که معمولا پدر یک خانواده به دنبال آن است که بعد از فوتش معیشت خانواده‌اش از نظر اقتصادی دچار مشکل نشود.وی گفت:در حال حاضر تا ۲۰۰ میلیون تومان سقف بیمه‌نامه‌هایی است که به برای بیمه‌نامه‌های عمر صادر می‌شود، حال آیا با پرداخت سالانه ۱۰۰ الی ۱۵۰ هزارتومان اگر خدای ناکرده اتفاقی بیافتد و شرکت بیمه‌ای بدون پرداخت مالیات تا ۲۰۰ میلیون تومان به خانواده کمک کند بدون پرداخت مالیات، امتیاز بزرگی نیست؟

رییس کل بیمه مرکزی دریافت وام کم بهره را از دیگر مزایای بیمه عمر بیان کرد و گفت: همچنین اگر در زمان حیات اتفاقی برای فرد بیافتد و از کار افتاده شود می‌تواند از مزایای آن استفاده کند، اکنون ۱۸ درصد علی الحساب سود دریافت می‌کند که سود دوران مشارکت هم به آن اضافه می‌شود بر همین اساس هم پارسال شرکتی داشتیم که تا ۲۶ درصد سود داده است.

راهکارهای توسعه صنعت بیمه

توسعه و گسترش صنعت بیمه باید مقدمه افزایش تعداد شرکت های فعال در این صنعت باشد.

جواد سهامیان مقدم مدیر عامل بیمه ایران در گفت‌وگو با ایرنا با بیان آن که ، یگانه راه توسعه صنعت بیمه افزایش تعداد شرکت ها نیست، افزود: برای توسعه صنعت بیمه ابتدا باید ظرفیت سازی، فرهنگ سازی و بستر سازی مناسب در این صنعت انجام و سپس تعداد شرکت های بیمه به تناسب افزایش یابد.

وی با طرح این سوال که سهم حق بیمه در تولید ناخالص ملی چه میزان است؟ گفت: باید در نظر گرفت، از زمانی که تعداد شرکت های فعال بیمه ای در کشور چهار شرکت بوده تا هم اکنون که این تعداد به ۲۵ شرکت رسیده، میزان ضریب نفوذ بیمه چه میزان رشد یافته است.

مدیر عامل بیمه ایران در باره بیمه نوسان نرخ ارز هم گفت: این شرکت مبتکر این نوع بیمه نامه بوده و از یک سال و نیم قبل بیمه نامه نوسان نرخ ارز را صادر کرده و بابت آن هم خسارت پرداخت کرده است.

وی ادامه داد: سپس شورای عالی بیمه شرایطی را برای صدور بیمه نامه های بیمه نوسان نرخ ارز تنظیم کرد که باید نتایج آن را در آینده بررسی کرد.

فقط ۲ میلیون نفر بیمه عمر دارند !

پژوهشکده بیمه مهم‌ترین و شاید یگانه پایگاه پژوهشی برای انجام برنامه‌های تخصصی و علمی صنعت بیمه است. جایگاهی که با چاپ چند صد کتاب بیمه‌ای در زمینه تالیف وترجمه گام برداشته است و از سویی با حمایت از پایان نامه‌های دانشگاهی نسل جوان کشورمان را آماده ورود به صنعت بیمه می‌کند.

این پژوهشکده همچنین با چاپ ماهنامه‌ها و فصلنامه‌های علمی تخصصی و برگزاری کارگاه‌های آموزشی هربار کارهای جدیدی را دردانش بیمه‌ای ارائه می‌دهد. وظیفه آموزش وبررسی آیین نامه‌های بیمه‌ای از جمله کارهای دیگر این پژوهشکده است.

دکتر غدیر مهدوی، رییس پژوهشکده بیمه، در گفت‌وگو با بیمه‌آنلاین، از مزایای رتبه‌بندی شرکت‌های بیمه‌ای گفت و به بسیاری شبهات مطرح‌شده در ماه‌های اخیر درباره این روند پاسخ گفت. به باور وی، این رتبه‌بندی با ملاک‌های علمی صورت می‌گیرد، به‌هیچ‌وجه ضدتبلیغ نیست و راه را برای تلاش بیشتر شرکت‌های ضعیف بازمی گذارد.

دکتر مهدوی، در پاسخ به اینکه به زودی شرکت‌های جدیدی به صنعت بیمه می‌پیوندند، هم اکنون ۲۵ شرکت مشغول به فعالیت هستند و حضور شرکت‌های جدیدی را هم در ادامه خواهیم داشت، با شرایط موجود آیا ورود شرکت‌های جدید به صنعت را مثبت ارزیابی می‌کنید و آیا نیروی متخصص و علمی لازم را ما در این صنعت در کشورمان داریم که بخواهیم باز هم شرکت‌های جدید را شاهد باشیم؟ گفت:در سال‌های اخیر تلاش‌هایی شده و دانشگاه‌های علامه، تهران، شهید بهشتی و دانشگاه‌های علوم اقتصادی بر این موضوع کار کرده‌اند، نیروهای متخصص علوم اکچوئرال، مدیریت بیمه، اقتصاد بیمه وارد بازار شده‌اند، به هرحال باید این حرکت را از یک جایی شروع کرد، ببینید! بازار بیمه ما پتانسیل خیلی بالایی دارد. بگذارید من چند آمار به شما بدهم آن وقت خودتان متوجه می‌شوید که چه قدر خلاء زیاد است؛ یعنی برای ورود شرکت‌های جدید، هنوز که هنوز است، راه باز است. مثلا ما فقط ۲ میلیون بیمه‌نامه عمر در کشور داریم. از جمعیت ۷۶ میلیونی مردم ایران مطمئنا ۲ میلیون، رقم بسیار ناچیزی است. این در حالی است که در بعضی از کشورها سرانه چهار تا پنج بیمه‌نامه داریم، یعنی برای یک کشور ۱۰۰ میلیونی، ۵۰۰ میلیون بیمه‌نامه عمر صادر شده است. یا مثلا در بحث ساختمان، فکر می‌کنم کمتر از ۲۰درصد ساختمان‌های ما بیمه ساختمان‌سازی و زلزله دارند و ۸۰درصد این بیمه را ندارند. حتی در زمینه بیمه شخص ثالث که بیمه اجباری است چند میلیون از موتورسیکلت‌ها و یکی دو میلیون هم از ماشین‌ها هنوز بیمه اجباری شخص ثالث ندارند. این خلاء خیلی زیاد است و پتانسیل صنعت بیمه خیلی بالاست. بنابراین جا برای افزایش تعداد شرکت‌ها هست و فکر می‌کنم در مجموع این شرکت‌ها هم کم و بیش نیروی متخصص را جذب کرده‌اند. البته این نیروی متخصص هم در سطح کشور خودمان هستند. خوشبختانه بیمه مرکزی هم خیلی جدی این مسئله را دنبال کرده است؛ یعنی فقط به شرکت‌هایی اجازه تاسیس داده می‌شود که به اندازه کافی نیروی ماهر داشته باشند. آکچوئرال، ارزیاب خسارت‌ها و متخصصان مدیریت بیمه را جذب کنند. حتی تا جایی که من شنیده‌ام گفته شده مدیرعامل این شرکت‌ها هم باید بر زبان انگلیسی تسلط داشته باشند که بتوانند به بازارهای دنیا هم توجه نشان دهند و در صدد گسترش صنعت بیمه در خارج از کشور باشند. هم‌اکنون هم از هر نظر، بیمه مرکزی به اینکه شرکتی که تاسیس می‌شود، نیرو به اندازه کافی داشته باشد، خیلی توجه دارد.دکتر مهدوی در باره اینکه بیمه مرکزی بر آورده سرمایه شرکت‌های جدید تاکید دارد. شما از بین وجود سرمایه و برخورداری از نیروهای علمی و متخصص، کدام یک را مهم‌تر می‌دانید؟ کدام یک از این دو باید برای شرکت‌های جدید در اولویت قرار گیرد؟ گفت:هردو مهم هستند، ولی به نظر من داشتن نیروهای متخصص را باید جدی‌تر بگیریم. اما مطمئنا باید به هر دوی این گزینه‌ها توجه نشان دهیم؛ چراکه هر دو دارای اهمیت هستند. به هر حال لازمه حرکت خوب یک شرکت در بازار در راستای پرداخت خسارت و نفوذ در صنعت، داشتن سرمایه است؛ اما از طرفی دیگر باید نیروهای متخصص و مجرب هم در این زمینه داشته باشد. بنابراین مطلقا نمی‌توان هیچ یک را نادیده گرفت. به همین دلیل هم بیمه مرکزی سرمایه را به ۲۵۰میلیارد تومان افزایش داده است و داشتن نیروهای متخصص را هم شرط کرده‌اند. هم‌اکنون با تلاش‌های بیمه مرکزی، مشخص است که یک شرکت برای گرفتن مجوز، باید از چه تعداد ارزیاب، آکچوئرال و متخصص بیمه‌ای برخوردار باشد. این موارد جزو شروط اصلی گرفتن مجوز برای تاسیس شرکت جدید است.

وی در پاسخ به اینکه بحث رتبه‌بندی بیمه‌ها این روزها حرف و حدیث‌هایی را به همراه داشته است. چه تضمینی وجود دارد که در این رتبه‌بندی، لازمه صعود و بالا آمدن یک شرکت، به زیر کشیدن یک شرکت دیگر نباشد؟ گفت: ما که نظر خودمان را در این زمینه اعمال نمی‌کنیم، بلکه این کار را به یک شرکت تخصصی رتبه‌بندی می‌دهیم تا انجام دهد. قطعا هم یک شرکت رتبه ۲۵ می‌شود و یک شرکت هم می‌شود رتبه یک.

معیارهای رتبه‌بندی هم مشخص است و شرکت‌های بیمه در جریان این معیارها قرار گرفته‌اند. ما برای همه شرکت‌ها این معیارها را فرستادیم و حتی از آن‌ها خواستیم نظرشان را درباره این معیارها به ما بدهند.

یعنی اگر معیارالف نباید در این رتبه‌بندی باشد اعلام کنند و اگر معیارب را در نظرشان است که باید در رتبه‌بندی لحاظ قرار گیرد و ما این معیار را ملاک نگرفته‌ایم، آن را هم به ما اعلام کنند.

تعدادی از شرکت‌ها جواب دادند و نظرات‌شان را در باره معیارهای رتبه‌بندی اعلام کردند و یک تعداد از شرکت‌ها هم به ما جواب ندادند. به هر حال از میان این ملاک‌ها شرکتی که قرار است این رتبه‌بندی را انجام دهد این موارد را لحاظ می‌کند و نتیجه اعلام می‌شود.انجام این رده‌بندی هم شروع شده است و نتایج آن به‌زودی اعلام می‌شود.

وی افزود: به هر حال باید این شرکت‌ها تلاش کنند. این کار ضد تبلیغ نیست، رتبه‌بندی‌ها برای یک سال است. ممکن است مثلا این موضوع برای شرکت‌های در رده پایین‌تر امسال مشکلاتی ایجاد کند، اما شرکت‌ها باید سال بعد تلاش کنند تا رتبه‌شان را بالا ببرند. من مطمئنم رتبه‌بندی سال اول سروصداهایی راه خواهد انداخت، مخالفان و موافقانی خواهد داشت، اعتراض‌هایی را هم در پی دارد. ولی به هر حال رقابت به همین معناست، رقابت یعنی این که افراد به چالش کشیده شوند.

رییس پژوهشکده بیمه در پاسخ به‌اینکه‌مهم‌ترین‌وفوری‌ترین‌اولویت پژوهشکده بیمه چیست؟گفت: افزایش دانش بیمه‌ای. برای اینکه فکر می‌کنم مشکل اصلی ماست، ما داریم به سمتی می‌رویم که تعداد نفرساعت‌های آموزش‌مان را به‌طور جدی افزایش داده و در سراسر کشور گسترش دهیم. قرار است در یک آیین‌نامه، نمایندگان، کارگزاری‌ها و ارزیابان خسارت موظف شوند تعداد ساعت مشخصی آموزش ببینند و پژوهشکده مسئولیت آموزش‌ها را برعهده خواهد داشت.

دکتر مهدوی در باره اینکه پژوهشکده بیمه چه کارهایی را باید انجام دهد تا نتایج فعالیت‌هایش کاربردی‌تر شود؟ آیا تاکنون در زمینه خروجی‌های بهتر و کاربردی بودن تلاش‌های پژوهشی، موفق بوده‌اید؟پاسخ داد: همین کارهایی که تاکنون کرده‌ایم هم تاثیراتی داشته است و نمی‌توان گفت فعالیت‌های انجام شده کاربردی نبوده است.

اما برنامه‌هایی که در این زمینه باید انجام شود این است که باید نسبت پژوهشگران در میان کارمندان اداری بیمه را زیاد کنیم، همین طور پژوهشگران برتر را جذب کنیم، استراتژی افزایش چاپ کتاب‌های بیشتر را در پیش بگیریم، پژوهش‌های کاربردی را بیشتر کنیم، تفاهم نامه با دانشگاه‌ها را ادامه داده آن را گسترش بدهیم، دوره‌های دکترا و فوق لیسانس بیمه‌ای را در دانشگاه‌ها دایر کنیم. همه این موارد را پژوهشکده بیمه تا کنون انجام داده است و آن را هم دارد با جدیت دنبال می‌کند. در کنار این موارد نگاهی به آمارها نشان می‌دهد که پژوهشکده بیمه با سرعت و شتاب بیشتری هم اقدام کرده است، از چاپ کتاب‌ها، ترجمه‌ها، حمایت‌هایی که از پایان نامه‌های دانشگاهی می‌شود بگیرید تا افزایش ساعت آموزش نمایندگان از ۹۴۰۰۰ نفر ساعت به ۱۳۶ هزار نفرساعت.

همگی نشان از رشد سرعت کارها در پژوهشکده دارد که در زمینه بهبود دانش صنعت بیمه این کارها صورت گرفته است اما نکته‌ای که نباید فراموش کرد این است که در کارهای زیرساختی تاثیرات در بلندمدت هستند که خود را نشان می‌دهند. واینکه ما توقع داشته باشیم کارهایی که انجام می‌دهیم در چند ماه باید نتیجه خود را به‌صورت آشکار در عمل نشان دهد این دید درستی نیست بلکه اینگونه کارها به دلیل بستر سازی‌های انجام شده در زمان‌های آینده نتایج خود را آشکار خواهد ساخت.

همچنین لطف‌اله فروزنده، معاون پارلمانی رییس‌جمهوری، حضور شرکت‌های جدید در بازار بیمه‌ای کشور را نه فقط زیان‌بخش نمی‌داند، بلکه مفید ارزیابی می‌کند. او در عین حال از انحصارطلبی به‌عنوان سم مهلک فعالیت بخش خصوصی نام می‌برد و ایجاد فضای رقابتی بیشتر را راهکاری مؤثر برای پیشبرد اهداف کلان صنعت بیمه می‌داند.

بیمه را خیلی‌ها فقط با نام بیمه‌های تامین اجتماعی و بیمه شخص ثالث می‌شناسند و بس. این است که وقتی بخواهی از شرکت‌های بیمه‌ای، بیمه‌های بازرگانی و غیراجباری بدانی، خیلی‌ها روی چندان خوشی به آن نشان نمی‌دهند. اما شاید بی‌انصافی باشد که بگوییم هیچ تغییری در این زمینه نسبت به چند دهه اخیر نداشته‌ایم؛ چراکه شرکت‌های ما توانسته‌اند اقدامات بسیار مثبتی را در بهبود این وضع و طرز تفکر عمومی نسبت به آن انجام دهند.

شرایط عمومی بیمه‌نامه مسافرتی اتباع خارجی

شورای عالی بیمه، شرایط عمومی بیمه‌نامه مسافرتی اتباع خارجی متقاضی ورود به ایران را تصویب کرد؛ در این آیین‌نامه کارمزد نمایندگان حداکثر ۱۰ درصد و کارمزد اتکایی اجباری ۱۲درصد تعیین شد.

به گزارش فارس شورای عالی بیمه در اجرای ماده ۱۷ قانون تأسیس بیمه مرکزی و بیمه‌گری و دستورالعمل موضوع ماده ۱۳ آیین‌نامه اجرایی ماده ۹۱ قانون برنامه چهارم توسعه «شرایط عمومی بیمه‌نامه مسافرتی اتباع خارجی متقاضی ورود به جمهوری اسلامی ایران» را در قالب آئین نامه شماره ۷۷ مشتمل بر هفت ماده تصویب کرد.

طبق شرایط این بیمه‌نامه بیمه‌گر موظف است در صورت صادر نکردن روادید به درخواست بیمه‌شده با کسر یک یورو از مبلغ حق‌بیمه، بیمه‌نامه را ابطال و باقیمانده حق‌بیمه را بازپرداخت کند.

همچنین بیمه‌گر موظف است در صورت صدور روادید و انجام ندادن سفر به درخواست بیمه‌شده پس از انقضای مدت روادید با کسر یک یورو از مبلغ حق‌بیمه، بیمه‌نامه را ابطال و حق‌بیمه باقیمانده را بازپرداخت کند.این گزارش حاکیست پوشش این بیمه‌نامه براساس مدت مندرج در بیمه‌نامه و حداکثر ۹۲روز متوالی خواهد بود که شروع آن از تاریخ ورود بیمه‌شده به کشور جمهوری اسلامی ایران است؛ این بیمه‌نامه پس از اتمام سفری که بیمه‌نامه به خاطر آن خریداری شده و یا خروج بیمه‌شده از مرزهای قانونی کشور هرکدام که زودتر حادث شود، از درجه اعتبار ساقط می‌شود و مهلت درخواست ابطال بیمه‌نامه حداکثر شش ماه از تاریخ صدور خواهد بود.همچنین شورای عالی بیمه ،تعرفه حق‌بیمه بیمه‌نامه مسافرتی اتباع خارجی متقاضی ورود به جمهوری اسلامی ایران و کارمزد نمایندگان موسسات بیمه و کارمزد اتکایی اجباری آن، را تصویب کرد:

الف- حداکثر حق‌بیمه در یک سفر هر مسافر عازم به ایران از تمامی مناطق جهان بر اساس یورو، مدت اقامت و سن تعیین می‌شود.

ب- کارمزد نمایندگان موسسات بیمه‌ای برای بیمه‌نامه مسافرتی اتباع خارجی متقاضی ورود به جمهوری اسلامی ایران حداکثر ۱۰ درصد خواهد بود.

ج- کارمزد اتکایی اجباری برای بیمه‌نامه مسافرتی اتباع خارجی متقاضی ورود به جمهوری اسلامی ایران ۱۲ درصد تعیین می‌شود.

از سوی دیگر یک مقام مسئول بیمه ای بر لزوم استفاده از بیمه های مسافرتی در سفر به کشورهای غیر اروپایی، تاکید کرد.

به گزارش مهر، علی احسان بنی ریاح با تاکید بر لزوم استفاده از بیمه های مسافرتی در سفر به کشورهای غیر اروپایی، گفت: با توجه به اینکه برای سفر کردن بودجه مشخصی باید در نظر گرفته شود، هزینه کردن برای مواردی همچون هزینه های پزشکی، تاخیر در پرواز هواپیما و یا گم شدن چمدان ها در پرواز برای هموطنان مقرون به صرفه نیست و به همین دلیل استفاده از بیمه مسافرتی در طی سفر ضروری است تا با توجه به هزینه های سفر، پول خود را صرف مواردی که هزینه های آن از طریق بیمه مسافرتی قابل پوشش است، نکنند.رئیس شورای فنی بیمه سامان، افزود: برای سفر به کشورهای اروپایی مردم جهت اخذ ویزا باید از بیمه مسافرتی استفاده کنند. در حالی که اجبار و منع قانونی در مورد کشورهایی نظیر ترکیه، دوبی و ارمنستان وجود ندارد و به همین دلیل بخشی از هموطنان نیز از بیمه نامه مسافرتی در سفر به این کشورها استفاده نمی کنند.

معاون جدید پژوهشکده بیمه منصوب شد

با حکم رئیس پژوهشکده بیمه، محمدجواد آقاجری به عنوان سرپرست معاونت پژوهشی این پژوهشکده منصوب شد.

به گزارش فارس ، دکتر غدیر مهدوی رئیس پژوهشکده بیمه در حکمی محمد جواد آقاجری را به عنوان سرپرست معاونت پژوهشی این پژوهشکده منصوب کرد.

آقاجری دارای سوابق و مسئولیت‌های متعددی است که از آن جمله می‌توان به عضویت هیات علمی دانشگاه امام صادق(ع)، رایزن فرهنگی ایران در چین، رئیس خانه فرهنگ و وابسته فرهنگی ایران در پاکستان، معاون مرکز اسناد انقلاب اسلامی، مشاور رئیس کل بیمه مرکزی در امور فرهنگی و بین الملل، مدیر کل رسانه‌های خارجی وزارت ارشاد و تدریس در دانشکده خبر، مؤسسه عالی بانکداری، دانشکده صدا و سیما و دانشگاه آزاد اشاره کرد.پیش از این علیرضا دقیقی اصلی،سرپرستی معاونت پژوهشی را بر عهده داشت.

نحوه پذیرش هلدینگ خلیج فارس در بورس

معاون ناشران واعضاء بورس آخرین وضع پذیرش در بورس شرکت‌های مجموعه شستا،مس سرچشمه، هلدینگ پتروشیمی خلیج فارس و سیمان آبیک را تشریح کرد.

به گزارش روابط عمومی شرکت بورس،محمدرضا عربی درباره پذیرش شرکت ها در بورس گفت: اقدامات خوبی با مساعدت مجموعه شستا در مورد هلدینگ نفت، گاز و پتروشیمی تامین انجام شده و در صورت تکمیل مدارک و نهایی شدن اقدامات لازم در بازه زمانی مورد توافق، تقاضای آن به زودی در هیات پذیرش مطرح خواهد شد. پذیرش شرکت هلدینگ دارویی تامین هم در دست پیگیری است.

عربی افزود:طرح تقاضای پذیرش شرکت سرمایه‌گذاری مس از اولویت‌های پذیرش در مقطع جاری است و با توجه به اینکه مستندات و مدارک پرونده پذیرش دریافت و تکمیل شده امیدواریم مسئله پذیرش این شرکت در اولین جلسه هیات پذیرش مطرح شود.

وی در مورد پذیرش هلدینگ پتروشیمی خلیج‌فارس هم گفت:با مرتفع شدن مشکل مرتبط با ترکیب شرکت‌های هلدینگ ادامه راه درج و عرضه این سهام هموار شد و بورس هم به دنبال تکمیل مدارک و مستندات پرونده پذیرش و نهایی سازی امیدنامه پذیرش است تا پس از صدور مجوز افزایش سرمایه از سوی سازمان بورس، نسبت انجام مراحل بعدی اقدام کند.

معاون ناشران و اعضاء بورس اوراق بهادار تهران درباره سیمان آبیک اظهار داشت:با توجه به اینکه مهلت عرضه شرکت مذکور در ۱۸دی جاری به اتمام خواهد رسید، اقدامات مربوط به عرضه با هماهنگی شرکت یاد شده، سهامدار عمده (سیمان فارس و خوزستان) و بورس در جریان است.تا زمانی که نواقص گزارشگری در سایت کدال در مهلت باقیمانده برطرف نشود، امکان عرضه آن در بورس میسر نخواهد بود.

عربی به شرکت‌های متقاضی پذیرش و نیز شرکت‌هایی که در مراحل اولیه پذیرش قرار دارند توصیه کرد:به دستورالعمل اجرایی افشای اطلاعات توجه خاصی داشته باشند به نحوی که انتشار اطلاعات در سامانه کدال باید از اهم امور یک شرکت متقاضی ورود به بازار سرمایه باشد.

وی با اشاره به ظرفیت شرکت‌هایی که در استانها قرار دارند اظهار کرد: که فعال شدن تالارهای مناطق بورس در شناسایی شرکت‌هایی که بالقوه ظرفیت حضور در بازار سرمایه را دارند آغاز شده و مذاکره با این شرکت‌ها برای ورود به بورس از اقداماتی است که به صورت جدی در بورس دنبال می شود.

بازار در یک نگاه

جدول شاخص‌های بورس

عنوان شاخص	مقدار	بیشترین	کمترین	تغییر	درصد
شاخص کل	۳۷۳۶۶/۴	۳۷۷۴۶/۴	۳۷۳۶۴/۷	(۱۶۴/۳)	(۰/۴۴)
شاخص ۳۰شرکت بزرگ	۲۱۲۲/۹	۲۱۵۶/۴	۲۱۲۲/۹	(۲۲/۱)	(۱/۰ ۳)
شاخص آزادشناور	۴۴۸۷۵/۲	۴۵۴۰۴/۳	۴۴۸۷۵/۲	(۳۴۱/۲)	(۰/۷۵)
شاخص بازاراول	۳۰۰۳۵/۲	۳۰۴۲۶/۳	۳۰۰۳۵/۲	(۲۸۱)	(۰/۹۳)
شاخص بازاردوم	۵۷۹۳۰	۵۸۰۴۳/۵	۵۷۸۵۸/۷	۷۷۴/۴	۱/۳۵
شاخص صنعت	۳۲۳۷۳	۳۲۷۳۲/۹	۳۲۳۷۳	(۱۴۱/۲)	(۰/۴۳)

آمار معاملات آخرین روز معاملاتی (سه شنبه ۹۱/۱۰/۵)

مجموع حجم معاملات	۶۳۷/۳۳۲/۲۹۹ سهم
مجموع ارزش معاملات	۲/۸۲۶/۷۱۷ میلیون ریال
جمع تعداد معاملات	۴۷۷۳۱ معامله
ارزش بازار	۱/۷۰۳/۸۰۸ میلیارد ریال

شرکت فرابورسی با بازدهی ۱۰۴ درصد

شرکت توسعه معادن روی بلوک ۷۸ درصدی شرکت فرابورسی صنعت روی زنگان که در ۲۳ روز کاری ۱۰۴ درصد بازدهی داشته را روی میز فروش قرار داد.

به گزارش فارس، در پی عرضه اولیه ۱۰ درصد سهام شرکت صنعت روی زنگان در ۲۹ آبان سال جاری، قیمت هر سهم این شرکت فرابورسی و ۵ میلیارد تومانی از ۱۹۵ تومان به ۳۹۷ تومان افزایش یافت تا بازدهی سهام آن در ۲۳ روز کاری به حدود ۱۰۴ درصد برسد.

در این شرایط شرکت بورسی توسعه معادن روی ایران که مالک اصلی صنعت روی زنگان به شمار می رود ۷۸ درصد سهام آنرا عرضه کرد تا از ترکیب سهامداری آن خارج شود.

بر این اساس ۳۹ میلیون سهم صنعت روی زنگان به قیمت پایه هر سهم ۴۰۰ تومان و به ارزش پایه ۱۵,۶ میلیارد تومان هفته گذشته در بازار دوم فرابورس عرضه شد.

رشد ۳۰ درصدی ارزش معاملات بورس کالای ایران

یک میلیون و ۷۳۵ هزار تن کالا در آذر در بورس کالا به ارزش ۲۶ هزار میلیارد ریال معامله شد که در مقایسه با آبان از نظر ارزش ۳۰ درصد رشد داشت.

به گزارش روابط عمومی بورس کالای ایران، در آذر بیش از ۲ میلیون و ۱۰۰ هزار تن انواع کالا در این بورس عرضه شد که تقاضایی بیش از ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار تن در مقابل آن شکل گرفت.

همچنین در تالار صادراتی بورس کالای ایران در آذر ۱۷۶ هزار تن انواع کالا به ارزش بیش از ۲۷ میلیون دلار برای صادرات به بازارهای جهانی مورد معامله قرار گرفت که از جمله آنها می‌توان به معامله ۱۵۰ هزار تن سنگ آهن دانه بندی معادن گل گهر و جلال آباد ، ۲۵ هزار تن گوگرد کلوخه شرکت پالایش نفت بندر عباس و یک هزار تن قیر اشاره کرد.

بر اساس این گزارش، در تالار محصولات صنعتی و معدنی در حالی حدود یک میلیون و ۱۰۵ هزار تن انواع کالا به ارزش بیش از ۱۶ هزار میلیارد ریال داد و ستد شد که حجم معاملات این تالار نیز در مقایسه با ماه آبان حدود ۸۰ درصد و ارزش آن حدود ۴۴ درصد افزایش یافته است.

در این تالار بیش از ۹۳۰ هزار تن انواع محصولات فولادی ۷۶۶۴ تن انواع مس، ۷۵۰۰ تن کک، ۷۶۶۰ تن انواع آلومینیوم، ۷۷۰تن سولفور مولیبدن، ۳۳ تن کنسانتره فلزات گرانبها ، ۴۰۰ تن شمش روی و شش کیلو گرم شمش طلا مورد معامله قرار گرفت.

در آذر حجم و ارزش معاملات محصولات فولادی در مقایسه با ماه آبان رشد ۵۵ و ۵۱ درصدی را تجربه کرد.

در آذر ، همچنین ارزش معاملات گروه مولیبدن، کنسانتره فلزات گرانبها، طلا و آلومینیوم نسبت به ماه آبان به ترتیب بیش از ۱۱۵ ، ۸۵ ، ۲۲۱ و ۱۰ درصد افزایش داشت.

تالار فرآورده‌های نفت و پتروشیمی بورس کالای ایران در ماهی که گذشت شاهد معامله بیش از ۵۶۸ هزار تن انواع کالا با ارزشی افزون بر ۹ هزار میلیارد ریال بود .

حجم و ارزش معاملات این تالار در آذر در مقایسه با ماه قبل از آن به ترتیب ۱۰ و ۱۳ درصد افزایش یافته است.

در این تالار، افزون بر ۱۸۶ هزار تن انواع مواد پلیمری به ارزش بیش از ۶ هزار میلیارد ریال در حالی داد و ستد شد که بیش از ۴۴ درصد از نظر حجم و ۲۸ درصد از نظر ارزش نسبت به مدت مشابه قبل افزایش داشت.

در گروه شیمیایی در آذر، بیش از ۱۰۶ هزار تن انواع مواد شیمیایی با ارزشی افزون بر ۱,۶ هزار میلیارد ریال معامله شد که در مقایسه با آبان شاهد افزایش ۳۹ درصدی حجم و ۶ درصدی ارزش بود.

تالار فرآورده‌های نفت و پتروشیمی همچنین در ماه آذر شاهد معامله بیش از ۲۰۱ هزار تن انواع قیر با ارزشی افزون بر ۱,۴ هزار میلیارد ریال بود.

از دیگر کالاهای داد و ستد شده در این تالار می‌توان به معامله بیش از ۷۰ هزار تن وکیوم باتوم، ۱۴ هزار تن لوب کات، ۳۳ هزار تن گوگرد، ۱۲۶۰ تن گازها و خوراک ها، ۲۷۸۱ تن انواع روغن و ۴۲۹۶ تن انواع حلال اشاره کرد. در این ماه همچنین ۲۵۰ تن اکستراکت، ۵۰۰ تن آیزوفید و ۸۵۲۲ تن آیزوری سایکل مورد معامله قرار گرفت.

از سوی دیگر در معاملات رینگ فلزات هفته گذشته بورس کالا در یک روز برخی موارد معامله‌ای روی کالاهای عرضه شده انجام نشد.

بنابراین گزارش ۱۰۰۰ تن تیرآهن مجتمع جهان فولاد غرب با قیمت پایه هر کیلوگرم ۱۶۷۰تومان به صورت سلف عرضه شد که معامله‌ای روی آن صورت نپذیرفت.همچنین سبد میلگرد ۱۴ تا ۲۸ شرکت فولاد خراسان ۲۰۰ ۲تن با قیمت پایه ۶۵۰ ۱ تومان به صورت نقدی عرضه شد که با ۶۶۰ تن تقاضا با ارزشی حدود ۱۱۰ میلیون تومان معامله شد.

سبد میلگرد فولاد نطنز و مورد ایوان غرب در مجموع ۲۰۰ ۲تن به ترتیب سلف و نقدی عرضه کردند که معامله‌ای روی آن‌ها انجام نشد.

در این بین سبد تیرآهن ۲۴ ذوب آهن اصفهان به صورت سلف به میزان ۷۷۰۰ تن با قیمت پایه ۱۹ هزار و ۶۰۰ تومان عرضه شد که به میزان ۶۰۰ ۶ تن و با ارزشی بیش از یک میلیارد و ۳۵۸ میلیون تومان مورد معامله قرار گرفت.

آخرین تغییرات قیمت سهام دربورس تهران

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات	نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات	نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
کنتورسازی‌ایران	۱۲,۳۰۴	(۱۴۳)	کارت اعتباری ایران کیش	۸,۴۹۸	۱۱	کارخانجات قند قزوین	۷,۷۰۹	۲۹۶
مخابرات ایران	۲,۳۴۵	۹۰	کشاورزی ودامپروری مگسال	۲۳,۰۴۸	۵۲۹	قند شیرین خراسان	۶,۷۳۵	۲۵۹
بیمه البرز	۳,۷۷۰	(۱۳۴)	سیمان داراب	۳,۷۸۸	(۱۵۷)	شهد	۱۶,۰۳۸	۶۱۶
کابل البرز	۱,۱۶۵	(۳۴)	سیمان‌ارومیه	۳,۶۷۱	۱۴۱	شکرشاهرود	۶,۰۶۳	۲۳۳
ایران ترانسفو	۲,۲۵۷	(۹۴)	سیمان بجنورد	۲,۲۲۷	(۹۰)	قنداصفهان	۳۲,۹۹۱	۱,۲۶۸
پارس‌سویچ	۱,۸۴۴	۲	سیمان بهبهان	۲۰,۹۵۲	(۸۷۳)	قند لرستان	۳۲,۰۴۰	۱,۲۳۲
پارس‌سویچ	۲,۵۰۰	۶۵۸	سیمان‌سپاهان	۱,۱۱۹	۳۲	قند مرودشت	۱۴,۵۱۹	۵۵۸
لامپ پارس شهاب	۳,۸۴۹	۱۱۸	سیمان تهران	۲,۲۰۰	(۱۰)	قندنقش‌جهان	۱۰,۷۰۴	۴۱۱
موتوژن	۳,۰۶۶	(۴۲)	سیمان‌خاش	۲,۸۹۰	۲۷	قند نیشابور	۱۳,۶۶۷	۵۲۵
صنایع‌جوشکاب‌یزد	۲,۷۵۳	(۶۶)	سیمان خزر	۲,۰۹۰	۸۰	قندهکمتان	۱۹,۴۱۵	۷۴۶
کارخانجات تولیدی شهید قندی	۱,۵۲۷	۰	سیمان دورود	۴,۴۹۹	۱۷۳	آبسال	۱,۲۹۴	(۵۳)
گسترش نفت و گاز پارسیان	۱۱,۱۰۶	۱	سیمان‌شاهرود	۲,۲۲۰	(۹)	ایران‌ارقام	۱,۵۲۵	(۶۳)
بیمه پارسیان	۲,۱۲۴	(۸۷)	سیمان شرق	۱,۰۱۸	۳۹	بیمه ملت	۱,۱۰۰	۴
ایران‌یاساتایرورابر	۵,۴۴۹	۱۵۱	سیمان شمال	۱,۱۲۴	۹	سرمایه گذاری البرز(هلدینگ	۲,۴۸۸	۳۴
ایران تایر	۱,۴۵۰	۲۲	سیمان صوفیان	۱,۳۵۰	(۱۷)	گروه مدیریت سرمایه گذاری امید	۵,۹۹۰	(۲۱۹)
سرمایه گذاری پردیس	۱,۳۲۴	۵۰	سیمان‌غرب	۴,۲۴۷	۷۸	بانک انصار	۲,۰۰۰	(۷۴)
گروه صنعتی بارز	۲,۶۸۰	۱۵	سیمان فارس و خوزستان	۱,۳۱۷	۴۳	سرمایه گذاری گروه توسعه ملی	۲,۹۵۱	(۱۰)
تراکتورسازی‌ایران	۲,۱۰۰	(۲۹)	سیمان فارس نو	۲,۵۴۰	۴	توسعه صنایع بهشهر(هلدینگ	۱,۷۴۸	۲۷
پمپ سازی ایران	۲,۵۱۰	۸۵	سیمان‌هرمزگان	۹,۵۰۰	۲۸۵	بانک صادرات ایران	۱,۰۰۱	۱
توریستی ورفاهی آبادگران ایران	۱,۴۳۵	۱۷	سیمان کارون	۲,۸۹۴	۱۱۱	بانک ملت	۹۹۸	(۷)
سامان گستراصفهان	۱,۷۰۱	(۷۰)	سیمان کردستان	۸,۲۰۰	۳۰۴	سرمایه‌گذاری‌بهمن	۱,۰۰۱	(۲۳)
سرمایه گذاری شاهد	۱,۳۷۹	(۲۲)	سیمان کرمان	۴,۹۴۰	۱۸۹	سرمایه‌گذاری‌بوعلی	۹۴۲	(۳۹)
عمران‌وتوسعه‌فارس	۱,۳۲۰	۹	پتروشیمی شازند	۸,۹۹۰	۱۵۲	بانک‌پارسیان	۲,۲۰۰	(۱)
صنایع‌کاغذسازی‌کاوه	۴,۹۷۵	(۷۳)	معدنی املاح ایران	۱۰,۰۱۱	۳۸۵	بانک پاسارگاد	۱,۳۲۱	(۲۹)
حمل و نقل پتروشیمی(سهامی عام	۱,۵۸۹	۴۳	پالایش نفت تبریز	۱۰,۱۰۱	۴۸	سرمایه‌گذاری صنایع پتروشیمی	۸۴۱	(۱۷)
تایدواترخاورمیانه	۲,۸۳۵	۱۰۹	پالایش نفت بندرعباس	۴,۳۴۲	۱۶۷	داروپخش (هلدینگ	۶,۹۶۰	(۲۸۹)
حمل‌ونقل‌توکا	۵,۴۶۰	۷۰	نفت بهران	۱۰,۱۵۷	۳۹۰	بانک تجارت	۱,۲۴۸	۰
حمل و نقل بین المللی خلیج فارس	۹۳۲	۳۵	بین المللی محصولات پارس	۱,۷۸۵	۶۸	توسعه‌شهری‌توس‌گستر	۲,۳۹۷	۹۲
حفاری شمال	۲,۸۰۷	(۱۱۶)	پاکسان	۳,۴۳۸	(۳۷)	سرمایه‌گذاری‌توسعه‌ملی	۱,۵۲۸	۲۱
کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران	۱,۱۰۵	(۲۴)	پتروشیمی آبادان	۱۰,۰۰۱	۸۰	سرمایه گذاری پارس توشه	۲,۲۵۰	(۳۱)
سایپاآذین	۴۵۰	۱۱	پتروشیمی پردیس	۵۸,۵۰۴	(۱,۴۸۱)	توسعه‌صنعتی‌ایران	۱,۴۰۰	۵۳
ایران خودرودیزل	۸۸۷	۸	پتروشیمی خارک	۲۴,۹۵۸	(۱,۰۳۹)	سرمایه‌گذاری‌توکافولاد(هلدینگ	۲,۲۴۰	(۳۳)
گروه‌بهمن	۱,۲۷۵	۹	دوده صنعتی پارس	۴,۶۰۵	(۱۹۱)	سرمایه‌گذاری سایپا	۹۷۲	(۳۵)
ح . گروه‌بهمن	۲۱۲	۱۱	تولید سموم علف کش	۲,۰۴۲	۶۰	سرمایه گذاری ساختمان‌ایران	۲,۷۵۶	(۶۶)
پارس خودرو	۶۲۸	(۲۵)	پتروشیمی‌فارابی	۱۱,۴۶۲	۴۴۰	سرمایه‌گذاری سپه	۱,۸۸۰	(۷۸)
سازه پویش	۴,۹۴۹	(۲۰۶)	صنایع شیمیایی فارس	۴,۳۰۰	(۱۱۰)	ح . سرمایه‌گذاری سپه	۶۰۰	(۳۹)
ریخته‌گری تراکتورسازی ایران	۷۲۳	(۳۰)	پتروشیمی فناوران	۱۷,۷۰۰	۱۶۱	بانک سینا	۱,۳۲۵	۷
قطعات اتومبیل ایران	۱,۱۶۱	(۳۴)	گلتاش	۷,۶۲۱	۲۹۳	گروه‌صنایع‌بهشهرایران	۱,۳۵۶	(۳۱)
صنایع‌ریخته‌گری‌ایران	۱,۰۴۴	۴۰	لعابیران	۴,۲۴۸	(۷۷)	سرمایه‌گذاری‌صندوق‌بازنشستگی	۳,۲۸۳	۹
رینگ‌سازی‌مشهد	۸۱۷	(۲۲)	تولیدموادداولیه‌والیاف‌مصنوعی	۲,۳۸۲	۹۱	سرمایه گذاری صنعت ومعدن	۱,۲۲۹	۳
زامیاد	۶۶۷	(۶)	نفت پارس	۴,۹۴۱	۱۹۰	سرمایه‌گذاری‌غدیر(هلدینگ	۴,۷۱۳	(۱۹۶)
الکتریک خودرو شرق	۶۰۰	(۷)	پتروشیمی‌شیراز	۷,۵۱۵	۲۸۹	لیزینگ رایان سایپا	۱,۳۳۸	(۵۵)
سرمایه گذاری اعتبار ایران	۱,۴۵۰	(۱۴)	صنایع‌شیمیایی‌ایران	۵۳,۰۰۰	۴۴۷	لیزینگ‌خودروغدیر	۶۲۰	(۷)
گسترش‌سرمایه‌گذاری‌ایران‌خودرو	۲,۲۱۱	۴۰	نیروکلر	۸,۹۹۳	(۳۷۴)	لیزینگ‌ایران	۱,۵۵۰	(۳۰)
نیرو محرکه	۱,۰۴۷	(۱)	کشت‌وصنعت‌پیاذر	۴,۴۴۱	(۱۴۹)	توسعه‌معادن‌وفلزات	۵,۹۱۸	(۲۴۶)
تولیدمحورخودرو	۱,۵۲۸	(۶۳)	صنعتی بهشهر	۱۱,۰۹۷	۳۸۱	سرمایه‌گذاری‌ملت	۴۷۰	۱۳
مهرکام‌پارس	۴۲۲	(۸)	بهنوش ایران	۶,۸۳۳	(۲۷۶)	سرمایه گذاری صنعت نفت	۱,۰۲۵	۱۰
مهندسی‌نصیرماشین	۱,۲۴۴	۰	لبنیات پاک	۴,۳۴۰	۸	بانک‌اقتصادنوین	۲,۰۰۸	(۸۳)
محورسازان‌ایران‌خودرو	۶۰۸	۲۳	پارس مینو	۲,۵۶۱	۹۸	سرمایه‌گذاری‌نیرو	۹۳۴	۳۵
ایرکا پارت صنعت	۱,۲۰۲	(۲۶)	کشت و صنعت چین چین	۴,۰۰۰	(۴۷)	سرمایه‌گذاری ملی‌ایران	۱,۵۵۰	۶
سایپا دیزل	۵۵۷	(۱۹)	پگاه‌آذربایجان‌غربی	۷۱۰	۱۰	بانک کارآفرین	۱,۷۲۲	(۵)
ح . سایپا دیزل	۱۷	۱	شیرپاستوریزه‌پگاه‌خراسان	۳,۰۴۵	(۱۲۶)	فرآورده‌های‌نسوز آذر	۱,۲۹۸	(۷)
داروسازی ابوریحان	۷,۶۷۰	۱۶۳	شیرپاستوریزه‌پگاه‌اصفهان	۲,۱۶۳	(۲۱)	باما	۹,۱۵۸	(۳۸۱)
البرزدارو	۵,۵۰۶	(۲۲۹)	بیسکویت گرجی	۲,۰۸۰	(۱۲)	معادن بافق	۱۷,۰۷۷	(۷۱۱)
داروسازی امین	۲,۲۹۸	۸۸	مارگارین	۳,۳۴۳	۱۲۸	پشم‌شیشه‌ایران	۲,۶۶۶	۳۹
بیمه دانا	۴,۳۵۰	(۵۴)	نوش‌مازندران	۲,۱۵۴	۸۲	تولیدی کاشی تکسرام	۱,۰۰۲	(۹)
پارس دارو	۱۳,۹۹۳	(۵۸۳)	صنایع آذرآب	۲,۲۷۳	(۹۴)	معدنی‌وصنعتی‌چادرملو	۱۲,۴۵۲	(۵۱۷)
تولیدموادداولیه‌داروپخش	۱۰,۶۰۱	(۱۴۷)	ماشین سازی اراک	۲,۳۳۵	(۹)	چینی ایران	۲,۹۵۰	۱
داروسازی جابرابن‌حیان	۲,۶۶۵	۱۰۲	کالسیمین	۸,۲۱۱	(۳۴۲)	کاشی وسرامیک حافظ	۱,۲۴۳	(۵۱)
داملران	۹,۵۰۰	(۳۸۳)	صنعتی آما	۳,۶۱۰	۱۳۸	کارخانجات‌تولیدی‌شیشه‌رازی	۱,۲۳۱	(۵۱)
دارویی رازک	۱۰,۰۰۰	۱۱	آلومینیوم‌ایران	۸,۲۸۷	۳۱۸	صنایع پتروشیمی کرمانشاه	۸,۷۰۳	(۱۱۸)
داروسازی روزدارو	۲,۳۴۱	۹۰	مس شهیدباهنر	۱,۴۵۲	(۶۰)	توسعه معادن روی ایران	۳,۳۳۲	(۱۳۸)
داروسازی‌زهراوی	۱۰,۶۸۵	(۴۴۵)	فولاد امیرکبیرکاشان	۲,۴۷۹	۹۵	صنایع کاشی و سرامیک سینا	۴,۱۰۰	(۲۴)
گروه دارویی سبحان	۲,۷۴۷	۱۰۵	فولاد خراسان	۹,۲۲۶	۳۵۴	کاشی سعدی	۲,۰۳۲	(۱)
داروسازی سینا	۱۰,۲۴۰	۳۸۴	فولاد خوزستان	۲۶,۸۲۰	(۸۲)	ذغال‌سنگ نگین طبس	۲,۷۰۱	(۷۳)
لابراتوارداروسازی دکترعبیدی	۶,۴۸۷	۲۰۸	فرآوری‌موادمعدنی‌ایران	۷,۵۳۳	(۳۱۳)	فراورده های نسوزایران	۴,۶۰۳	۱۷۷
داروسازی اکسیر	۵,۸۰۰	(۱۷۳)	ملی سرب‌وروی ایران	۲,۹۶۵	(۹۶)	معدنی و صنعتی گل گهر	۱۲,۷۳۲	(۵۳۰)
دارویی لقمان	۳,۷۵۰	(۷۶)	لامیران	۲,۱۳۴	۸۲	کاشی الوند	۱,۰۶۵	(۴۴)
داروسازی کوثر	۱,۵۶۱	(۴)	لوله‌وماشین‌سازی‌ایران	۱,۸۴۳	۵۵	معادن‌منگنزایران	۲۳,۵۰۰	۱۱۹
کیمیدارو	۱,۴۵۳	۵۵	ملی صنایع مس ایران	۷,۸۶۰	(۲۲۱)	کاشی نیلو	۱,۴۷۱	۵۶
خدمات‌انفورماتیک	۱۵,۰۰۰	۲۴۱	فولاد مبارکه اصفهان	۴,۹۲۳	(۱۸۹)	تولیدی‌گرانیت‌بهسرام	۱,۴۸۸	۴
تجارت الکترونیک پارسیان	۸,۰۰۰	(۲۸)	فولاد آلیاژی ایران	۵,۳۳۸	۲۰۵	شیشه همدان	۲,۴۴۷	۹۴
کنترل‌خوردگی‌تکین‌کو	۲,۸۵۰	(۷۹)	فرآورده‌های‌غذایی‌وقندپیرانشهر	۱۴,۸۴۸	۵۷۱			
مدیریت‌پروژه‌های‌نیروگاهی	۲,۵۲۸	۷	قند ثابت خراسان	۴,۸۹۰	۱۸۸			

فرهنگی ۱۱۲

- چهارشنبه ۶ دی ۱۳۹۱
- شماره ۲۵۴۹۰ـ ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات
- ویژهٔ فرهنگ، تاریخ و تمدن اسلام و ایران

آموزه



تروتسکی:

هنگامی که منحنی تطورات تاریخی قوس صعودی می‌پیماید، اندیشه اجتماعی تیزبین‌تر، دلیرتر و باهوش‌تر می‌شود: واقعیت‌ها را در می‌یابد و با رشته کلیت‌ها پیوند می زند.

زندگی من / ۵۸۲

سرسخن

کریم فیضی

اندر مصائب قرن بیست و یکم-۳

بیعت با دیجیتال

نویسنده برای توصیف این پدیده‌ی فرآیندی یعنی خیانت در اشکال جدید و برای تحلیل آن دست همه اهالی فکر و فرهنگ را به گرمی می‌فشارد و امید می‌برد که دوستداران زندگی و قائلان ارزش به اخلاق و فرهنگ تأمل در این زمینه را جدی بگیرند. در همین راستا شخصاً حاصل تأملاتی را که در سالهای اخیر داشته‌ام، به اهل تفکر تقدیم می کنم و امید می‌برم که در این خصوص فکرهایی جدی‌تر و عمیق‌تر به کار بیفتد.

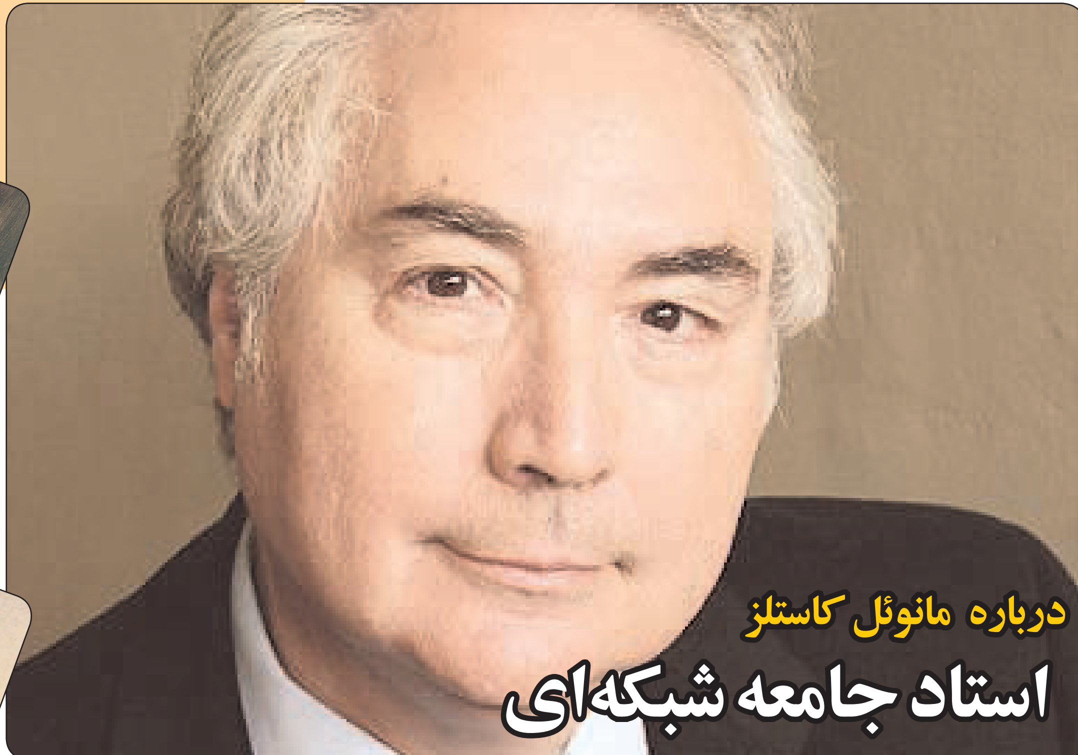
در نوشته‌ای که حدود ۲ سال قبل در این باب با عنوان «خیانت‌جدی‌ترین آسیب» به قلم آوردم، بدون ورود به ادامه موضوع جنبه‌های آسیب زای خیانت را تشریح کردم. اکنون که سخن یکبار دیگر در آستان این بحث فرود آمده است، در تکمیل همان بحث و همان سخن باید افزوده شود که: خیانت اصولاً فرایندی پیچیده و چند ساحتی است که لایه‌های مختلفی دارد. با درنگ و تأمل‌های روانشناختی و جامعه شناختی می‌توان تشریح کرد: خیانت موضوعی است چند ساحتی که هرگز عاملی یگانه و واحد ندارد که با شناخت آن بتوانیم ماهیت خیانت را بشناسیم و با رفع آن، خیانت را از بین ببریم. خیانت در صدر آن دسته از قضایای اخلاقی و اجتماعی قرار می‌گیرد که عوامل مختلفی دارد و عوامل مختلفی دست به دست هم می‌دهد تا گونه‌ای از خیانت نطفه ببندد و بالیده شود و پا به شهر بزرگ آن بگذارد. در یک بار شمارش دم دستی، عوامل سازنده و پردازنده خیانت در مفهوم امروزی، عبارتند از:

۱-شرایط جدید خانه و خانواده ۲-شرایط نوین تعلیم و تربیت ۳-گسترش و توسعه رسانه‌های ارتباطی جدید ٤-سیطره سرعت بر زیرساخت‌ها ٥-شکل گیری هنر جدید(یا هنر در فرمت و کسوت جدید) ٦-گسترش روز افزون فرهنگ غرب ۷-افزایش جمعیت و تفکر سودانگاری ۸-کاهش اعتبار اخلاق و اخلاقیات ۹-سیطرهٔ مادیت بر مبنای فکری ۱۰-بروز نوسانهای طبیعی و غیرطبیعی در ساختارهای اجتماعی و سیاسی.

عوامل دهگانه مورد اشاره، یا خود عامل و علت خیانت در مقیاس جدید و امروزی آن است، یا زمینه را برای شکل گیری تفکر و عمل خیانت ایجاد می کند که باید در جای خودش توضیح داده شود تا دانسته شود که چگونه از ترکیب شرایط و مسائل امروز، خیانت حاصل می‌شود و چگونه از تلاقی امروز و فردا، طفل خیانت‌زاده می‌شود و چگونه برایند مستقیم نوسانهای امروز خیانت و گسترش اندیشه خیانت است. گسترش خیانت در حال پدیدار نمودن این فلسفه پوچ است که: انسان برای رسیدن به آنچه که پیش فرض آن را در ذهن دارد، به خیانت پناه می‌برد و از سینه آن شیر می خورد و در دامن آن بزرگ می‌شود و سپس وارد عرصه حضور می‌شود و آنچه به این موضوع دامن می‌زند، زیر ساخت‌های ارتباطی جدید است و هنرنو و نیازهایی که محصول شرایط جدید و امروزند.

امروزه، تمام یا بسیاری از آنچه به انسان و زندگی یعنی زندگی انسانی مربوط می‌شود، در صورت و محتوا دیجیتال شده است. در واقع، دیجیتال و دیجیتالیته انقلابی است بزرگ، وسیع و همه‌جانبه که از ریزساختارها شروع شده و تا درشت ساختارها ادامه پیدا کرده است. اگر هم بودند کسانی که از آغاز این انقلاب جهانی و ادامه و روند و چگونگی آن اطلاع حاصل نکردند، امروزه هر انسانی می تواند واقعیت این انقلاب را از خلال ابزارهایی که هر روز ورژن می‌خورند و تکامل می‌یابند و کارکردشان دقت و سرعت می یابد، مشاهده کنند. بیعت با دیجیتال واقعیت زندگی هر انسانی است؛ خواسته یا ناخواسته و همچنانکه در «غیر دیجیتالیسم ناممکن» یادآور شده‌ام، نه انکار واقعیت دیجیتالیسم و سایبریسم ممکن است و نه خروج از موضوع و حکم آن. این حکم چه نسیم بهاری باشد و چه شلاق ستم، در چارسوی عالم در حال وزیدن و نواختن است و گریزی از آن نیست. وقتی حضورتان در باجهٔ بانک ثبت می‌شود و لحظه‌های کارتان عدد و رقم می‌خورد، وقتی هر کاری که انجام می‌دهید، با عدد و رقم‌های زمانی و مکانی، در دستگاهی قابل نمایش و پرینت است، وقتی همهٔ خریدهای موفق و حتی خریدهای ناموفق شما، کد می‌خورد و با درج شماره‌های گوناگون از هزارها خرید و فروش دیگر جدا می‌شود، وقتی پولی که توسط عابربانک دریافت می‌کنید یا پولی که توسط عابربانک کارت به کارت می‌کنید، دارای کد شناسایی و پیگیری است، وقتی تمام یا بسیاری از کارهای شما با کارت انجام می‌شود ـ کارتی با اندازه‌های استاندارد و تقریباً نصف کف دست ـ و هر یک از فعل و انفعال‌های این کارت قابل ذخیره‌سازی جداگانه است، وقتی تمام آنچه می‌بینید و می‌شنوید، دارای کد و جدول مشخصات ریاضی است، باید بپذیرید که دیجیتالیزم، همچون عقابی آسمانگیر، بال گسترده و بر سر شما و زندگی‌تان سایه گسترده است و شما هر کاری انجام بدهید و ندهید، در زیر سایه سعادت قرین یا شوم این سایه است. آری، ما روی دیجیتالیزم راه می‌رویم و در محدوده و فضای آن نفس می کشیم و با تمام موجودیتمان در چنگال دیجیتالیزم هستیم.

ادامه دارد



درباره مانوئل کاستلز

استاد جامعه شبکه‌ای

علی پایا: مانوئل کاستلز استاد اسپانیایی الاصل رشته برنامه‌ریزی در دانشگاه برکلی کالیفرنیا را در حلقه‌های علمی به لقب «استاد استادان» ملقب ساخته‌اند. این پروفسور هفتاد ساله (متولد ۱۹٤۲) که تا دو دهه قبل هنوز از نگاه یک مارکسیست اروپایی و بخصوص متأثر از لویی آلتوسر به عالم و آدم نظر می‌کرد، در سه‌گانه ممتاز خود؛ ظهور جامعه شبکه‌ای، قدرت هویت، و پایان هزاره، با رویکردی نو جامع‌ترین مجموعه تحلیلی و در عین حال سرشار از داده‌های اطلاع بخش را در خصوص روندهای جاری و آتی تحولات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی،و فرهنگی در نقاط مختلف جهان فراهم آورد.

هدف کاستلز آن بود که با بررسی تحلیلی مهمترین رویدادها و پدیدارهایی که در زمانه حاضر در حال شکل دادن به جوامع بشری و رقم زدن سرنوشت آدمی بر روی کره خاک هستند،امکان فهم عقلانی تحولات حیرت‌انگیزی را که تأثیر آن بر همه ابعاد حیات انسانها مشهود است فراهم آورد. از جمله این تحولات همه جانبه می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: انقلاب تازه علمی و تکنولوژیک ـبخصوص در عرصه تکنولوژی اطلاعات و دانش ژنتیک؛ سقوط کمونیسم و پایان یافتن دوران جنگ سرد؛ تجدید ساختار سرمایه‌داری؛فرایند جهانی شدن و ظهور قطبهای تازه اقتصادی، رشد جنبش‌های ملی گرایانه و بحران در حاکمیت دولت‌های ملی؛ قوت گیری نهضت احقاق حقوق زنان فمینیسم و بروز بحران در نهاد پدر سالاری؛ توجه گسترده به اهمیت حفاظت از زیستبومهای طبیعی؛ بازگشت به دیدگاه‌های معنوی و دینی در قالب رویکردهای بنیادگرایانه؛ رشد مافیای اقتصادی در تراز جهانی؛ و توجه به نقش فرهنگ‌های بومی و نقش نهادهای مدنی و متکی به مشارکت شهروندان در سطوح ملی و بین‌المللی.

کاستلز مجلد نخست از تألیف پر حجم خود را به بحث درباره جامعه شبکه‌ای که آن را یکی از ویژگی‌های سرمایه‌داری متکی به اطلاعات به شمار می‌آورد، اختصاص داده است. به اعتقاد استاداسپانیایی جامعه شبکه‌ای محصول همگرایی سه فرایند تاریخی مستقل است. این سه فرایند عبارتنداز: انقلاب اطلاعات که ظهور جامعه شبکه‌ای را امکان‌پذیر ساخت؛ تجدید ساختار سرمایه‌داری و اقتصاد متکی به برنامه‌ریزی متمرکز از دهه ۱۹۸۰ به این سو با هدف غلبه بر تعارضهای درونی این دو نظام، و نهضت‌های فرهنگی دهه ۱۹٦۰ و دنباله‌های آن در دهه ۱۹۷۰، یعنی نهضتها و جنبش‌هایی مانند فمینیسم و طرفداری از محیط زیست.

ادامه در صفحه ٦

فوزیه؛ مرگ ملکه

اسراری که به گور رفت



ایراندخت صادقی‌وند: فوزیه زن اول محمدرضا شاه‌سابق اخیراً در سوئیس بر اثر بیماری قلبی فوت کرد. فوزیه بعد از رفتن از ایران نه خاطرات نوشت نه در محافل اشرافی مصر، اروپا و آمریکا ظاهر گشت و نه بعد از خلع برادرش پادشاه سابق مصر، ملک فاروق از مصر خارج شد! تنها به هنگام بیماری بود که به سوئیس نزد شهناز رفت آنجا و چندی پیش مرد!

او با ازدواج با یک سرهنگ ارتش مصر بنام شیرین بگ در اسکندریه اقامت گزید و صاحب دو فرزند شد و مانند یک زن خانه‌دار تا آخرین روزهای زندگی‌اش زندگی در وطن را ترجیح داد. و چون پاک‌تر و خوشنام‌تر از دیگر خاندان سلطنتی مصر بود همیشه مورد احترام مردم مصر بود.

فوزیه، زن اول محمدرضا، شاه سابق ایران در دوران جنگ جهانی اول به دربار ظاهراً پادشاهی ایران به عنوان عروس آمد. درباری که در ظاهر نام دربار داشت و مادرشوهر و خواهران شوهر تازه به دوران رسیده که مقام و قدرت را تازه به چنگ آورده بودند نمی‌توانستند یک شاهزاده خانم که پدر و اجدادش پشت سر هم جزو خاندان مهم یک کشور بزرگ مانند مصر بود را تحمل کنند.

بنا به نوشته مجله قدیمی و مهم Imag de Mund چاپ پاریس فوزیه که در کاخ‌های مهم اسکندریه و قاهره نظیر عابدین، کعبه (کوئوبه) و راس المدّین که توسط مهم‌ترین آرشیتکت‌های فرانسوی و انگلیسی ساخته شده بودند و زیر نظر مربیان آموزشی فرانسوی درس خوانده بود در تهران در خانه‌های ویلائی که به ظاهر کاخ نامیده می‌شد، زندگی می‌کرد.

این مکان‌ها نه گرم‌کننده سانترال داشتند و نه آب گرم. در تابستان گرم بودند و در زمستان سرد. جدای از این‌ها یک فامیل شوهر عجیب غریب نیز داشت. در میان حکومت زنان به ظاهر درباری ایران، تنها دوست‌اش سفیر مصر و خانواده‌اش بودند او، مدام اظهار دلتنگی و تنهائی می‌کرد.

ادامه در صفحه ۷

روایت داستانی احمدمحمود، از فرار شاه در دیماه ۱۳۵۷

کاشی پهلوی ریخت!

فریاد، فریاد شادی، فریاد شور و شادی و پایکوبی: شاه رفت. طناب از زیر کتف مجسمه رد شد. هلیکوپتری آمد. از جایی دود برخاست. شعله برخاست. زره پوشی غرید. از جایی صدای گلوله آمد: موج مشت‌ها. صدای زره‌پوش افتاد: گل در لولهٔ تفنگ سرباز، غریو مردم. هلیکوپتر بالا رفت. چتر بستهٔ نوذر بالا رفت. اسکناس سوراخ بر چتر نوذر. سربازی گفت: مرگ بر شاه. نوذر گفت: مرگ بر انگلیس. طناب از زیر کتف مجسمه گذشت. شاطر جمال جنبید. راه ماشینها را بست. حاج ابوتراب عکس چسباند. بر شیشه جلو و بر پنجره‌ها. کسی گفت: خمینی، منتظر تو هستیم! عکس خمینی بر دستها. نوذر پس یقهٔ برهان را گرفت و کشید. برهان برگشت.



نوذر گفت: کویت بودی! برهان گفت: ئومدم! محکومی. به اعدام! غلط میکنن!

نوذر برهان را بوسید. سربازان را بوسید. کسی فریاد زد: در طلوع آزادی. چشم نوذر گشت. نامدار بود. نوذر صداش کرد. نشنید. صدای جماعت ترکید: جای شهدا خالی. عطا گفت: بگیر. نبی گفت از مو بگیر.

دور بین براتعلی درخشید. از نبی گرفت. از عطا گرفت. گونه بر گونه سرباز. کسی گفت: محکم. چکش پس رفت. محکمتر. نام نوشته خیابان کنده شد. کاشی پهلوی ریخت. با چکش. با قلم. هلیکوپتر کج کرد. بوق ماشینها برخاست. سرباغ شیخ. فریاد جماعت. مبارک، عصا بدست، رو خرندِ درِ داروخانه و اشک در چشم. صدا زد: شهروز! صدا زد: شهباز! دستَ کسی بالا رفت: خمینی، خمینی. فریاد جماعت برخاست: منتظر تو هستیم! صف فشردهٔ مردم کج کرد تو خیابان باغ شیخ. قهوه‌چی گفت: بفرما! مهراب بارانی را به دوش انداخت. اسد موتوری از باغ شیخ کج کرد طرف دکان. مبارک آب نبات را از قهوه‌چی گرفت. حشمت می‌خندید. ردّ شد پشت سر اسد موتوری. مهراب گفت: وحشت دارم! مبارک گفت: از چی؟ مهراب گفت: از چماق، از حکومت. مبارک گفت: بدتر از شاه؟ عطار گفت: اسلام دین رحمت و... مهراب گفت: این سیاست است. مبارک گفت: خودتم نمی‌دانی چی میخوای...

مدار صفر درجه، ج۳/۱۷۱۳ـ۱۷۱۵

روایت



زریاب‌خویی و ناگفته‌هایش

آخرین ملاقات

صفحه ۲

راه



آخرین نامه‌های دکتر مصدق

عیدی برای ما نیست...

صفحه ۳

پرده



مردان سینمای ایران

رسول ملاقلی پور

صفحه ۲

حدیث



نوشته ای به قلم اقبال آشتیانی

حدیث نفس

صفحه ۷

عکس



خوانش عکس‌های تاریخی

مردی که ساعت نداشت

صفحه ۵

قلم



درباره جک لندن؛ نویسندهٔ بی‌قرار

اشتباه اندوهبار

صفحه ۷

آیینه



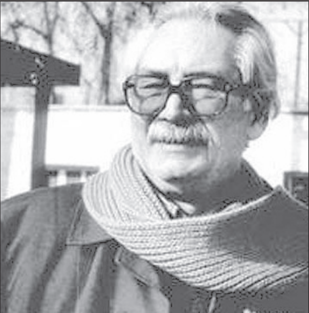
بازچاپ مصاحبه اشپیگل با مارتین‌هایدگر

فقط خدا می تواند...

صفحات ٤ و ٥

ادب

احمد یاوری


احمد محمود

بخش هایی از گفتگو با احمد محمود-۵

نمی دانم واقعاً

کمبود تجربه در پاره‌ای موارد و پناه بردن به تخیلات مطلق هم مشکل دیگر است. تجربه نداریم، اما به قلمرویی وارد می‌شویم که نمی شناسمیش، و در مورد آن حرف می‌زنیم. حوادث بسیاری در داستان‌ها هست ـ و این به روشنی معلوم است ـ که نویسنده برای پرداختشان فقط به تخیل پناه برده است. پیدا است که نه فقط تجربه ندارد، حتی پرس و جو هم نکرده که این قشر از جامعه چه خلق و خویی دارد، چه جوری است، مثلاً در پرداختن به مبارزات مخفی، زندان، تشکیلات سیاسی، یا... بازار، اخلاق بازار و بازاری ... یا جنگ... یاانقلاب ... و یا خیلی چیزهای دیگر.

نویسنده از آن‌ها حرف زده اما کاملاً مشخص است که هیچ تجربه‌ای در این زمینه ندارد و یا دست بالا که بگیریم تجربه اندکی دارد. بنابراین سکوی واقعیت را ـ که باید از روی آن پرید ـ کنار می گذارد و پناه می‌برد به آنچه که ذهنش می گوید و این اشتباه است و اشتباهات روشنی را هم به دنبال دارد. نکته دیگر، فقرنگاری فیزیکی است؛ خیلی‌ها تلاش می کنند که برای فقر فضیلت قائل شوند، فقر که فضیلتی ندارد. اگر به فقر می‌پردازیم و اگر به فقر پرداخته شود، باید در جهت شکافته شدن فقر باشد. باید دید چه کسانی موجب این فقر هستند. والاّ خود فقر نه حرمتی دارد و نه فضیلتی که این همه به آن صورت تبدیل می‌شود به نوعی گزارش سطحی که دیگر نمی‌شود اسم آن را رمان گذاشت. درست در مقابل این، منتزع کردن یک انسان است از کل جامعه و پرداختن به ذهنیات او، بدون هیچ پیوندی با جامعه‌اش. در حالی که اگر خوب نگاه کنیم، تمام این ذهنیات با اطرافش گونه‌ای پیوند دارند؛ اما همهٔ آن‌ها را قیچی می‌کنیم. از این نوع کارها هم زیاد داریم. در خیلی داستان‌ها می‌بینیم که تناسب‌ها اصلاً رعایت نمی‌شود. حس زمان و حس مکان در آن‌ها نیست.

مثلاً دیده شده که شرایط داستان چنان است که کسی باید پیغامی را به سرعت به جایی برساند و برود. طبیعت داستان، یعنی آنچه که خود داستان دیکته می‌کند، این است که او فقط چند ثانیه فرصت دارد که حرفش را بگوید و برود. اما می‌بینیم که دم در خانه، مثلاً پیغام‌دهنده و پیغام‌گیرنده، چهار صفحه با هم وراجی می‌کنند، بی‌اینکه نویسنده حس کند که شرایط داستان جور دیگر است ـ باید بگوید و سریع برود ... بله. به نظر می‌آید که نویسنده شرایط موجود در داستان را اصلاً حس نکرده است. از این نقص‌ها بسیار می‌شود پیدا کرد. بسیار دیده شده که راوی داستان حس نمی‌کند کجا ایستاده است. مکان را حس نمی‌کند. مثلاً می‌گوید: «تلفن را برداشت و آمد توی اتاق». در حالی که راوی بیرون اتاق ایستاده است. پس: «تلفن را برداشت و برد توی اتاق». شاید به نظر بیاید که اینها جزییات است، اما غالباً تفاوت یک چهرهٔ زیبا، با یک چهرهٔ معمولی در همین جزئیات است.

در تناسب و موزونی‌هاست. مجموعه‌ای از این جزییات است که کلیات را فراهم می‌آورد، یعنی نباید فکر کرد که اگر به جای «آمد»، «رفت» بیاید و به جای «رفت»، «آمد» خیلی مهم نیست. نه، به گمان من مهم است. این‌ها کنار هم می‌نشینند و آن‌وقت اثری ایجاد می‌شود که اگر همهٔ این نکات رعایت شده باشد، تفاوتش با اثری که این‌ها رعایت نشده است، حتی برای خوانندهٔ عادی به خوبی حس می‌شود. مشکل اساسی دیگر ما زبان است، که ما تاحالا باید آن را حل کرده باشیم و نشده است. من معتقدم که زبان، امروز فقط رسالت انتقال مفاهیم را ندارد. یعنی رسالت سنتی و ساده خودش را که نقل مفاهیم باشد ـ فقط وظیفه‌اش این نیست. من نمی‌دانم خودم چقدر توانسته‌ام در این مورد موفق باشم. اما این جور فکر می‌کنم که زبان از این وظیفه سادهٔ خویش فراتر رفته است. زبان باید بتواند فضا بسازد. باید هویت اشخاص داستان را تبیین کند. باید خلق مکان بکند. در حالی که هنوز در وظیفهٔ ابتدایی زبان که همان انتقال مفاهیم است لنگ می‌زنیم. باز نمونه می‌دهم بی‌اینکه به نام اثر یا نویسنده‌ای اشاره کنم. من چند جمله برایتان می گویم. جملات مستند: «اگر یک جفت سبیل بگذارد می‌شود آن‌ها را با هم عوضی گرفت». یک جفت سبیل! ـ «صورتش را هنوز هیتلری می‌زد» ـ «صورتش سبیل نداشت» ـ «آنقدر فیبر را صیقل داده بود که جلوه عاج پیدا کرده و در برش آن نسبت طلایی را رعایت کرده است». ـ «همه جا کلاغ سیاه او را چوب می‌زدند» که منظور «زاغ سیاه» است. این‌ها که همه روایت نویسنده است، نه دیالوگ، چند نمونه از صدها نمونه جملاتی است که می‌شود بااندکی توجه در آثار مختلف پیدا کرد. من تخصص در زبان ندارم اما به کمک تجربه سعی می‌کنم تا آن جا که از دستم برمی‌آید کمتر مشکل داشته باشم. زبان ظرافت‌های خاص دارد. این آشفتگی‌ها دیگر بر ما بخشوده نیست. درست حرف زدن، درست نوشتن، مسأله‌ای است که خیلی پیش از این‌ها باید حل شده باشد. ما هشتادسال سابقه داستان‌نویسی داریم و اگر هنوز گرفتار زبان باشیم جای تأسف خواهد بود.

گلستان: علت این عیب یا کمبود را در کجا می‌بینید. آیا علتش همان بی‌مسئولیتی خاص ما نیست؟ این «ولش کن» و «بزن بریم»ی که در تمام اعمال و رفتار و گفتار اغلب مردم دیده می‌شود؟

محمود: نمی‌دانم. واقعاً نمی‌دانم کم حوصلگی است؟ بی‌دقتی است؟ اهمیت قائل نشدن برای خواننده است؟ شاید واقعاً نوددرصد خواننده‌ها به این مشکلات و معایب توجه نکنند. بخوانند و بگذرند و لذت هم ببرند. اما باید حواسمان را برای آن درصد باقی‌مانده که متوجه این اشکالات می‌شوند، جمع کنیم. یانه! بپذیریم که هیچ کس متوجه نمی‌شود ـ که می‌شوند ـ و حالا که هیچ‌کس متوجه نمی‌شود، نویسنده نباید متوجه مسؤولیت خودش باشد؟ بعضی‌ها که اصلاً معتقدند نوشتن مسوولیتی ندارد! من می‌نویسم و شما یا می‌خوانید یا نمی‌خوانید ـ متوجه هستید یا نیستید! ـ ولی من معتقدم که لااقل در حیطهٔ زبان این مسؤولیت هست و باید باشد. کار که چاپ شد، می‌شود الگو، جوان آن را می‌خواند و خیال می‌کند این‌طور نوشتن درست است و حتی شاید فکر کند به این دلیل این کار «مهم» شده که این چنین نوشته شده. این‌طور است که تا وقتی از تو هّم رها شود، برای مدتی ذهن و زبانش خراب می‌شود.

گلستان: در مورد راه جهانی شدن ادبیات فارسی، یعنی ترجمه و چاپ کتاب‌های فارسی به زبان‌های زنده دنیا بگویید. می‌دانیم که این کار باید بشود. سال‌ها پیش باید می‌شد. ترک‌ها و عرب‌ها این کار را کرده‌اند و خوب می‌دانیم که دلیلش هم بهتر بودن ادبیاتشان نبوده و باز هم خوب می‌دانیم که نویسندگان خوب ما بیش از نویسندگان خوب آن‌ها است. پس باید چاره کرد. شما آقای محمود چاره را در چه می‌دانید؟ و اصلاً سطح کار ما در مقایسهٔ با سطح کار جهانی کجاست؟

محمود: گویا قبلاً اشاره‌ای در این مورد داشتیم که گفتیم باید دولت حمایت کند. اگر دولت بتواند گروه با صلاحیتی را دعوت کند نه باز برود به سراغ کسانی که از ادبیات قدیم پافراتر نگذاشته‌اند.

حمله متفقین به ایران

در آغاز جنگ جهانی دوم حمله ارتش آلمان به خاک شوروی در ۲۲ ژوئن ۱۹۴۱م. (اول تیر ۱۳۲۰ش.) شرایطی را برای آلمان به وجود آورد که در صورت موفقیت، هیتلر می‌توانست امتیازات وسیعی در جهان به دست آورد و علیه انگلستان وارد عمل شود.

از سوی دیگر با توجه به وضعیت سوق‌الجیشی نیروی دریایی ایتالیا در دریای مدیترانه، امکان یورش نیروهای ارتش آلمان به ایران و ادامه پیشروی به سمت کانال سوئز و خلیج فارس وجود داشت. در میان کشورهای خاورمیانه، ایران نقشی اساسی را در طرح‌های تدافعی انگلستان در هندوستان، بازی می‌کرد. گذشته از نفت که برای نیروی دریایی انگلستان در حوزه اقیانوس هند و خلیج فارس جنبه حیاتی داشت، ایران جزو کشورهایی بود که جبهه نخست حلقه دفاعی سوق‌الجیشی اطراف هندوستان را تشکیل می‌دادند. به علاوه نقش قرنطینه‌ای را نیز برای هند به عهده داشت. ایران سرپلی بین آسیای مرکزی و هندوستان بود و کمربند دفاعی مهمی را در مرزهای هندوستان، از بلوچستان تا خلیج فارس، که خود بخشی از اقیانوس هند است تشکیل می‌داد. مجمع الجزایر بحرین به عنوان پایگاهی برای کنترل منطقه نفوذ انگلستان در عراق و مهمتر از همه برای کنترل چاههای نفت شرکت ایران و انگلیس در جنوب ایران، پایگاه مهمی برای نیروهای دریایی و هوایی انگلستان نیز بود.

پرده‌داران

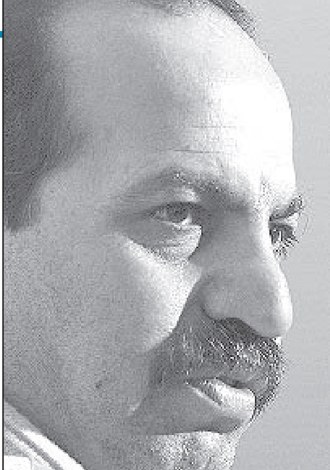
احمد بهارلو

مردان سینمای ایران/۱۹

رسول ملاقلی‌پور

رسول ملاقلی‌پور (۸۶-۱۳۳٤)، مثل ابراهیم حاتمی‌کیا و عزیزالله حمیدنژاد، به عنوان فیلمساز جبهه و جنگ شناخته شده است. او کارش را در فاصلهٔ سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳٦۱ با ساختن فیلم‌های مستند جنگی و چند فیلم کوتاه مثل شاه کوچک (۱۳۵۹)، فتح‌المبین (۱۳٦۰) و سقای تشنه‌لب (۱۳٦۱) آغاز کرد و با فیلم بلند نینوا (۱۳٦۲) ادامه داد. ملاقلی‌پور تا اواخر دههٔ ۱۳٦۰ با بلمی به سوی ساحل (۱۳٦٤)، پرواز در شب (۱۳٦۵) و افق (۱۳٦۷) یک سر به ساختن فیلم‌های جنگی پرداخت. او در این دوره فیلم ساختن را عین جنگیدن در جبهه می‌دانست، مثل شخصیت واقعی خودش که در روزهای آغاز جنگ در جبهه‌ها عکاسی می‌کرد؛ اما در فیلم‌های او، با معیارهایی که از این نوع سینما برای خود تعریف کرده بود، به جای نشان دادن سطح ظاهر مسایل جبهه و حادثه و جنگ و گریز، پاره‌ای از کنش‌ها و واکنش‌های روحی رزمندگان ترسیم و بررسی شده است؛ اگر چه این فیلم‌ها بی توجه به «مدیوم سینما» ساخته می‌شدند و بازتاب ذهن و اعتقادی آرمان‌گرایانه بودند.

نخستین فیلم‌های رسول ملاقلی‌پور از حیث ساختار بصری ضعف‌های تکنیکی فراوانی داشتند؛ اما به تدریج حرفه‌ای‌تر و سینمایی‌تر شدند؛ به عنوان مثال پرواز درشب در میان سیاه مشق‌هایی، که چه پیش و چه پس از آن ساخته شدند، جایگاه متمایزتری دارد و الگوی بیش و کم مناسبی برای فیلم جنگی ارایه می‌دهد، که کم‌تر کسی به جز خود ملاقلی‌پور آن را دنبال کرده است. پرواز در شب، به خلاف فیلم بعدی او (افق)، لحن و مضمونی تلخ و غم‌بار دارد، که به تعبیر خودش در آن از «پیروزی‌های ظاهری» و شعارزدگی‌های مرسوم کم‌تر نشانی هست و «به نوعی احساس هم‌دردی با بچه‌هایی است که صادقانه مبارزه می‌کردند». افق لحنی حماسی دارد که «به درد همان مقطع تاریخی می‌خورد». فیلم داستان آدم‌هایی است که خصلت‌های قهرمانی دارند تا ملموس و واقعی.



ملاقلی‌پور پس از پذیرش قطعنامهٔ ۵۹۸ و اعلام آتش‌بس و صلح در جبهه‌ها، دیگر مایل نبود فیلمی مثل افق بسازد، بنابراین در... مجنون (۱۳٦۹)، خسوف (۱۳۷۱) و پناهنده (۱۳۷۲) به طرح داستان‌های اجتماعی و ماجراهای تلخ خارج از جبهه و جنگ پرداخت. او کوشید در مجنون و خسوف «آلودهٔ عدم صداقتِ سیاست» نشود؛ اما پناهنده، به رغم وعدهٔ او بوی «سیاست و سیاست‌زدگی» می‌داد. اگر چه خودش می‌گوید دنبال محکوم کردن هیچ‌کس و هیچ گروهی نبوده و فقط خواسته است داستان چهار آدم را مطرح کند، که از هم جدایند، و به‌رغم گرایش‌ها و تمایلات سیاسی و اجتماعی متفاوت می‌توانند زیر یک سقف و روی خاکی که میهن همهٔ آن‌ها است زندگی کنند.

رسول ملاقلی‌پور این فیلم‌ها را براساس حسّ و غریزهٔ خود ساخته است، که نوعی واکنش به فضای حاکم بر سینمای ایران هم بود. «به فرمان دل کار می‌کنم و در بند درام نیستم، درست حالی‌ام نیست.» (پاره‌ای از منتقدان ابتدای خسوف را شبیه داستان تخت ابونصر صادق هدایت دیدند. ملاقلی‌پور منکر چنین شباهتی شد و حتی بابت چنین قیاسی اظهار ناخرسندی کرد، و گفت که از داستان‌های هدایت فقط داش اکل را خوانده است.)

ملاقلی‌پور، پس از افق، با این استدلال که «گروهی معتقدند تنها باید به وجه اسطوره‌ای و حماسیِ جنگ و قهرمانی‌ها توجه کرد، و من در حالِ حاضر چنین احساسی ندارم، و اگر بخواهم فیلم جنگی بسازم به وجه دیگری از جنگ خواهم پرداخت»، هفت سال بعد، فیلم‌های سفر به چزابه و نجات‌یافتگان/ تا آخرین نفس (۱۳۷٤) را ساخت. او در هر دو فیلم به بیان همان مسایلی پرداخت که پیش از این گفته بود: «جریان‌های خط مقدم همه حاکی از قهرمانی بود؛ اما نه به آن صورت که در نهایت پیروزیِ ظاهری به دست آید.» (این دو فیلم، با جرح و تعدیل‌هایی، در قالب یک مجموعهٔ تلویزیونی با نام سفر به چزابه نیز نشان داده شدند.)

رسول ملاقلی‌پور، که در سال‌های آغاز فیلمسازیِ خود «قهرمان»هایش را در جبهه و جنگ ترسیم کرده بود، در دورهٔ بعد با ساختن فیلم‌هایی که فضای شهری داشتند، همان قهرمان‌ها را در حریم شهر نشان داد تا به دور از یاران شهید خود و صدای توپ خمپاره و شلیک گلوله به شکلی عادی زندگی کنند. این آدم‌ها با تعارض‌ها و تناقض‌های خود با مسایل پیرامون‌شان مواجه شدند و برخی هم آرمان‌شان را رها کردند یا بی‌توجه به آرمان‌های سابق خود به کار و زندگی عادی و معمولی خود پرداختند. بدیهی استَ وقتی ملاقلی‌پور بخواهد همین قهرمان‌ها را بعد از پذیرش قطعنامهٔ ۵۹۸ دوباره به جبهه و جنگ بکشاند، شکل و شمایل آدم‌های فیلم‌های نینوا، بلمی به سوی ساحل و افق را نخواهند داشت و به صورت آدم‌های واقعی‌تری در می‌آیند. نگاه ملاقلی‌پور به آن قهرمان‌ها از منظر یک آدم امروزی است که چکیدهٔ آن در سخن علی (فرهاد اصلانی) به وحید (مسعود کرامتی) هم تجلی پیدا کرده است: «ببین تو توی گذشته زندگی می‌کنی، اما من به آینده فکرِ می‌کنم.»

طبیعتاً وقتی ملاقلی‌پور، با چنین نگرشِ نسبی‌گرا و روحیهٔ آسیب‌دیده، برای بار دَوم (بعد از... مجنون، خوف و پناهنده و تهیهٔ فیلم‌هایی مثل مرغابی وحشی/ ۱۳۷۰ و دشت ارغوانی/ ۱۳۷۳) به داستان‌های شهری می‌پردازد حاصلش فیلم گسیخته و آشفتهٔ کمکم کن (۱۳۷٦) و فیلم‌های با تأمل و تعمق‌تر نسل سوخته (۱۳۷۸) و قارچ سمی (۱۳۸۰) می‌شود. ملاقلی‌پور نسل سوخته را در سه «اپیزود» ساخته است تا امکان و فرصت داشته باشد پاره‌ای دیدگاه‌های تغییر یافتهٔ خود را در فیلمش به تصویر بکشد.

روایت

آرش تبریزی

زریاب‌خویی و ناگفته‌هایش-۶

آخرین ملاقات


دکتر زریاب

بعد از وقایع شهریور ۱۳۲۰ که رضاشاه از سلطنت برکنار شد، اواخر سال بیست یا اوایل سال ۲۱ بود که مردم اجتماع کردند و رفتند آن مشروب فروشی را بستند یعنی شیشه‌ها را شکسته و مغازه را به آتش کشیدند. میز و صندلی، حتی رادیو را هم در میان آتش گذاشتند و آتش بزرگی هم درست کرده بودند (ما به ترکی به آن توفقال می گوییم) و با چوب در آتش می‌زدند که شراره‌ها بالا می‌رفت. مردم خوشحال بودند و عده‌ای هم معترض بودند که کار خوبی نیست، مشروب فروشی را باید می‌بستند ولی این آتش‌سوزی دیگر صلاح نمی‌باشد.

روزی خدمت امام بودیم که مرحوم فاضل لنکرانی (پدر آیت‌الله محمد فاضل) هم حضور داشتند. که با آقا خیلی مأنوس بودند. بحث همان مشروب فروشی و آتش زدن اسباب و اثاثیه مطرح شد.

ایشان معتقد بود آتش‌سوزی جایز نیست حتی شکستن شیشه‌ها هم جایز نمی‌باشد و می‌گفت: آن اثاثیه مالیت دارند. آنچه که مالیت ندارد خود مشروب است؛ ولی آن شیشه نه نجس است نه حرام و اگر شیشه را بشویند حلال است و مردم از آن استفاده می کنند. همچنین میز و صندلی و رادیو. البته آن زمان بحث رادیو نبود، مردم زیاد با رادیو خوب نبودند. صحبت همین اموال و میز و صندلی بود.

آقای فاضل لنکرانی می گفت: نه، اینها به تبع همان مشروب چون مال حرام است هیچ اشکالی ندارد. یک بحث خیلی شدید درگرفت و آقای خمینی جدا معتقد بود آنچه از نظر شرع مالیت دارد، محترم است و نباید تلف کرد و آنچه که مالیت ندارد اتلافش واجب است. آن زمان چو من جوان بودم نمی‌خواستم در بحث فقهی ایشان شرکت کنم، فقط گوش می‌کردم تا استدلالشان را از نظر فقهی ببینم، ولی یک حرفی به امام عرض کردم: این استدلال فقهی شما درست است؛ اما من چون از تاریخ اطلاع دارم عرض می‌کنم که در تاریخ هرچه اتفاق افتاده همین بود که هم شراب را ریخته‌اند و هم جام و ظرف را شکسته‌اند و حافظ می گوید:

محتسب خم شکست و من سر او
سن بالسن و الجروح قصاص

و گفتم: در زمان فتحعلی شاه یکی از علمای درجه یک تهران دستور داد که میخانه‌ها را تعطیل کنند. خودش آمد و خم و شیشه‌ها را شکست

و بالاخره دولت دخالت کرد و... شاعری به این مناسبت یک رباعی سرود:

زاهد بشکست از سر خامی خم می
اسباب نشاط می گساران شد طی
گر بهر خدا شکست پس وای به ما
ور بهر ریا شکست پس وای به وی

البته عرض کردم حرف شما درست است و آن مالیت به جای خود صحیح است و نباید از بین برد، ولی همیشه ریختن شراب با شکستن خم توأم بوده است. مطلب شما فقط در کتاب‌های فقهی است ولیِ در خارج کسی به آن عمل نمی کند، ولی ایشان جداً معتقد بودند که نباید اموال شرعی که مالیت دارند از بین برود.

آقای خمینی با سید احمد زنجانی دوست بود و خیلی به او ارادت داشت. آقا شیخ محمد علی ادیب تهرانی هم از دوستان امام و گویا از اساتید ایشان بودند. و حاج آقا عبدالله آل آقا (حاج عبدالله تهرانی، که پدرش مدیر کتابخانه سپهسالار ـ شهید مطهری فعلی ـ بود، و بعد خودش جانشین پدر شد)، سید احمد زنجانی، سید محمد صادق لواسانی و حاج محمد علی ادیب از همه بیشتر با امام دوست بودند.

یک سید شوخی هم که معروف به حاج داداش و آدم داش منش ولی با سواد بود. از او یک شوخی شنیدم که نقل می‌کنم: وقتی که پس از پیروزی انقلاب آقا به قم برگشتند، همه به دیدن ایشان می‌رفتند. حاج داداش هم رفته بود به ملاقات امام و به شوخی گفته بود: حاج‌آقا روح‌الله دیدی بالاخره شاه شدی!

■

آخرین دیدار ما با حضرت امام در ۱۳ تیرماه سال ۱۳۵۸ بود که ایشان در قم بودند. عده‌ای از اساتید دانشگاه‌ها به من گفتند: برویم خدمت آقا و شما چون با ایشان سوابقی دارید، بهتر می‌توانید حرف بزنید؛ لذا به همراه آنان به خدمت امام رسیدیم. من یک متنی را تنظیم کرده بودم در دفاع از دانشگاه و اینکه عده‌ای می‌خواهند تمام اعضا و اساتید دانشگاه را بیرون کنند و این درست نیست، صرف اینکه اینها در زمان شاه بوده و یا مثلا گاهی مجبور شده‌اند به سلام شاه بروند، اینها دلیل نمی‌شود.

خواجه نصیرالدین طوسی در حکومت هلاکوخان را مثال آوردیم که با اسماعیلیه هم همکاری داشت اما در عین حال کار خودش را ادامه داد. بانی آن دیدار آقای مدرسی یزدی از طلاب فاضل و مورد نظر امام بود. در آن دیدار تا من گفتم: میرزا عباس خویی هستم. ایشان خیلی شکفته و خوشحال شدند. ما در آن گذشته‌ها به ایشان امام نمی گفتیم. حاج‌آقا روح‌الله یا حاج آقا و یا استاد خطاب می‌کردیم و در ضمن خودمانی بودیم. این القاب حجت‌الاسلام و آیت‌الله و... مخاطب‌های کتابتی، مراسلاتی و رسمی بود.

یک بار در سال ۱۳٤۱ هـ‌ش به همراه آقا رضا ثقفی (برادر خانم امام) در تهران به دیدارشان رفتم.

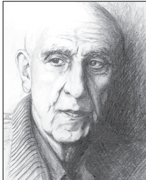
ادامه در صفحه ٦

در راه ایران

آخرین نامه‌های دکتر مصدق/۴

عیدی برای ما نیست...

ادامه از صفحه اول


دکتر محمد مصدق

۱۹ـ نامه به دکتر شمس‌الدین امیرعلائی

احمدآباد ۳ فروردین ماه ۱۳۴۱

خدمت جناب آقای دکتر شمس‌الدین امیرعلائی! مرقومه محترمه که از زندان شهربانی ارسال شده عزوصول ارزانی بخشید و موجب نهایت امتنان گردید. بنده که اکنون قریب نه سال است زندانی هستم خوب می‌دانم که در این سال مثل بعضی از سنوات قبل که از آزادی محروم شدید چقدر به شما بد می گذرد و تأسف‌آور است ولی در راه آزادی و استقلال ایران همه را به هیچ می‌شمارم و از خداوند خواهانم که از این زندان هرچه زودتر خلاص شوید و در راه آزادی وطن عزیز گام‌های بلند بردارید تا ما هم بتوانیم بگوییم ایران عزیز در ردیف دول آزاد و مستقل قرار گرفته است. در خاتمه ارادت خود را تجدید می‌نمایم.

۲۰ـ در جواب به نامه حزب مردم ایران

نامه محترم عزوصول ارزانی بخشید و موجب نهایت امتنان گردید. گرچه برای ما عیدی نیست که تشکرات خود را از الطاف مبذوله تقدیم کنم، خواهانم به همت افراد وطن‌پرست از زن و مرد روزی برسد که ملت ایران بتواند آزادی و استقلال از دست رفته خود را بدست آورد و خود را در ردیف دول مستقل و آزاد قرار دهد و آن روز است که ما می‌توانیم به یکدیگر تبریک بگوییم و اظهار شادی کنیم. توفیق حزب محترم مردم ایران را در این آرزو و هدف از خداوند مسألت دارم.

۲۱ـ پاسخ به نامه «گروه سوسیالیست‌های ایران مقیم گراتس»

احمدآباد فروردین ماه ۱۳۴۱

نامه مورخ ۲۷ اسفند و آخرین شماره مجله سوسیالیسم که برای این جانب لطف فرموده‌اید رسید و موجب نهایت امتنان گردید. اینجانب تاکنون مجله‌ای به این مفهوم و معنا ندیده و از قرائت آن‌که جز نظری به خیر و صلاح وطن عزیز نداشته‌اید، بسیار استفاده نمودم و این عمل پسندیده آن گروه محترم را که در خیر مملکت است تقدیس و تقدیر می‌نمایم.

محتاج به عرض نیست و شما خود بهتر می‌دانید که ملت ایران جز به نسل جوان و بعضی افراد وطن‌پرست دیگر امیدی ندارد و به انتظار جدیت و فداکاری شما نشسته است و بسر می‌برد.

خواهانم شما جوانان وطن‌پرست بتوانید در سایه جدیت و مساعی قابل تقدیر خود وطن عزیز را به آزادی و استقلال از دست رفته برسانید تا کشور ایران بتواند باز خود را در ردیف دول مستقل و آزاد قرار دهد. توفیق آن گروه محترم را در رسیدن به این آرزو و هدف از خداوند مسألت می‌نمایم.

۲۲ـ نامه به حجت الاسلام ابوذر بیدار

احمدآباد ۲۱ فروردین ماه ۱۳۴۱

قربانت گردم. گرچه نامه‌های بسیاری که قبل از عید رسیده هنوز نزد بنده از این جهت که می‌خواهم به خط خود جواب عرض کنم بلاجواب مانده است ولی نامه جنابعالی که روز قبل رسید کنار گذاشتم و اکنون تشکرات خود را از الطاف مبذوله تقدیم می‌کنم و از روی حقیقت عیدی برای ما نیست که تبریک عرض کنیم. خواهانم که سالهای بسیار درکمال صحت و خوشی بسر برید و در خدمت به میهن عزیز توفیق حاصل فرمایید.

اردبیل، خدمت جناب آقای شیخ ابوذر بیدار کورائیمی

۲۳ـ در جواب نامه سرهنگ جلیل بزرگمهر

احمدآباد اول اردیبهشت ماه ۱۳۴۱

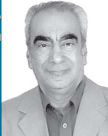
قربانت گردم، مرقومه محترمه عزوصول ارزانی بخشید و موجب نهایت امتنان گردید. نظر به اینکه می‌دانند کار دادگستری بنده با جناب آقای نصرت‌اله امینی است به این عنوان نمی‌توان تحصیل اجازه کرد و مورد سوءظن واقع می‌شوید. در سال یک مرتبه با کمال زحمت برای ملاقات آقای سرهنگ منتظمی، اجاره دار املاک موقوفه، تحصیل اجازه می کنم. باشد انشاءالله هروقت بتوانم به دیدار جناب عالی موفق شوم.

۲۴ـ جواب به مرقومه دکتر عزیز صدر

احمدآباد اول اردیبهشت ۱۳۴۱

جناب آقای دکتر عزیز صدر! مرقومه محترمه مورخ ۳۰ فروردین عزوصول ارزانی بخشید و موجب نهایت تأسف گردید. از اینکه جنابعالی یک اشتباه بزرگی فرموده و این جانب را مالک موقوفه تصور نموده‌اید در صورتی که مالک نیستم، متولی موقوفه و زیر نظر اداره اوقاف طهران انجام وظیفه می کنم. نسبت به اجاره مستغلات موقوفه تصمیم کلی اتخاذ شده و فقط مربوط به شخص جنابعالی نیست، چنانچه با نظر کارشناس موافقید، اشکالی در کار نیست و در صورت مخالفت هیچ‌کس راضی به ضرر جنابعالی نیست و می‌توانید محل دیگری را که متناسب با عواید و احتیاجات جنابعالی است در نظر بگیرید. بنده از آن جناب سؤال می‌کنم که متولی چگونه می‌تواند اگر کارشناس میزان اجاره را معلوم نمود از آن ضرر موقوفه بکاهد؟ یک چنین عملی را از طرف یک متولی چگونه تعبیر و تفسیر می‌کنند؟ امیدوارم که راضی نشوید این جانب کاری برضرر موقوفه مرتکب شوم. بیش از این عرضی ندارم، سلامت جنابعالی را خواهانم.

ادامه دارد





فکر

شهرام انصاری

درباب ماکس پلانک ـ ۳

عمری کاوش

اینشتین نشان داد در صورتی که بتوان تابش را مجموعه‌ای از فوتون‌های ذره‌گونه انگاشت می توان این وجه معماگونه اثر فوتوالکتریک را درک کرد. او فرایندی ساده برای انتقال انرژی از فوتون‌ها به الکترون‌های فلز پیشنهاد کرد: «بر مبنای این مفهوم که نور برخوردکننده محتوی [فوتون‌ها] به بزرگی hv است... فرد می‌تواند خروج الکترون‌ها توسط نور را به روش زیر تصویر کند. [فوتون‌ها] به سطح بیرونی جسم [فلز] نفوذ می‌کند و حداقل بخشی از انرژی آنها به انرژی جنبشی الکترون‌ها تبدیل می‌شود. ساده‌ترین راه برای تصور این مطلب این است که [فوتون] کل انرژی خود را به یک الکترون تنها انتقال می‌دهد: می‌توانیم فرض کنیم این اتفاقی است که می‌افتد.»

پلانک در جوانی

هر فوتون جذب یک الکترون می‌شود و همه انرژی‌اش را به آن الکترون انتقال می‌دهد. هنگامی که الکترون انرژی جنبشی فوتون را می‌گیرد از سطح فلز رها می‌شود و جریان الکتریکی تولید می‌کند. همانطور که الکترون مسیر خود را از میان ازدحام اتم‌های فلز می‌یابد، انرژی از دست می‌دهد، بنابراین انرژی‌اش هنگام خروج از فلز معادل انرژی گرفته شده از فوتون منهای مقدار انرژی از دست رفته در فلز است. اگر انرژی از دست رفته الکترون را با p و انرژی گرفته شده از فوتون، یعنی همان انرژی که در ابتدا به الکترون داده شده، با hv پلانک (v اکنون بسامد نور فرابنفش تابیده است) و انرژی باقی‌مانده در فرایند فوتوالکتریک را با E که انرژی الکترون خروجی از فلز است نشان دهیم می‌توان نوشت:

$$E = hv - P$$

تصویر اینشتین در مورد الکترون‌های کنده شده از اهداف فلزی در مواجهه فوتون ـ الکترون، به سادگی بی‌نظمی مورد مشاهده لنارد را توضیح می‌دهد. هر برهم‌کنشی بدون توجه به شدت نور، انتقال انرژی فوتون به الکترون مشابهی را موجب می‌شود. بنابراین الکترون‌های الحاقی به جریان فوتوالکتریک از یک قسمت خاص هدف فلزی، بدون توجه به اینکه حاصل برخورد یک فوتون یا بی‌شمار فوتون در ثانیه به فلز باشد، انرژی یکسانی دارند. این توضیح گرچه به نحو تحسین برانگیزی ساده است، باید برای مخاطبان شکاک اینشتین به همان اندازه بقیه استدلال‌هایش دور از دسترس به نظر آمده باشد. طبق نظر جیمز جینز نظریه‌پرداز بریتانیایی، این قاعده که یک فوتون جذب یک الکترون می‌شود «نه تنها کشتن دو پرنده با یک سنگ بلکه کشتن یک پرنده را با دو سنگ نیز منع می‌کند.»

نظریه فوتون اینشتین بیش از هر چیز دیگری که او در فیزیک به آن دست یافت با عدم اعتماد و شکاکیت مواجه شد. این عدم پذیرش کلی تا ۱۹۲۶ ادامه یافت زمانی که گیلبرت لوئیس اصطلاح جاافتاده امروزی «فوتون» را معرفی کرد. آنچه اینشتین با شهودش به سادگی آن را دریافت تا ۲۰ سال بعد همواره پرسش‌برانگیز می‌نمود. این امر چیزی شبیه رسیدن به کوهی از مشاهدات بود که جایگاه دائمی فوتون‌ها را در دنیای نظریه کوانتوم به آن بدهد.

در حالی که اینشتین سیاحت جسورانه خود را در قلمرو کوانتوم آغاز کرده بود، پلانک به منتقد اصلی نظریه خود بدل شد. به نظر می‌آید که پلانک از این امر که کار ساختن نظریه کوانتوم به اینشتین و نسل جدید واگذار می‌شود ناراحت نبود ـ شاید خوشحال هم بود. او در اواخر عمر بدون حس طنز شخصی نوشت: «یک حقیقت جدید علمی با متقاعد کردن مخالفانش و وادار ساختن آنان به دیدن نور پیروز نمی‌شود بلکه برعکس از آن رو پیروز می‌شود که... نسل جدیدی بزرگ می‌شوند که با آن آشنا هستند.»

بزرگترین خوبی

پلانک با وجدان خود زندگی کرد. طبق گفته‌ی جان هیلبورن، متاخرترین زندگی‌نامه‌نویس پلانک، «وجدان روشن او تنها قطب‌نمایی بود که نیاز داشت». وجدانش او را در طول یک زندگی سرشار از موفقیت و تراژدی و در ساحات بسیار راهنمایی کرد. او مردی متعهد به خانواده، معلمی زبردست، موسیقی‌دانی با استعداد، کوهنوردی خستگی‌ناپذیر، مدیری نیرومند، مرشدی مورد تحسین همکاران و الهام بخش همه بود. اینشتین که به لحاظ شخصیت و پیشینه‌ی ذهنی تقریباً در تضاد کامل با پلانک قرار داشت، لذت‌های بودن در برلین را برای ماکس بورن بر می‌شمارد از جمله: «اما به ویژه در کنار پلانک بودن سرشار از لذت است.»

پلانک در کنار خانواده‌ی خود شادترین فرد بود. او نوشته است «چقدر فوق‌العاده است که هر کار دیگری را به کنار نهی و به طور کامل با خانواده زندگی کنی» همسر دومش مارگا خاطرنشان می‌کند: «او در خانواده فردی سرشار از همه‌ی کیفیات انسانی بود.» او از همسر اولش ماری که در ۱۹۰۹ درگذشت صاحب دو پسر، کارل و اروین و دو دختر دوقلو، اما و گرته شد. لیزه مایتنر، زن جوان با استعداد، مصمم و کم‌رو که در ۱۹۰۷ جهت جستجوی حرفه‌ای در فیزیک به برلین رفت (و این هدفی غیر ممکن برای یک زن در آن زمان بود) از کمک پلانک سود جست و به خانواده او راه یافت. او در یادبود پلانک نوشته است: «پلانک عاشق همراهانی شاد و بی تکلف و خانه‌اش مرکز گردهمایی های اجتماعی بود. دانشجویان بسیار پیشرفته و دستیاران فیزیک به طور منظم به وانگهایم اشتراسه دعوت می‌شدند. اگر دعوت‌ها در طول ترم تابستانی رخ می‌داد، ما در باغ گرگم به هوا بازی می‌کردیم که پلانک با جاه طلبی تقریباً کودکانه و چالاکی بسیار در آن شرکت می‌جست. تقریباً غیرممکن بود که از دست او بگریزی.»

> **پلانک از این امر که کار ساختن نظریه کوانتوم به اینشتین و نسل جدید واگذار می‌شود ناراحت نبود ـ شاید خوشحال هم بود**

اما اقبال مساعد، وضعیتی دائمی در زندگی پلانک نبود، کارل، پسر ارشد، به علت زخم‌هایی که از جنگ جهانی اول برداشته بود درگذشت. چند سال بعد یکی از دختران دوقلو، گرته، کوتاه زمانی پس از تولد کودکش درگذشت. کودک نجات یافت، قلوی دیگر یعنی اما به مراقبت از کودک روی آورد، با مردی زن مرده ازدواج کرد و هنگام تولد کودکش جان سپرد. پلانک بر اثر این مصیبت‌ها ویران شد. پس از مرگ دوقلوها در نامه‌ای به هندریک لورنتز نوشت «اکنون من در اندوهی تلخ و احساس فرد ناتوانی که به او دستبرد زده‌اند برای دو فرزند دلبندم اشک می‌ریزم. دورانی بود که در مورد ارزش زندگی خود به تردید افتادم.» اما او توان درونی و بیرونی سرشاری داشت. او همواره قادر بود به کار خود پناه ببرد، نه تنها در مطالعات شخصی درباره‌ی فیزیک نظری بلکه در زندگی دانشگاهی و اجتماعات علمی آلمان.

او معلمی تمام عیار بود. مایتنر که از وین آمده و از عملکرد بولتزمان در سالن درس فیض فراوان برده بود در ابتدا از درسگفتارهای پلانک سرخورده شد اما خیلی زود به تفاوت بین شیوه‌های خصوصی و عمومی پلانک پی‌برد. «درسگفتارهای پلانک با وضوح بی حد و حصرشان در ابتدا چیزی بی‌روح به نظر می‌آمد، تقریباً خشک. اما من به سرعت دریافتم که سرخوردگی اولیه‌ام در برابر شخصیت پلانک ناچیز است.»

پلانک به مدت چند دهه در موسساتی همچون آکادمی برلین که همتای انجمن سلطنتی بریتانیا بود، انجمن فیزیک آلمان، معتبرترین مجله فیزیک یعنی سالنامه فیزیک و انجمن قیصر ـ ویلهلم، تامین کننده‌ی هزینه موسسات تحقیقاتی تاثیرگذار بود. پلانک در ۱۹۳۰ سه سال پس از «بازنشستگی»اش به عنوان رئیس انجمن قیصر ـ ویلهلم برگزیده شد. هیلبورن می‌نویسد که او در این سمت یعنی برجسته‌ترین جایگاهی که به دست آورده بود با «وزرا و نمایندگان، مردان تجارت و بانک و صنعت، روزنامه‌نگاران، نمایندگان سیاسی و اشخاص عالی مقام کشورهای دیگر» برخورد داشت. او «صدای تحقیقات علمی آلمان» بود. او در همان دوره تاثیر فراگیری در آکادمی برلین داشت، در انجمن فیزیک فعال بود و دوره‌ای از درسگفتارها را در دانشگاه ارائه می‌داد. هیلبورن می گوید «پلانک آشکارا اقتصاددانی کامل در زمانه خود بود.»

پلانک اوقاتی هم برای سرگرمی می‌یافت اما هیچ چیز، بی‌اهمیت و سبکسرانه نبود. او نوازنده‌ی فوق‌العاده پیانو بود؛ و حتی حرفه‌ای در موسیقی را برای خود در نظر گرفته بود. موسیقی برای او تجربه‌ای شورانگیز بود. پلانک آهنگسازان رومانتیک از جمله شوبرت، شومان و برامس را به موسیقی متفکرانه باخ (به استثنای بخش‌هایی از پاسیون سن ماتیو) ترجیح می‌داد.

بعد از ظهرهای موسیقی، برنامه‌ی ثابت خانه پلانک بود: اجرای موسیقی به همراه نوازنده‌ی مشهور ویلون، یوزف یواخیم و گاهی اوقات اجرای قطعات تریو با همراهی یواخیم و اینشتین. او کوهنوردی را جهت تجدید قوای بدنی برگزید. هیلبورن می‌نویسد « صعود به آلپ بدون توقف و همراهی یا استراحت و آسایش» یک روز بودن در کوه برای روح پلانک به همان اندازه مفید بود که یک سمفونی برامس.

پلانک نزدیک به ۹۰ سال عمر کرد. او شاهد دو جنگ جهانی، دو رایش و جمهوری وایمار بود. او ویرانی موسسات علمی بزرگ آلمان را که در ساختن‌شان یاری رسانده بود به دست سیاست‌های نژادی ضد یهودی و دیوانگی‌های دیگر نازی‌ها دید. او از هر آنچه نازی‌ها انجام دادند بیزاری جست اما در آلمان ماند با این امید که پس از پایان این ماجرا در بازسازی کمک کند. یک بار نزدیک بود در یک بمباران هوایی جان خود را از دست بدهد و خانه‌اش در برلین در حومه‌ی گرونه والد ویران شد. او با همه اینها امید به آینده را از دست نداد اما وقایع ناگوارتری در پیش بود.

در فوریه ۱۹۴۴ گرونه والد بر اثر بمباران هوایی سنگین با خاک یکسان شد. در حدود یک سال بعد تنها پسر زنده‌ی پلانک از ازدواج اولش، اروین، به اتهام توطئه علیه هیتلر اعدام شد. پلانک به یکی از خویشانش نوشت «او گرانبهاترین بخش وجود من بود. او آفتاب من بود، غرورم، امیدم. هیچ واژه‌ای نمی‌تواند آنچه را که من به همراه او از دست داده‌ام توصیف کند.»

پلانک در اواخر عمر نوشت «تنها چیزی که می‌توان با اطمینان مطلق از آن سخن گفت: بزرگترین خوبی که هیچ قدرتی در جهان نمی‌تواند آن را از ما بگیرد و چیزی که می‌تواند پایدارترین شادی را بیش از هر چیز دیگری به ما ببخشد، استحکام روح است. کسی که اقبال مناسب را در مشارکت جهت برپایی بنای رفیع علم در اختیار دارد، رضایت و شادی درونی خود را مطابق با نظر شاعر بزرگ ما گوته در دانشی خواهد یافت که به آنچه کشف شدنی است رسیده و در برابر آنچه کشف ناشدنی است احساسی از ستایش و تکریم کامل دارد» اقتباسی از جمله آخر «او به کاوش در کاویدنی‌ها پرداخت و غیر قابل کاویدنی‌ها را به طور کامل تکریم کرد» ـ می‌توانست سنگ نوشته‌ی گور ماکس پلانک باشد.

پایان

مهاتما گاندی به روایت گاندی/۳۰

دادگاه سیاهان

ترس از این بود مبادا یکی از این ماجراجوهائی باشید که در مستعمرات به دنیا آمده و می‌خواهید غوغائی برپا کنید. چون گواهینامه انگلیسی هم به درخواست ضمیمه نشده بیشتر سبب سوءظن گشت. اشخاصی درگذشته از دیپلم و تصدیق‌هائی استفاده کرده‌اند که اصلاً به خودشان تعلق نداشته است. رضایت‌نامه‌های حسن اخلاق که از دو بازرگان اروپائی گرفته‌اید از نظر من یک شاهی ارزش ندارد. آیا شما را می‌شناسند؟ چه اطلاعاتی درباره شما دارند؟ طول آشنائی‌شان با شما چقدر است؟»

گفتم «اگر مسأله را از این نظر بگیرید باید بگویم من نسبت به عموم غریبه هستم. حتی خود آقاعبدالله نیز اول بار مرا در این جا ملاقات کرد.»

پاسخ داد «ولی میگوئید که او با شما همشهری است. اگر پدر شما در ناحیه خودتان رئیس وزیران محلی بوده پس آقاعبدالله حتماً او را می‌شناسد. هرگاه رضایت‌نامه اخلاق از او می‌آوردید مسلماً مخالفتی نمی کردم. و عدم توانائی خود را در مخالفت با اقدام شما برای کار در دادگاه به کانون وکلاء ارسال می‌داشتم.»

این حرف‌ها عصبانی‌ام کرد. هر طور بود اعصاب خود را کنترل کردم و به خود گفتم «اگر از داداعبدالله رضایت‌نامه می گرفتم آن را رد می‌کردند و می گفتند باید از یک نفر اروپائی رضایت‌نامه آوری. به علاوه موضوع اجازه من برای وکالت چه ربطی با اجداد یا موطنم دارد؟ چگونه ممکن است پستی خانواده و یا قابل ایراد بودن تولد مانع از وکالت کسی شود؟» ولی خود را به ظاهر راضی کردم و به او اظهار داشتم «با این که به کانون وکلاء حق مداخله در کار خود را نمی‌دهم اما حاضرم رضایت‌نامه و گواهی‌هائی را که تقاضا می‌کنید ارسال دارم.»

گواهینامه عبدالله زود حاضر شد که نزد مشاور کانون وکلاء ارسال داشتم. او اظهار رضایت کرد. اما کانون وکلاء هنوز راضی نمی‌شد. در دادگاه عالی با تقاضایم مخالفت شد. و متصدیان امر حتی بدون آن که از آقای اسکومب نظر یا توضیحی بخواهند دلایل کانون را رد کردند و رئیس دادگاه گفت «این ادعا که تقاضاکننده برگ اصلی گواهینامه انگلیسی خود را ضمیمه نکرده دلیلی بی‌مایهٔ است. اگر اوراقی مخدوش و ساختگی تقدیم داشته باشد در صورت اثبات جرم تحت تعقیبش قرار می‌دهیم. و آن وقت نامش را از فهرست اشخاصی که می‌توانند در این صفحات وکالت کنند حذف می‌کنیم. قانون بین سیاه و سفید تبعیض قائل نمی‌شود. و این دادگاه حقی ندارد با تقاضای آقای گاندی برای وکالت مخالفت ورزد. تقاضای او را اجابت می‌کنیم... آقای گاندی اکنون سوگند یاد کنید.»

به پا ایستادم. در حضور رئیس دفتر سوگند یاد کردم و همین‌که این کار پایان پذیرفت رئیس دادگاه گفت «آقای گاندی، اکنون زمانی رسیده که دستار هندی خود را از سر بردارید. وکلاء دادگستری مخصوصاً باید از هر حیث قوانین و مقررات مربوط به لباس را در دادگاه مطمح نظر قرار دهند.»



به محدودیت‌هائی که برایم بوجود آمد پی بردم. همان دستاری را که برای پوشیدنش چندی قبل آن‌طور در دادگاه بخش پافشاری کردم، اکنون باید به احترام مقررات دادگاه عالی از سر برمی‌داشتم. البته علت این نبود که اگر پافشاری می‌کردم حق را به من نمی‌دادند. بلکه می‌خواستم نیرویم را برای مبارزات بزرگتر ذخیره کنم. نباید مهارت و نیروی خود را در راه پوشیدن یا از سر برداشتن دستار صرف می‌کردم. زیرا این دو شایستگی فعالیت در راهی بهتر و با ارزش‌تر را داشت.

آقاعبدالله و سایر دوستان از این‌که تسلیم نظر دادگاه شدم (که به قول آن‌ها بر اثر ضعف بود) خوششان نیامد. به عقیده آنها باید در این مورد پافشاری می‌کردم تا به من اجازه داده شود هنگام وکالت کماکان دستار را بر سر داشته باشم.

ایران



از میراث مستوفی-۱۲
در پارک ظل‌السلطان

رضاقلی خان سراج‌الملک اصفهانی چون ظل‌السلطان حکومت اصفهان و بختیاری و یزد و فارس و خوزستان و کرمانشاهان و کردستان و بروجرد و لرستان و عراق و کمره و گلپایگان و خوانسار و ملایر و تویسرکان و نهاوند و محلات را داشت، پیشکاری او کار مهمی بود. تمام اشخاصی که حقوق آنها به خرج این ولایات می‌آمد و تمام حواله‌جاتی که از بابت باقی دستورالعملی این ولایات از خزانه صادر می‌شد، راتق و فاتقی جز سراج‌الملک نداشت. گذشته از این، هر هفته مراسلات ظل‌السلطان را باید به ادارات مربوطه برساند و جواب بر طبق میل شاهزاده حکمران از آنها گرفته، برای شاهزاده بفرستد. اسناد خرج حساب‌های گذشته را تحویل مستوفی‌های این ولایات داده، مراقب باشد که زودتر مفاصا گرفته برای شاهزاده بفرستد و گاه‌گاه که قسط خزانه یکی از این ولایات عقب می‌افتد، گرفتار سید جواد، تحصیلدار خزانه و رعونتها و بی‌مزگی‌های او شود.

این مرد پرحوصله با این که تحصیلاتی نکرده و خط و ربط چندانی هم نداشت، با پشتکاری خسته‌نشو و ملایمتی از کوره در نرو، یک تنه تمام این کارها را می‌گذراند و خم به ابرو نمی‌آورد. هیچ شنیده نشده است که کسی قبض مواجبی برای وصول و ایصال وجه از یکی از این ولایات به او بدهد و پول آن وصول نشده، به دست صاحبش نرسیده باشد. این مرد به قدری در نزد ارباب حقوق این ولایات اعتبار تحصیل کرده بود که مردم قبض خود را بدون گرفتن یادداشت، به او می‌دادند. اگرچه این ولایات حکامی مانند جلال‌الدوله پسر ظل‌السلطان، به وزارت صاحب دیوان در فارس و نظام‌الدوله جد رفیق تازه ما در کردستان و حسام‌الدوله قره‌گزلو در کرمانشاهان و سعدالملک، نظام‌السلطنه مافی، در عربستان و حکیم‌الممالک در عراق داشت که همه لیاقت حکومت مستقل حوزه خود را داشته و البته پیشکارهایی هم برای خود فکر کرده بودند، ولی چون سراج‌الملک از قدیم پیشکار اصفهان و دارای مکاتبه مستقیم با شاهزاده ظل‌السلطان بود، همان تقدیمی که شاهزاده نسبت به نایب‌الحکومه‌های خود داشت، سراج‌الملک هم در پیشکاری خود با پیشکارهای حکومتها، همان آمریت را معمول می‌کرد. گذشته از این، ظل‌السلطان چون تمام حساب این حکام را خود از آنها گرفته و خود به دولت پس می‌داد، بدون پادرمیانی سراج‌الملک هیچ کاری نمی‌گذشت.

باری، ما با این رفقای تازه خود مهمانی‌های دوره‌ای داشتیم و گاهی که به منزل ابراهیم خلیل خان دعوت می‌شدیم، بعدازظهرها به جلالیه و پارک ظل‌السلطان و پارک امین‌الدوله به گردش می‌رفتیم. عمارت پارک ظل‌السلطان تازه ساخته شده و از حیث ساختمان و مبل و اثاث، البته بعد از عمارات سلطنتی، شیکترین و زیباترین عمارات شهر بود. پارک امین‌الدوله جز یک اتاق هشت گوشه ایوان‌دار که در وسط جزیره میان استخری ساخته شده بود، هنوز بنایی نداشت. ولی چمن‌کاری این جزیره و گلهای سفید مینای چمنی حاشیه استخر، بسیار زیبا بود.

من هر وقت در و بیرون می‌رفتم و از پشت قهوه‌خانه‌ای رد می‌شدم و صدای نقل نقال را که قصه حسین کرد یا اسکندرنامه می‌گفت می‌شنیدم، خیلی دلم می‌خواست که پای این نقلها نشسته استماع کنم، ولی این آرزو برآوردنی نبود زیرا به خیال خودم خطور نمی‌دادم که وقتی بتوانم پا در قهوه‌خانه بگذارم.

ادامه دارد

آیینه

زیر نظر: دکتر محمدکاظم حسینیان

باز چاپ مصاحبه اشپیگل با مارتین هایدگر
فقط خدا می‌تواند...

هایدگر متفکری بزرگ و فیلسوفی عمیق بود که تاثیری ژرف و ماندگار در فلسفه آلمان و حتی جهان بر جای گذاشت. این حرف او که «فقط خدا می‌تواند بشر را نجات دهد» شهرتی جهانی دارد.

ـ نامه‌ای هم وجود ندارد که این ممنوعیت در مورد «هوسرل» در آن مندرج شده باشد؟ پس این امر چگونه شایع شده است؟

ـ من هم نمی‌دانم و برای آن توضیحی پیدا نمی‌کنم. عدم امکان این امر را می‌توانم بدین ترتیب نشان دهم: هنگامی که من رئیس دانشگاه بودم موفق شدم پروفسور «تان هویرز» رئیس کلینیک پزشکی، و «فن هوزی» برنده‌ی جایزه‌ی نوبل در شیمی فیزیکی را ـ هر دو یهودی بودند ـ که وزارتخانه می‌خواست اخراج کند در سمت‌شان نگه دارم. این که من این دو تن را نگه دارم و در عین حال بر ضد «هوسرل»، معلم خودم، به وجهی شرم‌آور اقدام نمایم، بی‌ربط است. ضمناً من مانع از این شدم که استادان و دانشیاران بر ضد پروفسور «تان هویرز» دست به تظاهرات بزنند. بودند در آن زمان دانشیاران ارتقاءنیافته‌ای که فکر می‌کردند: الان دیگر وقت پیشروی است. همه‌ی این اشخاص را هر وقت برای مذاکره نزد من می‌آمدند راندم.

ـ شما در مراسم تدفین «ادموند هوسرل» در سال ۱۹۳۸ شرکت نکردید.

ـ این اتهام که من با «ادموند هوسرل» قطع رابطه کرده بودم بی‌اساس است. در ماه مه سال ۱۹۳۳ همسر من به نام هر دوی ما نامه‌ای به خانم «هوسرل» نوشت و در آن نامه حق‌شناسی همیشگی ما را ابراز نمود و آن نامه را با دسته گلی برای خانم «هوسرل» فرستاد. خانم هوسرل بسیار کوتاه و رسمی از ما تشکر کرد و نوشت که رابطه‌ی خانوادگی ما با همدیگر قطع شده است. این که من دیگر در بیماری و مرگ «هوسرل» بار دیگر حق‌شناسی و تکریم خود را نشان ندادم یک ضعف انسانی است که من در نامه‌ای از خانم «هوسرل» از این بابت پوزش طلبیدم.

ـ هوسرل در سال ۱۹۳۸ درگذشت. شما در سال ۱۹۳۴ از ریاست دانشگاه استعفا کردید. سببش چه بود؟

ـ در این مورد باید به امور دیگری توجه بدهم. من به این قصد که بر سازمان تکنیکی دانشگاه غلبه کنم، یعنی تجدید حیات دانشگاه را بر مبنای وظایف علمی‌شان میسر سازم پیشنهاد کردم که برای نیم‌سال زمستانی ۳۴ـ۱۹۳۳ همکاران جوان خصوصاً متبحر در رشته‌های خود به ریاست دانشکده‌ها انتخاب شوند، بی‌آنکه سمت آنها در حزب از این حیث نقشی داشته باشد. بدین نحو بود که پروفسور «اریک ولف»، پروفسور «شاده والت»، پوفسور «زورگل»، پروفسور «مولن دورف» که در بهار از سمت ریاست دانشگاه برکنار شده بود به ترتیب به ریاست دانشکده‌ی حقوق، ادبیات، علوم و پزشکی انتخاب شدند. اما در نوئل سال ۱۹۳۴ به این نکته پی بردم که تجدید حیات دانشگاه که موردنظر من بود نه در برابر مقاومت همکاران و نه در مقابل حزب تحقق‌پذیر نخواهد بود. همکاران از جمله بر من خرده می‌گرفتند که چرا تمشیت امور اداری دانشگاه را به دانشجویان نیز سپرده‌ام، درست همان طور که امروزه هست. یک روز مرا به «کارلزروهه» خواستند و در حضور رهبر انجمن دانشجویان از من خواستند رئیس دانشکده‌ی حقوق و پزشکی را بردارم و دیگرانی را که مورد پسند حزب هستند جانشین آنها سازم. من این تذکار را رد کردم و اعلام کردم در صورتی که وزیر فرهنگ در این مورد پافشاری کند من از سمت خود استعفا خواهم داد. این امر مربوط به سال ۱۹۳۴ بود. روسای دانشگاه دو سال و حتی بیشتر بر سر کار می‌ماندند. من پس از ده ماه از کار خود کناره‌گیری کردم. روزنامه‌های داخلی و خارجی تفسیرهای مختلفی در مورد انتخاب من به سمت ریاست دانشگاه کرده بودند، اما در مورد استعفای من کاملاً سکوت نمودند.

ـ آیا پیش آمد که نظرات خود را درباره‌ی اصلاحات دانشگاهی به اطلاع وزیر مربوط «رایش» برسانید؟

ـ همان دوره را می‌گوئید؟

ـ گفته می‌شود که «روست» در سال ۱۹۳۳ سفری به فرایبورگ کرده است.

ـ این مسأله دو امر متفاوت است. یکی این که به مناسبت جشن «اشلاگتر» در «شوناء» من با وزیر مربوط ملاقاتی رسمی کردم و دیگر این که من نظر خود را درباره‌ی علم و تشکیل دانشکده‌ها به همین وزیر در برلن اظهار نمودم. وی به سخنان من با توجه گوش کرد، آن قدر که من گمان نمودم، آنچه گفته‌ام اثر خود را خواهد کرد. اما هیچ اتفاقی نیفتاد. من نمی‌فهمم که چطور به مناسبت این مذاکره با وزیر پرورش وقت «رایش» مورد سرزنش واقع می‌شوم در حالی که همه‌ی حکومت‌های خارجی در شناسایی رسمی هیتلر و استقبال معمول بین‌المللی از او شتاب می‌کردند.

ـ پس از استعفا از سمت ریاست دانشگاه رفتارتان در برابر حزب ناسیونال سوسیالیست کارگر تغییر کرد.

ـ پس از کناره‌گیری، من کار خود را به وظایف تدریس منحصر کردم. در نیمسال تابستانی ۱۹۳٤ «منطق» درس دادم. در نیمسال بعدی ۳۵ـ۱۹۳٤ نخستین درس‌هایم را درباره‌ی «هلدرینی» شروع کردم. سال ۱۹۳٦ درس‌هایم را در مورد «نیچه»

هیتلر بیشترین نقش را در بدنامی هایدگر داشت

شروع نمودم و همه‌ی حاضران می‌توانستند بفهمند و می‌شنیدند که این معارضه‌ای با ناسیونال سوسیالیسم بود.

ـ تحویل سمت ریاست دانشگاه به جانشین بعدی چگونه صورت گرفت؟ شما در جشن مربوط شرکت نکردید؟

ـ درست است. من حاضر نشدم در جشن معمول تحویل سمت رئیس دانشگاه شرکت کنم.

ـ آیا جانشین شما یک عضو فعال حزب بود؟

ـ وی حقوقدان بود: «آلمانه»، روزنامه‌ی حزبی، انتصاب وی را با حروف درشت چنین اعلام کرد: «نخستین رئیس دانشگاهی ناسیونال سوسیالیست».

ـ واکنش حزب در مقابل شما چه بود؟

ـ من دائماً تحت نظر بودم.

ـ و خودتان متوجه شده بودید؟

ـ بله. این همان ماجرای دکتر «هانکه» است.

ـ چطور شد که متوجه شدید تحت نظرید؟

ـ دکتر «هانکه» خودش نزد من آمد. وی که تازه دکترای خود را گذرانده بود در نیمسال زمستانی ۳۷ـ۱۹۳٦ و نیمسال تابستانی ۱۹۳۷ عضو سمینار من بود. س.د.وی را فرستاده بود که مرا تحت نظر داشته باشد.

ـ چطور شد که دکتر «هانکه» ناگهان نزد شما آمد؟

ـ به علت درس‌های من درباره‌ی تفکر «نیچه» و نحوه‌ی تنظیم این درس‌ها، دکتر «هانکه» به من اعتراف کرد که وی بیش از این نمی‌تواند مرا تحت نظر بگیرد و میل دارد در مورد ادامه‌ی اشتغال من به تدریس مرا از جریان مستحضر سازد.

ـ بنابراین حزب کاملاً مراقب شما بود؟

ـ من فقط می‌دانستم که مباحثه درباره‌ی نوشته‌های من ممنوع است، مثلاً درباره‌ی نوشته‌ام Platons Leher den Wahkvheit.

مجله‌ی «اراده و قدرت»، نشریه جوانان هیتلری، سخنرانی‌ای را که من در بهار ۱۹۳٦ در انستیتوی «ژرفی» در رم کرده بودم به وجهی سخیف مورد حمله قرار داد. کسانی که علاقه‌مندند می‌توانند جدل هجایی روزنامه‌ی Volk un Werden بر ضد مرا که در سال ۱۹۳٤ آغاز گشت بخوانند. من جزو هیأت اعزامی آلمان در سال ۱۹۳٤ به کنگره‌ی «دکارت» که در سال ۱۹۳۷ در پاریس تشکیل شد. این امر چنان در پاریس غریب نمود که مدیر کنگره، پروفسور «برئیر» استاد سوربن شخصاً از من توضیح خواست که چطور من عضو هیأت علمی آلمان نیستم. من پاسخ دادم مدیریت کنگره حقش است در این مورد از وزارت پرورش «رایش» کسب اطلاع کنند. پس از مدتی از برلن به من ابلاغ شد که به هیأت آلمانی در پاریس ملحق گردم. من رد کردم. نوشته‌های من نظیر: Vom wesen، der wahr heit Was ist Metaphysik در جلدهای بی‌عنوان دور از نظر فروخته می‌شدند. دیری نگذشت که به دستور حزب، نطق ریاست دانشگاهی من نیز از کتاب‌فروشی‌ها جمع شد.

ـ آیا بعدها وضع از این هم بدتر شد؟

ـ در آخرین سال جنگ پانصد نفر از مهم‌ترین دانشمندان و هنرمندان از هر گونه خدمت جنگی معاف شدند. من جزو معاف‌شدگان نبودم، بلکه به عکس در تابستان ۱۹٤٤ به کارهای استحکامی در ناحیه‌ی «راین» گماشته شدم.

ـ در سوئیس «کارل بارت» بر این کار گماشته شده بود؟

ـ جالب این است که چگونه این امر صورت گرفت: رئیس دانشگاه همه‌ی استادان را نزد خود فراخواند و نطق کوتاهی به این مضمون ایراد کرد: آنچه او می‌گوید حاصل گفت‌وگوی وی با رهبر حوزه‌ای و رهبر انجمن «ن ـ س» است. وی اکنون همه‌ی استادان را در سه گروه تقسیم می‌کند: اول، کسانی که وجودشان لازم نیست؛ دوم، کسانی که وجودشان نیمه‌لازم است؛ و سوم، کسانی که وجودشان مطلقاً لازم است. به عنوان نخستین نفر از گروه‌های غیرلازم از هیدیگر و سپس از «ریتر» نام برده شد. در نیمسال زمستانی ۱۹٤٤ پس از خاتمه‌ی کارهای استحکامی، تحت عنوان «شاعری و تفکر» که به معنای دنباله‌ی درس‌های مربوط به «نیچه» یعنی دنباله‌ی معارفه با ناسیونال سوسیالیسم بود، سخنرانی کردم. پس از دومین جلسه‌ی سخنرانی، برای خدمت در سازمان «هجوم ملت» فراخوانده شدم و من پیرترین عضو فراخوانده شده هیأت آموزشی این سازمان بودم.

ـ اجازه بدهید خلاصه کنیم: شما در سال ۱۹۳۳ به عنوان یک آدم غیرسیاسی به معنای اخص و نه به معنای اعم کلام گرفتار سیاست آن اعتلای آنچنانی ...

ـ از مجرای دانشگاه ...

ـ از مجرای دانشگاه در آن اعتلای آنچنانی گرفتار آمدید. پس از یک سال وظیفه‌ای که به عهده گرفته بودید تبری جستید. اما شما در سال ۱۹۳۵ در یک درس دانشگاهی که در ۱۹۵٤ تحت عنوان Einfuhrung in die Metaphysik منتشر شد گفته‌اید: «آنچه امروز» یعنی در سال ۱۹۳۵ ـ «به عنوان فلسفه‌ی ناسیونال سوسیالیسم عرضه می‌شود اما کمترین ربطی به حقیقت درونی و عظمت این جنبش (یعنی مواجهه‌ی با تکنیک در گردونه‌ی جهانی خود و نیز انسان نو) ندارد در حکم صیادی در آب‌های تیره‌ی (ارزش‌ها) و (کلیت‌ها)ست.» آیا عبارت میان پرانتز را نخست هنگام چاپ کتاب در سال ۱۹۵۳ اضافه کردید برای این که برای خواننده در سال ۱۹۵۳ روشن شود که شما در سال ۱۹۳۵ «حقیقت درونی و عظمت این جنبش»، یعنی جنبش ناسیونال سوسیالیسم را در چه می‌دیدید ـ یا اینکه عبارت توضیحی را در سال ۱۹۳۵ نیز در متن نوشته بودید؟

ـ این عبارت همان زمان در متن نسخه‌ی من نوشته شده بود و با پندار آن زمان من از تکنیک، نه با تعبیر بعدی من از ماهیت تکنیک به عنوان Ge - stell ـ تناسب داشت. علت اینکه من آن عبارت

> فلسفه در هیأت علوم منفرد منحل می‌گردد:
> ـ و جای فلسفه را چه می‌گیرد؟
> ـ سیبرنتیک.

را از آن زمان نخواندم این بود که به فهم درست شنوندگان اطمینان داشتم. احمق‌ها و جاسوسان البته منظور را طور دیگری فهمیدند. ولی خواستند هم که طور دیگری بفهمند.

ـ حتماً جنبش کمونیستی را نیز در همین تراز می‌نهید؟

ـ بله بدون شک، یعنی به عنوان جنبشی که در گردونه‌ی تکنیک جهانی متعین شده است.

ـ جنبش آمریکایی را نیز به همین نحو؟

ـ بله همین طور است. در این سی سال این نکته باید روشن شده باشد که جنبش سیاره‌ای تکنیک نو قدرتی که هر قدر در برد متعین‌کننده تاریخی آن بگوئید کم گفته‌اید. امروز برای من پرسش قاطع این است که آیا می‌توان سیستم ـ و کدام سیستم؟

ـ متناسبی اساساً برای عصر تکنیک یافت. من برای این پرسش پاسخی ندارم و مطمئن نیستم که این سیستم، سیستم دموکراسی باشد.

ـ درست، ولی «دموکراسی» یک مفهوم کلی است که بر آن تصورات مختلفی می‌توانند مترتب باشند. پرسش این است که آیا دیگر گونه سازی این شکل سیاسی ممکن است یا نه.

شما پس از سال ۱۹٤۵ اظهاراتی درباره‌ی جهان عرب کرده‌اید و از دموکراسی، از جهان‌بینی سیاسی مسیحی و نیز از دولت تشکیلاتی سخن گفته‌اید و همه‌ی اینها را «اهتمامات نیمبند» خوانده‌اید.

ـ اول خواهش می‌کنم بگویید من کجا درباره‌ی دموکراسی و آنچه بعد تفسیر صحبت کرده‌ام. اما من اینگونه اهتمامات را «نیمبند» می‌خوانم چه در آنها معارضه‌ای واقعی با جهان تکنیک نمی‌بینم. به نظر من در پس آنها بیش از پیش این پندار جایگزین است که تکنیک در ماهیت خود چیزی است که انسان در چنگ خود دارد. این به عقیده‌ی من ممکن نیست. تکنیک در ماهیت خود چیزی است که انسان به خودی خود نمی‌تواند از عهده‌ی آن برآید.

ـ به عقیده‌ی شما کدام یک از هیأت‌های سیاسی ذکر شده با زمان متناسب‌تر است؟

ـ من چنین چیزی نمی‌بینم. اما من یک پرسش قاطع در اینجا می‌بینم: در وهله‌ی اول این را باید روشن کرد که منظور شما از «متناسب با زمان» چیست و معنای زمان در اینجا کدام است. حتی باید پرسیده شود که آیا متناسب بودن با زمان ملاکی برای حقیقت درونی عمل انسان است یا این که تفکر و شاعری است که عملی ملاک‌ساز است.

ـ اما مسلم این است که انسان در همه‌ی ازمنه از پس ابزار خود برآمده است. داستان شاگرد جادوگر، نمودار این امر است. بنابراین بدبینانه نیست بگوییم ما از پس این ابزار بسیار بزرگ‌تر تکنیک مدرن برنخواهیم آمد؟

ـ بدبینی، نه. بدبینی و خوشبینی در عرصه‌ی این کوششی که برای انتباه می‌شود موضع‌گیری نارسایی بیش نیستند. خصوصاً این که تکنیک مدرن «ابزار» نیست و دیگر با ابزار ربطی ندارد.

ـ چرا ما باید مقهور تکنیک شویم؟

ـ من «مقهور» نمی‌گویم. من می‌گویم ما هنوز راهی نمی‌شناسیم که متناسب با ماهیت تکنیک باشد.

ـ در برابر می‌توان بسیار ساده‌لوحانه گفت: اصلاً چه چیز است که باید از عهده‌اش برآمد. گردونه امور که می‌گردد. ما روز به روز بیشتر نیروگاه می‌سازیم، تولید می‌کنیم. مردم در بخش تکنیکی شده جهان خوب تیمار می‌شوند. ما در رفاه زندگی می‌کنیم. واقعاً چه چیزی کم داریم؟

ـ این گردونه امور می‌گردد. اما درست هولناک همین است که گردونه امور می‌گردد، این که گردش گردونه و نه همه چیز را به سوی گردش دیگری می‌تاراند و این تکنیک، انسان را بیش از پیش از زمین برمی‌کند و ریشه‌کن می‌سازد. شما را نمی‌دانم، اما من با دیدن عکس‌هایی که از ماه گرفته شده است وحشت کردم. ما دیگر احتیاجی به بمب اتمی نداریم. انسان دیگر از خاک خود ریشه‌کن شده است. آنچه برای ما باقی مانده است فقط ارتباطات محض تکنیکی است. این جایی که انسان در آن سکونت دارد دیگر زمین نیست. چندی پیش من صحبتی طولانی با «رنه شار» در «پرووانس» داشتم می‌دانید که «رنه شار» همان شاعری است که عضو نهضت مقاومت فرانسه بوده است. اکنون در پرووانس پایگاه‌های راکت احداث می‌شوند و آن خطه به نحوی غیرقابل تصور ویران خواهد گشت. این شاعر مسلماً نمی‌تواند در مظان احساسات بازی و طبیعت‌پرستی واقع شود به من می‌گفت: این ریشه‌کن شدن آدمی که در شرف تحقق است در واقع پایان کار آدمی است اگر تفکر و شاعری به قدرت بی‌قهر خود باز نرسند.

ـ باید اذعان کنیم که بیشتر میل داریم در زمین بمانیم و حتماً در این دوره‌ها نیز مجبور به ترک زمین نخواهیم بود. اما چه کسی می‌داند که سرنوشت آدمی در این است که روی زمین بماند. می‌توان پنداشت که آدمی اساساً سرنوشت ندارد. اما به هر حال می‌توان یک امکان آدمی را نیز در این دید که از کره خاکی به سیارات دیگر روی می‌آورد. ما از این مرحله چندان دور نیستیم. اما در کجا آمده است که جای آدمی همین‌جاست؟

ـ بر حسب تجربه آدمی و تاریخ و تا آنجا که من اطلاع دارم این را می‌دانم که هر امر اساسی و بزرگ وقتی پدیدار گشته است که آدمی موطن داشته و در روی آوردی استوار بوده است. مثلاً چون ادبیات امروز در روی‌آورد خود استوار نیست، مخرب است.

ـ کلمه مخرب دراین حد هم که توسط شما به معنای «نیهیلیستی» به کار برده شده و در فلسفه‌تان به معنای پرشولی به خود گرفته برای احساس ما مخل می‌نماید به کار بردن این کلمه مخرب در مورد ادبیات که شما می‌توانید یا باید آن را جزیی از همین «نیهیلیسم» بشناسید برای ما چندان مطلوب نیست.

ـ من می‌خواهم بگویم ادبیات موردنظر به معنایی که من از «نیهیلیسم» مراد می‌کنم «نیهیلیستی» نیست.

ـ این طور که اظهار کردید شما جنبش جهانی‌ای می‌بینید که یا منجر به پیدایش دولت مطلق تکنیک خواهد شد و یا این که دیگر شده است. این طور نیست؟

ـ چرا.

ـ و حالا طبعاً این پرسش پیش می‌آید: آیا خود انسان قادر خواهد بود در بافت این گردونه جبر و قهر نفوذ کند، یا این کار از فلسفه یا از هر دو با هم ساخته است، به این ترتیب که فلسفه آدم یا آدم‌هایی را جهت یک عمل معینی سوق می‌دهد؟

ـ اجازه بدهید کوتاه و شاید تا حدی صریح اما بر مبنای انتباهی دیرپا به این پرسش پاسخ دهم: فلسفه نخواهد توانست تغییری بی‌واسطه در وضع کنونی جهان بدهد. این حکم نه فقط در مورد فلسفه، بلکه خصوصاً در مورد آرزوها و اغراض آدمی صادق است. ما را فقط خدایی می‌تواند نجات دهد. تنها مفر ما این است که در تفکر و شاعری آمادگی را برای پدیداری خدا یا برای غیاب خدا در افول برانگیزیم.

ـ آیا ارتباطی میان تفکر شما و پدیداری این خدا هست؟ آیا در این معنا از دید شما ارتباطی علمی وجود دارد؟ فکر می‌کنید ما می‌توانیم از طریق تفکر خدا را بازخوانیم؟

ـ نه ما نمی‌توانیم او را بازبخوانیم، حداکثر این که بتوانیم آمادگی انتظار را نسبت به او برانگیزیم.

ـ به نظر شما ما می‌توانیم کمکی بکنیم؟

ـ آماده ساختن آمادگی می‌تواند نخستین کمک باشد. جهان نمی‌تواند در آنچه هست و به آن گونه که هست از طریق انسان باشد، اما بدون انسان هم نمی‌تواند باشد. این منظور به عقیده من با آن چیزی در ارتباط است که من با کلمه‌ای کهن و مختلف‌المعنی که اکنون دیگر پرفرسوده است «هستی» می‌نامم، امری که برای بروز، دوام و صورت‌پذیری خود به انسان نیاز دارد.

من ماهیت تکنیک را در آن چیزی می‌بینم که Ge - stell می‌نامم، کلمه‌ای که غالباً مورد استهزا است و شاید هم بیانی ناشیانه باشد. معنی سیطره Ge - stell این است که آدمی توسط قدرتی که در ماهیت تکنیک بروز می‌کند و بر آن مستولی نیست بازداشته شده و به معارضه خوانده شده است. تفکر می‌خواهد فقط همین بینش را برانگیزد. دیگر از فلسفه کاری ساخته نیست.

ـ در زمان‌های پیشین...

ـ و نه فقط در زمان‌های پیشین ـ به هر حال این طور پنداشته می‌شد که فلسفه می‌تواند تا حدود زیادی به طور غیرمستقیم و به ندرت به طور مستقیم منشأ اثر باشد و می‌تواند بستر پیشروی را بر جریان‌های تازه بگشاید. کافی است که میان آلمانی‌ها به کسانی چون «کانت»، «هگل تا نیچه» بنیدیشیم،

ـ «مارکس» که جای خود دارد تا...

ـ ثابت شود که فلسفه به طور غیرمستقیم تأثیری خارق‌العاده داشته است.

حالا منظور شما این است که دوره این تأثیر دیگر به پایان رسیده است؟ وقتی که شما می‌گویید فلسفه دیرین مرده است و دیگر وجود ندارد، آیا این اندیشه را نیز ملحوظ می‌سازید که این تأثیر فلسفه، هرگاه چنین چیزی اساساً وجود داشته، لااقل امروز دیگر وجود ندارد؟

ـ تأثیر غیرمستقیم از طریق تفکری دیگر می‌تواند ممکن باشد، اما تأثیر مستقیم به نحوی که تفکر بتواند جهان را به گونه عملی تغییر دهد. وجود ندارد.

ـ ببخشید، منظور ما این نبود که فلسفه‌اندیشی کنیم.

ـ این کار از عهده ما برنمی‌آید. اما ما در اینجا میان سیاست و فلسفه یک خط «جوش» می‌بینیم. از این رو ما را عفو کنید که شما را به چنین گفت‌وگوهایی می‌کشیم. شما هم اکنون گفتید که فلسفه و فرد کاری نمی‌توانند بکند جز اینکه...

ـ در تدارک این آمادگی برای در رسیدن یا در نرسیدن خدا خود را بازنگهدارند. نه این که تجربه ما از این در نرسیدن هیچ باشد. این تجربه در حکم آزادی انسان از آن چیزی است که من در Sein und Zeit گمگشتگی در هستنده نامیده‌ام. لازمه تدارک آن آمادگی، انتباه در مورد آن است که امروز هست.

ـ اما در این صورت آن سائق معهود نیز باید از خارج بیاید، باید خدا بیاید یا کسی دیگر. بنابراین تفکر امروزی دیگر نمی‌تواند به اتکاء نفس و از نهاد خود برآید و موثر باشد. گمان می‌کنم که به عقیده معاصران و نیز به عقیده خود ما سابقاً چنین چیزی وجود داشت.ـ اما نه به طور مستقیم.

ـ ما از کانت، هگل و مارکس به عنوان محرکانی بزرگ نام برده‌ایم. اما در بینش نیز منشأ موثر بوده است در مورد بسط فیزیک مدرن و بالاتر، برای پیدایش جهان نو اساساً. به گمان شما پیش از این گفتید که چنین تأثیراتی را دیگر باور ندارید.

ـ به معنای فلسفه، نه دیگر. نقش فلسفه را از این پس علوم گرفته‌اند. برای توضیح کافی «تأثیر» فکر باید مشروح‌تر به بررسی این امر بپردازیم که تأثیر و اثر یعنی چه. اگر با عبارت بنیاد (علت) را به اندازه کافی بررسی کرده باشیم باید میان کلماتی چون مناسب، سوق، خواست، امداد، ممانعت و یاری کاملاً تفاوت بگذاریم. فلسفه در هیأت علوم منفرد منحل می‌گردد: در روان‌شناسی، منطق و سیاست‌شناسی.

ـ و جای فلسفه را چه می‌گیرد؟

ـ سیبرنتیک.

ـ یا پارسایی که خود را بازنگهدارد؟ ـ اما این دیگر فلسفه نیست.

ـ پس چیست؟ ـ این را من تفکر می‌نامم.

ـ شما این را تفکر می‌نامید. میل دارید منظورتان را روشن‌تر بیان کنید؟

ـ شما به عبارتی فکر می‌کنید که نوشته من Dietrageuuch der Technik را ختم می‌کند: «پرسش همانا پارسایی تفکر است»؟ ـ ما در درس‌های‌تان درباه تفکر نیچه یافتیم که برای ما روشن‌کننده است در آنجا می‌گوئید: «چون در تفکر فلسفی برترین پیوندممکن حکمفرماست، همه متفکران بزرگ یک امر را می‌اندیشند. اما همین یک امر چنان غنی است که هرگز هیچ فردی به تنهایی نمی‌تواند تمامی آن را براندیشد. بلکه هر فردی پیوند فرد دیگر را بدان سخت‌تر می‌کند». اما درست همین بنای فلسفه است که با وجود پیوند

> جوانان هیتلری، سخنرانی را که من در بهار ۱۹۳٦ در انستیتوی رم کرده بودم به وجهی سخیف مورد حمله قرار داد

خود به نظر شما اکنون دیگر به پایان رسیده است.ـ به پایان رسیده اما برای ما معلوم نشده است. بلکه خصوصاً حضور خود را در گفتگو از نو محرز می‌سازد. کار من به صورت درس و تمرین در این سی ساله گذشته سربه‌سر تفسیر فلسفه مغرب زمینی بوده است. بازگشتن در بنیاد تاریخی تفکر و بازاندیشیدن پرسش‌هایی که از بدو فلسفه یونانی ناپرسیده مانده‌اند یقیناً در حکم بریدن از روی‌آوردها نیست. اما من می‌گویم: گونه تفکر متافیزیکی که بر ما روی آورده است و با نیچه ختم می‌گردد دیگر امکانی برای دریافتن فکری رگه‌های اصلی مرحله تکنیکی جهان به دست نمی‌دهد.

ـ شما در حدود دو سال پیش در گفتگو با یک راهب بودایی از «یک روش تفکر کاملاً نو» سخن گفته‌اید، اظهار کرده‌اید که این «روش جدید تفکر» در وهله اول فقط برای معدودی قابل اعمال است. منظورتان این بوده که فقط معدودی می‌توانند بینش‌هایی داشته باشند که به عقیده شما ممکن و لازمند؟

ـ «داشته باشند» به معنای اصالی خود، یعنی آنها می‌توانند این گونه بینش‌ها را تا حدود زیادی اظهار کنند.

ـ اما در صحبت با آن بودایی هم شما به وضوح نشان ندادید که انتقالی که ناظر بر تحقق این بینش باشد چطور ممکن است.

ـ نمی‌توانم به وضوح نشان دهم. من در این مورد که تفکر چگونه «اثر» می‌گذارد هیچ نمی‌دانم. امکان این هست که راه یک تفکر به سکوت منتهی شود تا مانع از این گردد که فکر در ظرف یک سال خود را به تاراج دهد. امکان این هست که تفکر ۳۰۰ سال لازم داشته باشد تا بتواند «اثر کند».

ـ ما این را خوب می‌فهمیم. اما چون ما در ۳۰۰ سال بعد زندگی نمی‌کنیم، بلکه در همین جا و هم‌اکنون زندگی می‌کنیم مجاز نیستیم سکوت نماییم. ما سیاستمداران، نیمه‌سیاستمداران، اتباع کشور، روزنامه‌نگاران و غیره باید مدام تصمیمی بگیریم و با سیستمی که در قیدش زندگی می‌کنیم کنار بیائیم؛ باید سعی کنیم سیستم را تغییر دهیم ما باید مراقب رخنه باریک اصطلاحات و رخنه باریک‌تر انقلاب باشیم. به همین مناسبت از فیلسوفان انتظار یاری داریم، حتی اگر این یاری طبعاً غیرمستقیم و از طریق راه‌های فرعی باشد. آن وقت می‌شنویم که: من نمی‌توانم به شما کمک کنم.

ـ من هم نمی‌توانم.

ـ این گفته دل آدم فیلسوف را خالی می‌کند.

ـ نمی‌توانم چون پرسش‌ها چندان دشوارند که هرگاه متفکر مربوط بدانها بخواهند به ملاـ عام بیاید، موعظه کند و نمره اخلاق بدهد درواقع غرض خود را که تفکر است نقض کرده است. عارضه لودهنده این است که در برابر سر سیطره مطلق سیاره‌ای تکنیک که در ماهیتش نیندیشیده مانده است تفکر امروزی می‌کوشد تا در ذات گذرا و بی‌رمق خود درباره آنچه نیندیشیده مانده است، بیندیشد.

ـ شما خود را جزو آن کسانی محسوب نمی‌کنید که اگر گوشی شنوا می‌یافتند راهی نشان می‌دادند؟

ـ نه. من راهی برای تغییر بی‌واسطه وضع کنونی جهان نمی‌شناسیم، مشروط بر این که یافتن راهی اصولاً برای آدمی میسر باشد. اما به نظر من این طور می‌رسد بلکه تفکری که بدان مبادرت می‌شود بتواند آن آمادگی که نام برده را برانگیزد و روشن و استوار سازد.

ـ پاسخ روشنی است. اما آیا یک متفکر می‌تواند و مجاز است بگوید: صبر کنید در ظرف ۳۰۰ سال آینده حتماً فکری به خاطر ما خطور خواهد کرد.

ـ سخن بر سر این نیست که صبر کنیم تا پس از ۳۰۰ سال فکری به خاطر ما خطور کند. وظیفه ما این است که براساس رگه‌های اصلی اندیشیده شده دوره کنونی بدون هیچ گونه دعوی پیامبرانه تفکر در بستر زمان آینده پیش برانیم. تفکر، بی‌عمل نیست. تفکر در بنیاد خود عملی است که در گفت‌وگوی دوگانه با تقدیر جهانی صورت می‌گیرد. به نظر من این طور می‌رسد که متمایز ساختن تئوری و پراکسیس که منشأاش متافیزیک باشد و پندار میسر ساختن پیوند میان این دو، راه را از احراز بینش در آنچه من تفکر می‌نامم منحرف ساخته است. شاید اجازه بدهید در این مورد به درس‌هایی ارجاع دهم که تحت عنوان Washeibt Den Ken شاید این خود نشانه عصر ما باشد که این نوشته میان آثار من کمتر از همه خوانده شده است.

پایان

نگارستان

دکتر برادران شکوهی

درباره استاد دکتر حسین شکوئی-۲
دو هزار تومان ودیعهٔ کتاب



هراز گاهی گذرا از دردش می‌گفت و از ناراحتی‌هایش و این که با مشکلاتی مواجه‌ام که آدمی را کلافه می‌کنند.

در خانه نوعی و در بیرون و شهر و دانشگاه لونی. سال‌ها و دهها سال، ما تنی چند به نام «یاران چارشنبه» همراهیم جمعی هستیم کوه‌نورد و بیابانگرد. در این گشت و گذار گه‌گاهی دکتر شکوئی هم شرکت می‌کرد، با این که با جمع بود، در واقع تنها بود. دغدغه چند و چون دانشگاه و دانشکده و دانشجو را داشت کم و کیف واحدهای درسی، آینده فارغ‌التحصیلان، حال و احوال جامعه جزء لاینفک افکارش بودند و همواره به نظر می‌رسید که با آنها کشمکش دارد شهر را فقیر و مسئولان را فاقد مراتب اجتماعی و علمی می‌دید. و چون ره به جایی نمی‌برد دکتر قایمی و فائقی و شکوری را خبر می‌داد که باهم باشیم، ساعت‌ها و روزها با هم باشیم! شادروان «شکوری» دفتردار دانشسرای راهنمای تحصیلی بود. مردی مجرب و آرام و وفادار و سال‌ها دفتردار صدیق و خدمتگزار دانشسرا، صبورانه و هم‌سویانه به درددل‌های حسین‌آقا گوش می‌داد، گاهی تا دیری از شب‌ها می‌نشستیم و او بیش از آن که از مقالات و تألیفات و موانع اداری و اجرایی سر راه طبع و توزیع کتاب‌هایش بگوید از عدالت اجتماعی و فقر اقتصادی می‌گفت و همواره آزرده دل بود و زودرنج و حساس و هیجان‌زده، انگار در ته دلش غوغایی است، صحبت که می‌کرد کلمات را با قوت تمام از ذره ذره وجودش بیرون می‌کشید و بعد از هر مطلب و صحبتی، گویی نفس‌اش بند آمده و آخرین نفس‌ها را می‌کشد بخصوص زمانی که احساساتی می‌شد، رئیس؛ جغرافیایی که راه‌گشای معضلات جامعه و سودآور برای حاشیه‌نشینان نباشد چون رفتن ماه از سلخ به غره و از غره به سلخ است.

دکتر قایمی هم عالمی داشت و همراهی‌ها می‌کرد، عجب نشست‌ها و شب‌هایی بود. جمع ما دیری نپایید.

همکاری من با دانشگاه مشهد شروع می‌شد، دکتر شکوئی شب و روز تلاش می‌کرد، تلفن می‌زد، این و آن را می‌دید بلکه انتقال مرا از آموزش و پرورش به دانشگاه تبریز ممکن سازد، مدام دیدار و نشست‌ها داشتیم، ساعت‌ها با کسانی صحبت می‌کرد، بسیار امیدوار بود امیدها می‌داد، این را می‌دید و آن را، چون سرانجام تلاش‌هایش منتج به نتیجه نشد و راهی مشهد شدم تلفن می‌زد و نامه می‌نوشت: «۵۸/۲/۱۰، دوست عزیز، امید است که به زودی شما را برای همیشه اینجا ببینیم، خیلی وقت یادی از شما داریم... دکتر قائمی سلام مخصوص دارد...»

خبرها که داشتیم همچنان مشغول تألیف و ترجمه و شرکت در این سمینار و آن کنگره علمی، این جلسه و آن انجمن بود. امروز که به تعداد مقالات و تالیفاتش دقیق می‌شوم به علت خستگی و دلهره‌هایش پی می‌برم. حالیا بعد از دهها سال، یاد آن مقالات و تألیفات یاد استاد فرهیخته فراموش شده! ما نیز هست.

مقالات: ۱. جغرافیا و مفاهیم جغرافیایی، تبریز، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، زمستان ۲/۱۳٤٦. انفجار جمعیت، آغاز گرسنگی و کمبود منابع، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، بهار ۳/۱۳٤۷. مقدمه بر جغرافیای شهری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، پائیز ٤/۱۳٤٦. جغرافیای مذاهب (ترجمه و اقتباس، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، تابستان ۵/۱۳٤۷. جغرافیای مذاهب (ترجمه و اقتباس، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، پائیز ٦/۱۳٤۷. جغرافیای مذاهب (ترجمه و اقتباس، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، زمستان ۷/۱۳٤۷. جغرافیای مذاهب (ترجمه و اقتباس، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، بهار ۸/۱۳٤۸. چهره و بافت شهرهای خاورمیانه، دانشکده و ادبیات علوم انسانی، بهار ۹/۱۳٤۹. اصطلاح و مفهوم خاورمیانه، نارسایی یک عنوان جغرافیایی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، پائیز، زمستان ۱۰/۱۳٤۹. سیر تکوین جغرافیای شهری، شماره ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، سال ۲۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۱۱/۱۳۵۰. مؤسسات و انجمن‌های جغرافیایی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، زمستان ۱۲/۱۳۵۱. جغرافیای سرطان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، بهار ۱۳/۱۳۵۲. مقدمه بر جغرافیای جهانگردی و تفریحی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، تابستان ۱٤/۱۳۵۲. جغرافیای بزرگ بازارها، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، پائیز ۱۵/۱۳۵۲. جغرافیا و هنر، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، زمستان ۱٦/۱۳۵۲. ابعاد مسائل دریای خزر، ترجمه، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، بهار ۱۷/۱۳۵۳. جغرافیای پزشکی و روش تحقیق در آن، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، تابستان ۱۸/۱۳۵٤. جغرافیای جنایت، شاخه جدید در دانش جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، بهار ۱۹/۱۳۵٦. کاربردها و تحولات جغرافیای انسانی در پنج سال گذشته، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، بهار ۲۰/۱۳۵۷. جغرافیای کاربردی و حدود قلمرو آن، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، تابستان و پائیز ۲۱/۱۳٦۲. آینده شهرها و توسعه شهری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، بهار ۱۳٦۳.

چون مهرماه ۵۸، به دانشگاه تبریز منتقل شدم، بسیار خوشحال بود. کمافی‌السابق باهم بودیم و کتاب‌هایش که چاپ می‌شد نسخه‌ای نیز به دوستان اهدا می‌نمود چون:

۱. جغرافیای شهری، بخش نخست، تبریز، شهریورماه ۱۳٤۸، ۲۹۳ ص/ ۲. فلسفه جغرافیا، تبریز، شهریورماه ۱۳٤۹/ ۳. جغرافیای شهری، بخش دوم، آبان‌ماه ۱۳۵۰/ ٤. شهرک‌های جدید، تیرماه ۱۳۵۳/ ۵. مقدمه بر جغرافیای جهانگردی، فروردین ۱۳۵٤، ۱۳۳ ص/ ٦. حاشیه‌نشینان شهری ـ خانه‌های ارزان قیمت و سیاست مسکن، دی‌ماه، ۲۵۳۵ [۱۳۵۵]، ۲۱۳ ص/ ۷. محیط‌زیست شهری، اردیبهشت‌ماه ۱۳۵۸، ۱۷۸ ص/ ۸. جغرافیای مذاهب از دوید سافر، ترجمه و اقتباس، بدون تاریخ، ۵۲ ص.

کتاب‌ها معمولاً با مقدمه جامع حضرت استادی زنده‌یاد دکتر منوچهر مرتضوی شروع می‌شد که توسط انتشارات دانشگاه و مؤسسه تحقیقات اجتماعی و علوم انسانی چاپ و پخش می‌شدند و با پیشگفتاری از مؤلف ـ نمونه‌ای را ارائه می‌دهیم. پیشگفتاری بر کتاب «محیط زیست شهری»، در سی و سه سال پیش.

«در همه کشورها و نواحی جغرافیایی، جمعیت به سرعت افزایش می‌یابد. این جمعیت، زندگی مطلوب را در جامعه شهری جستجو می‌کند. با افزایش جمعیت شهری، بخش‌های صنعتی، تجاری و خدماتی شهر توسعه می‌یابد و سطح مصرف در جامعه شهری بالا می‌رود. در نتیجه، شهر جهت پذیرایی از مهاجرین، انبار کردن کالاها، توزیع و فروش کالا، جابه‌جایی مردم و امر ارتباطات زمین‌های بیشتری می‌طلبد. از اینجا به بعد، در برابر وسعت‌یابی شهرها، سرعت مداخلات غیرمنطقی انسان در محیط‌زیست شهری بالا می‌گیرد. اما نظارت آگاهانه انسان بر جامعه شهری و منطقه نفوذ آن کاهش می‌یابد. روشن است که به همراه این جریانات، غالباً با سه پدیده روبرو هستیم:

۱. جمعیت شهرهای بزرگ به سرعت، زیاد می‌شود و با توسعه غیرمنطقی شهرها، آلوده‌سازی‌های جدیدی وارد جامعه شهری می‌گردد. میزان مرگ و میر بالا می‌رود، مرگ زودرس، برونشیت مزمن، آسم، سردرد دایمی، فشار عصبی، روانی، سرطان، شش و ضعف شنوایی به شدت مردم این قبیل شهرها را گرفتار می‌سازد. ۲. شهرهای کوچک به آرامی جمعیت می‌پذیرند و به ندرت به کانون‌های مطمئن اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تبدیل می‌شوند. ۳. روستاها با شتاب از جمعیت خالی می‌شوند و نوار فقر، بدبختی و بیکاری و بیماری در حاشیه شهرها از مهاجرین روستایی به وجود می‌آید.

با توجه به موارد فوق، در این کتاب سعی می‌شود با نگاهی گذرا، اثرات آلودگی هوا، آلودگی صوتی، اهمیت فضای سبز و شدت‌یابی امراض در جامعه شهری بیان گردد بدانسان که دانش جغرافیا تعیین می‌کند.

در نشست‌هایی که آن سال‌ها داشتیم گاهی مرحوم دکتر رحیم هویدا هم شرکت داشتند که اغلب از تألیفات و جغرافیا صحبت می‌شد و دکتر شکوئی از آبونه شدن مجلات تازه خارجی خبر می‌داد و تازگی‌های این رشته را در شاخه‌های مختلف توضیح و نوید آینده روشن در این رشته را می‌داد و تاکید و اصرار داشت که در گروه نیز این تازگی‌های علم جغرافیا پیاده و ممکن گردد. در نامه‌ای به تاریخ ٦٦/۹/۲۳، از تهران می‌نویسد: «... یک کتاب از انگلستان این روزها به من می‌رسد لطفاً آن را با مراجعه به صندوق شماره، ٤۳٦ تا مراجعه من به تبریز نگه می‌دارید برای این کتاب دو هزار تومان ودیعه در بانک دارم. انشاءالله بعد از آمدن به تبریز کتاب را جهت دریافت ودیعه به من لطف می‌کنید.»

چون تلاش‌هایش با موانع اداری و اجرایی مواجه می‌شد آه از نهاد برمی‌آورد و افسوس پشت افسوس، چون حوادث سال ۵۷، اتفاق افتاد، او که پیوسته میل افراطی در، دامن به سلامت برکشیدن از وادی قیل و قال و هیاهوی مدیریت و اجرائیات و سیاست داشت و از چشم تنگی و کارشکنی مزورانه و رندانه عده‌ای حذر می‌کرد، چون کسانی از مجموعه مدیریت و گردانندگان دانشکده را مقابل خود یافت...

ادامه دارد

عکس‌های تاریخی/۴

ایرج افشار هیچ گاه ساعت به دست نمی‌کرد. می‌گفت هیچ نیازی به ساعت نیست!... هر موقع گرسنه بشویم غذا می‌خوریم ... از هر کس هم بپرسم به من خواهد گفت ساعت چنداست...



ایران

از میراث مستوفی-۱۲
در پارک ظل‌السلطان

رضاقلی خان سراج‌الملک اصفهانی چون ظل‌السلطان حکومت اصفهان و بختیاری و یزد و فارس و خوزستان و کرمانشاهان و کردستان و بروجرد و لرستان و عراق و کمره و گلپایگان و خوانسار و ملایر و تویسرکان و نهاوند و محلات را داشت، پیشکاری او کار مهمی بود. تمام اشخاصی که حقوق آنها به خرج این ولایات می‌آمد و تمام حواله‌جاتی که از بابت باقی دستورالعملی این ولایات از خزانه صادر می‌شد، راتق و فاتقی جز سراج‌الملک نداشت. گذشته از این، هر هفته مراسلات ظل‌السلطان را باید به ادارات مربوطه برساند و جواب بر طبق میل شاهزاده حکمران از آنها گرفته، برای شاهزاده بفرستد. اسناد خرج حساب‌های گذشته را تحویل مستوفی‌های این ولایات داده، مراقب باشد که زودتر مفاصا گرفته برای شاهزاده بفرستد و گاه‌گاه که قسط خزانه یکی از این ولایات عقب می‌افتد، گرفتار سید جواد، تحصیلدار خزانه و رعونتها و بی‌مزگی‌های او شود.

این مرد پرحوصله با این که تحصیلاتی نکرده و خط و ربط چندانی هم نداشت، با پشتکاری خسته‌نشو و ملایمتی از کوره در نرو، یک تنه تمام این کارها را می‌گذراند و خم به ابرو نمی‌آورد. هیچ شنیده نشده است که کسی قبض مواجبی برای وصول و ایصال وجه از یکی از این ولایات به او بدهد و پول آن وصول نشده، به دست صاحبش نرسیده باشد. این مرد به قدری در نزد ارباب حقوق این ولایات اعتبار تحصیل کرده بود که مردم قبض خود را بدون گرفتن یادداشت، به او می‌دادند. اگرچه این ولایات حکامی مانند جلال‌الدوله پسر ظل‌السلطان، به وزارت صاحب دیوان در فارس و نظام‌الدوله جد رفیق تازه ما در کردستان و حسام‌الدوله قره‌گزلو در کرمانشاهان و سعدالملک، نظام‌السلطنه مافی، در عربستان و حکیم‌الممالک در عراق داشت که همه لیاقت حکومت مستقل حوزه خود را داشته و البته پیشکارهایی هم برای خود فکر کرده بودند، ولی چون سراج‌الملک از قدیم پیشکار اصفهان و دارای مکاتبه مستقیم با شاهزاده ظل‌السلطان بود، همان تقدیمی که شاهزاده نسبت به نایب‌الحکومه‌های خود داشت، سراج‌الملک هم در پیشکاری خود با پیشکارهای حکومتها، همان آمریت را معمول می‌کرد. گذشته از این، ظل‌السلطان چون تمام حساب این حکام را خود از آنها گرفته و خود به دولت پس می‌داد، بدون پادرمیانی سراج‌الملک هیچ کاری نمی‌گذشت.

باری، ما با این رفقای تازه خود مهمانی‌های دوره‌ای داشتیم و گاهی که به منزل ابراهیم خلیل خان دعوت می‌شدیم، بعدازظهرها به جلالیه و پارک ظل‌السلطان و پارک امین‌الدوله به گردش می‌رفتیم. عمارت پارک ظل‌السلطان تازه ساخته شده و از حیث ساختمان و مبل و اثاث، البته بعد از عمارات سلطنتی، شیک‌ترین و زیباترین عمارات شهر بود. پارک امین‌الدوله جز یک اتاق هشت گوشه ایوان‌دار که در وسط جزیره میان استخری ساخته شده بود، هنوز بنایی نداشت. ولی چمن‌کاری این جزیره و گلهای سفید مینای چمنی حاشیه استخر، بسیار زیبا بود.

من هر وقت در و بیرون می‌رفتم و از پشت قهوه‌خانه‌ای رد می‌شدم و صدای نقل نقال را که قصه حسین کرد یا اسکندرنامه می‌گفت می‌شنیدم، خیلی دلم می‌خواست که پای این نقلها نشسته استماع کنم، ولی این آرزو برآوردنی نبود زیرا به خیال خودم خطور نمی‌دادم که وقتی بتوانم پا در قهوه‌خانه بگذارم.

ادامه دارد

زیر نظر: دکتر محمدکاظم حسینیان

آیینه

باز چاپ مصاحبه اشپیگل با مارتین هایدگر
فقط خدا می‌تواند...

هایدگر متفکری بزرگ و فیلسوفی عمیق بود که تاثیری ژرف و ماندگار در فلسفه آلمان و حتی جهان بر جای گذاشت. این حرف او که «فقط خدا می‌تواند بشر را نجات دهد» شهرتی جهانی دارد.

ـ نامه‌ای هم وجود ندارد که این ممنوعیت در مورد «هوسرل» در آن مندرج شده باشد؟ پس این امر چگونه شایع شده است؟

ـ من هم نمی‌دانم و برای آن توضیحی پیدا نمی‌کنم. عدم امکان این امر را می‌توانم بدین ترتیب نشان دهم: هنگامی که من رئیس دانشگاه بودم موفق شدم پروفسور «تان هویرز» رئیس کلینیک پزشکی، و «فن هوزی» برنده‌ی جایزه‌ی نوبل در شیمی فیزیکی را ـ هر دو یهودی بودند ـ که وزارتخانه می‌خواست اخراج کند در سمت‌شان نگه دارم. این که من این دو تن را نگه دارم و در عین حال بر ضد «هوسرل»، معلم خودم، به وجهی شرم‌آور اقدام نمایم، بی‌ربط است. ضمناً من مانع از این شدم که استادان و دانشیاران بر ضد پروفسور «تان هویرز» دست به تظاهرات بزنند. بودند در آن زمان دانشیاران ارتقاءنیافته‌ای که فکر می‌کردند: الان دیگر وقت پیشروی است. همه‌ی این اشخاص را هر وقت برای مذاکره نزد من می‌آمدند راندم.

ـ شما در مراسم تدفین «ادموند هوسرل» در سال ۱۹۳۸ شرکت نکردید.

ـ این اتهام که من با «ادموند هوسرل» قطع رابطه کرده بودم بی‌اساس است. در ماه مه سال ۱۹۳۳ همسر من به نام هر دوی ما نامه‌ای به خانم «هوسرل» نوشت و در آن نامه حق‌شناسی همیشگی ما را ابراز نمود و آن نامه را با دسته گلی برای خانم «هوسرل» فرستاد. خانم هوسرل بسیار کوتاه و رسمی از ما تشکر کرد و نوشت که رابطه‌ی خانوادگی ما با همدیگر قطع شده است. این که من دیگر در بیماری و مرگ «هوسرل» بار دیگر حق‌شناسی و تکریم خود را نشان ندادم یک ضعف انسانی است که من در نامه‌ای از خانم «هوسرل» از این بابت پوزش طلبیدم.

ـ هوسرل در سال ۱۹۳۸ درگذشت. شما در سال ۱۹۳۴ از ریاست دانشگاه استعفا کردید. سببش چه بود؟

ـ در این مورد باید به امور دیگری توجه بدهم. من به این قصد که بر سازمان تکنیکی دانشگاه غلبه کنم، یعنی تجدید حیات دانشگاه را بر مبنای وظایف علمی‌شان میسر سازم پیشنهاد کردم که برای نیم‌سال زمستانی ۳۴ـ۱۹۳۳ همکاران جوان خصوصاً متبحر در رشته‌های خود به ریاست دانشکده‌ها انتخاب شوند، بی‌آنکه سمت آنها در حزب از این حیث نقشی داشته باشد. بدین نحو بود که پروفسور «اریک ولف»، پروفسور «شاده والت»، پوفسور «زورگل»، پروفسور «مولن دورف» که در بهار از سمت ریاست دانشگاه برکنار شده بود به ترتیب به ریاست دانشکده‌ی حقوق، ادبیات، علوم و پزشکی انتخاب شدند. اما در نوئل سال ۱۹۳۴ به این نکته پی بردم که تجدید حیات دانشگاه که موردنظر من بود نه در برابر مقاومت همکاران و نه در مقابل حزب تحقق‌پذیر نخواهد بود. همکاران از جمله بر من خرده می‌گرفتند که چرا تمشیت امور اداری دانشگاه را به دانشجویان نیز سپرده‌ام، درست همان طور که امروزه هست. یک روز مرا به «کارلزروهه» خواستند و در حضور رهبر انجمن دانشجویان از من خواستند رئیس دانشکده‌ی حقوق و پزشکی را بردارم و دیگرانی را که مورد پسند حزب هستند جانشین آنها سازم. من این تذکار را رد کردم و اعلام کردم در صورتی که وزیر فرهنگ در این مورد پافشاری کند من از سمت خود استعفا خواهم داد. این امر مربوط به سال ۱۹۳۴ بود. روسای دانشگاه دو سال و حتی بیشتر بر سر کار می‌ماندند. من پس از ده ماه از کار خود کناره‌گیری کردم. روزنامه‌های داخلی و خارجی تفسیرهای مختلفی در مورد انتخاب من به سمت ریاست دانشگاه کرده بودند، اما در مورد استعفای من کاملاً سکوت نمودند.

ـ آیا پیش آمد که نظرات خود را درباره‌ی اصلاحات دانشگاهی به اطلاع وزیر مربوط «رایش» برسانید؟

ـ همان دوره را می‌گوئید؟

ـ گفته می‌شود که «روست» در سال ۱۹۳۳ سفری به فرایبورگ کرده است.

ـ این مسأله دو امر متفاوت است. یکی این که به مناسبت جشن «اشلاگتر» در «شوناء» من با وزیر مربوط ملاقاتی رسمی کردم و دیگر این که من نظر خود را درباره‌ی علم و تشکیل دانشکده‌ها به همین وزیر در برلن اظهار نمودم. وی به سخنان من با توجه گوش کرد، آن قدر که من گمان نمودم، آنچه گفته‌ام اثر خود را خواهد کرد. اما هیچ اتفاقی نیفتاد. من نمی‌فهمم که چطور به مناسبت این مذاکره با وزیر پرورش وقت «رایش» مورد سرزنش واقع می‌شوم در حالی که همه‌ی حکومت‌های خارجی در شناسایی رسمی هیتلر و استقبال معمول بین‌المللی از او شتاب می‌کردند.

ـ پس از استعفا از سمت ریاست دانشگاه رفتارتان در برابر حزب ناسیونال سوسیالیست کارگر تغییر کرد.

ـ پس از کناره‌گیری، من کار خود را به وظایف تدریس منحصر کردم. در نیمسال تابستانی ۱۹۳۴ «منطق» درس دادم. در نیمسال بعدی ۳۵ـ۱۹۳۴ نخستین درس‌هایم را درباره‌ی «هلدرینی» شروع کردم. سال ۱۹۳۶ درس‌هایم را در مورد «نیچه» شروع نمودم و همه‌ی حاضران می‌توانستند بفهمند و می‌شنیدند که این معارضه‌ای با ناسیونال سوسیالیسم بود.

هیتلر بیشترین نقش را در بدنامی هایدگر داشت

ـ تحویل سمت ریاست دانشگاه به جانشین بعدی چگونه صورت گرفت؟ شما در جشن مربوط شرکت نکردید؟

ـ درست است. من حاضر نشدم در جشن معمول تحویل سمت رئیس دانشگاه شرکت کنم.

ـ آیا جانشین شما یک عضو فعال حزب بود؟

ـ وی حقوقدان بود: «آلمانه»، روزنامه‌ی حزبی، انتصاب وی را با حروف درشت چنین اعلام کرد: «نخستین رئیس دانشگاهی ناسیونال سوسیالیست».

ـ واکنش حزب در مقابل شما چه بود؟

ـ من دائماً تحت نظر بودم.

ـ و خودتان متوجه شده بودید؟

ـ بله. این همان ماجرای دکتر «هانکه» است.

ـ چطور شد که متوجه شدید تحت نظرید؟

ـ دکتر «هانکه» خودش نزد من آمد. وی که تازه دکترای خود را گذرانده بود در نیمسال زمستانی ۳۷ـ۱۹۳۶ و نیمسال تابستانی ۱۹۳۷ عضو سمینار من بود. س.د.وی را فرستاده بود که مرا تحت نظر داشته باشد.

ـ چطور شد که دکتر «هانکه» ناگهان نزد شما آمد؟

ـ به علت درس‌های من درباره‌ی تفکر «نیچه» و نحوه‌ی تنظیم این درس‌ها، دکتر «هانکه» به من اعتراف کرد که وی بیش از این نمی‌تواند مرا تحت نظر بگیرد و میل دارد در مورد ادامه‌ی اشتغال من به تدریس مرا از جریان مستحضر سازد.

ـ بنابراین حزب کاملاً مراقب شما بود؟

ـ من فقط می‌دانستم که مباحثه درباره‌ی نوشته‌های من ممنوع است، مثلاً درباره‌ی نوشته‌ام Platons Leher den Wahkvheit.

مجله‌ی «اراده و قدرت»، نشریه جوانان هیتلری، سخنرانی‌ای را که من در بهار ۱۹۳۶ در انستیتوی «ژرفی» در رم کرده بودم به وجهی سخیف مورد حمله قرار داد. کسانی که علاقه‌مندند می‌توانند جدل هجایی روزنامه‌ی Volk un Werden بر ضد مرا که در سال ۱۹۳۴ آغاز گشت بخوانند. من جزو هیأت اعزامی آلمان در سال ۱۹۳۴ به کنگره‌ی «دکارت» که در سال ۱۹۳۷ در پاریس تشکیل شد. این امر چنان در پاریس غریب نمود که مدیر کنگره، پروفسور «برئیر» استاد سوربن شخصاً از من توضیح خواست که چطور من عضو هیأت علمی آلمان نیستم. من پاسخ دادم مدیریت کنگره حقش حقش است در این مورد از وزارت پرورش «رایش» کسب اطلاع کنند. پس از مدتی از برلن به من ابلاغ شد که به هیأت آلمانی در پاریس ملحق گردم. من رد کردم. نوشته‌های من نظیر: Vom wesen، der wahr heit Was ist Metaphysik در جلدهای بی‌عنوان دوراز نظر فروخته می‌شدند. دیری نگذشت که به دستور حزب، نطق ریاست دانشگاهی من نیز از کتاب‌فروشی‌ها جمع شد.

ـ آیا بعدها وضع از این هم بدتر شد؟

ـ در آخرین سال جنگ پانصد نفر از مهم‌ترین دانشمندان و هنرمندان از هر گونه خدمت جنگی معاف شدند. من جزو معاف‌شدگان نبودم، بلکه به عکس در تابستان ۱۹۴۴ به کارهای استحکامی در ناحیه‌ی «راین» گماشته شدم.

ـ در سوئیس «کارل بارت» بر این کار گماشته شده بود؟

ـ جالب این است که چگونه این امر صورت گرفت: رئیس دانشگاه همه‌ی استادان را نزد خود فراخواند و نطق کوتاهی به این مضمون ایراد کرد: آنچه او می‌گوید حاصل گفت‌وگوی وی با رهبر حوزه‌ای و رهبر انجمن «ن ـ س» است. وی اکنون همه‌ی استادان را در سه گروه تقسیم می‌کند: اول، کسانی که وجودشان لازم نیست؛ دوم، کسانی که وجودشان نیمه‌لازم است؛ و سوم، کسانی که وجودشان مطلقاً لازم است. به عنوان نخستین نفر از گروه‌های غیرلازم از هیدیگر و سپس از «ریتر» نام برده شد. در نیمسال زمستانی ۱۹۴۴ پس از خاتمه‌ی کارهای استحکامی، تحت عنوان «شاعری و تفکر» که به معنای دنباله‌ی درس‌های مربوط به «نیچه» یعنی دنباله‌ی معارفه با ناسیونال سوسیالیسم بود، سخنرانی کردم. پس از دومین جلسه‌ی سخنرانی، برای خدمت در سازمان «هجوم ملت» فراخوانده شدم و من پیرترین عضو فراخوانده شده هیأت آموزشی این سازمان بودم.

ـ اجازه بدهید خلاصه کنیم: شما در سال ۱۹۳۳ به عنوان یک آدم غیرسیاسی به معنای اخص و نه به معنای اعم کلام گرفتار سیاست آن اعتلای آنچنانی ...

ـ از مجرای دانشگاه ...

ـ از مجرای دانشگاه در آن اعتلای آنچنانی گرفتار آمدید. پس از یک سال وظیفه‌ای که به عهده گرفته بودید تبری جستید. اما شما در سال ۱۹۳۵ در یک درس دانشگاهی که در ۱۹۵۴ تحت عنوان Einfuhrung in die Metaphysik منتشر شد گفته‌اید: «آنچه امروز» یعنی در سال ۱۹۳۵ ـ «به عنوان فلسفه‌ی ناسیونال سوسیالیسم عرضه می‌شود اما کمترین ربطی به حقیقت درونی و عظمت این جنبش (یعنی مواجهه‌ی با تکنیک در گردونه‌ی جهانی خود و نیز انسان نو) ندارد در حکم صیادی در آب‌های تیره‌ی (ارزش‌ها) و (کلیت‌ها)ست. «آیا عبارت میان پرانتز را نخست هنگام چاپ کتاب در سال ۱۹۵۳ اضافه کردید برای این که برای خواننده در سال ۱۹۵۳ روشن شود که شما در سال ۱۹۳۵ «حقیقت درونی و عظمت این جنبش»، یعنی جنبش ناسیونال سوسیالیسم را در چه می‌دیدید ـ یا اینکه عبارت توضیحی را در سال ۱۹۳۵ نیز در متن نوشته بودید؟

ـ این عبارت همان زمان در متن نسخه‌ی من نوشته شده بود و با پندار آن زمان من از تکنیک، نه با تعبیر بعدی من از ماهیت تکنیک به عنوان Ge-stell ـ تناسب داشت. علت اینکه من آن عبارت را از آن زمان نخواندم این بود که به فهم درست شنوندگان اطمینان داشتم. احمق‌ها و جاسوسان البته منظور را طور دیگری فهمیدند. ولی خواستند هم که طور دیگری بفهمند.

> فلسفه در هیأت علوم منفرد منحل می‌گردد:
> ـ و جای فلسفه را چه می‌گیرد؟
> ـ سیبرنتیک.

ـ حتماً جنبش کمونیستی را نیز در همین تراز می‌نهید؟

ـ بله بدون شک، یعنی به عنوان جنبشی که در گردونه‌ی تکنیک جهانی متعین شده است.

ـ جنبش آمریکایی را نیز به همین نحو؟

ـ بله همین طور است. در این سی سال این نکته باید روشن شده باشد که جنبش سیاره‌ای تکنیک نو قدرتی که هر قدر در برد متعین‌کننده تاریخی آن بگوئید کم گفته‌اید. امروز برای من پرسش قاطع این است که آیا می‌توان سیستم ـ و کدام سیستم؟

ـ متناسب اساساً برای عصر تکنیک یافت. من برای این پرسش پاسخی ندارم و مطمئن نیستم که این سیستم، سیستم دموکراسی باشد.

ـ درست، ولی «دموکراسی» یک مفهوم کلی است که بر آن تصورات مختلفی می‌توانند مترتب باشند. پرسش این است که آیا دیگر گونه سازی این شکل سیاسی ممکن است یا نه.

شما پس از سال ۱۹۴۵ اظهاراتی درباره‌ی جهان عرب کرده‌اید و از دموکراسی، از جهان‌بینی سیاسی مسیحی و نیز از دولت تشکیلاتی سخن گفته‌اید و همه‌ی اینها را «اهتمامات نیمبند» خوانده‌اید.

ـ اول خواهش می‌کنم بگویید من کجا درباره‌ی دموکراسی و آنچه بعد تفسیر صحبت کرده‌ام. اما من اینگونه اهتمامات را «نیمبند» می‌خوانم چه در آنها معارضه‌ای واقعی با جهان تکنیک نمی‌بینم. به نظر من در پس آنها بیش از پیش این پندار جایگزین است که تکنیک در ماهیت خود چیزی است که انسان در چنگ خود دارد. این به عقیده‌ی من ممکن نیست. تکنیک در ماهیت خود چیزی است که انسان به خودی خود نمی‌تواند از عهده‌ی آن برآید.

ـ به عقیده‌ی شما کدام یک از هیأت‌های سیاسی ذکر شده با زمان متناسب‌تر است؟

ـ من چنین چیزی نمی‌بینم. اما من یک پرسش قاطع در اینجا می‌بینم: در وهله‌ی اول این را باید روشن کرد که منظور شما از «متناسب با زمان» چیست و معنای زمان در اینجا کدام است. حتی باید پرسیده شود که آیا متناسب بودن با زمان ملاکی برای حقیقت درونی عمل انسان است یا این که تفکر و شاعری است که عملی ملاک‌ساز است.

ـ اما مسلم این است که انسان در همه‌ی ازمنه از پس ابزار خود برآمده است. داستان شاگرد جادوگر، نمودار این امر است. بنابراین بدبینانه نیست بگوییم ما از پس این ابزار بسیار بزرگ‌تر تکنیک مدرن برنخواهیم آمد؟

ـ بدبینی، نه. بدبینی و خوشبینی در عرصه‌ی این کوششی که برای انتباه می‌شود موضع‌گیری نارسایی بیش نیستند. خصوصاً این که تکنیک مدرن «ابزار» نیست و دیگر با ابزار ربطی ندارد.

ـ چرا ما باید مقهور تکنیک شویم؟

ـ من «مقهور» نمی‌گویم. من می‌گویم ما هنوز راهی نمی‌شناسیم که متناسب با ماهیت تکنیک باشد.

ـ در برابر می‌توان بسیار ساده‌لوحانه گفت: اصلاً چه چیز است که باید از عهده‌اش برآمد. گردونه امور که می‌گردد. ما روز به روز بیشتر نیروگاه می‌سازیم، تولید می‌کنیم. مردم در بخش تکنیکی شده جهان خوب تیمار می‌شوند. ما در رفاه زندگی می‌کنیم. واقعاً چه چیزی کم داریم؟

ـ این گردونه امور می‌گردد. اما درست هولناک همین است که گردونه امور می‌گردد، این که گردش گردونه و نه همه چیز را به سوی گردش دیگری می‌تاراند و این تکنیک، انسان را بیش از پیش از زمین برمی‌کند و ریشه‌کن می‌سازد. شما را نمی‌دانم، اما من با دیدن عکس‌هایی که از ماه گرفته شده است وحشت کردم. ما دیگر احتیاجی به بمب اتمی نداریم. انسان دیگر از خاک خود ریشه‌کن شده است. آنچه برای ما باقی مانده است فقط ارتباطات محض تکنیکی است. این جایی که انسان در آن سکونت دارد دیگر زمین نیست. چندی پیش من صحبتی طولانی با «رنه شار» در «پرووانس» داشتم می‌دانید که «رنه شار» همان شاعری است که عضو نهضت مقاومت فرانسه بوده است. اکنون در پرووانس پایگاه‌های راکت احداث می‌شوند و آن خطه به نحوی غیرقابل تصور ویران خواهد گشت. این شاعر مسلماً نمی‌تواند در مظان احساسات بازی و طبیعت‌پرستی واقع شود به من می‌گفت: این ریشه‌کن شدن آدمی که در شرف تحقق است در واقع پایان کار آدمی است اگر تفکر و شاعری به قدرت بی‌قهر خود باز نرسند.

ـ باید اذعان کنیم که بیشتر میل داریم در زمین بمانیم و حتماً در این دوره‌ها نیز مجبور به ترک زمین نخواهیم بود. اما چه کسی می‌داند که سرنوشت آدمی در این است که روی زمین بماند. می‌توان پنداشت که آدمی اساساً سرنوشت ندارد. اما به هر حال می‌توان یک امکان آدمی را نیز در این دید که از کره خاکی به سیارات دیگر روی می‌آورد. ما از این مرحله چندان دور نیستیم. اما در کجا آمده است که جای آدمی همین‌جاست؟

ـ بر حسب تجربه آدمی و تاریخ و تا آنجا که من اطلاع دارم این را می‌دانم که هر امر اساسی و بزرگ وقتی پدیدار گشته است که آدمی موطن داشته و در روی آوردی استوار بوده است. مثلاً چون ادبیات امروز در روی‌آورد خود استوار نیست، مخرب است.

ـ کلمه مخرب در این حد هم که توسط شما به معنای «نیهیلیستی» به کار برده شده و در فلسفه‌تان به معنای پرشولی به خود گرفته برای احساس ما مخل می‌نماید به کار بردن این کلمه مخرب در مورد ادبیات که شما می‌توانید یا باید آن را جزیی از همین «نیهیلیسم» بشناسید برای ما چندان مطلوب نیست.

ـ من می‌خواهم بگویم ادبیات موردنظر به معنایی که من از «نیهیلیسم» مراد می‌کنم «نیهیلیستی» نیست.

ـ این طور که اظهار کردید شما جنبش جهانی‌ای می‌بینید که یا منجر به پیدایش دولت مطلق تکنیک خواهد شد و یا این که دیگر شده است. این طور نیست؟

ـ چرا.

ـ و حالا طبعاً این پرسش پیش می‌آید: آیا خود انسان قادر خواهد بود در بافت این گردونه جبر و قهر نفوذ کند، یا این کار از فلسفه یا از هر دو با هم ساخته است، به این ترتیب که فلسفه آدم یا آدم‌هایی را جهت یک عمل معینی سوق می‌دهد؟

ـ اجازه بدهید کوتاه و شاید تا حدی صریح اما بر مبنای انتباهی دیرپا به این پرسش پاسخ دهم: فلسفه نخواهد توانست تغییری بی‌واسطه در وضع کنونی جهان بدهد. این حکم نه فقط در مورد فلسفه، بلکه خصوصاً در مورد آرزوها و اغراض آدمی صادق است. ما را فقط خدایی می‌تواند نجات دهد. تنها مفر ما این است که در تفکر و شاعری آمادگی را برای پدیداری خدا یا برای غیاب خدا در افول برانگیزیم.

ـ آیا ارتباطی میان تفکر شما و پدیداری این خدا هست؟ آیا در این معنا از دید شما ارتباطی علمی وجود دارد؟ فکر می‌کنید ما می‌توانیم از طریق تفکر خدا را بازخوانیم؟

ـ نه ما نمی‌توانیم او را بازبخوانیم، حداکثر این که بتوانیم آمادگی انتظار را نسبت به او برانگیزیم.

ـ به نظر شما ما می‌توانیم کمکی بکنیم؟

ـ آماده ساختن آمادگی می‌تواند نخستین کمک باشد. جهان نمی‌تواند در آنچه هست و به آن گونه که هست از طریق انسان باشد، اما بدون انسان هم نمی‌تواند باشد. این منظور به عقیده من با آن چیزی در ارتباط است که من با کلمه‌ای کهن و مختلف‌المعنی که اکنون دیگر پرفرسوده است «هستی» می‌نامم، امری که برای بروز، دوام و صورت‌پذیری خود به انسان نیاز دارد.

من ماهیت تکنیک را در آن چیزی می‌بینم که Ge-stell می‌نامم، کلمه‌ای که غالباً مورد استهزاست و شاید هم بیانی ناشیانه باشد. معنی سیطره Ge-stell این است که آدمی توسط قدرتی که در ماهیت تکنیک بروز می‌کند و بر آن مستولی نیست بازداشته شده و به معارضه خوانده شده است. تفکر می‌خواهد فقط همین بینش را برانگیزد. دیگر از فلسفه کاری ساخته نیست.

ـ در زمان‌های پیشین...

ـ و نه فقط در زمان‌های پیشین ـ به هر حال این طور پنداشته می‌شد که فلسفه می‌تواند تا حدود زیادی به طور غیرمستقیم و به ندرت به طور مستقیم منشأ اثر باشد و می‌تواند بستر پیشروی را بر جریان‌های تازه بگشاید. کافی است که میان آلمانی‌ها به کسانی چون «کانت»، «هگل تا نیچه» بنیدیشیم،

ـ «مارکس» که جای خود دارد تا...

ـ ثابت شود که فلسفه به طور غیرمستقیم تأثیری خارق‌العاده داشته است.

حالا منظور شما این است که دوره این تأثیر دیگر به پایان رسیده است؟ وقتی که شما می‌گویید فلسفه دیرین مرده است و دیگر وجود ندارد، آیا این اندیشه را نیز ملحوظ می‌سازید که این تأثیر فلسفه، هرگاه چنین چیزی اساساً وجود داشته، لااقل امروز دیگر وجود ندارد؟

ـ تأثیر غیرمستقیم از طریق تفکری دیگر می‌تواند ممکن باشد، اما تأثیر مستقیم به نحوی که تفکر بتواند جهان را به گونه عملی تغییر دهد. وجود ندارد.

ـ ببخشید، منظور ما این نبود که فلسفه‌اندیشی کنیم.

ـ این کار از عهده ما برنمی‌آید. اما ما در اینجا میان سیاست و فلسفه یک خط «جوش» می‌بینیم. از این رو ما را عفو کنید که شما را به چنین گفت‌وگوهایی می‌کشیم. شما هم اکنون گفتید که فلسفه و فرد کاری نمی‌توانند بکند جز اینکه...

ـ در تدارک این آمادگی برای در رسیدن یا در نرسیدن خدا خود را بازنگهدارند. نه این که تجربه ما از این در نرسیدن هیچ باشد. این تجربه در حکم آزادی انسان از آن چیزی است که من در Sein und Zeit گمگشتگی در هستنده نامیده‌ام. لازمه تدارک آن آمادگی، انتباه در مورد آن است که امروز هست.

ـ اما در این صورت آن سائق معهود نیز باید از خارج بیاید، باید خدا بیاید یا کسی دیگر. بنابراین تفکر امروزی دیگر نمی‌تواند به اتکاء نفس و از نهاد خود برآید و موثر باشد. گمان می‌کنم که به عقیده معاصران و نیز به عقیده خود ما سابقاً چنین چیزی وجود داشت.ـ اما نه به طور مستقیم.

ـ ما از کانت، هگل و مارکس به عنوان محرکانی بزرگ نام برده‌ایم. اما در بینش نیز منشأ موثر بوده است در مورد بسط فیزیک مدرن و بالاتر، برای پیدایش جهان نو اساساً. به گمان شما پیش از این گفتید که چنین تأثیراتی را دیگر باور ندارید.

ـ به معنای فلسفه، نه دیگر. نقش فلسفه را از این پس علوم گرفته‌اند. برای توضیح کافی «تأثیر» فکر باید مشروح‌تر به بررسی این امر بپردازیم که تأثیر و اثر یعنی چه. اگر با عبارت بنیاد (علت) را به اندازه کافی بررسی کرده باشیم باید میان کلماتی چون مناسب، سوق، خواست، امداد، ممانعت و یاری کاملاً تفاوت بگذاریم. فلسفه در هیأت علوم منفرد منحل می‌گردد: در روان‌شناسی، منطق و سیاست‌شناسی.

ـ و جای فلسفه را چه می‌گیرد؟

ـ سیبرنتیک.

ـ یا پارسایی که خود را بازنگهدارد؟ـ اما این دیگر فلسفه نیست.

ـ پس چیست؟ـ این را من تفکر می‌نامم.

ـ شما این را تفکر می‌نامید. میل دارید منظورتان را روشن‌تر بیان کنید؟

ـ شما به عبارتی فکر می‌کنید که نوشته من Dietrageuuch der Technik را ختم می‌کند: «پرسش همانا پارسایی تفکر است»؟ـ ما در درس‌های‌تان درباه تفکر نیچه یافتیم که برای ما روشن‌کننده است در آنجا می‌گوئید: «چون در تفکر فلسفی برترین پیوندممکن حکمفرماست، همه متفکران بزرگ یک امر را می‌اندیشند. اما همین یک امر چنان غنی است که هرگز هیچ فردی به تنهایی نمی‌تواند تمامی آن را براندیشد. بلکه هر فردی پیوند فرد دیگر را بدان سخت‌تر می‌کند». اما درست همین بنای فلسفه است که با وجود پیوند خود به نظر شما اکنون دیگر به پایان رسیده است.ـ به پایان رسیده اما برای ما معلوم نشده است. بلکه خصوصاً حضور خود را در گفتگو از نو محرز می‌سازد. کار من به صورت درس و تمرین در این سی ساله گذشته سربه‌سر تفسیر فلسفه مغرب زمینی بوده است. بازگشتن در بنیاد تاریخی تفکر و بازاندیشیدن پرسش‌هایی که از بدو فلسفه یونانی ناپرسیده مانده‌اند یقیناً در حکم بریدن از روی‌آوردها نیست. اما من می‌گویم: گونه تفکر متافیزیکی که بر ما روی آورده است و با نیچه ختم می‌گردد دیگر امکانی برای دریافتن فکری رگه‌های اصلی مرحله تکنیکی جهان به دست نمی‌دهد.

> جوانان هیتلری، سخنرانی را که من در بهار ۱۹۳۶ در انستیتوی رم کرده بودم به وجهی سخیف مورد حمله قرار داد

ـ شما در حدود دو سال پیش در گفتگو با یک راهب بودایی از «یک روش تفکر کاملاً نو» سخن گفته‌اید، اظهار کرده‌اید که این «روش جدید تفکر» در وهله اول فقط برای معدودی قابل اعمال است. منظورتان این بوده که فقط معدودی می‌توانند بینش‌هایی داشته باشند که به عقیده شما ممکن و لازمند؟

ـ «داشته باشند» به معنای اصالی خود، یعنی آنها می‌توانند این گونه بینش‌ها را تا حدود زیادی اظهار کنند.

ـ اما در صحبت با آن بودایی هم شما به وضوح نشان ندادید که انتقالی که ناظر بر تحقق این بینش باشد چطور ممکن است.

ـ نمی‌توانم به وضوح نشان دهم. من در این مورد که تفکر چگونه «اثر» می‌گذارد هیچ نمی‌دانم. امکان این هست که راه یک تفکر به سکوت منتهی شود تا مانع از این گردد که فکر در ظرف یک سال خود را به تاراج دهد. امکان این هست که تفکر ۳۰۰ سال لازم داشته باشد تا بتواند «اثر کند».

هایدگر

ـ ما این را خوب می‌فهمیم. اما چون ما در ۳۰۰ سال بعد زندگی نمی‌کنیم، بلکه در همین جا و هم‌اکنون زندگی می‌کنیم مجاز نیستیم سکوت نماییم. ما سیاستمداران، نیمه‌سیاستمداران، اتباع کشور، روزنامه‌نگاران و غیره باید مدام تصمیمی بگیریم و با سیستمی که در قیدش زندگی می‌کنیم کنار بیائیم؛ باید سعی کنیم سیستم را تغییر دهیم ما باید مراقب رخنه باریک اصطلاحات و رخنه باریک‌تر انقلاب باشیم. به همین مناسبت از فیلسوفان انتظار یاری داریم، حتی اگر این یاری طبعاً غیرمستقیم و از طریق راه‌های فرعی باشد. آن وقت می‌شنویم که: من نمی‌توانم به شما کمک کنم.

ـ من هم نمی‌توانم.

ـ این گفته دل آدم فیلسوف را خالی می‌کند.

ـ نمی‌توانم چون پرسش‌ها چندان دشوارند که هرگاه متفکر مربوط بدانها بخواهند به ملاءعام بیاید، موعظه کند و نمره اخلاق بدهد درواقع غرض خود را که تفکر است نقض کرده است. عارضه لودهنده این است که در برابر سر سیطره مطلق سیاره‌ای تکنیک که در ماهیتش نیندیشیده مانده است تفکر امروزی می‌کوشد تا در ذات گذرا و بی‌رمق خود درباره آنچه نیندیشیده مانده است، بیندیشد.

ـ شما خود را جزو آن کسانی محسوب نمی‌کنید که اگر گوشی شنوا می‌یافتند راهی نشان می‌دادند؟

ـ نه. من راهی برای تغییر بی‌واسطه وضع کنونی جهان نمی‌شناسیم، مشروط بر این که یافتن راهی اصولاً برای آدمی میسر باشد. اما به نظر من این طور می‌رسد بلکه تفکری که بدان مبادرت می‌شود بتواند آن آمادگی که نام برده را برانگیزد و روشن و استوار سازد.

ـ پاسخ روشنی است. اما آیا یک متفکر می‌تواند و مجاز است بگوید: صبر کنید در ظرف ۳۰۰ سال آینده حتماً فکری به خاطر ما خطور خواهد کرد.

ـ سخن بر سر این نیست که صبر کنیم تا پس از ۳۰۰ سال فکری به خاطر ما خطور کند. وظیفه ما این است که براساس رگه‌های اصلی اندیشیده‌شده دوره کنونی بدون هیچ گونه دعوی پیامبرانه تفکر در بستر زمان آینده پیش برانیم. تفکر، بی‌عمل نیست. تفکر در بنیاد خود عملی است که در گفت‌وگوی دوگانه با تقدیر جهانی صورت می‌گیرد. به نظر من این طور می‌رسد که متمایز ساختن تئوری و پراکسیس که منشأش متافیزیک باشد و پندار میسر ساختن پیوند میان این دو، راه را از احراز بینش در آنچه من تفکر می‌نامم منحرف ساخته است. شاید اجازه بدهید در این مورد به درس‌هایی ارجاع دهم که تحت عنوان Washeibt Den Ken شاید این خود نشانه عصر ما باشد که این نوشته میان آثار من کمتر از همه خوانده شده است.

پایان

عکس های تاریخی/۴

ایرج افشار هیچ گاه ساعت به دست نمی کرد . می گفت هیچ نیازی به ساعت نیست !...
هر موقع گرسنه بشویم غذا می خوریم ... از هر کس هم بپرسم به من خواهد گفت ساعت چنداست...

نگارستان

دکتر برادران شکوهی

درباره استاد دکتر حسین شکوئی-۲
دو هزار تومان ودیعهٔ کتاب



[illegible]

ادامه دارد

نما

ایرج آدیگوزلی

شاهی که گریخت-٤

دوستان پولِ ایران!



هفت سال بعد بسیاری از زنان و مردانی که در ۱۹۷۸ صدای خود را برای ابراز مخالفت با شاه بلند کردند جشن‌های تخت‌جمشید را به عنوان یکی از نمونه‌های نابخشودنی زیاده‌رویهای پهلوی ذکر می‌کردند. سایرین، از جمله ملکه، طبق اظهارات بعدی‌اش، از اینکه تمامی این مراسم این‌قدر فرانسوی بود و خصلت ایرانی ناچیزی داشت ناراضی بودند. هزینهٔ این مراسم چیزی در حدود ۳۰۰ میلیون دلار شد (برآوردها متفاوت است) و این مبلغ در کشوری که درآمد سرانهٔ آن اگر چه رو به افزایش داشت ولی از سالی ۵۰۰ دلار تجاوز نمی‌کرد، بسیار گزاف بشمار می‌رفت. وانگهی، این رویداد بیشتر سرود پیروزی خانوادهٔ پهلوی بود تا ملت ایران.

در آن هنگام هیچ‌کس شدیدتر از آیت‌الله خمینی این جشن‌ها را محکوم نکرد. شاه در ۱۹۶٤ او را به علت مخالفت شدیدش با رژیم پهلوی از ایران تبعید کرده بود. در آن هنگام صدای آیت‌الله مانند فریادی در بیابان به گوش‌ها رسید. اما با گذشت زمان جشن‌های تخت‌جمشید را می‌توان مظهر پایان یکی از موفق‌ترین سال‌های سلطنت شاه دانست.

از این پس شاه می‌توانست به مراتب بیشتر به مسائل نظامی علاقه‌مند باشد تا به مسائل اجتماعی. افزایش بهای نفت در شرف سرازیر کردن ثروتی عظیم و باورنکردنی به سوی ایران بود. اما این دلارهای نفتی به جای این که به پیشرفت کشور کمک کند، هرج و مرج و نومیدی را در میان میلیون‌ها نفر از مردم پخش کرد و در همان حال فرصت‌هایی افسانه‌ای برای فساد در دربار، در میان خانوادهٔ شاه و بسیاری از شرکت‌های خارجی و بازرگانان به وجود آورد.

در مورد شخص شاه، رهآورد جشن‌های تخت‌جمشید، جدایی کامل او از واقعیات بود. او بیش از پیش دچار اشتغال فکری دربارهٔ سلطنت خودش و اهمیت جانشینی مستقیم خود بر اریکهٔ کورش گردید. در مصاحبه‌ای در ۱۹۷۵ اعلام داشت که جشن‌های تخت‌جمشید «تمام دنیا را از سازمان ملل متحد گرفته تا هر یک از پایتخت‌ها وادار به ادای احترام به کورش و شاهنشاهی او کرد... بذر همکاری بین‌المللی در تخت‌جمشید پاشیده شد.»

طی چند سال بعدی هیچ‌کس سعی نکرد این خیالات واهی شاه را تعدیل کند یا با واقعیت مربوط سازد. هیچ یک از مقامات رسمی و درباریان جرات نکردند برخلاف میل او سخنی بگویند. دولتمردان غربی نیز بیشتر حریص بودند که ثروت ایران را به جیب بزنند و اهمیتی به این نمی‌دادند که شاه را به خویشتن‌داری دعوت کنند. رهبران فرانسه در نهایت فروتنی، به خاطر رفتار نامناسب پمپیدو در شرکت نکردن در جشن‌های تخت‌جمشید تقاضای عفو می‌کردند و در جستجوی قراردادهایی برای احداث نیروگاه‌های هسته‌ای بودند. امریکائیان کلید زرادخانهٔ خود را در اختیار او گذاشته بودند. انگلیسی‌ها و آلمانی‌ها و ایتالیاییها و هلندی‌ها و ژاپنی‌ها و کلیه کشورهای سوسیالیستی ـ به استثنای آلبانی ـ و بسیاری دیگر و به صف او پیوسته بودند. هرکسی در چاپلوسی به او، در تشویق او، در به جیب‌زدن پول‌های ایران چشم‌وهمچشمی می‌کرد. هر حماقتی به الهام تعبیر می‌شد؛ هر رؤیائی حقیقت انگاشته می‌شد؛ هر تبلیغی مفهوم واقعی پیدا کرده بود. این وضع تا ۱٦ ژانویهٔ ۱۹۷۹ ادامه داشت.

پرواز به مصر

پرواز به مصر سه ساعت هم طول نکشید. شاه که همیشه عاشق پرواز بود در کابین خلبان ماند تا اینکه بوئینگ ۷۰۷ از قلمرو هوائی ایران خارج شد. چند کیلومتر عقب‌تر هواپیمای کمکی پرواز می‌کرد. طبق معمول در سفرهای خارجی، هواپیمای مزبور به علل امنیتی جامه‌دانها و بار و بنه را حمل می‌کرد. وقتی هواپیما قلمرو هوایی ایران را ترک کرد، شاه هدایت هواپیما را به خلبانش سرهنگ بهزاد معزی سپرد و برای صرف ناهار با ملکه به اتاق مخصوص رفت. غذا در کاخ سلطنتی تهیه شده بود و اکنون توسط علی کبیری آشپز مخصوص شاه به سر میز آورده می‌شد.

هواپیمای شاه در قسمت جلو بخش باشکوهی برای خانوادهٔ سلطنتی و در قسمت عقب صندلیهایی برای ملتزمین رکاب داشت. در ایام گذشته مجموعهٔ کاملی از آجودانها و درباریان و وزیران و منشیان و گاردهای محافظ در این قسمت می‌نشستند. اما در این پرواز هواپیما تقریباً خالی بود.

ادامه دارد

فوزیه، مرگ ملکه

اسراری که به گور رفت

ادامه از صفحه اول

فوزیه فرزند پادشاه مصر فواد اول بود که از همسر دومش نازلی به دنیا آمده بود. بعد از تاجگذاری برادرش فاروق فوزیه خواهر بزرگتر و تقریباً کمک و همفکر برادرش بود و در دربار و کشور مصر یک شاهزاده خانم درجه یک به شمار می‌آمد.

از آنجایی که در زمان جنگ جهانی اول و دوم ازدواج‌های بزرگ و سلطنتی بنا به امیال و خیالات سیاسی پیوند می‌خورد سیاستهای در درجه اول انگلیس باعث پیوند دو کشور مهم مسلمان منطقه ایران و مصر شد. و فوزیه در سال‌های قبل از جنگ با یک گروه زن و فامیل و مادرش به همراه همسرش محمدرضا به تهران آمد...

ازدواج او در سال ۱۹۳۸ میلادی انجام شد و رضا شاه خیلی سعی کرد خانواده عروس و خود عروس را خوب پذیرائی کند ولی فرهنگ‌ها خیلی از هم دور بودند و هنوز زندگی قاجاری در ایران برچیده نشده بود. فوزیه فکر می‌کرد که از وطن آشنایش دور افتاده است.

بعدها اولین فرزند دخترش شهناز به دنیا آمد و همسرش محمدرضا پادشاه شد ولی همهٔ این‌ها نتوانست او را بر زندگی در ایران علاقمند کند. او بار بنا به نوشته مجله ایماژ دوموند پاریس نتوانست با خانواده همسرش در تهران به تفاهم برسد و در کنار آنها احساس آرامش کند. در ایران معمولاً در خانواده‌های بزرگ و شاهی تا آن زمان «زن طلاق دادن» متداول نبود، ولی فوزیه برای بار دوم بدون شهناز دختر کوچکش به قاهره رفت و در آنجا به تدریج درعرض چند هفته از حضور در کنار هیات همراه دوری کرد و آنها را دست خالی بدون ملکه به تهران فرستاد. این اولین طلاق در دربار ایران و مصر بود.

بالاخره در سال ۱۹۴۸ میلادی دربار ایران رسماً اعلام کرد که فوزیه از محمدرضا شاه ایران رسماً طلاق گرفته است.

این طلاق پرنسس معروف مصر باعث شد، فاروق که معروف به زن باره‌گی بود همسرش ملکه فریده را طلاق بدهد و با یک زن جدید به نام نریمان دختر یکی از وزرای دولت مصر به طور رسمی و با تشریفات سلطنتی ازدواج کند.

بعدها فاروق از نریمان صاحب پسری شد که ولیعهد مصر نام گرفت.

چگونه جمال عبدالناصر خانواده و خود پادشاه را از مصر بیرون می‌فرستد: چند سال می‌گذرد جمال عبدالناصر همراه افسران جوان مصر کودتا می‌کند.

در یکی از فیلم‌های قدیمی مستند مصر که از تلویزیون‌های معروف جهان نظیر B.B.C هم به زبان انگلیسی پخش شده حسنین هیکل نویسنده معروف مصری که مشاور جمال عبدالناصر بود تعریف می‌کند وقتیکه افسران کودتا می‌کنند می‌خواهند شاه را از کشور خارج کنند.

شاه فاروق هم که عده‌ای سلطنت‌طلب، افسر و سرباز دارد، همواره به ناصر که نخست‌وزیری خوشنام و مورد احترام بود، پیام می‌فرستد که باید فلان وسائل گران‌قیمت کاخ‌ها، فلان ندیمه‌ها و فلان پزشک و باغبان‌ها را هم در یک کشتی بزرگ با خود ببرد.

گزارش

ایراندخت صادقی‌وند

حسنین هیکل روزنامه‌نگار نام‌آور و سردبیر روزنامه الاهرام که رابط نخست‌وزیر و رئیس کودتا بود، از جمال عبدالناصر می‌پرسد که چرا اینقدر در برابر درخواست‌های شاه فاروق صبر می‌کند؟ چرا کودتاچیان او را نمی‌کشند تا از شرش خلاص شوند؟!

جمال عبدالناصر می‌گوید: اگر شاه فاروق را بکشیم و خون ریخته شود، چه بسا که مردم و تاریخ از او بیشتر طرفداری کرده و او را مظلوم و شهید بنامند.

بالاخره ناصر اجازه می‌دهد که فاروق شاه مخلوع با ۷۰ چمدان و یک کشتی بزرگ و کلی خدم و حشم با اقدامات کامل نظامی و سلطنتی از مصر خارج شود، زیرا پسر خردسال او را هم توسط نخست‌وزیر که نایب‌السلطنه پادشاه است خیلی زود خلع می‌کند.

فاروق به ایتالیا شهر (رم) (Rome) می‌رود هر شب به کاباره‌ها رفته و در کنار خوانندگان و رقاصه‌ها دیده می‌شود به طوری که در تمام رسانه‌های مهم جهان عکس‌های او در کنار رقاصه‌ها و خواننده‌های درجه چندم که لباسی سبک و خیلی یقه‌باز به تن داشتند، دیده می‌شد.

فاروق در طول چند سال زندگی با هیچ سیاستمداری ارتباط نداشت و بزرگان و شاهان دیگر کشورها نیز مانند دیگر شاهان مخلوع با او ارتباط و دوستی نداشتند.

فرزندانش یعنی فریال، فریده و نادیا در مدارس شبانه‌روزی سوییس درس می‌خواندند و نریمان همسر جدیدش دوباره ازدواج کرده بود و پسر ولیعهد فاروق فواد هم در سوئیس به تحصیل مشغول شد. فوزیه در اسکندریه به زندگی خانوادگی ادامه می‌داد نه مصاحبه‌ای می‌کرد. نه مقاله‌ای می‌نویسد و از هیچ چیز صحبت نمی‌کند. بعد از طلاق فوزیه اسرار طلاق خود با محمدرضا شاه سابق ایران را هرگز افشا نمی‌کند. حتی شهناز دختر کوچک خود را هم نمی‌بیند بعدها شهناز با اردشیر زاهدی، پسر سرلشگر زاهدی، نخست‌وزیر کودتا ازدواج کرد و صاحب دختری کوچک شد. در حدود ۲۵ سالگی به لندن سفر کرد و فوزیه با وقار و متانت همیشگی‌اش برای اولین بار از مصر خارج و عازم لندن شد تا با دخترش، شهناز پهلوی و نوه‌اش دیدار کند. یکی از مدیران وزارت خارجه بریتانیا مسئول تشریفات و ترتیب ملاقات دو شاهزاده شد و فوزیه چند روز با دختر و نوه‌اش بسر برد. چند سال بعد از این ملاقات حدود ۱۰ سال قبل از انقلاب اسلامی ایران شهناز که از ازدواجی ناموفق و تحمیلی دارد و با اردشیر زاهدی نمی‌سازد در مصاحبه‌ای با مجله زن روز مجله‌ای که اکنون هم توسط موسسه کیهان چاپ می‌شود در یک مصاحبه اختصاصی درد دل می‌کند و اشاراتی دارد به کودکی تنها و بی‌مادری خود. گرچه این اشاراتی کم و مبهم است ولی گریه شهناز به هنگام مصاحبه و این که می‌گوید تا به حال چنان به هیجان نیامده و با رسانه‌ای از زندگی خانوادگی‌اش سخنی نگفته است . عمق تنهایی و بی‌مادری شهناز را در دربار آشفته تهران بر ملاء می‌کند.

شهناز بعد از انقلاب اسلامی ایران خیلی مقیّدتر شده و حتی در روز عروسی رضا فرزند محمدرضا در آمریکا که برادر ناتنی او به شمار می‌رود، روسری و دستار بسر کرد که مطبوعات اروپا و آمریکا آن را چاپ کردند. او کمتر با زن سابق پدرش فرح و برادران و خواهران ناتنی‌اش دیده می‌شود. بعد از مرگ پدرش محمد رضا توانست بوسیله وکیل در ارث پدرش او هم سهیم شود و از چنگ فرح و فرزندانش و به قول فرح و ادعای او از ٦۰ میلیون دلاری که پدرش در بانک‌های سوئیس گذاشته بود سهم ببرد.

فوزیه به‌خاطر سرطانی که داشت و دوران پیری غمگینی که به سراغش آمده بود چند سال پیش برای معالجه به سوئیس رفت و نزد شهناز ماند.

چندی پیش رسانه‌ها نوشتند که فوزیه دختر فئواد، شاه سابق مصر و خواهر فاروق پادشاه بعدی بر اثر سرطان ریه در سوئیس درگذشت و او را برای دفن در مقبره خانوادگی‌شان به قاهره بردند.

هم‌اکنون فئواد دوم پسر فاروق پادشاه مخلوع سابق مصر و برادرزاده فوزیه که ظاهراً وارث تاج و تخت قدیمی مصر است در پاریس بسر می‌برد. او هیچ ادعائی برای بازگشت به سلطنت و کسب عنوان شاه ولیعهد را ندارد. در جریان «بهار عربی» مصر او هیچ علاقه و اشاره‌ای به بازگشت به سیاست ابراز نکرد و تنها سرگرمی وی رفتن به کلوپ شاهزادگان و ثروتمندان تبعیدی است که در پاریس گردهم می‌آیند. فئواد از همسرش جدا شده او که با همسرش فریکه در مونت کارلو ازدواج کرده بود به خاطر خرج تراشی‌های همسرش او را طلاق داد و از زن جوان هم مجبور شد که از پادشاه سعودی کمک مالی درخواست کند که خبرش در رسانه‌های فرانسه چاپ شد.

برگرفته از: مجله POINDEVUE Imag de Mound



پایان یک رمان: «تبریز مه آلود»

انقلاب اکتبر فرصت آن را پیش آورد که اعضای حزب که فراری بودند، به تبریز بازگردند... مذاکره باز هم شروع شد و چند نفر دربارهٔ خط مشی آینده صحبت کردند. بعد هم دربارهٔ پولهایی که در اختیار حزب بود، گفت‌وگو شد. تصمیم بر آن گرفته شد که بخشی ازین پول صرف تقویت امور تشکیلاتی حزب شود و بخشی دیگر بین خانواده‌های انقلابیون جان‌باخته یا فقیر و دهقانان گرسنه تقسیم شود و نیز به مبارزه با بیماریها اختصاص یابد... وقتی من این دفتر خاطرات ارزنده و غنی را خواندم و به مجید جوادزاده محترم برگرداندم، از او پرسیدم: آیا این قهرمان پدر تو بود؟ گفت: نه، او پدر من نبود. من همان مجیدی هستم که در این دفتر خاطرات از او سخن رفته است. پدر من جوادآقا بود و مادرم زینب که هر دو در سنگر نبردهای مشروطه جان باختند. پرسیدم: پس این ابوالحسن بیک که این خاطرات را نوشته، کیست؟ گفت: او همان نصرت حسینوف مکانیک است که اصلاً تبریزی بوده و در معادن نفت رامانای باکو کار می‌کرده است. حیرت زده پرسیدم: نصرت حسینوف؟ من کجا می‌توانم او را ببینم؟ او مسلماً خیلی بیشتر از آنچه در این دفتر نوشته، می‌تواند تعریف کند. مجید جوادزاده آهی کشید و گفت: متاسفانه او دیگر زنده نیست. حکومت شاه او را به جرم شرکت در قیام خلق آذربایجان تحت رهبری شیخ محمد خیابانی در سال ۱۹۲۰ در تبریز اعدام کرد.

پرسیدم: پس نینا خانم، همسر محبوب او کجاست؟ گفت: او مادر من است. در حال حاضر در یتیم‌خانه آرشاک سورنیاس مربی‌گری می‌کند. او پس از بر زبان آوردن این جملات دفتر خاطرات را در کیف خود گذاشت و دور شد.

تبریز مه آلود، محمد سعید اردوبادی، ترجمه رحیم رئیس‌نیا، چاپ اول ۱۳۷۹، انتشارات نگاه، ج ۲، ۱۲۰٦ ـ ۱۲۰٤

آخرین ملاقات

زوایای خودی و ناگفته‌ها (بخش-٣)

ادامه از صفحه ۲

تابستان آن سال ایشان به همراه آقا مصطفی در امامزاده قاسم تهران در منزل حاج آقا حسین رسولی محلاتی منزل کرده بود. سالی بود که مرا به آمریکا دعوت کرده بودند. پس از آن ملاقات، من به آمریکا رفتم و سال بعد وقایع سال ۱۳٤۲ اتفاق افتاد که دیگر من ایران نبودم.

از آن زمان من ایشان را زیارت نکردم تا سال ۱۳۵۸ که مجدداً به حضورشان رسیدم. حدود پانزده سال فاصله بین این دو ملاقات بود. سیمای امام دیگر مثل آن زمان‌ها که مقداری تار موی سیاه در محاسن داشتند، نبود و تماما سفید شده بود با کسب اجازه از حضرت امام من گزارش را شروع کردم. از اطراف به من گفتند: بس است، قطع کن، نزد امام زیاده‌روی نکن. گفتم: آقا می‌گویند من قطع کنم؟ فرمودند: خودت می‌دانی می‌خواهی بخوان، می‌خواهی نخوان در انتها رهنمودهای لازم را ارائه فرمودند. من نوارش را دارم هم صحبت‌های خودم و هم بیانات ایشان موجود است. در آن جلسه دقیقا همان نظراتی راکه سال‌های قبل داشت، تکرار کرد. مبنی بر عدم اعتنا به فرهنگ غربی و گفت: شما خواجه نصیر را مثال زدید، او یک کس دیگری بود و از یک نظر دیگر نگاه می‌کرد. الآن مردم در حال پیاده کردن اسلام هستند، دیگر این مردم یکجور دیگری شده‌اند، همین الآن یک جوانی پیش من آمده بود و می‌گفت دعا کنید من شهید شوم. باید تمام عقاید و پندارهای سابق دگرگون شود.

وقتی که صحبت ایشان تمام شد و می‌خواست برود، دست من را گرفت و گفت: چرا پیش من نمی‌آیی؟ من هم عرض کردم: اجازه بدهید من دست شما را ببوسم، شما استاد من بوده‌اید. بعد خیلی تعارف کرد. گفت: تو خودت استادی (رفتار امام با من بسیار خودمانی بود، به طوری که آقای مدرسی طباطبایی گفت همه تعجب کرده بودند و پرسیدند که این آقا چه کسی است؟)

سپس با با دستبوسی از خدمت ایشان مرخص شدیم و این آخرین دیدار ما بود. در آن دیدار احساس کردم نه تنها ایشان شخص اول در ایران بلکه در عالم اسلام هستند و فی الواقع امام امت شده‌اند. در آن ملاقات خیلی احساس خودمانی داشتم خیال می‌کردم الان همان کسانی هستیم که چهل سال پیش با هم در قم بودیم. پایان

شرح

من؛ چارلی چاپلین/١٨

شاید دانشمند!

وقتی که پدرم در شهرستان کار می‌کرد لویز نامه‌ای دریافت داشت و در آن نامه به او خبر داده بودند که مادرم از نوانخانه بیرون آمده است. یکی دو روز بعد، صاحبخانه آمد و خبر داد که زنی در پایین است و می‌خواهد سیدنی و چارلی را ببیند. لویز گفت: این مادر شماست که آمده است.

لحظه‌ای چند مات ماندیم. بعد سیدنی از پله‌ها پایین پرید تا خود را در آغوش مادر اندازد، و من هم به دنبال او رفتم. هر دو همان مادر مهربان و خندان خود را باز یافتیم و او با عشق و علاقه تمام ما را به سینه فشرد.

لویز و مادرم روی دیدن یکدیگر را نداشتند، به این جهت در تمام مدتی که من و سیدنی اسبابهامان را جمع می‌کردیم در بیرون انتظار می‌کشید. طرفین هیچ بدخلقی و بغض و کینه‌ای نسبت به هم ابراز نکردیم. راستش لویز خیلی هم مهربانی کرد، حتی نسبت به سیدنی در آن لحظه که با او وداع می‌کرد.

مادرم اتاقی در یکی از کوچه‌های باریک، پشت چهارراه کنینگتن، نزدیک کنسروسازی «هایوارد» که خیارشور و خردل تهیه می‌کرد و هر روز بعد از ظهر، بوی تند سرکه فضای آنجا را می‌آکند، اجاره کرده بود. کرایه اتاق ارزان بود و ما باز با هم در یکجا جمع شده بودیم. وضع مزاجی مادرم عالی بود، چنانکه ما هرگز فکر نمی‌کردیم که او روزی مریض بوده است.

درباره طرز گذرانی که در این دوره داشتیم اندک خاطره‌ای دارم و به یاد نمی‌آورم که در این مدت ناراحتی‌ها و مصیبت‌های شدیدی داشتیم یا مشکلات غیرقابل حلی برای ما پیش آمد. پرداخت هفته‌ای ده شلینگی که پدرم کمک می‌کرد تقریباً مرتب بود، و بدیهی است که مادرم کارهای خیاطی خود را از سر گرفته و تماسش را با کلیسا از نو برقرار کرده بود.

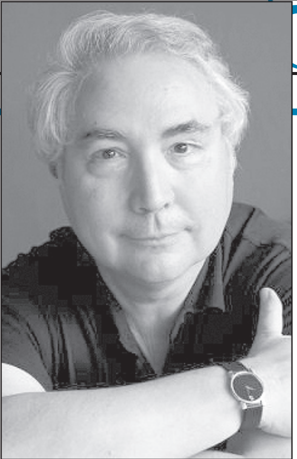
معهذا از این دوران خاطره‌ای از اتفاقی دارم که برای من پیش آمد. در انتهای کوچه ما کشتارگاهی بود و گوسفندهایی که به آنجا می‌رفتند از جلو خانه ما رد می‌شدند. یادم می‌آید که روزی یکی از گوسفندها در رفت و در کوچه پا به فرار گذاشت و بچه‌های ولگرد خوشحال از این ماجرا سر در عقب حیوان گذاشتند. بعضی سعی کردند او را بگیرند و بعضی زمین خوردند. من وقتی جست‌وخیز دیوانه‌وار حیوان مظلوم را که بع‌بع می‌کرد دیدم از بس صحنه به نظرم مضحک آمد قاه‌قاه خندیدم. ولی وقتی بالاخره آن حیوان بیچاره را گرفتند و به طرف کشتارگاه بردند واقعیت این صحنه غم‌انگیز که از اول به نظرم مضحک آمده بود مرا غرق در اندوه کرد، و من به اتاق خودمان پناه بردم و گریه کردم و خطاب به مادرم داد زدم: «او را خواهند کشت! او را خواهند کشت!» از آن به بعد روزهای متوالی آن واقعه بعدازظهر بهاری و آن تعقیب مضحک یادم بود و اینک از خود می‌پرسم که نکند آن حادثه هسته اصلی فیلم‌های آینده من یعنی ترکیب تراژدی و کمدی، یا غم و شادی را در خود نهفته داشته است؟

اکنون مدرسه افق‌های تازه‌ای در جلو چشمان من می‌گشود، و آن تاریخ و شعر و دانش بود. بقیه مواد درسی، به‌خصوص حساب، مبتذل و کسل‌کننده بودند. جمع و تفریق مرا به فکر کارمند نشسته در پشت صندوق می‌انداخت که به نظر من کار اصلیش این بود که وقتی بقیه پول یک مشتری را پس می‌دادند، نگذارد سر او کلاه برود.

تاریخ چیزی به جز زورگویی و تعدی و تبهکاری و شاه‌کشی‌های متوالی نبود و پادشاهان دستور کشتن زنان، برادران و برادرزادگان خود را داده بودند. جغرافیا فقط نقشه بود، شعر هم چیزی به جز تمرین حافظه نبود. آموزش، که مرا از معلومات و وقایعی پر می‌کرد که چندان برای من جالب نبودند.

فقط اگر کسی اندک زحمتی به خود می‌داد و برای هر ماده مقدمه مهیجی می‌خواند که می‌توانست فکر مرا نیز برانگیزد، و به جای شرح وقایع بیشتر قدرت تخیل مرا می‌پرورد، با ارقام یا با اوراق بازی چشم‌بندی‌هایی می‌کرد که مرا سرگرم و تحریکم می‌کرد، و اگر در مورد تاریخ نظر اصیل و درستی به من می‌دادند و اگر موزیک شعر را به من می‌آموختند شاید می‌توانستم مرد دانشمندی بشوم.

زمان


کاستلز

ادامه از صفحه اول

ویژگیهـای اصلی جامعه شـبکه‌ای که اینک در آغاز هزاره سـوم علایم آن در گوشـه و کناره ارض به چشم می‌خورد به اجمال عبارت است از:

* **اقتصـاد اطلاعاتـی** کـه در آن بهره‌وری و رقابت میان شرکتها و بنگاههای تجـاری، مناطـق و حوزه‌های اقتصادی و کشورها، بیش از هر زمان دیگر به معرفت و دانـش، اطلاعات، تکنولوژی لازم برای پردازش این اطلاعات، از جمله تکنولوژی مدیریت و مدیریت تکنولوژی، متکی شده اسـت. اقتصاد اطلاعاتی مشتمل است بر فعالیتهای کشاورزی و صنعتی و خدمات دهی که همگی یک سره متکی بر دانش و اطلاعات هسـتند، به علاوه توانایی بالقوه سرشـاری برای حل مسایل. در عین حال ایـن نوع اقتصادفـرا ـ صنعتی در قیاس با اقتصـاد صنعتی، در صورتی که با مقررات و قوانین مقید و محدود نشـود، از قابلیت طرد و دفع و حاشیه‌رانی به مراتب بیشتری بر خوردار است.

* **اقتصاد جهانی** که نمی‌باید آن را با اقتصاد جهان یکسان پنداشت. پدیدار دوم، به معنای انحاء مبادلات تجاری در سـطح جهان، قرنها اسـت که در جریان اسـت و امری نو ظهور به شـمار نمی‌آید. در حالی که اقتصـاد جهانی در مقـام یک واقعیت اجتماعـی نو در درونی‌ترین هسـته‌های شکل دهنده خود در برگیرنده فعالیت‌های اسـتراتژیک مسلطی اسـت که قادرند در مقـام یک واحد به هم وابسـته، انواع کار و تکاپـوی اقتصـادی را در تراز جهانی و مقیاس سـیاره‌ای در زمـان واقعی به مورد اجرا درآوردند.

اقتصادهای ملی، منطقه‌ای و محلی در نهایت متکی به دینامیسـم این نوع اقتصاد جهانی هستند و از طریق شبکه‌های اطلاعاتی و بازارها بدان وابسـته‌اند. این اقتصاد جهانی است، بدین معنی کـه آثار و عوارض و محصولات آن در سرتاسـر کره ارض پدیدار است، اما همه بخش‌های ارض مسـکون در این اقتصاد مشـارکت نـدارد و در واقع بخش چشـمگیری از جمعیت ساکن در زمین از دایره فعالیتهـا و عملکردهای این اقتصاد بیرون می‌مانند. خصلت این اقتصاد چنان است که بخشها، بازارها، و افراد غنی را به یکدیگر متصل می‌سـازد و در یک چرخه تولید سود به همکاری وا می‌دارد، و بخشها و بازارها و افراد فاقد امکانات را از محدوده عملکردهای سودآور خود طرد می‌کند.

* **فعالیت‌های اقتصادی شـبکه‌ای**. ایـن فعالیت‌هـا نوع تازه‌ای از سـازمان و تشـکیلات اسـت که مشـخصه فعالیت اقتصادی جهانی به شـمار می‌آید. این نوع سازمان به تدریج منطق خاص خود را بسط می‌دهد و بر دیگر سـازمانها و تشکیلات سـلطه پیدا می‌کند. این شـبکه یا متشکل است از بخشهایی از شرکتها و مؤسسات و بنگاههای مختلف و یا از رهگذر تقسیمات درونی در یک بنگاه بزرگ پدید می‌آید. از نمونه‌های موجود این نوع شـبکه می‌توان بـه شـرکت‌های چند ملیتـی، اتحادهای اسـتراتژیک میان مؤسسات بزرگ، شبکه فعالیت‌های اقتصادی و تجاری که به وسیله دولتها تمشیت می‌شوند، و ارتباطات میان بنگاههای خصوصی، شـبکه‌های تولید و توزیـع مواد مخدر و کالاهـای قاچاق، و شـبکه فعالیتهای اقتصادی دولتی، اشـاره کرد.

* **تحـول در نحـوه انجام کار و در ساختار اشتغال**. روابط کاری که در گذشته در ساختارهای گسـترده صنعتی یا اداری میان کارگـر و کارفرما یا رئیس و مرئوس برقـرار بود اکنون جای خود را به روابط به مراتـب قابل انعطاف‌تر در محدوده‌های با حجم کوچک‌تر از حیث شمار افراد تحت اشـتغال داده اسـت. کارمندان و کارگران برخلاف گذشـته قراردادهای اسـتخدام

درباره مانوئل کاستلز
استاد جامعه شبکه‌ای

مادام‌العمر امضا نمی‌کنند و شیوه‌های خود اشتغالی، کار پاره وقت، و اشتغال برای یک دوره موقت، رواج یافته اسـت. شرکتهای بزرگ در عین کاسـتن از شمار افراد تحت اسـتخدام خود، به مقاطعه دادن پروژه‌ها و طرحها به شرکتهای کوچک‌تر گرایش پیدا کرده‌اند. در این شـرایط هر چند در میزان بیـکاری، به طور کلی، تغییر محسوسـی صـورت نپذیرفته، اما نگرانی افراد از آینده شغلی خود احساس بی‌اعتمادی نسبت به آینده، رشد پیدا کرده است.

* **ظهور قطب‌هـای متقابل**. فرایند جهانی شدن و شبکه‌ای شدن فعالیت‌های اقتصـادی موجـب قـوت بخشـیدن به تلاش‌هـای فـردی و تضعیـف نهادهای اجتماعـی نظیر اتحادیه‌هـای کارگری و یـا دولت رفاه می‌شـود. ایـن تحولات به نوبه خـود تقابل میان آنان که به اطلاعات دسترسـی دارند و از توانایی بهره‌مندی از آن برخوردارنـد و کسـانی را که در چنین موقعیتـی قرار ندارند افزایش می‌دهد و در افراطی‌ترین شکل خود به ظهور گروههای بزرگ از افراد کاملاً به حاشـیه رانده شده و طـرد شـده از اجتمـاع اطلاعاتی منجر می‌شود.

* **فرهنگ واقعیت مجازی**. فرهنگ عصر اطلاعات در چارچوب انتقال نمادها به وسـیله واسـطه‌های الکترونیک شکل می‌گیرد. این واسطه‌های متنوع با مخاطبان گوناگونی سرو کار دارند و مجموعه‌هایی غنی از حیـث محتوای نمادین و در قالب متـون الکترونیـک در اختیارشـان قـرار می‌دهند. به این ترتیب این فضای مجازی، حاوی اطلاعات متکثر و متنوع، به صورت بخشی از واقعیت اجتماعی عصر جدید در می‌آید و فضای اصلی تعاملهای معرفتی را کم و بیش در اختیار می‌گیرد.

* **سیاست بر بال رسانه**. در فضای مسلط فرهنگ متکی به واقعیت مجازی، بازیگران سیاسـی به منظور بقا و حضور در صحنه و تأثیرگذاری بر روند تحولات ناگزیرنـد از رسـانه‌های حامل نمادهای الکترونیـک، و بخصـوص تلویزیون به صورت تمام عیار بهره‌برداری کنند. پیامی که در عرصه سیاست و از طریق رسانه‌های الکترونیک انتقال پیدا می‌کند، به اقتضای ماهیـت رسـانه و انباشـت اطلاعات و داده‌ها، صورتی سـاده بـه خود می‌گیرد. مؤثرتریـن ابزار فعالیت سیاسـی در این صحنه بهره‌گیـری از پیامهایی با محتوای منفی اسـت و مؤثرتریـن پیامهای منفی عبارتند از آنچه که بر افشاگریها، بازگویی رسواییهای اخلاقی و مالی، برجسته کردن فقدان مشروعیت سیاسی، و نقاط ضعف دیدگاههای رقیب تأکید دارند.

* **زمـان بی‌زمان و فضای جریانها**. در جامعه شـبکه‌ای مفاهیم زمان و مکان معانـی تازه‌ای پیـدا کرده‌اند که با معانی سـنتی آن در جوامـع ماقبل مـدرن و یا حتـی صنعتی تفـاوت بیّـن دارد. انتقال آنـی اطلاعـات، داده‌ها، و سـرمایه‌ها و امـکان ارتباط همزمان میان افراد در نقاط مختلـف عملاً فواصل زمانـی را از میان برداشـته است و نظم طبیعی دوران قدیم یا چارچوبهای مکانیکی جهان صنعتی را به کلی دگرگون سـاخته است. مکان نیز بـه نوبه خود با مفهوم دسترسـی یا عدم دسترسـی بـه اطلاعات و ابـزار انتقال و پردازش آن ارتباط پیدا کرده است و به این اعتبار، «حضور در مکان» معنای تازه‌ای به خود گرفته که می‌تواند تعیین‌کننده ارتباط و اتصال شـخص به جامعه شبکه‌ای و یا طـرد و حذف او از این مکان فراگیر و در عین حال انحصاری به شمار آید.

جامعهٔ شـبکه‌ای با مشـخصه‌هایی که برای آن برشـمرده شـد در ساختار و کارکردهـای غالب خود حول شـبکه‌ها و جریانهایـی شـکل گرفتـه کـه نمود ظاهر آن کاپیتالیسـتی اسـت اما این نوع سـرمایه‌داری جدید به کلی بـا آنچه که در عصـر تمدن صنعتی ظهـور یافته بود تفـاوت دارد. سـرمایه‌داری عصـر فراـ صنعتی متکی به نوعی دینامیسـم درونی اسـت که مرزی و حدی را برنمی‌تابد، از انعطاف زیاد برخوردار است و فزون‌طلب و گسـترش‌پذیر و بسـط‌یابنده و در عین حال متکی به منطق شبکه است. هر شبکه از شـماری نقـاط اتصال یا گره، مشـابه سیناپسهای سلسله اعصاب تشکیل یافته کـه سـرمایه در میان آن جریـان می‌یابد و کنتـرل بر شـبکه از طریـق آنها اعمال می‌شـود. حضور این پدیـدار در صحنه جهانـی، عالم را به دو قطب کلی، اعضای شـبکه و محرومان از عضویت در شبکه، تقسـیم می‌کند. در حالی که گروه دوم به تدریج در مسـیر نابودی و انقراض رانده می‌شـوند، هر چند که در این مسیر احیاناً به حرکاتی تند و خشـن برای جلوگیری از فنا توسـل می‌جویند، گروه نخست، به صاحبان قـدرت و کنترل‌کنندگان واقعی نظم امور بدل می‌گردند.

دینامیسـم درونی جامعه شـبکه‌ای مسـتمراً در کار شکل‌دادن روابط درونی این شـبکه است و در این مسیر با پیروی از منطق شبکه دایماً در کار مرزشـکنی و فـراروی از چارچوبهـای موجود و اسـتقرار نهادهای فراگیرتـر خواهد بود. برخی از جنبه‌های عملکرد منطق شـبکه چنینند: ریخت‌شناسی صور اجتماعی و معماری سـاختار شـبکه به گونه‌ای سـیال دایماً و دمادم در حال تطور اسـت و مسـتمراً اشـکال تازه‌ای را به ظهور می‌رساند؛ در درون شبکه سرمایه با سرعت و در حجم زیاد از نقطه‌ای به نقطه دیگر منتقل می‌شود و نظارتهـا و کنترلهـای محلـی را بی‌اثر می‌سازد؛ نیروی انسانی موجود در شبکه تفـرّد پیدا می‌کنـد و به صورت هویّتهای قابل تعویض درمی‌آید؛ بخشـها و مناطق صاحب اهمیـت و افراد واجد پیوندهای اسـتراتژیک با شـبکه، فعال می‌شوند و بخشـهای کم‌اهمیت و افراد فاقد پیوند از فعالیت بازمی‌مانند. اما شاید مهمترین جنبه منطق درونی شبکه آن است که شرایطی را به وجود می‌آورد که تحت آن بسـیاری از امور که در فضای متعارف و غیرشبکه‌ای از ماهیتـی یگانـه برخـوردار بودنـد، به‌گونه‌ای متناقض‌نما (پارادوکسـیکال) خصلتـی دوگانه پیدا می‌کننـد. به عنوان مثال، در درون جامعه شـبکه‌ای دولتهای ملی که در شـرایط متعارف نماینده اراده و حاکمیّت ملی و تمامیت ارضی هستند، از یک سـو چنان تضعیف می‌شـوند که توانایی کنترل اطلاعات یا سـرمایه را در درون مرزهای خود از دسـت می‌دهند، و از سـوی دیگر، چنان اهمیتی می‌یابند که می‌توانند بحرانهای بزرگ قومی و نژادی پدید آورند.

به این اعتبار برای تمشیت امور جامعه شبکه‌ای می‌باید از مدلهای تازهٔ دمکراسی و مشارکت در سطوح بین‌المللی بهره‌گیری کـرد. این امر به واسـطه تأثیرات پیچیده و متقابل انبوه ارزشـها، مقولات معرفتی، شبکه‌های معنایی محلی و بومی، امری به غایت دشوار استَ که هنوز چارچوبهای نظری آن با دقت در خور مشـخص نشده اسـت. برخـی گروهها نظیـر طرفداران محیط زیسـت با اتخـاذ رهیافت متکی به هویتِ جنبشـها و حرکتهای اجتماعی در تلاشند تا با تأکید بر تجربه‌های شخصی و گروهی (در برابر جنبه‌های ابزاری یعنی جنبه‌هایی که به همه امور و پدیدارها و از جمله افراد آدمی بـه منزله ابزاری جهت دستیابی به غایاتی محسوس نظر می‌کند) با برجسته‌کردن معنا در برابر کارکرد، و با تکیه بر ارزش حیات در برابر ارزشـهای منبعث از شبکه، آهنگ تحولات در درون شـبکه را به گونه‌ای حساب‌شده، تنظیم کنند.

هر چند سه مجلدِ مجموعه عظیمی که کاستلز فراهم آورده و در آن از دیدگاه جامعه‌شناسـی و با مقولات مورداستفاده جامعه‌شناسـان به تحلیل شـرایط بسیار پیچیـده جوامع در هزاره سـوم پرداخته، کلّ به‌هم پیوسـته‌ای را تشکیل می‌دهند، اما هر یک از مجلدات سه‌گانه‌ای که برای آن عنـوان کلّی عصـر اطلاعات: اقتصاد، جامعـه و فرهنگ انتخاب شـده، در عین آنکـه عهده‌دار تکمیل بخشـی از پروژه موردنظر مؤلف اسـت، خـود یک واحد مسـتقل، از حیث اطلاع‌بخشی، به شمار می‌آید. برخی از منتقدین سه‌گانهٔ پرحجم عصر اطلاعات را به معبد سـاگرادا فامیلیا در بارسـلون واقع در زادگاه کاستلز یعنی منطقه کاتالونیا تشبیه کرده‌اند که در همان حال که برخوردار از یک معماری سـبک باروک مدرن اسـت، هر گوشه آن مملو از گذرگاههای تودرتو و راهها و معبرهایی اسـت که در بدو امر از نظر پنهان می‌مانند امـا هر یـک از مکانی تـازه و متفاوت با بخشهای دیگر سردرمی‌آورند.

هـر یک از مجلـدات این مجموعه گسـترده و پرمطلب بـا یک مقدمه و یک مؤخره همراه است. نویسنده در دیباچه‌ای که بر نخستین جلد نگاشته تصویری کلی از طرحی که در ذهن داشته به خواننده ارائه داده و در نتیجه‌گیـری کلـی مجموعه در پایان سومین مجلد، کوشیده تا جریانهای متنـوع و پرشـماری را که در بخشـهای مختلـف تألیف عظیم خود معرفی کرده، در هیأتی یگانه و واحد گردآورد. کاستلز ظاهراً پس از فراگذری از رویکرد آلتوسر، از حیث شـیوه نظریه‌پردازی و تحلیل تا اندازه‌ای از کارل پوپر، فیلسـوف نامبردار اتریشـی تأثیر پذیرفتـه، در آخرین بند از آخریـن مجلد کتاب، با بیانـی که یادآور گفتـار پوپر در بخش آغازین یکی از آثار مشهور وی است.

ادامه دارد

> **سه‌گانهٔ عصر اطلاعات را به معبد ساگرادا فامیلیا در بارسلون واقع در زادگاه کاستلز یعنی منطقه کاتالونیا تشبیه کرده‌اند**

قلم

حمید مجتهدی

در باره جک لندن؛ نویسندهٔ بی‌قرار
اشتباه اندوهبار


جک لندن

هنگام نوشتن این کتاب پر آگاه بود که امکان دارد بنـگاه مکمیلان ناگزیر از چاپ آن خودداری کند و هیچ مجله‌یی دل نداشته باشد آنرا خرده خرده چاپ کند و هیچ راهی نباشد تا پول کافی برای پرداخت بهـای خوراکی که هنگام نوشـتن آن خورده بود، در بیاورد.

آنچه بیش از همه دلیرانه‌تر به چشـم می‌خورد، داشت برای حساب بانک بر سر ساختمان اسنارک رخ می‌داد. بدنبال انجام فرمان خودش: «برای رخنه‌ناپذیر و نیرومند سـاختن آن در بند چند و چون خرجش مباش.» جک گرانترین الوارهای (پوگیت ساآوند) را برای عرشـه سـفارش داد تا هیچ ضربه نوک تیزی آن را نشدی نکند، چهار آبگیر کیپ جداگانه ساخت تا چنانچه اسنارک هر اندازه زیاد نشد کرد باکش نباشد و تنها یک آبگیر پر شود، فرستاد از نیویورک یک موتور گرانبها با نیروی هفتاد اسب بخرند، چرخ لنگر بسیار عالی خرید و داد پایه‌های قالبی ویژه بسازند تا موتور بتواند به چرخ برای کشـیدن لنگر نیرو برسـاند. خواب ساختن یک حمام آراسته با دستگاهها، تلمبه‌ها، دستگیره‌ها و دریچه‌های دریایی را می‌دید. یک کرجی پارویی و پس از آن یک کرجی بزرگ موتوری خرید. بنا به دستور جک، سـینه‌یی برای اسـنارک ساختند که ارزش کمی داشت ولی هیچ موجی نمی‌توانست آن را فرا بگیرد و زیباترین سینه‌یی بود که تا آنروز در یک کشتی دیده بود. خبرنگارانی که برای مصاحبه با او فرستاده شده بودند وقتی که انگیزه گشت و گذار گفته شد نوشتند جک «پاک بچه شده» و این بازیچه تازه‌یی است و او خیال دارد با بازی با آن یک خرده سرخود را گرم کند.

در نیمه‌ی تابستان دید که ۱۰ هزار دلار روی اسنارک گذاشته و هنوز نیمه کاره نیست. این ده هزار دلار خرج، هر دلاری را که می‌توانست داشته باشد از دستش درآورده بود، حق فروش‌ها پیش پرداخت‌های بنگاه مکمیلان و ناشران انگلیسی، چهارصد دلار ازملک کلور که داستان عشق به زندگی را خریده بود و پول داستان های دیگر را که پس از به پایان رساندن داستان پیش از آدم نوشته بود، توی شکم کشتی ریخت.

گذشـته از سـاختمان کشـتی خود، از فلورا، جانی میلر و مامی جنی درخانه‌یی که برای فلورا خریده بود و از بسی و دو دخترش درخانه‌یی که برای بسی ساخته بود نگهداری می‌کرد، چارماین، روسکویامس، تا اندازه‌ایی نینتایا مس و ادوارد پاین در وایک رو بین سـربار او بودند، سـرکارگرش با کارگران سـاده‌ی زیر دسـت خود در بنگاه دامپروری درخت میکاشـت، زمین هموار می‌کرد و چیزهای مورد نیاز و ابزار می‌خرید.

سـر دبیرانی که جک در ماه فوریه نامه‌های شـورانگیز خود را برایشـان فرستاده بود به درخواست او برای پیش پرداخت در برابر مقاله‌های سفر دریایی روی خوش نشان نداند. پیدا کردن پول کافی برای نگهداری بستگان چهارده نفری، نانخورهای دیگر، کارگـران و پرداخـت دسـتمزد کارگـران اسـنارک بنام معجزه‌ی ماهانه‌ی لندن شـناخته شده بود. خردانسانی به او می‌گفت اسنارک را ول کند یا دست کم هنگامی که از پس خرجش بر نمی‌آید. یا اگر می‌خواهـد به ریختـن پول توی شکم اسنارک ادامه دهد از نوشتن داسـتان پاشـنه‌ی آهنین دست بر دارد.

جـک مـرد سـازش نبود. نوشـتن بامـدادی هـزار کلمه‌ی برانگیختـه از احسـاس بر روی داستان پاشنه‌ی آهنین را دنبال کرد و بعدازظهرها، یکشنبه و روزهای تعطیل داستان‌های کوتاه، مقاله‌ها، رسـاله‌ها و هرچه را که آن صدها و صدها دلاری را که به کار خرج اسنارک می‌رفت در بیاورد، بیرون می‌داد. مجله‌ی کسموپولیتن گذشته از خرید یک رشته از نوشته ها درباره‌ی روزهایی که او یک خانه به دوش راه‌پیمایی بود، دست آخر هزار دلار در برابر یک مقاله درباره‌ی کشتی اسنارک، پیش ازرفتن بدریا، برایش فرستاد، مجله‌ی کسموپولیتن آشکارا در رسیدن این کشتی چهل و پنج‌پایی به بندر دیگر سخت بدگمان بود.

یکم اکتبر، روزی که نقشه کشیده بود کشتی را به آب بیندازد. ۱۵ هزار دلار روی اسنارک گذاشته بود و هنوز نیمه‌کاره بود. ۲ هزار دلار مجله‌ی اوری بادی برای خرده خرده چاپ کردن داسـتان پیش از آدم، ۲ هزار دلار کسـموپولیتن، دو هزار دلار مجله‌ی وومان هوم کمپانی‌ین که قرار بود در برابر آن مقاله‌هایی درباره‌ی زندگی خانوادگی بومی‌ها بنویسـد و دسـت کم دو هزار دلار دیگر از یک دسـته داستان‌های آلاسـکایی گیرش آمد که همه را ریخت توی شکم اسـنارک، ولی دید که اگر می‌خواهد به کار در روی کشـتی ادامه دهد باید در برابر خانه‌یی که برای فلورا خریده وامی بگیرد.

سرانجام دریافت که گزینش روسکو- یا مس یک اشتباه اندوهبار است. یاس جنگی بود و کمتر می‌توانسـت از کارگران کار بکشـد. ناشایسـت بود. کارگران دو برابرکوشش می‌کردند. چندان وراج و سر به هوا بود که برای دنده سه برابر ارزش آن پول داده بود، چیزهایی می‌خرید که به درد می‌خوردْ، چک چیزهایی مورد نیاز را می‌داد ولی کسر دردسر دادن آنرا بخورد نمی‌داد. جک که درخواسته‌ها از خود که باید پیش از نوشتن در هر زمینه‌ی دانش و کوشش برآن چیرگی داشته باشد. سازش ناپذیر بود، در فکر چنین درخواستی از کسانی که بکار می‌گرفت نبود و گفته و ارزیابی خود آنان را می‌پذیرفت.

ادامه دارد

به قلم اقبال آشتیانی / حدیث نفس


مرحوم اقبال

نمی‌دانـم چـرا غالب اوقات را در عمـر خود متألمم. با اینکه از نعمت سلامت مزاج برخوردارم و از جهت دستگاه معیشت دنیز تا آن حد که خود می‌خواهم در مضیقه نیستم و احتیاجی به مردم زمانه ندارم و از سرچشمه فیض نیز پایه و مایه‌ای یافته‌ام که به حد متوسـط چیزی می‌خوانم و می‌فهمم و از این راه تمّتع برمی‌گیرم، باز به هیچ یک از این جمله، چنانکه باید خاطرم خوش نمی‌شود و همین که از حال غفلتی که اشتغال به این کارها برای من پیش می‌آرود بیرون می‌آیم و به حال خود باز می‌گردم، خیل غم گردا گرد وجودم خیمه می‌زند و در اندوه و اضطرابی عمیق فرو می‌روم. خدا می‌داند که بر منصب و یال هیچ‌کس حسد نمی‌برم و زیاد طلب نیز نیستم بلکه از قبول همین اندک مایه‌ای هم که روزگار به دست ابناء خود در اختیارم نهاد، و چند روزه عمر را باید به وسیله آن بگذرانم، عار دارم. آرزویم این است که اگر امکان داشت از این قید و بند می‌رستم و همچون مرغان هوا از خرمن بیکران طبیعت و از خوان بی‌دریغ آفرینش چینه می‌چیدم به اهتزاز و آزادی تمام بر شاخ درختان می‌نشستم و در آغوش گلها می‌آرمیدم....

نهایت خوشی من در زندگانی همان اوقاتی است که مطالعه و تماشای مناظر و آثار مشـغولم و از بختِ بد خود بسـیار شکرگزارم که به این راه هدایتم کرده است، چه اگر این وسیله نبود، حقیقتاً نمی‌دانم چگونه وجود نحیفم می‌توانست تاب تحمل این همه مصائب و آلام روحی را بیاورد و تا این حد سخت جانی به خرج دهد؟

پایان

چهل سال پیش...

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز چهارشنبه ۶ دی ۱۳۵۱،(برابر با ۲۱ ذیقعده ۱۳۹۲، ۲۸ دسامبر ۱۹۷۲) نقل شده است

ترومن در ۸۸ سالگی درگذشت

کانزاس‌سیتی ـ هری.اس.ترومن رئیس جمهور اسبق آمریکا دیروز به سن ۸۸ سالگی در کانزاس‌سیتی واقع در ایالت زادگاه خود میسوری ـ درگذشت.

مرگ ترومن که اخیرا بعلت ناراحتی‌های ناشی از ضعف طبیعی مزاج و کهولت‌سن و مخصوصا به سبب بیماریهای کبد و قلب در یکی از بیمارستان‌های کانزاس سیتی بستری شده بود در ساعت ۱۷ر۲۰ دقیقه بوقت تهران حادث شد.

پزشکان این بیمارستان اعلام کردند که علت دقیق مرگ ترومن بلافاصله پس از درگذشت وی معلوم نشده است.

خانم «بس‌ترومن» همسر ۸۷ ساله رئیس جمهور فقید آمریکا و دخترش مارگارت در خانه او که نزدیک کاخ استقلال قرار دارد از درگذشت او مطلع شدند.

ترومن ـ مردی که فرمان استعمال اولین و تنها بمبهای اتمی امریکا در پایان جنگ دوم جهانی علیه ژاپن را صادر کرد روز ششم دسامبر جاری در بیمارستان تحقیقاتی و مرکز پزشکی کانزاس پذیرفته و بستری شده بود.

سرما و یخبندان شدید باغداران مرکبات را غافلگیر کرد

جهرم ـ سرمای ۸ درجه زیر صفر در جهرم، باغداران مرکبات این شهر را غافلگیر کرد و محصول پرتقال، لیموشیرین و لیموترس در این شهر که آماده جمع‌آوری تدریجی بود سرما زده شد.

محمدحسن صرافپور خبرنگار اطلاعات در جهرم گزارش داد دو روز است سرما و یخبندان شدید و بیسابقه در این شهر حکمفرما است و بعلت کمبود کارگر، باغداران قادر به جمع‌آوری محصول نیستند و سرمایه آنان زیر تازیانه سرما، نابود میشود.

بعضی از باغداران برای سالم نگهداشتن محصول، شبها در کنار درختان لاستیکهای پوسیده اتومبیلها را آتش می‌زنند اما تهیه لاستیک نیز برای آنان مشکل است و اگر سرما ادامه یابد ناچار به تسلیم و از دست دادن سرمایه و هستی خود هستند.

گزارشی از فعالیت‌های وزارت کشاورزی طی سال گذشته
۲۹۲۰ تراکتور به کشاورزان فروخته شد

وزارت کشاورزی مقارن با برگزاری دهمین سالگرد انقلاب و جهش بسوی تمدن بزرگ کتابی منتشر ساخت که در آن خلاصه‌ای از فعالیت‌های وسیع واحدهای وابسته به این وزارتخانه در سراسر کشور منعکس است.

در بنگاه توسعه ماشین‌های کشاورزی ۲۹۲۰ دستگاه تراکتور توزیع کرده است و سازمان گوشت کشور بیش از ۳۶ هزار تن گوشت گوسفند و بز بصورت تازه و منجمد، بمنظور تنظیم مصرف گوشت خریداری و توزیع نموده است.

صنایع شیر ایران در همین سال ۶۰ هزار تن شیر پاستوریزه تهیه و توزیع کرده است. ضمناً در سالهای گذشته صندوق توسعه کشاورزی ۲ر۱ میلیارد ریال وام به ۶۳ طرح کشاورزی پرداخت نموده است.

تغییر آئین‌نامه استخدام پیمانی

آئین‌نامه استخدام پیمانی مستخدمین دولت تغییر می کند و مثل کارمندان رسمی جدول حقوق جدیدی برای مستخدمان پیمانی تازه تعیین شده است.

براساس آئین‌نامه جدیدی که در مورد وضع استخدامی کارمندان پیمانی تهیه شده است کلیه کارمندان پیمانی از مرخصی سالانه و پاداش و مزایای درمانی برخوردار می‌شوند و طبق این آئیننامه حداقل مدت خدمت کارمند پیمانی ۳ ماه و حداکثر یک سال پیش‌بینی شده است.

کارمندان پیمانی طبق این آئیننامه می توانند در صورت پیشنهاد وزارتخانه‌ها و تصویب دولت بکار خود در سازمان‌های دولتی ادامه دهند و در صورتی که در امتحانات و مسابقات استخدامی مقرر قبول شدند در سازمان محل خدمت خود جهت استخدام رسمی حق تقدم دارند.

براساس یکی از تبصره‌های آئین‌نامه جدید استخدام کارمندان پیمانی، مستخدمین پیمانی طرحهای عمران غیرمستمر مشمول محدودیت و مقررات این آئین‌نامه نیستند ولی بخدمت گرفتن پیمانی این گونه کارمندان در سازمان‌های دولتی تابع مقررات جدید خواهد بود.

واحد پلیس نظافت تشکیل میشود

شهرداری پایتخت برای حفظ نظافت شهر از پلیس نظافت کمک خواهد گرفت. افراد پلیس نظافت که مسئول کنترل نظافت محلات مختلف هستند افرادی را که به بهداشت و زیبائی و نظافت شهر لطمه بزنند، تحت تعقیب قرار میدهند.

امروز یک مقام آگاه در شهرداری تهران اعلام کرد که عده‌ای از کارشناسان شهرداری سرگرم تهیه طرحی هستند برای ایجاد یک واحد مسئول نظافت شهر که کادر آنرا پلیس نظافت شهرداری تشکیل می‌دهند به موجب این طرح، اختیارات لازم بر افراد مذکور داده می‌شود تا قادر باشند افراد متخلف را که با ریختن زباله و مازاد مصالح ساختمانی در خیابانها باعث اختلال در بهداشت محیط شوند تحت تعقیب قرار داده و آنها را جریمه نمایند.

قاب امروز



برف روبی از مجسمه های سربازان گمنام کره شمالی / منبع: Msnbc

امروز با حافظ

اگر به مذهب تو خون عاشق است مباح
صلاح ما همه آن است کآن تو راست صلاح

سواد زلف سیاه تو جاعِل الظلّمات
بیاض روی چو ماه تو فالِق الاصباح

ز چین زلف کمندت کسی نیافت خلاص
از آن کمانچه ابرو و تیر چشم نجاح

ز دیده‌ام شده یک چشمه در کنار روان
که آشنا نکند در میان آن ملاح

لب چو آب حیات تو هست قوّت جان
وجود خاکی ما را از اوست ذکر رواح

بداد لعل لبت بوسه‌ای به صد زاری
گرفت کام دلم زو به صد هزار الحاح

دعای جان تو ورد زبان مشتاقان
همیشه تا که بود متّصل مسا و صباح

صلاح و توبه و تقوی ز ما مجو حافظ
ز رند و عاشق و مجنون کسی نیافت صلاح

داستان کوتاه

مهربانی

پسر با مادر خود دعوا کرد و بلافاصله از خانه بیرون زد. او دوان دوان از منزل دور شد. دست در جیب خود کرد و دید که پول ندارد. با خود گفت که اشکال ندارد، من هیچگاه به آن خانه باز نمی گردم. به شهر رسیده بود. از کنار رستورانی رد شد. بوی رشته تازه و خوشمزه در اطراف پخش شده بود. پسر احساس گرسنگی شدید کرد و در حالی که به منظره غذا خوردن مشتریان نگاه می کرد، با خود گفت:ای کاش پول داشتم و می توانستم کاسه‌ای رشته بخورم!

در همین لحظه صاحب رستوران پسر را صدا زد و گفت: پسرم غذا می خواهی؟ پسر گفت: بله اما پولی همراه ندارم. صاحب رستوران با مهربانی گفت: اشکال ندارد بیا داخل تا غذایت را بیاورم. پسر با چشمانی پر از اشک گفت: من تحت تأثیر مهربانی شما قرار گرفتم، اما مادرم مرا با بهانه‌های کوچک می‌آزارد. صاحب رستوران گفت: چرا این گونه حرف می‌زنی؟ تو تحت تأثیر یک کاسه رشته قرار گرفتی اما مهربانی مادرت را که بزرگت کرده، از یاد برده‌ای؟ پسر به شدت تحت تأثیر حرف صاحب رستوران قرار گرفت. دوباره به خانه بازگشت و مادر را دید که با چشمانی گریان او را صدا می‌زند. مادر به محض دیدن فرزندش او را در آغوش گرفت و گفت: عزیزم برایت شام رشته پخته‌ام.

مترجم: آرش میری خانی
منبع: islamcan

امروز در تاریخ

رازی، دانشمند بزرگ ایران

دسامبر ماهی است که ابوبکر محمد ابن زکریای رازی دانشمند بزرگ ایران در آن در سال ۸۶۴ میلادی در «ری» به دنیا آمد و بسیاری از واژگانی که او در علم شیمی به کار برده است جهانی شده اند از جمله واژه شیمی که از «کیمیا» و الکل که از «الکحل» گرفته شده اند که رازی در کتاب های خود بکار گرفته است.

رازی (منسوب به ری) در پزشکی، شیمی، ریاضی، نجوم و فلسفه تحصیل و مطالعه کرده بود و از پایان دوران جوانی نیمی از سال را در بغداد و نیم دیگر را در زادگاه خود، ری، که به آن دلبستگی فراوان داشت می گذرانید و کتاب مهم و معروف خود در دانش پزشکی را به نام منصور سامانی حاکم وقت ری کرد و عنوان «طب منصوری» بر آن گذارد که نخست در ده جلد به لاتین و سپس سایر زبان های اروپایی ترجمه شده است. کتاب مهم دیگر او در پزشکی «حاوی» عنوان دارد که به صورت دائرة المعارف نوشته شده و همه اطلاعات پزشکی آن زمان در آن گرد آوری شده است.

رازی در بغداد ریاست بیمارستان «مقتدری» را بر عهده داشت. در طول توقف او در ری و بغداد، بیماران و پژوهشگران و دانشجویان پزشکی از سراسر جهان برای درمان و کسب فیض و دریافت پاسخ پرسش هایشان به دیدارش می شتافتند. کشف آبله و آبله مرغان و مشخص کردن تفاوت آنها از هم از کارهایی است که در دانش پزشکی به نام رازی ثبت شده است.

در دانش شیمی، رازی نخستین دانشمندی بود که شیمی آلی (ارگانیک) را از شیمی معدنی (غیر ارگانیک) جدا ساخت و درباره شیمی و واکنش های شیمیایی چند اثر به زبانی بسیار ساده نوشت که مهمترین آنها «اسرار» است.

رازی کاشف چند اسید از جمله اسید سولفوریک است که آنها را جهت مخالف بازها قرار داده و واکنشن های شیمیایی را که به تهیه الکل که یک باز است منجر می شود به دقت شرح داده است.

دویست کار علمی به نام رازی ثبت است و در مقایسه با سایر دانشمندان ایرانی، رازی را می توان همتر از ابن سینا خواند.

بسیاری از پژوهشگران تاریخ علوم زادروز رازی را ۲۷ دسامبر (روزی چون امروز) اعلام کرده اند.

روزی که قرارداد مرزی ۱۹۲۷ غیر قابل قبول اعلام شد

در پی چند زد و خورد هوایی و زمینی مرزی میان ایران و عراق از جمله تیراندازی یکم دی ماه ۱۳۴۴ عراقی ها به آبادان و حمله هوایی دو روز بعد از آن به چند روستای مرزی ایران که اظهارنظر روزنامه های تهران و انتقاد وسیع مردم را به دنبال داشت، هفتم دی ماه آن سال وزیرامور خارجه وقت در سنای ایران حاضر شد و اعلام کرد: «قرارداد مرزی سال ۱۹۲۷ (که از سوی انگلستان تحمیل شده بود) مخصوصا با ابهاماتی که در مورد آبراه اروندرود (شط العرب) دارد منطقی و قابل قبول نیست» که رادیو ایران همان روز در تفسیر اخبار روز، این گفته مبهم وزیر امور خارجه را «بی اعتبار اعلام شدن قرارداد ۱۹۲۷» بیان داشت و گفت که انگلیسی ها طراح این قرارداد، همه جا استخوان لای زخم باقی گذارده اند تا سازش و آرامش وجود نداشته باشد که همان سیاست «تفرقه افکن و حکومت کن» آن دولت است.

رادیو بغداد به نوبه خود ایران را متهم به حمایت از نافرمانی کردهای عراقی به خواست یک دولت دیگر (اشاره به آمریکا) کرد و ... و از انتقامگیری سخن گفت که از باب احتیاط، ارتش یکم ایران (کرمانشاه) و یکان های نیروی دریایی ایران به حالت آماده باش در آمدند.

از زمان کودتای ژنرال قاسم در عراق (تابستان سال ۱۹۵۸) و تا وقتی که مسکو در عراق نفوذ داشت، شوروی محرّک ضدیت دولت بغداد با ایران بود.

اختلاف مرزی ایران و عراق که گاهی با برخوردهای مرزی و تهدید همراه بود تا ۱۹۷۵ (دیدار شاه سابق و صدام حسین در الجزیره) و امضای قرارداد الجزایر ادامه داشت و با این قرارداد پایان یافته تلقی شده بود که صدام اواخر تابستان ۱۹۸۰ آن قرارداد را کان لم یکن اعلام کرد و در سپتامبر آن سال با جمهوری اسلامی وارد جنگ شد و چون پس از هشت سال جنگ، کاری از پیش نبرد به قبول مجدد قرارداد تن داد.

www.iranianshistoryonthisday.com

جدول سودوکو



قانون های حل جدول سودوکو:

۱ـ در هر سطر و ستون باید اعداد ۱ تا ۹ نوشته شود بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲ـ در هر مربع ۳×۳ اعداد ۱ تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو (Sudoku) یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می رسد.

آسان ۱۳۵۷

			۸		۶	۵	۴	
۵			۲	۹			۷	
	۷			۴		۲		۳
۳		۹	۶				۵	
۷		۵				۶		۹
	۱				۷	۳		۸
۴		۲		۶			۸	
	۵			۳	۲			۷
	۶	۷	۴		۵			

دشوار ۶۸۰

۲	۸	۷						
		۱		۸				۹
۳	۶		۴					
۷			۹				۴	۵
	۳		۷		۵		۱	
۹	۱				۶			۳
					۸		۳	۴
۸				۷		۵		
						۸	۷	۲

حل جدول شماره ۱۳۵۶

۲	۴	۷	۹	۸	۱	۳	۶	۵
۳	۶	۵	۲	۴	۷	۹	۸	۱
۹	۸	۱	۳	۶	۵	۲	۴	۷
۷	۲	۴	۱	۵	۹	۸	۳	۶
۸	۹	۳	۷	۲	۶	۱	۵	۴
۱	۵	۶	۴	۳	۸	۷	۲	۹
۶	۷	۲	۸	۱	۴	۵	۹	۳
۴	۳	۹	۵	۷	۲	۶	۱	۸
۵	۱	۸	۶	۹	۳	۴	۷	۲

حل جدول شماره ۶۷۹

۶	۹	۵	۱	۲	۷	۸	۴	۳
۸	۴	۳	۶	۹	۵	۱	۲	۷
۱	۲	۷	۸	۴	۳	۶	۹	۵
۵	۶	۹	۷	۳	۱	۲	۸	۴
۲	۱	۸	۵	۶	۴	۷	۳	۹
۷	۳	۴	۹	۸	۲	۵	۶	۱
۴	۵	۶	۲	۷	۹	۳	۱	۸
۹	۸	۱	۳	۵	۶	۴	۷	۲
۳	۷	۲	۴	۱	۸	۹	۵	۶

اطلاعات
آذربایجان شرقی

چهارشنبه ۶ دی ۱۳۹۱ - ضمیمه شماره ۲۵۴۹۰

بهره برداری از یادمان آرامگاه شاعر بزرگ، «حکیم نباتی» در روستای تاریخی اوشتبین



تبریز-خبرنگار اطلاعات: معاون فرهنگی اجتماعی و گردشگری سازمان منطقه آزاد ارس از اتمام احداث یادمان آرامگاه حکیم ابوالقاسم نباتی شاعر نامی خطه آذربایجان در روستای توریستی اوشتبین خبر داد.
عادل نجف زاده گفت: مقبره جدید آرامگاه این شاعر نامی آذربایجان با هزینه ی چهار میلیارد ریال توسط منطقه آزاد ارس طراحی و اجرا شده است.
نجف زاده با اشاره به اینکه مسیر دسترسی به مقبره حکیم نباتی صعب العبور بوده و در دره قرار دارد افزود: در حال حاضر پروژه احداث مقبره به اتمام رسیده و مسیر دسترسی به مقبره بصورت پله های بتنی در حال احداث می باشد.
وی گفت: این یادمان نقش مهمی در ارج نهادن به مقام شاعر بزرگ آذربایجان داشته و گردشگران را بیش از پیش با آن شاعر آشنا خواهد کرد.
حکیم سید ابوالقاسم نباتی(۱۱۹۲-۱۲۶۲ه.ق)در روستای «اوشتبین» در ولایت قراداغ آذربایجان به دنیا آمده و در همان جا دفن شده است.
وی در علوم دینی وعرفانی تحصیلات عمیقی داشته و به سه زبان تورکی و عربی و فارسی آثاری از خود بر جای گذاشته است.
اوشتبین در ۱۰۰ کیلومتری شهر جلفا بوده و یکی از قدیمی ترین و زیبا ترین روستاهای حاشیه رود خانه ارس می باشد و خانه های مزین به سر درها و کتیبه های مرمرین دوره صفویه و طبیعت جذاب با جنگلی از میوه های متنوع، این روستا را دهکده سلامت نام نهاده و در زمره آثار ملی ثبت شده قرار داده است.
دیوان های تورکی و فارسی، رساله«عین العشق» و پاره ای از اشعار عربی وی دو قرن است که در میان دوستداران عرفان اسلامی و اغلب دراویش و عرفا دست به دست می گردد.
اشعارش بسیار شورانگیز و عاری از هرگونه تعقیدات لفظی و سرشار از صنایع زیبای ادبی است.

صعود عظیم قیچی ساز به قلل ماکالو و لوتسه

تبریز-خبرنگار اطلاعات: پرافتخارترین کوهنورد ایران، برای رسیدن به رکورد صعود به ۱۴ قله ی بالای هشت هزار متر جهان به قلل ماکالو و لوتسه صعود می کند.
عظیم قیچی ساز درخواست و مدارک پزشکی خود را در این زمینه به فدراسیون کوهنوردی ارسال کرده است.
قیچی ساز تا به امروز ۱۰ قله ی بالای ۸۰۰۰ متر جهان را فتح کرده و ۴ قله را پیش روی دارد.
عظیم قیچی ساز، پیش از این قرار بود به قلل "شیشاپانگما" و "چوآیو" صعود کند، ولی به علل مشکلات روادید از سوی کشور چین در تبت، اینک باید به قلل "ماکالو" و "لوتسه" در نپال صعود کند.
این کوهنورد تبریزی در طول دوران کوهنوردی حرفه ای خود و تلاش برای ثبت رکورد فتح ۱۴ قله بالای ۸۰۰۰ متر جهان در سال ۸۴ قله اورست، بام جهان، را فتح کرد و سپس در سال ۸۷ قله ی برویپک به ارتفاع ۸۰۴۸ متر، در بهار ۸۹ دائولاگیری به ارتفاع ۸۱۶۷ مت، در تابستان ۸۹ نانگاپاربات به ارتفاع ۸۱۲۵ متر، بهار ۹۰ کانچن چونگا به ارتفاع ۸۵۸۶ متر (اولین ایرانی فاتح قله)، تابستان ۹۰ قله گاشربروم دو به ارتفاع ۸۰۳۵ متر، تابستان ۹۰ قله گاشربروم یک به ارتفاع ۸۰۶۸ متر، بهار ۹۱ قله آناپورنا ۸۰۹۱ متر (اولین ایرانی فاتح قله)، تابستان ۹۱ قله K2 به ارتفاع ۸۶۱۱ متر و پاییز ۹۱ ماناسلو به ارتفاع ۸۱۶۳ متر را فتح کرده است.
عظیم قیچی ساز برای فتح ۱۴ قله ، ۴ قله "چوآیو" ۸۲۰۱ متر و "شیشاپانگما" ۸۰۲۷ متر در تبت و "لوتسه" ۸۵۱۶ متری و "ماکالو" ۸۴۸۵ متری را در نپال پیش روی دارد.
شایان ذکر است که یکی از مهم ترین رکوردهای عظیم قیچی ساز، صعود به ۴ قله بالای ۸۰۰۰ متر در عرض ۴ ماه است.

کاهش ۶ ساعتی حمل و نقل ریلی با احداث خط آهن تبریز- میانه

تبریز- خبرنگار اطلاعات: مسئول طرح های مهر ماندگار استانداری آذربایجان شرقی از کاهش شش ساعتی حمل و نقل ریلی با اتمام پروژه خط آهن میانه -تبریزخبر داد.
یوسف قلی پور درحاشیه بازدید از تونل شیبلی پروژه خط آهن میانه -تبریز با بیان این مطلب اظهار داشت :در حال حاضر مسافرت های بین شهری تبریز- تهران با خطوط ریلی حدود سیزده ساعت طول می کشد که با اتمام پروژه میانه - تبریز این زمان به شش ساعت کاهش پیدا می کند.
وی افزود: پروژه دو خطه کردن خط راه آهن میانه- تبریز از سال ۱۳۸۰ شروع شده و سه هزارو ۴۲۸ میلیارد ریال اعتبار تا پایان سال مالی ۱۳۹۰ هزینه شده است.
قلی پور با اشاره به اینکه درسال جاری یک هزار و ۹۰ میلیارد ریال اعتبارتخصیص یافته است، تصریح کرد: پیشرفت فیزیکی کل پروژه از نظر زیر ساخت تاکنون حدود ۷۴ درصد است.
وی با اشاره به اینکه این طرح از شهرستان بستان آباد به سمت تبریز، طرح مهر ماندگار محسوب نمی شود، گفت: چهار هزار و ۴۲۰ میلیارد ریال نیز برای اتمام پایان پروژه دو خطه کردن راه آهن میانه - تبریز نیاز است.
پیمانکار سازمان توسعه راه های ایران طول مسیر با اشاره به طلب ۱۶۰میلیارد ریالی شرکت از وزارت راه و شهرسازی گفت: با دریافت مطالبات کارکرد دو خطه کردن راه آهن تبریز- میانه تا یک سال آینده احداث این پروژه به اتمام می رسد.
علی کوزه گری افزود: تونل شیبلی با سه هزار و ۸۰۰ متر طول مهمترین تونل پروژه دو خطه کردن خط راه آهن میانه- تبریز محسوب می شود.
کوزه گری تصریح کرد:از عملیات حفاری این تونل ۲۸۰ متر باقی مانده است که امید می رود تا پایان سال جاری عملیات حفاری تونل ریلی شیبلی به پایان برسد.
وی تصریح کرد در صورت تامین اعتبارات مالی از وزارت راه و شهرسازی پروژه در عرض یک سال ۴۰درصد دیگر پایان خواهد یافت.

آگهی حصر وراث

خانم پروین رحیم زاده گاوگانی فرزند حاجی دارای شماره شناسنامه ۴۲۶۷ به شرح دادخواست به کلاسه ۹۱–۸۰۸ از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده وچنین توضیح داده که شادروان حمید ذریه عباسی به شماره شناسنامه ۳۸۷ درتاریخ ۹۱/۸/۲۰ دراقامتگاه خود بدرود زندگی گفته ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به :

۱–حسین ذریه عباسی فرزند حمید به ش ش ۹۲۰۸۲ متولد ۱۳۵۳ نسبت پسر متوفی
۲–رضوان ذریه عباسی فرزند حمید به ش ش ۶۹۹۴۶متولد ۱۳۴۱ نسبت دختر متوفی
۳– مهر انگیز ذریه عباسی فرزند حمید به ش ش ۷۴۹۲۲ متولد ۱۳۴۲ نسبت دختر متوفی
۴–اکرم ذریه عباسی فرزند حمید به ش ش ۷۴۹۲۳ متولد ۱۳۴۳ نسبت دختر متوفی
۵–سریه ذریه عباسی فرزند حمید به ش ش ۷۹۴۶۲ متولد ۱۳۴۶ نسبت دختر متوفی
۶–لیلا ذریه عباسی فرزند حمید به ش ش ۸۸۵۴۲ متولد ۱۳۵۰ نسبت دختر متوفی
۷–یوسف ذریه عباسی فرزندحمید به ش ش ۹۲۷۴۵ متولد ۱۳۵۴ نسبت پسر متوفی
۸–صادق ذریه عباسی فرزند حمید به ش ش ۰–۰۱۵۵۰۰ –۱۶۹ متولد ۱۳۷۶ نسبت پسر متوفی
۹–پروین رحیم زاده گاوگانی فرزند حاجی به ش ش ۴۲۶۷ متولد ۱۳۳۶ نسبت همسر متوفی

اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را دریک نوبت یک مرتبه آگهی مینماید تا هرکس اعتراضی دارد ویا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به شورای حل اختلاف حوزه یک گوگان تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد .

**قاضی شوراهای حل اختلاف حوزه قضایی بخش گوگان
رحیمی**

آگهی حصر وراث اصلاحی

خانم رحیمه سلطان حسینی تیمورلوئی فرزند احمد دارای شماره شناسنامه ۶۳ به شرح دادخواست به کلاسه ۹۱–۸۰۵ از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده وچنین توضیح داده که شادروان ناصر سلطان حسینی تیمورلوئی به شماره شناسنامه ۱۹ درتاریخ ۹۰/۱۱/۲۰ دراقامتگاه خود بدرود زندگی گفته ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به :

۱–رحیمه سلطان حسینی تیمورلوئی فرزند احمد به ش ش ۶۳ متولد ۱۳۶۳ نسبت زوجه متوفی
۲–امیررضا سلطان حسینی تیمورلوئی فرزند ناصر به ش ش ۵–۰۳۲۲۸۴–۱۶۹متولد ۱۳۸۶ نسبت پسر متوفی
۳– مریم موسی پور تیمورلوئی فرزند علی اکبر به ش ش ۲۲۷۸ متولد ۱۳۲۹ نسبت مادر متوفی
۴– حیدر علی سلطان حسینی فرزند حسین به ش ش ۲۶ متولد ۱۳۳۳ نسبت پدر متوفی

اینک باانجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت یک مرتبه آگهی می نماید تاهرکس اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد اوباشد ازتاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به شورای حل اختلاف حوزه یک گوگان تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد .

**قاضی شوراهای حل اختلاف حوزه قضایی بخش گوگان
رحیمی**

آگهی حصر وراثت

خانم فاطمه سیاری صوفیانی بشناسنامه شماره ۴۲۱۶بشرح دادخواست بکلاسه ۹۱/۱–۶۵۷ش ح از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده وچنین توضیح داده که شادروان احمد سیاری صوفیانی بشناسنامه ۱۹درتاریخ ۹۱/۸/۵ دراقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به :

۱–ملاحت سیاری صوفیانی ، فرزند احمد ، ش . ش ۵۰۴۴ ، ش.ملی ۶۲۳۹۲۸۰۸۵۲ ، متولد ۱۳۴۸، دخترمتوفی
۲– فاطمه سیاری صوفیانی ، فرزند احمد ، ش .ش ۴۲۱۶،ش.ملی ۶۲۳۹۲۷۲۷۹۵، متولد ۱۳۴۲، دختر متوفی
۳–فاطمه غلامی ، فرزند احمد ، ش.ش ۳۴۳۷، ش.ملی ۶۲۳۹۲۶۵۰۲۰ ، متولد ۱۳۱۵ ، همسر

اینک باانجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را دریک نوبت آگهی می نماید . تاهرکسی اعتراضی دارد ویا وصیت نامه از متوفی نزد اوباشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یکماه به شورا تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.

**قاضی شورای حل اختلاف واحد ۱ صوفیان
ولیزاده**

گواهی حصر وراثت

حسب حکایت پرونده کلاسه ۳۳۰–۹۱/۱۰ شادروان مرحوم عیسی لطفی انرجان درتاریخ ۹۰/۱۲/۲۱ فوت نموده و وراث حین الفوتش عبارتند از:

ردیف	نام	شهرت	ش ش	تاریخ تولد	نسبت مرحوم
۱	صاحب	رحمتی انرجان	۷	۱۳۳۰	همسر متوفی
۲	علی	لطفی انرجان	۶۲۶	۱۳۶۱	پسرمتوفی
۳	ناصر	لطفی انرجان	۸۷	۱۳۶۴	پسرمتوفی
۴	نادر	لطفی انرجان	۱۲۸	۱۳۶۶	پسرمتوفی
۵	حمید	لطفی انرجان	۵۰۱	۱۳۴۹	پسرمتوفی
۶	مجید	لطفی انرجان	۱۱۶۴	۱۳۵۷	پسرمتوفی
۷	نرگس	لطفی انرجان	۵۸۰	۱۳۵۹	دختر متوفی
۸	فاطمه	لطفی انرجان	۱۱۶۵	۱۳۵۵	دختر متوفی
۹	اشرف	لطفی انرجان	۵۰۲	۱۳۵۰	دختر متوفی

برای یک نوبت آگهی می شود تاچنانچه اعتراضی بود ، یا وصیت نامه ای از متوفی نزد کسی باشد ظرف مد ت یک ماه از تاریخ نشر این آگهی به شورای حل اختلاف واحد ۱۰ تقدیم والا وصیت نامه ای جز سری و رسمی پذیرفته نخواهد شد .

رئیس شورای حل اختلاف واحد ۱۰ بستان آباد

گواهی حصر وراثت

حسب حکایت پرونده کلاسه ۳۱۹/۹۱/۱۰ شادروان مرحوم آقای عبداله بصیری بنه کهل درتاریخ ۸۳/۸/۲ فوت نموده ووراث حین الفوتش عبارت است از :

ردیف	نام	شهرت	ش ش	تاریخ تولد	نسبت مرحوم
۱	مستوره	سپهدار بنه کهل	۱۱۱۲	۱۳۲۳	همسر متوفی
۲	محمد	بصیری بنه کهل	۲۱۵۴	۱۳۵۹	پسر متوفی
۳	علی	بصیری بنه کهل	۱۹۷۶	۱۳۵۲	پسر متوفی
۴	جمیله	بصیری بنه کهل	۱۶۸۲	۱۳۳۹	دختر متوفی
۵	علویه	بصیری بنه کهل	۱۶۸۳	۱۳۴۱	دختر متوفی
۶	فریده	بصیری بنه کهل	۲۰۸۳	۱۳۵۶	دختر متوفی

برای یک نوبت آگهی می شود تاچنانچه اعتراضی بوده یا وصیت نامه ای از متوفی نزد کسی باشد ظرف یک ماه از تاریخ نشر این آگهی به شورای حل اختلاف واحد ۱۰ تقدیم والا وصیت نامه ای جز سری و رسمی پذیرفته نخواهد شد .

شورای حل اختلاف واحد ۱۰ بستان آباد

گواهی حصر وراثت

حسب حکایت پرونده کلاسه ۳۵۲/۹۱/۱۰ شادروان مرحوم آقای مختار بهروزی آتباتان درتاریخ ۹۱/۷/۱۵ فوت نموده ووراث حین الفوتش عبارتند از :

ردیف	نام	شهرت	شماره شناسنامه	تاریخ تولد	نسبت مرحوم
۱	رضا	بهروزی آتباتان	۹–۰۳۰۵۶۴–۱۷۱	۱۳۷۶	پسر متوفی
۲	حسن	بهروزی آتباتان	۳۱۲۶	۱۳۵۷	پسر متوفی
۳	یوسف	بهروزی آتباتان	۳۱۲۵	۱۳۵۶	پسر متوفی
۴	افسانه	بهروزی آتباتان	۹۶	۱۳۶۳	دختر متوفی
۵	فاطمه	بهروزی آتباتان	۴–۳۵۸۸۷–۱۷۱	۱۳۸۰	دختر متوفی
۶	سودابه	بهروزی آتباتان	۴–۰۱۷۸۹۱–۱۷۱	۱۳۷۲	دختر متوفی
۷	معصومه	بهروزی آتباتان	۵۰۳۸	۱۳۵۹	دختر متوفی
۸	زهرا	مردی آتباتان	۳۹۴	۱۳۳۵	همسر متوفی

مراتب برای یک نوبت آگهی می شود تاچنانچه اعتراضی بود . یا وصیت نامه ای از متوفی نزد کسی باشد ظرف مدت یک ماه از تاریخ نشر این آگهی به شورای حل احتلاف واحد ۱۰ تقدیم والا وصیت نامه ای جز سری و رسمی پذیرفته نخواهد شد .

شورای حل اختلاف واحد ۱۰ بستان آباد

آگهی حصر وراثت

آقای جلال یار محمدی بشماره شناسنامه ۲ باستناد شهادتنامه وگواهی فوت ورونوشت شناسنامه ورثه درخواستی بشماره ۹۰–۶۹ تقدیم این شورا نموده چنین اشعار داشته است که شادروان ابراهیم یارمحمدی بشناسنامه شماره ۲۷۶ درتاریخ ۸۹/۱۱/۱۶ دراقامتگاه دائمی خود درگذشته و ورثه حین الفوت وی عبارتند از :

۱–جلال یارمحمدی ت.ت ۱۳۶۰ ش.ش ۲ نسبت فرزند
۲– موسی یارمحمدی ت.ت ۱۳۶۲ ش.ش ۲۲ نسبت فرزند
۳–یوسف یار محمدی ت . ت ۱۳۶۵ ش.ش ۲۹ نسبت فرزند
۴–جبار یارمحمدی ت . ت ۱۳۶۷ ش .ش ۶۵ نسبت فرزند
۵–حکیمه یار محمدی ت.ت ۱۳۶۱ ش.ش ۵۹۷ نسبت فرزند
۶–راضیه یارمحمدی ت .ت ۱۳۷۰ ش.ش ۵۰۷۰۰۵۵۸۳۶ نسبت فرزند
۷–آغچه حبیب پور ت .ت ۱۳۳۸ ش.ش ۱۱ نسبت زوجه

می باشد وغیر از اینها وراث دیگری ندارد مراتب برای یک نوبت آگهی می شود چنانچه اعتراضی بود یا وصیتنامه ای از متوفی نزد کسی باشد ظرف یک ماه اعلام والا هیچ وصیتنامه ای چه رسمی وچه سری از کسی پذیرفته نخواهد شد .

**قاضی شوراهای حل اختلاف حوزه قضایی لیلان
نیکانفر**

بهره‌برداری از نهمین تصفیه‌خانه فاضلاب آذربایجان شرقی در بستان‌آباد

تبریز-خبرنگار اطلاعات: مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب آذربایجان شرقی گفت: عملیات اجرایی تصفیه‌خانه فاضلاب بستان‌آباد با هزینه‌ای بالغ بر ۶۰ میلیارد ریال به اتمام رسیده و بزودی با حضور مقام عالی وزارت نیرو به بهره‌برداری کامل می‌رسد.

رضا پوررجب با اشاره به موقعیت جغرافیایی تصفیه‌خانه فاضلاب شهر بستان‌آباد اظهار کرد: تصفیه‌خانه فاضلاب شهر بستان‌آباد در ۳ کیلومتری شمال شهر بستان‌آباد و در کنار رودخانه «اوجان‌چای» در زمینی به مساحت حدود ۸٫۵ هکتار احداث شده است.

وی ادامه داد: فاضلاب جمع‌آوری شده در انتهای شبکه توسط خط انتقال به تصفیه‌خانه هدایت می‌شود.

مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب آذربایجان‌شرقی در خصوص مشخصات سیستم تصفیه‌خانه فاضلاب شهر بستان‌آباد گفت: سیستم تصفیه فاضلاب بستان‌آباد از نوع سیستم SBR پیشرفته بوده است و با توجه به سابقه اجرای تصفیه‌خانه به روش سیستم SBR در شهر مراغه و عملکرد مناسب این سیستم و براساس مطالعات مهندسی مجدد و مقایسه هزینه‌های اجرایی سیستم تصفیه‌خانه فاضلاب به روش لجن فعال با هوادهی گسترده (روش قدیمی) با روش تصفیه SBR پیشرفته با جریان مداوم فاضلاب ورودی که حداقل ۲۰ درصد در هزینه‌های اجرایی به روش جدید صرفه‌جویی می‌شود.

وی افزود: سیستم تصفیه‌خانه فاضلاب بستان‌آباد از روش قدیمی (لجن فعال) به روش جدید (SBR پیشرفته) تغییر داده شد و در حال حاضر براساس SBR پیشرفته در حال اتمام است.

پوررجب عنوان کرد: با توجه به حذف نیترات و فسفر فاضلاب در این روش، پساب خروجی می‌تواند پس از ورود به رودخانه، مورد استفاده مصارف کشاورزی و آب‌های سطحی قرار گیرد.

مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب آذربایجان‌شرقی بیان داشت: تصفیه فاضلاب بستان‌آباد در حال حاضر در یک مدل طراحی شده که جمعیت تحت پوشش مدل اول آن برای ۳۰ هزار نفر طراحی شده است.

پوررجب در ادامه به پیشرفت طرح تصفیه‌خانه فاضلاب بستان‌آباد اشاره کرد و ابراز داشت: تمام عملیات اجرایی اعم از عملیات ساختمانی، نصب تجهیزات مربوطه، عملیات اجرایی کابل کشی و راه‌اندازی تجهیزات به اتمام رسیده و بزودی به بهره‌برداری کامل می‌رسد.

پوررجب در پایان خاطرنشان کرد: تصفیه‌خانه فاضلاب بستان‌آباد، پنجمین تصفیه خانه فاضلاب است که در دوران خدمت دولت نهم و دهم در این استان به بهره‌برداری می‌رسد.

حمید شاهی فروشنده مطبوعات تبریز درگذشت

تبریز- خبرنگار اطلاعات: جمعه ۱ دی ماه، یکی از فروشندگان دوره گرد مطبوعات در تبریز درگذشت.

حمید شاهی ۴۴ ساله، بیش از ۱۵۰ کیلوگرم وزن داشت و سالها بود با مشکل چاقی دست و پنجه نرم می کرد.

شاهی که برای رفت و آمد در شهر از موتورسیکلت خود استفاده می کرد، روزنامه هایش را در سه راهی ولیعصر به فروش می رساند.

فروشنده مطبوعات تبریز همسر و دو فرزند پسر داشت و در آرامستان وادی رحمت حضور اهالی مطبوعات تبریز با به خاک سپرده شد.

از خداوند متعال برای بازماندگان وی طلب صبر داریم.

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده نوبت اول

بدینوسیله به اطلاع کلیه اعضای محترم شرکت تعاونی مصرف کارکنان بهداری میانه می رساند مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده این شرکت راس ساعت۱۱ روز پنجشنبه مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۲۱ در محل سالن اجتماعات شبکه برگزار می گردد. از کلیه اعضای محترم شرکت تعاونی دعوت می گردد تا در جلسه مذکور حضور بهم رسانیده و یا نماینده تام الاختیار خود را به صورت مکتوب معرفی نمایند.

دستور جلسه:

۱- گزارش هیئت مدیره و بازرس

۲- رسیدگی و اتخاد تصمیم در باره ترازنامه بیلان و حساب سود و زیان و گزارش مالی هیئت مدیره و بازرس مربوط به سال ۹۰

۳- انتخاب بازرس برای مدت قانونی

سایر مواردی که طبق اساسنامه و قوانین و مقررات بر عهده مجمع عمومی قرار دارد.

رئیس هیئت مدیره شرکت تعاونی مصرف بهداری میانه- حسن مسلمیان

آگهی تغییرات

پیرو آگهی شماره ۶۶۳۵/ ۱۰۴/۱۸-۹۱/۰۶/۴ بموجب صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخه ۹۱/۰۹/۰۲ که بانضمام سایر مدارک دیگر طی نامه شماره ۶۸۱۸-۹۱/۹/۰۲ اداره تعاون کار و رفاه اجتماعی بستان آباد و ضمن تأئید در مورخه ۹۱/۱۰/۰۲ به این اداره رسیده تغییرات ذیل درشرکت تعاونی ۷۲۵۹ خیاطی میخک سعید آباد به شماره ثبتی ۶۲۱ و شناسه ملی ۱۴۰۰۲۴۳۹۹۴۵ بعمل آمده که جهت اطلاع عموم آگهی می گردد:

- سرمایه شرکت از مبلغ ۱۰۵۰۰۰۰۰ ریال به مبلغ ۶۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال افزایش یافت وافزایش سرمایه از طریق ارزش سهام بوده ودرنتیجه ارزش هر سهم کلا به تعداد ۷ سهم از ۱۵۰۰۰۰۰ ریال به ۹۰۰۰۰۰۰ ریال افزایش یافت و برابر گواهی صادره بانک توسعه تعاون شهرستان بستان آباد مبلغ مزبور در حساب شرکت موجود می باشد. تغییرات فوق درمورخه ۹۱/۱۰/۰۲ ذیل دفتر ثبت شرکتها و موسسات غیر تجاری ثبت ودرمورخه ۹۱/۱۰/۰۲ از لحاظ امضاء ذیل دفاتر تکمیل گردیده است .

حقی
رئیس اداره ثبت اسناد واملاک بستان آباد

آگهی اخطار نظریه کارشناسی
طبق ماده ۱۸ آئین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی

پیرواخطاریه شماره ۵۶۷۱ مورخه ۹۰/۰۶/۰۵ بدینوسیله به شرکت معدن گرانیت حصار ۲ شاهین دژ بشماره ثبتی ۵۰۸ باامضای حسین عابدی به نشانی: تبریز - خیابان لاله -۱۴ متری شهید فلاح نژاد روبروی مسجد امام جعفر صادق پلاک ۹/۱۳۰ (بعنوان مدیون) ابلاغ می شود که راجع به ارزیابی ششدانگ پلاک ۱۳۰۷ فرعی از ۹۴ اصلی بخش ۹ تبریز واقع در اراضی روستای سعید آباد که در پرونده اجرایی به کلاسه ۹۲/ش تشکیلی علیه شما طی سند شماره ۲۸۷۲۶-۸۶/۱۰/۱۷تحت رهن بانک ملی تکاب شعبه ۵۳۵۱ قرارگرفته عنایتاً به نامه کارشناس به وارده ۶۹۲۱-۹۱/۶/۹ مبنی بر اشتباه درجمع ارقام مبلغ ارزیابی ۱۳۲۹۵۰۰۰۰۰۰/- ریال معادل سیزده میلیاردو دویست ونود وپنج میلیون ریال صحیح می باشد چنانچه اعتراضی نسبت به ارزیابی مزبور دارید از تاریخ انتشار این آگهی که روز ابلاغ اخطاریه محسوب می شود ظرف پنج(۵) روز کتباً اعتراض خود را به اداره بانضمام قبض صندوق حاکی از پرداخت مبلغ سه میلیون ریال دستمزد کارشناس تحویل و رسید اخذ نمایید والا درصورت عدم اعتراض یا عدم تسلیم قبض صندوق مربوط به دستمزد تجدید کارشناسی پیوست برگ اعتراض آگهی مزایده از مبلغ نامبرده بالا منتشرخواهد شد.

تاریخ انتشار: چهارشنبه ۹۱/۱۰/۶

محمد علی حقی - رئیس ثبت اسناد و املاک بستان آباد

آگهی انتقالی
شرکت راه و ساختمانی عمران آزمون آسای سمند (سهامی خاص)

به موجب نامه شماره ۲۰۶۴۵ به مورخه ۹۱/۸/۳۰ و به موجب صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۹۱/۸/۱ مرکز اصلی شرکت راه و ساختمانی عمران آزمون آسای سمند (سهامی خاص) به شماره ثبت ۱۱۳۶۰ واحد ثبتی ساری به نشانه آذربایجان شرقی- ملکان - شهر لیلان -خ انقلاب پلاک ۱۶۹ انتقال یافت و در این اداره تحت شماره ۷۳۲ به ثبت رسیده و تاریخ ۹۱/۹/۱۸ از لحاظ امضاء ذیل دفاتر تکمیل گردیده و جهت اطلاع عموم آگهی می شود.

آکسه - رئیس ثبت ملکان

جناب آقای سعید شاهی

بانهایت تاسف وتالم درگذشت برادر مکرمتان مرحوم حمید شاهی یکی از فروشندگان زحمتکش مطبوعات درتبریز را به جنابعالی وهمکاران مطبوعاتی وسایر بازماندگان از صمیم قلب تسلیت گفته وخود را درغم شماشریک می دانم . از خداوند متعال رحمت الهی برای آن مرحوم و صبر وشکیبائی برای جنابعالی و بازماندگان مسئلت دارم .

سرپرستی نمایندگان وخبرنگاران موسسه اطلاعات
در آذربایجان شرقی - کاظم نیک رفتار

جناب آقای سعید شاهی

باکمال تاسف وتاثر درگذشت برادرمکرمتان مرحوم حمید شاهی یکی از فروشندگان زحمتکش مطبوعات درتبریز را به جنابعالی تسلیت عرض نموده و ازخداوند متعال برای بازماندگان صبر وشکیبائی آرزومندیم .

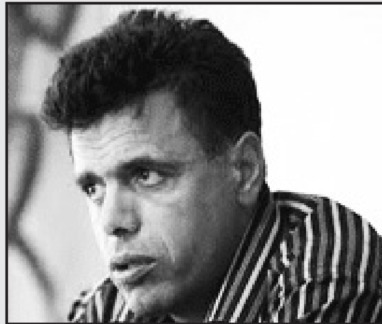
دایره توزیع روزنامه اطلاعات در تبریز
داود فرنود بیرنگ -محمد وردینلو -وحید فخیم حبیب زاده

جناب آقای عین اله غضنفری

بدینوسیله درگذشت پدر بزرگوارتان را تسلیت گفته و از خداوند متعال برای آن مرحوم آمرزش و برای جنابعالی وخانواده محترمتان صبر وسلامتی مسئلت می نماید .

سرپرستی نمایندگان وخبرنگاران موسسه اطلاعات
در آذربایجان شرقی و همکاران دفتری درتبریز

حسین خطیبی سرمربی جدید ماشین سازان



تبریز-خبرنگار اطلاعات: مسئولان تیم ماشین سازی تبریز در پی نتایج بسیار ضعیف این تیم، باز هم مربی خود را تغییر دادند.
مسئولان باشگاه ماشین سازی تبریز قبل از شروع مسابقات دسته اول ناصر ابراهیمی را به عنوان سرمربی خود انتخاب کرده بودند ولی با شروع رقابت ها مربی خود را به یکباره تغییر دادند و سکان هدایت تیم را به علیرضا اکبرپور مربی جوان تبریزی سپردند.
ماشین سازان فصل را خوب شروع نکردند و هفته به هفته نتایج ضعیف تری را کسب می کردند و حتی واگذاری باشگاه به یک موسسه مالی هم نتوانست نتایج این تیم را تغییر بدهد، تا اینکه در هفته یازدهم رقابت ها، مالکان جدید تیم علیرضا اکبرپور را که تنها توانسته بود هفت امتیاز کسب بکند برکنار کردند و علی اصغر اعتباری را جانشین وی کردند..
با شروع کار علی اصغر اعتباری در این تیم کم کم بعضی از بازیکنانی که با علیرضا اکبرپور به این تیم آمده بودند با مربی جدید خود به مشکل برخوردند. تا در نهایت نیم فصل مسابقات فرا رسید و سبز پوشان تبریز با همان هفت امتیاز زمان مربیگری اکبرپور نیم فصل اول را به پایان رساندند.
مسئولان تیم که اصلاً از عملکرد اعتباری رضایت ندارند، حسین خطیبی را جانشین علی اصغر اعتباری کردند.
حسین خطیبی در طول دهه هفتاد یکی از بهترین مهاجمان ایران بود و توانسته است در آن زمان عنوان آقای گلی مسابقات تخت جمشید را کسب بکند.

اصغر گلی زاده به تیم ملی شطرنج کشور دعوت شد

تبریز-خبرنگار اطلاعات: نفرات منتخب برای حضور در اردوی تیم های ملی شطرنج اعلام شد که در این بین، نام استاد بزرگ شطرنج تبریزی نیز دیده می شود.
اصغر گلی زاده که در رقابت های قهرمانی کشور در زاهدان توانست با شکست دادن رقبای قدر خود همچون احسان قائم مقامی و پوریا درینی برای اولین بار به مقام قهرمانی کشور دست یابد و جام قهرمانی را برای اولین بار در تاریخ شطرنج کشور به استان بیاورد، نیز در لیست دعوت شدگان به تیم ملی حضور دارد.

احمد پاسی:
آماده تر از قبل به ماشین سازی بازگشته ام

تبریز - خبرنگار اطلاعات: مهاجم تازه وارد تیم فوتبال ماشین سازی تبریز گفت: آماده تر از قبل به تیم ماشین سازی بازگشته ام.
احمد پاسی اظهار داشت: خوشحالم که دوباره به تیم شهرم بازگشته ام و امیدوارم که این بازگشت من همراه با موفقیت قدیمی ترین تیم فوتبال تبریز در نیم فصل دوم مسابقات فصل جاری باشد.
وی با بیان اینکه آماده تر از قبل به تیم ماشین سازی بازگشته است، عنوان داشت: من دو فصل پیش در تیم ماشین سازی دوران خوبی را سپری کردم و توانستم با ۱۱ گل زده یکی از بهترین گلزنان لیگ دسته اول لقب بگیرم.
پاسی افزود: اکنون که دوباره به تیم ماشین سازی بازگشته ام، ادعا می کنم که آماده تر از دو فصل پیش هستم و هواداران منتظر گلهای من در نیم فصل دوم باشند.
مهاجم تبریزی ماشین سازان تصریح کرد: از هواداران می خواهیم که مثل همیشه به حمایت خود از ماشین سازی ادامه دهند، ما هم نهایت توان خود را به کار می گیریم تا تیم ریشه دار شهرمان را حتما در لیگ دسته اول نگه داریم.

دبیر علمی سومین جشنواره کتاب سال تبریز منصوب شد

تبریز-خبرنگار اطلاعات: دبیر علمی اجرایی سومین جشنواره کتاب سال تبریز منصوب شد.
مدیر عامل سازمان فرهنگی هنری شهرداری تبریز با اشاره به سوابق محمد رمضانی گفت: نظر به سوابق درخشان و تجارب ارزنده و ارزشمند ایشان در زمینه های مختلف فرهنگی، هنر و ادبیات داستانی وی به عنوان دبیر علمی این جشنواره منصوب می شود.
محمد رمضانی نویسنده و داستان نویس مقیم تبریز است که تاکنون آثار و کتاب های متعددی منتشر کرده است. وی متولد سال ۱۳۴۳ در مراغه است. وی لیسانس تئاتر بوده و در جشنواره های مختلف فرهنگی و ادبی کشور موفق به کسب رتبه های ممتاز شده است.
رمضانی، مترجم برگزیده در ششمین جشنواره مطبوعات کودک و نوجوان کشور در سال ۱۳۸۰ بوده و در هفتمین جشنواره مطبوعات کودک و نوجوان کشور در سال ۱۳۸۲ به عنوان طنزنویس برگزیده انتخاب شد. وی همچنین به عنوان مقام اول نمایشنامه نویسی در کنگره پرسش مهر رئیس جمهور ۱۳۸۵ شناخته شده است.
از جمله آثار وی می توان به کتابهای «باغبان، ژنرال و عطر گل‌سرخ» (۱۳۷۳)، معجزه اشک آبی(۱۳۷۳)، روز پرواز کبوتران(۱۳۸۱)، ماجراهای شیرین از زندگی شیرین یک فرماندار(۱۳۸۳)، دست زدن ممنوع (۱۳۸۷)، کلاغها مهربان هستند، مهربان و تنها(۱۳۸۸) اشاره کرد.
وی همچنین مجموعه داستان های پدرم خنده را به خانه می آورد و نفت می سوزد، آتش می سوزاند را زیر چاپ دارد.



محمد رمضانی همچنین در فیلمنامه‌های سریال ۲۷ قسمتی رسم شیدایی به کارگردانی اکبر خواجویی، فیلم کوتاه توپ به کارگردانی یدالله نوعصری، فیلم کوتاه یک با یک برابر نیست به کارگردانی محمدرضا آزادگر و فیلم کوتاه از لج آینه به کارگردانی حسین پورستار، سریال ۱۳ قسمتی کلفچه و تله تئاتر سه قسمتی شرافت به عنوان نویسنده فیلم نامه حضور داشته است.
از مسئولیت های وی می توان به مدرسی گروه هنر مراکز تربیت معلم تبریز به مدت ۱۲ سال، عضویت در کمیته ادبیات داستانی کشور در سال ۱۳۸۲، سرپرستی کارگاه داستان حوزه هنری آذربایجان شرقی به مدت پنج سال، داوری جشنواره‌های مختلف تئاتر و داستان‌نویسی در سطح استان و کشور، عضویت در هیات بازبینی و هیات بازخوانی جشنواره‌های مختلف تئاتر در سطح استان و فرهنگ یار واحد فرهنگ مردم سازمان صدا و سیما اشاره کرد.

هزینه ۳۲۰۰ میلیارد ریالی برای احداث سد خداآفرین

تبریز-خبرنگار اطلاعات: مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای آذربایجان‌شرقی از صرف هزینه ۳ هزار و ۲۰۰ میلیارد ریالی برای احداث سد خداآفرین خبر داد.
احمد علیرضابیگی از روند احداث سد قیزقلعه‌سی، طرح آبیاری و زهکشی خداآفرین و طرح پمپاژ قارلوجه بازدید و بر تسریع در اجرای این طرح‌ها تاکید کرد.
مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای آذربایجان‌شرقی در جریان این بازدید اظهار کرد: احداث سد خداآفرین اثرات بسیار خوبی بر منطقه داشته و تاکنون برای ساخت این سد و تاسیسات وابسته به آن بیش از سه هزار و ۲۰۰ میلیارد ریال اعتبار هزینه شده است.
ارسلان هاشمی افزود: در پنج سال گذشته بیشترین اعتبارات به طرح‌های آبی شهرستان خداآفرین اختصاص یافته و در این مدت چهار هزار و ۹۶۰ میلیارد ریال در این بخش هزینه شده است.
ارسلان هاشمی در خصوص سد قیزقلعه‌سی نیز گفت: این سد با ۶۲ میلیون متر مکعب ظرفیت، ۴۸ درصد پیشرفت فیزیکی دارد.
هاشمی همچنین از احداث نیروگاه سد خداآفرین با ۱۰ درصد پیشرفت فیزیکی و یک‌هزار و ۳۰ میلیارد ریال اعتبار خبر داد.
وی همچنین در مورد طرح پمپاژ قارلوجه گفت: با بهره‌برداری از این طرح تا دهه فجر امسال یک‌هزار و ۳۰۰ هکتار از اراضی منطقه زیر کشت بهاره خواهد رفت.
مسعود محمدیان، رئیس سازمان جهاد کشاورزی هم در خصوص پروژه احداث شبکه آبیاری تحت فشار اراضی پایاب سد خداآفرین گفت: وسعت اراضی پایاب سد خداآفرین ۳۰ هزار هکتار است که در فاز اول تامین آب شش هزار هکتار از آن در دستور کار قرار دارد.

بازگرداندن پول نقد و اوراق بهادار جامانده در اتوبوس با ارزش ۳۵ میلیون ریال

تبریز-خبرنگار اطلاعات: راننده زحمتکش شرکت واحد اتوبوسرانی تبریز و حومه که کیفی حاوی پول نقد و اوراق بهادار به ارزش ۳۵ میلیون ریال را در اتوبوس خود پیدا کرده بود، به صاحبش بازگرداند.
این راننده با وجدان که ابوالفضل زارع نژاد نام دارد، در مسیر تندرو کیفی حاوی پول نقد و اوراق بهادار به ارزش ۳۵ میلیون ریال در اتوبوس خود پیدا کرده بود که پس از پیدا کردن شماره تلفن از داخل کیف و تماس با آن کیف را به صاحب اصلی آن تحویل داد
شایان ذکر است پول نقد و اوراق بهادار مذکور متعلق به موسسه خیریه مهر رضوان تبریز بوده که مدیر عامل موسسه فوق ضمن ارسال نامه ای از امانتداری رانندگان شرکت واحد تقدیر و تشکر نمود.

پیرزن ۸۵ ساله در اثر مسمومیت با مونوکسید کربن جان باخت



تبریز-خبرنگار اطلاعات: مسئول روابط عمومی مرکز مدیریت حوادث و فوریت های پزشکی آذربایجان شرقی از جان باختن یک نفر در اثر گازگرفتگی خبر داد.
حبیب حسینقلیزاده گفت: یک مورد گازگرفتگی در منطقه زعفرانیه تبریز به اورژانس ۱۱۵ گزارش شد.
وی ادامه داد: تکنسین های اورژانس پس از حضور در محل سانحه متوجه شدند پیرزنی ۸۵ ساله بر اثر مسمومیت با گاز مونوکسید کربن در حمام جان خود را از دست داده است.
وی افزود: بر اساس شواهد موجود در محل حادثه، این پیرزن به تنهایی زندگی می کرده و همسایه ها بعد از سه ساعت متوجه مرگ وی شده بودند.

جلسه شورای فرهنگ عمومی شهرستان بستان آباد برگزار شد

تیکمه داش - خبرنگار اطلاعات: سومین جلسه شورای فرهنگ عمومی در سالن اجتماعات فرمانداری برگزار گردید.
در این جلسه حاضران به مشکلات فرهنگی از جمله مشکلات کانالهای تلویزیون ملی درسطح شهرستان، ماهواره، حجاب، اعتیاد، تورم و گرانی اشاره کردند.
در این راستا فرمانده محترم نیروی انتظامی گزارشی از وضعیت استفاده از ماهواره، اعتیاد و راهنمایی و رانندگی ارائه کرد.
از جمله بحث های مهم جلسه توجه بیشتر به برگزاری مراسمات ملی و مذهبی بود.
بحث دیگر جلسه نظارت در مداحان در مراسمات مذهبی محرم و صفر بخصوص علم گردانی در ماه محرم بود.
در ادامه رئیس کتابخانه های عمومی به بیان اقدامات صورت گرفته و برنامه های این نهاد در امر حجاب ازجمله توزیع کتاب بین خانواده ها اشاره کرد.
فرماندار شهرستان هم خواستار توجه به متغیر های فرهنگ عمومی ازجمله جغرافیای طبیعی ، تاریخ ، حوادث و... شد.
وی همچنین به بیانات مقام معظم در مورد توجه به سبک زندگی مردم و نادیده گرفتن نقش زنان در امر حجاب اشاره کرد. در ادامه فرماندار خواستار شرکت دستگاههای مرتبط با امر فرهنگ جامعه در امور فرهنگی شد که به نوعی خود را کنار کشیده اند و لذا در این راستا مقرر گردید کمیته بندی امور فرهنگی شهرستان توسط ادارات مربوط در شهرستان صورت گیرد و همچنین در کنار این هم فرماندار خواستار توجه هرچه بیشتر به مبلمان شهر از طرف شهرداری و مسئولین شدند.
آقای رضوی امام جمعه شهرستان و رئیس جلسه هم در مورد مباحث جلسه توضیحاتی ارائه دادند و در پایان جمع بندی از مباحث صورت گرفت.